

سیدہ الزہراء
نور فاطمہ زہرا



کتابخانہ دیجیٹل
www.noorfatemah.org



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فلاح السائل

نویسنده:

سیّد بن طاووس

ناشر چاپی:

سازمان تبلیغات اسلامی، شرکت چاپ و نشر بین الملل

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

فهرست	۵
فلاح السائل	۱۸
مشخصات کتاب	۱۸
مقدمه مؤلف	۱۸
مقدمه	۱۸
سبب تالیف کتاب	۲۰
دفع یک شبهه	۲۱
اسناد روایات این کتاب	۲۴
روش تالیف این کتاب	۲۴
فهرست جزء اول و دوم کتاب	۲۵
فصل اول : عظمت نماز و پیامدهای سبک شمردن آن	۲۷
فصل دوم : شرایط نمازی که انسان را از کردار و گفتار زشت باز می دارد	۲۷
فصل سوم : فضیلت و آثار دعا از دیدگاه قرآن	۲۸
فصل چهارم : فضیلت و آثار دعا از دیدگاه روایات	۲۹
فصل پنجم : برتری دعا و مناجات از تلاوت قرآن	۳۰
افضل بودن دعا از دیدگاه روایات	۳۱
افضل بودن دعا از دیدگاه عقل	۳۱
فصل ششم : شرایط اجابت دعا از دیدگاه عقل	۳۲
احساس ذلت در پیشگاه حضرت حق	۳۲
مقدم داشتن مقصود حضرت حق و اشتغال به یاد او	۳۲
عواقب سوء غفلت در حال دعا	۳۳
فصل هفتم : شرایط اجابت دعا از دیدگاه روایات	۳۳
۱- رُغْبَت ، رَهْبَت ، تَضَرُّع ، تَبَتُّل ، اِیْتِهَال	۳۳

- ۲ - بجا آوردن مدح و ثنای خداوند پیش از درخواست حوائج ۳۴
- ۳-فرستادن صلوات بر پیامبر اکرم (ص) ۳۵
- ۴ - پاکیزه بودن از مظالم بندگان در حال دعا ۳۵
- ۵ - معذور ندانستن ظالم در ظلم خود ۳۵
- ۶ - جبار و سرکش نبودن ۳۶
- ۷ - دعا با قلب پاک و نیت صادق ۳۶
- ۸ - دعا نکردن ، درباره دفع ستمی که مثل آن را به دیگری روا داشته باشد ۳۶
- ۹ - پرهیز از گناه بعد از دعا ، تا مبادا گناهانش او را از نیل به آرزویش بازدارد ۳۶
- ۱۰ - توبه از گناهان و صلاح و صدق در حال دعا ۳۶
- ۱۱ - حضور قلب ، و تمایل نداشتن به دنیا ۳۸
- ۱۲- عدم غفلت و اشتغال نداشتن به امور بیهوده ۳۸
- ۱۳ - ترک نکردن امر به معروف و نهی از منکر ۳۸
- ۱۴ - نفرین نکردن بر دوست ۳۸
- ۱۵ - پاکیزگی خوراک و پرهیز از حرام خوری ۳۸
- ۱۶ - داشتن انگشتی نقره با نگین فیروزه ۳۸
- ۱۷ - داشتن انگشتی عقیق ۳۹
- ۱۸ - دعا نکردن پیرامون قطع ارتباط با خویشاوندی که قطع آن جایز نیست ۳۹
- ۱۹ - در نظر داشتن مقصود خداوند از دعا و مقدم داشتن آن برخواست خود ۳۹
- فصل هشتم : فواید مناجات و فضیلت دعادرغیاب مؤمنین و برای حضرت حجت (عج) ۳۹
- فواید محافظت بر مناجات از راه عقل ۳۹
- فوائد مواظبت بر مناجات از راه نقل ۴۰
- فصل نهم : احکام و آداب مقدمات طهارت و ادعیه آن ۴۲
- آداب معنوی هنگام رفتن به توال ۴۲
- احکام و آداب هنگام رفتن به توال ۴۳

۴۳	آداب و ادعیه هنگام رفتن به توالت
۴۴	شرایط آب
۴۴	فصل دهم : آداب معنوی طهارت از دیدگاه عقل
۴۵	فصل یازدهم : احکام و آداب و ادعیه وضو
۴۵	کیفیت وضو گرفتن
۴۶	احکام و آداب وضوء
۴۶	مُبطلات وضوء
۴۶	فصل دوازدهم : احکام و آداب تیمم بدل از وضو
۴۶	احکام تیمم
۴۷	عذرهایی که موجب تیمم می شود
۴۷	کیفیت تیمم
۴۷	فصل سیزدهم : احکام و آداب غسل از دیدگاه عقل و نقل
۴۷	آداب معنوی غسل
۴۷	اقسام غسلها
۴۸	کیفیت غسل
۴۹	احکام غسلهای مخصوص زنان
۴۹	الف-حیض
۴۹	ب-نفاس
۴۹	ج-استحاضه
۴۹	تفصیل احکام حیض
۵۱	غسلهای مستحبی
۵۱	غسل مَیت و امور قبل و بعد از آن
۵۱	مرگ در دیدگاه توده مردم
۵۲	مرگ در دیدگاه اولیاء

اصلاح اعمال و آمادگی برای مرگ	۵۲
احکام و آداب نوشتن وصیت نامه	۵۳
اخلاص در باقی گذاشتن اموال برای وارثان	۵۴
ذکر امور مورد نیاز در حال مرگ و بعد از آن	۵۴
نسخه نوشتاری که در کنار جریده (۶۷) ، همراه میت می گذارند	۵۵
وظایف دیگران نسبت به محتضر	۵۶
کیفیت دفن اموات	۵۶
نمازی که بعد از دفن میت در کنار قبر خوانده می شود	۵۸
کیفیت زیارت قبور اموات	۵۸
اشکال و جواب	۵۹
فرستادن غذا برای افراد خانواده میت و اقامه مجلس عزاء	۵۹
ذکر عملی که پیش (۹۸) از شب اول دفن انجام می شود	۵۹
با وفا بودن نسبت به اموات	۵۹
نمازی هدیه به اموات	۶۰
فصل چهاردهم : احکام و آداب تیمم بدل از غسل	۶۰
احکام و آداب تیمم	۶۰
کیفیت تیمم بدل از غسل	۶۰
شرایط لباس و مکان نماز	۶۱
صدق در پوشیدن لباس و مقصود از آن	۶۱
دیگر احکام لباس نمازگزار	۶۱
اخلاص و حضور قلب در انتخاب مکان نماز	۶۱
صدق در انتخاب مکان نماز و مقصود از آن	۶۲
بهترین مکان برای نماز	۶۲
ذکر فضیلت بعضی از مساجد و تفاوت نماز خواندن در آنها	۶۲

کیفیت دخول در مسجد	۶۳
بهترین مکان برای خواندن نماز واجب و مستحب	۶۴
فصل پانزدهم : تعیین نخستین نماز واجب و اینکه آن همان صَلَاةٌ وُشْطٰی است .	۶۴
نماز ظهر نخستین نماز واجب	۶۴
نماز ظهر ، همان صَلَوةٌ وُشْطٰی است	۶۴
معنای وُشْطٰی	۶۵
فصل شانزدهم : اعمال وقت زوال آفتاب و ظهر	۶۶
دعا و تَضَرُّع و زاری	۶۶
ذکر دعاهایی که جهت استجابت دعا پیش از آن خوانده می شود	۶۶
فصل هفدهم : اسرار نماز و ذکر نافله های ظهر	۶۸
مطلب اول : اسرار نماز ، و مراقبه قلبی و مراعات ادب و حفظ حرکات	۶۸
مقدمه	۶۸
۱- نیت نماز	۶۸
۲- ذکر تکبیرة الاحرام	۶۸
۳- ذکر توجه و گفتن وَجَّهْتُ وَجْهِيَ لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ . . .	۶۹
۴- آداب ستایش و ثنای پروردگار	۷۱
۵- آداب در هنگام گفتن : اِیَّاكَ نَعْبُدُ ، وَ اِیَّاكَ نَسْتَعِیْنُ (۱۱۷)	۷۱
۶- آداب نمازگزار در دعاهای نماز	۷۲
۷- ذکر آداب معنوی قرائت قرآن	۷۳
۸- آداب معنوی رکوع	۷۳
۹- آداب سجده	۷۴
۱۰- تشهّد و گواهی دادن به یگانگی خداوند - جَلّ جلاله -	۷۸
۱۱- شهادت به رسالت حضرت محمّد(ص)	۷۹
۱۲- صلوات بر حضرت محمّد(ص)	۸۰

۸۰	۱۳- سلام نماز
۸۲	مطلب دوم : نافله های نماز ظهر ، همان نماز آوابین (۱۴۷) است
۸۲	مطلب سوم : استخاره کردن در هنگام نافله های ظهر
۸۳	مقدمه
۸۳	۱- علت تعیین اوقات مشخص برای نمازهای پنجگانه
۸۴	۲- عظمت نماز از دیدگاه روایات
۸۴	۳- سوره هایی که به طور عموم در نافله ها قرائت می شوند
۸۴	۴- سوره هایی که معمولاً در نوافل ظهر خوانده می شوند
۸۵	۵- شناخت قبله
۸۶	۶- مواردی که توجه به هفت تکبیر افتتاح مستحب است
۸۸	۷- کیفیت انجام نافله های ظهر و تعقیب و دعا و ابتهال و تضرع
۸۸	کیفیت انجام نافله های ظهر
۹۰	تعقیبات و دعاهای نافله های ظهر
۹۸	فصل هیجدهم : آداب و اسرار اذان و اقامه از دیدگاه روایات
۹۸	اسرار اذان و اقامه از دیدگاه روایات
۹۸	مقدمه
۹۸	روایت منقول از امیرالمؤمنین (ع)
۱۰۰	روایت منقول از ابن عباس رضوان الله علیه
۱۰۱	وقت اذان ظهر
۱۰۲	کیفیت و بخشی از احکام اذان و اقامه
۱۰۲	مقدمه
۱۰۲	اعمال بین اذان و اقامه از دیدگاه روایات
۱۰۳	کیفیت گفتن اقامه
۱۰۴	دعای بعد از اقامه

۱۰۴	فصل نوزدهم : آداب و اسرار نماز ظهر و تعقیبات آن
۱۰۴	نماز ، فرونشاندن آتشهای وجودی انسان
۱۰۵	توجه به اینکه این نماز ، آخرین نماز اوست
۱۰۵	نکوهش وارد شدن در نماز با حالت کراهت
۱۰۷	نکوهش عجله در خروج از نماز
۱۰۷	ثمره نماز با حضور قلب
۱۰۸	حالات معصومین (علیهم السلام) در شروع نماز
۱۰۸	[کیفیت] انجام نماز ظهر
۱۰۸	بهترین سوره هایی که در نماز واجب خوانده می شود
۱۰۹	تشهد مستحبی نماز
۱۱۰	نحوه سلام گفتن در نماز فردای و جماعت
۱۱۰	تعقیبات مشترک نمازهای واجب
۱۱۰	گفتن سه تکبیر
۱۱۰	علت گفتن سه تکبیر در تعقیب نماز
۱۱۰	ثمره تعقیب با نشاط
۱۱۱	سجده شکر
۱۱۱	روایتی پیرامون سجده و دعا بعد از سلام نماز اهل بیت
۱۱۲	فضیلت تسبیح فاطمه زهراء (علیهاالسلام)
۱۱۲	فضیلت تسبیحات اربعه در تعقیبات نماز
۱۱۳	دعایی جهت محفوظ ماندن از خطرات
۱۱۳	قرائت سوره قلُّ هُوَ اللَّهُ اَخَذَ و دعای امیرالمؤمنین (ع)
۱۱۴	دعایی جهت آمرزش گناهان
۱۱۴	دعا برای طول عمر
۱۱۴	دعا جهت حفظ

۱۱۵	دعا جهت برآورده شدن حواجج
۱۱۵	دعای امام صادق (ع) در تعقیب نمازها
۱۱۷	دعا برای حضرت مهدی (ع)
۱۱۷	دعای رسول خدا(ص) در تعقیب نمازظهر
۱۱۸	دعای امیرالمؤمنین (ع) در تعقیب نمازظهر
۱۱۹	دعای حضرت فاطمه زهراء(علیهاالسلام) در تعقیب نمازظهر
۱۲۲	دعاهای امام صادق (ع) در تعقیب نمازهای واجب
۱۲۳	دعای امام صادق (ع) در تعقیب نمازظهر
۱۲۵	دعای حضرت مهدی (ع) در تعقیب نمازهای واجب
۱۲۷	دعا برای جبران غفلتها و گناهان قلبی در نماز
۱۲۹	دعای گذشته به روایت دیگر
۱۳۰	آخرین دعا در تعقیب نماز
۱۳۰	سجده شکر، و آداب ظاهری و معنوی آن
۱۳۰	سجده شکر امام کاظم (ع) بعد از نماز
۱۳۱	اعمال بعد از سجده شکر
۱۳۲	فضیلت نماز واقعی از دیدگاه روایت
۱۳۴	فصل بیستم: آداب و اسرار و تعقیبات نافله های نماز عصر
۱۳۴	اهمیت دعاهای وارده در تعقیب نافله های عصر
۱۳۴	کیفیت انجام نوافل عصر
۱۳۴	دعای بعد از سلام دو رکعت دوم
۱۳۵	دعای بعد از سلام دو رکعت سوم
۱۳۶	دعاهای مختلف حضرت یوسف (ع)
۱۳۷	علت اختلاف دعاهای حضرت یوسف (ع)
۱۳۷	دعای بعد از سلام دو رکعت چهارم

۱۳۹	فصل بیست و یکم : آداب و اسرار نماز عصر و تعقیبات آن
۱۳۹	کیفیت انجام نماز عصر
۱۳۹	تعقیبات مخصوص نماز عصر
۱۳۹	استغفار و آداب باطنی استغفار و حضور قلب در آن
۱۴۰	فضیلت و آداب قرائت سوره إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي نَزِيلٍ عَرَبِيٍّ مُبِينٍ در تعقیب نماز عصر
۱۴۰	دعا برای حضرت مهدی (ع)
۱۴۱	دعا جهت زدودن گناهان
۱۴۲	دعای امیرالمؤمنین (ع) بعد از نماز عصر
۱۴۳	دعای حضرت زهراء (علیهاالسلام) در تعقیب نماز عصر
۱۴۶	دعای امام صادق (ع) در تعقیب نماز عصر
۱۴۸	کیفیت سجده شکر در تعقیب نماز عصر
۱۴۹	اعمال بعد از سجده شکر و اتمام نماز
۱۵۰	فصل بیست و دوم : محاسبه و اصلاح نامه عمل و ادعیه هنگام غروب آفتاب
۱۵۰	لزوم محاسبه و توبه از گناهان
۱۵۳	کیفیت محاسبه و مناجات با پروردگار
۱۵۵	اعمال وقت طلوع و غروب آفتاب
۱۵۵	برخیز و دعا کن
۱۵۶	اَعْمَسِي ظُلْمِي مُسْتَجِيرًا بِعَفْوِكَ
۱۵۶	تسبیح و تهلیل
۱۵۶	يَا مَنْ خَتَمَ التَّائِبَةَ بِمُحَمَّدٍ (ص)
۱۵۶	صد بار تکبیر خداوند
۱۵۷	اَللّٰهُمَّ ، مُقَلِّبِ الْقُلُوبِ وَالْأَبْصَارِ
۱۵۷	سنت واجب
۱۵۷	اَعُوْذُ بِاللّٰهِ السَّمِيعِ الْعَلِيمِ

۱۵۷	اِءْخَطْتُ عَلَى نَفْسِي
۱۵۸	اِءْلَلَهُمْ ، اِنِّى اِءْشْهَدُكَ
۱۵۸	سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ ، [وَأَسْبَحَانَ اللَّهَ الْعَظِيمَ]
۱۵۸	دعای عشرات
۱۶۲	دعای امیرالمؤمنین (ع) در لَيْلَةُ الْمُبِيت
۱۶۳	اِءْلَلَهُمْ ، اِنِّى اِءْشَاءُ لَكَ
۱۶۳	رَبِّیَ اللَّهُ
۱۶۴	اِءْلْحَمْدُ لِلَّهِ عَدَدَ مَا خَلَقَ
۱۶۵	بِسْمِ اللَّهِ ، بِاللَّهِ ، وَ مِنْ اللَّهِ
۱۶۵	اِءْلْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی لَمْ یَتَّخِذْ وَلَدًا
۱۶۶	مجموعه دعاهاى سَر (۲۴۱)
۱۶۸	اِءْلَلَهُمْ ، مَا قَصُرْتُ عَنْهُ مَسْئَلَتِی
۱۶۸	پایان بردن روز با استغفار
۱۶۸	حالت توجه و توسل در پایان روز
۱۶۹	خدا حافظی از دو فرشته روز
۱۶۹	فصل بیست و سوم : کیفیت ملاقات با دو فرشته نگاهبان بر اعمال و نحوه انجام نماز مغرب
۱۶۹	اهمیت استقبال از دو فرشته نگاهبان اعمال
۱۶۹	کیفیت ملاقات و سلام به دو فرشته نگاهبان بر اعمال
۱۷۰	نحوه سپردن اعمال قضا شده به فرشتگان
۱۷۰	دعای وقت شنیدن اذان صبح و مغرب
۱۷۰	دعای بعد از فراغت از اذان
۱۷۱	کیفیت اقامه و نماز مغرب
۱۷۱	تعقیبات مخصوص نماز مغرب
۱۷۳	فاصله بین نماز مغرب و عشا ، وقت مخصوص مناجات با خدا

۱۷۳	فصل بیست و چهارم : آداب اسرار و ادعیه و نافله های مغرب و ادامه تعقیبات نماز مغرب
۱۷۳	مقدمه
۱۷۳	سوره های مخصوص نافله های مغرب
۱۷۴	دعای مخصوص آخرین سجده نافله های مغرب
۱۷۴	کیفیت دو رکعت نخست نافله های نماز مغرب
۱۷۵	کیفیت انجام دو رکعت دیگر نافله های مغرب
۱۷۷	ادامه تعقیبات مخصوص نماز مغرب (۲۵۳)
۱۷۷	دعای امیرالمؤمنین (ع) در تعقیب نماز مغرب
۱۷۸	دعای حضرت فاطمه زهراء (علیهاالسلام) در تعقیب نماز مغرب
۱۸۱	دعای امام صادق (ع) در تعقیب نماز مغرب
۱۸۳	وقت انجام سجده شکر
۱۸۴	کیفیت انجام دو سجده شکر
۱۸۴	فصل بیست و پنجم : نمازهای مستحبتی بین نافله های نماز مغرب و عشا
۱۸۴	فضیلت نماز مستحبتی بین نماز مغرب و عشاء
۱۸۴	نمازهای مستحبتی بین نماز مغرب و عشا
۱۸۶	آخرین تعقیب نماز مغرب
۱۸۶	فصل بیست و ششم : آداب و اسرار و تعقیبات مخصوص نماز عشا
۱۸۶	بهترین وقت نماز عشا
۱۸۷	تعقیبات مختص به نماز عشا
۱۸۷	دعای امیرالمؤمنین (ع) در تعقیب نماز عشا
۱۸۸	دعای حضرت زهرا (علیهاالسلام) در تعقیب نماز عشا
۱۹۱	دعای امام صادق (ع) در تعقیب نماز عشاء
۱۹۳	کیفیت انجام سجده شکر بعد از نماز عشا
۱۹۴	درخواست وسعت روزی

هفت بار سوره إِنَّا أَعَزُّنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ	۱۹۴
دعای ابن خانبه	۱۹۵
فصل بیست و هفتم : کیفیت خواندن نماز فرج بعد از نماز عشا	۱۹۵
فصل بیست و هشتم : نمازهای دیگر بعد از نماز عشا	۱۹۵
نماز جهت درخواست روزی	۱۹۵
نماز دیگر بعد از نماز عشا(۲۷۳)	۱۹۵
فصل بیست و نهم : آداب و تعقیبات نماز وَتَّيْرَه و نافله عشا	۱۹۶
سوره هایی که در نماز و تیره قرائت می شود	۱۹۶
کیفیت نماز وَتَّيْرَه	۱۹۶
تعقیب نماز وَتَّيْرَه	۱۹۶
فصل سی ام : نمونه ای از حالات معصومین (علیهم السلام) در شب و آداب پیش از خواب	۲۰۰
پرهیز از گناه در شب	۲۰۰
شب بیداری پیامبر اکرم (ص) و گروهی از مؤمنان	۲۰۱
نمونه ای از شب بیداری و حالات امیرالمؤمنین (ع)	۲۰۱
اشکال و جواب ، و حالات شیعیان واقعی در شب	۲۰۲
نمونه ای از حالات امام حسن (ع)	۲۰۳
کثرت عبادت امام حسین و امام زین العابدین (علیهماالسلام)	۲۰۳
حالت امام صادق (ع) در حال لَبَّيْک گفتن	۲۰۳
کمترین عمل در شب	۲۰۴
علت خواب ماندن از نماز شب	۲۰۴
توجهات معنوی و توبه در هنگام خوابیدن	۲۰۴
آداب و اعمال پیش از خواب	۲۰۶
الف - آداب وقت در قرار گرفتن در رختخواب	۲۰۶
ب - اعمال و آداب بعد از دراز کشیدن در رختخواب	۲۰۷

۲۱۰	فضیلت و آثار و فوائد اعمال وقت خواب
۲۱۰	فضیلت و آثار و فوائد اعمال وقت خواب
۲۱۰	فضیلت تسبیح حضرت زهرا (علیها السلام)
۲۱۰	فضیلت قرائت سوره إنا أنزلناه
۲۱۱	فضیلت قرائت سوره اءلھکم التکائر
۲۱۱	فضیلت قرائت آیه إِنَّ اللَّهَ يُمِیْسُکُ . . .
۲۱۱	فضیلت قرائت آیه الكرسی و موعودتین
۲۱۱	فضیلت قرائت آخر سوره بنی اسرائیل و کهف
۲۱۲	ترس از ایمنی از احتلام
۲۱۲	ایمنی از دزد
۲۱۲	در امان ماندن از کشته شدن [یا : سرقت]
۲۱۲	اعمال دیگر پیش از خواب
۲۱۲	اعمالی جهت دفع بی خوابی
۲۱۳	ذکر عملی جهت خواب دیدن رسول خدا(ص)
۲۱۳	ذکر عملی جهت ابلاغ سلام به خدمت رسول اکرم (ص)
۲۱۴	دعایی جهت خواب دیدن امیرالمؤمنین (ع)
۲۱۴	ذکر عملی جهت به خواب دیدن اموات فامیل
۲۱۴	اعمالی جهت بیدار شدن برای دعا و استغفار و نماز شب و اموردیگر
۲۱۵	اعمال هنگام پهلوی به پهلوی شدن در رختخواب
۲۱۶	ذکر عملی هنگام دیدن رؤیای ناخوشایند
۲۱۶	خاتمه جلد اول کتاب
۲۱۷	درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فلاح السائل

مشخصات کتاب

سرشناسه : ابن طاوس، علی بن موسی، ۵۸۹-۶۶۴ق. عنوان قراردادی : فلاح السائل. فارسی - عربی عنوان و نام پدیدآور : فلاح السائل (سائل رستگار)/تالیف سید بن طاوس؛ ترجمه محمدرضا جباران. مشخصات نشر : تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، شرکت چاپ و نشر بین الملل، ۱۳۸۸. مشخصات ظاهری : دوازده، ۳۸۳ص. شابک : ۵۵۰۰۰ ریال: ۹۷۸-۹۶۴-۳۰۴-۳۴۵-۲ وضعیت فهرست نویسی : فاپا یادداشت : پشت جلد به انگلیسی : Sayyed Ibn Tavoos. Falah al-sael. یادداشت : کتابنامه به صورت زیرنویس. موضوع : دعاها موضوع : عبادات شیعه موضوع : نماز -- احادیث شناسه افزوده : جباران، محمدرضا، ۱۳۳۷ - ، مترجم شناسه افزوده : سازمان تبلیغات اسلامی. شرکت چاپ و نشر بین الملل رده بندی کنگره : BP۲۶۷/۵۵ الف ۲ف ۱۳۸۸ ۸۰۴۱ رده بندی دیویی : ۲۹۷/۷۷۲ شماره کتابشناسی ملی : ۱۸۳۵۶۶۵

مقدمه مؤلف

مقدمه

بسم الله الرحمن الرحيم ستایش می کنم خداوند - جلّ جلاله - را با زبان و دلی که از جُود آقا و معبودم به وجود آمده ، و از کرم آن خداوند گار ستوده سرچشمه گرفته اند؛ و اعتراف می کنم که خداوند - جلّ جلاله - خود بر من مَنّت نهاد و زبانم را به ستایش خود گشود ، و شایستگی ستودن مجد و عظمت مقدّسش را به من عنایت فرمود . و احساس می کنم که قلب و عقلم به خاطر تَضییع حقوق آن مقام والا ، و آزاد گذاشتن زبان و دیگر اعضايم در اشتغال شرمنده اند؛ به غیر وظایف ستایش خدا و تمجید پی در پی اش خوار و می بینم که دل و خردم با زبان حال بر زمانها و مکانهایی که در اشتغال به غیر او - جلّ جلاله - ضایع شده می گریند و ناله سرمی دهند ، و برای طلب عفو او به مهربانیا و بزرگواریهایش توسّل می جویند ، و از زبان حال آن بزرگواری و نیکوکاری گسترده سخنانی را می شنوند ، که از سویی ، به واسطه موافقت و امتثال اوامر الهی نوازشگرانه ، و به جهت دوری گرفتن و سرپیچی همراه با سرزنش است ، و شایسته آنند که از محضر ربوبی به آن دو خطاب شود : حمد و ستایش ، وظیفه کسی است که در حال حمد ، از بندهای بی ادبی رسته ، و به مراقبه و توجّه به مولایش که مالک روز حساب است اشتغال داشته باشد ، اما کسی که حقّ حرمت اشراف ما را فرو گذارده ، و به جای توجّه به دوام احسان و ما ، به امور دیگر مشغول باشد ، و وقتی به ستایش ما زبان می گشاید ، نمودار شناخت هیبت جلال و عظمت ما ، و یا خواری بندگی و در برابر اقبال و توجّه ما به او ، و یا خضوعی که در اثر تعظیم در برابر شکوه تسلّطمان حاصل می شود و یا اثر خوف و هراس به خاطر پی بردن به تقصیر در برابر حقوق نیکوکاری ما به او بر چهره ستایش او نقش نبسته باشد ، وظیفه چنین بنده بیمار آن است که از خداوند گار مهربان و بردبار و بزرگوار طلب عفو نماید؛ و گر نه اوقاتی را که می توانست به طهارت قلب و زبان و دیگر اعضایش بپردازد ، ضایع نموده ، و به جای احسان و ثنای ما به ثنای خود مشغول گشته ، و هم اکنون نیز فرصت مجدّد خویش را با کوتاهی و آرزوهای بیهوده و اصلاح نکردن اشتباهش تَضییع می کند ، و اگر بر این امر باقی بماند ، از خطر هلاکت و گمراهی ایمن نخواهد بود . و گواهی می دهم که معبودی جز خدا نیست ، گواهی دادنی که از جود او سرچشمه گرفته و به این بنده اش عنایت شده ، و به واسطه آن ، خداوند بر تمام و بندگانی که او را نشناخته اند ، برتری یافته است . و نیز گواهی می دهم که جلدّم حضرت محمّد بنده و فرستاده خدا ، گرامی ترین شخصیت از خواصّ درگاه الهی ، و برترین عارفی است که خداوند - جلّ جلاله - خلعت برگزیدگی را به تن او نمود . برترین دروهای

خداوند بر او و خاندانش باد، درودهایی که آن بزرگوار و خاندان او را به اوج کاملترین کمالات انسانی نایل گرداند! و همچنین گواهی می دهد که خداوند - جلّ جلاله - با دلیلهای عقلی و نقلی، عذری برای مردم نگذاشته، و پیشوایان و گواهانی را به بند گانش عنایت فرمود، و به وجودشان حجت را بر همه اهل مغرب و مشرق تمام، و آنچه را که مکلفین بدان نیاز دارند در ایشان به ودیعه گذاشت، و به رحمت و جود خود پرده از روی نشانه های درخشان و راهنمایان روشنگری برداشته که کسانی را که به پیشوایی آنان اعتقاد دارند به سوی خدا رهنمون می گردند، هم آنان که مقام و جایگاهشان با دیگران اشتباه نمی شود، و نور و نمودارشان بر هر کس که گفتار خداوند - جلّ جلاله - را (که عارفان آن را دریافته و بدان عمل نموده اند) باور داشته باشد، پوشیده نمی ماند، آنجا که می فرماید: وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيُعْبُدُونِ. (۱) - و جنّ و انس را تنها برای این آفریدم که مرا پرستند. زیرا از آنجا که مقصود خداوند - جلّ جلاله - از آفرینش بندگان این است که آنان به واسطه شناخت و عبادت او به سعادت‌مندی نایل آمده به بندگی و مراقبه و توجه به او مشرّف گردند (۲)؛ و از سوی دیگر، اگر حقّ از دیدگاهها و خواهشهای نفسانی مردم پیروی می کرد، تدبیر خداوند نسبت به امور جهان تباه می شد، چنانکه کتاب محفوظ خداوند - جلّ جلاله - بدان ناطق است، آنجا که می فرماید: وَلَوْ اتَّبَعَ الْحَقُّ أَهْوَاءَهُمْ لَفَسَدَتِ السَّمَوَاتُ وَالْأَرْضُ وَمَنْ فِيهِنَّ، بَلْ أَعْتَيْنَاهُمْ بِذِكْرِهِمْ، فَهُمْ عَنْ ذِكْرِهِمْ مُعْرِضُونَ. (۳) - و اگر حقّ، از خواهشهای نفسانی آنان پیروی می نمود، مسلماً آسمانها و زمین و تمام کسانی که در آنها وجود دارند تباه می شدند، بلکه ما می خواهیم آنان را تذکر دهیم، ولی آنان از ذکر و یادآوری روی گردانند. بنابراین، لازم است شخصیتی وجود داشته باشد که جلو تباهی خواهشهای نفسانی بندگان را گرفته و آنان را از اینکه دیدگاهها و نظریاتشان، خود و دیگران را نابود سازد بازدارند، یعنی کاملاً صفات حقّ را دارا باشد، به گونه ای که اگر از هوا و هوس آنها پیروی کند، موجب تباهی آنان شود. و این ویژگی معصوم است که بر همگان واجب است راه هدایت را به راهنمایی او پیموده و به او اقتدا نمایند. و مگر ممکن است دیدگاهها و خواهشهای نفسانی بندگان در تدبیر امور دینی و دنیوی آنان کافی باشد، و حال آنکه خداوند - جلّ جلاله - می فرماید: وَلَا يَزَالُونَ مُخْتَلِفِينَ. (۴) - و مردم پیوسته با یکدیگر اختلاف نظر دارند. از این رو، خداوند - جلّ جلاله - با اصلاح برخی از گزینشها و دیدگاههای عده ای از پیامبران و فرستادگانش (علیهم السلام) به خوبی روشن فرموده که هر کس مقامش از معصومین - صلوات الله علیهم اجمعین - پایین تر باشد، به اختیار و گزینش او، حجت خدا بر مردم به صورت آشکار و یقیناً تمام نمی شود. چنانکه برای حضرت آدم (ع) در گزینش خوردن از درخت بهشتی - بر اساس آنچه که صریح آیات قرآن دربردارد - (۵) و برای حضرت داود (ع) - چنانکه قرآن پیرامون برخی از دادرسیهای او بدان ناطق است - (۶) و برای حضرت موسی (ع) در گزینش هفتاد نفر از قوم خود برای وعده گاه دیدار پروردگار پیش آمد. (۷) بنابراین، اگر پسند و گزینش پیامبران، که به منتهی و نهایت مکاشفات و عنایات الهی نایل گشته اند، چنین باشد، و براستی نیازمند باشند که خداوند - جلّ جلاله - اموری را علیه و بلکه در بعضی از موارد بر له آنان اصلاح نماید، تدبیر کسانی که در کمال تدبیر و اراده، از آنان پایین ترند چگونه کافی خواهد بود؟ و اگر اختلاف اهل امانت و پرهیزگاری و کوشندگان در عبادت خدا، و فرهیختگان و زاهدان تمام فرقه های مسلمین را در نظر بگیری، می بینی که در تفسیر مقصود خداوند - جلّ جلاله - از بیشتر آیات کتاب خدا، و در توضیح سُنَن و آداب وارده در احادیث اختلاف نظر دارند، و خود نیک می دانی که بسیاری از آنان در ترک راه صواب عناد نداشته اند، بلکه برخی از اختلاف تاءویلهای و توجیهاتی که واقع شده، حقیقتاً در بیشتر آیات و روایات محتمل است. بدین ترتیب، اگر قابلیت پذیرش الطاف الهی را داشته و یا حداقل مُنصف باشی، با این دلیل روشن می شود که به واسطه گزینشها و پسند بندگان غیر معصوم، دلیل رسا و عذر شکن از سوی خداوندی که پادشاه عالمیان است برای مردم تمام نمی شود، و این گزینشها در امور دنیا و حفظ دین برای آنان کافی نخواهد بود. لذا ناچار باید پیشوایی وجود داشته باشد که خداوند - جلّ جلاله - به لطف و مهر خویش عهده دار پیراستن گزینش و تءدیب باطن و تکمیل صفات او بوده، و از ورای حرکات و سکنات و اعمال وی با

عنايات معنوی و ظاهری اش اعمال او را امداد ، و با هدایای یاری گرش آنها را بپاید - چنانکه از ورای تدبیر پیامبران و فرستادگان و نیز ملائکه و مقربانی که گسیل می دارد ، چنین می کند . و این مطلب برای خردمندان پوشیده نیست . و علاوه آن پیشوا حجت خداوندی که پادشاه روز قیامت و حساب است باشد ، و گفتار و کردارش (ع) الگوی دیگران گردد ، به گونه ای که احتمال اختلاف تاویل و توجیه در آنها راه نداشته ، و از مقصود واقعی خداوند - جلّ جلاله - از آیات ، و روایات پرده بردارد .

سبب تألیف کتاب

از آنجا به واسطه عنایت‌های خداوند - جلّ جلاله - که از سرچشمه عنایت او و در آینه جُود همان مهربانیا و بزرگواریهای ربّانی به من ارزانی می شود ، که چگونه خداوند مرا پدید آورد و پروراند و در کشتیهای نجات بر پشت پدران حمل نموده و در شکم مادران به ودیعه گذاشت ، و از رخدادهایی که موجب هلاکت اُمم گذشته بود ، سالم نگاه داشته و به معرفت خویش رهنمون شد؛ و دانستم که پروردگارم به هر چیز بگوید : موجود شو ، موجود می شود؛ و به وسیله او - جلّ جلاله - به مرادش از آیه شریفه که می فرماید : وَلَقَدْ عَلِمْتُمُ النَّشْأَةَ الْأُولَى ، فَلَوْلَا تَذَكَّرُونَ . (۸) - بی گمان به نشاء نخست آگاهی داشتید ، پس ای کاش که متذکر می شدید! آگاهی یافتم ، و خداوند خود مقصود خویش را از آفرینش من ، به من شناسانید ، و از راه عقل و نقل از آنچه که مورد رضای اوست پرده برداشت از همه این امور دریافتم که خداوند - جلّ جلاله - در راهنمایی کردن من به راه سعادت‌مندی ام - که در اخلاص عبادت برای ذات او بدون تعلّق خاطر به طلب پاداش و بخشش ، و یا خوف عذاب و کیفرش حاصل می شود - بر من منت نهاده است ، و یقین کردم که خداوند - جلّ جلاله - مالک زندگانی من بوده ، و همواره نسبت به من از خویشتن سزاوار ، و زیننده آن است که بزرگی جلال و عظمت و اقبال و توجّه او به من ، مرا به خود مشغول سازد . آیا مگر عقلها می توانند از درگاه ذات خدا و اخلاص عبادت برای او ، سرپیچی کنند؟! در حالی که شناخت ذات و صفات خداوند ، و پیوسته ملازم رعایت ادب در محضّر وجود او بودن و عمل کردن بر اساس اراده او ، و نیز مناجات با او ، پیش از شناخت ثواب و عقاب حاصل می شود؛ بنابر این ، هر کس که در این امور بیانیدشد و نسبت به آنها معرفت داشته باشد ، خداوند - جلّ جلاله - را از آن جهت که شایسته عبادت است پرستش می کند . و نیز مگر کمال و جلال و عظمت حضرت حقّ ، در نزد کسانی که به حقّ پادشاهی و سروری او اعتراف دارند ، نیازمند بذل رشوه ثواب یا خوف از عقاب می باشد؟! پاک و منزّه است آن خداوند گارِ اعْظَم و آن مقام والا از اینکه بنده اش با دادن رشوه ، به محبّت و قرب و بندگی او تمایل داشته باشد ، بلکه بر بندگان واجب است که تمام توان خویش را بکار زنند تا اینکه خداوند ایشان را پذیرفته ، و اهلیت بندگی و عبادتش را به آنان ارزانی دارد . از این رو ، عقلهای سلیم ، همواره به آنچه که به جهت شناخت خداوند بدان موظّف هستند - مانند حقّ آفرینش و پرورش و هدایت - سرگرم بود ، و شیفته حفظ حرمت ذات و هیبت و عظمت او گردیده ، و به هدفی که برای آن آفریده شده اند - یعنی کمال شناخت و عبادت خدا - متشرّف می باشند . و آنکه ، سعادت‌مندیها و اقبال و توجّهی که من به واسطه هدایت خداوند - جلّ جلاله - یافته ام ، و آنچه که او از لطف و مکاشفه و لذّت سخن گفتن با خود به گونه ای که از هر چیزی است که سزاوار کمال ربوبیتش نباشد منزّه است ، به من شناسانیده ، به حدّی است که با گفتار نمی توانم آن را توصیف کنم . آیا نمی بینی هر پادشاه و فرمانروایی وقتی می خواهد به بنده خود نیکی بسیار بنماید ، او را در محضّر خویش راه داده ، و با بذل خلعت جُود خویش به او ، وی را مشرّف گردانیده ، و با او سخن گفته و به او اجازه گفتگو در پیشگاهش را می دهد ، یعنی گاه با اجازه خطاب و گاه به اجازه پاسخ دادن مشرّفش می گردانند؟! به بعضی از عارفان که بسیار خلوت می گزید ، گفته شد : آیا از جدایی گرفتن از بستگان خود و اجتماع احساس تنهایی نمی کنی ؟ گفت : من با پروردگارم همنشین هستم ، اگر بخواهم او با من سخن بگوید ، کتاب او را تلاوت می کنم ، و وقتی بخواهم با او سخن بگویم ، به درگاه او دعا نموده و با او پیوسته سخن می گویم . و واقعاً چه مطالب پرمایه و چه پناهگاهها و دژهای محفوظ و ایمنی بخش

(۹) که در خلوت با خداوند مالک القلوب وجود دارد، و چه قرب دوست داشتنی به خداوند و اسرار بی پرده که در آنجا یافت می شود! بنابر این، چون به فوائد خلوت و مناجات با خدا، و آنچه که خداوند در خلوت و مناجات با خود برای بنده اش اراده فرموده : (که عبارت است از عزّت و جاه و نیل به نجات، و سعادت‌مندی در دنیا و بعد از مرگ) آگاهی یافتیم، دیدم که کتاب اءَلْمُضِيْبَاحُ الْكَبِيرِ نوشته جدّ مادری ام ابوجعفر محمّد بن حسن طوسی - رحمه الله - بخش عمده ای از اعمال عبادی را دربردارد، و بعد از آن بر مطالب مکمّل و مهمّی دست یافتیم که می توانست مطلوب کسانی باشد که دوستدار رسیدن به منتهای مقامات بوده، و به کم بسنده ننموده، و به معامله ای که زیانکاران با خدا می کنند، راضی نمی گردند. و از سوی دیگر دیدم که خداوند گار معبود با زبان حال، به هر بنده نیکبخت می فرماید: ای بنده من، گذشتگان از اهل یقین و مراقبه و تقوی و اصحاب یمین را با مرگ در بند نمودم و لذا نمی توانند عملی انجام دهند، آرزو می کنند ولی قدرت بر صعود به درجات ایمانی را ندارند؛ لیکن تو در میدان مسابقه دنیا آزاد و رها هستی، پس چه چیز تو را از پیشی گرفتن از آنان به وسیله اسب تاراجگر و تکتاز فرصت که در اختیار توست، و یا حدّاقّل از پیوستن به آنان در مقامات بهشت رضوان و خشنودی حضرت حقّ باز داشته است؟ لذا تصمیم جدّی گرفتم که بخشی از روایات و مطالب افزون بر مصباح بدان دست یافته بودم، و اسراری را که خداوند - جلّ جلاله - اجازه اظهار آن را به من می دهد، و به طور کلی هر چه را که خداوند مرا به آن رهنمون می گردد، به همان صورت، همراه با مطالبی را که درباره کیفیت اخلاص و مقامات اختصاص و برگزیدگی در درگاه الهی را که خداوند - جلّ جلاله - به عقل و قلبم ارائه داده، و اموری را که به لطف خداوند مالک کشف و شهود - برای من آشکار گردیده، مانند عیوب اعمال و علّت گرفتاری به غفلت و کوتاهی در انجام دستورات الهی، به اضافه دیگر مطالب که اینک نسبت به آنها حضور ذهن ندارم، همگی را در کتابی گرد آورده و نام آن را مُهِمَّاتٌ فِی صِلَاحِ الْمُتَعَبِّدِ، وَ تِمَامَاتٌ لِمُصْبَاحِ الْمُتَهَجِّدِ بگذارم. و اینک به یاری خداوند - جلّ جلاله (۱۰) - در چندین جلد مرتّب، و به صورت ذیل نامگذاری می نمایم: جلد اوّل: فَلَاحُ السَّائِلِ وَ نَجَاحُ الْمَسْأَلِ فِی عَمَلِ يَوْمِهِ وَلَيْلِهِ. که در دو مجلد خواهد بود. (۱۱) جلد سوّم: زَهْرَةُ الرَّيِّعِ فِی اءَدْعِيَةِ الْاَسَابِي. جلد چهارم: جَمَالُ الْاَشْيُوْعِ بِكَمَالِ الْعَمَلِ الْمَشْرُوْع. جلد پنجم: الدُّرُوْعُ الْوَاقِيَةُ مِنَ الْاَخْطَارِ فِيمَا يُعْمَلُ مِثْلُهُ كُلِّ شَهْرٍ عَلَي التَّكْرَارِ. جلد ششم: اَلْمُضْمَارُ لِّلْسَبَاقِ الْاَلْحَاقِ بِصَوْمِ شَهْرِ اِطْلَاقِ الْاَزْزَاقِ وَعِتَاقِ الْاَعْنَاقِ. جلد هفتم: اءَلْسَالُكُ الْمُحْتَاجُ اِلَى مَعْرِفَةِ مَنَاسِكِ الْحُجَّاجِ. جلد هشتم و نهم: اءَلْاِقْبَالُ بِالْاَعْمَالِ الْحَسَنَةِ فِيمَا نَذَكَّرُهُ مِمَّا يُعْمَلُ مِيقَاتًا وَاحِدًا [ا] كُلِّ سَنَةٍ. جلد دهم: اءَلْسَعَادَاتُ بِالْعِبَادَاتِ الَّتِي لَيْسَ لَهَا وَقْتُ مَحْتَوَمٌ مَعْلُوْمٌ فِی الرِّوَايَاتِ، بَلْ وَقْتُهَا بِحَسَبِ الْحَادِثَاتِ الْمُقْتَضِيَةِ وَالْاِرَادَاتِ الْمُتَعَلِّقَةِ بِهَا. و اگر خداوند - جلّ جلاله - چنانکه از فضل او امید دارم، این کتابها را کامل گرداند، آرزو دارم هر کدام از آنها به گونه ای باشد که هیچ کس بر من - بنابر آنچه که اطلاع دارم - به چنین تاءلیفی پیشی نگرفته باشد، و نیز آنها مورد نیاز کسانی باشد که خواهان قبولی عبادات بوده، و جویای آمادگی برای معاد پیش از مرگ می باشند.

دفع یک شبهه

۱ - طریق و سند من در نقل روایاتی که در این کتاب ذکر می کنم، خواصّ اصحاب مورد اعتماد ما امامیه می باشد، ولی گاهی در برخی از احادیث بین راویان ثقه ای که بدان اشاره نمودیم و بین پیامبر اکرم (ص) و یا یکی از ائمه - صلوات الله علیهم - که روایت از آنان نقل شده، اشخاصی یافت می شوند که بر آنان خرده گرفته شده، و این طعن نیز به چندین صورت است: الف - طعن از طریق خبر واحد نقل شده است. ب - طعن به واسطه روایتی نقل شده که راوی آن نیز مطعون است. ج - احتمال می رود که و شخصی که مورد خرده و طعن قرار گرفته به علّتی (۱۲) معذور بوده باشد. که البته گاهی این انگیزه برای ما معلوم است، و یا حدّاقّل در نزد منتقدان احتمال آن می رود. ۲ - دلیل دیگر من در نقل روایت از برخی از کسانی که مورد طعن قرار گرفته اند، آن است که می بینم بعضی از اصحاب ثقه ما - که مورد اعتماد من نیز می باشند و من به واسطه همان شخص مَطْعُونٌ عَلَیْهِ به آنان سند

رسانیده و از ایشان روایت می‌کنم، و یا به واسطه ایشان از وی روایت نقل می‌کنم - درست همان روایت را از او نقل کرده و کنار نگذاشته و هیچ خرده‌ای بر آن روایت نگرفته، و از نقل آن خودداری نکرده‌اند، لذا من نیز آن روایت را از ایشان پذیرفته و احتمال می‌دهم که: الف - شاید آنان به طریق دیگری که راویان آن مورد تحقیق قرار گرفته و مورد سپاس واقع شده‌اند، بر صحت و درستی روایت مذکور اطلاع یافته‌اند. ب - و یا به علت عمل کردن طایفه امامیه به مضمون آن روایت بر آن اعتماد کرده‌اند. ج - اصلاً راوی که اعتقادش مورد طعن است، در نقل حدیث و امانت در نزد آنان مورد اعتماد بوده است زیرا کسانی در میان کفار پیدا می‌شوند که در نقل و حکایت اخبار مورد اعتمادند، چنانکه علمای مسلمین بر اخبار پزشکان کافر ذمی درباره اموری که برای بهبودی از بیماریها صلاح است، اعتماد دارند. بنابر این، اگر مانعی از اعتماد بر روایت کسانی که بکلی از عموم لفظ اتباع و پیروی از تمامی اهل بیت و یا برخی از آنان - علیهم افضل السلام - خارج هستند، و اعتقادی به امامت ائمه - (علیهم السلام) - یا برخی از آنان ندارند وجود نداشت، مسلماً عمل کردن به روایت تمام افرادی که از سایر فرقه‌های مسلمین به صدق و امانت در نقل حدیث معروف هستند، جایز بود. ۳ - دلیل دیگر من در نقل برخی از روایاتی که بر بعضی از راویانش خرده گرفته شده، آن است که اصحاب ائمه - (علیهم السلام) - در زمانی بسر می‌بردند که باید سخت تقیه می‌کردند، از این رو امکان دارد که در بیشتر و یا در بعضی از اوقات مطالبی را بر خلاف آنچه که در نهاد و دلشان بوده اظهار نموده باشند، (به خاطر ضرورتی که آن را به جهت ممکن نبودنش مباح نموده) و چه بسا که ضرورت اقتضا کرده که امر اعتقادی خلافی را بر طریق تقیه بازگو نمایند، و این مطلب از ایشان نقل و پخش شده، به گونه‌ای که شاید اگر عذر هم می‌آوردند کسی آن را نمی‌پذیرفت. ۳ - دیگر عذر من در نقل روایت از کسانی که مورد طعن قرار گرفته‌اند، این است که می‌بینم گاهی طعن از غیر معصوم وارد شده، و یا از معصوم است ولی اسناد طعن به معصوم ثابت نیست، زیرا می‌دانیم که خود طعن نیز نیازمند آن است که یا با شهادت ثابت و مورد پسند در شریعت محمدی (ص)، و یا به طریق دیگری که در نزد جلالت الهی عذر واضح محسوب می‌شود، اثبات شود. ۴ - دلیل دیگر من این است که ملاحظه می‌کنیم گاهی انسان بر شخصی خشم می‌گیرد، و در حال غضب اموری را که واقعیت ندارد - چه به عمد، و چه از روی فراموشی - از او نقل می‌کند، سپس آن مطالب پخش می‌شود، به گونه‌ای که بسیاری از شنوندگان باور و یا گمان می‌کنند که آن مطلب واقعیت دارد و قطعی و یقینی است، ولی بعد از مدتی برای برخی از کسانی که اهل پرس و جو هستند روشن می‌گردد که هیچ کدام از آن امور واقع نشده است، و چه بسا کسی که آن مطالب را در حال خشم و غضب گفته اعتراف کند که در خرده‌گیری و گفتار خود خطا کرده، ولی تنها کسی که این اعتراف را از وی شنیده از حقیقت آگاه می‌شود، و کسانی که این اعتراف را از او شنیده‌اند بر اعتقاد سابق خود نسبت به طعن نخست باقی می‌مانند. و ما این مطلب را در بسیاری احوال و موارد به چشم خود دیده‌ایم. ۵ - از دیگر عذرهای من این است که ملاحظه می‌کنیم خداوند - جلّ جلاله - و خواصّ بندگانش، و تمام کسانی که حال دشمنان و حسودانشان را مورد توجه قرار می‌دهیم، هیچ کس از آنان را نمی‌یابیم که از نسبت امور غیر واقع به خود سالم باشند، لذا لازم است انسان خرده‌گیری را ترک گوید مگر اینکه قطع و یقین داشته باشد، و یا اعتقادی چیزی که مانند آفتاب و به صورت واضح و قطعی جانشین قطع و یقین بوده و از طعن و غلط و اشتباه سالم باشد. این همه در جواب از طعن در امور ظاهری کفایت می‌کند. و اما طعن و خرده‌گیری بر فساد عقیده کسی، نیازمند آن است که به صورت یقینی از سوی کسی که برآستی از ناحیه خداوند - جلّ جلاله - خبر می‌دهد و آگاه به رازها و درون است یعنی معصوم (ع) معلوم شود. ۶ - از جمله دلیلهای من آن است که به برخی از روایاتی که بر بعضی از راویان آن طعن وارد شده و من آن را نقل کرده‌ام، راه و سند دیگری دارم، یا به آن حدیث، و یا به همان امام معصوم که روایت از او نقل شده، و یا به حجاج و معصومین دیگر (علیهم السلام) در حدیث مشابه، و یا طریق دیگر به راوی مورد اعتمادی که روایت مَطْعُونٌ عَلَیْهَا از او نقل شده در هر حال، من روایتی را که راه گریز از آن را نداشته باشم ذکر نمی‌کنم. ۷ - اگر در تمام آنچه که در این کتاب وجود دارد - چه روایت از

کسانی که به سببی طعن بر آنان وارد شده، و یا احادیثی که به جهت عذری سند آن را یادآور نشده ام - هیچ عذر روشن و راه گریز شایسته نداشته باشم مگر حدیثی که آن را از عده ای از افراد معتبر و راستگو در نقل احادیث روایت می کنم، کافی و بس بود. ایشان به اسناد خود به استادی که همه بر عدالتش اتفاق دارند. یعنی ابی جعفر محمد بن بابویه - که خداوند او را غریق رحمتش بگرداند - در کتاب ثواب الأعمال نقل می کنند که وی از صفوان بن یحیی که همگان بر ورع و پرهیزگاری و امانتش اتفاق دارند، روایت نموده که امام صادق (ع) فرمود: هر کس کار خیری [از ناحیه رسول الله (ص)] به او برسد و بدان عمل کند، برای او پاداش آن منظور خواهد شد، اگرچه رسول الله (ص) آن را نفرموده باشد. (۱۳) و از آن جمله به واسطه چندین سند از استادی که نزد همگان ستوده است، یعنی محمد بن یعقوب کلینی - رضوان الله جلّ جلاله علیه - در کتاب کافی در باب مَنْ بَلَغَهُ ثَوَابٌ مِنَ اللَّهِ عَلَى عَمَلٍ فَصَيَّرَهُ دَرَسْتُ بِهِ هَمِينَ الفاضل نقل می کنم که فرمود: علی بن ابراهیم از پدرش از ابن ابی عمیر از هشام بن سالم روایت کرده که امام صادق (ع) فرمود: هر کس ثوابی برای عملی بشنود، و آن را انجام دهد، آن ثواب برای او خواهد بود، اگرچه درست به همان صورت که به او رسیده نبوده باشد. (۱۴) و نیز به سند خویش به محمد بن یعقوب کلینی، از محمد بن یحیی، از محمد بن حسین، از محمد بن سنان، از عمران زعفرانی نقل می کنم که محمد بن مروان می گوید: از امام باقر (ع) شنیدم که فرمود: هر کس ثوابی از ناحیه خداوند - عزوجل - برای عملی به او برسد، و او به خاطر نیل به آن ثواب، آن عمل را انجام دهد، ثواب به او داده می شود، اگرچه حدیث به همان صورت که به او رسیده نبوده باشد. (۱۵) جلال و توثیق ابن سنان (۱۶) قابل توجه است که: شنیده ام بعضی بر محمد بن سنان خرده می گیرند. شاید وی تنها به روایتی که در مورد طعن اوست دسترسی پیدا کرده، و بر ترکیه و ثنای بر او دسترسی نداشته است، چنانکه در بیشتر طعن‌ها این احتمال می رود. شیخ بزرگوار و مورد اطمینان مفید، محمد بن محمد بن نعمان، در کتاب کمال شهر رمضان هنگام ذکر محمد بن سنان، درست به این لفظ می گوید که: و آنکه از سروران ما (علیهم السلام) در وصف این مرد (محمد بن سنان) وارد شده، خلاف آن چیزی است که شیخ ما آورده و او را بدان توصیف نموده، و آنچه از روایات ظاهر می شود درست ضد اوصافی است که وی برای ابن سنان ذکر نموده. مانند فرمایش امام باقر (ع) در روایت عبدالله بن صلت قمی که می گوید: در اواخر عمر شریف امام باقر (ع) بر او وارد شدم و از آن بزرگوار شنیدم که می فرمود: خداوند، محمد بن سنان را در رابطه من جزای خیر دهد، که بی گمان وی نسبت به من وفا نمود. و مانند فرمایش دیگر آن بزرگوار (ع) در روایت علی بن حسین بن داود که می گوید: از امام باقر (ع) شنیدیم که محمد بن سنان را به نیکی یاد نموده و فرمود: خداوند، به واسطه خشنودی من از او، از او خرسند و راضی باشد، که هرگز با من و پدر بزرگوارم مخالفت ننمود. گذشته از اینها، با بزرگی و جلالتی که او در میان شیعیان دارد، و برتری و علو مقام و ریاست و بزرگی قدر و ارج و ملاقاتش با سه تن از ائمه (علیهم السلام) و روایت از ایشان، و داشتن مقام والا در نزد آن بزرگواران (یعنی ابواب ابراهیم موسی بن جعفر، و ابوالحسن علی بن موسی، و ابوجعفر محمد بن علی، علیهم ائفضل السّلام) و با وجود معجزه امام جواد (ع) که خداوند متعال در حق وی آشکار ساخت و نشانه روشنی که خداوند او را بدان مکرم گردانید، دیگر جای هیچ شبهه ای باقی نمی ماند. در روایت محمد بن حسین بن ابی الخطاب آمده که: محمد بن سنان نابینا بود، ابوجعفر ثانی امام جواد (ع) دست مبارکش را بر آن کشید و وی از کوری نجات پیدا کرده و بینا گردید. بنابراین، از جمله خطرهای خرده گیری بر نیکان این است که انسان بر طعن دسترسی داشته باشد، ولی در اخباری که در مورد راوی مورد طعن قرار گرفته است، کاملاً تاءمل ننماید. چنانکه در رابطه با محمد بن سنان - رحمه الله علیه - یادآور شدیم. لذا هیچ کس نباید در مطالبی که بدان اشاره نمودیم و یا کسی از طریق کتابهای من بدان دسترسی پیدا می کند، نباید پیش پیشدستی نموده و طعن وارد کند؛ زیرا شاید ما عذری داشته باشیم که خرده گیر بر آن اطلاع پیدا نکرده است. محمد بن همام می گوید: حسین بن احمد مالکی به ما گفت که به احمد بن هلیک [یا هلیل] کرخی گفتیم: آیا آنچه درباره غلو محمد بن سنان گفته می شود درست است؟ وی گفت: پناه بر خدا، به خدا

سوگند ، او بود که به من طهارت و جلوگیری از بیرون آمدن همسرم از خانه را آموخت ، وی بسیار زاهد و متعبد بود . ابوعلی بن همام گفت : احمد بن هلیل در سال ۱۸۰ هجری قمری متولد ، و در سال ۲۶۷ از دنیا رفته است .

اسناد روایات این کتاب

گاهی به خاطر عدم تطویل ، اول سند خویش را در احادیث این کتاب ذکر نمی کنم . و کافی است که در اینجا طریق خویش را به تمام روایاتی که جدّ سعادت‌مند ابوجعفر طوسی - که خداوند با برآوردن آرزوی او ، با او ملاقات نماید! - نقل فرموده ذکر می کنم : از جمله روایاتی که وی نقل کرده ، تمام روایاتی است که شیخ بسیار راستگو هارون بن موسی تلعبکری - که خداوند روحش را پاک ، و آرامگاهش را منور گرداند! نقل کرده است ، و روایت این شیخ بسیار راستگو ، تمام اصول و مصنفات تازمان خویش را در برداشته . خداوند - جلّ جلاله - با خرسندی از او ، با او ملاقات فرماید! جدّم ابوجعفر طوسی در اواخر کتابی که در اسماء رجال تصنیف فرموده ، درست به این لفظ فرموده که : هارون بن موسی تلعبکری - که کنیه اش ابو محمد است - شخصیتی است جلیل القدر ، دارای منزلتی عظیم و روایات بسیار ، بی نظیر ، ثقه و مورد اعتماد ، که تمام اصول و مصنفات را نقل فرموده است . در سال ۳۸۵ از دنیا رفته . و عده ای از اصحاب او ، از او برای ما روایت نقل کرده اند . (۱۷) و از سوی دیگر ، تمام روایاتی را که محمد بن یعقوب کلینی ، و ابوجعفر محمد بن بابویه ، و شیخ سعادت‌مند مفید محمد بن محمد بن نعمان ، و سید بزرگوار مرتضی و همه کسانی را که کتاب فهرست و اسماء الرجال و غیر این دو کتاب در بردارد ، و جدّم ابی جعفر طوسی از ایشان نقل کرده - که خداوند جلّ جلاله از ایشان خشنود گردد ، و احسان خویش را به آنان دو چندان گرداند! - به چندین طریق از جدّم ابی جعفر طوسی نقل می کنم . از جمله راهها و اسناد من در روایت از تمام روایاتی که جدّم ابوجعفر در کتاب الفهرست و کتاب اسماء الرجال و روایات دیگر غیر این دو کتاب نقل فرموده ، عده ای از راویان مورد اعتماد هستند که آنها برای من روایت نمودند ، از آن جمله شیخ حسین بن احمد سوراوی در جمادی الثانیه سال ۶۰۹ که به واسطه نقل از محمد بن ابی القاسم طبری ، از شیخ مفید ابی علی ، از پدرش یعنی جدّ سعادت‌مند ابوجعفر طوسی به من اجازه روایت داد . و از دیگر اسناد من اینکه : شیخ علی بن یحیی خنّاط [یا : خنّاط] حلی در تاریخ ماه ربیع الاول سال ۶۰۷ به واسطه نقل از شیخ عربی بن مسافر عبادی ، از محمد بن ابی القاسم طبری ، از ابی علی ، از پدر بزرگوارش یعنی جدّم ابوجعفر طوسی به من اجازه روایت داد . و از جمله اسناد من در روایت اینکه : شیخ فاضل اسعد بن عبدالقاهر اصفهانی در محلّ سکونت در سمت شرق بغداد - که خلیفه مستنصر بالله که خداوند جلّ جلاله در رابطه من جزای نیکوکاران را بدو عنایت فرماید ، منزلی در آنجا به من داده بود - در صفر سال ۶۳۵ ، به واسطه نقل از ابی الفرج علی بن سعید ابی الحسن [یا : الحسین] راوندی ، از شیخ ابی جعفر محمد بن علی بن محسن حلبی ، از جدّ سعادت‌مند ابوجعفر محمد بن حسن طوسی به من اجازه روایت داد . و این روایت من از اسعد بن عبدالقاهر اصفهانی مشتمل بر روایت تمام کتابها و اصول و مصنفات اصحاب است . و بعید است که چیزی از روایاتی که در این کتاب ذکر می کنم ، در آن نباشد .

روش تالیف این کتاب

اینک می گویم : باید توجه داشت که پیش از شروع به تالیف این کتاب ، سیاهه و پیش نویسی که از قبل آماده و مهیا کرده باشم نداشتم ، بلکه ناسخ را در نزد خود حاضر می ساختم و شروع به نوشتن برگی از کتاب می نمودم ، سپس آن را به او می دادم و وی از روی آن می نوشت ، و به همین صورت ورقه به ورقه می نوشتم و به او می دادم ، و وی یکی بعد از دیگری از روی آنها می نوشت . البته من کارهای دیگری غیر از نوشتن این کتاب داشتم ، که مانع از تصنیف آن می شد ، و علت آن بود که تالیف آن را در ماه رجب و شعبان و ماه رمضان شروع کردم ، و در این ماهها وظایف و اعمال عبادی بسیاری است که بیشتر اوقات انسان را فرا

می گیرد ، لذا وقت نمی کردم که کتاب را کُراس به کُراس (۱۸) بنگارم ، زیرا در این صورت نسخه برداری از آن ممکن نمی شد . و علاوه بخشی از اوقاتم نیز به برآوردن نمودن حوایج مردم بر اساس دستور خداوند - جَلّ جلاله - صرف می شد؛ ولی با این همه خداوند - جَلّ جلاله - درهای قدرت را برای نگارش چیزی که تصمیم بر اتمام و انجام آن را داریم - یعنی تتمه ها و مکمل های کتاب مِضْبَاحُ الْمُتَهَجِّد و امور مهمی که به مصلحت عبادت کنندگان است - گشود . بنابراین ، اگر کسی در آن نقصی یافت ، اموری که ذکر نمودیم مانند عجله داشتن و تنگی وقت ، خود عذر ما را می خواهد ، و اگر آن را کامل و برتر یافت ، تنها سپاسگزار خداوند - جَلّ جلاله - باشد ، زیرا او - جَلّ جلاله - بود که قدرت بر آن را به ما ارزانی داشت ، و چشم خواسته هایمان را برای رسیدن به مقاصدمان روشن نمود . لذا می گویم : اگر بر این کتاب ما دسترسی پیدا کردی ، شاید اموری مانند راهنمایی و هدایت به جلال الهی ، و راهنمایی بر لزوم عنایت داشتن به اقبال و توجه خداوند بر بنده ، و گشودن راه تحقیق و دسترسی به حقیقت برای اهل توفیق بیابی ، که موجب گردد گمان کنی اینها از جستجو و تلاش و کوشش ماست ، چنین نیست ، بلکه همه از فضل خداوند گار مهربان و دلسوز نشأت گرفته است . بر این پایه ، اگر از این سخنان و اعمال بهره بردی ، به شکرگزاری و سپاس خداوند - جَلّ جلاله - و تعظیم آن مقام بزرگوار بسنده کن ، و به جای آن به یاد و شکر و سپاس من مشغول باش ، تا مبادا به جای اشتغال به مالک به بنده اشتغال داشته ، و خود را در راههای خطرناک به خطر انداخته ، و متعرض اموری که موجب هلاکت و گمراهی است گردی . زیرا خداوند - جَلّ جلاله - می فرماید : وَلَوْلَا- فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ ، مَا زَكٰى مِنْكُمْ مِنْ اَخٍ يَدِّ اَيْدًا . (۱۹) - و اگر فضل و رحمت خداوند بر شما نبود ، بی گمان هیچ کس از شما هیچگاه پاکیزه نمی گردید . و نیز او - جَلّ جلاله - می فرماید : وَمَا بِكُمْ مِنْ نِعْمَةٍ ، فَمِنْ اللَّهِ . (۲۰) - و هر نعمتی در وجود شماست ، از خداوند است . برای بنده او ، یعنی مؤلف این کتاب نیز - که خداوند سبحان او را از نیستی ، به وجود آورده و از حال ناتوانی و کمبود به سوی توانایی انتقال داده - به تحقیق ثابت شده که اگر فضل و رحمت مولایش بر او نبود ، به هیچ یک از چیزهایی که به راهنمایی او بدان واصل گردیده ، نایل نمی شد ، و مسلماً هیچ نعمتی برای او نیست مگر اینکه به فضل آن خداوند گار معبود ، و از درهای رحمت و جود او نشأت گرفته است . حال که مالک و مملوک (یعنی خداوند - جَلّ جلاله - و مؤلف) بر صحت این مطلب اتفاق دارند (که نگارش مطالب کتاب از خداست ، نه مؤلف) ، پس چگونه تو با این گفتار مخالفت نموده و می گویی آنها از برتری مملوک و بنده می باشد ، بنده ای که خداوند او را به ترتیب مراحل آفرینش از خاک ، و گِل ، و گِل سیاه بدبوی متغیر ، و آب پست ، و نطفه ، و خون بسته ، و تکه گوشت ، و جنین و شیرخوار و جوان آفریده ، و در همه این مراحل اگر مولای او با رحمتهايش بر او تفضل نمی فرمود ، سپس آنچه را که به او عنایت فرموده و ارزانی داشته تکمیل نمی نمود ، و آنچه را که نمی دانست به انسان نمی آموخت ، این بنده نسبت به وجود خود جاهل و نادان بود . قابل توجه است که وقتی این کتاب را شروع کردم ، تصمیم من این بود که تنها مطالب افزون بر مِضْبَاح را در آن بیاورم ، و امور دیگر را نقل نکنم ، ولی دیدم که در این صورت کتاب ، نسبت به آنچه مقصود من است ، کامل نخواهد بود . لذا تصمیم گرفتم که آن را برای طالبان عمل - یعنی عارفانی که به شرافت بندگی خداوندی که سلطان بندگان است آگاهی دارند ، و در آمادگی برای روز معاد می کوشند - به صورت کتابی کامل و کافی مرتب گردانم . نکته دیگر اینکه : گاهی در بعضی از دعاهایی که ذکر می شود ، به خاطر آنچه که با آن آشنایی ، یعنی همان اسراری که ویژگان در گاه او - جَلّ جلاله - از او و به اذن او و رسولش (ص) در برخی از اوقات و برای بعضی از انسانها ذکر می فرمایند ، لفظ و یا معنایی مشابه و همسان ذکر و تکرار شده است ، لذا ما همه را به همان صورت که یافته ایم نقل می کنیم ، هرچند لفظ و یا معنای آن مکرر باشد .

فهرست جزء اول و دوم کتاب

فصلهای جزء اول و دوم کتاب بدین قرار است که در اوایل آن ذکر می کنم ، تا هرکس هر مطلبی را خواست باز شناخته و آن را به

صورتی که نزدیکتر به صواب است جستجو کند. و از آنجا که بیشتر اعمال شبانه روز دربردارنده نماز و دعاست، لذا شایسته است که ما نیز این کتاب را با بیان مطالبی از ترغیب و تشویق به آن دو آغاز کنیم، و عقلها و دلها را به آن دو متوجه نماییم. فصل اول: تعظیم نماز و اینکه هرکس در انجام آن کوتاهی کند از بزرگترین جنایتکاران است. فصل دوم: کیفیت نمازی که انسان را از کردار و گفتار زشت و ناپسند باز می دارد، و بیان بزرگترین شرط نماز. فصل سوم: فضیلت دعا با استفاده از الفاظ صریح قرآن. فصل چهارم: روایاتی صریح و روشن در فضیلت دعا. فصل پنجم: برتر بودن دعا و مناجات با خداوند رحمان از تلاوت کلام عظیم الشان خداوند - جلّ جلاله - . فصل ششم: اموری که از دیدگاه عقل شایسته است دعا کننده آنها را رعایت کند. فصل هفتم: اموری که سزاوار است دعا کننده از نظر روایات به آنها آراسته باشد. فصل هشتم: ذکر فواید محافظت بر مناجات بسیار با خداوند، و فضیلت دعا کردن در غیاب برادران دینی، و دعا برای پیشوایان رهایی بخش (علیهم السلام). فصل نهم: مقدمات طهارت و کیفیت آبی که در خور طهارت نماز است. فصل دهم: کیفیت طهارت با استفاده از آنچه که عقل از مقصود حضرت رسول (ص) برای کمال پذیرش عمل درک می کند. فصل یازدهم: کیفیت طهارت به آب، با استفاده از روایات. فصل دوازدهم: کیفیت خاک و دیگر چیزهایی که جانشین آن می شود، و طهارت از حَدَث اصغر به آن در صورت عدم امکان طهارت با آب. فصل سیزدهم: کیفیت طهارت و غسل با آب، از دیدگاه عقل و نقل. فصل چهاردهم: کیفیت طهارت و تیمم کردن با خاک به جای غسل در صورت عدم امکان طهارت با آب، و نیز گزینش لباس و مکان نماز، و ذکر دعاهای داخل شدن در مسجد و روبه قبله ایستادن با استفاده از روایات. فصل پانزدهم: تعیین نخستین نمازی که بر بندگان واجب شده و اینکه آن همان صَلَوةٌ وَشِطَیْ است. فصل شانزدهم: اموری که شایسته است هنگام زوال آفتاب و ظهر بدان عمل شود. فصل هفدهم: نافله های نماز ظهر و پاره ای از اسرار نماز. فصل هیجدهم: کیفیت اذان و اقامه و بعضی از اسرار آن دو. فصل نوزدهم: کیفیت نماز ظهر و بخشی از اسرار و تعقیبات آن و دو سجده شکر و امور بعد از آن. فصل بیستم - نافله های نماز عصر و گوشه ای از اسرار آن. فصل بیست و یکم - نماز عصر و اشاره به شرح و تعقیب آن. فصل بیست و دوم - دعای هنگام غروب آفتاب، و اصلاح نامه عمل که دو فرشته گمارده شده بر انسان ثبت نموده اند، و بیان آنچه که شایسته است در پایان روز انجام شود، تا نامه عمل به خداوندی که به تمام نهانیها آگاه است، عرضه شود. فصل بیست و سوم - پیرامون ملاقات با دو فرشته نگاهبان اعمال در آغاز شب، و درباره کیفیت نماز مغرب و ذکر شرح و تعقیب آن. فصل بیست و چهارم - نوافل نماز مغرب و دعاهای بین و در تعقیب آنها. فصل بیست و پنجم - نمازهایی که بین نافله های نماز مغرب و عشا خوانده می شود. فصل بیست و ششم - نماز عشاء و تعقیب آن. فصل بیست و هفتم - نماز فرج بعد از نماز عشاء. فصل بیست و هشتم - نمازی برای طلب روزی و نیز نماز[های] دیگری که بعد از نماز عشاء خوانده می شود. فصل بیست و نهم - نماز وَتِیْرَه و نافله عشاء و تعقیب آن. فصل سی ام - اموری که شایسته است پیش از خواب و یا هنگام بیدار شدن در اثنای خواب و پیش از برخاستن [و نشستن بدان عمل شود. و این فصل، آخر جزء اول کتاب است، اینک می گوئیم: جزء دوم کتاب به این قرار خواهد بود: فصل سی و یکم - اموری که شایسته است هنگام بیدار شدن از خواب و نشستن عمل شود. خواه نماز نافله شب بخواند یا نخواند. فصل سی و دوم - اموری که سزاوار است انسان پس از برخاستن از خواب و عمل نمودن به آنچه که در فصل قبل گذشته، و هنگام خواندن نافله شب بدان عمل نماید، و ذکر پاره ای از فضایل نماز شب. فصل سی و سوم - یک نماز و درخواستها و امور مهمّ و دعاهای شب، و دو رکعت نمازی که مولایمان زین العابدین (ع) پیش از شروع نماز شب انجام می داده است. فصل سی و چهارم - کیفیت نماز شب و بخشی از دعاهای آن و دعای نماز وتر و دو رکعت فجر نخست. فصل سی و پنجم - خداحافظی با دو فرشته نگاهبان بر انسان و اصلاح نامه عمل، که آن دو در شب نوشته اند. فصل سی و ششم - کیفیت نماز صبح و ذکر تعقیبات آن. فصل سی و هفتم - دعای وقت نگاه کردن به آفتاب. فصل سی و هشتم - دعایی برای امور مهمّ، هنگام سه ساعت مانده به ظهر. فصل سی و نهم - نماز و دعایی پیش از زوال برای عافیت و در امان ماندن

از هر چیزی که انسان از آن بیم و هراس دارد . فصل چهارم - نمازی در هنگام ظهر برای حفظ جان و دین و دنیا و اهل و مال . فصل چهارم و یکم - دعاها و ساعتهای روز . فصل چهارم و دوم - ترتیب نماز مسافر ، و واجبات و مستحبات مسافر در شبانه روز . فصل چهارم و سوم - فضایل قرائت سوره های قرآن ، (زیرا انسان در اعمال شبانه روز ناچار از خواندن قرآن - در نمازهای واجب و مستحب - است .) این بود ذکر اجمالی فصلهای جزء اول و دوم این کتاب که شرح و توضیح آنها برای کسانی که با انجام این امور خواهان سعادت و نیکبختی هستند ، کفایت می کند . اینک شرح و توضیح آنها برای کسانی که می خواهند نمازهایشان را به صورت کامل ادا نمایند ، و ذکر عبادات و دعاها همراه با حذف امور زاید و اضافی ، و فوائد بسیار :

فصل اول : عظمت نماز و پیامدهای سبک شمردن آن

با حذف اسناد از سرور زنان ، فاطمه ، دختر سرور پیامبران - که درودهای خداوند بر او و بر پدر بزرگوار و شوی گرامی و پسران اوصیاء او باد! - نقل می کنم که وی از پدر بزرگوارش حضرت محمد (ص) پرسید ای پدر جان ! سزای هر مرد و زنی که نماز را سبک بشمارد ، چیست ؟ فرمود : ای فاطمه ، هر کس چه مرد باشد و چه زن ، نمازش را سبک بشمارد ، خداوند او را به پانزده مصیبت گرفتار می نماید : شش چیز در دار دنیا ، و سه چیز هنگام مرگ ، و سه چیز در قبرش ، و سه چیز در قیامت هنگام بیرون آمدن از قبر . اما مصیبتهایی که در دار دنیا بدان مبتلا می گردد : نخست اینکه : خداوند ، خیر و برکت را از عمر او برمی دارد . دوم اینکه : خداوند ، خیر و برکت را از روزی اش برمی دارد . سوم اینکه : خداوند - عزوجل - نشانه صالحان را از چهره او محو می فرماید . چهارم اینکه : در برابر اعمالی که انجام داده اجر و پاداش به او داده نمی شود . پنجم اینکه : دعای او به سوی آسمان بالا نمی رود و مستجاب نمی گردد . ششم اینکه : هیچ بهره ای در دعای بندگان شایسته خدا نداشته و مشمول دعای آنان نخواهد بود . و اما مصائبی که هنگام مرگ به او می رسد : نخست اینکه : با حالت خواری و زبونی جان می دهد . دوم اینکه : گرسنه می میرد . سوم اینکه : تشنه جان می سپارد ، به گونه ای که اگر آب تمام رودخانه های دنیا را به او بدهند ، سیراب نگشته و تشنگی اش برطرف نخواهد شد . و اما مصیبتهایی که در قبرش بدان گرفتار می گردد : اول اینکه : خداوند فرشته ای را بر او می گمارد تا او را در قبر نگران و پریشان نموده و از جایش برگزید . دوم اینکه : خداوند گور را بر او تنگ می گرداند . سوم اینکه : قبرش تاریک می شود . و اما مصائبی که در روز قیامت ، هنگام بیرون آمدن از قبر ، بدان مبتلا می شود : نخست اینکه : خداوند فرشته ای را بر او می گمارد تا در حالی که مردم به او می نگرند ، او را به رو بر زمین بکشد . دوم اینکه : سخت از او حساب می کشند . سوم اینکه : خداوند هرگز نظر [رحمت] به او ننموده و [از بديها] پاکیزه اش نمی گرداند ، و برای او عذاب دردناکی خواهد بود .

فصل دوم : شرایط نمازی که انسان را از کردار و گرفتار زشت باز می دارد

کراجکی در کتاب کنزالفوائد ذکر کرده که در حدیث آمده که : ابو جعفر منصور [خلیفه عباسی] در روز جمعه ای در حالی که بر دست حضرت صادق جعفر بن محمد (ع) تکیه زده بود ، بیرون آمد . مردی - که رزام آزاد شده خالد [یا : خادم] بن عبدالله نامیده می شد - گفت : این کیست که آنقدر در نزد امیرالمؤمنین یعنی منصور ارجمند است که وی بر دست او تکیه زده است ؟ گفته شد : او ، جعفر بن محمد صادق - صلی الله علیه - است ؟ وی گفت : به خدا سوگند ، نمی دانستم [اگر می دانستم ،] بی گمان آرزو می کردم که گونه ای جعفر [منصور ، برزیر] نعلین و پای افزار جعفر می بود . سپس در جلو منصور ایستاد و گفت : ای امیرالمؤمنین ! آیا اجازه هست سؤال بکنم ؟ منصور گفت : از ایشان [یعنی امام صادق (ع)] پرس . [وی گفت : من می خواهم از تو پرسم . منصور گفت : از او پرس .] پس رزام رو به امام جعفر بن محمد (ع) کرد و گفت : مرا از نماز و حدود و احکام آن خبر ده . حضرت صادق (ع) فرمود : نماز چهار هزار حد و حکم دارد که تو نسبت به همه آنها مورد بازخواست قرار نمی گیری .

گفت: تنها حدود و احکامی را که ترک کردن آن جایز نیست و نماز جز به آن کامل نمی گردد، بفرما. امام صادق (ع) فرمود: نماز کسی تام و کامل است که طهارت کامل داشته، و کامل و بالغ بوده (۲۱)، و ساتر داشته باشد، و راست بایستد، و نسبت به خدا شناخت و معرفت داشته و [در پیشگاه او] بایستد، و آرام گرفته و اظهار خشوع و تواضع نموده و استوار باشد، آنگاه میان حالت نومیدی و آزمندی، و شکیبایی و بی تابی بایستد، به گونه ای که گویی نوید پروردگار تنها متوجه او، و وعده عذاب تنها برای اوست، و تمام اموال و دارایی خویش [یا: آرمانهای خویش] را در راه خدا بذل نموده و تمام اهداف [یا: وجود و تعلقات خود را] خیال انگاشته، و نفس خود و هر چیز ارجمند در نزد خویش را در راه خشنودی خداوند بذل نموده، و بدون اینکه انتظار چیزی را بکشد، پیش به سوی او وسط راه و راه راست را طی نماید، و وابستگی های اهتمام ورزیدن را با چشم توجه به خداوندی که قصد سیر به سوی او را نموده و می خواهد به درگاه او وارد شده، قطع نماید، و از او اجازه ورود بگیرد. پس هرگاه کسی اینچنین عمل کند، نمازش همان نمازی خواهد بود که به خواندن آن امر، و از آن خبر داده شده است که: برآستی نماز انسان را از کردار و گفتار زشت و ناپسند باز می دارد. (۲۲) آنگاه منصور رو به امام صادق (ع) کرده و عرض کرد: ای اباعبدالله، ما پیوسته از دریای [علم] تو استفاده نموده، و به سوی تو نزدیکی می جویم، ما را از کوری باطنی بینا گردانیده، و به نور هدایت خویش، شب تاریک و امور پیچیده را روشن می نمایی، و لذا ما همواره در انوار پاکیزه و دریای لبریز دانش تو شناور هستیم. (۲۳) کیفیت نیت در عبادات ناگفته نماند: از آنجا که در خطبه این کتاب کیفیت نیت را توجه دادیم و به روشنی بیان کردیم که: بنده باید خداوند - جلّ جلاله - را تنها از آن جهت که شایسته عبادت و بندگی است بپرستد، لذا در موارد بسیاری از عبادات، چگونگی الفاظ نیت را یاد آور نمی شوم. و دیگر اینکه - چنانکه اشاره خواهیم کرد - نیت، همان قصد و تصمیم انسان برای انجام عبادت است (۲۴) و این چیزی نیست که بر او مخفی بماند. آیا نمی بینی که مولایمان امام صادق (ع) هنگامی که شروط نماز را برشمرد، نیازی به ذکر نیت ندید، و جهت آن این است که نیت به خودی خود، در آنچه آن بزرگوار (ع) بدان اشاره فرمود، داخل است و لذا آن را ذکر نفرمود.

فصل سوم: فضیلت و آثار دعا از دیدگاه قرآن

۱ - خداوند - جلّ جلاله - می فرماید: قُلْ: مَا يَعْزُبُا بِكُمْ رَبِّي، لَوْلَا دُعَاؤُكُمْ. فَقَدْ كَذَّبْتُمْ، فَسَوْفَ يَكُونُ لِزَامًا. (۲۵) - بگو: اگر دعایتان نبود، پروردگارتان چه اعتنایی به شما داشت، زیرا مسلماً شما تکذیب نمودید، و لذا تکذیبتان همواره ملازم شما خواهد بود. خداوند در این آیه شریفه برای مخاطبین آن هیچ جایگاه و مقامی در صورتی که دعا نداشته باشد، قرار نداده؛ بنابراین، از این کلام فهمیده می شود که جایگاه و منزلت انسان در نزد خداوند - جلّ جلاله - به اندازه دعا، و ارزش او به قدر اهتمام به مناجات و خواندن اوست. شاید کسی اشکال کند بگوید: مراد از دعا در این آیه، عبادت و پرستش خداوند است؛ ولی این درست نیست، بلکه حقّ همانی است که راویان مورد اعتماد از امامان و سروران ما (علیهم السلام) روایت کرده اند که مقصود از دعا در این آیه، بدون کم و کاست همان دعایی است که در عرف شرع فهمیده می شود. ۲ - خداوند - جلّ جلاله - می فرماید: فَلَوْلَا إِذْ جَاءَهُمْ بَاءُ شَيْنَا، تَضَرَّعُوا، وَلَكِنْ قَسَتْ قُلُوبُهُمْ. (۲۶) - پس ای کاش هنگامی که سختی و ناگواری از سوی ما به آنان می رسید، تضرّع و زاری می نمودند، لیکن دلهایشان قساوت پیدا نموده و سنگدل گردیده بودند. خداوند - جلّ جلاله - در این آیه شریفه هشدار می دهد که اگر کافران تضرّع و زاری می نمودند، خداوند سختی و ناگواری و خشم و عذاب و عقاب خویش را از آنان برمی داشت، و ناراحتیهای آنان را برطرف می نمود. ملاحظه می شود که خداوند نفرمود: ای کاش وقتی سختی و ناگواری از ناحیه ما به سوی آنان می آمد، نماز می خواندند، یا روزه می گرفتند، یا حجّ بجا می آوردند، یا قرآن قرائت می نمودند، و این خود به صراحت مطلب را برای اهل فهم از برجستگان روشن می نماید. ۳ - باز از جمله آیات، وعده پاکیزه خداوند - جلّ

جلاله - است به اینکه : دعا ، کلید رسیدن به آمال و آرزوهاست . آنجا که می فرماید : وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي ، فَإِنِّي قَرِيبٌ ، اءُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ . (۲۷) - و هرگاه که بندگانم درباره من بپرسند ، بگو : که من نزدیکم ، و دعای هر دعا کننده را هنگامی که مرا بخواند ، اجابت می کنم . ۴- و نیز در این باره است فرمایش دیگر خداوند - جَلَّ جلاله - که می فرماید : اءَدْعُونِي اءَسْتَجِبْ لَكُمْ ، إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي ، سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ . (۲۸) - مرا بخوانید تا دعایتان را برای شما اجابت کنم ، براستی کسانی که از پرستش و عبادت من گردنکشی می کنند ، با حالت خواری و ذلت وارد جهنم خواهند شد . خداوند - جَلَّ جلاله - با این آیه شریفه توجه می دهد که ترک کردن دعا ، استکبار و گردنکشی از پرستش و عبادت او ، و نیز سبب داخل شدن در آتش جهنم و عذاب خوار کننده آن است . از امام صادق (ع) روایت شده که مراد از عبادتی که انسان از آن گردنکشی می نماید در این آیه ، همان دعا است ، و اینکه هر کس با وجود این دستور آن را ترک کند ، از مستکبران و گردنکشان خواهد بود . ۵- تنها بخشی از آیاتی که ذکر شد ، برای عارفان کفایت می کند ، و اگر نبود در فضیلت دعا ، جز فرمایش خداوند - جَلَّ جلاله - به سرور پیامبران - صلوات الله علیه و آله - آنجا که می فرماید : وَاصْبِرْ نَفْسَكَ مَعَ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْعَدَاوَةِ وَالْعِشْيِ ، يُرِيدُونَ وَجْهَهُ ، وَلَا تَعْدُ عَيْنَاكَ عَنْهُمْ . (۲۹) - و خویشان را با کسانی که صبح و شام پروردگارشان را می خوانند ، در حالی که تنها خشنودی او را اراده نموده اند ، به صبر و شکیبایی وادار کن ، و مبدا چشمانت را از آنان برداری . کفایت می کرد ، و این امر بزرگی است ؛ زیرا این خطاب در مقام ستایش و مدح کسانی که صبح و شام به درگاه پروردگار دعا می کنند ، صادر شده و خداوند - جَلَّ جلاله - به خاطر دعای آنان در صبح و شام به رسولش (ص) امر فرموده که پیوسته ملازم آنان بوده ، و چشمان شریفش را از مصاحبت و همنشینی با ایشان برندارد .

فصل چهارم : فضیلت و آثار دعا از دیدگاه روایات

این فصل چندین فایده از فواید دعا را دربردارد : نخست اینکه دعا ، محبوبترین اعمال در نزد خداوند - جَلَّ جلاله - است . چنانکه در روایتی آمده که امام صادق (ع) به نقل از پدر بزرگوارش فرمود که علی (ع) فرمود : محبوبترین اعمال نزد خداوند سبحان در روی زمین ، دعا ، و برترین عبادت ، عفت و پاکدامنی است . دوم اینکه : دعا ، انسان را از گزند دشمنان و مخالفان رهایی بخشیده ، و درهای روزی را به روی او می گشاید . چنانکه روایت شده امام جعفر صادق (ع) به نقل از پدر بزرگوارش فرمود که رسول الله (ص) فرمود : آیا شما را راهنمایی ننمایم بر جنگ افزاری که شما را از دشمنانتان نجات داده و روزی هایتان را افزون گرداند؟ عرض کردند : بله . فرمود : شب و روز پروردگارتان را بخوانید ، زیرا براستی که دعا ، سلاح و جنگ افزار مؤمنان است . و در حدیث دیگر از امام صادق (ع) آمده است که : دعا از جنگ افزار آهنین نافذتر است . سوم اینکه : دعا ، ستون دین ، و نور آسمانها و زمینهاست . چنانکه از امام صادق ، جعفر بن محمد از پدر بزرگوارش (علیهما السلام) نقل شده که رسول خدا (ص) فرمود : دعا ، سلاح مؤمنین و ستون دین ، و علت روشنایی آسمانها و زمین است . چهارم اینکه : دعا ، از وقوع اموری که تقدیر شده و یا نشده جلوگیری می کند . چنانکه عمر بن یزید نقل می کند که از حضرت ابی ابراهیم امام کاظم (ع) شنیدم که می فرمود : براستی که دعا از وقوع اموری که تقدیر شده و یا نشده جلوگیری می کند . وی می گوید : عرض کردم : فدایت شوم ، امور مقدر معلوم است مقصود از امور غیر مقدر چیست ؟ فرمود : خداوند جلوگیری می کند تا اینکه مقدر نشود . پنجم اینکه : دعا ، بلا را دفع می کند . چنانکه ابی ولاد حفص بن سالم خیاط می گوید : در مدینه به خدمت امام ابی الحسن موسی (ع) وارد شدم ، و چیزی همراه من بود که آن را به ایشان رساندم . حضرت فرمود : به اصحاب و یاران خویش اطلاع بده و بگو که : تقوای خداوند عزوجل را پیشه کنید ، که شما در عهد پادشاهی شخص سرکشی هستند (و مقصودشان ، ابوالدوانیق یعنی منصور خلیفه عباسی بود) ، پس زبانهایتان را حفظ کنید ، و بر جانها و دینتان محافظت کنید ، و اموری را که از وقوع آن بر ما و خودتان بیم دارید با دعا دفع

کنید؛ زیرا به خدا سوگند ، که دعا و درخواست نمودن از درگاه الهی ، بلا را دفع می کند در حالی که بلا مقدر شده و اراده حتمی و قضای الهی به آن تعلق گرفته و تنها امضای آن باقی مانده است ؛ ولی وقتی خداوند خوانده می شود و از او خواسته می شود که بلا را برگرداند ، آن را دفع می کند ، پس در دعا اصرار کنید که خداوند خود شما را از شر آن کفایت فرماید . ابولآد می گوید : وقتی فرمایش حضرت ابی الحسن (ع) را به یاران خود رساندم ، ایشان بدان عمل نموده و بر ابوالدوانیق نفرین کردند ، و درست در سالی به سوی مکه خارج شده بود ، در کنار بئرمیمون پیش از آنکه مناسک حج را انجام دهد ، جان سپرد و خداوند ما را از دست او راحت کرد . ابولآد می گوید : من نیز در آن سال حاجی بودم ، به خدمت حضرت ابی الحسن (ع) رسیدم ، ایشان فرمود : ای ابولآد ، چگونه دیدید کامیابی و مستجاب شدن در آنچه را که به شما امر نموده و بر انجام آن تشویق کردم ، یعنی نفرین کردن بر ابی الدوانیق ؟ ای ابولآد ، هیچ بلایی نیست که خداوند بر بنده مؤمن نازل می کند و دعا را به او الهام می کند ، مگر اینکه خداوند بزودی آن بلا را برطرف می نماید . و هیچ بلایی نیست که خداوند بر بنده مؤمنی نازل می کند و او از دعا کردن خودداری می کند ، مگر اینکه آن و گرفتاری طولانی می گردد ، پس وقتی بلا بر شما نازل شد ، بر شما باد به دعا کردن ! ششم اینکه : مقصود از گفتار خداوند - جَلَّ جلاله - آنجا که می فرماید : مَا يَفْتَحِ اللَّهُ لِلنَّاسِ مِنْ رَحْمَةٍ ، فَلَا مُمْسِكَ لَهَا . (۳۰) - هر رحمتی را که خداوند برای مردم بگشاید ، هیچ کس نمی تواند جلو آن را بگیرد . همان دعاست ، چنانکه امام صادق (ع) در روایتی در رابطه با آیه شریفه فوق می فرماید مقصود همان دعاست . هفتم اینکه : دعا ، سبب تندرستی و بهبودی از هر بیماری است . چنانکه محمّد بن مسلم می گوید : به امام باقر (ع) عرض کردم : آیا اینکه می گویند که رسول خدا (ص) درباره حبه سؤداء (۳۱) فرموده که : مایه شفا و بهبودی از هر بیماری است ، جز مرگ . صحیح است ؟ فرمود : بله ، سپس فرمود : آیا می خواهی تو را از چیزی که سبب شفا و بهبودی از هر بیماری و آسیب ، حتی مرگ است ، آگاه سازم ؟ عرض کردم : بله ، فرمود : دعا . هشتم اینکه : دعا ، قضای مُبَرَّم و اراده حتمی و استوار الهی را برمی گرداند . چنانکه علی بن عقبه می گوید : از امام صادق (ع) شنیدم که می فرمود : براستی که دعا ، قضا و اراده حتمی و مُبَرَّم را بعد از اینکه سخت و محکم شده باشد ، برمی گرداند ، پس بسیار دعا بکن ، زیرا دعا کلید تمام رحمتها ، و سبب کامیابی و برآورده شدن تمام خواسته هاست ، و جز با دعا کردن نمی توان به آنچه نزد خداوند است (۳۲) نایل گردید . بی گمان هیچ دری نیست که بسیار کوبیده شود ، مگر اینکه بزودی به روی کوبنده اش گشوده می شود . نهم اینکه : هر کس از نزول بلا بهراسد و بخواهد آن را با دعا برگرداند ، خداوند - جَلَّ جلاله - او را به آرزویش نایل می گرداند . چنانکه در روایتی آمده امام صادق (ع) فرمود : هر کس بیم آن را داشته باشد که بلا و مصیبتی به او برسد ، پس با دعا کردن در برابر آن بایستد ، [یا : برخیزد و برای مرتفع شدن آن دعا بکند] ، هیچگاه خداوند آن بلا را به او نشان نمی دهد و وی را به آن گرفتار نمی نماید . تمام فواید دعا را که روایات گذشته مشتمل بر آن است ، ما از ناحیه انعام و احسانی که خداوند - عزّوجلّ - بر ما تفضّل فرموده ، آشکارا یافته ایم ، پس هر کس حسن ظنّ به صدق گفتار ما دارد ، در حقّ بودن و تحقّق این حالت که از خودمان ذکر نمودیم (یعنی یافتن همه این نتایج) ، شکّ و تردید به خود راه ندهد . دهم اینکه : دعا ، در مقابل نزول بلا قرار گرفته و از آن جلوگیری نموده و آن را تا روز جزا و قیامت به عقب می اندازد . چنانکه در روایتی آمده که امام رضا (ع) فرمود که از پدر بزرگوارم (ع) شنیدم که می فرمود : براستی که دعا در مقابل بلا و گرفتاری می ایستد ، و آن دو (یعنی دعا و بلا) تا روز قیامت توافق پیدا می کنند . (۳۳) یازدهم اینکه : دست دعا کننده هرگز خالی از فضل رحمت خداوند - جَلَّ جلاله - بر نمی گردد . چنانکه محمّد بن یعقوب کلینی روایت نموده که امام صادق (ع) فرمود : هیچ بنده ای دستش را به درگاه خداوند سرفراز جبار نمی گشاید ، مگر اینکه خداوند - عزّوجلّ - شرم می کند که چیزی از فضل رحمت خویش در آن نگذاشته ، دست او را خالی برگرداند ، پس هرگاه که دعا می کنید ، تا دستتان را بر روی و سرخویش نکشیده اید ، برنگردانید . (۳۴)

افضل بودن دعا از دیدگاه روایات

۱ - در روایتی آمده که فضالّه به واسطه معاویه بن عمار [یا: فضالّه بن معاویه بن عمار] می گوید: به امام صادق (ع) عرض کردم: دو نفر در یک لحظه شروع به خواندن نماز می کنند، یکی در نماز قرآن می خواند و قرائتش بیشتر از دعاست، و دیگری دعایش افزون از تلاوت قرآن، و در یک لحظه نماز را به آخر می رسانند، کدامیک از این دو افضل و برتر است؟ حضرت فرمود: هر دو فضیلت دارد، هر دو زیباست. وی می گوید: عرض کردم: می دانم که هر دو زیبا است و فضیلت دارد. کدام برتر است؟ حضرت فرمود: دعا، برتر است. آیا فرمایش خداوند متعال را نشنیده ای که می فرماید: وَقَالَ رَبُّكُمْ: اءَدْعُونِي، اَسْتَجِبْ لَكُمْ، إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي، سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ. (۳۵) - و پروردگارتان فرمود که: مرا بخوانید، تا دعایتان را برای شما اجابت کنم، براستی کسانی که از پرستش و عبادت من گردنکشی کنند، با حالت خواری و ذلت وارد جهنم خواهند شد. به خدا سوگند مقصود از عبادت در آیه شریفه دعاست، به خدا سوگند آن افضل است. آیا آن عبادت نیست؟ و حضرت دوبار فرمود: به خدا سوگند عبادت همان دعاست و بعد فرمود:، آیا دعا استوارترین عبادت نیست؟! سپس دوبار افزود: به خدا سوگند دعا، محکم ترین عبادت است. ۲ - در روایت دیگر آمده که از امام باقر (ع) پرسیده شد کدامیک از این دو در نماز افضل است: بیشتر قرآن خواندن، یا طول دادن رکوع و سجود؟ حضرت فرمود: بسیار درنگ کردن در رکوع و سجود. مگر کلام خداوند متعال را نشنیده ای که می فرماید: فَاقْرَءُوا مَا تَيَسَّرَ مِنْهُ، وَاَعْقِمُوا الصَّلَاةَ. (۳۶) - پس هر مقدار از قرآن را که میسر بود قرائت کنید، ولی نماز را کاملاً بیادارید. مسلماً مقصود خداوند از اقامه و بپا داشتن نماز بسیار درنگ کردن در رکوع و سجود و طول دادن آن دو است. راوی می گوید عرض کردم: کدامیک از این دو افضل است: قرائت بسیار یا دعای بسیار؟ حضرت فرمود: دعای بیشتر. مگر فرمایش خداوند متعال را نشنیده ای که می فرماید: قُلْ: مَا يَغْنَبُ بَكُمْ رَبِّي، لَوْلَا دُعَاؤُكُمْ. (۳۷) - بگو: اگر دعایتان نبود، پروردگارتان چه اعتنایی به شما داشت؟!

افضل بودن دعا از دیدگاه عقل

اکنون می گویم از لحاظ عقلی نیز می توان وجهی موافق با آنچه که پیرامون افضل بودن دعا از قرائت قرآن روایت شده یافت. و آن اینکه: ۱ - مسلماً این گونه نیست که هر کس کلام خداوند - جلّ جلاله - را بخواند، به خدا معرفت داشته باشد، و قدر کلام الهی را بشناسد، و با تلاوت خویش خشنودی خدا را بخواهد؛ ولی امکان ندارد کسی دعا و درخواست و آرزو کند و کسی را که می خواند و از او درخواست می کند و آرزوی خویش را از او می خواهد، یعنی خداوند - جلّ جلاله - را نشناسد؛ بنابراین، دعا همواره مشتمل است بر: الف و ب - معرفت به ذات و صفات خداوندی که او را می خواند. ج - شناخت پیامبری (ص) که مردم را به سوی او دعوت می نماید. د - معرفت به واگذاری امور خود به خدا و درخواست و طلب از پیشگاه او. ه - ادب نیازمندی به خدا. و - دلبستگی و تعلق خاطر به اعتماد و تکیه بر خدا. ز - معجزه ها و کراماتی که در نزد هر کس که دعاهایش مستجاب شده و حوایجش برآورده شده و ناراحتیهای شدیدش برطرف شده، تحقق یافته است. و اینها همگی فایده ها و مواهبی هستند که فضیلت آنها افزون و جایگاهش دو چندان و بیش از دیگر امور همسان آن است، و برای هر کس که به معنای آنها پی برد، به روشنی بر امور دیگر ترجیح دارد. ممکن است کسی اشکال کند و بگوید: گاهی غیر عارفین به خدا نیز دعا می کنند. جواب این سخن آن است که حتی دشمن خداوند - جلّ جلاله - یعنی ابلیس نیز با دعا کردن و درخواست از خداوند منتفع شده، آنجا که گفت: مرا از مهلت داده شدگان قرار ده، و خداوند - جلّ جلاله - درخواست او را اجابت نموده و فرمود: إِنَّكَ مِنَ الْمُنظَرِينَ إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ. (۳۸) - براستی که تا روز مشخص و معلوم، از مهلت داده شدگان هستی. لیکن امکان ندارد همان گونه که

ابلیس به خاطر درخواست و دعا کردنش منتفع شد، کسی دشمنِ خداوند - جَلّ جلاله - باشد و در حال عداوت و دشمنی، به خاطر خواندن قرآن شریف ثواب داده شده، و به ثمره آن نایل گردد. ۲- از دیگر مرجحات عقلی دعا بر تلاوت قرآن این است که: کسی که درخواست و دعا می کند، به همان اندازه ای که در حاجت خویش به او نیاز و اضطراب دارد، به او توجه نموده و در پیشگاهش اظهار خشوع و فروتنی می نماید، بنابراین از آنجا که نیازمندیها و حوائج مردم به خداوند - جَلّ جلاله - در زندگانی دنیا بسیار است، دعا کننده نیز بسان شخص مضطرب، ناچار از اخلاصِ عبودیت و بندگی است؛ لیکن تلاوت قرآن شریف در غالب اوقات از این حالتها خالی است، بلکه چه بسا انسان قرآن را با حالت غفلت تلاوت می نماید، و در نتیجه خود این کار [در نزد اهل کمال] محسوب می شود.

فصل ششم: شرایط اجابت دعا از دیدگاه عقل

احساس ذلت در پیشگاه حضرت حق

شایسته است دعا کننده در حال دعا توجه داشته باشد که وی مملوکِ خداوندگار توانا و قاهری است که بر او آگاهی و اشراف دارد، و اینکه بنده هیچگاه بی نیاز از مولایش نبوده و هیچ زمانی نیست که خواسته ای از او نداشته باشد. و نیز توجه داشته باشد که خداوند - جَلّ جلاله - که مالک همه چیز اوست، دارای بزرگترین جلالت و بزرگی و شکوه و والایی است، و وی که بنده اوست، در پست ترین مرتبه فرومایگی و پستی و کاستی قرار دارد، و از سویی اصل و خاستگاهش به ترتیب مراحل آفرینش از خاک و گل، و گل سیاه بدبوی متغیر، و آب پست است، و از سوی دیگر دستش از ناحیه زندگانی و وجود و تندرستی و تدبیر اصول سعادت‌مندی در دنیا و آخرتش، خالی است. پس اگر بنده با وجود این خصوصیتها، اگر با مولایی که همواره به او نیکی نموده، و توانا و قاهر است و بر او آگاهی و اشراف دارد، مخالفت نموده و این مخالفت را به آن خاستگاه ناتوان و آسیب پذیر و پست و نکوهیده اش بیافزاید، و جلالت و اقبال و توجه خدا به خود را کوچک بشمارد، و در کردار و گفتارش با او ستیز کند، و نظرش بر خلاف نظر او - که در تمام حالات به صلاح بنده است - باشد؛ باید هنگام دعا و مناجات بسان بنده برده خیانت پیشه و ذلیل در پیشگاه مولای خویش ایستاده، و همانند شخص فرومایه با شخصیتی عزیز و بزرگوار، و شخص حقیر نیازمند با مالک بی نیاز و والا- و بزرگ، و چون فرد ناتوان ناچیز با مولایی که بیم و هراس از او دارد، و گفتگوی خیانت پیشگان و جنایتکاران با کسی که از همه مالکان بزرگتر است و هر وقت که بخواهد توانایی انتقام گرفتن را دارد، او را مورد خطاب قرار دهد.

مقدم داشتن مقصود حضرت حق و اشتغال به یاد او

همچنین باید هنگام دعا و مناجات مقصود خداوند - جَلّ جلاله - از فراخواندن تو به محضر مقدس وجود خویش را بر مقصود خویش، که درخواست رحمت و جود و بخشش است، مقدم بداری، به گونه ای که هنگام دعا لذتی که از ستایش و تقدیس بزرگی و تعظیم شائن و مقام او، و اعتراف به احسانش احساس می کنی، نزد تو محبوبتر از برشمردن حوایج خویش باشد، اگر چه خواسته هایت از امور مهم دارفنا بوده، و یا برای دفع بزرگترین بلاها و گرفتاریها باشد. ای بنده، اگر خداوند - جَلّ جلاله - را از روی یقین می شناختی، مسلماً می دیدی که اشتغال داشتن به حفظ حرمت و حق رحمت او، تو را به اجابت و مساعدتی که خواسته توست، زودتر نایل می گرداند. چنانکه در روایت آمده که امام صادق (ع) فرمود: همانا خداوند - عزوجل - می فرماید: هرکس به جای مسئلت نمودن از من، به یاد و ذکر من مشغول گردد، برترین عطایایی را که به درخواست کنندگان از خود می دهم، به او عطا می کنم. اینک می گویم: آنچه را که من در این مقام از پیشوایان اسلام که مقتدای ما هستند، می دانم این است

که پیامبر اکرم - علیه افضل السّلام - فرمود برترین دعا ، دعای من و دعای پیامبران پیشین است . آنگاه تنها کلمه لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ را بر زبان جاری نمود ، و ستایش خدا را بجا آورد . عرض شد که : کجای این کلام ، دعاست ؟ حضرت - که درودهای خداوند بر او و خاندان او و بر اصفیاء و برگزیدگان پیش و بعد از او باد! - فرمود که (بدین مضمون) کدامیک از این دو ، به منظور دعا کننده و مسئلت کننده آشناتر ، و سزاوارترند که فضایل از او درخواست شود؟ آیا خداوند - جلّ جلاله - یا عبدالله بن جدعان ؟ آنجا که امیّه بن ابی الصّیلت او را ستود و گفت : اءَاءَ ذُكْرُ حَاجَتِي ، اَمْ قَدْ كَفَانِي حَيَاؤُكَ؟ إِنَّ شَيْمَتَكَ الْحَيَاءُ إِذَا أَعْنَى عَلَيْكَ الْمَرْءُ يَوْمًا كَفَاهُ مَنْ تَعَرَّضَهُ الثَّنَاءُ - آیا حاجتم را ذکر کنم ، یا شرم و حیای تو از برآورده نکردن خواسته ام برای من کافی است ؟ زیرا شرم و حیا ، سرشت و خوی توست . اگر روزی ، کسی ثنای تو را گوید ، کسی که مدح و ثنا متوجه اوست (یعنی خود تو) برای او کافی خواهد بود . بدین ترتیب و طبق معنای این شعر : مدح و ثناگویی ممدوح در برآورده شدن حوایج ستایشگر کفایت می کند ، پس خداوند - جلّ جلاله - به خاطر کمال بخشش و رحمتش به برآورده کردن حوایج شایسته تر است .

عواقب سوء غفلت در حال دعا

بنابراین هرگاه دیدی ، قلب و عقل و نفس تو هنگام تضرّع و بر این اوصاف متّصف است ، بدان که در محضّر وجود و جُود خداوند قرار گرفته ای ، و چه عنایتها ، و چه کلید سعادت‌مندیها و زود مستجاب شدن دعا که نصیبت گشته است ! ولی امر دیدی قلبت به غفلت ، و عقلت به فراموشی گرفتار است ، و به جای اشتغال به خداوند - جلّ جلاله - امور دیگر به خود سرگرم نموده ، و در حال دعا گویی به یقین احساس می کنی که گویی در محضّر هیچ کس نیستی ، و در پیشگاه خداوند بلند پایه ای که خداوند گار عالمیان است قرار نداری ، و خاکساری عبودیت و بندگی بر چهره ات نمایان نیست ، و هیچ خوف و هراسی از هیبت و شکوه بزرگ الهی نداری ، و حدّاقلّ حالت جنایت پیشگان و بزهکاران نافرمان را نیز که هنگام دیدن مولایشان لرزه به اندامشان می افتد ، نداری ، مسلماً بدان که به واسطه گناهانت از خداوندی که به همه نهانیها آگاه است ، محجوب گردیده ، و به خاطر عیبهات و کاستیهات از آن مقام دوست داشتنی بر کنار گشته ، و به جهت ویران نمودن قلبت از رسیدن به خواسته ات ممنوع شده ای ، لذا بترس از اینکه خداوند - جلّ جلاله - به عدم ایمان تو گواهی دهد زیرا کسانی را که خداوند - جلّ جلاله - به بی ایمانی آنان گواهی بدهد به هلاکت و گمراهی مبتلا خواهند شد . به خداوند بزرگ و پاکیزه می فرماید : إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ ، وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ؛ وَإِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُهُ ، زَادَتْهُمْ إِيمَانًا ، وَعَلَى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ . (۳۹) - تنها کسانی مؤمن هستند که وقتی یاد از خدا می شود ، دل‌هایشان می لرزد ، و هنگامی که آیات خدا بر آنان خوانده می شود ، بر ایمانشان افزوده می گردد ، و تنها بر پروردگارشان توکل می نمایند . پس بسان بنده ای که مولایش بر سوء بندگی و پلیدی درون و شیوه ناپسند او آگاهی پیدا کرده ، و از درگاهش رانده ، و از آستانه اش دور نموده ، او را از جمله این گونه عذاب نموده که به جای مشغول نمودن به شرافت مقام رضا و خشنودی خویش ، به دنیا سرگرمش نموده است ، بر حالِ نفس خویش گریه کن . بنابراین ، اگر با وجود دارا بودن صفات نکوهیده ای که ذکر نمودیم ، استجاب دعاهاست به تاخیر افتاد ، مسلماً گناه از ناحیه توست ، و تو بودی که بر اساس باور درست ، مولای خویش را نخوانده ، و بر درّ توفیق او نایستاده ای .

فصل هفتم : شرایط اجابت دعا از دیدگاه روایات

۱- رَغْبَتٌ ، رَهْبَتٌ ، تَضَرُّعٌ ، تَبَتُّلٌ ، اِتِّهَالٌ

روایت آمده که : امام صادق (ع) کف دستان مبارکش را به سوی آسمان گشود و فرمود رَغْبَتٌ این است ، و پشت کف دستان

خویش را به سوی آسمان قرار داد و فرمود: رَهْبَتِ این است، و انگشتان شریف خویش را به سمت راست و چپ حرکت داد و فرمود:، تَضَرُّعِ این است، و تنها یک انگشت خود را بالا- و پایین برد و فرمود: تَبْتُلِ این است، و دستش را در برابر صورت مبارکش به سمت قبله دراز کرد و فرمود: اِئْتِهَالِ این است. سپس فرمود: تا قطره اشک بر صورت جاری نگشته، ابتهال مکن. در حدیث دیگری از امام صادق - صلوات الله علیه - آمده که: اِسْتِکَانَتِ در دعا این است که دعا کننده هنگام دعا، دستانش را بر دو شانه اش قرار دهد. یکی از احتمالاتی که ممکن است مقصود از این اشارات باشد آن است که: گشودن دست در حالت رَهْبَتِ، به حال کسی که به خداوند - جَلَّ جلاله - امید دارد، و حسن ظَنُّش به تَفَضُّلِ او بر خوف از جلالِ عظمتش فزونی دارد، نزدیکتر است، لذا شخص راغب همواره خواهان ایمنی است، و کف دستش را می گشاید تا احسان خداوند به آن فرو ریزد. و شاید مقصود از حالت رَهْبَتِ و پشت کف دستها را به سوی آسمان نمودن، این باشد که بنده با زبانِ حالِ خاکساری، به مالکِ دار فنا و بقاء می گوید که: من جرات آن را ندارم که کف دستهایم را به سوی تو بگشایم، لذا از روی ذَلَّت و شرمندگی در پیشگاهت، کف دستهایم را رو به زمین قرار داده ام. و شاید مراد از حرکت دادن انگشتان به راست و چپ در حالت تَضَرُّعِ این باشد که شخص تَضَرُّعِ کننده به شیوه زنِ فرزند مرده در هنگام مصیبتِ بیمناک، دستانش را برگردانده و با پشت و رو نمودن و راست و چپ کردن آنها، گریسته و نوحه سرایی می کند. و شاید منظور از تَبْتُلِ و بالا و پایین بردن یک انگشت بر اساس معنای تَبْتُلِ در لغت که انقطاع و بریدن و گسستن است، این باشد که گویا شخصی که تَبْتُلِ می کند می خواهد بگوید: من تنها و تنها به سوی تو منقطع گشته ام، بخاطر اینکه تنها تو شایسته پرستش هستی، و با یک انگشت و نه با همه انگشتان، بر یگانگی و وحدانیت خداوند سبحان اشاره می نماید. و این مقام ارجمند و بزرگی است، لذا بنده نباید آن را ادّعا کند، جز هنگامی که اشک از چشمانش جاری گردیده، و بسان برده ذلیل در پیشگاه حضرت حقّ ایستاده، و به جای درخواست آمال و آرزوها و ذکر خواسته خویش، توجّه تامّ به خداوند صاحب جلال و عظمت داشته باشد. و گویا مقصود از اِئْتِهَالِ و دراز کردن دست در برابر صورت رو به سمت قبله، نوعی از اقسام بندگی و خاکساری باشد. و شاید منظور از اِسْتِکَانَتِ و گذاشتن دستها بر شانه ها، این باشد که گویا دعا کننده با این حالت می خواهد بگوید: من همانند برده جنایتکار - که با حالت اسارت، و در حالی که در بند است و او را به غلّ و زنجیر بسته و به سوی مولایش می برند و در پیشگاهش قرار می دهند - دستهایم را به گردنم بسته ام.

۲ - بجا آوردن مدح و ثنای خداوند پیش از درخواست حوائج.

در روایتی آمده که امام صادق (ع) فرمود: هرگاه خواستید حاجتی از خداوند طلب نمایید، ابتدا مدح و ثنای پروردگار را بجا آورید، زیرا هرکس حاجتی از پادشاهی بخواهد، ابتدا نیکوترین گفتاری را توان بر آن را دارد، آماده نموده و بیان می کند، پس هرگاه خواستید حاجتی از خدا بخواهید، ابتدا خداوند را ستوده و مدح نموده و به تمام خیر و خوبی ثنای او را بگویید... و نیز در روایت دیگر محمد بن مسلم می گوید: امام صادق (ع) فرمود: در کتاب و دستِ نوشتِ علیّ (ع) آمده است که مدح و ستایش پیش از مسئلت و خواستن حاجت است، پس هرگاه خواستید به درگاه خدا دعا کنید، ابتدا ثنای او را بگویید. وی می گوید به حضرت عرض کردم: چگونه ثنای خدا را بگویم؟ فرمود: می گویی: یا مَنْ هُوَ أَقْرَبُ إِلَیَّ مِنْ حَبْلِ الْوَرْدِ، یا مَنْ یَحُولُ بَیْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ، یا مَنْ هُوَ بِالْمَنْظَرِ الْأَعْلَى [وَبِالْأَفْقِ الْمُبِینِ]، یا مَنْ لَیْسَ کَمِثْلِهِ شَیْءٌ - ای خدایی که از رشته رگ گردن به من نزدیکتری، ای کسی که میان انسان و قلبش حایل می گردی و از او به او نزدیکتری، ای کسی که در تماشگاه و منظر بلند [و در افق و کرانه آشکار] قرار داری. و نیز در روایت دیگر معاویه بن عمار می گوید: از امام صادق (ع) شنیدم که می فرمود: [راه دعا کردن این است:] ابتدا بجا آوردن مدح و ثنای الهی، سپس اقرار به گناهان، آنگاه مسئلت کردن. به خدا سوگند هیچ بنده ای با وجود اصرار بر گناه، از گناه خارج نمی گردد، و هیچ بنده ای از گناه در نمی آید مگر اینکه به گناه خویش اقرار و اعتراف کند.

۳- فرستادن صلوات بر پیامبر اکرم (ص)

و نیز در روایت دیگر، حلبی می گوید: به امام صادق (ع) عرض کردم: کنیزی دارم که از آن خوشم می آید، ولی هر فرزندی از آن متولد می شود می میرد، و اینک پسری از آن متولد شده که شبها می ترسد، و می ترسم که او نیز زنده نماند و بمیرد. امام صادق (ع) فرمود: چرا دعا نمی کنی؟ در پاسی از آخر شب برخیز و وضو بگیر و حقّ تمام اعضا را در وضو کاملاً بجا آور، و نماز بگزار و نیکو انجام بده، و پس از نماز ستایش خدا را بکن، مبادا که مدح و ستایش نکرده درخواست نمایی (و حضرت چند بار این جمله را تکرار فرمود و دستور داد که ابتدا مدح و ثنای خدا را بگوید) و پس از مدح و ستایش پروردگارت، بر پیامبر اکرم (ص) صلوات بفرست، سپس حاجت را بخواه، که برآورده خواهد شد. آیا نشنیده ای که رسول خدا (ص) دیدند که مردی نماز می خواند، وقتی آن مرد نمازش را تمام کرد بلافاصله رو به درگاه خدا کرد و حاجتش را درخواست نمود، پیامبر اکرم (ص) فرمود: این بنده در انجام امر پروردگارش عجله و شتاب نمود. و نیز بار دیگر دیدند کسی نماز می خواند، هنگامی که وی نمازش را تمام کرد، ابتدا پروردگارش را ستود، و پس از مدح و ثنای پروردگار بر پیامبرش (ص) صلوات فرستاد. آنگاه پیامبر اکرم (ص) دوبار فرمود: درخواست کن که حاجت برآورده می شود. البته این در صورتی است که دعا کننده در حال دعا، امر خویش را به خداوندی که مالک امور اوست، واگذار ننموده و از او درخواست نکرده باشد که هر کدام از دو حالت (پنهانی و یا آشکارا دعا کردن) را که می خواهد در دل او قرار داده و به او افاضه کند، و گرنه اگر به صورت کامل صفت تفویض را داشته باشد، خداوند - جلّ جلاله - هر کردار و گفتاری را که برای او می پسندد، به او الهام می فرماید. و این امری است که ما بالوجدان آن را دریافته، و عیاناً بدان یقین و باور داریم. در روایتی آمده که حضرت ابی الحسن امام کاظم (ع) فرمود: یک بار پنهانی دعا نمودن، با هفتاد بار آشکار و در حضور مردم دعا نمودن برابر است. و نیز در روایت دیگر آمده که امام صادق (ع) فرمود: بزرگی ثواب دعا و تسیح گفتن بنده بین خود و خدا را، جز خداوند - تبارک و تعالی - نمی داند. و بالاخره در روایت دیگر، صفوان جمّال می گوید امام صادق (ع) فرمود: خداوند - تبارک و تعالی - این امر [یعنی ولایت ائمه (علیهم السلام)] را بر اهل این گروه [یعنی شیعیان] به صورت نهانی واجب نموده، و هرگز آن را به صورت آشکارا نخواهد پذیرفت. صفوان می گوید امام صادق (ع) فرمود: هنگامی که روز قیامت فرا می رسد، رضوان یعنی گنجینه دار بهشت، می بیند که گروهی در بهشت هستند ولی از منظر او عبور نکرده اند و وی هنگام ورود به بهشت آنها را ندیده است، خطاب آنها می گوید: شما چه کسانی هستید و از کجا وارد بهشت شدید؟ حضرت فرمود: می گویند: کاری با ما نداشته باش، ما گروهی هستیم که در به صورت نهانی خدا را پرستیدیم، و خداوند نیز ما را به صورت پنهانی داخل بهشت فرمود.

۴ - پاکیزه بودن از مظالم بندگان در حال دعا.

چنانکه در روایت آمده که امیرالمؤمنین (ع) فرمود: خداوند - تبارک و تعالی - به عیسی بن مریم (علیهما السلام) وحی فرمود که به جماعت [و یا اشراف] بنی اسرائیل بگو: که جز با قلبهایی پاکیزه و چشمان خاشع و دستهای پاکیزه به خانه من وارد نشوند، و به آنان بگو: دعای هر کدام از شما را که حتی از یک نفر از مردم چیزی را به ظلم و ستم گرفته باشد، اجابت نمی کنم.

۵ - معذور ندانستن ظالم در ظلم خود.

زیرا در روایت آمده که امام صادق (ع) فرمود: هر کس، ظالمی را به واسطه ظلم و ستم او معذور بداند، خداوند شخصی را بر او مسلط می گرداند که به او ظلم و ستم نماید، و اگر دعا کند دعای او مستجاب نمی گردد، و خداوند به واسطه ستم کشیدنش به او

پاداش نمی دهد .

۶- جَبَّار و سرکش نبودن .

زیرا در روایت آمده که امام صادق (ع) فرمود : خداوند - تبارک و تعالی - به حضرت داود (ع) وحی نمود : به جَبَّاران و سرکشان بگو ، مرا یاد نکنند ، زیرا هر بنده ای به یاد من باشد ، من نیز از او یاد می کنم ، و اگر سرکشان مرا یاد کنند ، آنان را یاد کرده و لعنتشان نموده و از رحمت دور می گردانم .

۷- دعا با قلب پاک و نیت صادق .

زیرا در روایتی که عمر بن یزید [یا : مزید] می گوید از امام صادق (ع) شنیدم که می فرمود : مردی در بنی اسرائیل بود ، که به مدّت سه سال به درگاه خداوند دعا می کرد که پسری به او بدهد . وقتی دید که خدا دعایش را مستجاب نمی فرماید ، گفت : ای پروردگار من ، آیا از تو دورم و به من گوش فرا نمی دهی ، یا به من نزدیکی ، پس چرا جوابم نمی دهی ؟ حضرت فرمود : کسی به خواب او آمد و به او گفت : مدّت سه سال است که با زبان بد و دشنام دهنده ، و قلب متکبر و ناپاک ، و بدون اینکه نیت صادق باشد ، خدا را می خوانی ، پس از اینها دست بکش تقوای الهی را در دل پیشه کن ، و نیت را نیکوگردان . حضرت فرمود : آن مرد چنین کرد و سپس به درگاه خداوند دعا نمود ، و پسری برای او متولّد شد .

۸- دعا نکردن ، درباره دفع ستمی که مثل آن را به دیگری روا داشته باشد .

زیرا در روایتی علی بن سالم می گوید از امام صادق (ع) شنیدم که می فرمود : خداوند - تبارک و تعالی - فرمود : به عزّت و عظمت سو گند ، دعای هیچ ستمدیده ای را درباره ستمی که به او شده ، در حالی که به احدی مشابه آن ستم را نموده باشد ، مستجاب نمی گردانم .

۹- پرهیز از گناه بعد از دعا ، تا مبدا گناهش او را از نیل به آرزویش بازدارد .

چنانکه در روایت آمده که امام باقر (ع) فرمود : همانا بنده ، حاجتی از حوایج دنیوی را از خداوند - تبارک و تعالی - درخواست می کند ، و خداوند می خواهد که تا مدّت زمان مشخص (نزدیک یا دور) آن حاجت را برآورد ، سپس بنده در همان زمان گناهی را مرتکب می شود ، پس خداوند به فرشته ای که برای برآوردن حاجت او گماشته شده می فرماید : حاجت او را برآورده مکن و او را از آن محروم گردان ، زیرا او متعزّض خشم و غضب من شد ، و از مستحقّ محرومیت گردید .

۱۰- توبه از گناهان و صلاح و صدق در حال دعا .

زیرا در روایتی عثمان بن عیسی به نقل از برخی از اصحاب امام صادق (ع) آورده که به حضرت عرض کردم : دو آیه در کتاب خدا هست که من تاءویل آنها را نمی دانم . حضرت فرمود : آن دو کدامند؟ عرض کردم : فرمایش خداوند متعال که می فرماید : اءَدْعُونِي ، اَسْتَجِبْ لَكُمْ . (۴۰) مرا بخوانید ، تا [دعایتان را] برای شما اجابت کنم . () و من دعا می کنم و مستجاب نمی گردد . حضرت فرمود : آیا مقصودت این است که خداوند - تبارک و تعالی - خلف وعده می نماید؟ عرض کردم : خیر . فرمود : آیه دیگر کدام است . وی می گوید : عرض کردم : گفتار خداوند متعال که می فرماید : وَمَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَهُوَ يُخْلِفُهُ ، وَهُوَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ . (۴۱) (و هرچه انفاق کنید ، خداوند عوض و جانشین آن را [به شما] برمی گرداند ، و او بهترین روزی دهندگان است .)

و من اتفاق می کنم و عوض و جانشین آن را نمی بینم . حضرت فرمود : آیا منظورت این است که خداوند خلف وعده نموده ؟ وی می گوید : عرض کردم : خیر . فرمود : پس چه ؟ عرض کردم : نمی دانم . فرمود : لیکن من - ان شاء الله تعالی - برای تو بیان می کنم . توجّه داشته باش اگر شما از دستورات خداوند اطاعت می کردید و سپس دعا می نمودید ، مسلماً خداوند دعای شما را مستجاب می فرمود ، ولی مخالفت و نافرمانی خدا را می کنید لذا دعایتان را مستجاب نمی نماید . و اما اینکه گفتی : اتفاق می کنی و جانشین آن را نمی بینی ، بدان که اگر شما مال را از راه حلال به دست آورده و سپس در راه حقّ و موارد درست اتفاق می نمودید ، هیچ کس درّه می اتفاق نمی کرد مگر آنکه خداوند عوض آن را به او برمی گرداند . و اگر از سمت و سو و جهت دعا او را می خواندید ، حتماً دعای شما را اجابت می نمود ، اگرچه نافرمان و گناهکار باشید . وی می گوید ، عرض کردم : روش و جهت دعا چیست ؟ حضرت فرمود : هنگامی که نماز واجب را بجا آوردی ، خدا را ستوده و او را به بزرگی یاد نموده و با تمام توان مدح و ثنایش را می گویی ، و بر پیامبر اکرم (ص) صلوات فرستاده و در صلوات بر او نهایت کوشش را می نمایی ، و گواهی می دهی که حضرتش ، رسالت خویش را به خوبی تبلیغ نموده ، و بر ائمه هدی (علیهم السلام) درود می فرستی . بعد از ستایش و ثنای خداوند و صلوات بر پیامبر اکرم (ص) ، عطایا و نیکیهای خداوند نسبت به خود را یادآور شده و نعمتهای او را ذکر می کنی ، آنگاه خدا را ستایش نموده و او را بر تمام این امور شکرگزاری می کنی ، و بعد به تک تک گناهات اعتراف نموده و به آنها و یا به هر کدام که به یاد داری اقرار نموده و به گناهانی که از یادت رفته و بر تو پوشیده است به صورت اجمالی اقرار کرده و از تمامی گناهات به درگاه خداوند توبه می کنی ، و تصمیم می گیری که هرگز به سوی آنها بازنگردی ، و با حالت پشیمانی و نیت صادق و احساس هراس و امیدواری ، از تمامی گناهات طلب آمرزش می کنی . و بخشی از گفتارت این باشد که : اَللّهُمَّ ، اِنِّیْ اَعْتَذِرُ اِلَیْكَ مِنْ ذُنُوبِیْ ، وَاَسْتَغْفِرُكَ وَاَتُوبُ اِلَیْكَ ، فَاعِنِّیْ عَلٰی طَاعَتِكَ ، وَوَقِّفْنِیْ لِمَا اَوْجَبْتَ عَلَیَّ مِنْ كُلِّ مَا یُزِیْکَ ، فَاِنِّیْ لَمْ اَعْرِ اَحَدًا بَلَغَ شَیْئًا مِنْ طَاعَتِكَ اِلَّا بِنِعْمَتِكَ عَلَیْهِ قَبْلَ طَاعَتِكَ ؛ فَاعْنِمْ عَلَیَّ بِنِعْمَتِهِ اِنَّا لَبِهَا رِضْوَانُكَ وَالْجَنَّةُ . - خداوند ، از گناهانم به درگاه تو پوزش می خواهم ، و از تو طلب آمرزش نموده و به سوی تو توبه می کنم ، پس مرا بر طاعت و فرمانبری از خود یاری فرما ، و بر هر عمل که موجب خشنودی توست و بر من واجب نموده ای ، مؤفّق گردان ، زیرا من هیچ کس را ندیده ام که به چیزی از اطاعتت نایل شده باشد ، مگر اینکه تو پیش از آن طاعت ، نعمت را بر او ارزانی داشته ای ، پس نعمتی را بر من ارزانی دار که به واسطه آن به خشنودی و بهشت نایل گردم . سپس بعد از همه اینها ، خواسته های خویش را مسئلت می کنی ، و من امیدوارم که - ان شاء الله تعالی - خداوند تو را محروم برنگرداند . توضیح دو نکته پیرامون حدیث گذشته الف - توضیح فرمایش مولا یمان امام صادق - صلوات الله علیه - که فرمود : اگر از جهت و سمت و سوی دعا خدا را بخوانید ، مسلماً دعایتان را اجابت می نماید ، اگر چه گناهکار باشید ، این است که هرگاه بنده در حالی که گناهکار است ، خداوند - جَلّ جلاله - را بخواند ، خداوند دعای او را استجاب می کند؛ ولی استجاب دعایش به تأخیر می افتد؛ زیرا از سویی خداوند - جَلّ جلاله - از بنده اش می خواهد که توبه نموده و گناهان را ترک کند ، و از سوی دیگر بنده مطالبی را با دعا از خدا درخواست می نماید . و وقتی امر چنین باشد ، خداوند - جَلّ جلاله - با زبان حال به بنده می گوید : من از تو چیزی را که حقّ من است - یعنی توبه - را مطالبه می نمایم ، و تو با دعا چیزی را که حقّ تو نیست از من درخواست می کنی ، پس وقتی تو چیزی را که من از تو می خواهم و حقّ من است ، به من نمی دهی ، چگونه تعجب می کنی که من در برابر کیفر خودداری کردن تو از دادن آنچه که من از تو درخواست نمودم ، از دادن چیزی که تو از من می خواهی و حقّ تو نیست خودداری کنم؟! ب - توضیح گفتار امام صادق (ع) پیرامون فرمایش خداوند - جَلّ جلاله - که فرمود : اگر روزی را از راه حلال به دست آورده و در راه حقّ و موارد درست اتفاق می نمودید ، خداوند عوض آن را به شما برمی گرداند . ، آن است که اگر بنده چیزی را برای هوای نفس خویش کسب کند و خرج کند ، و نیتش از این کسب و هزینه کردن معامله با خداوند - جَلّ جلاله - و امتثال امر او نباشد ، گویی که اراده خداوند - جَلّ جلاله - و

حکمت او را در تدبیر بندگان و مخلوقات برکنار نگاشته ، پس چگونه عوض انفاق او بر عهده خداوند - جلّ جلاله - باشد؟ زیرا تنها در صورتی ضمانت آن بر عهده خداوند - جلّ جلاله - خواهد بود که بنده به خاطر امتثال امر الهی کسب نموده و به امر خدا در طاعت او انفاق کند .

۱۱ - حضور قلب ، و تمایل نداشتن به دنیا .

زیرا در روایتی آمده که : حضرت موسی (ع) بر روستایی از روستاهای بنی اسرائیل می گذشت ، دید که توانگران آنان در حالی که لباسهایی بافته شده از مو پوشیده ، و خاک بر سرشان می ریزند ، و بپا ایستاده اند ، و به درگاه پروردگار اشک بر گونه هایشان جاری است ، از روی ترحم و دلسوزی برایشان گریست ، و به درگاه پروردگار عرض کرد : ای معبود من ، اینان بنی اسرائیل هستند که بسان کیوتر سخت می گیرند و ناله سر می دهند ، و همچون گرگ زوزه می کشند ، و همانند سگ عوعو می کنند . خداوند به او وحی فرمود که : چرا چنین می کنند؟ آیا به خاطر اینکه گنجینه من تمام شده است ، یا اینکه داراییها و عنایاتم اندک شده ، یا من مهربانترین مهربانها نیستم ؟ لیکن به اطلاع آنان برسان که من به آنچه که در دلهایشان است آگاهم ، آنان مرا می خوانند در حالی که دلهایشان از من غائب ، و به دنیا مایل است .

۱۲ - عدم غفلت و اشتغال نداشتن به امور بیهوده .

زیرا در حدیث آمده که پیامبر اکرم (ص) فرمود : در حالی که به اجابت دعا یقین دارید دعا کنید ، و بدانید که خداوند هرگز دعای کسی را که قلبش غافل و مشغول به لهو و امور بیهوده باشد ، مستجاب نمی فرماید .

۱۳ - ترک نکردن امر به معروف و نهی از منکر .

زیرا در روایت آمده که پیامبر اکرم (ص) فرمود : بی گمان یا امر به معروف و نهی از منکر خواهید نمود ، و یا خداوند اشرار و بدهایتان را بر نیکانتان مسلط خواهد نمود ، و در این هنگام نیکانتان دعا خواهند نمود ولی دعای آنان مستجاب نخواهد شد .

۱۴ - نفرین نکردن بر دوست .

زیرا در حدیث آمده که رسول خدا (ص) فرمود : از خدا خواستم که نفرین دوست بر دوست خویش را مستجاب نگرداند .

۱۵ - پاکیزگی خوراک و پرهیز از حرام خوری .

زیرا روایت شده که امام صادق (ع) فرمود : هرگاه کسی از شما خواست که دعایش مستجاب شود ، کسب خویش را پاکیزه نموده ، و از مظالم مردم خارج شود ، و براستی که دعای بنده ای که در شکمش مال حرام است ، یا در نزد او مظلومه ای برای احدی از بندگان خدا است ، به سوی خدا بالا- نمی رود و مستجاب نمی گردد . و نیز در روایتی آمده پیامبر اکرم (ص) فرمود : هرگاه خوراک دعا کننده حرام باشد و غذای حرام مصرف کند ، کی دعای او مستجاب می گردد؟!

۱۶ - داشتن انگشتری نقره با نگین فیروزه .

زیرا در حدیث آمده که امام صادق (ع) فرمود : رسول خدا (ص) فرمود خداوند سبحان فرمود : براستی که من شرم دارم دست

بنده ای را که در آن انگشتی فیروزه است و به سوی آسمان بلند کرده ، نومید برگردانم .

۱۷ - داشتن انگشتی عقیق .

روایت شده که امام صادق (ع) فرمود : هیچ کف دستی محبوبتر از کف دستی که در آن انگشتی عقیق باشد ، به سوی خداوند - عزوجل - بلند نشده است .

۱۸ - دعا نکردن پیرامون قطع ارتباط با خویشاوندی که قطع آن جایز نیست .

زیرا در اعمال شب نیمه شعبان و غیر آن روایت و ارادت که : دعا در آن شب مستجاب می شود ، مگر دعای کسی که قطع ارتباط با خویشاوندان خود نموده ، و یا درباره آن دعا نماید .

۱۹ - در نظر داشتن مقصود خداوند از دعا و مقدم داشتن آن برخواست خود .

به عنوان مثال : وقتی بیمار شد ، مقصودش از دعا کردن برای تندرستی اش ، صرف زنده ماندن برای خواسته های نفسانی زودگذر و دنیایی که او را از آخرتش باز می دارد ، نباشد؛ بلکه برای این دعا کند که بر اساس اراده خداوند - جلّ جلاله - که همان طاعت و عبادت اوست ، زنده بماند . و مثال دیگر اینکه : وقتی فرزند و یا کسی که در نزد او عزیز است بیمار شد ، دعا کردنش برای تندرستی آنان ، به خاطر میل نفسانی خود به زنده ماندن آنان در اموری که به مصلحت آنهاست ، یا لذت و شیرین کامی خود ، یا برای اینکه مبدا کسی به او شماتت کند ، و مقاصدی از این قبیل نباشد ، بلکه دعایش برای تندرستی آنان بدین منظور باشد که ایشان بر اساس طاعت و اراده و نظام حکمت خداوند - جلّ جلاله - پایدار و زنده باشند . ناگفته نماند که : ممکن است برای برخی به محض اطلاع از شرایط اجابت دعا که یادآور شدیم ، زود حالت یأس دست دهد ، یا بر بعضی از این روایات طعن و خرده بگیرند . پس توجه داشته باش که اینها همگی شرایط دعایی است که : الف - مسلماً مستجاب می شود . ب - یا بزودی مستجاب شده و ثمره می دهد . ج - یا درست همان چیزی که درخواست می شود و نه عوض آن ، حاصل می شود . د - یا تنها کسی که حاجت بسیار دارد ، نیازمند این همه احتیاط کاری است . ه - یا توجیه های دیگر از این قبیل که سازگار با تصدیق این روایات باشد . و گرنه مسلماً می دانیم که خداوند متعال دعای ابلیس را با وجود اصرار بر گناه ، و نیز دعای افراد بسیاری را که هنگام دعا کردن تمام این شروط را نداشته اند اجابت فرموده است . و در هر حال ، سزاوار است که انسان هنگام مناجات ، در تحصیل این شروط بکوشد ، جهت به برآورده شدن حاجت - ان شاء الله تعالی . - احتیاطکاری نموده باشد .

فصل هشتم : فواید مناجات و فضیلت دعادر غیاب مؤمنین و برای حضرت حجت (عج)

فواید محافظت بر مناجات از راه عقل

۱ - ذکر خداوند - جلّ جلاله - بر دل [یا : عقل] انسان غلبه بیشتری پیدا کرده ، و در نتیجه موجب انس بنده با پروردگار می گردد ، و بنده در عوض اشتغال به خواطر دنیوی و اسباب ناپایدار ، به خدا مشغول می گردد ، و در نتیجه همین مطلب او را به سوی مراقبت مولای خویش ، و سلامتی از دوری از حضرت حق ، و نیل به خشنودی او فرا می خواند . ۲ - بنده می تواند بدین وسیله به منزلت پروردگار در قلب خویش پی ببرد؛ زیرا اگر دید نفسش به تکرار اذکار میل و رغبت دارد ، پی می برد که خداوند - جلّ جلاله - در نزد او مقام و منزلت دارد ، به گونه ای که همین منزلت ، وسیله ای برای نیل به سلامتی از خطرهای می گردد ، زیرا

هرکس چیزی را دوست بدارد، بسیار از آن یاد می کند. ۳ - خداوند - جلّ جلاله - می فرماید: اِذْ ذُكِّرْتُمْ، اِذْ ذُكِّرْتُمْ (۴۲) و معلوم است که اگر پادشاهی از پادشاهان دنیای فانی به یکی از بردگانش که قدر منزلت والای او را می شناسد، بگوید که: به یاد من باش، تا اینکه من نیز به یاد تو باشم. و او همان گونه که در محضر خداوند - جلّ جلاله - است، در حضور آن پادشاه باشد، مسلماً در دوام یاد او کوشش می کند، تا مولایش به یاد او بوده، و در دنیا و آخرت او را به ذکر و یاد خود مشرف سازد. آیا به معنای گفته شاعر توجه نمی کنی آنجا که درباره معشوقه فانی خویش می گوید: يَوْمَ بَاءُنْ يُمَسِّئِي مَرِيضًا لَعَلَّهَا إِذَا سَمِعَتْ عَنْهُ، بِشَكْوَى تُرَاسِلُهُ وَ يَهْتَرُ لِلْمَعْرُوفِ فِي طَلَبِ الْعُلَى لِيَتَذَكَّرَ يَوْمًا عِنْدَ سَلَمَى شَمَائِلُهُ - عاشق دوست دارد که شب را با مریضی سپری نماید، تا شاید وقتی معشوقه اش [سَلَمَى] خبر او را شنید، شکوه و گله ای به سوی او بفرستد. و در جستجوی بلند پایگی و شرافت، به سوی نیکی حرکت می کند، تا خلق و خوی پاکیزه و فضایلش روزی در نزد سَلَمَى ذکر شود. و لذا بنندگان عارف و مؤدب و فرهیخته همواره می کوشند که بسیار به یاد مولای خویش که پیوسته آنان را می بیند باشند، تا او نیز از ایشان یاد کند؛ و یا به فضل و کرم خویش از آنان خشنود گردد، و یا آنان را خشنود سازد.

فوائد مواظبت بر مناجات از راه نقل

از جمله فوائد محافظت بر مناجات با پروردگار از راه روایات که من یافته ام، چندین فائده بزرگ و آرزو کردنی است: نخست اینکه هَلْهَم شدن به دعا، نشانه کوتاهی بلا و گرفتاری است. چنانکه در روایت آمده که امام صادق (ع) فرمود: آیا می دانید کدام بلا طولانی و کدامیک کوتاه است؟ راوی می گوید عرض کردیم: خیر. حضرت فرمود: هرگاه به شما، و یا به یکی از شما، (۴۳) الهام شد که دعا کند، پس بدانند که آن بلا کوتاه خواهد بود. دوم اینکه: دعا کردن پیش از گرفتاری، مسلماً بلا و گرفتاری را دفع می کند، ولی با دعا کردن بعد از بلا گاهی نمی توان به امید و آرزوی خود رسید. چنانکه در روایت آمده که حضرت ابوالحسن امام کاظم (ع) فرمود: حضرت علی بن الحسین (علیهما السلام) پیوسته می فرمود: هرکس پیش از نزول بلا پیشدستی نموده و دعا کند، هنگامی که بلا نازل می شود دعایش مستجاب می گردد، ولی هرکس پیشتر دعا نکند، و بعد بلا بر او نازل شود و آنگاه دعا کند، دعایش مستجاب نمی گردد. سوم اینکه: فرشتگان، دعای بنده ای را که تنها هنگام گرفتاری دعا می کند، ولی در حال آسایش و خوشی دعا نمی کند، از رسیدن به مرحله اجابت جلوگیری می کنند. چنانکه در روایت آمده که امام صادق (ع) فرمود: هرگاه بنده ای هنگام بلا و گرفتاری دعا کند، و در حال آسایش و خوشی دعا نکند، ملائکه جلو صدای او را می گیرند و می گویند: این صدای ناآشنا و غریبی است. پیش از این کجا بودی؟ چهارم اینکه: پافشاری کردن و اصرار در دعا، کلید نجات و رهایی است. چنانکه در حدیث است که امام صادق (ع) می فرمود: به خدا سوگند، هیچ بنده مؤمنی پیرامون حاجتی به درگاه خداوند پافشاری نمی نماید، مگر اینکه خداوند حاجت او را برآورده می سازد. و نیز در روایت آمده که امام صادق و امام باقر (علیهما السلام) فرمودند: به خدا سوگند، هیچ بنده مؤمنی به درگاه خداوند اصرار نمی کند، مگر اینکه خداوند دعای او را مستجاب می گرداند. صفاتی که دعا کننده از دیدگاه عقل و نقل باید دارای آن باشد گذشت (۴۴)، بنابراین شایسته است که الحاح و پافشاری در دعا مبتنی بر آن اصول باشد. ذکر فضیلت دعا در غیاب برادران دینی از دیدگاه روایات اینک پس از ذکر شروط مهمی که موجب قبولی دعا می شوند، لازم است فضیلت دعا در غیاب برادران دینی را با استفاده از برخی روایاتی که بدان دست یافته ایم یادآور شویم: ۱ - در روایتی آمده که امام صادق (ع) فرمود رسول خدا (ص) فرمودند: هرکس بگوید: اِئْتِ اللَّهُمَّ، اَغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ - خداوندا، مردان و زنان مؤمن را بیامر. خداوند، در برابر هر مؤمنی که از زمان آفرینش حضرت آدم (ع) تا برپایی قیامت خلق فرموده، یک کار نیک برای او می نویسد، و یک گناه او را محو می فرماید، و یک درجه [درجه ایمانی] او را بالا می برد. ۲ - نیز در روایت آمده که امام صادق (ع) فرمود: هرگاه کسی بگوید: اِئْتِ اللَّهُمَّ، اَغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِينَ

وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ ، اءْلَا حَيَاءٍ مِنْهُمْ وَ جَمِيعَ الْاَمْوَاتِ . - خدایا ، مردان و زنان مؤمن و مسلمان ، و زندگان و تمام مردگان آنها را مورد مغفرت خویش قرار ده . خداوند به شماره تمام انسانهای گذشته و آینده ، دعا برای او مستجاب می گرداند :

[یا : دعای آنان را برای وی می نویسد] ۳ - همچنین در این باره است روایت بنده صالح خدا عبدالله بن جندب - رضوان الله علیه - از مولایمان امام صادق (ع) ، عبدالله بن سنان می گوید : گذرم بر عبدالله بن جندب افتاد که بر صفا به نماز ایستاده - وی پیرمرد کهنسالی بود دیدم که دعا می نمود و در دعای خود بسیار می گفت : اءْللّهُمَّ ، فُلَانٌ بَنُ فُلَانٍ ، اءْللّهُمَّ ، فُلَانٌ بَنُ فُلَانٍ . : (خداوندا ، فلانی پسر فلانی را [بیامر] .) (۴۵) به اندازه ای که نتوانستم بشمارم . پس وقتی که سلام نماز را گفت . عرض کردم : ای عبدالله ، هیچ موقف و جایگاهی بهتر از جایگاه تو ندیده ام ، ولی از یک خصلت تو اصلاً خوشم نیامد . گفت : چه چیز من خوشایند تو نبود . گفتم : به بسیاری از برادرانت دعا کردی ، ولی نشنیدم که برای خود دعایی بکنی . گفت : ای عبدالله ، از مولایمان امام صادق (ع) شنیدم که می فرمود : هرکس در پشت سر برادر مؤمن خویش برای او دعا کند ، از کناره های آسمان ندا می شود : ای فلانی ، برای توست مانند آنچه که برای برادرت درخواست نمودی ، و برای توست صد هزار برابر آن . لذا دوست نداشتم صد هزار برابر ضمانت شده را به خاطر یکی که نمی دانم آیا مستجاب می شود یا خیر ، ترک کنم . ۴ - و نیز از آن جمله است روایت همین بنده صالح ، عبدالله بن جندب - رضوان الله علیه - از مولایمان موسی بن جعفر امام کاظم (ع) علی بن ابراهیم بن هاشم می گوید : پدرم به من گفت : عبدالله بن جندب را در موقف دیدم ، و هیچ موقعی بهتر از موقف او ندیدم ، پیوسته دستهای خویش را به سوی آسمان دراز کرده بود ، و اشکهایش بر گونه اش جاری می شد و به زمین می ریخت . پس از رفتن مردم به او گفتم : ای [آ]با محمّد ، هرگز موقعی بهتر از موقف تو ندیدم . گفت : به خدا سوگند ، جز برای برادرانم دعا ننمودم . و این بخاطر آن بود که حضرت ابوالحسن موسی بن جعفر (علیهما السلام) به من خبر داد که : هرکس در غیاب برادرش برای او دعا کند ، از سوی عرش ندا می شود که : برای توست صد هزار برابر آن ، لذا خوشم نیامد که صد هزار برابر ضمانت شده را به خاطر یکی که نمی دانم آیا مستجاب می شود یا خیر ، فروگذارم . ۵ - روایات گراسنگ دیگری پیرامون دعا در غیاب برادران دینی در قنوت نماز و تر از نماز شب ذکر خواهیم کرد ، زیرا دیده ام اصحاب ما امامیه ، برای کسانی که می خواهند دعا کنند ، بیشتر در قنوت نماز و تر نماز شب دعا می کنند . (۴۶) فضیلت دعا کردن برای حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف اینک می گویم : اگر دعا برای برادران دینی این همه فضیلت دارد ، پس فضیلت دعا برای سلطان و فرمانروایی که سبب هستی و وجود توست . و تو معتقدی که اگر او نبود ، خداوند نه تو و نه هیچ کس از مکلفین زمان او و تو را نمی آفرید ، و اینکه لطف الهی به وجود او - صلوات الله علیه - سبب تمام آنچه که تو و غیر تو در آن قرار دارید می باشد ، و وسیله تمامی خیراتی است که بدان نایل می گردید ، چگونه خواهد بود؟ پس مبادا و مبادا که تا حدی که امکان دارد خود و یا احدی از خلائق را در دوست داشتن و دعا نمودن ، بر او مقدم کنی . و نیز هنگام دعا کردن برای آن مولای عظیم الشان حضور قلبی و زبانی داشته باش . و مبادا گمان کنی که علمت ذکر این مطلب برای آن است که آن بزرگوار به دعای تو احتیاج دارد . بسیار دور است ، بسیار دور است ، اگر چنین اعتقادی داشته باشی ، در اعتقاد دوستی ات مریض و بیماری ؛ بلکه این را برای آن گفتم که حق بزرگ و احسان گرانبار حضرتش را بر تو بشناسانم . و دیگر اینکه : اگر پیش از دعا برای خویش و کسانی که نزد تو گرامی هستند ، برای آن بزرگوار دعا نمایی ، خداوند - جلّ جلاله - زودتر درهای اجابت را به روی تو خواهد گشود؛ زیرا تو - ای بنده ، - درهای قبولی دعا را با قفلهای جنایتها و گناهانت بسته ای ، پس اگر برای این مولایی که در نزد خداوند مالک زندگان و مردگان خاص و ویژه می باشد دعا کنی ، خداوند به خاطر او زود درهای اجابت را به روی تو می گشاید ، و در نتیجه تو نیز به خاطر چنگ زدن به ریسمان او در دعایی که برای خود و دیگران می کنی ، در زمره فضل او داخل شده ، و رحمت و کرم و عنایت خداوند - جلّ جلاله - تو را نیز فرا می گیرد . و مبادا بیایی و اساتیدی را که از آنها پیروی می کنی ، بشماری و بگویی که من ندیده ام آنان به آنچه که تو گفتی

عمل کنند، و آنها از مولایمان که بدو اشاره نمودی - صلوات الله علیه - غافل، و نسبت به او بی اعتنا هستند. جواب اینکه: به آنچه که گفتم عمل کن، که مطلب حق است، زیرا هر کس نسبت به مولایمان بی اعتنا، و از آنچه که ذکر نمودم غافل باشد، به خدا سوگند، که در اشتباه فضااحت باری می باشد. و حدیثی که جدّم ابوجعفر طوسی - رضوان الله علیه - مطلبی را که ذکر نمودیم، گوشزد می کند. وی روایت نموده که بعضی از صالحین یعنی ائمه (علیهم السلام) فرمود: در شب بیست و سوم ماه رمضان مکرّر - در حال سجده و ایستاده و نشسته و به طور کلی در هر حال که هستی - و نیز در کلّ این ماه و در طول عمرت به هر صورت که ممکن شد، و هر گاه که در طول عمرت به یاد آمد، این دعا را مکرّر می خوانی. به این صورت که بعد از حمد و ستایش خداوند متعال، و صلوات بر پیامبر اکرم حضرت محمد (ص) می گویی: اَءَللّهُمَّ، کُنْ لَوْ لَیْکَ فُلَانِ بْنِ فُلَانٍ (۴۷) فِی هَذِهِ السَّاعَةِ وَ فِی کُلِّ سَاعَةٍ، وَلَیْئاً وَ حَافِظاً وَ قَائِداً وَ نَاصِراً وَ دَلِیلاً وَ عَیْناً، حَتّٰی تُشِکِّنَهُ اَرْضَکَ طَوْعاً، وَ تُمَتِّعَهُ فِیْهَا طَوِیْلاً. - خدایا، در این لحظه و در تمام لحظات، سرپرست و نگاهدار و راهبر و یاری گر و راهنما و دیدبانِ ولیّ حضرت حجّّه بن الحسن - که دروهای تو بر او و بر پدرانش باد، - باش، تا اینکه او را به صورتی که خوشایند اوست [و همه از او فرمانبری می نمایند] ساکن زمین گردانیده، و مدّت زمان طولانی در آن بهره مند سازی. اینک اهتمام ائمه (علیهم السلام) را نسبت به این دعا برای آن بزرگوار چگونه می بینی؟ آیا مانند کوتاهی کردن تو نسبت به آن مقام شریف است؟ بنابراین از بسیار دعا کردن برای او - صلوات الله علیه - و برای کسانی که دعا کردن برای آنان در نمازهای واجب، جایز است، خودداری مکن؛ که در روایتی آمده که امام صادق (ع) فرمود: هر سخنی که در نماز واجب با آن خداوند متعال را مورد خطاب قرار دهی، کلام آدمی و گفتاری که نماز را باطل کند نیست. بنابراین، عذری در ترک اهتمام و همت گماشتن نسبت به این امر برای تو باقی نمی ماند.

فصل نهم: احکام و آداب مقدمات طهارت و ادعیه آن

آداب معنوی هنگام رفتن به توالت

از جمله مقدمات پیش از طهارت، مطالبی است که انسان هنگام وارد شدن در توالت و هنگام بول و غایط نمودن و این گونه امور ضروری، بدان نیازمند است. اینک می گویم: ای بنده بد، ای پست، چه چیز باعث شده که بر پادشاه عالمیان و خداوندگار اولین و آخرین جرات پیدا کنی؟ و چه چیز تو را از جایگاه خویش، که بنده ای نیازمند و ذلیل هستی، در آورده و به فروگذاری و گستاخی و اشتغال داشتن به غیر بندگی و خدمت و معامله با مالک روز جزا، واداشته است؟ وای بر تو، آیا نمی بینی که خود مخزن و حمال کثافتهای پست و عهده دار تمیز کردن محلّ خروج پلیدیها می باشی، و این امور را هر روز و شب مکرّر با دستت انجام می دهی، و تا هنگام مرگ از این کار پست رهایی نخواهی داشت. وای بر تو، چگونه از زیر بار نشانه ذلّت و نقص سر به سوی صاحب جبروت و مالک مُلک و ملکوت بلند می کنی؟ آیا نمی دانی که آغاز تو بسان پدرت، از نطفه ای بدبو و گندیده بوده، که از محلّ درآمدن پیشاب که ناپاک است بیرون می آید، و بعد از آن کارت حمالی و شستن کثافت می باشد و بعد از مرگ به صورت مُردار گندیده و زشت می گردی. سرت را از روی ذلّت و شرم به زیر انداز و صدايت را از روی بیم و هراس آهسته کن، و زبونی خویش را بشناس، و در تدبیر امور خود تاءمّل کن، و بکوش که مولایت تو را از اسارت بندگی رها ساخته، و از فرومایگی این امور پست بیرون آورد. دست به دامن او شو و به او توسّل بجوی که تو را از این بردگی اسارت آزاد ساخته و از آزادگان قرار داده و برای سکونت در بهشتی که خانه آرامش و محلّ آسودگی است، شایسته گرداند، و بدین وسیله تو را از این کار پست و اشتغال به شستن کثافتها و محلّ خروج پلیدیها بالا برده، و این جسد سخیف و دون را ویران ساخته، و بر بُنیادی والا و پاکیزه از این پلیدیها آباد کند، به گونه ای که برای سکونت در خانه ای که خوشبهايش دایمی و جاودانی است، صلاحیت

پیدا کنی که این دست به دامن شدن و توسل جستن تنها در دنیا میسر است، پس اگر به چیز پست و دون بسنده نمایی، زیانکار خواهی بود و گناه از خودت می باشد و مصیبت و گرفتاری به خودت برمی گردد.

احکام و آداب هنگام رفتن به توال

بنده ای که در دارفنا به این امور مبتلاست، خواست به توال وارد شود، نیازمند است که پیش از داخل شدن اموری را بداند، تا کارها و گفتارش بر مبنای شناخت و آگاهی باشد. از جمله آن امور که در روایات آمده است، این است که: ۱- در حال اختیار و توانایی، اگر سرش باز باشد، پیش از وارد شدن آن را بپوشاند. ۲- و جای قضای حاجتش از نگاه دیگران به عورتش مصون و محفوظ باشد. ۳- وقتی خواست برای این منظور بنشیند، رو و پشت به قبله نباشد. ۴- رو به سمتی که باد می وزد بول ننماید، زیرا امکان دارد که باد آن را به سوی او برگرداند. ۵- رو به آفتاب و ماه نباشد. ۶- در سوراخهای حیوانات، بول نکند، زیرا امکان دارد چیزی از آنجا خارج شده و گزندی به او برساند. ۷- از نشستن در مکانهایی که موجب آزار و اذیت مردم است، اجتناب کند. ۸- در آب جاری یا آب راکد، بول و غائط نکند، البته کراهت دومی شدیدتر است. و اگر آب راکد کمتر از مقدار کثر باشد، بول و غائط کردن آن را، آلوده و نجس می کند. ۹- در حال اشتغال به قضای حاجت، نخورد و نیاشامد. ۱۰- در این حالت، مسواک نزند؛ ۱۱- سخن نگوید، مگر به یاد خداوند - جلّ جلاله -، و یا اینکه ناچار از سخن گفتن باشد. ۱۲- هنگامی که از قضای حاجت خویش فراغت پیدا کرد، استنجا نموده و جای بول و غائط را با آب شستشو می دهد. و اگر برای شستن غایط آب پیدا نشد، جای آن را با سه سنگ و پاکیزه یا هر چیز دیگری که شرع مقدّس جانشین آن قرار داده، پاک کند. و اگر عین غایط پیش از استعمال سه سنگ و چیز دیگر برطرف شده باشد، باید آن سه را استعمال کند. و اگر عین نجاست با سه سنگ برطرف نشود، باید بیش از سه عدد سنگ استعمال کند تا اینکه عین غایط برطرف شود. البته حتی در صورت وجود آب نیز جایز است در رفع غایط به سنگ بسنده کند، به همان صورتی که ذکر کردیم، ولی اگر بین سنگ و آب جمع کند، افضل و بهتر خواهد بود. ۱۳- وقتی از طهارت کردن محلّ غایط فارغ شد، سه بار به آرامی از مخرج تا بیخ آلت تناسلی را دست کشد، سپس باز به آرامی سه بار از بیخ آلت تا سر آن دست کشد (۴۸)، پس از آن را شستشو دهد، و در شستن مخرج بول، در حالت دسترسی به آب، غیر از آب کفایت نمی کند. و حکم زن در شستن غایط با آب همانند مرد است، و اما در بول نیازی به کشیدن دست و استبراء ندارد و شستن آن کفایت می کند.

آداب و ادعیه هنگام رفتن به توال

اینک بعضی از روایات پیرامون آداب و دعا‌های وقت دخول در توال تا هنگام خروج از آن را که شایسته است شخص عارف از آن غفلت نرزد، ذکر می کنیم: ۱- هنگام وارد شدن، پای چپ را پیش از پای راست در مستراح گذارد، و بگوید آنچه را که در روایت آمده که امام صادق (ع) فرمود: هنگامی که وارد توال شدی و خواستی غایط کنی، بگو: بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ، اَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الْخَبِيثِ الْمُخْبِتِ الرَّجْسِ النَّجِسِ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ. إِنَّ اللَّهَ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ الْعَلِيمُ. - به نام خدا، و به وسیله خدا، به خدا پناه می برم از پلید پلید کننده و آلوده ناپاک، شیطان رانده شده، براستی که خداوند شنوا و بینا و آگاه است. ۲- و اگر روایتی را خواستی که الفاظ کمتر از این را داشته باشد، بگو آنچه را که روایت شده که امام صادق (ع) فرمود: هنگامی که وارد توال شدی و خواستی غایط کنی، بگو: بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ، اَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الرَّجْسِ النَّجِسِ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ، إِنَّ اللَّهَ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ. - به نام خدا، و به [وسیله] خدا، به خدا پناه می برم از [شر] پلید نجس، شیطان رانده شده، براستی که خداوند شنوا و آگاه است. ۳- و اگر باز کمتر از این الفاظ را خواستی، بگو آنچه را که امام صادق (ع) پیرامون حکم توال هنگام ورود به آن فرمود: وقتی

انسان داخل توالت شد، بگوید: بِسْمِ اللَّهِ - به نام خدا. و وقتی برای قضای حاجت نشست، بگوید: اِئِلَّهَهُمْ، اَذْهَبْ عَنِّي الْأَذَى، وَ هَنْتَنِي طَعَامِي. - خداوندا، مایه رنج و آزار را از من برطرف نما، و خوراکم را گوارا فرما. و هنگامی که قضای حاجت نمود، بگوید: اِئِلْحَمِدُ لِلَّهِ الَّذِي اِءْمَاطَ عَنِّي الْأَذَى، وَ هَنَاءَنِي طَعَامِي. - سپاس خدایی را که مایه رنج و اذیت را از من دور نمود، و خوراکم را گوارا فرمود. سپس فرمود: فرشته ای بر بندگان گمارده شده که وقتی قضای حاجت نمودند، سر او را برگردانده (۴۹) می گوید: ای فرزند آدم، آیا به آنچه که از شکم و اندرون بیرون آمده نمی نگری، پس جز چیز پاکیزه در آن داخل مکن، و عورت را در حرام داخل مکن. ۴- و وقتی که خواست خودش را بشوید، آنچه را که جَدَم ابی جعفر طوسی - رضوان الله علیه - روایت نموده بگوید. که می فرمود: هرگاه خواست خودش را شستشو دهد، بگوید: اِئِلَّهَهُمْ، حَصِّنْ فَرْجِي، وَ اَسْتُرْ عَوْرَتِي، وَ خَرَمَهُمَا عَلَى النَّارِ، وَ وَقَفْنِي لِمَا يُرْضِيكَ عَنِّي، يَا ذَا الْجَلَالِ وَ الْإِكْرَامِ، (۵۰) - خداوندا، شرمگاه و عورت را محفوظ و پوشیده بدار، و آن دو را بر آتش [جهنم] حرام فرما، و مرا به هر آنچه که تو را از من خشنود می سازد، مؤفق گردان. ای صاحب بزرگی و بزرگواری. ۵- وقتی از غایط فارغ شدی، بگو آنچه را که در روایت آمده که امام صادق (ع) فرمود: وقتی از غایط فارغ شدی بگو: اِئِلْحَمِدُ لِلَّهِ الَّذِي اِءْمَاطَ عَنِّي الْأَذَى، وَ اَذْهَبَ عَنِّي الْغَائِطَ، وَ هَنَاءَصَ وَ عَافَا، وَ اِئِلْحَمِدُ لِلَّهِ الَّذِي يَسِّرُ الْمَسَاغَ، وَ سَهَّلَ الْمَخْرَجَ، وَ اِءْمَضَى الْأَذَى. - سپاس خدایی را که مایه رنج و اذیت را از من دور، و غایط را از من برطرف نمود، و خوراک مرا گوارا نموده و تندرستی عنایت فرمود. و ستایش خداوندی را که خوراکم را گوارا گردانید، و بیرون آمدن آن را راحت نمود، و مایه رنج و اذیت را بیرون راند. و هنگامی که خواستی از توالت بیرون بیایی، دست به شکم مالیده، سپس آنچه را که جَدَم ابی جعفر طوسی - رضوان الله علیه - روایت نموده، بگو که: اِئِلْحَمِدُ لِلَّهِ الَّذِي هَنَاءَنِي طَعَامِي وَ شَرَابِي، وَ عَافَانِي مِنَ الْبُلْوَى - سپاس خداوندی را که خوراکی و نوشیدنی را برای من گوارا فرموده، و از گرفتاری و [بیماری] عافیت و تندرستی عنایت نمود. و هنگام بیرون آمدن از توالت پای راست خود را پیش از پای چپ بیرون گذاشته و بگوید: اِئِلْحَمِدُ لِلَّهِ الَّذِي عَزَفَنِي لَبَدَّتُهُ، وَ اَبَقِيَ فِي جَسَدِي قُوَّتَهُ، وَ اَخْرَجَ عَنِّي اِءْذَاهُ، يَالَهَا نِعْمَةً، يَالَهَا نِعْمَةً، لَا يَقْدِرُونَ الْقَادِرُونَ قَدْرَهَا. (۵۱) ستایش خدایی را که لذت غذا را به من شناسانید، و نیرویش را در جسمم به جا گذاشت، و مایه رنج و اذیت آن را از من بیرون راند. چه نعمت بزرگی، چه نعمت بزرگی، چه نعمت بزرگی، که اندازه گیران نمی توانند اندازه عظمت آن را مشخص سازند و بدانند.

شرایط آب

آبی در خور طهارت است که: مطلق، و پاکیزه از نجاسات باشد، و انسان از ناحیه شرع از استعمال آن برای طهارت ماءذون باشد. پس هرگاه چنین آبی پیدا شد بدان تطهیر می شود؛ و اگر چنین آبی پیدا نشد و آب قلیل و کمتر از کُر بود، اصل آب یقیناً پاک و طاهر است، لذا انسان نباید به خاطر قلیل بودن، از طهارت با آن خودداری کند و به گمان و تخمین بگوید که نجس شده است، زیرا به واسطه همین خودداری کردن و ترک طهارت و نماز، نَفْس خویش را به هلاکت انداخته و به صاحب شریعت اهانت نموده، بلکه امور زشت و قبیحی را به فرستاده خداوند - جَلَّ جلاله - نسبت داده است؛ زیرا اگر مقصودش عبادت خداوند سبحان باشد، نباید در تدبیر و گفتار الهی با او مخالفت نماید. و مبدا به آنچه که بسیاری از مردم بدان مبتلایند، یعنی ترک طهارت و نماز به خاطر تَوَهُّمهای وسواس گونه و حکم به نجس بودن آب، مبتلا شود؛ زیرا وسواس، یا بیماری جسمی است؛ و یا بیماری و آسیب در عقیده و دین؛ و یا درماندگی در شناخت خداوند بسیار مهربان است.

فصل دهم: آداب معنوی طهارت از دیدگاه عقل

برای کسی که می خواهد با آب طهارت کند مهم این است که پیش از شستن اعضای خویش، آنها را از چرک گناهان و نجاست

عیبهایش تطهیر کند؛ زیرا اگر هنگام شستشوی آنها، از تطهیر آنها از آنچه که ناخوشایند مولایش است - هم او که می خواهد در پیشگاه او بایستد - غفلت داشته باشد، و در حال شستشوی اعضا با آب، مبتلای به غفلت و جرات بر خداوند - جلّ جلاله - بوده، و از حضور او غایب باشد، مانند کسی می گردد که خدا را دست انداخته و او را استهزاء می کند، زیرا امر مهمتر را فروگذارده و سرگرم امر کم اهمیت شده، و تهدیدی که خداوند - جلّ جلاله - در گفتارش فرموده، ایمن نخواهد بود، آنجا که می فرماید: **اِنَّ لِلّٰهِ يَسْتَهْزِئُ بِهِمْ، وَ يَمْدُهُمْ فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ** . (۵۲) - خداوند آنها را استهزاء می نماید و یاری شان در طغیان و سرکشی شان سرگشته و متحیر شوند. آیا این روایت را نشنیده ای که: حضرت امام حسن بن علی (ع) وقتی وضو می گرفت، رنگ صورت مبارکش دگرگون می شد، و بندهای بدنش به لرزه درمی آمد. در این باره از آن حضرت پرسیده شد. آن بزرگوار فرمود: سزاوار است کسی که در پیشگاه خداوند صاحب عرش می ایستد، رنگش زرد گردد، و بندهای بدنش به لرزه درآید. و مشابه این حدیث نیز درباره مولایمان حضرت امام حسن (ع) نقل شده است. و نیز آیا نشنیده ای که مولایمان زین العابدین علی بن الحسین - صلوات الله علیهما - وقتی شروع به طهارت نماز می کرد، صورتش زرد شده، و بیم و هراس از آن مقامات والا بر چهره اش آشکار می گردید. پس آیا در ترازو و سنجش عقل جایز است که حضرتش (ع) با آنکه سالم و معصوم [از گناهان و عیوب و اشتباهات] بوده بهراسد، و تو در حالی که بیمار هستی ایمن باشی؟ مسلماً هرکس که می خواهد به منظور مناجات و گفتگوی خصوصی در محضر پادشاهی وارد شود، با آراستن و درست کردن هر چیزی که ممکن است نگاه پادشاه بر آن بیافتد، و با هر چیز که موجب قرب بیشتر در نزد او می گردد، خود را آماده و مهیا می نماید. و معلوم است که نظر پاک و مقدّس خداوند - جلّ جلاله - متوجه طهارت قلب از گناهان، و پاکیزگی اعضا و جوارح از زخمهای گناهان است. و دیگر اینکه: اگر بنده به تطهیر دل و اعضا و جوارح از چرکهایی که در اثر بکار زدن آنها در غیر هدفی که برای آن آفریده شده، یعنی عبادت و پرستش خداوند، اهتمام ورزد - به این صورت که از خداوند مالک رحمت طلب عفو و گذشت کند، یا با تبت صادق و خالصانه و به شایستگی توبه کند - همین اهتمام ورزیدن به امر مهمتر لطف و کمکی از ناحیه پروردگار به او محسوب می شود، و او را بهتر به تطهیر کامل اعضا و جوارح با آب می کشاند، و وقتی بعد از پاک نمودن آنها از گناهان، آنها را با آب نیز تطهیر نمود، نسبت به اینکه با سلامتی از گناه در محضر مناجات پروردگار وارد شود، و نسیم عطر و بوی خوش آن مقام را استشمام نماید، نزدیکتر خواهد بود.

فصل یازدهم: احکام و آداب و ادعیه وضو

کیفیت وضو گرفتن

در روایت آمده که امام صادق (ع) فرمود: روزی امیرالمؤمنین (ع) با محمد ابن حنفیه نشستند بودند، حضرت فرمود: ای محمد، ظرفی آب بیاور تا برای نماز وضو بگیرم. محمد آب آورد، حضرت آب را با دست چپ، بر دست راستش ریختند و سپس فرمودند: بِسْمِ اللّٰهِ، اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي جَعَلَ الْمَاءَ طَهُورًا، وَ لَمْ يَجْعَلْهُ نَجَسًا. - به نام خدا، سپاس خدایی را که آب را پاکیزه و پاکیزه کننده قرار داد، و آن را نجس و آلوده قرار نداد. سپس [به توالی رفته] و خود را شستشو داده و فرمودند: اِنَّ لِلّٰهِ، حَصْنٌ فَزَجِي وَ اَعَفُّهُ، وَ اسْتَوْعَوْتِي، وَ حَرَمْنِي عَلَى النَّارِ. - خدایا، شرمگاهم را محفوظ و پاکدامن بدار، و عورتم را بپوشان، و آن را بر آتش [جهنم] حرام کن. پس از آن آب در دهان گردانیده و مضمضه نموده و فرمودند: اِنَّ لِلّٰهِ، لَقْنِي حُجَّتِي يَوْمَ اَلْقَاكَ، وَ اَطْلُقْ لِسَانِي بِذِكْرِكَ [وَ شُكْرِكَ]. - خداوندا، روزی که با تو ملاقات می کنم، حجت و دلیل را به من تلقین نموده و بفهمان، و زبانم را به یاد [و شکر گزاری ات] بگشای. سپس آب داخل بینی کرده و استنشاق نموده و فرمودند: اِنَّ لِلّٰهِ، لَا تُحَرِّمْ عَلَيَّ رِيحَ

الْجَنَّةِ، وَاجْعَلْنِي مِمَّنْ يَشْتُم رِيحَهَا وَرَوْحَهَا وَرِيحَانَهَا وَطَبِيبَهَا. - خدایا، بوی بهشت را بر من حرام منما، و مرا از کسانی قرار ده که بو و نسیم و بوی خوش و عطر بهشت را می بویند. سپس صورت خویش را شسته و فرمودند: اَءَللّٰهُمَّ، يَبِّضْ وَجْهِي يَوْمَ تَسْوَدُ فِيهِ الْوُجُوهُ، [و لا تُسَوِّدُ وَجْهِي يَوْمَ تَبْيِضُ فِيهِ الْوُجُوهُ]. - خداوندا، روزی که چهره ها در آن سیاه می گردد، روی مرا سپید گردان، [و در روزی که رویها سفید می گردد، مرا رو سیاه مفرما]. آنگاه دست راست خویش را شسته و فرمودند: اَءَللّٰهُمَّ، اَعْطِنِي كِتَابِي يَمِينِي، وَالْخُلْدَ فِي الْجَنَانِ بَيْسَارِي، وَحَاسَةً بَنِي حَسَاباً يَسِيرًا. - خدایا، نامه عملم را به دست راستم بده، و جاودانگی در بهشت را به دست چپم، و به صورت آسان از من حساب کشی بفرما. سپس دست چپ خود را شستشو داده و فرمودند: اَءَللّٰهُمَّ، لَا تُعْطِنِي كِتَابِي بِشِمَالِي [و لا مِنْ وَرَاءِ ظَهْرِي]، وَلَا تَجْعَلْهَا مَغْلُولَةً إِلَيَّ عُنُقِي، وَ اَعُوذُ بِكَ مِنْ مُقْطَعَاتِ النَّيرانِ. - خداوندا، کتابم را به دست چپ [و از پشت سرم] به من مده، و آن را بسته برگردنم قرار مده، و به تو پناه می برم از جامه های بریده و مهیا شده از آتش. سپس سر خود را مسح نموده و فرمودند: اَءَللّٰهُمَّ، عَشِّنِي بِرَحْمَتِكَ وَبَرَكَاتِكَ وَعَفْوِكَ [و عَافِيَتِكَ مِنَ الْبُلْوَى]. - خدایا، مرا غرق در رحمت و برکات و عفو و گذشت [و ایمن از بلا] خود بگردان. پس از آن پاهای خویش را مسح نموده و فرمودند: اَءَللّٰهُمَّ، تَبَثِّنِي عَلَى الصِّرَاطِ [الْمُسْتَقِيمِ] يَوْمَ تَزُلُّ فِيهِ الْأَقْدَامُ، وَاجْعَلْ سَعْيِي فِيمَا يُرْضِيكَ عَنِّي. (۵۳) - خداوندا، در روزی که قدمها می لغزند مرا بر صراط [مستقیم] ثابت و استوار گردان، و سعی و کوششم را در چیزی قرار ده که موجب خرسندی تو از من گردد. سپس حضرت سرشان را بلند کرده و به محمد نگاه نمود و فرمود: ای محمد، هر کس مانند من وضو بگیرد، و همانند من دعا کند، خداوند - عزوجل - از هر قطره [آبی که در وضوء استفاده نموده] فرشته ای می آفریند که تقدیس و تسبیح و تکبیر بگوید، و خداوند ثواب آن را تا روز قیامت برای او می نویسد.

احکام و آداب وضوء

در روایاتی که از ائمه (علیهم السلام) در تفصیل احکام وضوء وارد شده، آمده است که: کسی که می خواهد وضو بگیرد، هنگام شستن صورت از اوّل [رستگاه] موی جلو سر آغاز نموده تا آخر چانه اش را می شوید، و هنگام شستن دستها از روی دستها شروع نموده و از آرنج تا سر انگشتان را شستشو می دهد، و به اندازه [پهنای] سه انگشت جلو سرش را مسح می کند، البته کمتر از این هم کفایت می کند و هنگام مسح کردن روی پاها از سر انگشتان شروع نموده و تا برآمدگی روی پاها را که کعب عالی نامیده می شود، مسح می کند. و اگر صورت و بازوها و دستهایش را دوبار بشوید جایز است، و بین فضیلت دو روایتی که در این باره نقل شده است جمع نموده است.

مُبطلات وضوء

جنابت، و مسّ میت بعد از سرد شدن بدن میت و پیش از غسل دادن میت وضو را باطل می کند؛ و نیز خوابی که بر گوش و چشم غالب باشد، و همچنین هر چیزی که عقل را از بین می برد، و نیز بول و غایط، و خارج شدن قطعی و یقینی باد از انسان آن را باطل می کند. و افزون بر اینها در مورد زنان، حیض و نفاس و استحاضه از اموری است که وضو را باطل می کند.

فصل دوازدهم: احکام و آداب تیمم بدل از وضو

احکام تیمم

این طهارت که در عرف شرع تیمم نامیده می شود، رحمت و انعام و بزرگواری و بخششی است از جانب خداوند - جلّ جلاله -

نسبت به کسانی که نمی توانند با آب طهارت کنند. و ویژگی خاکی که به آن تیمم می شود این است که: باید پاک بوده، و از ناحیه شرع در استعمال آن ماء ذو باشیم. و اگر کسی که وظیفه اش تیمم است خاک پیدا نکرد، از گرد و غبار نمِ زین اسب و مانند آن تیمم می کند. و در صورت نبودن آب و خاک و در حالت اضطرار و ناچاری می توان با هر چیز که گرد و غبار داشته باشد، تیمم کرد

عذرهایی که موجب تیمم می شود

فقط وقتی می توان تیمم کرد که وقت نماز تنگ شده و تنها به اندازه ای که بتوان تیمم کرد وقت باشد، و یا بکلی آب یافت نشود؛ یا استعمال آب برای شخص - به خاطر بیماری یا عدم امکان پرداخت بهای آب، و یا به جهت عذرهایی دیگری که در شریعت محدّیه (ص) مجوّز تیمم هستند - ممکن نباشد. اگر عدم امکان طهارت با آب، به خاطر پیدا نشدن آب بوده و شخصی که آب پیدا نکرده در صحرا باشد، باید هنگام تنگ شدن وقت نماز، در زمین هموار به اندازه مسافت پرتاب دو تیر، و در زمین سخت و ناهموار به اندازه مسافت پرتاب یک تیر، در جستجوی آب برود. و جستجوی آب برای هر کس که قدرت بر آن داشته باشد امر مهمّ و بسیار مورد تاءکید است.

کیفیت تیمم

اگر انسان در بیابان بود و پس از جستجو آب پیدا نکرد، یا عذری در ترک طهارت به آب برای نماز داشت (مانند برخی از عذرهایی که بدان اشاره نمودیم)، کیفیت تیمم برای طهارت از حَدَث اصغر و بدل از وضو آن است که: تیمم کننده کف دو دستش را بر خاک بزند، سپس آنها را به هم می زند تا گرد و غبار آنها بریزد، و کف دستها را بر پیشانی اش، (از ابتدای جلوی سر [ورستگاه مو] تا گوشه بینی) می کشد. البته مقصود از گوشه بینی، طرفِ سرینی است، و پس از آن کف دست چپش را روی کف دست راستش (از اوّل کف دست راست تا سر انگشتان)، و کف دست راستش را روی کف دست چپش (از اوّل کف دست چپ تا سر انگشتان) می کشد. پس وقتی اینها را انجام داد، وارد شدن در نماز و عباداتی که به طهارت احتیاج دارد، مباح و جایز می گردد. اموری که وضو را باطل می کند، و علاوه امکان طهارت با آب و وضو گرفتن تیمم را باطل می کند.

فصل سیزدهم: احکام و آداب غسل از دیدگاه عقل و نقل

آداب معنوی غسل

چیزی که در مورد غسل، در نزد عارفان مهمّ است، این است که پیش از شروع غسل، گناهان و دلهایشان را با آب خشوع و فروتنی، و عیوب اعضا و جوارح خویش را با اشک چشم شستشو داده، و با دستاویز اخلاص، نیت غسل توبه نموده، و هنگام غسل به مقام اختصاص و برگزیدگی در نزد پروردگار داخل شوند.

اقسام غسلها

غسلها دو گونه اند: واجب و مستحبّ. و غسلهای واجب بر مکلفین زنده عبارت است از غسل جنابت، و غسل مسّ میتِ آدمی بعد از سرد شدن به واسطه مرگ و پیش از غسل دادن آن. و غسلهای واجب بر زنان نیز عبارت است از: غسل جنابت و همچنین غسل حیض و نفاس و استحاضه و غسل مسّ میت. و غسلهای مستحبّ بیست و هشت غسل، و بلکه بیشتر از این عدد است، که در

روایات برای هر کدام از آنها فضیلت و ثواب خاصی ذکر شده است. و غسل اموات و مردگانی که غسل دادنشان در شریعت سید المرسلین (ص) واجب است نیز از غسلهای واجب می باشد که ما گزیده و اجمالی از مطالب مفصّل مربوط به آن را ذکر خواهیم نمود، تا کسانی که خواهان عمل هستند بر معنای آن آگاهی پیدا کنند. احکام واجب بر جنب وقتی انسان با همسر خود همبستر شد به گونه ای دو ختنه گاه یعنی جای ختنه مرد در آلت تناسلی با جایگاه ختنه زن (۵۴) برخورد نمود و یا به خاطر بیرون آمدن منی که با جهش بیرون آمده و جنابت بودنش معلوم و یقینی باشد - خواه در خواب باشد یا در بیداری، با شهوت باشد یا بدون شهوت - جنب شد، ۱ - برای او جایز نیست که در مسجد داخل شود، مگر اینکه ناچار باشد و به صورت گذرا از مسجد بگذرد. ۲ - نباید در حال اختیار چیزی در آنجا بگذارد، جز در مسجد الحرام و مسجد مدینه شریفه که حتی جایز نیست از آن دو عبور کند. ۳ - شخص جنب نباید نوشته مصحف و قرآن شریف و یا اسمی از اسماء خداوند - جلّ جلاله - و نامهای پیامبران خدا و ائمه - صلوات الله جلّ جلاله علیهم اجمعین - را مسّ کند. ۴ - برای جنب جایز است که همه قرآن بجز چهار سوره عزائم را بخواند، و مادام که جنب است نباید حتی به مقدار کم از این چهار سوره را قرائت کند. و آنها عبارتند از: سوره های الم سجده و حم سجده، و والتّجّم، و إقراء بِاسْمِ رَبِّكَ. ۵ - خوردن و آشامیدن در حالت جنابت مکروه است، و اگر شخص جنب، احتیاج به خوردن و آشامیدن پیدا کرد، ابتدا مضمضه و استنشاق نموده و آب در دهان و بینی گردانده و بعد می خورد و می آشامد. ۶ - خوابیدن بعد از جنابت مکروه است مگر بعد از گرفتن وضو، ۷ - خضاب کردن و حنا گذاشتن برای جنب مکروه است.

کیفیت غسل

اگر کسی خواست غسل جنابت کند، در صورتی که غسلش به خاطر انزال منی که با جهش می آید باشد، ۱ - واجب است که ابتدا با بول کردن یا هر چیزی که جانشین آن باشد، استبرا نماید، و این کار بر زنان واجب نیست. ۲ - سپس هر جایی از بدنش را که نجس شده شستشو دهد. ۳ - مستحبّ است که سه بار دستش را بشوید. ۴ - مستحبّ است هنگام غسل کردن بگوید: اَللّهُمَّ، طَهِّرْنِي، وَ طَهِّرْ قَلْبِي، وَ اشْرَحْ صَدْرِي، وَ اَجْرِ عَلَيَّ لِسَانِي ذِكْرَكَ وَ مَدْحَتَكَ وَ الثَّنَاءَ عَلَيْكَ. اَللّهُمَّ، اجْعَلْهُ لِي طَهُورًا وَ شِفَاءً وَ نُورًا، إِنَّكَ عَلَي كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. - خداوندا، مرا پاکیزه بگردان، و قلبم را پاک نما، و سینه و دلم را بگشای، و یاد و مدح و ثنایت را بر زبانم جاری گردان، خدایا، آن [یعنی غسل کردن] را برای من مایه پاکیزگی و بهبودی و نور قرار ده، براستی که تو بر هر چیز توانا هستی. ۵ - مستحبّ است پیش از غسل، مضمضه و استنشاق نموده و آب در دهان و بینی اش بگرداند ۶ - نیت غسل را می تواند هنگام مضمضه و شستن دهان، و یا وقت شروع غسل بکند. و نیت آن به این صورت است که: غسل جنابت می کنم به خاطر واجب بودن آن، تا به این وسیله حالت جنابت رفع، و هرچه با غسل کردن مباح می گردد (۵۵) برایم مباح و جایز گردد، در حالی که بد منظورم عبادت خداوند سبحان از آن جهت که شایسته عبادت است (۵۶) می باشد. ۷ - خواست غسل را به صورت ارتماسی انجام دهد، کافی است تنها یک بار به گونه ای در آب فرو رود که آب به تمام بدنش برسد. ۸ - اگر خواست به صورت ترتیبی غسل کند، ابتدا سرش را تا بیخ گردن شستشو داده و آب را به بُن موهای سرش می رساند، و اگر ریش داشته باشد آب را به بُن موهای آن نیز می رساند، سپس سمت راست بدنش را از بالای شانه راست تا پایین پای راست شستشو داده، و بعد سمت چپ بدنش را از بالای شانه راست تا پایین پای چپش می شوید. ۹ - مقدار آبی که برای غسل کفایت می کند، عبارت است از کمترین مقداری که بر اساس انجام غسل که شرح دادیم بر بدن جاری گردد، به گونه ای که غسل شرعی نامیده شود. ۱۰ - و ترتیب غسل، به ترتیبی که ذکر نمودیم واجب است، ولی مؤالات و پی در پی انجام دادن اعمال غسل واجب نیست. ۱۱ - کیفیت تمام غسلها - خواه واجب باشد و خواه مستحبّ - به همین صورتی است که ما از هنگام مضمضه و آب در بینی گرداندن تا آخر فراغت از غسل بیان نمودیم. ۱۲ - کیفیت غسل کردن زن مانند غسل حیض و استحاضه مخصوص (۵۷) و نفاس به همین

صورت است ، و تنها فرق آن با غسل مردان این است که زن پیش از غسل نیازی به استبرا کردن ندارد .

احکام غسلهای مخصوص زنان

الف- حیض

۱- خونی که شرع مقدّس به حیض بودن آن حکم می کند ، عبارت است از خونی که زن بعد از بالغ شدن ببیند ، و با خون زخم و جراحت و خون غایط و غیر آنها مشتبه نگردد ، و کمترین مدّت آن سه روز ، و بیشترش ده روز می باشد . ۲- اگر با خون زخم و جراحت درون عورت زن اشتباه شد ، زن پنبه ای در داخل عورت خود می گذارد ، اگر خون از سمت چپ بر آن خارج شود خون حیض است ، و اگر از غیر سمت چپ خارج شود خون حیض نیست . ۳- اگر با خونی که همراه با غایط است اشتباه شد ، پنبه را در داخل عورت خود می گذارد ، اگر خون دَوْر پنبه را گرفته باشد ، خون با غایط بیرون آمده است ، و گرنه خون حیض است . ۵- اگر زن حائض باشد ، نماز خواندن و روزه گرفتن و داخل شدن در مساجد و قرائت سوره های عزائم و مس قرآن بر او حرام است . و نیز بر شوهرش حرام است که در حال حیض با او نزدیکی نماید؛ و بنابر وجهی ، حرام است که در حال حیض طلاقش دهد . ۶- اگر زن از حیض پاک شد و غسل بجا آورد و وقت نماز واجب شد ، همانند پیش از حیض ، نماز خواندن بر او واجب می گردد ، و بجا آوردن قضای نمازهایی که در ایام حیض فوت شده بر او واجب نیست ؛ ولی قضای روزه هایی که در ایام حیض (اگر فرضاً حایض نبود) بر او واجب بوده ، واجب است .

ب- نفاس

نفساء زنی را می گویند که هنگام ولادت خون ببیند ، و برای مدّت کم آن اندازه مشخصی نیست ، ولی بیشترین مدّت آن ده روز است ، و احکام زن حایض را دارد .

ج- استحاضه

مستحاضه زنی را گویند که خون ببیند و آن خون نه حیض باشد ، و نه خون نفاس (به همان صورتی که هر دو را توصیف نمودیم . (خون استحاضه سه گونه است : الف - اگر خون کم باشد ، با پنبه آزمایش می شود ، هرگاه خون به سمت بالای آن برسد ، باید پنبه را عوض کرده و هنگام خواندن هر نماز ، طهارت صغری (۵۸) را تجدید کند ، و نمازش صحیح است . ب - اگر خون در سمت بالای پنبه نمایان گردد و از پنبه به بیرون نریزد ، باید علاوه بر تجدید پنبه و گرفتن وضو به همان صورتی که ذکر کردیم ، یک غسل مانند غسل جنابت - به نیت غسل استحاضه - برای خصوص نماز صبح بکند ، و بقیه نمازها را به همان صورتی که شرح دادیم با وضو بخواند . ج - اگر خون استحاضه از سمت بالای پنبه به بیرون بریزد ، علاوه بر آنچه ذکر نمودیم ، یک غسل برای نماز ظهر و عصر نموده و آن دو نماز را پشت سرهم انجام دهد ، و غسل دیگری برای نماز مغرب و عشا نموده و آن دو نماز را پشت سرهم انجام دهد . - زن مستحاضه در تمام آنچه توضیح دادیم حکم زن طاهر را دارد . (۵۹)

تفصیل احکام حیض

اینک تفصیل مسأله ها و فروغ مطالب گذشته را ذکر می کنیم ، به گونه ای که اطلاع ندارم کسی در تحریر فروعات آن بر من پیشی گرفته باشد ، البتّه ادّعا نمی کنم که اهل نظر هیچ اشکالی نمی توانند بر آن بگیرند ، پس می گویم : زن وقتی خون دید ، دو

صورت دارد: یا مبتدئه است و تا آن وقت خون حیض ندیده [و یا غیر مبتدئه. الف - اگر مبتدئه باشد، در صورتی که خونش به صورت مستمر بیرون بیاید، چهار حالت دارد: اول اینکه: با اوصافی که مقتضای آن حیض بودن خون است، برای او مشخص گردد که آن، خون حیض است، در این صورت بر اساس آن اوصاف عمل می کند، و حکم زن حائض را دارد. دوم اینکه: با اوصافی که اشاره شد، برای او مشخص نشود که آیا آن، خون حیض است و یا خیر؟ در این صورت باید درباره حیضش به عادت زنان خانواده و فامیل رجوع کند، و بر اساس عادت آنها عمل نماید. سوم اینکه: نه حیض بودن آن برای او معلوم گردد و نه زنان خانواده و فامیلی داشته باشد، یا باشد ولی خودشان در عادت، مختلف باشند، در این صورت باید بر عادت زنان همسال خود عمل کند. چهارم اینکه: نه حیض بودن خون مشخص شود، و نه زنان خانواده و فامیل داشته باشد، و نه زن همسال با خود، یا اینکه زن همسال باشد ولی خود آنها در عادت مختلف باشند، در این صورت در هر ماه سه روز - که کمترین مدت ایام حیض است - باید نماز را به خاطر رعایت احتیاط در انجام عبادت، ترک کند. ب - اگر زن هنگام استمرار خون مبتدئه نباشد، و عادت داشته باشد، چهار حالت دارد: اول اینکه: عادت داشته باشد، ولی برای او مشخص نباشد که آن، خون حیض است، در این صورت باید بر اساس عادتش عمل کند. دوم اینکه: هم عادت داشته باشد و هم مشخص باشد که آن، خون حیض است، در این صورت باید بر اساس عادتش عمل کند، البته برخی از فقهاء می گویند که در این صورت باید بر اساس تمیز و تشخیص اوصاف خون عمل کند و توجهی به عادت نکند. سوم اینکه: عادتش اختلاف داشته باشد و حیض بودن خون برای او مشخص گردد، که در این صورت باید بر اساس آن عمل کند. چهارم اینکه: عادتش مختلف باشد، و برای او مشخص نباشد که آیا آن، خون حیض است یا خیر؟، و عادتش را فراموش کرده باشد، که خود، سه حالت دارد: اول اینکه: شماره روزهای عادت را به یاد داشته باشد، ولی وقت آن و اینکه از چند ماه شروع می شود را فراموش کرده باشد. دوم اینکه: هر دو را فراموش کرده باشد. سوم اینکه: وقت را به یاد داشته باشد، ولی شماره آن یادش نباشد. ۱ - در حالت اول یعنی اگر عدد روزها را به یاد داشته باشد ولی وقت را فراموش کرده باشد، برای آن دو حالت است: گاهی در بعضی از روزهای حیض برای او یقین حاصل می شود، مانند اینکه بگوید: من شش روز از دهه اول ماه را حیض می شوم، ولی جای آن شش روز را در دهه نمی دانم که آیا از اول دهه شروع می شد، یا از روز دوم و...، در این صورت حکم او این است که از اول دهه تا آخر روز چهارم از آن مانند زن مستحاضه عمل کند، و در آخر روز ششم، غسل اتمام خون حیض را بکند، زیرا امکان دارد که همان وقت، آخر شش روزی باشد که می داند در آن حایض می شود، و بعد از آن برای هر نماز یک غسل حیض کند، زیرا امکان دارد که انقطاع خونش هنگام هر نماز باز خون حیض باشد، و بعد از روز ششم عمل زن مستحاضه را انجام دهد. و گاهی یقین به حیض بودن هیچ روزی ندارد، مانند زنی که می گوید: حیض من ده روز در هر ماه بود، ولی جای آن را نمی دانم، که در این صورت حکم آن این است که تا آخر دهه اول ماه عمل زن مستحاضه را انجام دهد، سپس برای هر نماز، غسل حیض کند، زیرا امکان دارد که خون حیضش در این هنگام تمام شده باشد، با اینکه عمل زن مستحاضه را تا آخر ماه انجام می دهد. ۲ - در حالت دوم، یعنی اگر زن عدد روزها و وقت آن را فراموش کرده باشد، باید در هر ماه سه روز - که کمترین ایام حیض است - به خاطر رعایت احتیاط به جهت عادت، نماز را ترک کند و در غیر آن سه روز عمل زن مستحاضه را انجام دهد. ۳ - در حالت سوم، یعنی اگر زن وقت را به یاد داشته باشد، ولی عدد روزها را فراموش کرده باشد باز سه حالت دارد: یکم اینکه: اول حیض یادش باشد ولی آخر آن یادش نباشد. دوم اینکه: آخرش یادش باشد، ولی اول حیض یادش نباشد. سوم اینکه: هیچ کدام از اول و آخر حیض را به یاد نداشته باشد، بلکه تنها می داند که در زمانی حایض بوده ولی اول و وسط و آخر حیض را نمی داند. پس اگر اول حیض یادش باشد، باید حیضش را سه روز قرار دهد، و در آخر آن غسل حیض بجا آورد، سپس برای هر نماز، غسل حیض انجام دهد، و تا آخر ماه مانند زن مستحاضه عمل کند. و اگر آخر حیض یادش باشد نه اولش، باید در آخر وقتی که می داند آخر حیض است، غسل حیض بجا آورد، و در بقیه

ماه عمل زن مستحاضه را انجام دهد. و اگر اوّل و آخر حیض را فراموش کرده باشد، باید وقتی را که یقین به حیض بودن آن دارد، حیض قرار دهد و در آخر آن غسل حیض کند، و پیش از آن، عمل زن مستحاضه را انجام دهد، و بعد از آن برای هر نماز تا آخر ده روز غسل حیض کرده و همانند زن مستحاضه عمل کند. سپس بعد از ده روز غسل حیض نماید، و بعد تا آخر ماه عمل زن مستحاضه را انجام دهد. و هر جا که ایّام حیض برای او معلوم نباشد، باید ده روز روزه (۶۰) از آن ماه، بیش (۶۱) از سه روز نماز را قضا کند. این تفصیل برای هر کس از صاحبان فهم و دریافت که نسبت به آن آگاهی پیدا کند، نیکوست.

غسلهای مستحبی

غسلهای مستحبی عبارتند از ۱- غسل توبه. ۲- غسل جمعه. ۳- غسل شب اوّل ماه رمضان. ۴- غسل تمام شبهای فرد ماه رمضان، که افضل آنها غسلهای شب نیمه و شب هفدهم، و شب نوزدهم، و شب بیست و یکم، و شب بیست و سوم ماه رمضان می باشد، و درباره غسلهای شب بیست و چهارم، و شب بیست و پنجم، و شب بیست و هفتم، و شب بیست و نهم، را نیز روایاتی وارد شده است. ۵- غسل شب عید فطر. ۶- غسل روز عید فطر. ۷- غسل روز عرفه، نهم ذی الحجه. ۸- غسل عید قربان، دهم ذی الحجه. ۹- غسل روز غدیر، هیجدهم ذی الحجه. ۱۰- غسل روز مباحله، بیست و چهارم ذی الحجه. ۱۱- غسل روز تولّد پیامبر اکرم (ص)، هفدهم ربیع الاول. ۱۲- غسل نماز خورشید گرفتگی در صورتی که تماماً گرفته شده باشد، و آن را عمداً ترک کرده باشد، در این صورت باید پس از غسل، قضای نماز را بجا آورد. ۱۳- غسل نماز حاجت. ۱۴- غسل نماز استخاره. ۱۵- غسل إحرام. ۱۶- غسل داخل شدن در حرّم. ۱۷- غسل وارد شدن در مسجد الحرام. ۱۸- غسل داخل شدن در کعبه. ۱۹- غسل داخل شدن در مدینه. ۲۰- غسل ورود به مسجد النبی (ص). ۲۱- غسل هنگام زیارت پیامبر اکرم - عَلَيْهِ أَكْمَلُ الصَّلَاةِ - و هنگام زیارت مزار ائمه ای که از عترت و اهل بیت آن بزرگوار عَلَيْهِمْ أَفْضَلُ التَّحِيَّاتِ می باشند. ۲۲- غسل برداشتن تربت از قبر و مزار امام حسین (ع) بنابر بعضی از روایات. [۲۳- ابن بابویه در جزء اوّل کتاب مدینه العلم حدیثی از امام صادق (ص) پیرامون غسلها روایت نموده، و غسل استخاره، و غسل نماز استسقاء و طلب باران و غسل زیارت را در آنجا ذکر کرده است. ۲۴- و در بعضی از احادیث دیگر نیز آمده که: مولایمان حضرت علی (ع) در شبهای سرد غسل می کردند تا برای نماز شب نشاط پیدا کنند. و نیز در حدیثی در کتاب مدینه العلم آمده است که: غسل روز برای شب، و غسل شب برای روز کفایت می کند.

غسل میت و امور قبل و بعد از آن

مرگ در دیدگاه توده مردم

مرگ، هول و هراس بیمناک، و امر عظیم فراگیری است که لذتها را از بین برده، و میان دسته ها جدایی انداخته، و با پراکنده نمودن بر آنها تاخته، و میان انسان و لذت پابندگی و انس با دوستان و زندگان حایل گشته، و ریسمانهای آمال و آرزوها را قطع نموده، و مانع بهره مند شدن انسان از اهل و اموال خویش می گردد. این است گوشه ای از احوال مرگ نسبت به کسانی که به هول و هراسهای آن ناآگاهند، ولی کسانی که به خطرهای آن آشنا و از رازهای آگاهی دارند، مرگ میان آنها و آمادگی برای معاد جدایی انداخته، و از اصلاح اعمال که در دارفنا در انجام آن کوتاهی می کردند جلوگیری نموده، و غنا و بی نیازی که برایشان ممکن بود، مبدل به بی نیازی نموده، و با حالت اسارت شرمندگی و خواری آنان را از این جهان به جهان دیگر انتقال می دهد، و با پاسخ منفی ردّ و محرومیشان می کند، آنگاه که می گویند: رَبِّ، ارْجِعُونِ، لَعَلِّيْ أَعْمَلُ صَالِحًا فِيمَا تَرَكْتُ. (۶۲) - مرا برگردانید، امیدوارم که درباره آنچه که ترک نمودم، عمل صالح انجام دهم. ولی پاسخشان می دهند که: كَلَّا (۶۳)، - هرگز.

در حالی که اگر پیش از آن اعمال صالح و شایسته انجام می دادند، به ایشان گفته می شد: مَرْحَباً وَ اَهْلًا. - خوش آمدید. و نیز در قبر - که چاله تنهایی و یگانگی است، و انسان از پاشیده شدن اعضاء [یا: اندرون ها] و بدنش وحشتناک، و از پرسش دو فرشته منکر و نکیر بیمها دارد، و خطرهای گناهان کوچک و بزرگ که در گذشته مرتکب شده را به یاد می آورد، و در اولین برخوردها با زلزله های تهدید و وعده عذاب الهی مواجه می گردد، و دری به سوی عذاب سخت الهی به روی او گشوده می شود - انداخته می شود. بنابراین، چه شبیه است حال مرگ به آنچه که مولای ایمن از خطر مرگ، یعنی مولایمان حضرت علی (ع) توصیف نموده، آنجا که می فرماید: هیچ یقینی که شکی در آن نباشد ندیده ام که همانند مرگ بسان شکی گردیده باشد که هیچ یقینی در آن نباشد.

مرگ در دیدگاه اولیاء

اگر از به دراز کشیدن سخن نمی ترسیم، در این باره شرح و تفصیل بسیار می دادم. عده ای از دلاوران و بزرگان و افراد بی نظیر را می شناسم که گویی مرگ برگزشتگان آنان سعادت و رحمت، و بر باقیمانده شان مایه افزونی و نعمت است، و لذا به سپری شدن ایام دار زوال و نیستی بسیار شائق، و به راههای اقبال و روی کردن به خدا بسیار آشنا، و به صفات کمال آراسته، و از بودن در دار دنیا، به خاطر بیم از نقص اعمال و حالاتشان، خوف و هراس دارند. جلال و عظمت مولایشان برای آنان آشکار گشته و دانسته اند که او - جلّ جلاله - آنان را می بیند، لذا روح و عقل و قلب و جانسان تنها برای ذات او به او مشغول گردیده، و نور ذات مقدّس و صفات شریفش بر آنان غلبه کرده، و با تمام توان در خدمت و بندگی خدا را می کوشند، و بسان کسی که پیوسته در کوتاهی و تضییع اوقات خویش بوده، گریه و زاری می کنند. خداوند آنچه را که از حقیقت و کُنّه جلال و عظمت اقبالش اراده فرموده به آنان شناسانده، و در نتیجه ایشان را به جلال و هیبت و حرمت و مهربانیا و بزرگواریها و نعمت خویش سرگرم، و از کامیابیهای نفّس بازداشته است، و برای آنان نه قلب و نه باطن، و نه زبانی مانده و نه امکان تصرّف در آنچه که آنان را از خدا دور کند: اعضا و جوارحشان به بندهای حضور در خدمت معبود بند شده، و عقلهایشان به جهت بیم آن وجود و جود، سرگشته و حیران گشته است. و در نتیجه، عظمت او - جلّ جلاله - آنان را از خود فراموش، و رحمت کامل او - جلّ جلاله - به خودش مشغول نموده است، زیرا هر کدام از آن دو (عظمت و رحمت) دلهای عارفان را در تحت تصرّف خود درآورده، و عقلهای اهل مکاشفه را به خود مشغول می کند. ولیکن اینان کجایند؟ اگر در میان مردم باشند شناخته نمی شوند، و اگر غیبت کنند، کسی سراغشان را نمی گیرد، البتّه مقصودم این نیست که نامها و وجودشان ناشناخته است، بلکه چهره ها و نامهایشان شناخته شده است، ولی اسرار آنان و اسرار مولای آنان در نزدشان ناشناخته است. و اگر به تو گفته می شود: دیده می شوند، ولی شناخته نمی شوند، تعجب مکن، زیرا خداوند - جلّ جلاله - پیرامون سرور آنان و کسی که از لحاظ کمال و جلال و عظمت از همه آنان بزرگتر است، می فرماید: وَ تَرِيَهُمْ يَنْظُرُونَ إِلَيْكَ، وَ هُمْ لَا يَبْصُرُونَ. (۶۴) - و ای پیامبر می بینی که به تو نگاه می کنند، ولی تو را نمی بینند.

اصلاح اعمال و آمادگی برای مرگ

لذا ما سخن از مرگ و غسل اموات را بر اساس حال غالب مردم که در غفلت هستند به مرتّب ذکر می کنیم - هم آنان که مرگ، زندگی شان را که در نزد آنان محبوب است به پایان آورده، و خانه هایی را که با آن انس و اُلّت گرفته بودند ویران نموده، و آرامش و آسودگی شان را مبدّل به پریشانی کرده و برمی کنند. بنابراین، عاقل کسی است که غایت اهتمام و همت خویش را برای آماده شدن در روزی که قَدَمها در آن می لغزند بکار بندد، و به اموری که کوتاهی کنندگان بدان سفارش می شوند عمل

کند؛ زیرا اگر وی کوتاهی کند، کسانی که او را نسبت به تفریط و کوتاهی اش سفارش نموده اند، معذور خواهند بود، پس مثال او مانند برده ای است که مولایش اجازه دهد که در محضرش وارد شود، و هرچه می خواهد، درخواست نماید، تا وی زود آن را اجابت نماید، یا اعمال شایسته انجام دهد تا وی کرامت و بخشش خود را نسبت به او دوچندان گرداند، آنگاه آن برده شروع کند به پرس و جو کردن از گوشه های مجلس و از بعضی از غلامانی که آنجا هستند، و نوشته ای درخواست کند که سفارش خود را در آن بنویسد، تا هنگامی که مولایش او را از محضرش که امکان درخواست و انجام اعمال شایسته بود، بیرون کرد و در راه روی او بست و به ذلت و خواری و پستی گرفتار گردید، آن را به بعضی از همراهان سلطان که در آنجا هستند برساند. و اتفاقاً سفارشش پیرامون همان اموری باشد که می تواند در حال حضور مولایش از او بخواهد و او برآورده سازد، آیا کسانی که از حال او آگاهی دارند، او را به بی خردی و نادانی و حماقت نسبت نمی دهند و بر او عیب نمی گیرند؟! پس حال کسی که خداوند - جلّ جلاله - در حال زندگانی به او امکان مناجات کردن با خود و انجام عبادات و برآوردن خواسته هایش را داده، ولی او کوتاهی و غفلت می کند، و می خواهد هنگامی که مولایش او را از محضر زندگانی بیرون کرد و با ذلت و خواری در زیر اسارت مرگ بیرون راند و در میان او و پذیرش اعمالش را بست، وصیت کند، نیز چنین است، و خردمندان و عاقلان وی را نابخرد و احمق و نادان به شمار درآورده و سرزنش می کنند. پس وقتی بنده پند و اندرز کسی که او را بر احتیاط کاری تشویق می نماید، نپذیرفت، و بر غفلت و اصرار در انجام گناهان ادامه داد، باید حداقل اموری را که هنگام جان دادن و نزدیکی مرگ و یقین به جدایی زود انجام داده آنها ممکن است هم اینک در انجام آنها تعجیل کند.

احکام و آداب نوشتن وصیت نامه

امّا اموری که وقت برای انجام آن تنگ است، مانند اصلاح حال خویش، و یا امور مربوط به تاءمل در امر فرزندان و یا زن یا اموالش که نیاز به صرف وقت است، باید با نوشتن و حضور شهود وصیت کامل بکند، و وصیت را با مهمترین چیزی که در روز موعود بدان نیازمند است شروع کند و سپس آنچه که در مرحله بعد مهمتر است و همینطور...، پس ابتدا مسأله تجهیز و دفن و کفن و سایر مراسم خاک سپاری و انتقال خویش به سوی خداوند - جلّ جلاله - را کاملاً ذکر می کند. و اگر حالش از انجام این کار تنگ باشد، تا حدّ امکان کوشش خود را می کند. سپس اگر امکان داشته باشد مظالم بندگان خدا را ردّ می کند، یا از صاحبان آن به هر صورت که باشد حلاّیت می طلبد، یا به برادران دینی اش وصیت می کند که نسبت به حقوق واجب و مستحبّ و ایثار کردن و وجوه خیرات و پرداخت بدهیها و آدای حقوق و انجام واجبات نیز انجام هر عمل واجبی که نیابت بردار است به نیابت از او، به همان ترتیبی که در ردّ مظالم و اصلاح گناهان ذکر نمودیم (۶۵)، او را بریء الذمّه نمایند. و باید در امور افراد تحت تکفل و اموال خود تاءمل کند، و حقیقتاً و در معنی، خداوند - جلّ جلاله - را مخاطب، و او را وصّی و وکیل و کارگزار خویش بگیرد، که خداوند برای برآوردن آرزوهای او کفایت می کند، بعد صورتاً و ظاهراً هر کس را که در ایام زندگی اش به مراقبت و پاییدن خداوند - جلّ جلاله - در گفتار و کردار می شناسد، وصّی قرار دهد، و اگر امکان نداشت هر کس را که می شناسد و یا امید دارد که از جوانمردان و صاحب خاندان و ریشه دار باشد، وصّی قرار دهد، و اگر آن نیز امکان نداشت اهل ثروت و توانگران و کسانی که با وجود قدرت، صاحب حیا هستند، وصّی قرار دهد، و اگر این نیز امکان نداشت به همان صورتی که گفتیم با تفویض امور خویش به خداوند - جلّ جلاله - و توکل بر او، او را وصّی خود قرار دهد، که اگر در تفویض و توکلش صادق باشد، خداوند - جلّ جلاله - به صورتی بهتر و کاملتر از آنچه که امید می داشت کسی را جانشین او در رابطه با عیال و اموالش می گرداند، و اگر حالش در حسن ظنّ داشتن و یقین به خداوند - جلّ جلاله - به این مقام والا نرسد، نزدیکترین کس از کسانی که به پیمانهای خویش وفا می کنند و اهل اهتمام هستند و وی امید دارد که بدان عمل کند، وصّی خویش قرار می دهد.

اخلاص در باقی گذاشتن اموال برای وارثان

از صفات عارفان این است که وقتی در نزد آنان اموالی باشد که بعد از ایشان به وارثان می رسد ، به دل و عقل رجوع می کنند ، اگر دیدند آنچه را که برای وارثان می گذارند برای خدمت و بندگی خداوند - جلّ جلاله - و برای امتثال امر شریف اوست (مانند کمک رسانی به کسانی که باید به آنها رسیدگی شود مثل وارثان و دیگر کسانی که به آنها می شود وصیت کرد) با همین نیت صادق زود به این امر می شتابند ، به گونه ای که گویی آنها را در ایام زندگانی فانی خویش در راه خداوند - جلّ جلاله - خرج نموده و در حقیقت چیزی باقی نگذاشته اند ، بلکه آن را به عنوان توشه راه با خود برداشته ، و دستاویزی برای رسیدن به پیروزی و کامیابی در درخواستهایشان که قرب و نزدیکی به خداوند گار رحیم و مهربان است ، قرار داده اند . ولی اگر دیدند دل و عقلشان در ترک اموال این گونه اخلاص را ندارد ، بلکه تنها به خاطر عادت و از روی طبع ترک می نمایند ، تا مردم فرزندان و وارثان ایشان را در ذلتِ احتیاج و بیچارگی نبینند ، و کسی به آنان شماتت نکند ، یا برای اندیشه هایی غیر این که مقصود از آن عبادت مالک روز معاد نیست ، در این صورت پیش از وفات و بیرون آمدن جانسان خودشان را بر مصرف کردن آن اموال در صدقات و اموری که آنها را به خدا نزدیک می کند و بر تحصیل صفات کمال ، وادار می کنند ، و به این بسنده نمی کنند که اموالشان بعد از آنها بدون نیت قربت ضایع شود .

ذکر امور مورد نیاز در حال مرگ و بعد از آن

اینجا ، ذکر امور مربوط به اصلاح حال و وصیت درباره وارثان و افراد تحت تکفل به پایان می رسد ، باقی می ماند امور مهمی که بنده هنگام مرگ و بعد از فوت بدان نیاز پیدا می کند . از آن جمله عهد و پیمانی است که میت بدان نیازمند است ، و ما ابتدا آن را ذکر می کنیم ، زیرا عمل به آن نیاز به زمانی است که شهود را گرد آورد تا برای او شهادت دهند . در روایتی از امام صادق (ع) از پدران بزرگوارش آمده که رسول خدا(ص) فرمودند : نیکو وصیت نکردن در هنگام مرگ ، نقص در عقل و کاستی در جوانمردی انسان محسوب می شود . عرض کردند : ای رسول خدا(ص) ، وصیت کردن چگونه است ؟ فرمود : هنگامی که مرگ انسان فرا می رسد و مردم به گرد او جمع می شوند ، بگوید : اَللّهُمَّ ، فَاطِرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ، عَالِمَ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ ، الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ ، إِنِّي أَعْطَيْتُكَ فِي دَارِ الدُّنْيَا أَعْنَى أَعْشَهِدُ أَعْنَى لَا إِلَهَ إِلَّا- اءَنْتَ وَخِدَّكَ لَشَرِيكَ لَكَ ، وَ اءَنْ مُحَمَّدًا (ص) عَبْدُكَ وَ رَسُولُكَ ، وَ اءَنْ السَّاعِيَةَ آتِيَةً لَا رَيْبَ فِيهَا ، وَ اءَنْكَ تَبَعْتُ مَنْ فِي الْقُبُورِ ، وَ اءَنْ الْحِسَابَ حَقُّ ، وَ اءَنْ الْجَنَّةَ حَقُّ ، وَ مَا وَعَدَ اللَّهُ فِيهَا مِنَ النَّعِيمِ مِنَ الْمَاءِ الْكَوَلِ وَالْمَشْرَبِ [يا : مِنَ الْمَاكِيلِ وَالْمَشَارِبِ] وَ النِّكَاحَ حَقُّ ، وَ اءَنْ النَّارَ حَقُّ ، وَ اءَنْ الْإِيمَانَ حَقُّ ، وَ اءَنْ الدِّينَ كَمَا وَصَّيْتُ ، وَ اءَنْ الْإِسْلَامَ كَمَا شَرَعْتَ ، وَ اءَنْ الْقَوْلَ كَمَا قُلْتَ ، وَ اءَنْ الْقُرْآنَ كَمَا أُنْزِلْتُ ، وَ اءَنْكَ اللَّهُ الْحَقُّ الْمُبِينُ . وَ إِنِّي أَعْطَيْتُكَ فِي دَارِ الدُّنْيَا ، أَعْنَى رَضِيْتُ بِكَ رَبًّا ، وَ بِالْإِسْلَامِ دِينًا ، وَ بِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ ، نَبِيًّا ، وَ بَعِلِي [وَ اءَحَدَ عَشَرَ مِنْ أَوْلَادِهِ وَ ذُرِّيَّتِهِ] إِمَامًا ، وَ بِالْقُرْآنِ كِتَابًا [وَ بِالْكَعْبَةِ قَبْلَةً] وَ اءَنْ أَهْلَ بَيْتِ نَبِيِّكَ - عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ - اءَنْمَتِي . اَللّهُمَّ ، اءَنْتَ ثِقَتِي عِنْدَ شِدَّتِي ، وَ رَجَائِي عِنْدَ كُرْبَتِي ، وَ عُدَّتِي فِي الْأُمُورِ الَّتِي تَنْزِلُ بِي ، وَ اءَنْتَ وَلِيَّتِي فِي نِعْمَتِي ، وَ إِلَهِي وَ إِلَهَ آبَائِي . صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ ، وَ لَا تَكُنْ لِي إِلَى نَفْسِي طَرْفَةٌ عَيْنٍ اءَيْدًا ، وَ أَنْسَ فِي قَبْرِي وَ خَشْتِي ، وَ اجْعَلْ لِي عِنْدَكَ عَهْدًا يَوْمَ اءَلْقَاكَ مَشُورًا . - خداوندا ، ای پدید آورنده آسمانها و زمین ، ای آگاه به نهان و آشکار ، ای خداوند رحمت گستر [برهمگان] و مهربان [به رحمت ویژه بر مؤمنان] ، من برآستی در دار دنیا با تو عهد می بندم و گواهی می دهم که معبودی جز تو نیست ، که یگانه ای و شریکی برای تو نیست ، و حضرت محمد(ص) بنده و فرستاده توست و قیامت خواهد آمد و شکی در آن نیست ، و تمام اهل قبور را برمی انگیزی ، و حساب کشی و بهشت و تمام نعمتهایی که خداوند در آن وعده داده از جمله خوراکی و پوشاک [یا : خوردنی ها و

پوشیدنی ها] و ازدواج ، و آتش [جهنم] حق است ، و بی گمان دین به همان صورتی است که توصیف فرموده ای ، و اسلام به همان صورتی است که تشریع نموده ای ، و گفتار به همان است که فرموده ای ، و قرآن همان گونه است که فرو فرستاده ای ، و تو خداوند حق آشکار هستی . و همانا من با تو در دار دنیا عهد و پیمان می بندم که به پروردگاری تو و به دین [حق] بودن اسلام ، و به پیامبری حضرت محمد (ص) ، و به امامت حضرت علی [و یازده تن از فرزندان و نسل او] ، و به کتاب آسمانی بودن قرآن ، [وقبله بودن کعبه] ، و به امامت اهل بیت پیامبرت (علیه و علیهم السلام) راضی و خشنودم . خدایا ، تویی تنها مورد اعتماد من در سختی ، و امیدم در هنگام ناراحتی سخت ، و توشه و ذخیره ام در اموری [و مشکلاتی] که بر من فرو می آید ، و تویی سرپرستم در نعمتم ، و معبود من و پدرانم ، بر محمد و آل او درود بفرست ، و هیچگاه مرا به اندازه چشم برهم زدن به خود وامگذار ، و در قهرم آنیس و مونس تنهایی من باش ، و روزی که با تو ملاقات می نمایم ، در نزد خود عهد و پیمانی گشوده برای من مقرر بفرما . این همان عهد و پیمان میت است که هنگام وصیت کردن به امور مورد نیازش آن را می گوید . و وصیت کردن حقی است بر هر مسلمان . سپس امام صادق (ع) فرمود : تصدیق این مطلب ، فرمایش خداوند - تبارک و تعالی - در سوره مریم است آنجا که می فرماید : لَا يَمْلِكُونَ الشَّفَاعَةَ إِلَّا مَنِ اتَّخَذَ عِنْدَ اللَّهِ عَهْدًا . (۶۶) - آنان نمی توانند شفاعت نمایند ، مگر کسانی که عهد و پیمانی از نزد خداوند بسیار مهربان گرفته باشند . و این همان عهد و پیمان است . و پیامبر اکرم (ص) به علی (ع) فرمود که : آن را به اهل بیت و شیعیانت بیاموز . بعد امام صادق (ع) فرمود که رسول خدا (ص) فرمودند : آن را جبرئیل (ع) به من تعلیم نمود .

نسخه نوشتاری که در کنار جریده (۶۷) ، همراه میت می گذارند

پیش از نوشتن آن می گویی : بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ، اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلَهَ اِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ ، وَ اَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُوْلُهُ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ - وَ اَنَّ الْجَنَّةَ حَقٌّ ، وَ اَنَّ النَّارَ حَقٌّ ، وَ اَنَّ السَّاعِيَةَ آتِيَةٌ لَا رَيْبَ فِيهَا ، وَ اَنَّ اللَّهَ يَبْعَثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ . - به نام خداوند رحمت گستر مهربان ، گواهی می دهم که معبودی جز خداوند یگانه نیست ، و شریکی برای او وجود ندارد ، و گواهی می دهم که حضرت محمد - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ - بنده و فرستاده اوست ، و بهشت و آتش جهنم حق است ، و قیامت خواهد آمد و شکی در آن نیست ، و خداوند تمام اهل قبور را برمی انگیزاند . سپس می نویسی : بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ . شَهِدَ الشُّهُودُ الْمُسَيَّمُونَ فِي هَذَا الْكِتَابِ اَنَّ اَءْخَاهُمْ فِي اللَّهِ - عَزَّوَجَلَّ - فُلَانٌ بَنُ فُلَانٍ ، وَ يَذْكُرُ اسْمَ الرَّجُلِ وَ اسْمَ اَبِيهِ - اَشْهَدُهُمْ وَ اَشْتَوَدَعُهُمْ وَ اَعَقَرَّ عِنْدَهُمْ اَنَّهٗ يَشْهَدُ اَنَّ لَا اِلَهَ اِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ ، وَ اَنَّ مُحَمَّدًا (ص) عَبْدُهُ وَ رَسُوْلُهُ ، وَ اَنَّهٗ مُقَرَّرٌ بِجَمِيعِ الْاَنْبِيَاءِ وَ الرُّسُلِ ، وَ اَنَّ عَلِيًّا وَلِيُّ اللَّهِ وَ اِمَامُهُ ، وَ اَنَّ الْاَئِمَّةَ مِنْ وُلْدِهِ اَئِمَّتُهُ ، وَ اَنَّ اَوَّلَهُمُ الْحَسَنُ ، وَ الْاَخْسَيْنُ وَ عَلِيُّ بَنُ الْحُسَيْنِ وَ مُحَمَّدُ بَنُ عَلِيٍّ وَ جَعْفَرُ بَنُ مُحَمَّدٍ وَ مُوسَى بَنُ جَعْفَرٍ وَ عَلِيُّ بَنُ مُوسَى وَ مُحَمَّدُ بَنُ عَلِيٍّ وَ عَلِيُّ بَنُ مُحَمَّدٍ وَ الْحَسَنُ بَنُ عَلِيٍّ وَ الْقَائِمُ الْحُجَّةُ ، وَ اَنَّ الْجَنَّةَ حَقٌّ ، وَ النَّارُ حَقٌّ ، وَ السَّاعِيَةُ آتِيَةٌ لَا رَيْبَ فِيهَا ، وَ اَنَّ اللَّهَ يَبْعَثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ ، وَ اَنَّ مُحَمَّدًا (ص) رَسُوْلُ اللَّهِ [جَاءَ بِالْحَقِّ] ، وَ اَنَّ عَلِيًّا وَلِيُّ اللَّهِ وَ الْخَلِيفَةُ مِنْ بَعْدِ رَسُوْلِ اللَّهِ (ص) [وَ مُسْتَخْلَفُهُ فِي اَمَّتِيهِ ، مُؤَدِّيًا لِأَمْرِ رَبِّي - تَبَارَكَ وَ تَعَالَى - وَ اَنَّ فَاطِمَةَ بِنْتَ رَسُوْلِ اللَّهِ وَ ابْنَتُهَا الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ ، اِنَّا رَسُوْلُ اللَّهِ وَ سَيِّدُهُ وَ اِمَامُ الْهُدَى وَ قَائِدُ الرَّحْمَةِ ، وَ اَنَّ عَلِيًّا وَ مُحَمَّدًا وَ جَعْفَرًا وَ مُوسَى وَ عَلِيًّا وَ مُحَمَّدًا وَ عَلِيًّا وَ حَسَنًا وَ الْحُجَّةَ - اَئِمَّةً وَ قَادَةً وَ دُعَاءً اِلَى اللَّهِ [حَيْلٌ وَ عَلَا] وَ حُجَّجُهُ عَلَى عِبَادِهِ . - به نام خداوند رحمت گستر مهربان ، شاهدانی که در این نوشته نام برده شده اند گواهی می دهند که برادرشان در راه خداوند - عَزَّوَجَلَّ - - فلانی پسر فلانی - و اسم او و نام پدرش را ذکر می کند - آنان را گواه گرفت و به آنان سپرد ، و در نزد آنان اقرار نمود که شهادت می دهد که : معبودی جز خداوند یگانه نیست و شریکی برای او وجود ندارد ، و حضرت محمد (ص) بنده و فرستاده خداست ، و به تمام پیامبران و فرستادگان اقرار می نماید ، و اینکه علی ولی خدا و امام اوست ، و امامانی که از فرزندان علی هستند امامان او ، و نخستین آنان حسن ، [و سپس] حسین و علی بن الحسین و محمد بن علی ، و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی

بن موسی و محمّد بن علی و علی بن محمّد و حسن بن علی و قائم حجت می باشند، و اینکه بهشت و آتش جهنم حق است، و قیامت خواهد آمد و شکی در آن نیست، و خداوند تمام اهل قبور را برمی انگیزاند، و اینکه حضرت محمّد (ص) رسول خدا است که [دین و حق آورد و اینکه علی، ولی خدا و خلیفه بلا فصل بعد از رسول خدا (ص)] و جانشین او در میان امتش بود، در حالی که دستورات پروردگارش - تبارک و تعالی - را ادا نمود، و اینکه حضرت فاطمه دختر رسول خدا، و پسرانش حسن و حسین، دو پسر رسول خدا و نوادگان او و امامان هدایتگر، و راهبران رحمت هستند، و حضرت علی و محمّد و جعفر و موسی و علی و محمّد و علی و حسن و حضرت حجت، امامان و راهبران و دعوت کنندگان به سوی خداوند [جلّ و علا] و حجت‌های او بر بندگانش می باشند. سپس به شهود خطاب کرده و می گوید: ای فلانی و ای فلانی که در این نوشته نامبرده شده اید، این شهادت را در نزد خود برای ما ثابت نگاه دارید، تا اینکه آن را نزد حوض [کوثر] به من باز دهید. سپس شهود می گویند: ای فلانی، نَشْتَوْدُعْكَ [اللّه] وَالشَّهَادَةَ وَالْإِقْرَارَ وَالْإِخَاءَ، وَمَوْعُودُهُ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ (ص)، وَنَقْرَاءُ عَلَيْكَ السَّلَامَ [وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتِهِ]. - تو و این گواهی و اقرار و برادری [میان یکدیگر] را [به خدا] می سپاریم. و وعده ما در نزد رسول خدا (ص). و بر تو سلام [و رحمت و برکات الهی] می فرستیم. بعد نامه و نوشته را پیچیده و با مهر شهود و میت مهر کرده و همراه با جریده در سمت راست میت قرار می دهند. و البته این نوشتار و نامه با کافور و چوب مخصوص که خوشبو نباشد، نوشته می شود. ان شاء الله. و توفیق تنها از اوست، و خداوند بر سرورمان حضرت محمّد پیامبر اکرم و خاندان برگزیده و نیکوکارش درود فرستد و [آنان را] سلامت و مصون و محفوظ بدارد.

وظایف دیگران نسبت به محتضر

شایسته است که وقتی مرگ انسان فرا رسید، زیر پاهایش رو به قبله قرار داده شود و یا خودش قرار بدهد، و کسی در نزد او قرآن بخواند - و دو سوره یسّ وَالصّافات بیشتر از همه سوره های قرآن مورد تاءکید است -، و نیز به ذکر خداوند متعال مشغول گشته، و شهادتین و اقرار به یکایک ائمه [علیهم السلام] را به ترتیب، و نیز کلمات فرج را به میت تلقین کند. و کلمات فرج عبارتند از: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْحَلِيمُ الْكَرِيمُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ، سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ السَّمَوَاتِ السَّبْعِ وَرَبِّ الْأَرْضِينَ السَّبْعِ وَ مَا فِيهِنَّ وَ مَا بَيْنَهُنَّ وَ مَا تَحْتَهُنَّ وَ رَبِّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَالصَّلَاةُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّيِّبِينَ. - معبودی جز خداوند برده بار بزرگوار نیست، معبودی جز خداوند بلند مرتبه بزرگ نیست، پاک و منزّه است خداوندی که پروردگار آسمانها و زمینهای هفتگانه و تمام آنچه در آنها و در میان آنها و در زیر آنها وجود دارد، و پروردگار عرش بزرگ می باشد. و سپاس خدایی را که پروردگار عالمیان است. و درود و رحمت [ویژه خداوند] بر حضرت محمّد و خاندان پاک او باد. و نیز شخص جنب و زن حیض در نزد محتضر حاضر نشوند. بعد قطعات کفن و کافور و دیگر چیزهایی را که برای غسل دادن میت نیاز است، از پاکیزه ترین و بی شبهه ترین وجهی که مقدور است برداشته می شود. البته مستحب است که خود انسان در حال حیات خویش آنها را فراهم و آماده کند، تا بعد از وفاتش در تکمیل آن کوتاهی نشود.

کیفیت دفن اموات

وقتی تشییع کنندگان میت به قبر - یعنی جایی که محلّ خوابیدن و دراز کشیدن میت بر خاک، و مجاورت با اهل قبور به جای مجاورت با مردم، و منزلی که خویشان و برادران انسان را تنها گذاشته و می روند، و یاوران و همسایگان یاری نمی کنند، و انسان در آنجا تک و تنها، و در حالتی که همگان او را رانده و دور نموده اند، اقامت می کند - رسیدند، ۱ - جنازه میت را اگر مرد باشد از پایین قبر وارد قبر می کنند. ۲ - پیش از گذاشتن در قبر سه بار جنازه را تا لبه قبر نزدیک می کنند و بعد وارد قبر می

کنند؛ زیرا روایت شده که روح میت با این کار برای سؤل قبر و امور هولناکی که روبرو خواهد شد، آمادگی پیدا می کند. ۳ -

و اگر جنازه، زن باشد، در سمت قبله بر جلو قبر قرار می دهند. ۴ و ۵ - سپس ولی میت یا کسی که ولی به وی دستور می دهد، در حالی که پا و سربرهنه است از جای پاهای میت در قبر، وارد آن می شود. ۶ - میت را - ابتدا سر میت را - با تعظیم و احترام می گیرد، و به یاد می آورد که در برابر دید و آگاهی خداوند - جلّ جلاله - است و اینکه او وکیل میت در این جایگاه است. ۷ -

هنگام فرو بردن میت در قبر می گوید: اَئَلَلَهُمَّ، اَجْعَلْهَا رَوْضَةً مِنْ رِیَاضِ الْجَنَّةِ، وَلَا تَجْعَلْهَا حُفْرَةً مِنْ حُفْرِ النَّارِ. - خداوند! این [قبر] را بوستانی از بوستانهای بهشت قرار بده، و آن را گودال و چاله ای از چاله های آتش [جهنم] مگردان. ۸ - و نیز می گوید: بِسْمِ اللَّهِ، وَبِاللَّهِ، وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ، وَ عَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ (ص). اَئَلَلَهُمَّ، اِیْمَانًا بِكَ، وَتَصْدِيقًا بِكِتَابِكَ، هَذَا مَا وَعَدَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ، وَ صَدَقَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ. اَئَلَلَهُمَّ، زِدْنَا اِیْمَانًا وَتَسْلِيمًا. - به نام خدا، و به [وسیله] خدا، و در راه خدا، و بر آیین رسول خدا (ص)، خدایا، [این کار را] از روی ایمان به تو، و تصدیق کتابت [انجام می دهم]، این بود آنچه که خداوند و رسولش وعده داده بودند، و خدا و رسولش راست گفتند. خداوند! بر ایمان و تسلیم ما بیافزای. ۹ - سپس میت را با حالت تسلیم میت را به پیشگاه خداوند - جلّ جلاله - سپرده و نزد او به ودیعه می گذارد و در این حالت هر چه که خداوند - جلّ جلاله - بر قلب و کلامش جاری ساخت، می گوید. ۱۰ - سپس میت را بر سمت راست بدن و روبه قبله می خواباند. ۱۱ - بندهای کفن او را از سمت سر و پاها می گشاید. ۱۲ - و گونه میت را از روی خاکساری و ذلّت و برای جلب رحمت و عطف مولایش که پروردگار پروردگاران است، روی خاک می نهد. ۱۳ - مقداری از تربت امام حسین (ع) را همراه او قرار می دهد، زیرا در روایت آمده که آن مایه ایمنی از عذاب است، و چون این منزل، منزل هولناکی است انسان نیاز دارد که تا نهایت امکان برای رهایی از آن توسّل جسته و خود را از آن سلامت بدارد. ۱۴ - در حدیث آمده است که پیامبر اکرم (ص) فرمود: نخستین مژده ای که به مؤمن داده می شود، این است که به او گفته می شود: خوش آمدی، براستی که خداوند تمام تشیع کنندگان تو را آمرزید، و دعای تمام استغفار کنندگان برای تو را استجاب فرمود، و گواهی تمام کسانی را که به نفع تو شهادت دادند، قبول فرمود. (۹۲) ۱۵ - سپس اموری را که میت در حال حیاتش بدان معتقد بود (از آن جمله شهادت به یگانگی خداوند - جلّ جلاله - و رسالت رسول خدا - (ص) - و امامت و بزرگواری [ویا: خلافت و جانشینی] ائمه اهل بیت رسول خدا (ص) را به او تلقین می کند، ۱۶ - باید تلقین به وسیله کسی که از اهل یقین است، و نیز به میت اینکه جواب دو فرشته پرسش کننده در قبر است صورت بگیرد، تا اینکه خداوند - جلّ جلاله - به رحمت خویش به واسطه همین تلقین، میت را از سؤل منکر و نکیر کفایت فرموده و او را خشنود و چشم روشن گرداند. ۱۷ - سپس خشت روی قبر چیده و می گوید: اَئَلَلَهُمَّ، صَلِّ وَحَدِّثْهُ، وَ اَنْسِ وَحَشَّتْهُ، وَ اَرْحَمْ غُرْبَتَهُ، وَ اَسْكِنْ اِلَيْهِ مِنْ رَحْمَتِكَ رَحْمَةً يَسْتَتْنِي بِهَا عَنْ رَحْمَةِ مَنْ سِوَاكَ، وَ اَحْشُرْهُ مَعَ مَنْ كَانَ يَتَوَلَّاهُ. - خداوند! با او ارتباط برقرار کن و از تنهایی نجاتش بده، و مونس وحشت و احساس تنهایی اش باش، و بر غربت او رحم آر، و از رحمت خویش چنان رحمتی به سوی او گسیل بدار، که از رحمت غیر تو بی نیاز گردد، و با کسانی که دوستشان می داشت محشور فرما. ۱۸ - وقتی چیدن خشت بر قبر را به پایان برد، از سمت پاهای میت از قبر خارج می شود. ۱۹ - خاک روی قبر می ریزد، و نیز تمام کسانی که حضور دارند با کف دست، خاک بر روی قبر می ریزند، مگر کسانی که نسبتی با میت دارند. ۲۰ - حال ریختن خاک می گویند: اِنَّا لِلَّهِ، وَ اِنَّا اِلَيْهِ رَاجِعُونَ، هَذَا مَا وَعَدَ اللَّهُ، وَ صَدَقَ [الْمُرْسَلُونَ]، اَئَلَلَهُمَّ، زِدْنَا اِیْمَانًا وَتَسْلِيمًا. - همانا ما از آن خداییم، و تنها به سوی او باز می گردیم، این بود آنچه که خداوند به ما وعده داده بود، و [فرستادگان خدا] راست گفتند، خدایا، بر ایمان و تسلیم ما بیافزای. ۲۱ - قبر را با خاک پُر نموده و به اندازه چهار انگشت از زمین بلند می نمایند. ۲۲ - قبر را مسطح درست می کنند. ۲۳ - روی قبر آب می پاشند. ۲۴ - پاشیدن آب را از سمت سر قبر شروع می نمایند، و سپس چهار سوی قبر را دور می زنند تا اینکه باز به سر قبر برگردند. و اگر چیزی از آب اضافه ماند، بر وسط قبر می ریزند.

نمازی که بعد از دفن میت در کنار قبر خوانده می شود

این نماز ضرر و آسیب را از میت دور ، و در نیکی به او محسوب می شود . از امیرالمؤمنین (ع) روایت شده که رسول خدا(ص) فرمود : وقتی میت خود را دفن نمودید و از خاکسپاری اش فارغ شدید ، وارث یا خویشاوند یا دوست او در کنار قبر ایستاده و دو رکعت نماز بخواند ، در رکعت اول یک بار سوره فاتحه و دو سوره قُلْ اَعُوْذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ ، و سوره قُلْ اَعُوْذُ بِرَبِّ النَّاسِ . مَعُوْذَتَيْنِ . . (۹۳) کیفیت رکعت دوم به این صورت است که سوره حمد و اگر خواست سوره قُلْ هُوَ اللّٰهُ اَعَدَد ، و سوره اِنَّا اَنْزَلْنَاهُ را بخواند ، که این دو سوره از سوره های مهمی هستند که در نمازهای نافله خوانده می شوند ، و بعد رکوع و سجده بجا آورده و در سجده اش می گوید : شَيْحَانٌ مِّنْ تَعَزُّزٍ بِالْقُدْرَةِ ، وَقَهَرٍ عِبَادَةَ بِالْمَوْتِ . - پاک و منزّه است خداوندی که به قدرت خویش ، عزیز و سربلند ، و با مرگ بر بندگان چیره و سلطه دارد . سپس سلام نماز را گفته و رو به قبر نموده و می گوید : ای فلانی پسر فلانی ، این نماز برای تو و یارانت باشد . مسلماً خداوند ، عذاب و تنگی و فشار قبر را از او برطرف می کند ، و اگر از پروردگارش بخواهد که مردان و زنان مؤمن و مسلمان ، اعم از زنده و مرده آنان را بیامرزد ، خداوند دعای وی را درباره آنان مستجاب می فرماید . و خداوند متعال به دوست او می فرماید : ای فلانی پسر فلانی ، چشم روشن باش ، که خداوند - عزوجل - تو را آمرزد . و به خود نماز گزار نیز در برابر هر حرف ، هزار کار نیک عطا می شود ، و هزار گناه او محو می شود . پس وقتی روز قیامت فرا رسید ، خداوند متعال یک صف از فرشتگان را برمی انگیزاند که او را تا در بهشت تشییع و بدرقه نمایند ، و هنگامی که داخل بهشت شد ، هفتاد هزار فرشته به استقبال او می آیند ، که با هر یک طبقی از نور است که با دستمالی از اِسْتَبْرَق (۹۴) پوشیده شده ، و در دست هر کدام کوزه ای از نور است که در آن آب سَلْسَبِيل (۹۵) است . پس وی از آن طبق خورده و از آن آب می آشامد ، و خشنودی خداوند بزرگتر است . شاید برخی به محض اطلاع از این نماز بگویند : تا کنون دیده نشده که کسی در نزد میت خود بعد از وفات او این نماز را خوانده باشد . جواب این است که : اگر سنن شرایع و احکام و مستحبات اسلام را در نظر آوری ، می بینی که بیشتر آنها آثارش از بین رفته و انوارش خاموش گردیده است ، و این نماز نیز که نسبت به انجام آن کوتاهی می شود ، نمونه ای است از امثال آن که از بین رفته است . و ما در بعضی از تصنیفات خود احادیثی چند پیرامون این مطلب ذکر کردیم که : اگر حدیثی درباره عبادتی به مکلف برسد و وی بدان عمل کند ، به سعادت آن دست می یابد ، اگرچه امر به آن صورت که به او رسیده نباشد (۹۶) ، و این بخاطر کرم و بزرگواری خداوند - جلّ جلاله - و کرامت رسول خدا(ص) می باشد ، و ما این مطلب را به سند خود از محمد بن یعقوب و ابن بابویه نقل نمودیم . و هنگامی که این امور پایان یافت فراغت پیدا کرد ، هر کس از حاضران که خواهان نزدیکی جستن به خداوند گار روز جزاست ، میت را زیارت می نماید .

کیفیت زیارت قبور اموات

در روایت آمده که محمد بن مسلم می گوید : به امام صادق (ع) عرض کردم ؟ آیا مردگان را زیارت کنیم ؟ فرمود : بله . عرض کردم : آیا وقتی ما به زیارت آنها می رویم صدای ما را می شنوند؟ فرمود : بله ، به خدا سوگند ، مسلماً آنان از آمدن شما خبردار شده و شادمان می گردند و با شما انس می گیرند . وی می گوید : عرض کردم : وقتی به زیارت ایشان رفتیم چه بگوییم ؟ فرمود ، بگو : اِیُّهَا اللّٰهُمَّ ، جَافِ الْاَرْضَ عَنْ جُنُوبِهِمْ ، وَصَاعِدِ اِلَيْكَ اَرْوَاحَهُمْ ، وَلَقِّهِمْ مِنْكَ رِضْوَانًا ، وَاَعِزِّهِمْ اِلَيْهِمْ مِنْ رَحْمَتِكَ مَا تَصِلُ بِهِ وَحِدَتَهُمْ ، وَتُوْنِسُ بِهِ وَحْشَتَهُمْ ، اِنَّكَ عَلٰی كُلِّ شَیْءٍ قَدِيْرٌ . - خداوندا ، زمین را از پهلوهایشان بر کنار فرموده و جایگاهشان را وسعت ده ، و ارواح آنان را به سوی خود بالا بر ، و خشنودی از جانب خود به ایشان ارزانی دار ، و از رحمت خویش چنان رحمتی به سوی آنان گسیل دار که و با ارتباط برقرار کردن با آنان ایشان را از تنهایی نجات ده ، و مونس وحشت و احساس تنهایی شان

گردی، برآستی که تو بر هر چیز توانایی. در روایت دیگر صفوان بن یحیی می گوید: به حضرت ابوالحسن امام کاظم (ع) عرض کردم: آیا میت سلام کسی را که به او سلام می کند، و دعایی را که شخص در نزد قبر او برای وی می کند می شنود؟ فرمود: بله، آیا مردگان کفار می شنوند و مؤمنان نمی شنوند؟! (البته ما این روایت را به صورت اختصار نقل نمودیم). شاید مقصود از فرمایش حضرت (ع) که فرمود: مردگان کفار می شنوند، همان کافرانی باشد که پیامبر اکرم (ص) پس از کشتن و به چاه انداختن آنان در جنگ بدر به آنها خطاب نمود که: واقعاً آنچه را که پروردگارم به من وعده داده بود، به صورت حق و راست یافتم. بعد فرمود: برآستی که آنان می شنوند، همان گونه که شما می شنوید. و درباره زیارت اموات، روایات فراوانی است که ما آنها را در کتاب المزار الکبیر ذکر نموده ایم. (۹۷)

اشکال و جواب

ممکن است که گفته شود: این توضیحات در رابطه با احکام و آداب اموات از اعمال شبانه روز نیست. در پاسخ می گوئیم: بر اهل توفیق پوشیده نیست که طهارت با اقسام غسلها از توابع نماز است، و مطالبی که ما مشروحاً پیرامون حالات اموات و دیگر مطالبی که ذکر نمودیم، همگی از توابع آن امور مهم است. و نیز همه آنچه که ما به شرح بیان کردیم، به صورت مفصّل تر از این در فقه مطرح شده است، که ما به خاطر ترس از اطاله کلام، آنها را ذکر نکردیم.

فرستادن غذا برای افراد خانواده میت و اقامه مجلس عزّا

از جمله مستحبات مؤکّد بُردن غذا و خوراکی برای افراد خانواده و بستگان میت است، و در این مورد روایتی از پیامبر اکرم (علیه افضل الصّلاة و السّلام) نقل شده است. و نیز روایت شده که سه روز برای میت مجلس عزّا اقامه کنند، چنانکه در حدیث آمده که امام باقر (ع) فرمود: از روز مرگ عملی که میت، سه روز برای او مجلس سوگواری اقامه شود.

ذکر عملی که پیش (۹۸) از شب اول دفن انجام می شود

حذیفه بن یمان می گوید: رسول خدا (ص) فرمودند: هیچ لحظه ای سخت تر از شب اول دفن میت نیست، پس با صدقه دادن نسبت به مردگانتان مهربانی کنید؛ و اگر نیافتید، دو رکعت نماز بخوانید، به این صورت که: در رکعت اول یک بار فاتحه الکتاب و یک بار آیه الكرسي و دوباره سوره قل هو الله اعید؛ و در رکعت دوم یک بار فاتحه الکتاب و ده بار سوره ائلهاکم التکائر قرائت می شود. و نماز گزار بعد از سلام نماز بگوید: اَئِلَلَهُمَّ، صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ ابْعَثْ ثَوَابَهُمَا إِلَى قَبْرِ ذَلِکَ الْمَیِّتِ، فُلَانِ بْنِ فُلَانٍ. - خداوندا، بر محمد و آل محمد درود فرست، و ثواب این دو رکعت نماز، را به قبر آن میت، فلانی پسر فلانی، برسان. که خداوند در همان لحظه، هزار فرشته را به سوی قبر میت گسیل می دارد که هر کدام از آنان یک جامه و حله (۹۹) دارد، و تا روزی که در صور قیامت دمیده می شود تنگی قبر او را مبدل به وسعت می کند، و به شماره هر چیز که آفتاب بر آن می تابد به نماز گزار حسنه و کار نیک عطا شده، و مقامش چهل درجه بالا برده می شود.

با وفا بودن نسبت به اموات

نسبت به مردگان با وفا باش، و حال که رشته امیدواری میان تو و آنان گسسته است، نسبت به آنان کوتاهی مکن، و به یاد آور که خداوند سبحان - جلّ جلاله - در برابر این وفاداری، چندین برابر آنچه را که آرزو داری، و چندین برابر اخوتی که میان تو و زندگان است، عطا عنایت فرموده، پس اگر باز نسبت به بذل و بخشش خداوند بی اعتنایی کنی، شاید اصلاً گفتار و وعده الهی

را تصدیق نموده ای .

نمازی هدیه به اموات

و اگر خواست ، دو رکعت نماز بخواند و ثواب آن را به اهل قبور مؤمن آن قبرستان هدیه نماید ، و من آن دو رکعت را از مالک بن دینار نقل می کنم که وی گفت : شب جمعه بر گورستانی وارد شدم و ناگهان دیدم که نوری درخشان است . از روی تعجب گفتم : لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ ، گویی که خداوند - عزوجل - اهل این گورستان را آمرزیده است . ناگهان شنیدم که هاتفی از دور ندا می کند و می گوید : ای مالک بن دینار ، این هدیه مؤمنان به برادران ایمانی شان از اهل قبور است . گفتم : سوگند به خدایی که تو را به زبان آورد ، از تو می خواهم که به من بگویی که آن هدیه چیست ؟ گفت : مؤمنی در این شب برخاست و وضوی کامل گرفت و دو رکعت نماز خواند و در هر رکعت یک بار سوره فاتحه الکتاب و سوره قل یا ائبها الکافرون ، و سوره قل هو الله اءخذ قرائت نمود ، و گفت : اءللهم ، انی قد وهبت ثوابها لاهل المقابر من المؤمنين . - خداوندا ، برآستی که من ثواب آن را به مؤمنین این قبرستان هدیه نمودم . و خداوند ، روشنایی و نور و گشایش و شادمانی را از شرق و غرب و از هر سو بر ما داخل نمود . مالک می گوید : من همواره آن را در شبهای جمعه می خواندم ، تا اینکه پیامبر اکرم (ص) را در خواب دیدم و ایشان به من فرمود : ای مالک ، خداوند در برابر نوری که به اُمت من هدیه نمودی ، ثواب آن را آمرزش تو قرار داد . سپس فرمود : خداوند در قصری بهشتی که مُنیف نامیده می شود ، خانه ای برای تو بنا نمود . عرض کردم : معنای مُنیف چیست ؟ فرمود یعنی مُشرف بر اهل بهشت . اکنون می گویم : ما هیچ چیز را از کرامت الهی دور نمی شماریم ، و نسبت به عقیده و ضمیر این شخص مالک بن دینار خداوند آگاهتر است ، زیرا وی در زمانی می زیسته که تقیه شدید در آن بوده است .

فصل چهاردهم : احکام و آداب تیمم بدل از غسل

احکام و آداب تیمم

گذشت که طهارت با خاک و تیمم هنگام تنگی وقت و ترس از فوت نماز انجام می شود ، و نیز اموری که آن را باطل می کند ذکر شد (۱۰۰) . چنانکه گفتیم : تیمم در رحمتی است که خداوند - جل جلاله - گشوده ، و به واسطه آن بندگان را بر اسباب نیل به خشنودی اش رهنمون گردیده ، و با این کار هشدار داده که نماز از مهمترین عبادتهاست ، و حتی هنگام ضرورت و در هیچ حالتی ، از هیچ یک از مکلفین ساقط نمی گردد .

کیفیت تیمم بدل از غسل

۱ - هرگاه که وقت نماز - خواه واجب باشد و خواه مستحب - تنگ شد ، و غسلی بر انسان واجب بود که داخل شدن در نماز جز بعد از طهارت از آن جایز نبود ، اگر نمازی که می خواهد برای آن طهارت کند واجب باشد ، نیت تیمم آن نیز به این صورت است : تیمم واجب بجا می آورم ، به جهت وجوب ، آن ، به گونه ای که هر چیز که با غسل کردن مباح می گردد با آن نیز مباح و جایز شود ، و بدین وسیله خداوند - جل جلاله - را از آن جهت که زینده عبادت و پرستش است ، عبادت می نمایم . ۲ - اگر نماز ، مستحب باشد ، تیمم نیز مستحب و بقیه نیت آن به همان صورتی است که توضیح دادیم . ۳ - سپس مکلف دستهایش را بر زمین یا هر چیزی که در صورت پیدا نشدن خاک به جای آن می نشیند ، می زند ، و دستها را به هم می زند تا گرد و غبارش بریزد ، و با هر دو دست از ابتدای رستگاه موی سر از بالای پیشانی و تمام جبین و کنار پیشانی تا سِرِ بینی که در سمت دهان قرار دارد ،

(به همان صورتی که پیش از این ذکر نمودیم) می کشد، و بعد دوباره دستها را بر زمین یا هر چیز دیگر جانشین آن می زند، و آنها را به هم می زند تا گردش بریزد، و با کف دست چپ، پشت دست راست را از مَفَصِّلِی که بین کف و بازو قرار دارد تا سر انگشتان دست راست مسح می کند، و نیز با کف دست راست، پشت دست چپ را از مفصلی که بین کف و بازو قرار دارد تا سر انگشتان دست چپ مسح می نماید. ۴- وقتی اینها را انجام داد، هر چیز که به واسطه غسل، مباح و جایز بود، بدون کم و کاست جایز و مباح می گردد. و هر چیز که غسل را باطل می کند، تیمم بدل از طهارت کبری یعنی غسل، و تیمم بدل از طهارت صغری یعنی وضوء را نیز باطل می کند. و این مطلب در فصل دوازدهم نیز ذکر شده بود. ۵- اگر برای غسل دادن میت نیز، امکان نداشته باشد که انسان از آب استفاده کند، بی کم و کاست به ترتیبی که شخص زنده مکلف به غسل، تیمم می کند، میت را تیمم بدل از غسل می کنند.

شرایط لباس و مکان نماز

در رابطه با گزینش جامه و مکان نماز، مهم این است که لباس و مکان نماز پاکیزه باشند، به گونه ای که نماز خواندن در آن دو برای انسان مباح و جایز باشد. خواه ملوک انسان باشند و یا از کسی عاریه و یا اجاره نموده و یا به صورتی غیر از اینها برای او مباح باشند.

صدق در پوشیدن لباس و مقصود از آن

و دیگر اینکه نماز گزار در پوشیدن لباس برای نماز، صادق باشد، و معنای صادق آن است که: باطنش با ظاهرش که می گوید آن لباسها را جز برای خدا و جز برای انجام عباداتی که خداوند اراده نموده نپوشیده ام، باهم سازگار و موافق باشند؛ زیرا اگر قصدش از پوشیدن لباس، لذت نفس و دل باشد، در نزد خدا از این جهت که ادعا می کند لباس را تنها برای نماز یا برای پروردگارش پوشیده، دروغگو محسوب می شود؛ و همچنین اگر لباس را برای افزون طلبی و فخر و نزدیکی جستن به دلهای بندگان پوشیده باشد، ولی چنین اظهار کند که آن را برای خدمت و بندگی خداوندی که سلطان معاد است پوشیده، دروغگو خواهد بود. بنابراین، واجب است که در پوشیدن لباس صادق باشد، و گر نه حضرت حق را کوچک شمرده، و مستحق آن است که خداوند - جلّ جلاله - از خطاب و پاسخ و پاداش دادن به او روی گردان باشد.

دیگر احکام لباس نماز گزار

نماز خواندن مرد در لباس ابریشم خالص که ساتر عورت باشد، در صورتی که نماز گزار بداند که لباس ابریشمی پوشیده صحیح نیست، مگر اینکه در جنگ بپوشد و پوشیدن آن به صلاح جنگجو بوده و ناچار از پوشیدن آن باشد. البته توضیح بحث لباس نماز گزار و لباس حلال و مستحب و حرام و مکروه مفصل است که اگر در اینجا ذکر شود، بیم آن است که مطلب به درازا بکشد.

اخلاص و حضور قلب در انتخاب مکان نماز

در رابطه با گزینش مکان نماز نیز بهترین جا برای نماز گزار، مکانی است که بنده در آنجا حضور قلب داشته و با دل به یاد خداوند - جلّ جلاله - بوده، و حق حرمت عظمت الهی و ادب خاکساری عبودیت و بندگی را مراعات نماید، و نسبت به اخلاص و اختصاص اعمال برای پروردگار نزدیکتر بوده، و به دور از چیزهایی باشد که باطن و ظاهر انسان را از ایستادن در پیشگاه خداوندی که مولی و مالک انسان و با عظمت تر از همگان و خداوندگار دنیا و آخرت است، به خود سرگرم می سازند.

صدق در انتخاب مکان نماز و مقصود از آن

و نیز نماز گزار باید در اختیار مکان برای خدمت و بندگی خداوند پادشاه بسیار پاداش دهنده، صادق باشد، و معنای صادق بودن آن است که باطنش با ظاهرش که می گوید: قصدم از حضور در این مکان و ایستادن در اینجا جز برای خداوند - جلّ جلاله - و طلب خشنودیهای او نیست، موافقت داشته باشند. در بعضی از داستانها آمده است که: یکی از خواصّ و برگزیدگان در خلوت و تنهایی مشغول عبادت خداوند - جلّ جلاله - بود، و در نزدیکی او درختی وجود داشت که پرنده هایی در آن زندگی می کردند. وی سجاده خود را به زیر آن درخت انتقال داد، تا به درخت و آواز پرندگان که در درخت بودند اُنس بگیرد، ولی از ناحیه خداوند - جلّ جلاله - معاقب شده و به او گفته شد که: آیا اُنس با ما آن قدر ارزش نداشت که تو را از درخت و پرندگان بی نیاز نماید؟ وی توبه نمود و دانست که با این اُنس گرفتن، خود را به خطر انداخته است. و نیز در برخی از داستانهای اهل محاسبه و مراقبه دیدم که بعضی از آنها که با نشاط و اهتمام و سرور مشغول نماز بود، به درگاه خدا عرض کرد: ای پروردگار من، آیا در رابطه با حضور قلب و اقبال و توجّه قلبی در نماز چیزی باقی مانده که من نیاز داشته باشم پیش از مرگ اصلاحش کنم؟ گفته شد: بله، تو به نسیم سحرگاهان اُنس می گیری، و چیز دیگری غیر از ما، تو را به نشاط می آورد، و صفات خواصّ ابرار و برگزیدگان چنین نمی باشد، پس در خدمت و بندگی تو شرک، و انگیزه دیگر غیر از آنچه که ما از اخلاص عبودیت می خواهیم، وجود دارد.

بهترین مکان برای نماز

اگر حال بنده ای که به نماز مکلف است مقاوم و استوار باشد، به گونه ای که به تغییر مکانها، اخلاص و اختصاصش دیگرگون نگردد، افضل آن است که در انتخاب مکانهای نماز و جایگاههای دعا، هر مکان و جایگاهی را که شرع مقدّس به آن فضیلت داده انتخاب و پیروی نماید، که با فضیلت ترین آنها خانه های خداوند - متعال و جلّ جلاله - و مساجد است که مخصوص عبادت اوست، و برترین مسجدها، مسجد الحرام و مسجد مدینه باشد. و البته مطلب در این رابطه بسیار است و ما تنها مقداری از آن را که آماده است، در این راستا و بر اساس روایت ذکر می کنیم.

ذکر فضیلت بعضی از مساجد و تفاوت نماز خواندن در آنها

۱- از آن جمله در روایت آمده که مولایمان علی بن ابی طالب (ع) پیوسته می فرمود: هر کس به مسجد رفت و آمد کند، یکی از هشت چیز را به دست می آورد: برادری که در راه خشنودی خدا از او بهره ببرد، یا علم و دانشی نو و زیبا، یا آیه محکم از قرآن کریم، یا سخنی که او را بر هدایت رهنمون گردد، یا کلامی که او را از هلاکت رهایی بخشیده و برگرداند، یا سنّت و روشی که از آن پیروی کند، یا رحمتی از جانب خداوند که انتظارش را می کشیده، یا گناهی که آن را به خاطر ترس از پروردگار یا از روی شرم ترک می کند. ۲- نیز در روایت آمده که امام صادق (ع) فرمود: هر کس به مسجد برود، بر هیچ تر و خشک قدم نمی گذارد، مگر اینکه آن چیز تا زمینهای هفتگانه برای او تسبیح می گوید. ۳- همچنین در روایت آمده که امام صادق (ع) به نقل از پدر بزرگوار از پدران بزرگوارش از علی (ع) فرمود: یک نماز در بیت المقدّس هزار و یک نماز سپاس شود، و در مسجد اعظم صد و یک نماز، و در مسجد قبیله بیست و پنج نماز، و در مسجد بازار دوازده نماز، و نماز خواندن در خانه به تنهایی، تنها یک نماز محسوب می گردد. ناگفته نماند که در فضیلت نماز گزاردن در مسجد الحرام و مسجد النبی - علیه افضل الصّلاه والسلام - و مسجد کوفه احادیث معروف و فراوانی نقل شده است.

کیفیت دخول در مسجد

کیفیت دخول در مسجد بر اساس دو روایتی که از مولایمان امام صادق - صلوات الله علیه - و امام حسن عسکری (ع) که از ابتدای وارد شدن در مسجد تا روبه قبله ایستادن در جای خواندن نماز را شامل می شوند، و ما آن دو را باهم مخلوط نموده و باهم ذکر می کنیم، بدین ترتیب وقتی انسان خواست وارد مسجد شود، روبه قبله ایستاده و می گوید: بِسْمِ اللَّهِ، وَ بِاللَّهِ، وَ مِنَ اللَّهِ، وَ إِلَى اللَّهِ، وَ خَيْرُ الْأَشْيَاءِ لِلَّهِ، تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ، اَللَّهُمَّ افْتَحْ لِي بَابَ رَحْمَتِكَ وَ تَوَيْتِكَ، وَ اَعْلُقْ عَنِّي اَبْوَابَ مَعْصِيَتِكَ، وَ اجْعَلْنِي مِنْ زُورِكَ وَ عَمَارِ مَسَاجِدِكَ، وَ مِمَّنْ يُنَاجِيكَ بِاللَّيْلِ وَ النَّهَارِ، وَ مِنَ الَّذِينَ عَلَى صَلَوَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ، وَ اَذْخَرْ عَنِّي الشَّيْطَانَ [الرَّجِيمَ] وَ جُنُودَ ابْلِيسَ اَجْمَعِينَ. - به نام خدا، و به وسیله خدا، و از خدا، و به سوی خدا، و بهترین نامها [و کمالات] برای خداست، بر خداوند توکل می نمایم، و هیچ دگرگونی و نیرویی به غیر خداوند وجود ندارد، خداوندا، در رحمت و توبه ات را بر من بگشای، و درهای معصیت و نافرمانی ات را به روی من ببند، و مرا از زیارت کنندگان خود و آباد کنندگان مساجدت، و از کسانی که شبانه روز با تو مناجات می نمایند، و از آنان که بر نمازهایشان محافظت دارند، قرار ده، و شیطان [رانده شده] و همه لشکرهای ابلیس را از من دور فرما. سپس با پای راست وارد مسجد شده و می گوید: اَللَّهُمَّ، افْتَحْ لِي بَابَ رَحْمَتِكَ وَ تَوَيْتِكَ، وَ اَعْلُقْ عَنِّي بَابَ سَخَطِكَ وَ بَابَ كُلِّ مَعْصِيَةٍ هِيَ لَكَ. اَللَّهُمَّ، اَعْطِنِي فِي مَقَامِي هَذَا جَمِيعَ مَا اَعْطَيْتَ اَوْلِيَاءَكَ مِنَ الْخَيْرِ، وَ اَصْرِفْ عَنِّي جَمِيعَ مَا صَيَّرْتَهُ عَنْهُمْ مِنَ الْاَسْوَاءِ وَ الْمَكَارِهِ، رَبَّنَا، لَا تُؤْخِذْنَا اِنْ نَسِينَا اَوْ اَخْطَاْنَا، [رَبَّنَا، وَ لَا تَحْمِلْ عَلَيْنَا اِضْرًا كَمَا حَمَلْتَهُ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلُنَا. رَبَّنَا، وَ لَا تَحْمِلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ، وَ اغْفُ عَنَّا، وَ اغْفِرْ لَنَا، وَ ارْحَمْنَا. اَنْتَ مَوْلَانَا، فَانْصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ (۱۰۱) اَللَّهُمَّ، افْتَحْ مَسَامِعَ قَلْبِي لِتَذْكِرِكَ، وَ ارْزُقْنِي نَصِيرَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ تَبَتُّنِي عَلَى اَمْرِهِمْ، وَ صَلِّ مَا بَيْنِي وَ بَيْنَهُمْ، وَ اخْفِظْهُمْ مِنْ بَيْنِ اَعْيُنِهِمْ وَ مِنْ خَلْفِهِمْ وَ عَنْ اَيْمَانِهِمْ وَ عَنْ شِمَائِلِهِمْ، وَ اَمْنَعُهُمْ اَنْ يُوَصَلَ إِلَيْهِمْ بِسُوءٍ. اَللَّهُمَّ، اِنِّي زَائِرُكَ فِي بَيْتِكَ. وَ عَلَى كُلِّ مِائَةِ حَقٍّ لِمَنْ اَتَاهُ وَ زَارَهُ، وَ اَنْتَ اَكْرَمُ مِائَتِي وَ خَيْرُ مَزُورٍ وَ خَيْرٌ مَنْ طَلَبَ إِلَيْهِ الْحَاجَاتُ، وَ اَسْأَلُكَ يَا اَللَّهُ، يَا رَحْمَانُ، يَا رَحِيمُ، بِرَحْمَتِكَ الَّتِي وَسَّعَتْ كُلَّ شَيْءٍ، وَ بِحَقِّ الْوَلَايَةِ، اَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ اَنْ تُدْخِلَنِي الْجَنَّةَ، وَ تَمُنَّ عَلَيَّ بِفَكَاحِ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ. - خدایا، در رحمت و توبه ات را به روی من بگشای، و در ناخشنودی و در تمام گناهان و معاصی را به روی من ببند. خداوندا، در همین جا تمام خیراتی را که به اولیاء خویش عنایت فرمودی به من نیز ارزانی دار، و همه بدیها و ناخوشایندیهایی را که از آنان بازداشتی از من باز دار. پروردگارا، اگر فراموش یا خطا کردیم بر ما مگیر، [پروردگارا، سنگینی و تکلیف سخت بر دوش ما مینه، همچنانکه بر دوش کسانی که پیش از ما بودند نهادی] پروردگارا، ما را به آنچه که توان آن را نداریم مکلف منما، و از ما در گذر، و مورد مغفرت و رحمت خویش قرار ده، تویی سرپرست ما، پس ما را بر گروه کافران یاری فرما. خدایا، گوشهای دلم را به ذکر و یادت بگشای، و یآوری آل محمّد را روزی ام گردان، و مرا بر امر [ولایت] آن بزرگواران استوار بدار، و پیوند میان من و ایشان را برقرار دار، و ایشان را از [گزند دشمنان] از پیشارو و پشت سر و دست راست و چپ شان محافظت فرما، و از رسیدن شرّ و بدی به ایشان جلوگیری نما. خداوندا، من به خانه تو و به زیارت تو آمده ام، و هر که به سوی کسی برود و زیارتش نماید بر کسی که زیارتش نموده حقی دارد. و تو بهترین کسی هستی که بر تو وارد می شوند و بهترین زیارت شونده و بهترین کسی هستی که حوائج از درگاهت درخواست می شود. ای خدا، ای رحمان، ای رحیم، به خاطر آن رحمت که هر چیز را فرا گرفته، و به حقّ ولایت، از تو خواستارم که بر محمّد و آل محمّد درود فرستی، و مرا وارد بهشت گردانی، و به من مَنّت بگذار و از آتش جهنّم آزاد نما. و هنگامی که به جایی که می خواهی نماز بخوانی رسیدی، رو به قبله نما و بگو: اَللَّهُمَّ، اِنِّي اُقَدِّمُ اِلَيْكَ مُحَمَّدًا نَبِيَّ الرَّحْمَةِ وَ اَهْلَ بَيْتِهِ الْاَوْصِيَاءِ الْمَرْضِيَّيْنَ بَيْنَ يَدَيِ خَوَائِجِي، وَ اَتَوَجَّهُ بِهِمْ اِلَيْكَ، فَاجْعَلْنِي بِهِمْ عِنْدَكَ وَجِيهًا فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ مِنَ الْمُقَرَّبِينَ. اَللَّهُمَّ، اجْعَلْ صَلَاتِي بِهِمْ مُقْبُولَةً، وَ

دُعَائِي بِهِمْ مُسْتَجَابًا، وَذَنْبِي بِهِمْ مَغْفُورًا، وَرِزْقِي بِهِمْ مَبْسُوطًا، وَانْظُرْ إِلَيَّ يَوْجِهَكَ الْكَرِيمَ نَظْرَةً اِشْتِكَمُلَ بِهَا الْكِرَامَةَ وَالْإِيْمَانَ، ثُمَّ لَا تُصِرْهُ إِلَّا بِمَغْفِرَتِكَ وَتَوْبَتِكَ. (رَبَّنَا، لَا تُزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا، وَهَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً، إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ. (۱۰۲) اَللّهُمَّ، إِلَيْكَ تَوَجَّهْتُ، وَرِضَاكَ طَلَبْتُ، وَتَوَائِكَ ابْتَغَيْتُ، وَبِحَبْكَ آمَنْتُ، وَعَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ، اَللّهُمَّ، اَعْقِبْ عَلَيَّ [يَا: إِلَيَّ] يَوْجِهَكَ، وَاعْقِبْ إِلَيْكَ بِقَلْبِي، اَللّهُمَّ، اَعِنِّي عَلَى ذِكْرِكَ وَشُكْرِكَ وَحُسْنِ عِبَادَتِكَ. اَلْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَنِي مِمَّنْ يُنَاجِيهِ. اَللّهُمَّ، لَكَ اَلْحَمْدُ عَلَى مَا هَدَيْتَنِي، وَلَكَ اَلْحَمْدُ عَلَى مَا رَزَقْتَنِي، وَلَكَ اَلْحَمْدُ عَلَى كُلِّ بَلَاءٍ حَسَنٍ ابْتَلَيْتَنِي، اَللّهُمَّ، تَقَبَّلْ صَلَاتِي، وَتَقَبَّلْ دُعَائِي، وَاعْفُ عَنِّي، وَارْحَمْنِي، وَتُبْ عَلَيَّ، إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ. - خدایا، براستی که من حضرت محمد، پیامبرت، پیامبر رحمت، و اهل بیتش اوصیاء مورد پسندت را در پیشاپیش خواسته هایم مقدم می دارم، و به واسطه آنان به سوی تو توسل می جویم، پس مرا به واسطه ایشان در دنیا و آخرت در نزد خویش آبرومند، و از مقربان در گاهت قرار ده. خداوندا، نمازم را به واسطه آنان قبول، و دعایم را به خاطر آنان مستجاب، و گناهانم را به جهت آنان آمرزیده، و روزی ام را به خاطر آنان وسعت ده، و به وجه [و اسماء و صفات] گرامی ات، یک نگاه و گوشه چشمی به من بنما به گونه ای که کرامت و ایمانم به آن کامل گردد، آنگاه نگاهت را از من برگردان مگر اینکه مرا آمرزیده و توبه ام را پذیرفته باشی. پروردگارا، بعد از آنکه هدایتان فرمودی دلهایمان را منحرف مفرما، و رحمتی از جانب خویش ارزانی مان دار، براستی که تویی بسیار بخشنده. خداوندا، تنها به سوی تو متوجه شدم، و تنها خشنودی تو را خواستارم و فقط ثواب تو را خواهانم، و تنها به تو ایمان آورده و فقط بر تو توکل نمودم. خدایا، با وجه [و اسماء و صفات] ات به سوی من روی کن، و دل مرا رو به سوی خود کن، خداوندا، مرا بر ذکر و شکر و سپاسگزاری و عبادت نیکویت یاری فرما، سپاس خدایی را که مرا از کسانی قرار داد که با او مناجات می کنند، خدایا، حمد و ستایش بر تو به خاطر اینکه مرا هدایت فرمودی، و سپاس تو را به جهت اینکه مرا فضیلت دادی، و ستایش تو را به خاطر اینکه مرا روزی دادی، و سپاس تو را به جهت هر گرفتاری نیکویی که مرا بدان گرفتار و امتحان نمودی، خدایا نمازم را قبول، و دعایم را مستجاب فرما، و مرا بیآرمز و بر من رحم آر، و توبه ام را بپذیر، براستی که بسیار توبه پذیر و مهربان هستی.

بهترین مکان برای خواندن نماز واجب و مستحب

و توجه داشته باش که خواندن نماز نافله در غیر مسجد افضل است، و بپا داشتن نماز واجب در مساجد اکمل می باشد، و ما این مطلب را به تفصیل درآینده بر اساس آنچه که خداوند - جلّ جلاله - ما را آگاه نموده با استفاده از آنچه که خداوند به ما آموخته و احسان فرموده، ذکر خواهیم نمود. ان شاء الله تعالی.

فصل پانزدهم: تعیین نخستین نماز واجب و اینکه آن همان صَلَاةٌ وَسْطَى است.

نماز ظهر نخستین نماز واجب

مفهوم روایاتی که در این باره وارد شده و به اعتقاد ما به صحت و صواب نزدیکتر است، آن است که نخستین نمازی که بر بندگان واجب شده، نماز ظهر است، که دو رکعت بوده. و روایات در این باره بسیار است، و نیازی به ذکر آنها نیست، زیرا این مطلب در نزد برگزیدگان و حضرات معصومین (علیهم السلام) که الگوی ما هستند روشن است.

نماز ظهر، همان صَلَاةٌ وَسْطَى است

۱- و اما اینکه آن همان صَلَاةٌ وَسْطٰی است، در روایتی از امام باقر(ع) در پاسخ پرسش از فرمایش خداوند که می فرماید: حَافِظُوا عَلَى الصَّلَوَاتِ وَالصَّلَاةِ الْوُسْطٰی. (۱۰۳) - بر تمام نمازها و بخصوص بر نماز میانه محافظت کنید. آمده که فرمود: آن نماز ظهر است، و در همان وقت خداوند نماز جمعه را واجب فرمود، در آن روز، وقتی است که هیچ بنده مسلمانی در آن لحظه از خداوند خیری را نمی خواهد، مگر اینکه خدا به او عطا می فرماید. ۲- و نیز از امام باقر(ع) روایت شده که: زن حسن بن علی دستور داد که مُضِيْحَف و قرآنی بنویسند، هنگامی که نویسنده به آیه حَافِظُوا عَلَى الصَّلَوَاتِ وَالصَّلَاةِ الْوُسْطٰی رسید حضرت امام حسن (ع) به او فرمود: حَافِظُوا عَلَى الصَّلَوَاتِ وَالصَّلَاةِ الْوُسْطٰی وَ صَلَاةِ الْعَصْرِ، وَ قُومُوا لِلَّهِ قَانِتِينَ. یعنی بر تمام نمازها و به خصوص نماز وسطی و نماز عصر محافظت کنید، و با حالت فروتنی برای خدا قیام نموده و خدا را عبادت کنید. ۳- در حدیث است که امام صادق (ع) فرمود: بر تمام نمازها، و بویژه بر نماز وسطی و نماز عصر محافظت نمایید، و با حالت خضوع و فروتنی برای خدا قیام کنید و خدا را عبادت کنید. ۴- همچنین از طریق اهل تسنن وارد شده که ابن عمر گفت: حفصه دختر عمر دستور داد که مصحف و قرآنی برای او نوشته شود، و به نویسنده گفت: وقتی به آیه نماز رسیدی، به من نشان ده تا دستور دهم که آن را به همان صورت که از رسول خدا (ص) شنیده ام بنویسی، وقتی وی آن را به او ارائه داد، دستور داد که بنویسد: بر همه نمازها و به خصوص بر نماز وَسْطٰی و نماز عصر محافظت نمایید، و با حالت خضوع و فروتنی برای خدا قیام نموده و خدا را عبادت کنید. ۵- و ابو جعفر بن بابویه نیز در کتاب معانی الاخبار در باب معنای نماز وسطی مشابه این حدیث را از عایشه روایت نموده است. (۱۰۴) ۶- و نیز عبدالله بن سلیمان بن اشعث سجستانی در جزء اول کتاب جمع المصاحف شش حدیث پیرامون اینکه این آیه شریفه به همین صورت در مُضِيْحَف عایشه بوده، و هشت حدیث درباره اینکه آیه شریفه به همین صورت در مُصْحَف حفصه، و دو حدیث درباره اینکه به همین صورت در مُضِيْحَف اُمّ سَلَمَه بوده، ذکر کرده است. بنابراین، تعیین اینکه نماز وسطی همان نماز ظهر است از هر طریق فریقین (شیعه و سنی) روایت شده است ۸- همچنین شیخ بزرگوار محمّد بن علی کراجکی در نامه ای که به فرزند خویش نوشته، در رابطه با فضیلت نماز ظهر روز جمعه ذکر کرده (درست به همین لفظ) که: ای فرزند عزیزم، برای نماز ظهر این روز شرافت بزرگی است، و آن اولین نمازی است که بر سرورمان رسول خدا(ص) واجب شده است. و روایت شده که آن، همان نماز وَسْطٰی است که خداوند متعال در امر به محافظت بر تمام نمازها، آن را به صورت جداگانه ذکر نموده و فرموده - جَلَّ مِنْ قَائِلٍ - که: حَافِظُوا عَلَى الصَّلَوَاتِ وَالصَّلَاةِ الْوُسْطٰی. ۹- و کراجکی نیز حدیثی را که ما پیشتر به نقل از زراره از محمد بن مسلم ذکر نمودیم، روایت کرده است. ۱۰- همچنین در یکی از کتابهای اصول به نقل از ابی بصیر آمده که امام صادق (ع) فرمود: نماز وسطی همان نماز ظهر است، و آن نخستین نمازی است که خداوند بر پیامبر گرامی اش (ص) نازل فرموده است. ۱۱- و باز در نسخه قدیمی و زیبای کتاب تفسیر قرآن از صَادِقِین (امام صادق و باقر) (علیهما السلام) که هم اینک نیز در نزد ما موجود است، چهار حدیث به چند طریق از امام باقر و صادق (علیهما السلام) دیدم که: نماز وسطی همان نماز ظهر است. و رسول خدا(ص) پیوسته می فرمودند: بر همه نمازها و به خصوص بر نماز وسطی محافظت نمایید. ۱۲- همچنین در آن کتاب بعد از این احادیث، دو حدیث دیگر نیز در این باره ذکر نموده است. ۱۳- افزون بر این، ابو جعفر محمّد بن بابویه در کتاب معانی الاخبار نیز نظرش این است که: نماز وَسْطٰی، همان نماز ظهر است و روایاتی از سوی طریقین (شیعه و سنی) در این باره ذکر نموده است. ۱۴- همچنین وی در کتاب مدینه العلم روایت کرده که امام صادق (ع) فرمود: نماز وسطی همان نماز ظهر، و نخستین نمازی است که خداوند بر پیامبرش (ص) واجب فرموده است.

معنای وَسْطٰی

۱- شاید مراد از وَسْطٰی همان عَظْمٰی و نماز بزرگ باشد، چنانکه خداوند متعال در جای دیگر می فرماید: وَ كَذٰلِكَ جَعَلْنٰكُمْ اُمَّةً

وَسَطًا. (۱۰۵) - و اینچنین خداوند شما را اَمّت بزرگی قرار داد. ۲ - ممکن است که به معنای نماز میانه باشد، زیرا نماز ظهر ما بین دو نماز از نمازهای روز (صبح و عصر) واقع است، و نیز در میانه و وسطِ ظهر قرار دارد. در شگفتم که چگونه تعظیم نماز ظهر و اینکه آن همان نماز وسطی است بر بعضی مخفی مانده است، با اینکه: اَوَّلًا: همگان اَتّفاق دارند که آن، اَوَّلین نمازی است که واجب شده. ثانیاً: که نماز جمعه ای که واجب است در آن وقت واقع است. ثالثاً: وقتی که دعا در آن مستجاب می شود در آن قرار دارد. رابعاً: آن هنگام، وقتِ گشوده شدن درهای آسمان و وقتِ نماز اَوّابین است. خامساً: وجود اینکه در روایت نماز عصر بر آن عطف شده (۱۰۶) و امور دیگر از این قبیل.

فصل شانزدهم: اعمال وقت زوال آفتاب و ظهر

دعا و تضرّع و زاری

وقت زوال و ظهر، جایگاه ویژه برای اجابت دعا، و تضرّع و زاری است. ۱ - در روایت آمده که عبدالله بن حمّاد انصاری می گوید: شنیدم که امام صادق (ع) فرمود: هنگامی که آفتاب به نقطه زوال می رسد و ظهر می شود، درهای آسمان و درهای بهشت ها گشوده می شود، و حاجتهای بزرگ برآورده می گردد. وی می گوید: عرض کردم: تاچه هنگام؟ فرمود: به مقداری که بتوان چهار رکعت نماز به آرامی بجا آورد. ۲ - نیز در روایتی محمد بن مسلم می گوید که از امام باقر (ع) درباره رکود و بر جای ماندن آفتاب در هنگام زوال و ظهر پرسیدم. حضرت (در ضمن حدیث طولانی که ما مطالب غیر مرتبط به بحث را حذف نموده ایم) فرمود: ای محمد، چقدر جثّه تو کوچک و پرشت مُشکل است. ولی تو شایسته جواب هستی، سپس فرمود: وقتی شعاع آفتاب به مُنتهای عرش می رسد، فرشتگان ندا می دهند که: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ، وَسُبْحَانَ اللَّهِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذُّلِّ، وَكَبْرُهُ تَكْبِيرًا. - معبودی جز خداوند نیست، خداوند بزرگتر است، و پاک و منزّه است خداوند، و حمد و سپاس خدایی را که کسی را به فرزندی نگرفته، و هیچ شریکی در سلطنت و فرمانروایی ندارد، و هیچ سرپرست و یاری گری از روی ذلّت و ناتوانی برای او وجود ندارد، و او را با بزرگ دانستن ویژه بزرگتر بدان. وی می گوید: عرض کردم: فدایت گردم، آیا برگشتن این سخن در هنگام زوال محافظت نمایم؟ فرمود: بله، بر آن محافظت کن، چنانکه از چشمانت محافظت می کنی، همواره ملائکه با همین تسبیح، خداوند متعال را در آن فضا تسبیح می گویند، تا اینکه آفتاب غروب می کند. ۳ - همچنین در روایتی آورده، آمده است: امام باقر (ع) فرمود که رسول خدا(ص) فرمودند: هنگامی که آفتاب به نقطه زوال رسید و ظهر شد، درهای آسمان و درهای بهشتها گشوده می گردد، و دعا مستجاب می شود، پس خوشا به حال کسی که عمل شایسته ای از او در این هنگام بالا برده شود! ۴ - به نقل دیگر در ادامه روایت فوق از امام باقر (ع) آمده است پس خوشحال به حال کسی که در این هنگام عمل شایسته ای برای او به بالا برده شود. ۵ - در فصل چهل و یکم همین کتاب که پیرامون دعاها و ساعات می باشد نیز برخی از روایات پیرامون علّت گشوده شدن درهای آسمان برای دعا در هنگام زوال را ذکر خواهیم کرد. (۱۰۷) ۶ - باز در حدیثی آمده که امام باقر (ع) فرمود: هنگامی که آفتاب به نقطه زوال می رسد، درهای آسمان گشوده می گردد، و بادهای رحمت الهی به وزش در می آید، و حاجتهای بزرگ در آن هنگام برآورده می شود. ۷ - در روایت دیگر به نقل از امام صادق (ع) آمده که: اگر حاجتی به درگاه خداوند داشتی، در هنگام زوال آفتاب آن را بخواه. ۸ - و بالاخره روایت شده که امام باقر (ع) فرمود: پدر بزرگوارم پیوسته می فرمود: اگر حاجتی به درگاه الهی داشتی، در همین ساعت و لحظه، یعنی هنگام زوال آفتاب بخواه.

ذکر دعاهایی که جهت استجاب دعا پیش از آن خوانده می شود

حال که این وقت، وقتِ ویژه اجابت دعا و رسیدن به امید، و در گشوده رحمت الهی است که خداوند - جلّ جلاله - به سوی آن رهنمون شده است. ما نیز افزون بر ذکر صفاتی که سزاوار است دعا کننده متّصف به آن باشد که گذشت. (۱۰۸) در اینجا نیز دعاهایی چند که شایسته است کسی که می خواهد دعایش ردّ نشود، انجام دهد، ذکر می نماییم: ۱ - در روایت آمده که حضرت ابی الحسن علی بن محمّد عسگری (ع) به نقل از پدران بزرگوارش (علیهم السلام) فرمود: هر کس این دعا را [که در ذیل می آید] پیش از دعا بخواند، دعایش مستجاب می گردد. ۲ - در روایت دیگر آمده که امام صادق (ع) فرمود: هر کس دوست داشته باشد که دعایش ردّ نشود، پیش از دعا بگوید: مَا شَاءَ اللَّهُ تَوَجَّهًا إِلَى اللَّهِ، مَا شَاءَ اللَّهُ تَعْبُدًا لِلَّهِ، مَا شَاءَ اللَّهُ تَطْفُلًا لِلَّهِ، مَا شَاءَ اللَّهُ تَذَلُّلًا لِلَّهِ، مَا شَاءَ اللَّهُ اسْتِصْصَارًا بِاللَّهِ، مَا شَاءَ اللَّهُ اسْتِكَانَةً لِلَّهِ، مَا شَاءَ اللَّهُ تَضَرُّعًا إِلَى اللَّهِ، مَا شَاءَ اللَّهُ اسْتِغَاثَةً بِاللَّهِ، مَا شَاءَ اللَّهُ اسْتِعَاثَةً بِاللَّهِ، مَا شَاءَ اللَّهُ لَاحَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ. - ما شاء الله (یعنی هر چه خدا خواست همان می شود) از روی توجه به سوی خدا، ما شاء الله از روی پرستش خداوند، ما شاء الله از روی اظهار فروتنی به درگاه الهی، ما شاء الله از روی اظهار ذلت و افتادگی به درگاه الهی، ما شاء الله از روی یاری جویی از خداوند، ما شاء الله از روی خضوع و استکانت برای خداوند، ما شاء الله از روی تضرّع و زاری به درگاه الهی، ما شاء الله از روی کمک طلبی و پناهنده شدن به خداوند، ما شاء الله از روی یآوری جستن از خداوند، هر چه خدا بخواهد همان می شود، هیچ دگرگونی و نیرویی وجود ندارد مگر به [وسیله] خداوند بلند مرتبه بزرگ. ۳ - از جمله دعاها و تضرّعهایی که هنگام ظهر گفته می شود، دعایی است که جدّم ابی جعفر طوسی در مصباح کبیر (۱۰۹) ذکر فرموده، که از دعاها سرّ است: اِئِلَلّهُمَّ، رَبَّنَا، لَكَ الْحَمْدُ جُمْلَتُهُ وَ تَفْسِيرُهُ، كَمَا اسْتَحْمَدْتَ بِهِ إِلَى اَهْلِهِ الَّذِينَ خَلَقْتَهُمْ لَهُ وَ اَهْلَمْتَهُمْ ذَلِكَ الْحَمْدَ كُلَّهُ. اِئِلَلّهُمَّ، رَبَّنَا، لَكَ الْحَمْدُ كَمَا جَعَلْتَ الْحَمْدَ رِضَاكَ عَمَّنْ بِالْحَمْدِ رَضِيتَ عَنْهُ، لِيَشْكُرَ مَا بِهِ مِنْ نِعْمَتِكَ. اِئِلَلّهُمَّ، رَبَّنَا، لَكَ الْحَمْدُ كَمَا رَضِيتَ بِهِ لِنَفْسِكَ وَ قَضَيْتَ بِهِ عَلَى عِبَادِكَ، حَمْدًا مَرْغُوبًا فِيهِ عِنْدَ [اَهْلٍ] الْخَوْفِ مِنْكَ بِمَهَابَتِكَ، وَ مَرْغُوبًا عَنْ (۱۱۰) اَهْلِ الْعِزَّةِ بِكَ لِسَطَوَاتِكَ، وَ مَشْكُورًا عِنْدَ اَهْلِ الْاِنْعَامِ مِنْكَ لِاِنْعَامِكَ. سُبْحَانَكَ رَبَّنَا، مُكَبِّرًا فِي مَنْزِلَتِكَ، تَذْهِدُهُتْ اَبْصَارُ النَّاطِرِينَ، وَ تَحْيَرَتْ عُقُولُهُمْ عَنْ بُلُوغِ عِلْمِ جَلَالِهَا، تَبَارَكْتَ فِي مَنَازِلِكَ الْعُلَى، وَ تَقَدَّسْتَ فِي الْاَلَاءِ الَّتِي اَعْزَمْتَ فِيهَا. يَا اَهْلَ الْكِبَرِيَاءِ، لَا اِلَهَ اِلَّا اَنْتَ الْكَبِيرُ، لِلْفَنَاءِ خَلَقْتَنَا وَ اَنْتَ الْكَائِنُ لِلْبَقَاءِ، فَلَا تَفْنِي وَ لَا تَبْقَى، وَ اَنْتَ الْعَالِمُ بِنَا، وَ نَحْنُ اَهْلُ الْعِزَّةِ بِكَ وَ الْعَفْلَةُ عَنْ شَاغِنِكَ، وَ اَنْتَ الَّذِي لَا تَغْفُلُ، وَلَا تَأْخُذُكَ سِنَةٌ وَلَا نَوْمٌ، بِحَقِّكَ يَا سَيِّدِي، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ اَعْزِنِي مِنْ تَحْوِيلِ مَا اَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيَّ فِي الدِّينِ وَ الدُّنْيَا، يَا كَرِيمُ. - خداوندا، پروردگارا، حمد و ستایش همگی همراه با تفسیر و توضیحش [یا: حمد و ستایش، خواه به صورت اجمال و خواه به صورت تفصیلی] برای توست، به همان صورتی که از اهل حمد و ستایش آنان را برای آن آفریده و آن گونه ستایش کردن را به طور کامل را به آنان الهام فرمودی - می خواهی که آن گونه ستایش کنند، خداوندا، پروردگارا، تو را ستایش می نمایم، همچنانکه ستایش را مایه خشنودی خود از کسانی قرار دادی که به واسطه ستایش از آنان خرسند گردیدی، تا بدین وسیله شکر نعمت را بجا آورند. خداوندا، پروردگارا، تو را ستایش می نمایم، چنان ستایشی که آن را برای خود پسندیده و بر بندگانت واجب نمودی، ستایش که مورد پسند کسانی باشد که به واسطه هیبت و بیم از تو می هراسند، و کسانی که به واسطه سلطه و غلبه تو، به تو سرافراز گشته اند، از آن بیم دارند، و در نزد کسانی که به آنان انعام نموده ای، به واسطه انعام مورد سپاس آنان است. پاک و منزّهی تو پروردگارا، در حالی که در منزلت خود متکبر هستی، چنان مقام و منزلتی که دیده های بینندگان از نیل به دانش جلال و عظمت تو واژگون، و عقلها سرگشته اند. و در منازل والایت بلند مرتبه ای، و در نعمتهایی که در آن قرار داری پاک و بی آلاشی، ای اهل کبریا و بزرگمنشی، معبودی بزرگ جز تو وجود ندارد، ما را برای فنا و نابودی آفریدی، و تو برای بقاء و پابندگی هستی، پس تو نابود نمی شوی و ما پایدار نمی مانیم، و تو به ما آگاهی، و ما به تو فریفته شده و از مقام تو غفلت داریم، و تو هیچگاه دچار غفلت نمی گردی، و نه چرت تو را فرا می گیرد و نه خواب، ای سرور من، به حقّ خویش بر محمد و آل او درود فرست، و مرا از تغییر نعمتهایی که در

دین و دنیا به من ارزانی داشته ای ، در پناه خویش درآور ، ای بزرگوار . راوی حدیث می گوید : پیامبر اکرم (ص) فرمود که خداوند متعال فرمود : هرگاه بنده این کلمات را بگوید ، تمام اموری را که برای بندگان صالح و شایسته ام کفایت می کنم ، برای او نیز عهده دار می شوم ، و به خشنودی خویش از او درمی گذرم ، و او را ولی و دوست خود قرار می دهم .

فصل هفدهم : اسرار نماز و ذکر نافله های ظهر

مطلب اول : اسرار نماز ، و مراقبه قلبی و مراعات ادب و حفظ حرکات

مقدمه

باید توجه کرد که نماز مشتمل است بر : ۱ - نیت نماز . ۲ - لفظ تکبیر . ۳ - لفظ وَجَّهْتُ وَجْهِيَ لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ . : (روی و تمام وجود خویش را به سوی خداوندی نمودم که آسمانها و زمین را پدید آورد .) ۴ - حمد و ستایش و تمجید خدا . ۵ - ادعای عبادت و یاری جستن از خداوند جلّ جلاله . ۶ - دعاهای مختلف . ۷ - قرائت قرآن . ۸ - اظهار فروتنی و رکوع . ۹ - سجده و کرنش و خشوع . ۱۰ - شهادت به یگانگی خداوند جلّ جلاله . ۱۱ - شهادت به رسالت ربّانی رسول خدا ، حضرت محمد (ص) ۱۲ - صلوات بر او و خاندانش . ۱۳ - سلام نماز .

۱- نیت نماز

پیرامون نیت نماز ، باید دانست که اگر از بندگان باشی که در تمام حرکتهای و سکون خود با خداوند - جلّ جلاله - معامله نموده ، و همواره متوجه او هستند ، به معنای فرمایش خداوند - جلّ جلاله - معرفت دارند ، آنجا که در آیات محکم خویش می فرماید : وَ مَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ . (۱۱۱) - و جنیان و انسانها را نیافریدم ، مگر اینکه مرا پرستند . مسلماً همواره خود را مهیای فرمانبری از اوامر او نموده ، و دستور خدا به نماز را امتثال کرده ، و او را برای اینکه ذاتاً مستحقّ عبادت است پرستش می کنی ، چنانکه اگر خود را برای ورود شخصیت بزرگوار و ارجمندی آماده کرده باشی ، حتماً وقتی او را می بینی برای احترام و تعظیم او بپای ایستاده ، و به محض دیدن او به وی روی آورده و توجه می کنی ، و یا اگر خود را برای ورود پیکری که در نزد ارحمن است مهیا نموده باشی ، وقتی چشم تو به او ، و چشم او بر تو افتاد و پیام پیک را شنیدی ، بدون تردّد و دودلی زود او را پذیرفته ، و نیازی به تجدید نیت پیدا نمی کنی . اما اگر از پروردگارت غافل باشی و توجهت به دنیا و هوا و هوس خویش باشد ، هنگام حضور در نماز نیاز پیدا می کنی که دل گریخته ات را با افسار رشته عقل و لبّ خویش حاضر ساخته ، و آن را به ایستادن در پیشگاه مولایت وادار نمایی ، و به یادش آوری که او تو را خوانده و تو را می بیند ، و با عقل و قلب خویش قصد کنی که او را از آن جهت که شایسته عبادت است پرستی ، و در محضر مناجات با او همانند سعادت‌مندان وارد شوی . و اگر نماز ، نماز واجب و آدا باشد ، نیت می کنی که : این عبادت را به جهت وجوبش به صورت ادا به جا می آورم ، و اگر قضا باشد ، قصد می کنی که آن را به صورت قضا بجا می آورم ، و چه آدا باشد و چه قضا ، نیت می کنی آن را برای عبادت و پرستش خداوند - جلّ جلاله - انجام می دهم .

۲- ذکر تکبیره الاحرام

شایسته است هنگام گفتن الله اکبر آن را به عنوان معامله با خداوند - جلّ جلاله - و قصد عبادت بگویی ، نه با حال غفلت و بر طبق عادت . و دیگر اینکه در گفتن آن صادق باشی . معنای تکبیر اما درباره معنای اَللّهُ اَكْبَرُ در روایت آمده که مردی در محضر امام صادق (ع) گفت : اَللّهُ اَكْبَرُ ، حضرت فرمود : خداوند از چه چیز بزرگتر است ؟ آن مرد گفت : از هر چیز . امام صادق (ع)

فرمود: خدا را محدود نمودی. آن مرد گفت: چگونه بگویم؟ حضرت فرمود: بگو خداوند بزرگتر از آن است که توصیف شود. علت اینکه حضرت (ع) فرمود: خدا را محدود نمودی، آن است که وقتی خداوند - جلّ جلاله - با اشیاء مقایسه شود و در حالی که همه اشیاء غیر او مُخَدَّت و پدید آمده هستند، و هر پدید آمده ای محدود است، مسلماً هر کس به این صورت معتقد باشد و خداوند را در ردیف و بزرگتر از آنها بداند، خداوند - جلّ جلاله - را محدود قرار داده است. و علت اینکه حضرت (ع) فرمود: خداوند بزرگتر از آن است که توصیف شود. آن است که علی التّحقیق صفات خداوند - جلّ جلاله - بر او احاطه ندارند، بلکه تنها به خاطر ضیق عبارت بر اهل توفیق و تصدیق، خداوند - جلّ جلاله - و رسولش (ع) الفاظی را پیرامون توصیف جلال الهی به اندازه قصور [یا: تصوّر] دانش بندگان به آنان آموخته اند تا هنگامی که می خواهند خدا را توصیف کنند بر زبان جاری سازند. مقصود از عبادت بودن تکبیر و معنای به قصد عبادت گفتن تکبیر این است که: خداوند - جلّ جلاله - در قلب عقلت، به همان اندازه ای که خدا از شناخت ذات و صفات کاملش به تو عنایت فرموده، عظمت داشته باشد، و مقصودت از این اعتقادی که به عظمت خداوند داری، و از الله اکبر گفتن، تنها عبادت او باشد از آن جهت که او زینده عبادت است. مقصود از صدق در گفتن تکبیر و مقصودم از صدق در گفتن تکبیر آن است که کردارت با گفتارت موافق باشد، به گونه ای که هنگام گفتن آن باطنت با ظاهر - در اینکه ادعا می کنی چیزی بزرگتر از خداوندی جلّ جلاله در قلب و عقل و نفس و یتیم وجود ندارد، و هیچ چیز نزد از او عزیزتر نیست - باهم موافق باشند، و هیچ چیز در آن حال تو را به خود مشغول نسازد، چنانکه خداوند - جلّ جلاله - با بیان صریح قرآن مبین در تهدید کسانی که دیگری را بر خدا مقدم می دارند، می فرماید: قُلْ: إِنْ كَانَ آبَاؤُكُمْ وَأَبْنَاؤُكُمْ وَإِخْوَانُكُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ وَعَشِيرَتُكُمْ وَأَمْوَالٌ اقْتَرَفْتُمُوهَا وَتِجَارَةٌ تَخْشَوْنَ كَسَادَهَا وَمَسَاكِنُ تَرْضَوْنَهَا، أَعْهَبَ إِلَيْكُمْ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَجِهَادٍ فِي سَبِيلِهِ، فَتَرْبِضُوا، حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ، وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ. (۱۱۲) - بگو: اگر پدران و پسران و برادران و همسران و بستگان و تبارتان و اموالی که بدست آورده اید، و تجارتی که بیم کساد و بی رواجی آن را دارید، و مسکنهایی که می پسندید، در نزد شما از خدا و رسولش و جهاد در راه خدا محبوبتر است، پس منتظر بمانید تا خداوند امر خویش را بیاورد، و خداوند گروه گناهکار و فاسق را هدایت نمی نماید. بنابراین، هرگاه دیدی عقل و قلب و نفس تو، غیر خدا را بر خداوند - جلّ جلاله - برگزیده و مقدم می دارد، بدان که به خاطر همین گناهت، مشمول تهدید و خشم خداوند عالمیان - جلّ جلاله - شده، و هدایت او شامل حال تو نشده و از فاسقین به حساب می آیی. در روایات نیز مشابه این مطلب با توضیح بیشتر از آنچه که در قرآن وجود دارد و مورد قبول عقل نیز هست، آمده است. چنانکه روایت شده امام صادق (ع) فرمود: هیچ کس ایمانش به خداوند خالص و ناب نمی گردد، تا اینکه خداوند در نزد او محبوب تر از خویشستن و پدر و مادر و فرزندان و فامیل و از همه مردم باشد. و باز پیرامون اینکه با مقدم داشتن دیگری بر رسول خدا - صلوات الله علیه - ایمان حقیقی برای مردم حاصل نمی شود، رساتر از این در روایت آمده است، که پیامبر اکرم (ص) فرمود: هیچ بنده ای ایمان نمی آورد، تا اینکه من در نزد وی، محبوبتر از خود وی باشم، و اهل بیت من در نزد او محبوبتر از اهل و فامیلش باشند، و فرزندانم محبوبتر از فرزندان او باشند، و وجود من محبوبتر از وجودش باشد. بنابراین، وقتی رسول خدا - صلوات الله علیه - مقدم داشتن دیگری بر خود را، صحیح و درست نداند، چگونه با ترجیح غیر بر خداوند - جلّ جلاله -، ایمان حاصل خواهد شد؟!

۳- ذکر توجّه و گفتن وَجْهٌ وَجْهٌ لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ ...

پیرامون توجّه، در نماز در روایت آمده که امام صادق (ع) فرمود: وقتی حضرت علی (ع) برای اقامه نماز می ایستاد، و وَجْهٌ لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ. (روی و تمام وجود خویش را به سوی خداوندی نمودم که آسمانها و زمین را پدید آورد. می فرمود، رنگ صورت مبارکش دگرگون می شد، به حدّی که در چهره اش نمایان می گردید. ۲- نیز در حدیث آمده که:

حضرت امام حسن بن علی (ع) هرگاه از وضوء گرفتن فارغ می شد، رنگ چهره اش دگرگون می شد. در این باره از آن بزرگوار پرسیده شد. فرمود: کسی که می خواهد بر خداوند صاحب عرش - جلّ و عزّ - وارد شود، شایسته است که رنگش دگرگون شود. ۳- همچنین روایت شده که مولایمان امام صادق (ع) فرمود: هنگامی که وقت نماز می رسید، پوست بدن علی بن الحسین (ع) می لرزید، و رنگش زرد می شد، و مانند شاخه [ویا: برگ] خشک درخت خرما به خود می لرزید. ۴- مشابه آنچه که درباره مولایمان علی (ع) در هنگام گفتن لفظ وَجَّهْتُ وَجْهِيَ نقل نمودیم، درباره مولایمان امام زین العابدین (ع) نیز روایت شده است. ۵- همچنین این دو بزرگوار هنگامی که شروع به خواندن دعای توجّه می نمودند، رنگشان زرد گشته، و خوف از خداوند - جلّ جلاله - بر آنان نمایان می شده، زیرا به شکوه و هیبت پادشاهی که در پیشگاهش می ایستاده اند، معرفت و آگاهی داشته اند. ۶- باز در جای دیگران کتاب مطالبی پیرامون خوف پیامبر اکرم (ص) و اهل بیت معصوم (علیهم السلام) هنگام ادای نماز خواهد آمد (۱۱۳)، که یقیناً از این جهت، از ایشان و تبعیت نمی کنی و بر خلاف آنچه که ایشان با پادشاه عالمیان معامله می کرده اند، می باشی. حضور قلب در هنگام ورود در نماز اکنون می گویم: بر ما همگی واجب است، به خاطر هیبت و احترامی که خداوند - جلّ جلاله - ذاتاً مستحقّ آن است از او بیم داشته باشیم، ولی چنان غافلیم که نه تنها از او بیم نداریم، بلکه به جهت پیروی از خوف معصومین (علیهم السلام) که مقتدا و الگوی ما در عبادات الهی هستند، از خدا نمی هراسیم، و همچنین به خاطر مخالفت‌های پی در پی خود با خواسته های او و کوچک شمردن امر و نهی و حبّ و قرب و مناجات مقدّسش نیز از او بیم نداریم. و این نادانی بزرگی به معبود است که به جهل منکران و کافران نزدیک است. بنابراین، شایسته است که بنده هنگام گفتن وَجَّهْتُ وَجْهِيَ لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ: تحقیقاً توجّه کند که در محضر حضرت حقّ است، و اینکه مقصود خداوند - جلّ جلاله - و رسولش (ص) از گفتن وَجَّهْتُ وَجْهِيَ... این نیست که: تنها صورتم را برای خداوندی که آسمانها و زمین را پدید آورد، رو به قبله نموده ام؛ بلکه منظور این است که صورت قلب و عقل خویش را از منحرف شدن و توجّه به غیر او - جلّ جلاله - از تمام امور خوشایند و ناخوشایند، به سوی خداوندی نمودم که آسمانها و زمین را پدید آورد. به بعضی از عارفان گفته شد: چه نیکو با صورت ظاهر در نماز اقبال و توجّه داری؟ فرمود: اگر صورت ظاهر من منحرف نشود، صورت دلم بسیار منحرف می شود. بنابراین، وقتی صورت قلب بکلی به خداوند - جلّ جلاله - اقبال و توجّه داشته باشد، اعضا و جوارح نیز بر اساس هدفی که برای آن آفریده شده اند یعنی عبادت و پرستش حضرت حقّ، بر خداوند - جلّ جلاله - توجّه می کنند، زیرا رابطه آنها با قلب مانند فرمانروا و رعیت است. اختلاف حالات نماز گزاران در هنگام دخول در نماز ۱- اگر نماز گزار با این حالت وارد نماز شود، همانند کسانی که به خدا توجّه دارند وارد نماز شده است، و اگر این حالت تا پایان نماز استمرار داشته باشد، به آمال و آرزوی خویش نایل و کامیاب خواهد شد. ۲- اگر نماز گزار در حالی که مولای او وی را مشاهده می کند، بلغزد و از او روی برگرداند، حالش بسان حال لغزش کنندگان خواهد بود که هنگام گام برداشتن در مسیر، گاهی افتاده و گاهی می ایستند، و چه بسا همین لغزش، دنیا و آخرت وی را تباه نموده و به واسطه آن، اقبال و توجّه به پروردگارش - جلّ جلاله - و خشنودی او از دستش برود. ۳- اگر نماز گزار در حال گفتن وَجَّهْتُ وَجْهِيَ لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ از هیبت قرار گرفتن در محضر حضرت حقّ و رعایت حرمت او که واجب است، غفلت داشته باشد و یا خود را به غفلت بزند، در این گفتارش که می گوید: با تمام وجود به خداوندی که آسمانها و زمین را پدید آورده، توجّه نموده و روی آورده ام. دروغگو بوده، و نمازش را با خیانت و دروغ و بهتان آغاز نموده است. و حال کسی که آغاز نمازش تصریح به دروغ و باطل و دشمنی باشد، چگونه خواهد بود؟ آیا مستحقّ ذلّت و خواری نخواهد بود؟! ۴- اگر نماز گزار در حال قیام برای انجام نماز و وارد شدن در آن صفت شخص تنبل و کسی را داشته باشد که نماز را بر خود سنگین می داند، لازم است حال کسانی را که با حالت کسالت و تنبلی به نماز می ایستند در صریح قرآن بنگرد، (۱۱۴) و با خود بیاندیشد که اگر پیش از حضور در این نماز، دوستی یا برخی از یاوران پادشاه، که محبوب اوست بر او وارد می شدند،

چگونه برای احترام آنان پیا می خاست و بدون احساس تنبلی و سنگینی بر آنان و توجه می نمود ، و لازم است بداند که خداوند - جلّ جلاله - محققاً در نزد او از بندگانش پست تر است . و چه خطر هولناکی !

۴- آداب ستایش و ثنای پروردگار

در خطبه کتاب گذشت که : ستایش و تمجید از وظایف کسانی است که میان خود و خداوند - جلّ جلاله - از تمام خیانتها و گناهان رسته باشد ، و اما کسی که امر واجب مهمی که وقتش تنگ شده بر گردن اوست ، باید ابتدا چیزی را که مهمتر است انجام دهد و بعد چیز مهمتر در مرحله بعد و . . . و مهمترین واجب بر او پیش از وارد شدن در نماز و ستایش و تمجید پروردگار ، توبه نمودن و بجا آوردن واجبات عینی متعین بر اوست ، خواه واجبات قلبی باشند و یا بدنی و یا مالی و یا مربوط به اعمال دیگر . ۱- از جمله آدابی که انسان باید هنگام ستایش و ثنای الهی رعایت کند ، آن است که : ۱- لذّت و تعلق خاطرش به ستایش خداوند - جلّ و جلاله - و تمجید و ثنای و سپاسگزاری از او نزد او لذّت بخش تر و محبوبتر از ستودن و مدح و ثنای تمام بندگانی باشد که در نزد او عزیز هستند و نیز از مدح و ستایش تمام اهل دنیا برای او در تمام امور باشد . و این ترجیح در محبت مدح و ستایش خداوند - جلّ جلاله - و شکر و سپاسگزاری از او باید به اندازه تفاوتی باشد که او - جلّ جلاله - در جلال و عظمت و حقّ انعام و بخشش با بندگانش دارد . ۲- اگر بنده از بجا آوردن حقّ این مقام عاجز و ناتوان باشد ، حداقل باید محبت مدح و ستایش و شکر و سپاسگزاری از خداوند - جلّ جلاله - در دلش ، از مدح و ثنای اهل انعام از خلاق ، یا شکر و سپاس از پادشاهان اسلامی ترجیح داشته باشد . ۳- اما اگر حال بنده از این مقام نیز ناقص باشد ، و در مدح و ثنای خداوند - جلّ جلاله - و شکر و سپاسگزاری او سبحانه ، از بردگان و بندگانش پست تر باشد ، مسلماً ستایش و تمجید خدا را بسیار کوچک و سبک شمرده ، و مستحقّ اموری خواهد بود که وعده عذاب و تهدید الهی متضمن آن است . آداب در هنگام گفتن : **مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ** (۱۱۵) توجه داشته باش که یوم الدّین ، روز حساب و عرضه بر پادشاه عالمیان و آشکار شدن باطن انسانهاست در محضر تمام کسانی که بنده اسرار خود را از آنان پنهان می کرد ، لذا شایسته است که نماز گزار در این حال از اموری که در روز حساب و سؤال بیم آن می رود ، بیم و هراس داشته باشد . در روایت آمده که مولایمان امام زین العابدین (ع) ، هم او که صاحب مقام والایی ، در عبادت خداوند بود ، هنگامی که **مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ** می فرمود ، مکرّر آن را قرائت می نمود ، تا بحدّی که هر کس آن حضرت را می دید ، گمان می کرد که حضرتش نزدیک است جان بسپارد . **وَمَا الْخَوْفُ مِنْهُ يَخْذَرُونَ ، وَلَا الْخَنَاءُ عَلَيْهِمْ ، وَلَكِنْ هَيْبَةُ هِيَ مَا هِيَ (۱۱۶)** - این بزرگواران به خاطر خوف گناه ، از خدا نمی هراسند ، و هیچ نقصی در اعمالشان ، و یا سخن نامربوطی در گفتارشان نیست ، بلکه به خاطر هیبت و بیم از عظمت الهی چنینند ، هیبتی آنچنانی که قابل توصیف نیست . و خود آگاهی که مولایمان امام زین العابدین (ع) الگو و مقتدای ما در امور دنیوی و اخروی است ، پس با توسّل جستن به هدایت و انوار خداوند - جلّ جلاله - سوار بر مرکبهای یقین ، گام به گام از او پیروی کن ، که خداوند - جلّ جلاله - قادر است تو را به مقامات عارفان که خود سبحانه زیبنده آن است ، نایل گرداند .

۵- آداب در هنگام گفتن : **إِيَّاكَ نَعْبُدُ ، وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ (۱۱۷)**

توجه داشته باش که شایسته است بنده در هنگام گفتن **إِيَّاكَ نَعْبُدُ** . صادق باشد . و مقصودم از این سخن آن است که : هنگام به زبان آوردن آن مقصود عبادت خداوند - جلّ جلاله - به امید نیل به منافع زودرس دنیوی یا ثواب دیررس اخروی ، یا دفع اموری که در دنیا یا در روز قیامت که مردگان به اراده خداوند سبحانه زنده می شوند - از آن بیم داری باشد ، در حقیقت نفس خود را عبادت نموده ای ، و عبادتت به خاطر نفس خویش و برای امیال و خواسته ها و لذّات بوده ، و از آن جهت که خداوند - جلّ

جلاله - شایسته عبادت است او را عبادت نموده ای ، لذا إِيَّاكَ نَعْبُدُ گفتن تو دروغ و بهتان بوده ، و تو را از نیل به کامیابی و رسیدن به سلامت و نیکبختی جلوگیری نموده ، و نامت در دیوان و دفتر دروغگویان ثبت خواهد شد ، و مسلماً با این کار نفس خویش را در معرض هلاکت و نابودی قرار خواهی داد . آیا کلام پاک و خجسته الهی را نشنیده ای که می فرماید : إِنَّمَا يَفْتَرِي الْكَذِبَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ . (۱۱۸) - تنها کسانی که ایمان نیاورده اند ، به دروغ به دیگران افتراء می بندند . و همچنین سزاوار است در گفتن إِيَّاكَ نَسْتَعِينُ نیز صادق باشی ، و در دل حقیقتاً و یقیناً جز از خداوند - جَلّ جلاله - یاری نجویی ؛ زیرا اگر در این حال در دل از نیرو و قدرت خویش و یا از دنیا و یا مال یا از افراد نیرومند طرفدار خویش یا از آمال و آرزوها و امور دیگر غیر از اینها یاری بجویی ، ولی در هنگام گفتن إِيَّاكَ نَسْتَعِينُ قصد کنی که یار و یاور جز خدا نداری ، دروغ گفته و خود را به خطر انداخته ای و خدا را خوار و کوچک شمرده ، و به او بهتان زده ای ، و مستحقّ عواقب کوچک شمردن مولای خود می گردی .

۶- آداب نماز گزار در دعاهای نماز

اینک آدابی را که بنده باید در دعاهای نماز مانند إِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ و در هر جایی از نماز که از او خواسته شده با قلب سلیم و دل پاک دعا نماید - رعایت کند ، ذکر می کنیم : بخشی از مواردی را که تصرّح کنندگان به درگاه الهی باید رعایت کنند ، همراه با شرح آن از دیدگاه عقل و نقل ، پیش از این ذکر نمودیم (۱۱۹) ، اینک می گوئیم : مبدا به خصوص در هنگام مخاطب قرار دادن مولی و پروردگار خویش ، از تهذیب نفس و دل خویش کوتاهی کنی ؛ زیرا اگر در حال خواستن چیزی از خداوند - جَلّ جلاله - حضور قلب نداشته باشی ، یا غفلت داشته باشی ، یا نسبت به جلالت و آن مقام کم احترامی نموده و کوچک بشماری ، حال تو مانند آن خواهد بود که هنگام مورد خطاب قرار دادن پادشاهی از پادشاهان دنیا برای برآورده ساختن حاجتی ، پشت به او نمایی . آیا نمی دانی که اگر در حال سخن گفتن با پادشاهان پشت به آنها بکنی ، یا به جای اقبال و توجّه به آنان ، به غفلت و کوچک شمردن آن سرگرم باشی ، مستحقّ آن می گردی که در جواب این عمل تو ، تو را از حضورشان برانند ، و از مهر و رحمتشان محروم گردانند؟ و چه بسا که اگر تو را در اثر این بی احترامی و اهانت به زندان بیاورند ، و شکنجه و آزار بسیاری دهند ، باز باورت این خواهد بود که گناه شکنجه هایی که می کشی ، از توست . و خویشتن را مستحقّ مؤاخذه بر کوتاهی ات می بینی ؛ بنابراین ، نکند که احترام مالک دنیا و آخرت در نزد تو از حرمت پادشاهانی که یکی از بندگان او در این دنیای حقیر و فانی اند ، کمتر باشد . و اگر با ابتلا به این حالت غفلت که ذکر نمودیم ، اجابت دعاهایت به تاءخیر افتاد ، گناه از توست ، و خداوند - جَلّ جلاله - به تو نیکی فرموده که عقوبت آن جنایتها و گناهات را عفو نموده است . و مبدا به قلبت خطور کند یا با زبان بگویی - چنانکه از برخی از غافلانی که حقیقت دین و ایمان در دلشان وارد نشده شنیده می شود که بر شیوه افزون طلبی می گویند - : ما دعا می کنیم و استجابت آن را به صورتی که در قرآن ذکر شده ، نمی بینیم . به گونه ای که گویی به پندار آنان خداوند - جَلّ جلاله - در استجابت دعا ، خُلف وعده نموده است . که این کار در نزد اهل ایمان بسان کفر است . زیرا اگر شناخت یقینی به خداوند - جَلّ جلاله - داشتند ، بر گفتن این سخن اقدام نمی کردند که در محضرش - که عقل را می رُباید - بگویند که : تو به ما وعده دادی که دعایمان را مستجاب نمایی ، ولی در اجابت آن خُلف وعده نمودی . بلکه این سخنان به خاطر آن است که یا آنان هنگام دعا به حضرت حقّ معرفت و شناخت ندارند ، یا هنگام ایستادن در محضر خداوند - جَلّ جلاله - متذکّر نیستند که در محضر مالک دنیا و دین قرار دارند . اینان شایسته آنند که خداوند - جَلّ جلاله - از استجابت دعاهایشان روی برگرداند ، و ایشان را همین بس که او - جَلّ جلاله - از مؤاخذه آنان بر غفلتها و نادانی هایشان عفو نموده است . در روایت آمده که به مولایمان امام صادق - صلوات الله علیه - عرض شد : چه شده ما را که به درگاه خداوند - جَلّ جلاله - دعا می کنیم ، ولی دعایمان مستجاب نمی گردد؟ فرمود : زیرا شما نسبت به کسی که می خوانید ، آگاهی و شناخت ندارید .

۷- ذکر آداب معنوی قرائت قرآن

اینک آدابی را که باید بنده در نمازها به صورت اجمالی در هنگام قرائت تمام آیات قرآن رعایت کند ذکر می کنیم: قابل توجه است که از جمله آدابی که باید بنده هنگام تکلم با مولایش که می داند به او می نگرد، رعایت کند این است که: ابتدا به مقام والای او توجه کند و متذکر شود که در محضر او قرار دارد. و نیز گوش فرا دادن به کلام او را برای خود مایه شرافت بداند و از آن احساس لذت کند، و در برابر عظمت او مؤدب باشد، سپس کلام مقدس او را به نیت نیابت از خداوند - جلّ جلاله - و اینکه گویی خداوند خود کلامش را قرائت می نماید و نیز خداوند - جلّ جلاله - به او توجه نموده و کلام پاکش را از او می شنود، تلاوت نماید. بنابراین، مبدا حال تو در هنگام تلاوت قرآن شریف پست تر از هنگامی باشد که برخی از کتابهای نگاشته شده را به منظور نزدیکی جستن به نویسندگان آنها که در تمام امور به آنان محتاج هستی - در حضور آنان قرائت می کنی؛ زیرا خود آگاهی که هنگام خواندن کتابی حضور نویسنده آن تمام تلاش خود را در حضور قلب بذل می نمایی، و در پاکیزه ساختن زبان خویش نهایت کوشش را می کنی، و با تمام باطن و حفظ نمودن نفس خویش در حرکاتها و سکناات، توجه خویش را منعطف به او و خواندن کتابش می کنی، پس مبدا خداوند - جلّ جلاله - در هنگام قرائت کلامش در نزد تو کمتر از سایر نویسندگان باشد، زیرا اگر خداوند - جلّ جلاله - را پست تر از این حال بشماری، نسبت به هلاکت و استحقاق عقوبت نزدیکتر خواهی بود. در این باره، به کسی اقتدا کن که ادعا می کنی به انوارش هدایت یافته و از راه و روشش الگو می گیری، که روایت شده مولایمان جعفر بن محمد صادق (ع) در حال قرائت قرآن در نماز، حالت بی هوشی به او دست داد، وقتی به هوش آمد، از آن بزرگوار پرسیده شد: چه چیز باعث شد که شما به این حالت مبتلا شدید؟ حضرت فرمود (به این مضمون) که: پیوسته آیات قرآن را تکرار می نمودم، تا اینکه به حالتی رسیدم که گویی آن را از کسی که نازل فرمود شفاهاً و به مکاشفه و عیان می شنوم، لذا قوه بشری تاب مکاشفه جلال الهی را نیاورد. ای کسی که از حقیقت این مطلب آگاه نیستی، مبدا آن را بعید بشماری، یا شیطان در صحت آنچه که روایت نمودیم، شک و تردید در تو ایجاد نماید، بلکه آن را باور کن، آیا نشنیدی که خداوند - جلّ جلاله - می فرماید: فَلَمَّا تَجَلَّى رَبُّهُ لِلْجَبَلِ، جَعَلَهُ دَكًّا، وَخَرَّ مُوسَى صَيْحَةً. (۱۲۰) - پس هنگامی که پروردگارش به کوه تجلی فرمود، آن را فروپاشاند، و حضرت موسی [علیه السلام] بیهوش به زمین افتاد. و نیز در حدیث آمده که از حضرت صادق (ع) پرسیده شد: چگونه پیامبر اکرم (ص) برای مردم نماز می گزارد و قرآن قرائت می فرمود، ولی دلهای اهل ایمان خاشع و نرم نمی شد؟ فرمود: پیامبر اکرم - صلوات الله علیه - به اندازه ای که حال آنان تحمّل و توان داشت قرآن را برای آنان قرائت می فرمود. (البته ما این حدیث را به صورت مختصر ذکر نمودیم). بخشی دیگر صفات و حالات ابرار و نیکان در هنگام تلاوت قرآن کریم نیز که در جای جای این کتاب خواهد آمد، خود هشدار کاملی برای خردمندان است.

۸- آداب معنوی رکوع

شایسته است بنده هنگام گفتن تکبیر رکوع، با حالت ذلت و خاکساری و خضوع، و حضور قلب، رکوع نموده، و نیتش این باشد: مقصودم از رکوع، عبادت خداوند و مالک دنیا و آخرت من است، و در حال رکوع ذلت بندگی را در برابر کمال جلال الهی نشان دهم. چه نیکو خداوند به گوینده این شعر الهام نموده که: إِذَا كَانَ مِنْ تَهْوِي عَزِيزاً، وَلَمْ تَكُنْ ذَلِيلًا لَهُ، فَاقْرَأِ السَّلَامَ عَلَى الْوُضَلِ - هرگاه کسی که دوستش می داری عزیز و سرافراز بود، و تو ذلیل و خاکسار او نشدی، پس بر وصل او بدرود گوی. آیا نمی بینی که از ادب بندگان با پادشاهان دار نیستی و زوال این است که: وقتی با آنها ملاقات نموده و بر آنان روی می آورند، به قصد تعظیم و اجلال آنان برای آنان رکوع می کنند، و در این حالت متذکر می شوند که در پیشگاه آنان قرار دارند، و

مقصودشان از این کار بزرگداشت آنان می باشد، پس چگونه تو برای خداوند که به اسرار انسان آگاه است و از هر بزرگی بزرگتر است، بدون حضور قلب در پیشگاه خداوند و توجه به او در برابر او رکوع و فروتنی می کنی. (۱۲۱) از دیگر آدابی که نمازگزار باید در حال رکوع رعایت کند، آن است که اگر در حال رکوع این دعا را بخواند (۱۲۲) که: [اَللّٰهُمَّ، اَلْكَ خَشَعْتُ، وَ بِكَ اَمَنْتُ، وَلَمَّكَ اَسْلَمْتُ، وَ عَلَيَّكَ تَوَكَّلْتُ، وَ اَنْتَ رَبِّي، خَشَعَ لَكَ سَمْعِي وَ بَصِيرِي وَ مَخْي وَ عَصَبِي [وَ عِظَامِي] وَ مَا اَقْلَنْتُهُ قَدَمَايَ، لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ. - [خداوندا،] تنها برای تو خشوع نمودم، و فقط به تو ایمان آوردم، و تنها تسلیم توام، و فقط بر توکل نمودم، و تویی پروردگارم، گوش و چشم و مغز و عصب [و استخوانها] و هر چه که قدمه‌هایم آنها را حمل می نماید [یعنی تمام اعضای بدنم]، برای تو خشوع و فروتنی نموده است، برای خداوندی که پروردگار عالمیان است. توجه داشته باشد که در این گفتار، صفات کسانی را ادعا می کند که با تمام اعضای خویش حقیقتاً و یقیناً متوجه خداوند گردیده و تسلیم و سرسپرده او گشته و بر او توکل نموده اند. پس مبدا عضوی از اعضای تو خضوع و خشوع نداشته و تسلیم خداوند - جلّ جلاله - نباشد، یا در امری از امور دنیا و دین بر خدا توکل ننموده، و در نتیجه در این سخن از دروغگویان باشی، که اگر نماز را با دروغ و بهتان بستن به خداوندی که مالک اولین و آخرین است بجا آوری، کدامین نماز برای تو باقی خواهد ماند؟ از جمله آداب رکوع که باید بنده رعایت کند این است که: پیش از آدای کامل انواع خاکساری بندگی برای مولای خود، در برداشتن سر از رکوع شتاب ننماید، چنانکه از مقتدا ایمان روایت نمودیم و نیز در روایت دیگر آمده که امام صادق (ع) فرمود: (علی (ع) به اندازه ای رکوع می نمود که عرق او جاری می شد، بحدّی که از طول ایستادن رکوع عرق بر گامهایش می ریخت. ای کسی که نسبت به روح و قلب و بدن و جگر [ویا: درون] خود دلسوزی می کنی، این بزرگواران کسانی هستند که خداوند هدایتشان فرموده، پس به راهنماییهای ایشان اقتدا کن. از دیگر آدابی که باید در رکوع رعایت شود آن است که وقتی بنده - بعد از آنچه که ذکر نمودیم - سر از رکوع بلند کرد، باید سر برداشتن او، همراه با وقار و آرامش باشد؛ زیرا مولای او، او را می بیند؛ و هنگامی که: سَمِعَ اللّٰهُ لِمَنْ حَمِدَهُ، اَهْلِلُ الْكِبْرِيَاءِ وَالْعَظَمِيَّةِ وَالْجُودِ وَالْحَبْرُوتِ. - خداوند، ستایش هر کس را که او را می ستاید می شنود، خداوندی که اهل بزرگمنشی و عظمت و جود و کبر و سرکشی است. می گوید، هنگام ذکر کبریا و عظمت و جبروت الهی دستهایش را به عنوان خاکساری برای معبود خویش دراز نماید، و هنگام ذکر جود و بخشش الهی با امیدواری آنها را بگشاید.

۹- آداب سجده

توجه داشته باش از جمله آدابی که باید بنده در هنگام سجده رعایت کند این است که: خاکساری اش برای معبود در سجده افزون بر رکوع باشد، پس توجه داشته باشد که در محضر خداوند جلّ جلاله است، و اینکه خداوند جلّ جلاله چنان عظمت و جلالی دارد که گفتار هیچ کس بدان احاطه نمی کند، و اینکه وی به ناتوانی و ناداری و بیچارگی و گناهانی متّصف است که موجب فرومایگی او شده است؛ سپس با ذلّت و خضوع و خشوع افزونتر از آنچه که در رکوع ذکر کردیم، برای انجام سجده به پایین می رود؛ زیرا اگر بنده با غفلت از این امور، و از روی عادت و تنها با مراعات ظاهر سجده، و بدون قصد عبادت مولای خویش و اقبال و توجه و مراعات ادب در پیشگاه او سجده بجا آورد، مانند کسی خواهد بود که در سجده اش بازی نموده، یا از مالک و معبود خویش روی گردانده، یا به او استهزا و ریشخند کرده است. و اهل علم می دانند که رکوع و سجده از ارکان نماز هستند، و هرگاه بنده آن دو را در نماز خویش، به عمد یا از روی سهو و فراموشی، ترک کند بر اساس فتوای فقیهان و روایات نمازش باطل می شود. و دیگر اینکه، صاحب شریعت - صلوات الله علیه و آله - بدین جهت این به سوی مردم مبعوث که آنان را به معامله و بندگی غیر خدا دعوت نماید؛ بنابراین، اگر در هدف از این گونه ذلّت و خاکساری و بندگی در هنگام رکوع و سجده توجه نداشته باشی، فرق میان تو و مُنکِران چیست؟ و چه فرقی است میان تو و کسی که یاد خدا را فراموش، و به امور و بیهوده مشغول

گشته است؟ بی گمان حضرت محمّد (ص) برای آن آمده که مردم را از عادت، به سوی معبود فراخواند، پس مبادا از کسانی باشی بدون توجه به خداوند - جلّ جلاله - و حضور قلب در انجام خاکساری و بندگی برای او قیام و رکوع و سجده را به حسب عرف و عادت بجا آوری. اگر در حال سجده این دعا را بخوانی (۱۲۳) اَللّهُمَّ، لَكَ سَجَدْتُ، وَ بِكَ اَمَنْتُ، وَلَكَ اَسْتَلِمْتُ، وَ عَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ، وَ اَنْتَ رَبِّي، سَجَدَلَكَ سَمْعِي وَ بَصَرِي وَ شَعْرِي وَ عَصْبِي وَ مَخْي وَ عِظَامِي، سَجَدَ وَجْهِي الْبَالِي الْفَانِي لِلَّذِي خَلَقَهُ وَ صَوَّرَهُ وَ شَقَّ سَمْعَهُ وَ بَصَرَهُ. تَبَارَكَ اللَّهُ اَعْخَسُ الْخَالِقِينَ. - خداوند، تنها برای تو سجده نمودم، و به تو ایمان آوردم، و تسلیم تو شدم، و تنها بر تو توکل نمودم، و تویی پروردگارم، گوش و چشم و موی و عصب و مغز و استخوانهایم از آن توست، روی [و وجود] پوسنده و فناپذیرم برای کسی که آن را آفرید و صورت نگاری نموده و برای او گوش و چشم قرار داده، سجده نموده. منزّه و بلند مرتبه باد خداوند، که بهترین آفرینندگان می باشد. ولی تمام اعضایت با قصد خاکساری و تسلیم و توکل و خضوع و خشوع برای معبود سجده نکند، گویی که از معنای سجده خبری نداری، و سخن و ادعایت دروغ و بهتان به مولایت خواهد بود. ای بیچاره، وقتی که عبادت همراه با دروغ و بهتان و اهانت باشد، چگونه نماز درست خواهد بود؟ دیگر اینکه: اگر در سجده ات آرامش و آسایش و شادمانی ای را که دوست، هنگام قرب به محبوبش دارد احساس می کنی، خوشا به حالت. و گرنه سجده ات نکوهیده و فاسد، و قلبت بیمار و دردمند است، زیرا می دانی که در صریح قرآن آمده که: وَاسْجُدْ، وَاقْتَرِبْ (۱۲۴) - و سجده و کرنش نما، و به خدا نزدیک شو. بنابراین، قرآن شریف سجده را از نشانه های قرب عاشق وار به خداوندی که به اسرار آگاه است قرار داده، پس تلاش کن که نفست قرب و نزدیکی به محبوب احساس کند؛ زیرا محبت خداوند - جلّ جلاله - از ثمرات قوت شناخت جلال و بخشش بزرگ الهی است. چنانکه خداوند - جلّ جلاله - گروهی را که به او معرفت دارند، ستوده و می فرماید: يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ. (۱۲۵) - خداوند آنان را دوست می دارد، و ایشان نیز او را دوست می دارند. و در توصیف اهل نجات می فرماید: وَالَّذِينَ آمَنُوا اَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ. (۱۲۶) - و کسانی که ایمان آورده اند محبت بیشتری نسبت به خداوند دارند. ۱ - مبادا فریفته گفتار کسی باشی که می گوید: مقصود از دوست داشتن خداوند - جلّ جلاله - همان طاعت و عبادت اوست.؛ زیرا اگر این گفتار را از کلام الگو و مقتدا و بزرگی برگرفته و گفته باشد، احتمال دارد که آن فرمایش به خاطر تقیه، و یا به جهت ضعف شنونده نسبت به شناخت اسرار ربّانی باشد. ۲ - اگر به خدا معرفت داشته باشی، می بینی که محبت تو به خداوند - جلّ جلاله - پیش از طاعت و عبادت توست، زیرا تو ابتدا نسبت به او به عنوان نعمت دهنده شناخت پیدا می کنی و آنگاه به او محبت می ورزی و سپس او را مستحق طاعت یافته و اطاعتش می نمایی. و گرنه این روایت را - که مورد اتفاق و پذیرش همگان است - چگونه معنی می کنی که: جُبِلَتِ الْقُلُوبُ عَلَى حُبِّ مَنْ اَعْخَسَ اِلَيْهَا. - دلها بر دوستی هر کس که به آنها نیکی کند، سرشته شده اند. آیا می شود که دلها بر محبت بنده نیکوکار سرشته باشند، ولی نسبت به احسان خداوند - جلّ جلاله - محبت نداشته باشند؟! این را جز عقل غیر سلیم نمی پذیرد. ۳ - مسلماً می دانی که دوست داشتن خداوند - جلّ جلاله - یک عمل قلبی است، ولی طاعت خداوند گاهی تنها عمل قلبی است، و گاهی هم عمل قلبی و هم مربوط به اعضا و جوارح ظاهری؛ پس چگونه می شود طاعتی که گاهی قلبی است و گاهی هم قلبی است و هم مربوط اعضا و جوارح ظاهری - و این دو، دو قسم جدا از هم هستند - یک قسم بشوند. و این مکابره و ستیزه جویی با امر روشن و آشکار است، چگونه عملی که به وسیله جوارح ظاهری انجام می گیرد، عمل قلبی می شود؟! این مطلب در نزد کسی که عقلش محبوب نباشد، محال است. ۴ - گاهی انسان طاعات را انجام می دهد، در حالی که انجام آن بر انسان سخت است، و گاهی قلبش از آنها یا از مکلف شدن به آنها کراهت دارد، پس اگر منظور از محبت ورزیدن بنده به خداوند - جلّ جلاله - همان طاعت بنده بود، در همان حال می بایست از محبت خدا بلکه از خود خداوند - جلّ جلاله - بدش می آمد، بلکه می بایست نسبت به با خداوند - جلّ جلاله - دشمنی می داشت، زیرا دشمنی ضد دوستی است؛ بنابراین هرگاه بنده از طاعت خدا - جلّ جلاله - بدش بیاید، باید از دوستی خداوند - جلّ جلاله - بدش بیاید، و با

خداوند - جلّ جلاله - دشمنی داشته و کافر گردد . آیا هیچ مسلمان صاحب معرفت عذر تو را در کافر خواندن کسی که از عبادتی خوشش نمی آید می پذیرد؟! و یا تو را در این گفتار یاری می کند؟! ۵ - آیا عقلت می پذیرد که فرمایش الهی - جلّ جلاله - پیش از این ذکر نمودیم ، به این معنی باشد؟! آنجا که می فرماید : قُلْ : إِنْ كَانَ آبَاؤُكُمْ وَأَبْنَاؤُكُمْ وَإِخْوَانُكُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ وَعَشِيرَتُكُمْ وَأَمْوَالٌ اقْتَرَفْتُمُوهَا وَتِجَارَةٌ تَخْشَوْنَ كَسَادَهَا وَمَسَاكِنُ تَرْضَوْنَهَا ، أَعْحَبَ إِلَيْكُمْ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَجِهَادٍ فِي سَبِيلِهِ ، فَتَرْبِضُوا حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ ، وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ . (۱۲۷) - بگو : اگر پدران و پسران و برادران و همسران و بستگان و تبارتان و اموالی که بدست آورده اید ، و تجارتی که بیم کساد و بی رواجی آن را دارید ، و مسکنهایی که می پسندید ، در نزد شما از خدا و رسولش و جهاد در راه خدا محبوبتر است ، پس منتظر بمانید تا خداوند امر خویش را بیاورد ، و خداوند گروه گناهکار و فاسق را هدایت نمی نماید . آیا عقل هیچ عاقلی می پذیرد که منظور از فرمایش الهی که می فرماید : أَعْحَبَ إِلَيْكُمْ و دوست داشتن چیزهایی را که خداوند سبحانه به شمار درآورد ، طاعت و فرمانبری از آنها باشد؟! فرض کن که این احتمال را درباره پدران و پسران و برادران و همسران و خویشاوندان درست بدانی و دوستی را به معنای فرمانبرداری از آنان معنی کنی ، آیا در فرمایش خداوند - جلّ جلاله - که می فرماید : وَأَمْوَالٌ اقْتَرَفْتُمُوهَا ، وَتِجَارَةٌ تَخْشَوْنَ كَسَادَهَا ، وَمَسَاكِنُ تَرْضَوْنَهَا هیچ احتمال می دهی که دوست داشتن این چیزها (اموال و تجارت و مساکن) به معنای طاعت و فرمانبری از آنها باشد؟! پس مبدا چیز محال را بر عقل تحمیل کنی ، لذا تقلید از کسی را که می گوید : دوست داشتن بنده نسبت به خداوند جلّ جلاله ، همان طاعت و فرمانبرداری از اوست رها کن ، و حقّ را از هر کس که بگویند بپذیر ، که دلیلهای و حقّ بودن آن برای تو روشن گردید . ۶ - این بود بیان اینکه محبت بنده به خداوند - جلّ جلاله - امر قلبی است . و دوستی از اموری است که از ثمرات شدّت معرفت خداوند - جلّ جلاله - است ، و شدّت معرفت نیز به احسان اوست ، همان معرفت و احسانی که پیش از آگاهی بنده از مکلف بودن به دوستی خداوند - جلّ جلاله - ، عقل و قلب بنده خود بخود او را به سوی دوستی مولایش سوق می دهند ، پس چگونه خواهد بود وقتی که پی ببرد عقلاً و نقلاً نیز به دوست داشتن او مأمور است؟! زیرا اگر کسی ذاتاً کامل باشد ، به خاطر کمالی که دارد محبوب دلها خواهد بود ، و شخص نیکوکار به خاطر احسان و تفضّلش ، پیش از شناخت و آگاهی از تکلیف به این محبتی که ذکر شد ، مورد محبت قرار می گیرد ، و حال آنکه شاءن و مقام خداوند - جلّ جلاله - بزرگتر ، و احسانش فراگیرتر از آن است که توصیفی که ما از کمال و احسان و تفضّلش می کنیم ، به مقام بزرگ او احاطه داشته باشد ، پس لازم است که خداوند محبوب قلوب تمام کسانی باشد که او را به یقین شناخته و نسبت به احسانهای او در امور دنیا و دین آگاهی دارند . فرق محبت و خشنودی خداوند با ثواب و عقاب او شاید در روایات و یا گفتار برخی مشاهده شود که فرموده باشند : مقصود از محبت خداوند - جلّ جلاله - نسبت به بنده مطیع و یا خشنودی اش از او ، همان ثواب دادن خداست ؛ و منظور از خشم و غضب خداوند - جلّ جلاله - نسبت به بنده نافرمانش ، همان عذاب اوست . ولی پرواضح است که : تقلید از سخنان غیر معصوم که در این باره گفته شده ، عقلاً جایز نیست . اما روایت و منقول اگر از طعن و خرده گیری سالم بوده و از معصوم صادر شده باشد؛ شاید آن را از باب تقیّه فرموده باشند ، زیرا ایشان (علیهم السلام) در تقیّه هولناکی بوده اند ، و ما در مطلبی که پیرامون اعتذار از مضمون کتاب کشتی ذکر نمودیم - تقیّه ایشان را روشن ساختیم ، زیرا بسیاری از مخالفان ائمه و اهل تسنّن قایل به این هستند که : محبت و رضایت خدا همان ثواب او ، و غضب خدا ، همان عذاب اوست یا شاید ائمه (علیهم السلام) آن را به خاطر آشنا کردن و تقریب اذهان پرسش کنندگان یا شنوندگان بیان فرموده اند ، زیرا درک و فهم بسیاری از شنوندگان از درک اسرار صفات خداوندی که پادشاه عالمیان است قاصر و ناتوان می باشد ، لذا شاید ائمه (علیهم السلام) بیم آن را داشته اند که اگر به آنها بگویند که : خداوند - جلّ جلاله - دوست می دارد و خشنود می شود و غضبناک و خشمگین می گردد . زود به ذهن شنونده خطور کند که خداوند - جلّ جلاله - مانند دوستی و خشنودی طبایع بشری دوست می دارد و خشنود می گردد ، یا همانند خشم و غضب دلهای خاکی غضبناک و خشمگین می گردد ، لذا حضرات ائمه

(علیهم السلام) به اندازه کشش عقل پرسش کنندگان و شنوندگان، با آنان سخن گفته اند. اگر به برخی از روایات مربوط به این مطلب توجه کنی، می بینی که دوستی و خشنودی و غضب و خشمی را که مزاجها به واسطه آنها تغییر می کند، و جز درباره اجسام که قابلیت آن را دارند، درست نیست، نفی نموده اند، تا آنجا که همین مطلب را بر بعضی از پرسش کنندگان تقریب نموده و (بدین مضمون) فرموده اند که: غضب و خشنودی خداوند - جلّ جلاله - اشاره است به غضب و خشنودی اولیا و ویژگان درگاه الهی. و این در نزد عارفان صحیح است؛ زیرا خواص درگاه الهی - جلّ جلاله - خشمگین و خشنود نمی گردند مگر بعد از غضب و خشنودی خداوند، زیرا ایشان (علیهم السلام) تابع و پیرو خداوند - جلّ جلاله - هستند، و هرگز در گفتار از او پیشی نمی گیرند، و تنها به فرمان او عمل می نمایند. ۲- و آنگهی عقلهای سالم وجداناً و عیاناً دریافت می کنند که معنای واژه حبّ و رضا، غیر از معنای لفظ ثواب، و همچنین معنای غضب غیر از معنای عقاب است، خواه درباره بندگان، یا نسبت به ربّ الارباب. و این مطلب را فرمایش خداوند - جلّ جلاله - نیز به ما می آموزد آنجا که می فرماید: إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صِفَاءً كَأَنَّهُمْ بُيُوتٌ مَرْصُوصَةٌ. (۱۲۹) - همانا خداوند کسانی را که در راه او با حالت صف کشیده می جنگند به گونه ای که گویی بنیان سربین هستند، دوست می دارد. و همچنین خداوند - جلّ جلاله - درباره گروهی که حقیقتاً و یقیناً خداوند را می شناسند، می فرماید: يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ. (۱۳۰) - خداوند آنان را دوست می دارد، و ایشان نیز خدا را دوست می دارند. و نسبت به خشم و غضب خود - جلّ جلاله - می فرماید: فَلَمَّا آسَفُونَا، إِنَّتَقَمْنَا مِنْهُمْ. (۱۳۱) - پس هنگامی که بر ما خشم گرفتند، ما از آنان انتقام گرفتیم. و گروهی از دانشمندان اهل لغت و مفسران یادآور شده اند که فرمایش خداوند - جلّ جلاله - یعنی آسَفُونَا به معنای اءْغَضَبُونَا می باشد. جوهری در کتاب صحاح (۱۳۲) درست به این لفظ می گوید: وَءَاسَفَ عَلَيْهِ اءْسَفًا، یعنی بر او غضب و خشم نمود، و آسَفَهُ، یعنی او را به خشم آورد. و طبرسی (۱۳۳) در تفسیر قرآن گفته است که: فَلَمَّا آسَفُونَا یعنی ما را به خشم آوردند، و غضب و خشم او سبحانه، اراده عقاب آنان است. و نگفته است که: غضب خداوند همان عقاب آنان است.؛ بنابراین خداوند - جلّ جلاله - در این آیه، پیش از عقاب نمودن آنان، بر آنان اءْسَفَ (که همان غضب و خشم او - جلّ جلاله - است) نموده، و این تعبیر دیگر از انتقام است، و این مطلب واضح و آشکار است. ۳- علاوه چگونه مثل این بر صاحبان فهم و دانش مخفی می ماند، در حالی که خداوند - جلّ جلاله - می فرماید: وَمَنْ يَقْتُلْ مُؤْمِنًا مُتَعَمِّدًا، فَجَزَاءُ جَهَنَّمَ خَالِدًا فِيهَا، وَغَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَلَعَنَهُ وَأَعَدَّ لَهُ عَذَابًا عَظِيمًا. (۱۳۴) - و هرکس به عمد مؤمنی را بکشد، جزایش جهنم جاودانی خواهد بود، و خداوند بر او خشم نموده و لعنت فرموده و از رحمتش دور می گرداند، و عذاب و کیفر بزرگی برای او آماده خواهد نمود. آیا نمی بینی که خداوند - جلّ جلاله - در صریح قرآن، و بر اساس فهم خردمندان، غضب را بر عذاب و عقاب و بلکه بر اعداد و آماده نمودن عذاب جهنم مقدّم داشته است؟! ۴- احادیث و دعاهایی که عبارت ذیل را (به این مضمون و یا به این لفظ) را به وضوح دربردارند (۱۳۵)، مطلب را بیشتر روشن می کنند. اَللّهُمَّ، اِنْ لَمْ تَرْضَ عَنِّي، فَاَعْفُ عَنِّي، فَقَدْ يَعْفُو الْمُؤَلَّى عَنْ عَبْدِهِ وَهُوَ غَيْرُ رَاضٍ عَنْهُ. - خداوندا، اگر از من ناخشنودی پس از من در گذر، زیرا گاهی مولی در حالی که از عبد و بنده خود ناخرسند است، او را عفو می کند. ۵- دیگر اینکه: آیا نمی دانی کافرانی که خداوند - جلّ جلاله - می دانسته بر حال کفر جان خواهند سپرد، به حکم عدل [یا: عقل] در حال حیات مستحقّ عقوبت هستند؟ و اگر مسلمان باشی، مسلماً اعتقاد داری که خداوند - جلّ جلاله - قطعاً در حال کفر آنان نسبت به ایشان خشمگین است، پس خداوند - جلّ جلاله - از زود عقوبت کردن آنان در گذشته، و عقابشان را به بعد از وفاتشان تاءخیر انداخته، با اینکه از هنگامی که آنان کفر ورزیده اند و خداوند می دانسته که پیوسته بر کفر خویش خواهند بود، مورد غضب الهی بوده اند. بنابراین، این مطلب روشن می کند که خشم خداوند - جلّ جلاله - پیش از عقوبت اوست، زیرا خداوند - جلّ جلاله - در این صورت با اینکه از بنده ناخشنود است از عقوبت

بنده در گذشته و او را عذاب نمی کند ، چنانکه در دعاها آمده است که : خداوند ، با اینکه از مؤمن خشنود است ، او را عفو می فرماید . ؛ و نیز حال کافرانی که با حالت کفر می میرند و عقوبتشان به تاءخیر می افتد ، با اینکه خداوند بر آنان خشمگین است ، به صورتی که بازگو نمودیم نیز چنین است ، یعنی با اینکه خداوند - جلّ جلاله - از بنده خشمگین است ، از او عفو می فرماید . زیرا اگر خداوند ناخشنود باشد مسلماً خشمگین و غضبناک خواهد بود . و نمی شود خداوند در یک وقت و از یک جهت ، از مقام رضا و غضب خالی باشد ، بنابراین اگر غضب همان عقاب باشد ، محال است که بنده ای را عفو فرماید و در آن حال بر او خشمگین باشد ، و نیز هنگامی که بنده مسلمان یا کافر را پیش از وفاتش عفو می فرماید ، باید خشم و غضبش نسبت به آنان از بین برود . و این بر خلاف مطلبی است که از دین آیین اهل حقّ و صدق شناخته شده است . معنای صحیح محبت و خشنودی و خشم و غضب پروردگار از آنجا که نصّ صریح قرآن و روایات صحیح به محبت یا رضایت خداوند - جلّ جلاله - و به غضب و خشم او و ثبوت این دو صفت برای او - جلّ جلاله - تصریح نموده اند ، باید برای حُبّ یا رضایت ، و غضب یا خشم او سبحانه - جلّ جلاله - رویکردی معلوم و روشنی وجود داشته باشد ، غیر از آنچه که ما از رضایت و محبت و غضب و خشم جسمهای خاکی می شناسیم ، و غیر از تفسیر و معنایی که ذکر شد که : مقصود از محبت و رضایت خداوند همان ثواب او ، و منظور از خشم و غضبش همان عذاب و عقاب اوست چنانکه معنای سایر صفات او - جلّ جلاله - غیر از صفات اجسام می باشد ، مثلاً قادر و توانا بودن ما اقتضایش داشتن نیرو و قدرت زائد بر ذات و حالتی نو و جدید غیر از عاجز و ناتوان بودن مان می باشد ، و همچنین اقتضای دانا و زنده بودن و سایر صفاتمان ، مقتضی تجدد حالات و دگرگونی ها برای ماست . و این معانی نسبت به خداوند - جلّ جلاله - محال است ، لیکن این صفات درباره خداوند متعال به معنایی دیگر باید باشد که هم زیننده ذات پاک او که مثل و مانندی برای آن وجود ندارد بوده ، و هم شایسته صفات منزّهش باشد که همانند و همگونی برای آن وجود ندارد . و تفسیر و معنای محبت و خشنودی و غضب و خشم نسبت به او - جلّ جلاله - نیز به این صورت خواهد بود . و این مطلب نیز آنچه را که ما در آغاز سخن ادّعا نمودیم برای تردید کنندگان روشن ساخته و تعجب آنان را زایل می کند . ناگفته نماند که : دو سال بعد از نگاشتن از قسمت گذشته این کتاب ، در جزء اوّل از تفسیر قرآن طبری (۱۳۶) یافتیم که عده ای از مفسّران همین مطلبی را که ما پیرامون غضب الهی ذکر نموده و برگزیدیم ، ذکر کرده اند . دیگر آداب سجده اینک می گویم : از دیگر آدابی که باید بنده در حال سجده رعایت کند آن است که : در برداشتن سر از این خضوع و خشوع برای معبود شتاب ننماید ، که ما معنای فرمایش خداوند - جلّ جلاله - را که در کتابش ذکر نموده برای تو بازگو نموده و گفتیم که : سجود از مقامات قرب به مولایت می باشد . (۱۳۷) پس به خاطر چه چیز شتاب می نمایی ؟ آیا در حالی که او به تو ناظر است ، از قرب و نزدیکی به او کراهت داری ؟! چنانکه در دنیا از نزدیک شدن به هر چیز که دوست داری بدت نمی آید ، و در دور شدن از آن شتاب نمی کنی ، با پروردگارت - جلّ جلاله - نیز که چاره ای از او نداری ، چنان باش ، که در روایت آمده امام صادق (ع) فرمود : هماره وقتی حضرت علی بن الحسین (علیهما السلام) به نماز پیا می خاست ، رنگ چهره اش دگرگون می شد ، و هنگامی که سجده می نمود ، تا عرق از او فرو نمی ریخت سر بر نمی داشت .

۱۰- تشهد و گواهی دادن به یگانگی خداوند - جلّ جلاله -

در این باره مهمّ این است که تشهد گفتن تو ، معامله با خداوند - جلّ جلاله - و عبادت باشد ، و قصدت تنها این نباشد که او - جلّ جلاله - در واقع و نفس الامر یگانه است ، بلکه از تو خواسته اند که اعتقاد داشته باشی او - جلّ جلاله - در واقع یگانه است ، و معبودی جز او که شایسته پرستش باشد وجود ندارد نیست ، و چیزی نیست که آن را بر خشنودی او مقدّم بداری ؛ زیرا اگر چیزی را بر او - جلّ جلاله - مقدّم کنی ، آن چیز نزد تو بر خداوند - جلّ جلاله - ترجیح خواهد داشت ، و از آن جهت که آن را مقدّم داشته ای ، آن معبود تو خواهد بود نه خداوند ، و در نتیجه هنگام گواهی دادن به اینکه معبودی جز خداوند نداری ، کاملاً صادق

نخواهی بود ، آیا نمی بینی که خداوند - جَلّ جلاله - پیرامون کسی که هوا و هوس خویش را بر خدا ترجیح داده می فرماید : **إِتَّخَذَ إِلَهُهُ هَوَاهُ** . (۱۳۸) - هوا و هوس خود را معبود خویش قرار داده است . و نیز در تفسیر فرمایش خداوند - جَلّ جلاله - که می فرماید : **إِتَّخَذُوا أَعْبَادَهُمْ وَرُءُوبَانَهُمْ أَرْبَاباً مِنْ دُونِ اللَّهِ** . (۱۳۹) - آنان به جای خدا ، دانشمندان و ترسایان خود را به عنوان پروردگاران خویش برگرفتند . روایت شده که : آنان برای آحبار و رُهبان و دانشمندان و ترسایان خویش روزه نگرفته و نماز نخواندند ، ولیکن در معصیت خداوند از آنان اطاعت نمودند . و لذا حکم کسی را پیدا کردند که آنها را به خدایی گرفتند . بنابراین ، مبدا با مقدم داشتن هوا و هوس خویش و دنیا و یا چیز دیگر غیر او سبحانه بر او ، به او - جَلّ جلاله - شرک و یا کفر بورزی ، و در نتیجه مستحقّ هلاکت گردی ، که در روایتی از امام صادق (ع) از معنای صدق و راستی پرسیدند ، حضرت (به این مضمون) فرمود که : صدق آن است که چیز دیگری را بر خداوند برنگزینی ، که خداوند متعال می فرماید : **هُوَ اجْتَبَاكُمْ** . (۱۴۰) - او شما را برگزید . پس وقتی او تو را برگزیده ، تو نیز او را برگزین ، و هوا و هوس خویش و یا دنیا را بر او مقدم مدار . و نیز در روایت آمده که امام صادق (ع) فرمود : هر کس کلمه **لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ** را با اخلاص بگوید ، داخل بهشت می گردد ، و اخلاص آن این است که **لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ** او را از آنچه خداوند - عزّوجلّ - حرام نموده باز دارد .

۱۱- شهادت به رسالت حضرت محمد(ص)

شهادت به رسالت حضرت محمد بن عبدالله رسول خدا صلی الله علیه و آله و نیابتش از خداوند صاحب عظمت و جلالت آنچه در رابطه با این شهادت مهمّ است ، آن است که در شهادت دادن به رسالتش صادق باشی ، و معنای این سخن آن است که کردارت ، گفتارت را در پیروی از پیامبری اش تصدیق کند ، زیرا خداوند - جَلّ جلاله - در قرآن مبین گروهی را دلشان با گفتارشان سازگار نبوده ، و به رسالت او شهادت داده اند ، دروغگو نامیده است . (۱۴۱) همچنین نیک می دانی که : اگر پیکی از سوی برخی از پادشاهان به سوی تو بیاید و در پاداش گفتن کلمه ای هزار دینار به تو ببخشد ، و در جزای گفتن کلمه ای تو را با آتش شکنجه کند ، و تو خواسته باشی کلمه نخست را نگفته هزار دینار را بگیری ، و کلمه دوم را ترک گفته و داخل شدن در آتش را چیز کوچک و سبک بشماری ، سپس به پیک بگویی : گواهی می دهم که تو پیک پادشاهی هستی که من از دینارهایی که به من عطا می نماید بی نیاز نیستم ، و قدرت و نیرویی بر آتشی که مرا به آن تهدید می کند ندارم ، بی گمان آن پیک و دیگر عاقلان به تو می گویند : که کردار تو با ظاهر و گفتارت درست در نمی آید ، اگر تو در دل او را تصدیق نموده بودی ، کلمه نخست را می گفتی و هزار دینار را می گرفتی ، و کلمه دوم را ترک می گفتی و از آتش در امان می ماندی ، زیرا ما عاقلان می بینیم که تو را در تمام حرکات و سکانات در دارفنا چنین هستی که وقتی به سود چیزی اطمینان پیدا می نمایی به سوی آن می شتابی ، و هرگاه به صدق و راستگو بودن کسی که خبر از مُضرّ بودن چیزی می دهد باور داری ، از آنچه تو را آسیب می رساند می گریزی . اینک می گویم : زمانی به کسی که ادّعا می کرد پیامبری حضرت محمد(ص) را تصدیق نموده (سخنی به این معنی) به او گفتم : اگر شخص یهودی ای به تو خبر دهد که در بعضی از راهها چیزی است که تو را آزار می رساند ، و در راهی چیزی است که به سود توست ، آیا راهی را که از ضرر رساندن آن بیم داری ترک نمی کنی ، و راهی را که به سودش امید داری نمی پیمایی ؟ گفت : بله ، به او گفتم : حال اگر حضرت محمد(ص) به تو بفرماید که : من تو را از راه آتش جهنّم بر حذر داشته و راه خانه آسایش و بهشت را به تو می شناسم . و اگر آن بزرگوار را تصدیق نموده بودی ، حداقل همانند عملی که با خبر یهودی نمودی ، با خبر آن حضرت معامله می کردی؟! پس آیا جز این است که کافر ذمّی و یهودی را بیشتر از پیامبر اکرم (ص) تصدیق می نمایی ، و این شاهد بر آن است که رسالت و فرمایش او را تصدیق ننموده ای؟! همچنین از اموری که شایسته است هنگام گواهی دادن به رسالت او - صلوات الله علیه - بدان اعتقاد داشته باشی آن است که معتقد باشی خداوند - جَلّ جلاله - و آن بزرگوار مَنّت و حقّ بزرگی

در هدایت تو به مقام سعادت‌مندی و بزرگواری دارند، و بذل نفس و مال و عیالت در پیشگاه او برای بدست آوردن سعادت جاودانی نیز از جمله بخششها و عطایا و نعمتهای او بر توست که تا زمان پایداری خداوند مالک روز جزا ادامه دارد. خداوند - جلّ جلاله - می فرماید: يَمُنُونَ عَلَيْكَ اِنَّ اِشْرَاقًا، قُلْ: لَا تَمُنُوا عَلَيَّ اِشْرَاقًا، يَلِ اللّٰهُ يَمُنُّ عَلَيْكُمْ اِنَّ هُدًى لِّلْاِيْمَانِ اِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ . (۱۴۲) - بر تو مَت می گذارند که اسلام آورده اند، بگو: بر من به خاطر اسلام آوردنتان مَت نگذارید، بلکه این خداست که بر شما مَت نهاد و شما را به ایمان هدایت فرمود، اگر راست می گوید .

۱۲- صلوات بر حضرت محمد(ص)

در روایتی آمده که امام صادق - صلی الله علیه - فرمودند: هرکس بر پیامبر و خاندانش صلوات بفرستد، معنای آن این است که براستی من بر همان پیمان و وفایی که هنگام فرمایش خداوند که فرمود: اَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ؟! قَالُوا: بَلَى . (۱۴۳): (آیا من پروردگار شما نیستم؟، گفتند: بله.) گفتم، استوار هستم .

۱۳- سلام نماز

در حدیث است که عبدالله بن فضل هاشمی می گوید: از امام صادق (ع) درباره معنای سلام نماز پرسیدم، فرمود: سلام دادن نشانه امتیّت و آسودگی و حلال کردن اموری است که بجا آوردن آن در نماز حرام است. وی می گوید: عرض کردم: فدایت شوم، چگونه؟ فرمود: در گذشته وقتی شخصی بر مردم وارد می شد و بر آنان سلام می کرد، از گزند او ایمن می شدند، و وقتی آنان جواب سلام وی را می گفتند، وی از شرّ آنان آسوده می گشت؛ و اگر شخص وارد سلام نمی گفت از شرّ او در امان نبودند، و اگر آنان جواب سلام وی را نمی دادند وی از شرّ آنان ایمن نبود، و این عادت و روش عرب بود. لذا سلام دادن در نماز نیز به عنوان نشانه خروج و بیرون آمدن از نماز، و حلال نمودن سخن گفتن، و ایمنی از وقوع اموری که نماز را باطل می کند، قرار داده شده، و سلام نامی از نامهای خداوند - عزّوجلّ - است، و درودی از ناحیه نماز گزار بر فرشتگانی است که بر او گمارده شده اند. چه بسا گفته شده که: مخاطب سلام نماز همه فرشتگان هستند. ولی از جمله مرجّحات روایت گذشته که مخاطب سلام را خصوص فرشتگان گمارده شده بر انسان می داند، و این است که در روایت دیگر آمده است: دو فرشته ای که بر نماز گزار گمارده شده اند، عمل او را گرفته و نوشته و آن را بر پروردگار عرضه می کنند، و آن دو مانند دو نفری که بر شخص مُشْرِف باشند، در نزد او حاضر هستند.، بنابراین چون تنها آن دو در نزد نماز گزار حضور دارند، نزدیکتر به صواب آن است که سلام مختصّ بر آن دو باشد. اینک می گویم: حال که معنای سلام دادن را دانستی، متذکّر باش که عملی را برای خداوند - جلّ جلاله - العظیم - نموده ای، و می خواهی آن را به او سپرده و بر حضرتش عرضه کنی، پس اگر در بخشی از آن غفلت ورزیده، یا قلبت به غیر او مشغول گردیده، یا از خدا روی برگردانده ای، توبه نما، توبه ای همراه با اخلاص و انابه (۱۴۴)؛ یا حداقل عمل خویش را بسان سپردن جنایتکاران و اهل خیانت به حضرتش تسلیم نما. در کتاب جَدَم و رَام - که خداوند جلّ جلاله روحش را پاک و قبرش را منور گرداند - حدیثی به این معنی دیدم که: بنده ای از بندگان خدا ترس و مراقب خداوند - جلّ جلاله - گفت: نماز سی سال را قضا کردم، در حالی که حتی یک نماز واجب از آن را ترک ننموده، و آنها را در صف اوّل نماز جماعت بجا می آوردم، لیکن به خاطر مصیبتی که از آن غفلت داشتم توجّه پیدا کرده و آنها را قضا نمودم، از او پرسیده شد که: آن مصیبت چه بود؟ گفت: آنها را در صف اوّل با امام جماعت بجا می آوردم، روزی آمدم و در صف اوّل جا پیدا نکردم و در صف آخر نماز گزاردم، ولی دیدم که نفسم خجالت می کشد و شرم دارم که مردم مرا در آنجا ببینند، از اینجا پی بردم که آن پیشی گرفتن و رفتن در صف اوّل، یقیناً برای خداوند - جلّ جلاله - نبوده، و قصد و نیتم از آن تنها ممتاز شدن در نزد حاضران بوده است.

اعمال و صفاتی که موجب عدم قبولی اعمال می گردد از اموری که شایسته است تمام اعمال و نمازهای خود را از آن حفظ نموده و پاکیزه سازی تا در ضمن اعمال صالحی که دو فرشته گمارده شده بر انسان بر خداوند عرضه می کنند، بر خداوند - جلّ جلاله - عرضه شود، مواردی است که در روایت معاذبن جبل آمده است. عبدالواحد به نقل از مردی می گوید: به معاذ بن جبل گفتم: یکی از احادیثی را که از رسول خدا(ص) شنیده ای و درست حفظ نموده و هر روز با دقت متذکر آن می شوی، برای من بازگو کن، گفت: بله، و گریست سپس گفت: سکوت کن، خاموش شدم. سپس گفت: پدر و مادرم به فدایش، در حالی که من در پشت سر او در مرکب سوار بودم و باهم راه می پیمودیم، چشم به سوی آسمان بلند نمود و فرمود: سپاس خداوندی را که هر چه را که دوست بدارد درباره آفرید گانش به طور حتم مقدر و جاری می سازد. آنگاه فرمود: ای معاذ، عرض کردم: لَبَّیک ای رسول خدا، ای پیشوای خیر و پیامبر رحمت فرمود: آیا حدیثی را به تو بگویم که هیچ پیامبری به اُمت خویش نفرموده است، که اگر آن را حفظ کنی در طول زندگی به حال تو سودمند خواهد بود، و اگر بشنوی و حفظ نکنی حجت خداوند بر تو تمام می شود؟ سپس فرمود: براستی که خداوند پیش از آفریدن آسمانها، هفت فرشته آفرید، و در هر آسمان فرشته ای قرار داد، و آن آسمان را با عظمت خویش فرا گرفت، و بر در هر کدام از آنها فرشته ای را به عنوان دربان قرار داد. لذا فرشتگانی که نگاهبان عمل بنده هستند از وقت صبح تا شب عمل او را می نویسند، آنگاه آن را در حالی که مانند آفتاب می درخشد بالا می برند، تا اینکه به آسمان زیرین می رسند در حالی که آن عمل در نظر آنان پاکیزه و بسیار است. ولی فرشته ای که نگاهبان آسمان زیرین است به آنها می گوید: بایست، و این عمل را بر صورت صاحبش بزنید، من فرشته غیبت هستم، هر کس غیبت کند نمی گذارم عملش از من به سوی دیگری بگذرد، و پروردگارم به من چنین دستور فرموده است. فردای آن روز فرشته نگاهبان بر عمل بنده همراه با عمل صالح می آید، و از فرشته دربان آسمان زیرین می گذرد، در حالی در نظرش آن عمل پاکیزه و بسیار است. تا اینکه به آسمان دوم می رسد، فرشته دربان آسمان دوم به او می گوید: بایست، و این عمل را بر روی صاحبش بزن، که نیت او از این عمل، متاع اندک و بی ارزش دنیا بود، و من فرشته ویژه دنیا هستم، و نمی گذارم که عمل او از من به سوی دیگری بگذرد. حضرت فرمود: بار دیگر عمل بنده را در حالی که به صدقه و نماز آن شادمان است، به بالا می برد و فرشتگان نگاهبان نیز از آن عمل خوششان می آید، و آن را به سوی آسمان سوم عبور می دهد، تا اینکه فرشته دربان آسمان سوم می گوید: بایست و این عمل را به روی و پشت صاحب آن بزن، من فرشته متکبرین هستم، و می گوید: این عملی است که صاحب آن به واسطه آن در مجالس مردم بر آنان تکبر می نمود، پروردگارم به من دستور داده که نگذارم عملش از من به سوی دیگری بگذرد. حضرت فرمود: بار دیگر فرشتگان نگاهبان، عمل بنده را در حالی که مانند ستاره در آسمان می درخشد، و آهنگ و صدای تسبیح و روزه و حج از آن بلند است بالا برده و به سوی فرشته آسمان چهارم عبور می دهند، ولی فرشته دربان آسمان چهارم می گوید: بایست و این عمل را بر روی و شکم صاحب آن بزن، من فرشته جب هستم، زیرا او به خود می بالید و این عمل را با حالت عجب انجام داده، پروردگارم به من دستور داده که نگذارم عملش از من به سوی دیگری بگذرد، پس آن را بر روی صاحبش بزن. حضرت فرمود: دیگر بار ملائکه نگاهبان، عمل بنده را مانند عروسی که به سوی شوهرش برده می شود، بالا می برند - در حالی که آن عمل همراه با جهاد و نماز نافله بین دو نماز واجب می باشد، و به همین خاطر صدای بلندی بسان صدای شتر، و درخششی همسان نورافشانی خورشید دارد - و به سوی فرشته دربان آسمان پنجم می گذرانند، تا اینکه آن فرشته می گوید: بایست، من فرشته حسادت هستم، پس آن عمل را به روی صاحبش بزن، زیرا او نسبت به کسانی که دانش آموخته و به طاعت خدا عمل می نمودند حسادت می نمود، و بار حسادت را بر دوشش حمل می کرد، و هر گاه می دید که کسی در عمل و عبادت بر او برتری دارد، نسبت به او حسادت می ورزید و بر او خرده گرفته و نکوهش می کرد. پس وی عمل خویش را بر دوش گرفته و عملش وی را لعنت می کند. حضرت فرمود: دیگر بار فرشتگان نگاهبان بالا رفته و عمل او را (۱۴۵) به سوی آسمان ششم عبور می دهند، تا

اینکه فرشته دربان آسمان ششم می گوید: بایست، من صاحب مهربانی و دلسوزی هستم، این عمل را بر صورت صاحب آن بزن و چشمانش را کور کن، زیرا صاحب این عمل به هیچ کس مهربانی و دلسوزی نمی نمود، هرگاه می دید بنده ای از بندگان خدا گناهی در رابطه با آخرت نموده، و یا ضرری در دنیا به او رسیده، نسبت به او شماتت می کرد، پروردگارم به من دستور داده که نگذارم عمل وی از من به سوی دیگری بگذرد. حضرت فرمود: دیگر بار فرشتگان نگاهبان، عمل بنده را بالا می برند، اعمالی همراه با فقه و ژرف فهمی و کوشش در عبادت و ورع و پرهیزگاری، که بسان رعد و آذرخش صدا می کند، و پرتوی مانند برق دارد، و سه هزار فرشته همراه آن هستند. تا اینکه آن را به سوی فرشته دربان آسمان هفتم می برند، و آن فرشته می گوید: بایست و این عمل را بر روی صاحب آن بزن، من فرشته حجاب هستم، و از عبور هر عملی را که برای خدا نباشد جلوگیری می نمایم، زیرا صاحب این عمل خواهان رفعت و بلند پایگی در نزد فرمانروایان و ذکر خیر در مجالس، و شهرت و پیچش صدا در بلاد بود، پروردگارم به من دستور داده که نگذارم عملی از من به سوی دیگری بگذرد، مگر اینکه خالص باشد. حضرت فرمود: بالاخره ملائکه نگاهبان، با حالت سرور و شادمانی عمل بنده را که دربردارنده خلق و خوی نیکو و سکوت و یاد فراوان خداست، و همه فرشتگان آسمانها و ملائکه هفتگانه همگی در پی آن روانند، بالا می برند و تمام حجابها را زیر پا می گذارند و می گذرند، تا اینکه در پیشگاه خداوند ایستاده و به عمل صالح و دعای او گواهی می دهند، ولی خداوند می فرماید: هر چند شما نگاهبانان عمل بنده من هستید، ولی من مراقب اموری که در نفس او می گذرد نیز هستم، مقصود وی از انجام این عمل، من نبودم، لعنت من بر او باد! آنگاه ملائکه می گویند: لعنت تو و لعنت ما بر او! راوی می گوید: سپس معاذ گریست و گفت: عرض کردم ای رسول خدا(ص) چه عملی انجام دهم؟ فرمود: ای معاذ، در یقین و باور به پیامبرت اقتدا نما، گفت: عرض کردم: شما پیامبر خدایید و من معاذ بن جبل. فرمود: ای معاذ، اگر در عملت تقصیر و کوتاهی است، پس زبان خویش را از بدگویی برادران دینی و حاملان قرآن نگاه دار. و گناهانت بر گردن خودت باشد و آنها را بر دوش برادرانت مَنه، و خویشان را با نکوهش و سرزنش نمودن برادرانت ستایش مکن، و با پایین آوردن مقام برادرانت خود را بالا ببر، و عمل خویش را با قصد ریا انجام مده، و از در دنیا در آخرت داخل نشو، و در مجلس خود فحش و ناساز مگو، تا مبادا همنشینانت به واسطه بدخویی تو دوری کنند، و در حضور هیچ کس با دیگری سخن درگوشی مگو، و نسبت به مردم اظهار بزرگی مکن، تا مبادا خیرات دنیا از تو قطع شود، و مردم را پاره پاره مکن تا مبادا سگهای اهل آتش جهنم تو را پاره پاره کنند، که خداوند می فرماید: **وَالنَّاسُ طَائِفَاتٌ** (۱۴۶) - سوگند به فرشتگانی که [روح اهل ایمان] را با نشاط و آسایش ویژه ای [از بدنهایشان] قبض می کنند. آیا می دانی ناشطیات چیست؟ آنها سگهای هستند که گوشت و استخوان اهل آتش جهنم را تکه و پاره می کنند. عرض کردم: چه کسی تاب و طاقت عمل به این امور و خصلتها را دارد؟ فرمود: ای معاذ، آگاه باش که مسلماً انجام این امور برای هر کس که خداوند برای او آسان کند، راحت و آسان خواهد بود. راوی می گوید: معاذ حدیث را بیشتر از تلاوت قرآن، می خواند.

مطلب دوم: نافله های نماز ظهر، همان نماز آوآیین (۱۴۷) است

در روایت آمده که مولایمان علی (ع) فرمود: نماز ظهر، همان نماز آوآیین می باشد. و نیز در احادیث وارده (به این مضمون) آمده که: وقتی هنگام ظهر می شود، درهای آسمان برای استجابت دعاها و نیکو گشوده می گردد، و مقصود از نماز آوآیین همان نمازهای نافله ظهر است، و آنها نزد خداوند - جلّ جلاله - جایگاه ستوده و قابل سپاس دارند. آنجا که خداوند - عزّوجلّ می فرماید: **إِنَّهُ كَانَ لِلْأَوَّابِينَ غَفُورًا**. (۱۴۸) براستی که خداوند نسبت به بسیار رجوع و توبه کنندگان به سوی او، بسیار آمرزنده است.

مطلب سوم: استخاره کردن در هنگام نافله های ظهر

مقدمه

در روایت آمده که امام باقر(ع) فرمود: استخاره کردن در هر رکعت از نافله های ظهر مستحب می باشد. مقدمات ورود در نماز اینک می گویم: حال که بخشی از اسرار نماز را یادآور شدیم، لازم است برخی از اموری را که اراده نموده ایم، پیش از ذکر نماز از طریق روایات یادآور شویم، از آن جمله شناختن اوقات نماز است:

۱- علت تعیین اوقات مشخص برای نمازهای پنجگانه

توجه داشته باش که اوقات نمازهای نافله و واجب را در توضیحی که پیش از وارد شدن در آنها یادآور خواهیم شد، در اینجا تنها روایتی را که در بردارنده علت تعیین اوقات نمازهای واجب است ذکر می کنیم، تا بدین وسیله علت و سرّ آن روشن گردد: حسن بن عبدالله به نقل از پدرش از جدّش حسن بن علی بن ابی طالب (علیه السلام) در ضمن حدیث طولانی که در بردارنده پرسشهای یهود از پیامبر اکرم (ص) از امور مهمّ است، از جمله آن پرسشها، روایت نموده که آنان از حضرت (ص) از علت اوقات نمازها پرسیدند به این صورت که یکی از آنان عرض کرد: ای محمّد، مرا از ناحیه خداوند - عزّوجلّ - خبر ده که علت وجوب نمازهای پنجگانه در پنج وقت بر اُمت در ساعتهای شبانه روز چیست؟ پیامبر اکرم (ص) فرمود: وقتی که آفتاب به نقطه زوال می رسد، حلقه ای دارد که در آن وارد می شود، و هنگامی که در آن داخل شد، وقت ظهر و زوال می شود و همه اشیاء مادیّون عرش در برابر اسماء و صفات پروردگارم تسبیح می گویند، و آن همان ساعتی است که پروردگارم در آن بر من درود و رحمت می فرستد، لذا خداوند - عزّوجلّ - نماز گزاردن در آن، هنگام را بر من و بر اُمت واجب نموده، و فرموده است: اَعْصِ الصَّلَاةَ لِتَكُونَ مِنَ الْمُنْصَحِينَ إِلَى غَسَقِ اللَّيْلِ. (۱۴۹) - از وقت زوال آفتاب تا تاریکی شب نماز بپا دار. و آن همان ساعتی است که جهنّم را در روز قیامت می آورند، پس هر مؤمنی که در آن ساعت مؤقّق به سجده یا رکوع یا قیام شده باشد، خداوند بدن او را بر آتش جهنّم حرام می کند. و اما نماز عصر، همان ساعتی است که حضرت آدم (ع) از میوه درخت بهشتی خورد، و در نتیجه خداوند او را از بهشت بیرون راند، لذا خداوند به فرزندان دستور داده که این نماز را تا روز قیامت بخوانند، و آن نماز را برای اُمت من برگزید، و آن نماز از محبوبترین نمازها در نزد خداوند - عزّوجلّ - می باشد، و خداوند به من سفارش فرموده که بخصوص آن را از میان دیگر نمازها پاس بدارم. و اما نماز مغرب، همان ساعتی است که خداوند در آن توبه حضرت آدم (ع) را پذیرفت، و فاصله بین خوردن از میوه درخت بهشتی و پذیرش توبه اش، سیصد سال از روزهای دنیا نسبت به روزهای آخرت بود، که هر روز از آن مانند هزار سال از سالهای دنیا می باشد، یعنی (۱۵۰) از وقت عصر شرعی تا شام و مغرب می باشد، پس حضرت آدم (ع) سه رکعت نماز خواند، یک رکعت برای ترک اولی و خطای خود، و یک رکعت به خاطر خطیئه حوا، و یک رکعت برای توبه اش، لذا خداوند - عزّوجلّ - این سه رکعت را بر اُمت واجب فرمود، و آن همان ساعتی است که دعا در آن مستجاب می شود، و پروردگارم وعده داده که هر کس از اُمت در آن ساعت دعا کند، دعایش را مستجاب نماید، و این همان نمازی است که خداوند - عزّوجلّ - به من دستور داد و فرمود: سُبْحَانَ اللَّهِ حِينَ تُمْسُونَ، وَ حِينَ تُصْبِحُونَ. (۱۵۱) - پاک و منزّه است خداوند هنگامی که شب می کنید، و آن هنگام که صبح می کنید. و اما نماز عشا، برآستی که قبر تاریکی و ظلمتی دارد و روز قیامت را تاریکی و ظلمتی است، لذا خداوند به من و اُمت دستور داده که این نماز را در این هنگام بخوانیم تا قبرهای اُمت را روشن نموده، و بر روی پُل صراط به آنان نور و روشنایی عنایت شود. هر گاهی که برای خواندن نماز عشا برداشته می شود، خداوند جسد و بدن صاحب آن گام را بر آتش جهنّم حرام می گرداند، و این همان نمازی است که خداوند برای پیامبران فرستاده شده پیش از من برگزیده بود. و اما نماز صبح، هنگامی که خورشید طلوع می کند، بر شاخهای شیطان طلوع می کند، و خداوند - عزّوجلّ - به من دستور داده که نماز صبح را پیش از دمیدن آفتاب و پیش از آنکه کافر آفتاب پرست بر آن سجده می کند بخوانم، و اُمت برای

خدا سجده و کرنش نمایند ، و زود خواندن آن در نزد من محبوبتر است ، و آن همان نمازی است که فرشتگان شب و ملائکه روز آن را مشاهده می کنند . یهودی گفت : راست گفتی ای محمد ، سپس ادامه حدیث را ذکر نموده است .

۲ - عظمت نماز از دیدگاه روایات

بیشتر در فصل اول و دوم اموری را که سبب معرفت تو به لزوم اهتمام در نماز و تعظیم آن می گردد ، یادآور شدیم ؛ ولیکن دیدیم که از اینجا خیلی فاصله دارد ، لذا در اینجا می خواهیم بیان دیگری افزون بر آن ذکر نماییم : ۱ - در روایت آمده که امام صادق - صلوات الله علیه - فرمود : رسول خدا (ص) فرمودند : فردای قیامت شفاعت من به کسی که نماز واجب را از وقتش تاخیر بیندازد ، نخواهد رسید . ۲ - در روایت دیگر منقول است که ابوبصیر می گوید : به منظور تسلیت گفتن به خاطر سوگ امام صادق (ع) بر امّ حمیده (۱۵۲) وارد شدم ، وی گریست ، من نیز به خاطر گریه او گریستم ، سپس گفت : اگر امام صادق (ع) را می دیدی مسلماً امر عجیبی را مشاهده می نمودی . هنگام وفات چشمان مبارکش را باز نمود و سپس فرمود : تمام کسانی را که با من خویشاوندی دارند گرد آورید . و ما هیچ کس را ترک ننموده و همه را حاضر ساختیم ، حضرت به آنان نگاه کرد و سپس فرمود : بی گمان شفاعت ما به کسی که نمازش را کوچک و سبک بشمارد نخواهد رسید . ۳ - رسول خدا (ص) فرمودند : از من [یا : از اُمت من] نیست کسی که نمازش را کوچک و سبک بشمارد ، و به خدا سوگند در حوض کوثر بر من وارد نخواهد شد . ۴ - در روایت دیگر آمده که پیامبر اکرم (ص) فرمود : اولین چیزی که بنده از آن بازخواست می شود ، نماز است ، اگر پذیرفته شد اعمال دیگر قبول می شود ، و اگر پذیرفته نشد اعمال دیگر پذیرفته نمی گردد . ما نکته های ظریف و جالبی در این باره در کتاب غِیَاثُ سُلْطَانِ الْوَرَى لِشُكَّانِ الثَّرَى ذکر نموده و کلام را در آنجا بسط داده ایم ، به گونه ای که عارفان به معانی آن بهبودی و شفا می یابند .

۳ - سوره هایی که به طور عموم در نافله ها قرائت می شوند

۱ - در روایتی آمده که امام صادق (ع) فرمود : هر کس سوره قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ ، و سوره إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ ، و آیه الْكَرْسَى را در هر رکعت از نماز نافله بخواند ، مسلماً بزرگترین دری که برای اعمال آدمیان گشوده می شود برای او گشوده شده است ، مگر کسی که همانند او و یا افزون بر او بخواند . ۲ - روایت دیگر آمده که عالم (ع) (۱۵۳) پیرامون ثواب خواندن قرآن در نمازهای واجب و غیر آن فرمود : شگفتا از کسی که در نماز خود إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ بخواند ، چگونه نماز او قبول می شود؟! ۳ - و نیز روایت شده که : نمازی که قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ در آن خوانده نشود ، پاکیزه نمی گردد . ۴ - همچنین در روایت آمده که : هر کس در نماز واجب ، سوره هُمَزَه را بخواند ، از دنیا برخوردار عطا می شود . اشکال و جواب آیا جایز است که نماز گزار مثلاً سوره هُمَزَه را بخواند ، و سوره هایی را که ذکر شد ترک کند ، با اینکه روایت شده که نماز بدون آنها قبول و پاکیزه نمی گردد؟ جواب : ثواب سوره ها به همان صورتی است که روایت شده ؛ ولی اگر کسی سوره ای را با همه ثوابی که برای آن نقل شده ترک کند و به جای آن سوره قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ و إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ را بخواند به خاطر فضیلتی که این دو دارند ، هم ثواب سوره هایی که قرائت کرده به او عطا می شود و هم ثواب سوره هایی که ترک کرده . البته جایز است که غیر این دو سوره را بخواند و با آن حال نیز نمازش کامل و درست است ، لیکن در این صورت ترک فضیلت نموده است . و شاید مقصود از این نکته آن باشد که سوره اخلاص ، توصیف خداوند - جَلَّ جلاله - و توحید اوست ، و سوره إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ نیز راهنمای به کسی است که اسرار شب قدر بر او نازل می شود ثواب هایی است که خداوند (در برابر اعمال به بندگان) عطا می فرماید .

۴ - سوره هایی که معمولاً در نوافل ظهر خوانده می شوند

در روایت آمده که امام صادق (ع) فرمود: در نماز نافله ظهر، در دو رکعت نخست سوره اخلاص و بحمد (۱۵۴) و در رکعت سوم قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ و آيَةُ الْكُرْسِيِّ، در رکعت چهارم قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ و آخر سوره بقره، (۱۵۵) و در رکعت پنجم قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ و آیات آخر سوره آل عمران یعنی آیات إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ (۱۵۶)، و در رکعت ششم قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ و آيَةُ سَيِّئِهِ (۱۵۷)، و در رکعت هفتم قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ و آیاتی که در سوره انعام است یعنی وَ جَعَلُوا لِلَّهِ شُرَكَاءَ الْجِنَّ وَ خَلَقَهُمْ (۱۵۸) و در رکعت هشتم قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ و آخر سوره حشر یعنی لَوْ اَنزَلْنَاهَا هَذَا الْقُرْآنَ عَلَى جَبَلٍ (۱۵۹) تا آخر سوره را قرائت کن. و بعد از تمام کردن نماز، ۷ بار بگو: اَللّهُمَّ، مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ وَ الْاَبْصَارِ، ثَبِّتْ قَلْبِي عَلَى دِينِكَ وَ دِينَ نَبِيِّكَ، وَلَا تُزِغْ قَلْبِي بَعْدَ اِذْ هَدَيْتَنِي، وَ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً، اِنَّكَ اَنْتَ الْوَهَّابُ وَ اَعْزِزْنِي مِنَ النَّارِ، بِرَحْمَتِكَ. - خداوندا، ای گرداننده دلها و دیدگان، دلم را بر دین خود و آیین پیامبرت استوار گردان، و قلبم را بعد از آنکه هدایت فرمودی منحرف مفرما، و از جانب خویش رحمتی به من ارزانی دار، که بی گمان تویی بسیار بخشنده، و مرا به رحمت خویش، از آتش جهنم در پناه خویش در آور. سپس هفتاد بار از آتش جهنم به خدا پناه برده و بگو: اَعْتَجِزْ بِاللّهِ مِنَ النَّارِ. - از آتش [جهنم] به خدا پناه می برم.

۵ - شناخت قبله

در روایات وارده آمده است که: خداوند متعال به حضرت آدم (ع) دستور داد که به سوی مغرب نماز بخواند، و به حضرت نوح (ع) امر فرمود که به سوی مشرق نماز بگزارد، و به حضرت ابراهیم (ع) امر فرمود که بین مشرق و مغرب جمع کند، که مقصود همان کعبه است، و هنگامی که حضرت موسی (ع) را به پیامبری مبعوث فرمود دستور داد که دین حضرت آدم را احیا و کند، و وقتی حضرت عیسی (ع) را مبعوث فرمود، دستور داد که دین حضرت نوح را احیا نماید، و هنگامی که حضرت محمد (ص) را مبعوث فرمود، دستور داد که دین حضرت ابراهیم (ع) را زنده گرداند. پس کعبه، قبله کسانی است که در مسجد الحرام هستند، و مسجد الحرام قبله کسانی که در حرم قرار دارند. و کسانی که در خارج حرم هستند قبله شان حرم است، و اهل عراق رو به سوی رُكن عراقی می کنند، و آن همان رُكنی است که حَجَرُ الْأَسْوَد در آن است، و اهل یَمَن رو به سوی ركن یمانی، و اهل مغرب رو به سوی ركن غربی، و اهل شام رو به سوی ركن شامی می کنند. و سزاوار است که اهل عراق اندکی مایل به سمت چپ بایستند و برای غیر آنان چنین نیست. اهل عراق قبله خویش را با چند طریق می توانند بشناسند: از آن جمله هنگامی که وقت ظهر و زوال شد، آفتاب درست هنگام زوال و بدون هیچ فاصله ای، بر ابروی راست کسی که رو به قبله می ایستد قرار می گیرد، و هنگامی که وقت نماز مغرب شد، سرخی آفتاب در سمت مشرق در زمان معتدل درست محاذی شانه چپ کسی که روبه قبله است قرار می گیرد، و در وقت نماز عشا سرخی آفتاب در سمت مغرب در زمان معتدل محاذی شانه راست کسی که روبه قبله است قرار می گیرد، و در وقت نماز صبح پیش از طلوع فجر در زمان معتدل محاذی شانه چپ کسی که رو به قبله است قرار می گیرد. راههای تشخیص قبله هرگاه نماز گزار از این راهها پی به قبله نبرد، و آسمان تمام ابری یا به برخی از موانع مانند آب یا غیر آن در اثر تدبیر خداوند حسابگر پوشیده بود، اگر ظَنُّ غالب به جهت قبله داشت بر ظَنِّ و گمان خویش عمل می کند، و اگر گمانش نسبت به تمام جهات مساوی بود، یا اصلاً ظَنُّ مُساوی به جميع جهات نداشت، بلکه شک محض نسبت به تمام جهات داشت و راهی نداشت که به وسیله آن توان تشخیص جهت قبله را داشته و قطع یا غلبه ظَنِّ بر سایر حالات را به آن استعلام کند، اگر نماز نافله بود به هر جهت که خواست نماز می گزارد، و اگر نماز واجب باشد باید آن را چهار بار رو به سوی جهات چهارگانه بخواند، و اگر به خاطر برخی از امور ضروری این کار برای او ممکن نبود باید نماز واجب را یک بار به هر جهت که خواست بخواند. اگر بعداً جهت قبله روشن شد، چنانچه پیشتر رو به سوی همان جهت نماز خوانده باشد نمازش صحیح خواهد بود، و همچنین اگر در زمین عراق باشد و نمازش رو به سوی جهت ما بین مغرب و مشرق قبله واقع شده باشد، ولی اگر رو به سوی خود مشرق یا مغرب

بوده و وقت نیز باقی باشد نماز را دوباره می خواند، و اگر وقت گذشته باشد لازم نیست اعاده کند، و اگر نمازش پشت به قبله باشد در هر دو حال (۱۶۰) آن را دوباره می خواند. احکام دیگر قبله جایز است انسان نماز نافله را بر روی شتر و کشتی بخواند (بر حسب حالش در سیر و امکان از روبه قبله بودن)، و بهتر است که بر حسب حال خویش در سیر تکبیرة الاحرام را رو به قبله بگوید، سپس ادامه نماز را به هر جهت که کشتی یا شتر منحرف می شود انجام دهد. این مقدار از احکام قبله در این مقام کافی است.

۶ - مواردی که توجه به هفت تکبیر افتتاح مستحب است

مستحب است انسان در هفت جا با گفتن هفت تکبیر توجه کند: رکعت اول نافله های ظهر، و رکعت اول هر نماز واجب، و رکعت اول نافله های مغرب، و رکعت اول وتیره و نافله عشاء، و رکعت اول نماز نافله شب، و در اول دو رکعت نماز احرام. (۱۶۱) و توجه و تکبیرات هفتگانه در سه جا به صورت مؤکد روایت شده است: از آن جمله در روایت است که امام باقر (ع) فرمود: در سه جا نماز را با توجه و تکبیر آغاز کن، در نماز ظهر، و نماز شب، و نماز یک رکعتی وتر. (۱۶۲) و در غیر این موارد از نمازهای نافله کافی است که برای دو رکعت، تنها یک تکبیر بگویی. و این هفت تکبیر در کتاب ابن جانه نیز روایت شده است. علت آغاز نماز با تکبیرهای هفتگانه در روایت آمده که امام باقر (ع) فرمود: روزی رسول خدا (ص) برای نماز از منزل بیرون آمدند، در حالی که حسن بن علی (علیهما السلام) از سخن گفتن وامانده بود، بحدی که بیم آن را داشتند که اصلاً سخن نگویند و لال شود. تا اینکه رسول خدا (ص) در حالی که او را بر گردن و دوش حمل می نمود، از خانه بیرون آمد و مردم در پشت حضرتش صف بستند، و حضرت او را در سمت راستش قرار داد، پس رسول خدا (ص) تکبیر گفت و نماز را با تکبیر شروع فرمود، امام حسن (ع) نیز تکبیر گفت. هنگامی که رسول خدا (ص) و اهل بیتش تکبیر او را شنیدند، حضرت دوباره تکبیر گفت، و امام حسن (ع) تکبیر دیگر گفت، تا اینکه هفت بار تکبیر گفت، و بدین ترتیب افتتاح نماز با هفت تکبیر سنت گردید. اشکال و جواب اگر گفته شود که: چگونه تکبیر امام حسن (ع) در حال کودکی متابعت رسول خدا (ص) از او سنت گردیده؟ جواب آن است که: پیامبر اکرم (ص) از امام حسن (ع) متابعت نمود، بلکه وی از رسول الله (ص) متابعت نمود، و سخن گفتن وی بعد از خودداری از سخن گفتن بسان معجزه ای از پیامبر اکرم (ص) و در نتیجه معجزه ای برای اسلام است، و به همین جهت از شرایع و احکام محسوب شده است. جواب دیگر آنکه: هیچگاه پیامبر اکرم (ص) از روی هوا و هوس سخن نمی گفت، و سخن آن بزرگوار تنها از ناحیه خدا به او وحی می شده است، بنابراین ممکن است که خداوند - جلّ جلاله - به حضرت وحی فرموده که این گونه تکبیر گفتن را به خاطر امام حسن - صلوات الله علیه - سنت قرار دهد. [یا: وحی فرموده که از امام حسن (ع) متابعت نموده، و آن را سنت قرار دهد. [همچنین در روایتی آمده است که: آغاز تکبیر نماز عید نیز به واسطه سخن گفتن امام حسن بن علی (ع) بوده است، ولی شیخ طوسی در تهذیب (۱۶۳) آن را درباره امام حسین (ع) نقل کرده است. دعایی پیش از شروع نافله های ظهر از جمله دعاهایی که پیش از شروع نافله های ظهر خوانده می شود، دعایی است که جدم ابی جعفر طوسی در مصباح کبیر (۱۶۴) خود ذکر نموده. به این صورت: اَللّهُمَّ، اِنَّكَ لَسْتَ بِاِلَهٍ اَسْتَخْدُثُنَاكَ، وَ لَا بِرَبٍّ يَبْدُ ذِكْرُكَ، وَ لَا كَانَ مَعَكَ شُرَكَاءُ يَفْضُلُونَ مَعِيكَ، وَ لَا كَانَ قَبْلَكَ مِثْلُ اِلَهٍ فَغَيَّبَهُ وَ نَدَعَكَ، وَ لَا اَعَانَكَ عَلَى خَلْقِنَا اَحَدٌ فَنُشْرِكَ فَيْكَ. اَءَنْتَ اللَّهُ [الدِّيَان] (۱۶۵) لَا شَرِيكَ لَكَ، وَ اَءَنْتَ الدَّائِمُ لَا يَزُولُ مُلْكُكَ، اَءَنْتَ اَوَّلُ الْاَوَّلِينَ وَ آخِرُ الْاٰخِرِينَ وَ دِيَانُ يَوْمِ الدِّينِ، يَفْنَى كُلُّ شَيْءٍ وَ يَبْقَى وَجْهُكَ الْكَرِيمُ، لَا اِلَهَ اِلَّا اَءَنْتَ لَمْ تَلِدْ فَتَكُونِ فِي الْعِزِّ مُشَارَكًا، وَ لَمْ تُولَدْ فَتَكُونِ مَوْرُوثًا هَالِكًا، وَ لَمْ تُدْرِكْ الْاَبْصَارُ فَتَقْدَرْكَ شَبَحًا مَائِلًا، وَ لَمْ تُعَاوِزْكَ زِيَادَةٌ وَ لَا نُقْصَانٌ، وَ لَا تُوصَفُ بِاَيْنٍ وَ لَا تَمَّ وَ لَا مَكَانٍ، بَطْنَتْ فِي خَفِيَّاتِ الْأُمُورِ، وَ ظَهَرَتْ فِي الْعُقُولِ بِمَا نَرَى مِنْ خَلْقِكَ مِنْ عِلَامَاتِ التَّنْذِيرِ، اَءَنْتَ الَّذِي سَيَلَّتِ الْأَنْبِيَاءُ عَنْكَ فَلَمْ تَصْرَفْ عَنْكَ بَعْثٌ وَ لَا يَبْغِضُ، بَلْ دَلَّتْ عَلَيْكَ مِنْ آيَاتِكَ بِمَا لَا يَسْتَطِيعُ الْمُتَكَبِّرُونَ جَحْدَهُ، لِأَنَّ مَنْ كَانَتْ السَّمَاوَاتُ وَ الْأَرْضُونَ وَ مَا بَيْنَهُمَا فِطْرَتَهُ، فَهُوَ الصَّانِعُ الَّذِي بَانَ

الْخَلْقَ فَلَا شَيْءَ كَمِثْلِهِ . وَاعْشْهَدْ أَنَّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِيْنَ وَ مَا بَيْنَهُمَا آيَاتٌ دَلِيلَاتٌ عَلَيْكَ ، تُؤَدِّي عَنْكَ الْحُجَّةَ وَ تَشْهَدُ لَكَ بِالرُّبُوبِيَّةِ ، مُوسِمَاتٍ يُبْرِهَانِ قُدْرَتِكَ وَ مَعَالِمٍ تَذِيرِكَ ، فَأَوْصَيْتَ إِلَى قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ مِنْ مَعْرِفَتِكَ مَا آتَتْهَا مِنْ وَحْشَةِ الْفِكْرِ وَ وَسْوَسةِ الصُّدُورِ ، فَهِيَ عَلَى اعْتِرَافِهَا شَاهِدَةٌ بِأَنَّكَ قَبْلَ الْقَبْلِ بِلَا قَبْلِ ، وَ بَعْدَ الْبَعْدِ بِلَا بَعْدٍ ، انْقَطَعَتِ الْغَايَاتُ دُونَكَ . فَسُبْحَانَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ ، سُبْحَانَكَ فَلَا وَزِيرَ لَكَ ، سُبْحَانَكَ لَا عَدْلَ لَكَ ، سُبْحَانَكَ لَا ضِدَّ لَكَ ، سُبْحَانَكَ لَا نِدْلَكَ ، سُبْحَانَكَ لَا تَأْخُذُكَ سِنَةٌ وَلَا نَوْمٌ ، سُبْحَانَكَ لَا تُغَيِّرُكَ الْأَزْمَانُ ، سُبْحَانَكَ لَا تَنْتَقِلُ بِكَ الْأَحْوَالُ ، سُبْحَانَكَ لَا يُغَيِّرُكَ شَيْءٌ ، سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ ، إِلَّا تَغْفِرْ لِي وَ تَرْحَمْنِي أَكُنْ مِنَ الْخَاسِرِينَ . اءَلَلَّهُمْ ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَ رَسُولِكَ وَ نَبِيِّكَ وَ صَفِيِّكَ وَ حَبِيبِكَ وَ خَاصِّكَ وَ أَمِيَّتِكَ عَلَى وَحْيِكَ ، وَ خَازِنِكَ عَلَى عِلْمِكَ ، اءَلْهَادِي إِلَيْكَ بِإِذْنِكَ ، اءَلْصَادِعِ بِأَمْرِكَ عَنْ وَحْيِكَ ، اءَلْقَائِمِ بِحُجَّتِكَ فِي عِبَادِكَ ، اءَلْدَاعِي إِلَيْكَ ، اءَلْمُوَالِي اءَوْلِيَاءَكَ مَعَكَ ، وَ اءَلْمُعَادِي اءَعْدَاءَكَ دُونَكَ ، اءَلْسَالِكِ حُدُودَ الرِّشَادِ إِلَيْكَ ، اءَلْقَاصِدِ مُنْهَجِ الْحَقِّ نَحْوَكَ . اءَلَلَّهُمْ ، صَلِّ عَلَيْهِ وَ آلِهِ اءَفْضَلُ وَ اءَكْرَمُ وَ اءَشْرَفُ وَ اءَعْظَمُ وَ اءَطِيبُ وَ اءَتَمُّ وَ اءَعَمُّ وَ اءَزْكِي وَ اءَنَمِي وَ اءَوْفِي وَ اءَكْثَرُ مَا صَلَّيْتَ عَلَى نَبِيٍّ مِنْ اءَنْبِيَاءِكَ وَ مَلَائِكَتِكَ وَ رُسُلِكَ وَ عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ ، إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ . اءَلَلَّهُمْ ، اجْعَلْ صَلَاتِي بِهِمْ مَقْبُولَةً ، وَ ذُنُوبِي بِهِمْ مَغْفُورَةً ، وَ سَعْيِي بِهِمْ مَشْكُورًا ، وَ دُعَائِي بِهِمْ مُسْتَجَابًا ، وَ رِزْقِي بِهِمْ مَبْسُوطًا ، وَ انْظُرْ إِلَيَّ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ نَظْرَةً اءَسْتَكْمِلُ بِهَا الْكَرَامَةَ عِنْدَكَ ، ثُمَّ لَا تُصْرِفْهُ عَنِّي اءَبَدًا ، بِرَحْمَتِكَ يَا اءَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ ، - خداوندا ، براستی که تو معبودی نیستی که ما تو را آفریده انگاشته باشیم ، و پروردگاری نیستی که یادت فنا پذیر باشد ، و شریکی نداری که همراه با تو حکم براند ، و معبودی پیش از تو نبوده که ما او را پرستیم و تو را رها کنیم ، و آخدی در آفریدن ما ، یاور تو نبوده که ما او را شریک تو قرار دهیم ، تویی خداوند بسیار پاداش دهنده [که شریکی برای تو نیست ، و تویی پایدار و جاودانی که هرگز سلطنتت زوال نمی پذیرد ، تویی اوّل اوّلین و آخر آخرین و بسیار پاداش دهنده روز جزا ، هر چیز نابود می شود و وجه [و اسماء و صفات] بزرگوار تو باقی می ماند ، معبودی جز تو نیست ، نه زاده ای تا کسی و در عزّت و سرافرازی شریک تو باشد ، و نه زاده شده ای تا کسی و از تو ارث ببرد و نابود گرددی ، و دیده ها تو را درک نمی کنند تا تو را به صورت شَبَحِ ایستاده [یا : آشکار] فرض کنند ، و افزودنی و کاستی بر تو عارض نمی شود ، و به کجایی و آنجایی و داشتن مکان توصیف نمی شوی . در امور مخفی نهان گشته ، و در عقلها - به واسطه نشانه های تدبیر و کاردانی که در آفریده هایت می بینم - آشکاری ، تویی خداوندی که از پیامبران پیرامون تو پرسیدند و ایشان تو را به داشتن حدّ و مرز و داشتن اجزاء توصیف نمودند ، بلکه نشانه ها و آیات به گونه ای بر تو راهنمایند که منکران نمی توانند آن را انکار نمایند؛ زیرا کسی که آسمانها و زمینها و آنچه در بین آنهاست آفریده او باشد ، تنها او صانعی است که با مخلوقات فرق دارد و لذا چیزی همانند او نیست . و گواهی می دهم که آسمانها و زمینها و آنچه در بین آنهاست نشانه هایی هستند که بر تو راهنمایند ، حجت و دلیل را از جانب تو ادا نموده و به ربوبیت تو گواهی می دهند ، و داغ و نشانه بُرهانِ قدرت و نشانه های تدبیر و کاردانی ات را با خود دارند ، و لذا به گونه ای معرفت و شناخت را به دلهای مؤمنان رسانیده اند که آنان را از تنهایی و وحشت اندیشه و وسوسه دلها رهانیده و مونس آنان گردیده اند ، بنابراین ، آنها [یعنی آسمانها و زمینها و آنچه در بین آنهاست] با اعتراف خویش شهادت می دهند که تو پیش از پیش بوده ای بدون اینکه پیشی برای تو فرض شود ، و بعد از بعد خواهی بود بی آنکه بعد بودن برای تو فرض شود ، تمام غایتها در نزد تو پایان پذیرفته است . پس پاک و منزّهی تو شریکی برای تو نیست ، پاک و منزّهی تو وزیری برای تو نیست ، پاک و منزّهی تو و همتایی برای تو نیست ، پاک و منزّهی تو و ضدّی برای تو نیست ، پاک و منزّهی تو مشابهی برای تو نیست ، پاک و منزّهی تو هیچگاه چرت و خواب تو را نمی گیرد ، پاک و منزّهی تو و زمانها تو را تغییر نمی دهند ، پاک و منزّهی تو و حالات تو را دگرگون نمی سازند ، پاک و منزّهی تو و هیچ چیز نمی تواند تو را ناتوان سازد ، پاک و منزّهی تو ، براستی که من از ستمکاران بودم ، اگر مرا نیامرزی و رحم نیآری ، از زیانکاران خواهم بود . خداوندا ، بر حضرت محمّد درود فرست ، هم او که بنده و فرستاده و پیامبر و برگزیده و دوست و ویژه

درگاه و امین تو بروی ، و گنجینه دار دانش تو بود ، هم او که به اذن تو مردم را به سوی تو رهنمون گردید ، و به دستور تو وحی ات را کاملاً آشکار ، و حجت را در میان بندگان برپا نموده ، و به سوی تو دعوت فرمود ، و همراه با تو دوستان را دوست ، و دشمنان را دشمن گرفت ، و راههای شوسه رشد و هدایت به سوی تو را پیمود ، و راه روشن حق به سوی تو را طی نمود . خداوندا ، برترین و گرامی ترین و با شرافت ترین و بزرگترین و خوشترین و کاملترین و شاملترین و پاکیزه ترین و بالنده ترین و کاملترین ، و بیشترین درودهایی را که بر پیامبری از پیامبران و فرشتگان و فرستادگان و بندگان شایسته ات فرستاده ای ، بر او بفرست ، برستی که ستوده و بلند پایه ای . خداوندا ، نماز مرا به واسطه آنان قبول ، و گناهانم را آمرزیده ، و سعی و کوششم را مورد سپاس ، و دعایم را مستجاب گردان ، و روزی ام را وسعت ده . و در این لحظه و ساعت با روی [و اسماء و صفات] گرامی ات یک نظر رحمتی به من افکن ، نگرستی که به واسطه آن در نزد تو به کمال کرامت نایل گردم ، سپس نظرت را هیچگاه از من برنگردان . به رحمت ، این مهربانترین مهربانها . و بعد از خواندن این نافله ظهر را شروع می کنی .

۷ - کیفیت انجام نافله های ظهر و تعقیب و دعا و ابتهال و تضرع

کیفیت انجام نافله های ظهر

کیفیت انجام نافله های ظهر و تعقیب و دعا و ابتهال و تضرع مخصوص بعد از هر دو رکعت از آن به همان صورتی که شرح و تفصیل آن گذشت (۱۶۶) بنده باید با ذلت و بندگی و مراقبه خداوند - جلّ جلاله - در امور خرد و کلان خود بپا خاسته ، و در حالی که توجه می کند که در برابر مولای خویش قرار گرفته و وی را می بیند ، رو به قبله می بایستد ، و با حالت شکستگی و خضوع برای معبود خویش ، در حال قیام نماز به جای سجده اش نگاه کند ، و فاصله میان دو گامش تقریباً به اندازه چهار انگشت باشد ، و نیت کند : که : نافله ظهر را به جهت استحبابش به جا می آورم در حالی که بدین وسیله خداوند - جلّ جلاله - از آن جهت که زینده پرستش است ، عبادت می کنم . سپس دستهایش را تا لاله دو گوش خود بالا برده و یک بار تکبیر بگوید ، و با وقار آنها را بر روی پهلوهایش پایین آورد ، سپس به همین صورت تکبیر دوم و سوم را گفته و بعد از تکبیر سوم ، در حالی که دستانش را به صورت برخی از انواع حالات دعا کننده که پیشتر شرح دادیم (۱۶۷) ، بالا برده و دعایی را که از امام صادق (ع) بعد از تکبیر سوم روایت شده است بخواند ، که : اَءَلَلَهُمْ ، اَءَنْتَ الْمَلِکُ الْحَقُّ [الْمُبِیْنُ] ، لَا إِلَهَ إِلَّا اَءَنْتَ ، سُبْحَانَكَ وَبِحَمْدِكَ ، عَمِلْتُ سُوءًا وَ ظَلَمْتُ نَفْسِي ، فَاعْفُوْلی ذَنْبِي ، إِنَّهُ لَا یَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا اَءَنْتَ . - خدایا ، تویی پادشاه و فرمانروای حق [آشکار] ، معبودی جز تو نیست ، تو را همراه با حمد و ستایش ، به پاکی و منزه بودن از آلائشها می خوانم ، عمل ناپسند انجام دادم و به خود ستم نمودم ، پس گناهانم را بیامرزد ، که بی گمان جز تو کسی گناهان را نمی آمرزد . سپس به صورتی که یاد آور شدیم ، دو تکبیر دیگر را بگوید ، و دستهایش را بالا- ببرد ، و با دل و زبان و تمام وجود و با تمام توان به دعوت خداوند - جلّ جلاله - لَبَّیک گفته و آن را اجابت کند ، که مولایمان امام زین العابدین (ع) در حال گفتن لَبَّیک حجّ بیهوش گردید؛ زیرا اگر بنده در حالی که دلش به غیر او مشغول است و با تمام وجود بر خدا توجه ندارد ، به خداوند - جلّ جلاله - لَبَّیک بگوید ، به دروغ لَبَّیک گفته است ، بنابراین باید کاملاً از این امور بر حذر بوده و قلب و تمام قوای خود را بدان مکلف است جمع نموده و با تمام توان به این صورت لَبَّیک بگوید : لَبَّیکَ وَ سَعْدَیْکَ ، وَ الْخَیْرُ فِی یَدَیْکَ ، وَ الشَّرُّ لَیْسَ إِلَیْکَ ، وَ الْمَهْدِیُّ مِنْ هَدَیْتِ ، عَبْدُکَ وَ ابْنُ عَبْدَیْکَ ، مِنْکَ وَ بِکَ وَ إِلَیْکَ ، لَا مَلْجَاءَ وَ لَا مُنْجَی وَ لَا مَفَرٍّ مِنْکَ إِلَّا إِلَیْکَ ، سُبْحَانَکَ وَ حَنَانِیْکَ ، سُبْحَانَکَ رَبِّ الْبَیْتِ . - آری و آری ، خیر تنها در دو دست [جلال و جمال] توست ، و شرّ و بدی را به سوی تو راهی نیست ، و هدایت شده کسی است که تو راهنمایی اش فرموده باشی ، منم بنده و بنده زاده تو ، از تو به و وسیله تو و به سوی تو می گریزم ، هیچ پناهگاه و محلّ نجات و گریزگاهی از تو جز به سوی تو نیست ،

پاک و منزّه و مهربانی، پاک و منزّه ای پروردگار خانه کعبه. سپس به صورتی که اشاره نمودیم دو تکبیر دیگر را بگوید و نیز توجه نموده و بگوید: وَجَّهْتُ وَجْهِيَ لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ عَلَى مِلَّةِ إِبْرَاهِيمَ وَدِينِ مُحَمَّدٍ وَ مِنْهَاجٍ عَلَى خَنيفًا مُسْلِمًا، وَ مَا آتَانَا مِنَ الْمُسْرِكِينَ، إِنَّ صِيَلاتِي وَ نُسُكِي وَ مَحْيَايَ وَ مَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، لَا شَرِيكَ لَهُ، وَ بِذَلِكَ أَمِرْتُ، وَ آتَانَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ، أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ. - روی و تمام وجود خویش را به سوی پدید آورنده آسمانها و زمین نمودم، بر اساس آیین حضرت ابراهیم و دین حضرت محمد و روش حضرت علی (ع)، در حالی که استوار و تسلیم هستم، و هرگز از مشرکان نیستم. براستی که نماز و عبادتها و زندگانی و مردنم از آن خداوندی است که پروردگار عالمیان می باشد، شریکی برای او نیست، و به این دستور داده شده ام، و از مسلمانان هستم، پناه می برم به خدا از گزند شیطان رانده شده. سپس سوره حمد و قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ را آهسته و با حالت اخفات بخواند، اَللّهُمَّ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ را در تمام نمازها بلند و با حالت جهر می خواند، سپس به صورتی که پیش از این شرح دادیم تکبیر رکوع را بگوید و با حالت خشوع و خضوع رکوع می کند، و در حال رکوع به میان دو پایش نگاه کند، و با حالت افتادگی و فروتنی که پیش از این نگاشتیم (۱۶۸) دعایی را که محمد بن یعقوب از امام باقر (ع) نقل نموده - و به روایت دیگر مطالب افزون بر آن را دارد - در حال رکوع بگوید، که: اَللّهُمَّ، لَكَ رَكَعْتُ، وَ لَكَ خَشَعْتُ، وَ بِكَ آمَنْتُ، وَ لِمَكَ اَسْلَمْتُ، وَ عَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ، وَ اَنْتَ رَبِّي، خَشَعَ لَكَ سَمْعِي وَ بَصَرِي وَ مَخْي وَ عَصْبِي وَ عِظَامِي وَ مَا اَقَلْتُ [یا: مَا اَقَلْتُهُ] قَدَمَايَ، لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ. - خدایا، تنها برای تو رکوع نمودم، و فقط برای تو خشوع و فروتنی نمودم، و تنها به تو ایمان آورده و تسلیم تو شده و بر تو توکل نمودم، و تویی پروردگارم، چشم و گوش و مغز و عصب و استخوانهایم و تمام آنچه قدمهایم آن را حمل می کند، [یعنی تمام اعضای بدنم] برای تو خشوع و فروتنی نموده، برای خداوندی که پروردگار عالمیان است. سپس هفت بار بگوید: سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ وَ بِحَمْدِهِ. - همراه با حمد و ستایش، پاک و منزّه می دانم پروردگار بزرگم را. البته هفت بار گفتن افضل و بهتر است، پنج یا سه بار گفتن آن نیز کفایت می کند، و اکتفا نمودن بر یک بار نیز جایز است. بعد از آن سر از رکوع برداشته و راست بایستد به گونه ای که تمام اعضایش به همان حالی که در حالت ایستاده بود برگردد، و در تمام این حالات متذکر این مطلب می شود که در پیشگاه خداوند - جلّ جلاله - است، و اینکه این رکوع و خضوع برای عظمت و جلالت او، و برای پرستش او به جهت ذات اوست (۱۶۹)، و اینکه این سر بلند کردن نیز به امر او، و به خاطر اوست، و بگوید: سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمِدَهُ، اَلْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، اَهْلُ الْكِبَرِيَاءِ [وَالْعَظَمَةِ] وَالْجُودِ وَالْجَبْرُوتِ. - خداوند، ستایش هر کس را که ستایش او را بکند می شنود، سپاس خدایی را که پروردگار عالمیان است، خداوندی که اهل کبریا و بزرگمنشی [و عظمت] و بخشش و کبر و سرکشی است. سپس همراه با گفتن تکبیر، دستهایش را به همان صورتی که یادآور شدیم بلند نموده و با حالت خضوع و خشوع و فروتنی، در برابر خداوند - جلّ جلاله - به خاطر ذات او - جلّ جلاله - به سجده می رود، و ابتدا دو دست خود را بر زمین برمی گذارد، و بر هفت استخوان بدن - یعنی پیشانی و دو دست و دو زانو و قسمتی از سر انگشتان دو پا - سجده می کند، و سر بینی اش را نیز از روی خاکساری و بندگی بر خاک قرار می دهد، و حالت تجافی را حفظ نموده و هیچ قسمت از بدنش را بر روی قسمت دیگر نمی گذارد، و با نیت صادق و باطن خالص و پاک و از روی عبودیت بندگی که پیش از این ذکر نمودیم (۱۷۰)، دعایی را که محمد بن یعقوب و غیر او از امام صادق (ع) روایت نموده اند - و به روایت دیگر مطالب افزون بر آن دارد - بخواند که: اَللّهُمَّ، لَكَ سَجَدْتُ، وَ بِكَ آمَنْتُ، وَ لَكَ اَسْلَمْتُ، وَ عَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ، وَ اَنْتَ رَبِّي، سَجَدَ لَكَ سَمْعِي وَ بَصَرِي وَ شَعْرِي وَ عَصْبِي وَ مَخْي وَ عِظَامِي، سَجَدَ وَجْهِي الْبَالِي الْفَانِي لِلَّذِي خَلَقَهُ وَ صَوَّرَهُ وَ شَقَّ سَمْعَهُ وَ بَصَرَهُ، تَبَارَكَ اللَّهُ اَعْخَسُنُ الْخَالِقِينَ. - خداوندا، تنها برای تو سجده نمودم، و فقط به تو ایمان آورده، و تسلیم تو شده، و بر تو توکل نمودم، و تویی پروردگارم، گوش و چشم و موی و عصب و مغز و استخوانهایم برای تو سجده نموده است. روی [و تمام وجود] پوسنده و فناپذیرم برای کسی که آن را آفرید و صورت نگاری نموده و برای او گوش و چشم قرار داده، سجده نموده است. منزّه و بلند

مرتبه باد خداوند، که بهترین آفرینندگان می باشد. سپس هفت بار بگوید: **سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى وَبِحَمْدِهِ**. - همراه با حمد و ستایش، پاک و منزّه می دانم پروردگار والا و برتر خود را. البته جایز است که بر پنج یا سه یا یک بار بسنده نماید. بعد با حالت وقار و به آرامی سر از سجده برداشته و بر روی ران چپ خویش می نشیند، به گونه ای که پشت پای چپش بر روی پای راستش قرار بگیرد. و می گوید: **اَللّٰهُمَّ، اَعْفُ عَنِّيْ، وَ اَغْفِرْ لِيْ، وَ اَرْحَمْنِيْ، وَ اجْبُرْنِيْ [یا: وَ اَعْجِزْنِيْ]، وَ اهْدِنِيْ، [وَ اِنِّيْ لِمَا اَنْزَلْتَ اِلَيَّ مِنْ خَيْرٍ فَقِيْرٌ]**. - خدایا، از من درگذر، و مورد مغفرت و رحمت خویش قرارم ده، و مرا بی نیاز [و یا: اصلاح، و یا: پاداشم عنایت] فرما، و هدایتم نمای، که من به آنچه برای من از خیر و خوبی نازل فرموده ای، نیازمندم. البته می تواند دعای دیگری را بخواند، و هرگاه دعا را تمام کرد، به صورتی که یادآور شدیم دو دستش را همراه با گفتن تکبیر بالا برده، و برای انجام سجده پایین می آید، و دعا و ذکر را که مشروحاً بیان نمودیم گفته، و بعد با حالت وقار می نشیند، سپس آنچه را که محمّد بن یعقوب کلینی از امام صادق (ع) روایت نموده، می گوید. که فرمود: هرگاه خواستی پس از انجام یک رکعت بپاخیزی، بر کف دستهای خویش تکیه بده و بگو: **بِحَوْلِ اللَّهِ وَقُوَّتِهِ اَعْقُوْمٌ وَ اَعْقَعِدٌ**. - به دگرگون کردن و نیرو و قدرت خداوند برمی خیزم و می نشینم. که علی (ع) نیز چنین می نمودند. (۱۷۱) و ابتدا سوره حمد و سپس سوره قل یا ائیها الکافرؤن را آهسته و با حالت اخفات می خواند، و پس از فراغت از آنها به همان صورتی که پیش از این یادآور شدیم، یعنی با حالت ذلت و عبودیت و حضور خاطر و قلب و توجه به اینکه در پیشگاه جلال بزرگوار و معظم الهی قرار دارد، دو دستش را برای گفتن قنوت بالا- می برد. و مستحب است که در قنوت کلمات فرج را بخواند، و ما آن را پیش از این ضمن تلقین محتضر ذکر نمودیم، اینک نیز یادآور می شویم تا برای جویندگان راحت تر باشد. در قنوت خویش می گوید: **لَا اِلَهَ اِلَّا اللَّهُ الْحَلِيْمُ الْكَرِيْمُ، لَا اِلَهَ اِلَّا اللَّهُ الْعَلِيُّ الْعَظِيْمُ، سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ السَّمٰوٰتِ السَّبْعِ وَ رَبِّ الْاَرْضِيْنَ السَّبْعِ وَ مَا فِيْهِنَّ وَ مَا بَيْنَهُنَّ [وَ مَا فَوْقَهُنَّ] وَ مَا تَحْتَهُنَّ، وَ رَبِّ الْعَرْشِ الْعَظِيْمِ، وَ سَلَامٌ عَلٰی الْمُرْسَلِيْنَ، وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِيْنَ**. - معبودی جز خداوند بردهار بزرگوار نیست، معبودی جز خداوند بلند مرتبه بزرگ نیست، پاک و منزّه است خداوندی که پروردگار آسمانها و زمینهای هفتگانه و تمام آنچه در آنها و در میان آنها [و بالا] و زیر آنها وجود دارد، و پروردگار عرش بزرگ می باشد. و درود بر فرستادگان، و ستایش برای خداوندی که پروردگار عالمیان است. سپس برای بزرگوارترین و عزیزترین خلائق (۱۷۲) در نزد خداوند - **جَلّ جلاله** - دعا می کنی، تا خداوند درهای دعا را به روی تو بگشاید، و گرنه آن بزرگوار از دعای تو بی نیاز است و نیازی به آن ندارد. بعد از آن به هر چه نیاز دارد به صورتی که خداوند - **جَلّ جلاله** - او را بدان رهنمون می گردد، دعا می نماید، سپس رکوع و دو سجده را درست به همان صورتی که در رکعت اول بجا آورد انجام می دهد. وقتی سر از سجده دوم برداشت، به کیفیتی که توضیح دادیم می نشیند سپس می گوید: **بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ، وَ الْاَسْمَاءُ الْحُسْنٰی كُلُّهَا لِلَّهِ، اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلَهَ اِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيْكَ لَهُ، وَ اَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُوْلُهُ، اَللّٰهُمَّ، صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ تَقَبَّلْ شَفَاعَتَهُ فِيْ اُمَّتِهِ، وَ اَرْفَعْ دَرَجَتَهُ**. - به نام خدا، و به [وسیله] خدا، و نیکوترین نامها [و کمالات] همگی از آن خداست، گواهی می دهم که معبودی جز خداوند وجود ندارد، که یگانه است و شریکی برای او نیست، و گواهی می دهم که حضرت محمّد بنده و رسول خداست، خداوندا، بر محمّد و آل محمّد درود فرست، و شفاعت او را درباره امتش بپذیر، و درجه و منزلتش را بلند گردان. و اگر تنها بر شهادت به یگانگی خداوند - **جَلّ جلاله** - و رسالت حضرت محمّد - (ص) -، و صلوات بر او و خاندانش (علیهم السلام) - (علیهم السلام) - بسنده نماید، کافی است. سپس سلام نماز را رو به قبله می گوید، و با گوشه دو چشم به سمت راست اشاره نموده و می گوید: **اَللّٰمُ عَلَیْكُمْ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَکَاتُهُ**. - سلام و رحمت و برکتها و خیرات خداوند بر شما باد.

تعقیبات و دعاهاى نافله هاى ظهر

۱ - در حالتی که دو دستش را به سوی لاله دو گوش خود بالا می برد، سه بار تکبیر می گوید، سنت مؤکدی که پیامبر اکرم (ص) در برخی از بشارتهایی که به آن بزرگوار داده شده، آن را سنت قرار داد. ۳ - سپس شروع می کند به گفتن تسبیح حضرت زهراء، فاطمه، دختر رسول خدا (ص) که عبارت است از سی و چهار بار تکبیر و سی و سه بار حمد و سی و سه بار تسبیح، همان گونه که در روایت آمده که امام صادق (ع) فرمود: هنگام گفتن تسبیح حضرت فاطمه (علیها السلام) ابتدا سی و چهار بار تکبیر، و سپس سی و سه بار حمد، و سپس سی و سه بار تسبیح می گویی. فضیلت تسبیح حضرت زهراء (علیها السلام) در روایتی آمده که امام صادق (ع) فرمود: تسبیح حضرت فاطمه (علیها السلام) در تعقیب نمازها، از خواندن هزار رکعت نماز [نافله] در هر روز در نزد من محبوبتر است. البته ترتیب تسبیح حضرت فاطمه (علیها السلام) به گونه دیگری نیز روایت شده است، چنانکه در حدیث آمده که امام صادق (ع) فرمود: هر کس [بخواهد] تسبیح حضرت زهراء، فاطمه (علیها السلام) را بگوید، ابتدا سی و چهار بار تکبیر گفته، و بعد سی و سه بار تسبیح می گوید، و تسبیح را به تکبیر متصل می کند، و بعد سی و سه بار حمد می گوید و حمد را به تسبیح متصل می کند. و بعد از آنکه اَلْحَمْدُ لِلَّهِ تسبیح حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) را به پایان برد می گوید: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتُهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ، يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا، صَلُّوا عَلَيْهِ، وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا. (۱۷۳)، لَيْتَكَ رَبَّنَا وَ سِعْدَيْكَ. اَللَّهُمَّ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَلَى أَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ وَ عَلَى ذُرِّيَّةِ مُحَمَّدٍ، وَ السَّلَامُ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمْ، وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ، وَ أَشْهَدُ أَنَّ التَّسْلِيمَ مِنَّا لَهُمْ وَ الْإِثْمَامَ [يا: الإيمان] بِهِمْ وَ التَّصْدِيقَ لَهُمْ، رَبَّنَا، آمَنَّا وَ صَدَقْنَا وَ اتَّبَعْنَا الرَّسُولَ وَ آلَ الرَّسُولِ، فَكُتِبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ، اَللَّهُمَّ، صُبِّ عَلَيْنَا الرِّزْقَ صَبًّا صَبًّا، بَلَاغًا لِلْآخِرَةِ وَ الدُّنْيَا، مِنْ غَيْرِ كَدٍّ وَ لَا نَكْدٍ وَ لَا مَنْ مِنْ آءِخِدٍ مِنْ خَلْقِكَ، إِلَّا سَعَهُ مِنْ رِزْقِكَ وَ طَيِّبًا مِنْ وُسْعِكَ مِنْ يَدِكَ الْمَلَأَى عِفَافًا، لَا مِنْ أَيْدِي لِنَا مَخْلُوقِكَ، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. اَللَّهُمَّ اجْعَلِ الثَّوْرَ فِي بَصَرِي، وَ الْبُصَيْرَةَ فِي دِينِي، وَ الْيَقِينَ فِي قَلْبِي، وَ الْإِخْلَاصَ فِي عَمَلِي، وَ السَّعْيَةَ فِي رِزْقِي، وَ ذِكْرَكَ بِاللَّيْلِ وَ النَّهَارِ عَلَى لِسَانِي، وَ الشُّكْرَ لَكَ اءَيْدًا مَا اءَبَقْتَنِي. اَللَّهُمَّ، لَا تَجِدْنِي حَيْثُ نَهَيْتَنِي، وَ بَارِكْ لِي فِي مَا اءَعْطَيْتَنِي، وَ اَرْحَمْنِي إِذَا تَوَفَّيْتَنِي، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. -

معبودی جز خدا نیست، براستی که خداوند و ملائکه اش تقاضای رحمت بر پیامبر اکرم (ص) می کنند، ای کسانی که ایمان آورده اید، برای او درخواست رحمت کنید، و براستی تسلیم او شوید. آری، ای پروردگار ما آری، خداوند، بر محمد و آل محمد و بر اهل بیت و فرزندان حضرت محمد درود فرست، و سلام و درود و رحمت و برکات خداوند بر او و ایشان باد، و گواهی می دهم که ما باید تسلیم آنان شویم، و به ایشان اقتدا کنیم، [یا: ایمان آوریم]، و ایشان را تصدیق کنیم. پروردگارا، ایمان آوردیم و تصدیق نمودیم و از پیامبر و خاندان او پیروی نمودیم، پس ما را از جمله شاهدان و گواهان بنویس. خدایا، روزی که ما را به [خواسته های] آخرت و دنیا برساند، بسیار بسیار بر ما فرو بار، بدون اینکه بسیار و سخت بکوشیم و کم بدست آوریم، و یا کسی از آفریدگانت بر ما منت نهد، بلکه روزی وسیع و گسترده و پاکیزه ات را از دست پُرتر رحمت خویش همراه با پاکدامنی، و نه از دست خلاق پست [به من ارزانی دار]. خداوند، در دیده ام روشنایی، و در دینم بصیرت و روشن دلی، و در علمم اخلاص، و در روزی ام وسعت، و یادت را در شبانه روز بر زبانم قرار ده، و سپاسگزاری از خویش را پیوسته و تا زمانی که [در این دنیا] پاینده ام داشته ای، ارزانی ام دار، خداوند، هرگز مرا در آنجا که نهی فرموده ای [یعنی گناهان و غفلت] نیاب، و آنچه را که عطا فرموده ای پر خیر و برکت گردان، و هنگامی که جانم را می ستانی بر من رحم آر، براستی که تو بر هر چیز توانایی. خداوند، تمام گناهان او را آمرزیده، و از همان روز و ساعت و لحظه و ماه و سال تا سال دیگر از ناداری و نیازمندی و دیوانگی و جذام و پیسی و از مرگ بد، و از هر گرفتاری و بلایی که از آسمان به زمین فرو می آید عافیت می بخشد. و برای او در برابر این عمل شهادت به کلمه اخلاص لا-إِلَهَ إِلَّا-اللَّهُ همراه با ثواب آن تا روز قیامت نوشته می شود، که ثواب و پاداش آن مسلماً بهشت است. راوی می گوید: عرض کردم: آیا این ثوابها و نتایج برای کسی است که آن را در هر روز، تا یک سال بگوید؟ فرمود: خیر، اینها برای کسی است که از امسال تا سال دیگر یک بار آن را گفته باشد، همه آن ثوابها برای او نوشته می

شود، و تا مثل همان روز و ساعت و ماه از امسال تا سال دیگر که گردش خورده و فرا رسد، او را کفایت می کند. ۳ - جمله دعاهایی که سزاوار است انسان بعد از سلام همه نافله های ظهر بخواند، این دعاست که: اَءَلَلَّهُمَّ، اِنِّی ضَعِیفٌ فَقَوِّ [فی رِضَاکَ ضَعْفی، وَ خُذْ لِی الْخَیْرَ بِنَاصِیَّتِی، وَ اجْعَلِ الْاِیْمَانَ مُنْتَهٰی رِضَایَ، وَ بَارِکْ لِی فِیْمَا قَسَمْتَ لِی، وَ بَلِّغْنِی بِرَحْمَتِکَ کُلَّ الَّذِی اَرْجُو مِنْکَ، وَ اجْعَلْ لِی وُدًّا وَ سُرُورًا لِّلْمُؤْمِنِیْنَ، وَ عَهْدًا عِنْدَکَ. - خداوندا، براستی که من ناتوانم، پس در خشنودی خویش ناتوانی ام را مبدل به نیرومندی گردان، و [موی] پیشانی [و تمام وجودم] را بگیر و به سوی خیر و خوبی [رهسپار ساز]، و ایمان را منتهای خشنودام قرار ده، و آنچه را که برای من قسمت و مقدر فرموده ای مبارک گردان، و با رحمت خویش مرا به تمام آنچه که از تو آرزو دارم نایل گردان، و دوستی من و شادمانی از من را در [دل] مؤمنان، و عهد و پیمانی در نزد خویش [برای من] قرار ده. ۴ - از جمله دعاهایی که در تعقیب هر دو رکعت از نوافل ظهر خوانده می شود این دعاست، که آن را با صدای بلند می خوانی: رَبِّ، صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ اَعْزِّنِی مِنَ الشَّیْئَاتِ، وَ اَسْئِعْمِلْنِی عَمَلًا بِطَاعَتِکَ، وَ اَرْفَعْ دَرَجَتِی بِرَحْمَتِکَ، یَا اَءَلَلَّهُ، یَا رَبِّ، یَا رَحْمَنُ، یَا رَحِیْمُ، یَا حَنَّانُ، یَا مَنَّانُ، یَا ذَا الْجَلَالِ وَالْاِکْرَامِ، اَءَسْأَلُکَ رِضَاکَ وَ جَنَّتِکَ، وَ اَءَعُوذُ بِکَ مِنْ نَارِکَ وَ سَخَطِکَ، اَءَسْئِعِیْزُ بِاللَّهِ مِنَ النَّارِ. - پروردگارا، بر محمد و آل او درود فرست، و مرا از گناهان و بدیها در پناه خویش در آور، و در عمل به طاعت خویش بکارم گیر، و منزلت مرا به رحمت خویش بلند گردان، ای خدا، ای پروردگار، ای رحمان، ای رحیم، ای بسیار مهربان، ای بسیار بخشنده، ای صاحب بزرگی و بزرگواری، از تو خشنودی و بهشت را خواهانم، و از آتش جهنم و ناخشنودی ات به تو پناه می برم، به خدا پناه می برم از آتش جهنم. ۵ - اینک روایتی مفصل پیرامون دعاهایی که در تعقیب هر دو رکعت از نافله های ظهر خوانده می شود، ذکر می کنیم: عبدالله بن حسن بن حسن به نقل از مادرش فاطمه، دختر امام حسن (علیها السلام) از پدر بزرگوارش حسن بن علی - صلوات الله علیهما - روایت می کند که: رسول خدا (ص) پیوسته این دعا را بین دو رکعت از نماز نافله ظهر می خواندند: دعای بعد از دو رکعت اول: اَءَلَلَّهُمَّ، اَءَنْتَ اَءَکْرَمُ مِیَءَتِی، وَ اَءَکْرَمُ مَرُورٍ، وَ خَیْرٌ مِّنْ طَلَبٍ اِلَیْهِ الْحَاجَاتُ، وَ اَءَجُودُ مَنْ اَعْطٰی، وَ اَءَرْحَمُ مَنْ اَسْتَرْحَمَ، وَ اَءَرُوْفُ مَنْ عَفٰی، وَ اَءَعَزُّ مَنْ اَعْتَمَدَ، اَءَلَلَّهُمَّ، بِنِیِّ اِلَیْکَ فَاَقَّةً، وَ لِی اِلَیْکَ حَاجَاتٌ، وَ لَکَ عِنْدِی طَلِبَاتٌ مِّنْ ذُنُوبِ اَءَنَّا بِهَا مُرْتَهِنٌ، وَ قَدْ اَءَوْفَرْتُ ظَهْرِی وَ اَءَوْبَقْتَنِی، وَ اِنْ لَا تَرْحَمْنِی وَ تَغْفِرْ لِی، اَءَکُنْ مِنَ الْخَاسِرِیْنَ. اَءَلَلَّهُمَّ اَعْتَمِدْتُکَ فِیْهَا تَائِبًا اِلَیْکَ، فَصَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ اَغْفِرْ لِی ذُنُوبِی کُلَّهَا قَدِیْمَهَا وَ حَدِیْثَهَا، سِرَّهَا وَ عَلَانِیَّتَهَا، خَطَاَءَهَا وَ عَمَلِیَّهَا، صَیْرِهَا وَ کَبِیْرِهَا، وَ کُلَّ ذَنْبٍ اَءَذْنَبْتُهُ وَ اَءَنَّا مِیْذَنْبُهُ، مَغْفِرَةً عَزَمًا لَا تُغَادِرُ ذَنْبًا وَاحِدًا، وَ لَا اَءَکْتَسِبُ بَعْدَهَا مُحَرَّمًا اَبَدًا، وَ اَقْبَلْ مِنِّی الْیَسِیْرَ مِنْ طَاعَتِکَ، وَ تَجَاوَزْ لِی [یا: تَجَاوَزْنِی] عَنِ الْکَثِیْرِ [یا: الْکَبِیْرِ] مِنْ مَعْصِیَتِکَ، یَا عَظِیْمُ، اِنَّهُ لَا یَغْفِرُ الْعَظِیْمُ اِلَّا الْعَظِیْمُ، یَسْأَلُهُ مَنْ فِی السَّمٰوٰتِ وَ الْاَرْضِ، کُلُّ یَوْمٍ هُوَ فِی شَءَنْ، یَا مَنْ هُوَ کُلُّ یَوْمٍ فِی شَءَنْ، صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ اجْعَلْ لِی فِی شَءَانِکَ شَءًا حَاجَتِی، [یا: وَ اقْضِ فِی شَءَانِکَ حَاجَتِی]، وَ حَاجَتِی هِیَ فَکَاکُ رَقَبَتِی مِنَ النَّارِ، وَ الْاَمَانُ مِنْ سَخَطِکَ، وَ الْفَوْزُ بِرِضَاوَتِکَ وَ جَنَّتِکَ، وَ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ اَمْنٌ بِذَلِکَ عَلٰی وَ بِکُلِّ مَا فِیْهِ صِلَاحِی، اَءَسْأَلُکَ بِنُورِکَ السَّیَاطِعِ فِی الظُّلُمَاتِ، اَءَنْ تُصِلِّی عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ لَا تُفَرِّقَ بَیْنِی وَ بَیْنَهُمْ فِی الدُّنْیَا وَ الْاٰخِرَةِ، اِنَّکَ عَلٰی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیْرٌ. اَءَلَلَّهُمَّ، وَ اَکْتُبْ لِی عِتْقًا مِنَ النَّارِ مَبْتُوَلًا، وَ اجْعَلْنِی مِنَ الْمُتَمِیْنِ اِلَیْکَ، اَءَلْتَّابِعِیْنَ لِاَمْرِکَ، اَءَلْمُحِبِّیْنَ الَّذِیْنَ اِذَا ذُکِرْتَ وَجَلَّتْ قُلُوبُهُمْ، وَ اَلْمُسْتَكْمِلِیْنَ مَنَاسِكَتَهُمْ، وَ الصَّیَابِرِیْنَ فِی الْبَلَاءِ، وَ الشَّاکِرِیْنَ فِی الرِّخَاءِ، وَ الْمُطِیْعِیْنَ لِاَمْرِکَ فِیْمَا اَءَمَرْتَهُمْ بِهِ، وَ الْمُقِمِّیْنَ الصَّلَاةَ، وَ الْمُؤْتِیْنَ الزَّکَاةَ، وَ الْمُتَوَكِّلِیْنَ عَلَیْکَ. اَءَلَلَّهُمَّ، اَءَضْعِفْ لِی [یا: اَءَضْعِفْنِی. (۱۷۴)] - یا کریم، - کرامتک، وَ اَءَجْزِلْ لِی عَطِیَّتِکَ، وَ الْفَضِیْلَةَ لِمَدِیْکَ، وَ الرَّاحَةَ مِنْکَ، وَ الْوَسِیْلَةَ اِلَیْکَ، وَ الْمَنْزِلَةَ عِنْدَکَ، مَا تَکْفِیْنِی بِهِ کُلُّ هَؤُلَ دُونَ الْجَنَّةِ، وَ تُظِلُّنِی فِی ظِلِّ عَرْشِکَ یَوْمَ لَا ظِلَّ اِلَّا ظِلُّکَ، وَ تُعْظِمُ نُورِی، وَ تُغَطِّیْنِی کِتَابِی بِیَمِیْنِی، وَ تُضَعِّفُ حِسَابِی [یا: حَسَنَاتِی]، وَ تَخْشُرْنِی فِی اَفْضَلِ الْوَقْتِیْنَ اِلَیْکَ مِنَ الْمُتَقِیْنَ، تُسَبِّحُنِی [یا: وَ تُسَبِّحُنِی] فِی عَلَیِّیْنَ، وَ اجْعَلْنِی مِمَّنْ تَنْظُرُ اِلَیْهِ بِوَجْهِکَ الْکَرِیْمِ، وَ تَتَوَقَّأْنِی وَ اَءَنْتَ عَنِّی رَاضٍ، وَ اَءَلْحِقْنِی بِعِبَادِکَ الصَّالِحِیْنَ. اَءَلَلَّهُمَّ، صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ اَقْبَلْنِی بِذَلِکَ کَلِّهِ مُفْلِحًا مُنْجِحًا، قَدْ غَفَرْتُ لِی خَطَايَایَ وَ ذُنُوبِی کُلَّهَا

وَكَفَرْتَ عَنِّي سَيِّئَاتِي ، وَحَطَطْتَ عَنِّي وَزْرِي ، وَشَفَعْتَنِي فِي جَمِيعِ حَوَائِجِي فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ فِي يُسْرِ مِنْكَ وَعَافِيَةٍ . اِئْتِنِي ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ ، وَتَخْلُطْ بِشَيْءٍ مِنْ عَمَلِي وَلَا بِمَا تَقَرَّبْتُ بِهِ إِلَيْكَ رِيَاءً وَلَا سُمْعَةً وَلَا أَشْرًا وَلَا بَطْرًا ، وَاجْعَلْنِي مِنَ الْخَاشِعِينَ لَكَ . اِئْتِنِي ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ ، وَاعْظِنِي السَّعْيَةَ فِي رِزْقِي ، وَالصَّحَّةَ فِي جِسْمِي ، وَالْقُوَّةَ فِي يَدَيَّ عَلَى طَاعَتِكَ وَعِبَادَتِكَ ، وَاعْظِنِي مِنْ رَحْمَتِكَ وَرِضْوَانِكَ وَعَافِيَتِكَ مَا تُسَلِّمُنِي بِهِ مِنْ كُلِّ بَلَاءٍ الْآخِرَةِ وَالْدُّنْيَا ، وَارْزُقْنِي الرَّحْمَةَ مِنْكَ ، وَالرَّغْبَةَ إِلَيْكَ ، وَالْخُشُوعَ لِمَكَ ، وَالْوَقَارَ وَالْحَيَاءَ مِنْكَ ، وَالتَّعْظِيمَ لِتَذَكُّرِكَ ، وَالتَّقْدِيسَ لِمَجْدِكَ اِئْتِنِي حَيَاتِي ، حَتَّى تَتَوَفَّانِي وَاعْظِنِي رَاضٍ . اِئْتِنِي ، وَاعْظِنِي لَكَ السَّعْيَةَ وَالِدَّيَّةَ وَالْأَمْنَ وَالْكَفَايَةَ وَالسَّلَامَةَ وَالصَّحَّةَ وَالْقُنُوعَ وَالْعِصْمَةَ وَالْهُدَى وَالرَّحْمَةَ وَالْعَفْوَ وَالْعَافِيَةَ وَالْيَقِينَ وَالْمَغْفِرَةَ وَالشُّكْرَ وَالرِّضَا وَالصَّبْرَ وَالْعِلْمَ وَالصَّدْقَ وَالْإِيمَانَ وَالْثَّقْوَى وَالْحِلْمَ وَالتَّوَاضُّعَ وَالْيُسْرَ وَالتَّوْفِيقَ . اِئْتِنِي ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ ، وَاعْظِنِي بِذَلِكَ أَهْلَ بَيْتِي وَقَرَابَاتِي وَإِخْوَانِي فِيكَ وَمَنْ أَحَبَّيْتُ وَاعْظِنِي فِيكَ أَوْ وَلَدْتُهِ وَوَلَدَنِي مِنْ جَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ . وَاعْظِنِي بِكَ يَا رَبُّ حُشْنَ الظَّنِّ بِكَ ، وَالصَّدْقَ فِي التَّوَكُّلِ عَلَيْكَ ، وَاعْظِنِي بِكَ يَا رَبُّ ، اَعَنْ تَبْتَلِيَنِي بِبَلِيَّةٍ تَحْمِلُنِي ضَرْوَرُهَا عَلَى التَّعَوُّثِ بِشَيْءٍ مِنْ مَعَاصِيكَ ، وَاعْظِنِي بِكَ يَا رَبُّ اَعَنْ اَكُونَ فِي حَالٍ عُسِيرٍ أَوْ يُسْرٍ اَعْظِنِي اَعَنْ مَعَاصِيكَ اَنْتَجِحُ فِي طَلِبَتِي مِنْ طَاعَتِكَ ، وَاعْظِنِي بِكَ مِنْ تَكْلُفٍ مَالًا تَقْدِرُ لِي فِيهِ رِزْقًا ، وَمَا قَدَرْتَ لِي مِنْ رِزْقٍ ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ ، وَاتَّبِعْنِي فِي يُسْرِ مِنْكَ وَعَافِيَةٍ . يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ . - خداوندا ، تو گرامی ترین کسی هستی که به سوی تو می آیند ، و گرامی ترین زیارت شونده ، و بهترین کسی هستی که خواسته ها و حوایج از تو درخواست می شود ، و بخشنده ترین کسی هستی که عطا می فرمایی ، و مهربانترین کسی هستی که از تو تمنای رحمت و مهربانی می شود ، و رؤوف ترین کسی هستی که عفو می فرمایی ؟ و سربلندترین کسی هستی که به او اعتماد می شود . خدایا ، من به تو نیازمندم و به تو خواسته ها دارم ، و تو در نزد من طلبکاریهایی از گناهان داری ، و من در گرو آنها هستم ، و آنها پشت مرا سنگین و نابودم کرده اند ، اگر بر من رحم نفرمایی و مورد مغفرت خویش قرار ندهی ، از زیانکاران خواهم بود . خداوندا ، در حالی که از گناهانم به سوی توبه می نمایم ولی درباره گناهانم به توست ، اعتمادم پس بر محمد و آل محمد درود فرست ، و تمامی گناهانم قدیم و جدید ، و نهان و آشکار ، خطا و عمد ، کوچک و بزرگ ، و هر گناهی را که از من سرزده ، و یا در حال انجام آن هستم ، مورد مغفرت خویش قرار ده ، مغفرتی مسلم و حتمی ، به گونه ای که حتی یک گناه برای من باقی نگذاری ، و بعد از آن هیچگاه حتی یک حرام را مرتکب نشوم . طاعت اندکت را از من قبول فرما ، و از گناه و نافرمانی بسیار [یا : بزرگم] در گذر . ای بزرگ ، بی گمان بزرگ را جز بزرگوار نمی آمرزد ، تمام کسانی که در آسمانها و زمین هستند از او درخواست می کنند ، هر روزی خداوند در کار تازه ای است ، ای کسی که هر روز در کار [تازه] ای هستی ، بر محمد و آل محمد درود فرست ، و امر حاجت مرا از جمله شائن و امور خویش قرار ده [یا : آن را برآورده فرما] ، و حاجتم همان رهایی ام از آتش جهنم ، و ایمنی از ناخشنودی ، و کامیابی به خشنودی و بهشت می باشد . و بر محمد و آل محمد درود فرست ، و به این امور و هر چیزی که صلاح من در آن است ، بر من منت نه . به [حق] نور درخشانده ات در تاریکیها از تو درخواست می کنم که بر محمد و آل محمد درود فرستی ، و میان من و ایشان در دنیا و آخرت جدایی نیاندازی ، براستی که تو بر هر چیز توانایی . خداوندا ، و برای من رهایی و آزادی دایمی از آتش جهنم را بنویس ، و از انابه و رجوع کنندگان به تمام وجود به سوی خود ، که تابع ، دستورات می باشند ، و همواره به تو آرامش حاصل می کنند و پیوسته متوجه تو می باشند ، آنان که وقتی یاد تو برده می شود دلهایشان لرزان و هراسان می گردد ، و از کسانی که به عبادات چنگ زده ، و در هنگام گرفتاری شکیبایی پیشه نموده و در حالت خوشی سپاسگزارند ، و در تمام آنچه بدان امر فرموده ای دستورات را اطاعت می نمایند ، و نماز را بپا داشته ، و زکات اموالشان را عطا می کنند ، و بر تو توکل می نمایند ، قرار ده . خدایا ، کرامت و بخشش ات را بر من دو چندان گردان ، ای کریم ، و عطا و فضیلت و شرافت در نزدت و آسودگی ای از جانب خویش و دستاویزی به سوی خود و مقام و منزلت یافتن در نزدت را به اندازه ای بر من افزون عطا فرما که به واسطه آن از هر هول و هراسی

تا رسیدن به بهشت مرا کفایت نموده، و در روزی که سایه ای جز سایه رحمت تو وجود ندارد، مرا در سایه عرش قرار داده، و نور عظیم خویش را بر من عطا فرموده، و نامه عملم را به دست راستم داده، و اعمال نیکم [یا: حساب رسی ام] را دو چندان گردانیده، و در میان برترین وارد شوندگان به محضر خویش از اهل تقوی محشورم ساخته، و در علّیین [و بالاترین مقام در بهشت] جای دهی. و نیز مرا از کسانی که با روی [و اسماء و صفات] گرامی ات به ایشان نظر می افکنی قرار داده، و در حالتی که از من راضی و خشنودی، جانم را بستان، و به بندگان شایسته ات ملحق فرما. خدایا، بر محمد و آل محمد درود فرست، و مرا همراه با برآورده ساختن همه این خواسته ها برگردان، در حالی که رستگار و کامیاب باشم، و تمام خطاها و گناهانم را آمرزیده، و بدیهام را پوشانده، و بار گناهان مرا برداشته، و در برآوردن همه حوایج دنیا و آخرتم همراه با آسانی و عافیت از جانب خویش شفاعت نموده باشی. خداوندا، بر محمد و آل محمد درود فرست و هیچ کدام از اعمالم و هرچه را که به واسطه آن به سوی تو نزدیکی جستم، به ریاء و سمعه و شادمانی از روی هوی و هوس، و طغیان در استفاده از نعمتها آمیخته نگردان، و از فروتنان در گاهت قرار ده. خدایا، بر محمد و آل محمد درود فرست و وسعت در روزی، و بهبودی در تن، و نیرو و قدرت در بدن بر انجام طاعت و عبادت را عطا فرما، و از رحمت و خشنودی و عافیت به اندازه ای به من ارزانی دار که مرا از تمام گرفتاریهای دنیا و آخرت سالم نگاه داری. و بیم و هراس از خود، و میل و رغبت به سویت، و خشوع و فروتنی در برابر خود، و وقار و حیاء و شرم از خود، و تعظیم و بزرگداشت ذکر، و به پاکی یاد کردن بزرگی ات را در تمام ایام عمرم روزی ام گردان، تا اینکه در حال خرسندی از من، جانم را بستانی. خداوندا، و از تو وسعت و آرامش و امنیت و ایمنی و کفایت و سلامتی و بهبودی و قناعت [و یا: عبادت] و عصمت [از گناهان] و هدایت و رحمت و عفو و گذشت و عافیت و یقین و مغفرت و شکر و خشنودی و شکیبایی و آگاهی و راستی و نیکی کردن و تقوی و بردباری و تواضع و توانگری و توفیق را درخواست می نمایم. خدایا، بر محمد و آل محمد درود فرست و همه این خواسته ها درباره خانواده و خویشان و نزدیکان و برادران دینی ام در راه تو، و تمام کسانی که دوستشان می دارم، و آنان که مرا در راه تو دوست می دارند، و تمام مردان و زنان مؤمن و مسلمان که فرزند و نسل من محسوب می شوند، و یا من فرزند و از نسل آنان به شما می آیم، مستجاب بفرما. و ای پروردگار من، گمان نیک به تو، و صدق در توکل بر تو را از تو درخواست می نمایم. و ای پروردگار من، به تو پناه می برم از اینکه مرا به بلایی گرفتار نمایی که مرا به ناچار بر یاری جستن به گناهی از گناهات وادار کند، و ای پروردگار من، به تو پناه می برم از اینکه در حالی (تنگی روزی و یا توانگری) باشم که گمان کنم گناهان و معاصی ات در برآوردن خواسته ام از طاعت تو زودتر به مقصودم می رساند، و به تو پناه می برم از به زحمت انداختن خود در چیزی که در آن برای من روزی مقدر نفرموده ای. و هر روزی ای را که برای من مقدر فرموده ای، پس بر محمد و آل او درود فرست و آن را با آسودگی و عافیت از جانب خویش به من ارزانی دارد. ای مهربانترین مهربانها. و با صدای بلند بگو: رَبِّ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاعْزُزْنِي مِنَ السَّيِّئَاتِ، وَاسْتَعْمِلْنِي عَمَلًا بِطَاعَتِكَ، وَارْزُقْ دَرَجَتِي بِرَحْمَتِكَ، يَا أَللَّهُ، يَا رَبِّ، يَا رَحْمَانُ، يَا رَحِيمُ، يَا حَنَّانُ [یا مَنَّانُ]، يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ، اءَسْأَلُكَ رِضَاكَ وَجَنَّتِكَ، وَءَعُوذُ بِكَ مِنْ نَارِكَ وَسَيِّئَاتِكَ، اءَسْتَجِيرُ بِاللَّهِ مِنَ النَّارِ. - پروردگارا، بر محمد و آل او درود فرست، و مرا از گناهان و بدیها در پناه خویش درآور، و در عمل به طاعت خویش بکارم گیر، و به رحمت خویش منزلتم را بلند گردان، ای خدا، ای پروردگار، ای رحمان، ای رحیم، ای بسیار مهربان، [ای بسیار بخشنده]، ای صاحب بزرگی و بزرگواری، از تو خشنودی و بهشت را خواهانم، و از آتش جهنم و ناخشنودی ات به تو پناه می برم، به خدا پناه می برم از آتش جهنم. سپس به سجده رفته و می گوئی: اَللّهُمَّ، [إِنِّي أَسْتَغْفِرُكَ بِجُودِكَ وَكَرَمِكَ]، وَءَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِمُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ، وَءَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِمَلَا-ئِكَتِكَ الْمُقَرَّبِينَ وَءَنْبِيَآئِكَ الْمُرْسَلِينَ، اءَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَءَنْ تُفِيلَنِي عِشْرَتِي، وَتَشِيرَ عَنِّي دُنُوبِي، وَتَغْفِرَها لِي، وَتَقْلِبَنِي الْيَوْمَ بِقَضَاءِ حَاجَتِي، وَلَا تُعَذِّبَنِي بِقَبِيحِ مَا كَانَ مِنِّي، يَا أَهْلَ التَّقْوَى وَءَهْلَ الْمُغْفَرَةِ، يَا بُرِّ، يَا كَرِيمُ، اءَنْتَ أَكْبَرُ بِي مِنْ اَبِي وَءُمِّي وَمِنْ

نَفْسِي وَمِنْ النَّاسِ أَجْمَعِينَ، بِي إِلَيْكَ فَاقَهُ وَفَقَّرَ، وَأَنْتَ عَنِّي غَنِيٌّ [يا: عَنِّي غَنِيٌّ، اءِشَاءُ لُكَ]، اءَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تَرْحَمَ فَقْرِي، وَتَسْتَجِيبَ دُعَائِي، وَتَكْفُفَ عَنِّي اءَنْوَاعَ [يا: اءِثْوَابَ] اَلْبَلَاءِ، فَإِنَّ عَفْوَكَ وَجُودَكَ يَسَّعَانِي. - خداونداندا، [به واسطه جود و کرمّت] و به واسطه حضرت محمّد بنده و رسولت و به فرشتگان مقرب درگاهت و پیامبران فرستاده شده ات، به سوی تو نزدیکی جسته و آنها را واسطه قرار می دهیم که بر محمّد و آل محمّد درود فرستی، و لغزش ام را نادیده بگیری، و گناهانم را ببوشانی و بیامیزی، و همین امروز مرا با برآورده نمودن خواسته ام برگردانی، و به واسطه اعمال زشتی که از من سرزده عذابم نفرمایی، ای اهل نگاهداری و زبینه آمرزش، ای نیکوکار، ای بزرگوار، تو نسبت به من از پدر و مادر و از خودم و از همه مردم نیکوکارتر می باشی، من به تو حاجتمند و نیازمندم، و تو از من بی نیازی - [از تو درخواست می کنم] که بر محمّد و آل محمّد درود فرستی و بر فقر و ناداری ام رحم آورده، و دعایم را مستجاب فرموده، و انواع و اقسام [یا: درها]ی بلا را به رویم ببندی، که مسلماً گذشت و بخشش تو مرا فرا می گیرد. دعای بعد از سلام دو رکعت دوم: اَللّٰهُمَّ، اِلٰهَ السَّمٰوٰتِ وَ اِلٰهَ الْاَرْضِ، وَ فَاطِرَ السَّمٰوٰتِ وَ فَاطِرَ الْاَرْضِ، وَ تَوْرَ السَّمٰوٰتِ وَ تَوْرَ الْاَرْضِ، وَ زَيْنَ السَّمٰوٰتِ وَ زَيْنَ الْاَرْضِ، وَ عِمَادَ السَّمٰوٰتِ وَ عِمَادَ الْاَرْضِ، وَ يَدَيِ السَّمٰوٰتِ وَ يَدَيِ الْاَرْضِ، ذَا الْجَلَالِ وَ الْاِكْرَامِ، صِرِيْخَ الْمُشْتَصِرِّينَ وَ غَوْثَ الْمُسْتَغِيثِيْنَ وَ مُنْتَهٰى غَايَةِ الْعَابِدِيْنَ، اءَنْتَ الْمُفْرَجُ عَنِ الْمَكْرُوْبِيْنَ، اءَنْتَ الْمُزَوِّجُ عَنِ الْمَعْمُوْمِيْنَ، اءَنْتَ اَرْحَمُ الرَّاحِمِيْنَ، مُفْرَجُ الْكُرْبِ وَ مُجِيبُ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّيْنَ، اِلٰهَ الْعَالَمِيْنَ، اءَلْمَنْزُوْلُ بِهٖ كُلُّ حَاجَةٍ، يَا عَظِيْمًا يُزْجِي لِكُلِّ عَظِيْمٍ، صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ اَفْعَلْ بِيْ كَذَا وَ كَذَا. - خدایا، ای معبود آسمان و معبود زمین، و پدید آورنده آسمان و زمین، و نور آسمان و زمین، و زینت آسمان و زمین، و تکیه گاه آسمان و زمین، و نو آفرین آسمان و زمین، صاحب بزرگی و بزرگواری، این فریادرس کمک خواهان و یاور یاری جویان، و منتهای اهداف عابدان، تویی برطرف کننده ناراحتی کسانی که ناراحتی سخت و گلوگیر دارند، تویی آسوده کننده اندوهناکان، تویی مهربانترین مهربانها، گشاینده و برطرف کننده ناراحتی سخت، و اجابت کننده دعای درماندگان، معبود عالیشان، هر حاجتی به درگاه تو آورده می شود، ای بزرگی که برای برآورده نمودن هر امر بزرگ به تو امید بسته می شود، بر محمّد و آل محمّد درود فرست، و به من چنین و چنان کن. و با صدای بلند بگو: رَبِّ، صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ اَعْزِزْنِيْ مِنَ السَّيِّئَاتِ، وَ اَسْتَعْمَلْنِيْ عَمَلًا بِطَاعَتِكَ، وَ اَرْفَعْ دَرَجَتِيْ بِرَحْمَتِكَ، يَا اَللّٰهُ، يَا رَبِّ، يَا رَحْمٰنُ، يَا رَحِيْمُ، يَا حَنَّٰنُ، يَا مَنَّٰنُ، يَا ذَا الْجَلَالِ وَ الْاِكْرَامِ، اءِشَاءُ لُكَ رِضَاكَ وَ جَنَّتِكَ، وَ اءَعُوْذُ بِكَ مِنْ نَارِكَ وَ سَخَطِكَ، اءَسْتَجِيْرُ بِاللّٰهِ مِنَ النَّارِ. - پروردگارا، بر محمّد و خاندان او درود فرست، و مرا از گناهان و بدیها در پناه خویش درآور، و در عمل به طاعت خویش بکارم گیر، و منزلتم را به رحمت خویش بلند گردان، ای خدا، ای پروردگار، ای رحمان، ای رحیم، ای مهربان، ای بسیار مهربان، ای بسیار بخشنده، ای صاحب بزرگی و بزرگواری، از تو خشنودی و بهشت را خواهانم، و از آتش جهنّم و ناخشنودی ات به تو پناه می برم، به خدا پناه می برم از آتش جهنّم. دعای بعد از سلام دو رکعت سوم: يَا عَلِيُّ يَا عَظِيْمُ، يَا حَيُّ يَا عَلِيْمُ، يَا غَفُوْرُ يَا رَحِيْمُ، يَا سَمِيْعُ يَا بَصِيْرُ، يَا وَاحِدُ يَا اَحَدُ، يَا صَمَدُ يَا مَنْ لَمْ يَلِدْ وَ لَمْ يُوْلَدْ، وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا اَحَدٌ، يَا رَحْمٰنُ يَا رَحِيْمُ، يَا تَوْرَ السَّمٰوٰتِ وَ الْاَرْضِ، تَمَّ نُورُ وَجْهِكَ، اءِشَاءُ لُكَ بُنُوْرُ وَجْهِكَ الَّذِيْ اءَشْرَقَتْ لَهُ السَّمٰوٰتُ وَ الْاَرْضُ، وَ بَاسْمِكَ الْعَظِيْمِ الْعَظِيْمِ الَّذِيْ اِذَا دُعِيْتُ بِهٖ اَجَبْتُ، وَ اِذَا سُئِلْتُ بِهٖ اَعْطَيْتَ، وَ بِقُدْرَتِكَ عَلٰى مَا تَشَآءُ مِنْ خَلْقِكَ، فَاِنَّمَا اَمْرُكَ اِذَا اَرَدْتَ شَيْئًا، اءَنْ تَقُوْلَ لَهُ كُنْ، فَيَكُوْنُ، اءَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اءَنْ تَفْعَلَ بِيْ كَذَا وَ كَذَا. - ای بلند مرتبه، ای بزرگ، ای زنده، ای آگاه، ای بسیار آمرزنده، ای مهربان، ای شنوا، ای بینا، ای یگانه، ای بی همتا، ای بی نیازی که همگان به او نیازمندند، ای کسی که نه زاده ای و نه زاده شده ای و هیچ کس همتای تو نیست، ای رحمان، ای رحیم، ای نور آسمانها و زمین، نور روی [و اسماء و صفات] تو تمام و کامل گشته و همه چیز را فرا گرفته است، به نور رویت که آسمانها و زمین بدان روشن گشته از تو مسألت دارم، و به اسم بزرگ بزرگتر بزرگتر که هرگاه به آن خوانده شوی اجابت می نمایی، و هرگاه به آن درخواست شوی عطا می فرمایی، و به قدرتت بر هر یک از مخلوقات

که خواهی ، از تو درخواست می نمایم - زیرا هنگامی که چیزی را اراده نموده باشی ، تنها کارِ تو این است که به آن بفرمایی ، موجود شو . آنگاه [بی درنگ] پدید می آید - که بر محمد و آل محمد درود فرستی و به من چنین و چنان نمایی . و با صدای بلند بگو : رَبِّ ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ ، وَاعْزِزْنِي مِنَ السَّيِّئَاتِ ، وَاسْتَعْمِلْنِي عَمَلًا بِطَاعَتِكَ ، وَارْفَعْ دَرَجَتِي بِرَحْمَتِكَ ، يَا اَهِلَّهُ ، يَا رَبِّ ، يَا رَحْمَانُ ، يَا رَحِيمُ ، يَا حَنَّانُ ، يَا مَنَّانُ ، يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْاِكْرَامِ ، اِنِّسَاء لَكَ رِضَاكَ وَجَنَّتِكَ ، وَاعُوذُ بِكَ مِنْ نَارِكَ وَ سَخَطِكَ ، اِنَّ شَيْءٌ جَبْرِ بِاللّٰهِ مِنَ النَّارِ . - پروردگارا ، بر محمد و خاندان او درود فرست ، و مرا از گناهان و بدیها در پناه خویش درآور ، و در عمل به طاعت خویش بکارم گیر ، و منزلتم را به رحمت خویش بلند گردان ، ای خدا ، ای پروردگار ، ای رحمان ، ای رحیم ، ای بسیار مهربان ، ای بسیار بخشنده ، ای صاحب بزرگی و بزرگواری ، از تو خشنودی و بهشت را خواهانم ، و از آتش جهنم و ناخشنودی ات به تو پناه می برم ، به خدا پناه می برم از آتش جهنم . دعای بعد از سلام دو رکعت چهارم : اَهلَهِمْ ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، شَجَرَةِ النُّبُوَّةِ ، وَ مَوْضِعِ الرِّسَالَةِ ، وَ مُخْتَلَفِ الْمَلَائِكَةِ ، وَ مَعْدِنِ الْعِلْمِ ، وَ اَهْلِ بَيْتِ الْوَحْيِ ، اَهلَهِمْ ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، اِنَّ لَكَ الْجَارِيَةَ فِي الْحَيَاةِ الْغَامِرَةِ ، يَاءَ مَنْ مِنْ رَبِّهَا ، وَ يَغْرُقُ مَنْ تَرَكَهَا ، اِنَّمَتَقَدَّمَ لَهُمْ مَارِقٌ ، وَ الْمُتَأَخَّرُ عَنْهُمْ زَاهِقٌ ، وَ اللَّازِمُ لَهُمْ لَا حَقَّ ، اَهلَهِمْ ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، اِنَّكَ هِفَ الْحَصِينِ ، وَ غِيَاثِ الْمُضْطَرِّ الْمُسْتَتَكِينِ ، وَ مُلْجِئِ الْهَارِبِينَ وَ عَضِيْمَةِ الْمُعْتَصِمِينَ ، اَهلَهِمْ ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، صِلَاةً كَثِيرَةً تَكُونُ لَهُمْ رِضَى ، وَلِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ [يا : آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ] ادَاء [وَقضاءاً] ، بِحَوْلِ مِنْكَ وَقُوَّةٍ ، يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ ، اَهلَهِمْ ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ [اَلَّذِينَ اَوَّجَبَتْ حَقَّهُمْ وَمَوَدَّتَهُمْ ، وَفَرْضَتْ وَلَا يَنْهَهُمْ] ، اَهلَهِمْ ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَ اعْمُرْ قُلُوبِي بِطَاعَتِكَ ، وَلَا تُخَرِّنِي بِمَعْصِيَتِكَ ، وَارْزُقْنِي مُوَاسَاةً مَنْ قَتَرْتُ عَلَيْهِ مِنْ رِزْقِكَ ، مِمَّا [يا : بما] وَسَعَتْ عَلَيَّ مِنْ فَضْلِكَ ، اِنِّ لِحَمْدِ اللَّهِ عَلَى نِعَمِهِ ، وَ اَسْتَغْفِرُ اللَّهَ مِنْ كُلِّ ذَنْبٍ ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللّٰهِ مِنْ كُلِّ هَوْلٍ . - خدایا ، بر محمد و آل محمد ، که درخت نبوت و پیامبری و جایگاه رسالت و محل رفت و آمد فرشتگان و معدن دانش و اهل بیت وحی هستند ، درود فرست . خداوندا ، بر محمد و آل محمد درود فرست ، آنان که کشتی روان در موجها [و یا : ژرفای] دریا هستند ، که هرکس بر آن سوار شود ایمن و آسوده ، و هرکس سوار نشود غرق می گردد ، هم ایشان که هرکس بر آنان پیشی گیرد [از دین] خارج گشته ، و هرکس از آنان عقب ماند و از ایشان تبعیت ننماید ، به هلاکت مبتلا می گردد ، و تنها کسی که پیوسته همراه آنان باشد به ایشان می پیوندد . خدایا ، بر محمد و آل محمد درود فرست ، هم ایشان که غار مصون و محفوظ ، و یاور درماننده بیچاره ذلیل ، و پناگاه گریختگان و نگاهدارنده چنگ زندگان و پناه جویان می باشند . خداوندا ، بر محمد و آل محمد درود فرست ، درود و رحمت بسیاری که موجب خشنودی ایشان ، و آدا بر آورده نمودن حق محمد و آل محمد (علیهم السلام) گردد ، به حول و قدرت تو ، ای پروردگار عالمیان ، خدایا ، بر محمد و آل محمد درود فرست ، [آنان که حق و مهر و مودتشان را واجب ، و سرپرستی و دوستی شان را فرض شمرده ای] . خداوندا ، بر محمد و آل محمد درود فرست ، و دلم را به طاعت خود زنده بدار ، و به معصیت و نافرمانی ات رسوایم مگردان ، و روزی ام کن که با کسانی که روزی ات را بر آنان تنگ فرموده ای ، از [یا : به] آنچه از فضلت بر من وسعت داده ای ، مواسات و همدردی نمایم . حمد و سپاس برای خدا به خاطر نعمتهایش ، و از تمام گناهان به درگاه خدا طلب آمرزش می نمایم . و در هر هول و هراس هیچ تحوّل و دگرگونی و قدرت و نیرویی جز به خدا نیست . ۶- اینکه روایت مفصل دیگری را پیرامون دعاهایی که در تعقیب هر دو رکعت از نافله ظهر خوانده می شود یادآور می شویم : این روایت را به جدّم ابی جعفر طوسی - قدس الله جلّ جلاله روحه - در کتاب مصباح کبیر (۱۷۵) ذکر می کنیم ، وی می گوید در روایت آمده که در تعقیب سلام اول (یعنی بعد از رکعت دوم) بگو : اَهلَهِمْ ، اِنِّي اَعُوذُ بِعَفْوِكَ مِنْ عُقُوبَتِكَ ، وَ اَعُوذُ بِرِضَاكَ مِنْ سَخَطِكَ ، وَ اَعُوذُ بِرَحْمَتِكَ مِنْ نِعْمَتِكَ ، [وَ اَعُوذُ بِمَغْفِرَتِكَ مِنْ عَذَابِكَ ، وَ اَعُوذُ بِرَأْفَتِكَ مِنْ غَضَبِكَ ،] وَ اَعُوذُ بِكَ مِنْكَ ، لَا اِلَهَ اِلَّا اَنْتَ ، لَا اَبْلُغُ مَدْحَتَكَ وَلَا الثَّنَاءَ عَلَيْكَ ، اَنْتَ كَمَا اَثْنَيْتَ عَلَى نَفْسِكَ . [اِنَّسَاء لَكَ] اَنْ تَصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَ اَنْ تَجْعَلَ حَيَاتِي زِيَادَةً فِي كُلِّ خَيْرٍ ، وَ وَفَاتِي رَاحَةً لِي وَ (۱۷۶) [مِنْ كُلِّ

سُوءٍ ، وَ تَسِيدٌ فَاقْتَى بِهَذَاكَ وَ تَوْفِيقَكَ ، وَ تَقْوَى ضَعْفَى فِي طَاعَتِكَ ، وَ تَرْزُقُنِي الرَّاحَةَ وَ الْكَرَامَةَ وَ قُرَّةَ الْعَيْنِ وَ اللَّذَّةَ وَ بَرْدَ الْعَيْشِ مِنْ بَعْدِ الْمَوْتِ ، وَ نَفْسِ الْكُزْبَةِ يَوْمَ الْمَشْهَدِ الْعَظِيمِ ، وَ ارْحَمْنِي يَوْمَ اَلْاِقْاكَ فَرْدًا ، هَذَا نَفْسِي سَلِّمْ لَكَ ، مُعْتَرِفٌ بِذُنُوبِي ، مُقِرٌّ بِالظُّلْمِ [يا : بِالذَّنْبِ] عَلَى نَفْسِي ، [عارِفٌ] بِفَضْلِكَ [عَلَى] ، اَعْقِبْ عَلَيَّ بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ . اِشَاءُ لَكَ لَمَّا صَفَحْتَ عَنِّي مَا سَلَفَ مِنْ ذُنُوبِي ، وَ عَصِيَّتِي فِيمَا بَقِيَ مِنْ عُمْرِي ، وَصَلُّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ ، وَ اَفْعَلْ بِي كَذَا وَ كَذَا . - خداوندا ، براستی که از عقوبت تو به گذشت پناه می برم ، و از ناخشنودی به خشنودی ات پناه می برم ، و از کیفر تو به رحمت پناه می جویم ، [و از عذابت به آمرزش پناه می برم ، و از خشم و غضبت به رافت و مهربانی ات پناه می برم ،] و از تو به تو پناه می جویم . معبودی جز تو نیست ، هرگز من نمی توانم به مدح و ثنای تو برسم ، تو همانچنانی که خود ، خویش را ستوده ای . [از تو درخواست می نمایم] که بر محمد و آل محمد درود فرستی ، و زندگانی ام را مایه فرونی در اعمال نیک ، و مردنم را آسودگی از تمام بدیها قرار دهی ، و به هدایت و توفیق خویش نیازم را برطرف نمایی ، و ضعف و کوتاهی ام در طاعت را نیرو بخشی ، و راحتی و کرامت و نور چشمی و لذت و خنکی و خرمی زندگانی بعد از مرگ را روزی ام گردانی ، و ناراحتی سخت و گلوگیرم را در روز محضر بزرگ خلاصی در قیامت برطرف فرما ، و در روزی که تنها با تو ملاقات می نمایم بر من رحم آر ، این نفس من است که تسلیم توست ، و به گناهم اعتراف دارم ، و به ظلم و ستم [یا : گناهم] بر نفس خویش اقرار می نمایم به فضلت [یا : قدر شناس تفضلت بر خویشم] با روی [و اسماء و صفات] گرامی ات بر من روی آر ، از تو درخواست می نمایم که گناهان گذشته ام را عفو فرموده ، و در باقیمانه عمرم [از گناه] محفوظم بدار ، و بر محمد و آل محمد درود فرست ، و به من چنین و چنان کن . سپس با صدای بلند بگو : رَبِّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ ، اَعْزِنِي مِنَ السَّيِّئَاتِ ، وَ اَسْئَلُكَ عَمَلًا بِطَاعَتِكَ ، وَ اَرْفَعُ دَرَجَتِي بِرَحْمَتِكَ ، يَا اَللهُ ، يَا رَبِّ ، يَا رَحْمَانُ ، يَا رَحِيمُ ، يَا حَنَّانُ ، يَا مَنَّانُ ، يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْاِكْرَامِ ، اِشَاءُ لَكَ رِضَاكَ وَ جَنَّتِكَ ، وَ اَعُوْذُ بِكَ مِنْ نَارِكَ وَ سَخَطِكَ ، اَسْئَلُكَ بِاللهِ مِنَ النَّارِ . - پروردگارا ، بر محمد و خاندان او درود فرست ، و مرا از گناهان و بدیها در پناه خویش درآور ، و در عمل به طاعت خویش بکارم گیر ، و منزلتم را به رحمت خویش بلند گردان ، ای خدا ، ای پروردگار ، ای رحمان ، ای رحیم ، ای بسیار مهربان ، ای بسیار بخشنده ، ای صاحب بزرگی و بزرگواری ، از تو خشنودی و بهشت را بخواهم ، و از آتش جهنم و ناخشنودی ات به تو پناه می برم ، به خدا پناه می برم از آتش جهنم . بعد از تعقیب رکعت چهارم بگو : اَللّهُمَّ ، مُقَلِّبُ الْقُلُوبِ وَالْاَبْصَارِ ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ ، وَ ثَبِّتْ قَلْبِي عَلَى دِينِكَ وَ دِينَ نَبِيِّكَ ، وَ لَا تُزِعْ قَلْبِي بَعْدَ اِذْ هَدَيْتَنِي ، وَ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً ، اِنَّكَ اَنْتَ الْوَهَّابُ ، وَ اَعْزِنِي مِنَ النَّارِ بِرَحْمَتِكَ ، اَللّهُمَّ ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ ، وَ اجْعَلْنِي سَعِيدًا ، فَاِنَّكَ تَمَحُّوْا مَا تَشَاءُ وَ تُثَبِّتُ ، وَ عِنْدَكَ اَنْتَ الْكِتَابُ . - خداوندا ، ای گرداننده دلها و دیدگان ، بر محمد و آل محمد درود فرست ، و قلبم را بر دین خود و آیین پیامبرت استوار گردان ، و بعد از آنکه هدایت فرمودی دلم را منحرف مفرمان ، و رحمتی از جانب خویش به من ارزانی دار ، براستی که تو بسیار بخشنده ای ، و مرا به رحمت خویش از آتش جهنم در پناه خویش درآور خداوندا ، بر محمد و آل محمد درود فرست ، و سعادت مندم قرار ده ، زیرا تو هرچه را خواهی محو نموده و یا ثابت می فرمایی ، و اُمُّ الْكِتَابِ و کتاب مادر در نزد توست . و در تعقیب رکعت ششم بگو : اَللّهُمَّ ، اِنِّي اَتَقَرَّبُ اِلَيْكَ بِجُودِكَ وَ كَرَمِكَ ، وَ اَتَقَرَّبُ اِلَيْكَ بِمُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَ رَسُوْلِكَ ، وَ اَتَقَرَّبُ اِلَيْكَ بِمَلَا ئِكَتِكَ الْمُقَرَّبِينَ وَ اَنْبِيَائِكَ الْمُرْسَلِينَ ، اَللّهُمَّ ، اَنْتَ الْغَنِيُّ غَنِّي ، وَ بِي الْفَاغَةُ اِلَيْكَ ، اَنْتَ الْغَنِيُّ وَ اَنَا الْفَقِيرُ اِلَيْكَ ، اَعْلَنْتِي عِزَّتِي ، وَ سَتَرْتَ عَلَيَّ ذُنُوبِي ، فَاقْضِ يَا اَللهُ ، حَاجَتِي ، وَ لَا تُعَذِّبْنِي بِقَبِيْحٍ مَا تَعْلَمُ مِنِّي ، فَاِنَّ عَفْوَكَ وَ جُودَكَ يَسَّ عَانِي . - خداوندا ، براستی که من واسطه جود و کرم تو و به واسطه حضرت محمد بنده و رسولت ، و به واسطه فرشتگان مقرب در گاهت و پیامبران فرستاده شده ، به سوی تو نزدیکی می جویم . خدایا ، تو از من بی نیازی و من به تو نیاز دارم ، تو غنی هستی و من به تو حاجت مندم . از لغزشم در گذشتی ، و گناهانم را پوشاندی ، پس ای خدا حاجتم را برآورده فرما ، و به اعمال زشتی که از من آگاهی داری عذابم مفرما ، زیرا مسلماً گذشت و بخششت مرا فرا می گیرد . و در تعقیب رکعت هشتم بگو : يَا اَوَّلَ الْاَوَّلِينَ ، وَ يَا اٰخِرَ الْاٰخِرِينَ ، وَ يَا ذَا الْقُوَّةِ

الْمَتِينُ، وَ يَا رَازِقَ الْمَسَاكِينِ، وَ يَا اَرْزَحَمَ الرَّاحِمِينَ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ الطَّاهِرِينَ [الطَّاهِرِينَ]، وَ اغْفِرْ لِي جَدِّي وَ هَزْلِي، وَ خَطَايَايَ وَ عَمْدِي، وَ اَسْرِافِي عَلَى نَفْسِي، وَ كُلِّ ذَنْبٍ اَذْنَبْتُهُ، وَ اغْصِمْنِي مِنْ اَقْتِرَافٍ مِثْلِهِ، اِنَّكَ عَلَى مَا تَشَاءُ قَدِيرٌ. - ای اوّل اولین و آخر آخرین، ای خداوند صاحب قدرت، و استوار، و ای روزی دهنده بیچارگان، و ای مهربانترین مهربانان، بر محمد و خاندان پاک و [پاکیزه] او درود فرست، و [گناهان] جدی و شوخی، و خطا و عمد، و اسرافم بر نفس خویش، و هر گناهی را که انجام داده ام بیامرزد، و از مرتکب شدن گناهان مشابه آن محفوظ بدار، برستی که تو بر هر چیز که بخواهی توانایی. سپس به سجده برو و بگو: یا اَهْلَ التَّقْوَى یا اَهْلَ الْمَغْفِرَةِ، یا بُرِّ، یا رَحِيمُ، اِنَّكَ اَبْرُؤُ بِي مِنْ اَبِي وَ اُمِّي وَ مِنْ جَمِيعِ الْخَلَائِقِ اَجْمَعِينَ، اِقْلِبْنِي بِقَضَاءِ حَاجَتِي مُجَاباً دُعَائِي، مَرْحُوماً صَوْتِي، قَدْ كَشَفْتَ اَنْوَاعَ الْبَلَاءِ عَنِّي. - ای اهل تقوی و نگاهداری، و ای اهل مغفرت و آمرزش، این نیکوکار، این مهربان، بی گمان تو نسبت به من از پدر و مادرم و از تمام مردمان نیکوکارتر می باشی، پس در حالی که دعایم را اجابت فرموده، و صدایم را مورد رحمت خویش قرار داده، و انواع گرفتاری ها را از من بر طرف نموده ای، همراه با بر آورده ساختن خواسته ام، روانه ام ساز.

فصل هیجدهم: آداب و اسرار اذان و اقامه از دیدگاه روایات

اسرار اذان و اقامه از دیدگاه روایات

مقدمه

ما اسرار عظیم اذان و اقامه را در کتاب غیاثُ شَیْطَانِ الْوَرَى لِسُكَّانِ الثَّرَى ذکر نموده ایم، لذا جویندگان به آنجا رجوع کنند، در اینجا نیز اینک گوشه ای از اسرار آن به حسب امکان از روایات برگزیده و یادآور می شویم:

روایت منقول از امیرالمؤمنین (ع)

۱ - شیخ سعید ابوجعفر محمد بن بابویه - رضوان الله علیه - به سند خویش روایت کرده که حضرت موسی بن جعفر به نقل از پدر بزرگوارش حضرت جعفر بن محمد از پدر بزرگوارش حضرت محمد بن علی از پدر بزرگوارش حضرت علی بن حسین از پدر بزرگوارش حضرت حسین بن علی (علیه السلام) فرمود: [روزی] در مسجد نشسته بودیم، که مؤذن [به بالای مناره] رفت و گفت: اَللّٰهُ اَكْبَرُ، اَللّٰهُ اَكْبَرُ، اَللّٰهُ اَكْبَرُ امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (ع) گریست و ما نیز به خاطر گریه آن بزرگوار گریستیم، هنگامی که مؤذن اذان را به پایان برد. فرمود: آیا می دانید که مؤذن چه می گوید؟ عرض کردیم: خدا و رسول و وصی او آگاهترند. فرمود: اگر می دانستید که چه می گوید، مسلماً کم می خندیدید و بسیار می گریستید. اَللّٰهُ اَكْبَرُ معانی فراوانی دارد، از آن جمله اینکه: مقصود از آن بزرگتر بودن خداوند از جهت قدیم و ازلی [و ابدی] بودن و علم و قدرت و بردباری و بزرگواری و بخشش و عطا و کبریا و بزرگمنشی و عظمت خداوند است، یعنی وقتی مؤذن اَللّٰهُ اَكْبَرُ می گوید، در واقع می گوید: خداوندی که آفرینش از آن اوست، و امر به دست اوست، و مخلوقات به خواست او پدید آمده اند، و همه چیز مخلوقات از اوست، و خلاق به سوی او رجوع می کنند، اوست که اوّل پیش از هر چیز است و ازلی است، و آخر بعد از هر چیز و جاودانی آشکار فوق هر چیز است که نمی توان او را درک نمود، و باطن در هر چیز که بی حد و مرز است؛ پس اوست پاینده و باقی، و هر چیز غیر او فانی و نابود است. معنای دوّم اَللّٰهُ اَكْبَرُ این است که: خداوند دانای کاردان و خبیر، به هر چه که پدید آمده و پدید می آید، پیش از به وجود آمدن آن آگاهی دارد. معنای سوّم اَللّٰهُ اَكْبَرُ اینکه: خداوند بر هر چیز قادر است، و بر هر چیز بخواهد تواناست، و به قدرت خویش نیرومند، و بر مخلوقات مقتدر است، و ذاتاً قوی است، و قدرتش بر تمام اشیا قائم و استوار است، و هرگاه

چیزی را به حتم اراده نماید، تنها به آن می گوید: موجود شو، و آن چیز [بلافاصله] پدید می آید. معنای چهارم اَللّهُ اَكْبَرُ بر اساس معنای حلم و کرم خداوند است، یعنی: خداوند آنچنان حلم و بردباری می کند که گویی از گناه بنده آگاهی ندارد، و آنچنان عفو و گذشت می کند که گویی نمی بیند، و آنچنان گناهان بندگانش را می پوشاند که گویی آنان گناه انجام نداده اند، و از روی کرم و گذشت و بردباری، در عقوبت شتاب نمی کند. و وجه دیگر در معنای اَللّهُ اَكْبَرُ این است که: خداوند بخشنده و بسیار عطا کننده و افعالش بزرگوارانه و با کرامت است. رویکرد دیگر در معنای اَللّهُ اَكْبَرُ اینکه درباره نفی کیفیت و چگونگی داشتن خداوند است، گویی گوینده آن می گوید: خداوند بزرگتر و منزّه از آن است که توصیف کنندگان اندازه اوصافی را که او بدان متّصف است درک کنند، و کسانی که او را می ستانید تنها به اندازه درک خویش می ستانید، نه به اندازه عظمت و جلالی که او دارد. منزّه و بسیار بلند مرتبه است خداوند از اینکه ستایش کنندگان بتوانند او را آنچنان که هست توصیف کنند. وجه دیگر در معنای اَللّهُ اَكْبَرُ اینکه گویی گوینده آن می گوید: خداوند بلندتر و بزرگوارتر، و از بندگانش بی نیاز است، و هیچ نیازی به اعمال مخلوقاتش ندارد. معنای اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلَهَ اِلَّا اللّهُ، اعلام شهادت و گواهی دادن است، و شهادت جز با شناخت قلبی میسر نیست، گویی مؤذن می گوید: آگاهی دارم که معبودی جز خداوند - عزّوجلّ - نیست، و تمامی معبودها جز خداوند - عزّوجلّ - باطل و نابود هستند، و با زبان به آگاهی درونی ام اقرار می نمایم به اینکه: مسلماً معبودی جز خداوند نیست، و شهادت می دهم که هیچ پناهگاهی برای گریز از خداوند جز به سوی او نیست، و راه نجاتی از شرّ هیچ بدّ رسان، و فتنه و آسیب هیچ آسیب رسان نیست، جز به وسیله خداوند. معنای اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلَهَ اِلَّا اللّهُ در بارِ دوم این است: شهادت می دهم که راهنمایی جز خداوند نیست، و من راهنمایی جز خدا ندارم، و خدا را شاهد می گیرم بر اینکه گواهی می دهم که معبودی جز خدا نیست، و نیز ساکنان آسمانها و زمینها و تمام فرشتگانی در آنها هستند و همه مردم و کوهها و درختان و جنبندگان و جانوران وحشی و هر تر و خشکی را که در آنها وجود دارد گواه می گیرم که شهادت می دهم که آفریدگاری جز خداوند نیست، و جز خداوند هیچ روزی دهنده و معبود و آسیب رسان و سود دهنده، و قابض و باسط، و عطا کننده و جلوگیرنده، و دفع کننده و راننده، و خیرخواه و کفایت کننده و بهبودی بخش، و به جلو اندازه و به تاءخیر اندازه امور نیست، و خلق و امر تنها از آن اوست، و همه خیر و خوبی منحصرّاً به دست اوست. بلند مرتبه و منزّه است خداوندی که پروردگار عالمیان است معنای اَشْهَدُ اَنْ مُحَمَّدًا رَسُوْلُ اللّهِ، که مؤذن می گوید این است: گواهی می دهم که معبودی جز خداوند نیست، و حضرت محمّد (ص) بنده و فرستاده و پیامبر و برگزیده و منتخب اوست که خداوند او را همراه با هدایت خود و دین و آیین حقّ به سوی همه مردم فرستاد، تا بر تمام ادیان چیره و غالب گرداند، هر چند مشرکان بدشان بیاید. و تمام پیامبران و فرستادگان و ملائکه و همه مردمانی را که در آسمانها و زمین هستند گواه می گیرم که حضرت محمّد (ص) سرور اوّلین و آخرین می باشد. و مؤذن دربارِ دوم اَشْهَدُ اَنْ مُحَمَّدًا رَسُوْلُ اللّهِ در واقع می گوید: گواهی می دهم که هیچ کس جز به خداوند یگانه قهار که از همه بندگان و خلائق بی نیاز است، به کس دیگر نیاز ندارد، و مسلماً او حضرت محمّد (ص) را به عنوان بشارت دهنده مؤمنان و بیم دهنده کافران و گناهکاران به اذن خود، به عنوان دعوت کننده همگان به سوی خود، و چراغ روشن برای هدایت مردم، به سوی آنان فرستاد، پس هر کس پیامبری او را انکار نمود و نپذیرفت و به او ایمان نیاورده، خداوند - عزّوجلّ - او را وارد آتش جهنّم می کند، در حالی که جاودانه و پیوسته در آنجا بوده و هیچگاه از آنجا به جای دیگر منتقل نخواهد شد [یا: هرگز از آن جدا نخواهد شد]. معنای حَتَّى عَلَى الصَّلَاةِ یعنی اینکه: بیاید به سوی بهترین اعمالتان و آنچه که پروردگار، شما را به سوی آن فراخوانده، و بشتابید به سوی آموزش از جانب پروردگارتان، و خاموش نمودن آتشی که به واسطه گناهانتان افروخته آید، و آزاد نمودن خود از گرو گناهانتان، تا خداوند بدیهایتان را پوشانده، و گناهانتان را آمرزیده، و بدیهایتان را به نیکی ها مبدّل نماید، که او فرمانروای با کرامت و بزرگوار و صاحب بخشش بزرگ است، و به ما جماعت مسلمانان اجازه داده که در خدمت و بندگی او و در محضرش وارد شویم. معنای

حَتَّى عَلَى الصَّلَاةِ در بار دُوم یعنی اینکه : بپا خیزید به سوی مناجات با پروردگار و عرضه نمودن خواسته هایتان بر او ، و با کلام او به او توسّل جوئید ، و آن را واسطه بین خود و او قرار دهید ، و بسیار به یاد او قنوت و رکوع و سجود و خشوع و خضوع او بپردازید ، و حوایج خویش را به [درگاه] او ببرید ، که خود اجازه اینها را به ما داده است . معنای حَتَّى عَلَى الْفَلَاحِ این است که در واقع مؤذّن می گوید : رو آورید به سوی پایداری [یا : مالی] که فنا و نیستی با آن نیست ، و رهایی که هیچ گونه نابودی با آن نخواهد بود ، و بیایید به سوی زندگانی ای که مرگی با آن نیست ، و به سوی نعمت [معنوی] ای که نابود نمی گردد ، و به سوی سلطنتی که زوال ندارد ، و به سوی خوشحالی و سروری که اندوهی همراه آن نیست ، و به سوی اُنسی که هیچ احساس تنهایی ای با آن نیست ، و به سوی نوری که هیچ تاریکی با آن نیست ، و به سوی گشایشی که تنگی با آن نیست ، و به سوی برافروختگی و شادمانی ای که پایان پذیر نیست . و به سوی توانگری ای که هیچ نیازی به دیگران با آن نیست ، و به سوی تندرستی ای که هیچ بیماری با آن نیست ، و به سوی سرافرازی که هیچ ذلّت و خواری با آن نیست ، و به سوی قدرتی که هیچ ناتوانی با آن نیست ، و به سوی کرامتی چه کرامت و بزرگواری ! بشتابید به سوی شادمانی دنیا و آخرت ، و نجات آخرت و این جهان . در بار دُوم حَتَّى عَلَى الْفَلَاحِ مؤذّن در واقع می گوید : از یکدیگر پیشی گیرید به سوی آنچه که شما را بدان دعوت نمودم ، و به سوی کرامت بسیار و افزون ، و مَنّت عظیم و نعمت بلند پایه و رستگاری بزرگ و نعمت جاودانی در جوار حضرت محمّد (ص) در مقام صدق و راستی ، نزد خداوندی که پادشاه مقتدر و تواناست . معنای اَللّهُ اَكْبَرُ این است که در واقع مؤذّن می گوید : خداوند ، بالاتر و بزرگتر است از اینکه احدی از مخلوقاتش از کرامتی که او برای بنده اش مهیا نموده ، آگاه باشند ، آن بنده ای که او را پذیرا گشته و از او اطاعت نموده و او را شناخته و بندگی نموده و به یادش مشغول گردیده و نسبت به او محبّت ورزیده و با او اُنس ، و به او آرام گرفته و بر او اعتماد نموده ، و از او بیم و هراس داشته و به او مشتاق گشته و با حکم و قضای او موافقت نموده و بدان خشنود باشد . در بار دُوم اَللّهُ اَكْبَرُ در واقع می گوید : خداوند ، بزرگتر و بالاتر و بزرگوارتر از آن است که احدی اندازه کرامت او نسبت به دوستان خویش و اندازه عقوبتش نسبت به دشمنانش ، و اندازه گذشت و آمرزش و نعمتش را برای کسی که دعوت او و رسولش را پذیرفته ، و اندازه عذاب و عقوبت و اهانتش را نسبت به کسانی که او را انکار نموده و نپذیرفته اند ، بداند . معنای لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ این است که در واقع مؤذّن می گوید : به واسطه فرستادن رسول ، و رسالت و روشننگری و دعوت او ، حُجّت رسای خداوند بر مردم تمام شده است ، و او بزرگتر از آن است که احدی از آنان بر او حُجّت داشته باشند ، پس هر کس دعوت او را بپذیرد ، فوز و رستگاری و کرامت منحصراً برای اوست ، و هر کس او را انکار نماید ، براستی که خداوند از همه عالمیان بی نیاز است ، و هم او زود حساب رس ترین می باشد . معنای قَدْ قَامَتِ الصَّلَاةُ در اقامه این است : که وقت زیارت و دیدار و مناجات و برآورده شدن حوایج و نیل به آرزو و رسیدن و وصول به خداوند - عَزَّوَجَلَّ - و به کرامت و عفو و خشنودی و آمرزشش فرا رسید . (۱۷۷) شیخ جلیل ابوجعفر بابویه - رضوان الله علیه - می گوید : راوی به خاطر تقیّه حَتَّى عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ را ذکر ننموده ، ولی در روایات دیگر ، از امام صادق (ع) درباره معنای آن پرسیدند ، حضرت فرمود : بهترین عمل همان ولایت است . (۱۷۸) و در روایت دیگری فرمود : بهترین عمل ، نیکی کردن به حضرت فاطمه و فرزندان او (علیهم السلام) می باشد . (۱۷۹)

روایت منقول از ابن عباس رضوان الله علیه

۲- اینک روایت دیگری را پیرامون اسرار اذان که از ابن عباس رضوان الله علیه نقل شده - هم او که شاگرد مولایمان علی (ع) بوده ، و روایاتش در مثل این موارد یا به پیامبر اکرم (ص) منتهی می شود و یا به مولایمان علی (ع) - ذکر می کنیم : عطاء می گوید : من [و ابو العالیه] و سعید بن جبیر و عکرمه ، در طائف در نزد ابن عباس بودیم که مؤذّن آمد و گفت : اِنَّ اَكْبَرُ ، اَللّهُ اَكْبَرُ . و نام مؤذّن قثم بن عبدالرحمن ثقفی بود . عطایی گوید که ابن عباس گفت : آیا می دانید مؤذّن چه می گوید :

ابوالعاليه از او درخواست کرد و گفت که ما را از تفسیر آن آگاه نما. ابن عباس گفت: وقتی مؤذن می گوید: اَللّٰهُ اَكْبَرُ، اَللّٰهُ اَكْبَرُ در واقع می گوید: ای کسانی که به زمین [و تعلقات عالم خاکی] سرگرم هستید، نماز واجب شد، پس خود را برای انجام آن آسوده و فارغ کنید. هنگامی که می گوید: اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلَهَ اِلَّا اللّٰهُ در واقع می گوید: روز قیامت بپا خواهد شد، و تمام آنچه در آسمانها و زمین است به نفع من گواهی خواهند داد که در هر روز پنج بار شما را آگاه نمودم. وقتی می گوید: اَشْهَدُ اَنْ مُحَمَّدًا رَسُوْلُ اللّٰهِ در حقیقت می گوید: روز قیامت برپا خواهد شد و حضرت محمد (ص) به نفع من بر شما گواهی خواهد داد که من در هر روز پنج بار شما را از این مطلب باخبر نمودم، و حجت و دلیل من در نزد خدا موجه و پابرجاست. هنگامی که می گوید: حَيَّ عَلَى الصَّلَاةِ در واقع می گوید: [بیایید به سوی نماز] همان دین استوار و برپا دارنده (۱۸۰)، و آن را بپا دارید. وقتی که می گوید: حَيَّ عَلَى الْفَلَاحِ، در واقع می گوید: بیایید به سوی طاعت خداوند، و بهره خویشتن را از رحمت خداوند، یعنی نماز جماعت بگیرید. وقتی بنده می گوید: اَللّٰهُ اَكْبَرُ در واقع می گوید: بجا آوردن اعمال دیگر غیر از نماز حرام گردید. و هنگامی که می گوید: لَا اِلَهَ اِلَّا اللّٰهُ در حقیقت می گوید: امانت آسمانها و زمینهای هفتگانه و کوهها و دریاها بر گردنتان نهاده شد، اگر می خواهید روی آورید، و اگر نمی خواهید روی گردان شوید. ۳- اینک برخی از اسرار اقامه را بر اساس روایت ذکر می کنیم: در روایتی محمد بن مروان [یا: هارون] می گوید: امام باقر (ع) فرمود: آیا می دانی که تفسیر گفتار کسی که در اقامه می گوید حَيَّ عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ چیست؟ وی می گوید: عرض کردم: خیر، فرمود: او تو را به سوی نیکی کردن می خواند. آیا می دانی نیکی نمودن به چه کسی؟ می گوید عرض کردم: خیر. فرمود: تو را به نیکی نمودن به حضرت فاطمه و فرزندان (علیهم السلام) فرا می خواند. ۴- در حدیث دیگر اصبع بن نباته می گوید: در حضور محمد بن حنفیه - رضی الله عنه - اذان گفته شد. وی فرمود: هنگامی که پیامبر اکرم (ص) برای معراج به آسمان برده شد، و به آسمان ششم رسید، فرشته ای از آسمان هفتم - که تا پیش از آن روز هرگز فرود نیامده بود، فرود آمد، و گفت: اَللّٰهُ اَكْبَرُ، اَللّٰهُ اَكْبَرُ خداوند - جلّ جلاله - فرمود: من چنینم. آن فرشته گفت: اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلَهَ اِلَّا اللّٰهُ، خداوند - جلّ جلاله - فرمود: من چنینم و معبودی جز من نیست وی گفت: اَشْهَدُ اَنْ مُحَمَّدًا رَسُوْلُ اللّٰهِ خداوند - عزوجلّ - فرمود: او بنده و امین من بر مخلوقات من می باشد که او را برای آدای رسالتهای خویش برگزیده ام. سپس گفت: حَيَّ عَلَى الصَّلَاةِ، خداوند - جلّ جلاله - فرمود: نماز را بر بندگانم واجب نموده و آن را به عنوان دین و آیین خود قرار دادم. سپس گفت: حَيَّ عَلَى الْفَلَاحِ، خداوند - جلّ جلاله - فرمود: رستگار گردید هر کس که به سوی نماز برود و به خاطر، نیل به خشنودی ام بر آن مواظبت نماید. سپس گفت: حَيَّ عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ، خداوند - جلّ جلاله - فرمود: نماز برترین و پاکیزه ترین اعمال در نزد من است. سپس گفت: قَدْ قَامَتِ الصَّلَاةُ و پیامبر اکرم (ص) جلورفت و امام جماعت شد، و آسمانیان به اوقتا نمودند، از آنجا بود که پیامبر اکرم (ص) نزد آسمانیان شناخته شد

وقت اذان ظهر

حال که بخشی از اسرار اذان و اقامه را از طریق روایات نقل نموده و یادآور شدیم، لازم است بعضی از اموری را که اهل استقامت در عمل بدان نیاز پیدا می کنند ذکر کنیم، پس می گوئیم: وقتی انسان از نافله های ظهر به همان صورتی که شرح دادیم فراغت پیدا کرد، لازم است به کیفیتی که با گفتار روشن بیان خواهیم کرد اذان بگوید، و اگر خواست اذان را جلوتر، یعنی بعد از بجا آوردن شش رکعت از نافله های ظهر می گوید، و دو رکعت از رکعتهای هشتگانه و دعای مربوط به آن دو را بعد از اذان و اقامه بجا می آورد، زیرا در این باره روایاتی به طور عموم نقل شده است. از آن جمله در روایتی آمده که امام صادق و [یا] حضرت ابی الحسن امام کاظم (ع) فرمودند: اذان ظهر را بعد از خواندن شش رکعت از نافله های ظهر، و اذان نماز عصر را بعد از خواندن شش رکعت از نافله های عصر که بعد از نماز ظهر خوانده می شود، بگو

سُبْحَانَ مَنْ لَيْسَ لَهُ حَاجِبٌ يُعْشَى ، وَلَا بَوَابٌ يُرْشَى ، وَلَا تَرْجُمَانٌ يُنَاجَى ، سُبْحَانَ مَنْ اخْتَارَ لِنَفْسِهِ الْأَسْمَاءَ ، سُبْحَانَ مَنْ فَلقَ الْبَحْرِ لِمُوسَى ، سُبْحَانَ مَنْ لَا يَزِدُّهُ عَلَى كُنْزِهِ الْعَطَاءُ إِلَّا كَرَمًا وَجُودًا ، سُبْحَانَ مَنْ هُوَ هَكَذَا وَلَا هَكَذَا غَيْرُهُ . - پاک و منزّه است خداوندی که نشانه هایش از بین نمی رود پاک و منزّه است خداوندی که یادش فراموش نمی گردد [یا : کسانی را که بر یاد او هستند فراموش نمی کند] ، پاک و منزّه است خداوندی که درخواست کننده اش محروم نمی گردد ، پاک و منزّه است خداوندی که نه پرده داری دارد که او را پوشانده [و دور از دسترس نگاه دارد] ، و نه دربانی که به او رشوه داده شود ، و نه مُترجمی که [تنها وی] با او مناجات و به صورت خصوصی گفتگو کند ، پاک و منزّه است خداوندی که بهترین نامها [و کمالات] را برای خود برگزید ، پاک و منزّه است خداوندی که دریا را بر حضرت موسی (ع) شکافت ، پاک و منزّه است خداوند که در اثر فراوانی بخشش جز بر بزرگواری و بخشش او افزوده نمی گردد ، پاک و منزّه است خداوندی که اینچنین است و غیر او چنین نیست . دعا برای امام زمان (ع) بین اذان و اقامه ۴ - سپس بین اذان و اقامه به هر چه که خداوند - جَلّ جلاله - به او می آگاهاند دعا می نماید ، و ابتدا برای بزرگترین و عزیزترین خلائق در زمان خویش در نزد خداوند - جَلّ جلاله - (۱۸۳) دعا می کند ، زیرا آن بزرگوار مقام بزرگی را جهت استجابت دعا داراست ، البته دعای کسی را مستجاب می کند که آن را به همان صورتی که بدان فرا خوانده شده (همراه با شرایطش) بجا آورد .

کیفیت گفتن اقامه

سپس برای اقامه بپا خاسته و می گوید : اَللّٰهُ اَكْبَرُ ، اَللّٰهُ اَكْبَرُ . اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلَهَ اِلَّا اللّٰهُ ، اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلَهَ اِلَّا اللّٰهُ . اَشْهَدُ اَنْ مُحَمَّدًا رَسُوْلُ اللّٰهِ ، اَشْهَدُ اَنْ مُحَمَّدًا رَسُوْلُ اللّٰهِ . حَتّٰی عَلَی الصَّلَاةِ ، حَتّٰی عَلَی الصَّلَاةِ . حَتّٰی عَلَی الْفَلَاحِ ، حَتّٰی عَلَی الْفَلَاحِ حَتّٰی عَلَی خَيْرِ الْعَمَلِ ، حَتّٰی عَلَی خَيْرِ الْعَمَلِ . قَدْ قَامَتِ الصَّلَاةُ ، قَدْ قَامَتِ الصَّلَاةُ . (۱۸۴) - برآستی که نماز بپا شد ، برآستی که نماز برپا گشت . اَللّٰهُ اَكْبَرُ ، اَللّٰهُ اَكْبَرُ . لَا اِلَهَ اِلَّا اللّٰهُ . لزوم پاسخ به ندای اذان و خواندن نماز در اوّل وقت ای بنده ناتوانی که ندانسته فراموش می کنی ، و ناآگاهانه مغلوب خواب می گردی ، و ناخواسته بیمار می شوی ، و ناخواسته پیر و مُسنّ می گردی ، و ناآگاهانه به گرفتاریهای سخت مُبتلا می شوی ، و ناخواسته به واسطه از دست رفتن اموری که دلخواهت می باشد دردمند می شوی ، و سرانجام ندانسته جان می سپاری ، چه چیزی تو را بر سوء ادب نسبت به پادشاه عالمیان ، توانا و گستاخ گردانیده است ، که ندای تلویحی او را که تو را برای قیام به عبادت و بندگی اش فرا می خواند ، مکرّر می شنوی ، ولی آن را کوچک شمرده و التفاتی به دعوتش نمی کنی ، تا اینکه تصریحاً ندایش را اعاده نمود و مکرّر در اذان و اقامه فرمود : حَتّٰی عَلَی الصَّلَاةِ ، حَتّٰی عَلَی الْفَلَاحِ ، حَتّٰی عَلَی خَيْرِ الْعَمَلِ در حالی که تو - ای بیچاره - با دو گوش خویش آن را می شنوی ولی التفاتی به پاسخ آن نمی کنی . اگر یهود و نصاری آن را می شنوند و التفاتی به آن ندارند ، و تو نیز مانند آنان می شنوی و اصلاً التفاتی به آن نمی کنی ، پس واقعاً فرق میان و تو آنان چیست ؟ آیا بر تو و بر هر شخص عاقل پوشیده است که حال تو ، مانند حال تصدیق کنندگان نیست ، وای بر تو ، اگر از اهل بصیرت بودی ، احتمال اینکه این ندا ممکن است از سوی پادشاه اوّلین و آخرین باشد ، کافی بود که با شتاب بپا خاسته و نسبت به خواطر و باطن خویش اهتمام ورزی ؛ زیرا اگر ندایی را از پشت خانه خویش بشنوی و گوینده ای که از صدقِ گفتارش با خبر نیستی به تو بگویند که این صدایِ فلان خلیفه و پادشاه ، و یا صدای کسی است که به بخشش او امید داری - ای بیمار - آیا کارهایت را رها نمی کردی و برای پاسخ دادن به آن ندا بر نمی خاستی ؟ بنابراین ، ندای تمام پیامبران و اوصیا (علیهم السلام) و تمام دعوت کنندگان به سوی پادشاه زمین و آسمان در نزد تو به جای گفتار یک شخص که یقیناً از راستگویی او با خبر نیستی نمی نشیند ، خود را درمان کن ، زیرا اگر عقل خود را بکار بیندازی می بینی که یا بیمار هستی و دردِ پنهان داری ، و یا به هلاکت و نابودی گرفتار آمده ای . پس هنگامی که این ندا را شنیدی ، مبادا به آن پشت کنی ، بلکه همچون کسی که مژده داده اند و

مولایش به او اجازه داده که در محضر گفتگو و اقبال و توجه و پذیرش او وارد شود و به او خوشامد گفته است، بپاخیز، که من در مقام خیرخواهی و مهربانی، عذری را برای تو نمی یابم. و اگر خود را معذور می دانی، به تو می گویم: خود توجه داری که همه بر انجام نماز مکلف هستند، حتی جنگجو و زخم خورده و کسی که در حال غرق، و یا بیمار و اسیر است، و هیچ شخص [دارای عقل سالم] در انجام ندادن آن عذری ندارد، پس به روح خود رحم کن، که روز سخت و خطر بسیار و بزرگی را در پیش داری. اگر از کسانی باشی که شدت این تهدید و وعده عذاب در بپا خاستن تو برای خواندن نماز اول وقت سود بخش نیست، ما برخی از نویدهایی را که درباره تعجیل در نماز و خواندن آن در اول وقت وارد شده، می آوریم: از آن جمله در روایت آمده که امام صادق (ع) فرمود: فضیلت اول وقت بر آخر آن، همانند فضیلت آخرت بر دنیا است. باز شده که امام صادق (ع) فرمود: مسلماً فضیلت اول وقت بر آخر آن، برای مؤمن از فرزند و دارایی اش بهتر است. حال اگر نه به خاطر وعده عذاب، و نه به خاطر نویدهای خداوند برای انجام نماز اول وقت بپا نمی ایستی، آیا واقعاً به گفتار مقدس او یا حرمت جلال و عظمت او باور داری؟

دعای بعد از اقامه

هنگامی که بنده اقامه نماز را گفت (۱۸۵)، و پند و اندرز و دلسوزی ما را که یادآور شدیم پذیرفت، باید دعایی را که از امام رضا (ع) روایت شده بخواند، که فرمود: بعد از اقامه و پیش از استفتاح و گفتن تکبیرهای افتتاح در هر نماز می گویی: اَءَللّٰهُمَّ رَبِّ هَذِهِ الدَّعْوَةُ التَّامَّةُ وَالصَّلَاةُ الْقَامَّةُ، بَلِّغْ مُحَمَّدًا (ص) الدَّرَجَةَ وَالْوَسِيلَةَ وَالْفَضْلَ وَالْفَضِيلَةَ. بِاللّٰهِ اَسْتَفْتِحُ، وَ بِاللّٰهِ اَسْتَجِجُ، وَ بِمُحَمَّدٍ رَسُولِ اللّٰهِ وَ آلِ مُحَمَّدٍ (ص) اَتَوَجَّهْ. اَءَللّٰهُمَّ، صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ اجْعَلْنِيْ بِهِمْ عِنْدَكَ وَ جِيهًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَ مِنَ الْمُقَرَّبِينَ. - خداوندا، ای پروردگار این دعوت کامل و نماز برپا شده، حضرت محمد (ص) را به درجه و دستاویز و فضل و برتری نایل گردان، تنها به خدا طلب گشایش می نمایم، و تنها به وسیله خدا طلب کامیابی می کنم، و به واسطه حضرت محمد فرستاده خدا و خاندان او (ص) به سوی خدا متوجه می شوم، خداوندا، بر محمد و آل محمد درود فرست، و مرا در نزد خود در دنیا و آخرت آبرومند و از مقربان در گاهت بگردان. و نیز بخواند دعایی که روایت شده امام صادق (ع) فرمود: همواره امیرالمؤمنین (ع) به یاران خویش می فرمود: هر کس اقامه بگوید و پیش از احرام و گفتن تکبیرة الاحرام بگوید: يَا مُحْسِنُ، قَدْ اَتَاكَ الْمُسِيءُ، وَ قَدْ اَمَرْتُ الْمُحْسِنَ اَنْ يَتَجَاوَزَ عَنِ الْمُسِيءِ، وَ اَنْتَ الْمُحْسِنُ وَ اَنَا الْمُسِيءُ، فَبِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ تَجَاوَزْ عَنِ قَبِيحٍ مَا تَعْلَمُ مِنِّي. - ای نیکوکار، بدکار به درگاهت آمده، خود امر فرمودی که نیکوکار از بدکار درگذرد، و تو نیکوکاری و من بدکارم، پس به حق محمد و آل محمد، بر محمد و آل محمد درود فرست، و از اعمال زشت که خود آگاهی، درگذر. خداوند متعال می فرماید: ای ملائکه من، شاهد باشید که من او را عفو نمودم و کسانی را که پیامدهای بد (۱۸۶) از او می خواهند، خشنود نمودم.

فصل نوزدهم: آداب و اسرار نماز ظهر و تعقیبات آن

نماز، فرونشاندن آتشی وجودی انسان

هنگامی که بنده اقامه و دعای بعد از آن را به پایان رساند، و به صورتی که نگاشتیم با قلب و قالب و دل و تن، همانند ایستادن بنده در پیشگاه مولایش که او را می بیند، در پیشگاه خداوند - جلّ جلاله - قرار گرفت، شایسته است که افزون بر آنچه که پیشتر ذکر نمودیم، توجه داشته باشد که: به وسیله این نماز می تواند آتشی را که بر خرمن قلب و هرچه که در دنیا و آخرت مالک آن است زده و همگی شروع به سوختن و شعله ور شدن گردیده اند، خاموش سازد، و در نتیجه در اهتمام به نماز کاملترین توفیق

را داشته باشد، به گونه ای که اگر مثلاً خانه او یا کالایش در دنیا آتش می گرفت، و فرزندان یا عیالش را که در نزد او عزیز و ارجمند هستند می سوختند، و نزدیک بود که آتش به تن او برسد، چنین می کرد. در روایت آمده که پیامبر اکرم (ص) فرمود: وقت هر نماز که فرا می رسد، فرشته ای در پیشاپیش مردم ندا می دهد: بپاخیزید به سوی خاموش کردن آتشی که بر پشتتان شعله ور نموده اید، و آنها را با نماز خواندن خاموش کنید. و نیز از طریق امام صادق (ع) نقل شده که رسول خدا (ص) فرمودند: وقت هیچ نمازی فرا نمی رسد، مگر اینکه منادی [یا: فرشته ای] در پیشگاه خدا ندا می کند: ای مردم، بپاخیزید به سوی خاموش کردن آتشی که بر پشت خویش شعله ور ساخته اید، و آنها را با نمازتان فرو نشانید. از طریق اهل تسنن، نیز به نقل از عبدالله بن مسعود آمده که پیامبر اکرم (ص) فرمود: آتش گناهان را پیوسته روشن می کنید تا اینکه نماز صبح را می خوانید و آن آتش گناهانتان را می شوید، سپس همچنان آتش روشن می کنید تا اینکه نماز ظهر را می خوانید و آن آتش گناهانتان را می شوید، سپس همچنان آتش روشن می کنید تا اینکه نماز عصر را می خوانید و آن آتش گناهانتان را می شوید، سپس پیوسته آتش گناهانتان را روشن می کنید تا اینکه نماز مغرب را می خوانید و آن آتش گناهانتان را می شوید، سپس همچنان آتش گناهانتان را روشن می کنید تا اینکه نماز عشا را می خوانید و آن آتش گناهانتان را می شوید، سپس می خوابید و تا هنگام بیدار شدن برای شما گناه نوشته نمی شود. بنابراین، این مطلب از طریق فریقین (شیعه و سنی) روایت شده پس کسی که طالب سعادت و چشم روشنی است چگونه آن را کوچک و خوار می شمارد؟ همچنین از عبدالله بن مسعود روایت شده که رسول خدا (ص) فرمود: هنگام فرا رسیدن وقت هر نماز شنیدم که منادی می گوید: ای فرزندان آدم، بپاخیزید و آتشی که بر پشت خود روشن نموده اید خاموش کنید، پس ایشان برمی خیزند و طهارت می گیرند و خطاها و گناهانشان می ریزد، و نماز می خوانند و گناهان ما بین دو نماز آمرزیده می شود، سپس آتش گناهانشان را ما بین دو نماز روشن می کنند، پس هنگامی که وقت نماز نخست فرا می رسد، ندا می کند که: ای فرزندان آدم، بپاخیزید و آتشی که بر پشت خود روشن نموده اید خاموش کنید، پس برمی خیزند و طهارت می کنند و نماز می خوانند و گناهان ما بین دو نماز آمرزیده می شود، پس هنگامی که وقت نماز مغرب فرا می رسد مانند آن را می گوید، و هنگامی که وقت نماز عشا فرا می رسد نیز مانند آن را می گوید، پس از خواب بیدار می شوند در حالی که گناهانشان آمرزیده شده است. سپس رسول خدا (ص) فرمود: پس شبانگاهان گروهی در خیر، و گروهی در شر سیر می کنند.

توجه به اینکه این نماز، آخرین نماز اوست

از جمله امور مهم برای هر کس که می خواهد نماز واجب را بخواند، این است که مانند کسی که زندگانی را بدرود گفته و بیم آن را دارد که دیگر بر انجام مثل آن نماز قادر نباشد، و نیز با مغتنم شمردن برتری جایگاه و تحفه های فضیلت نماز بخواند، چنانکه روایت شده که امام صادق (ع) به عبدالله بن یعفور - رضوان الله علیه - فرمود: ای عبدالله، هرگاه نماز واجب را خواندی، آن را در اول وقتش، و مانند کسی که زندگانی را بدرود گفته و بیم آن را دارد که هیچگاه به سوی آن بازنگردد نماز بخوان، و چشمش را به جای سجده ات بدوز، زیرا اگر می دانستی که چه کسی در راست و چپ توست، بی گمان نماز را نیکو بجا می آوری. و بدان که در پیشاپیش کسی هستی که تو را می بنید و تو او را نمی بینی.

نکوهش وارد شدن در نماز با حالت کراهت

از دیگر امور مهم برای نماز گزار این است که: با حالت کراهت و ناخوشایندی از نماز، وارد آن نشده، و در بیرون آمدن از آن عجله نکند؛ زیرا خداوند - جلّ جلاله - درباره برخی از کسانی که آرزوهایشان را نومید، و امکان اقبال و توجهشان به خود را از

بین برده ، می فرماید : ذَلِكْ بِإِئْتَانِهِمْ كَرِهُوا مَا أُنْزَلَ اللَّهُ ، فَأَعْيَطَ أَعْمَالَهُمْ . (۱۸۷) - و این به خاطر آن بود که آنان از آنچه خداوند فرو فرستاده بودن کراهت داشتند ، و لذا خداوند اعمال آنان را ناپود گردانید . و یاد نماز از مصادیق ما أُنْزَلَ اللَّهُ می باشد ، پس از آن کراهت نداشته باش ، تا مبدا به هلاکت و نابودی گرفتار گردی . مبدا گفتار کسی را پذیری که می گوید : نماز تکلیف است ، و انجام تکلیف بر دلها سنگین می باشد . ؛ زیرا این سخن از خشنودی خداوندی که به تمام اسرار آگاه است ، بدور است . و تو را همین بس که قرآن به صراحت هشدار داده که نماز برای غیر کسانی که در برابر خداوند رحمان خشوع و فروتنی دارند ، سخت و گران است ، و خاشع نبودن صفت نقص است ، آنجا که خداوند - جَلَّ جلاله - می فرماید : وَإِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ . (۱۸۸) - و براستی که نماز جز بر فروتنان سخت و سنگین است . اگر نماز برای تمام نمازگزاران تکلیف سنگین بود ، خداوند - جَلَّ جلاله - خاشعان و فروتنان را مدح و ستایش ننموده و استثنا نمی کرد و نمی فرمود که نماز بر آنان سنگین و گران نیست . همچنین در پاسخ او این کلام مقدس صریح قرآن را بخوان که خداوند - جَلَّ جلاله - می فرماید : حَبَّبَ إِلَيْكُمُ الْإِيمَانَ ، وَزَيَّنَهُ فِي قُلُوبِكُمْ ، وَكَرَّهَ إِلَيْكُمُ الْكُفْرَ وَالْفُسُوقَ وَالْعِصْيَانَ . (۱۸۹) - خداوند ایمان را در نزد شما محبوب گردانیده و آن را در دلهایتان بیاراست ، و کفر و گناه و بدکاری و نافرمانی را در نزدتان ناخوشایند جلوه داد . و بگو : تو بر خلاف این سخن می گویی ، و نسبت به خداوند بهتان روا می داری ، آیا با وجود کراهت داشتن تو از خدمت و بندگی و تقرب به او ، این گفتار تو که می گویی او - جَلَّ جلاله - از تو خواسته که حضرتش - جَلَّ جلاله - را دوست بداری ، و تو ادعای می کنی که او - جَلَّ جلاله - را دوست می داری ، قابل قبول است ؟ آیا نزد عقل صحیح است که عاشق از عمل کردن برای کسب خشنودی محبوبش احساس سنگینی کند ، یا از اموری که او را به محبوبش نزدیک می کند بدش بیاید؟ اینک می گویم : پیرامون مطلبی که بدان اشاره نمودم ، روایت نیز وارد شده و عقل را ستوده ، از آن جمله محمد بن ابی عمیر به نقل از شخصی که خود از امام صادق (ع) شنیده آورده که فرمود : هر کس معصیت خدا را بکند ، او را دوست ندارد . سپس حضرت شعر زیر را به عنوان شاهد بازگو نموده و فرمود : تَعَصَّى الْإِمْلَةَ وَاءَنْتَ تُظْهَرُ حُبُّهُ هَذَا مَحَالٌ فِي الْقِيَاسِ يَدْبِعُ لَوْ كَانَ حُبُّكَ صَادِقًا ، لَأَطَعْتَهُ إِنَّ الْمَحَبَّ لِمَنْ يُحِبُّ مُطِيعٌ - آیا با اظهار محبت معبودت از او نافرمانی می کنی ؟ مقایسه این دو امر کار نوظهوری است . اگر محبت راست بود ، مسلماً از او اطاعت می نمودی ، زیرا عاشق ، همواره فرمانبر معشوق خویش است . شاید کسی بگوید که این دو بیت از محمود و راق است . ولی ما می گویم : امام صادق (ع) آنها را به عنوان شاهد بازگو نموده ، و روایان این حدیث به اتفاق مورد اعتماد هستند ، و روایتهای مُرْسَلِ محمد بن ابی عمیر در نزد همه و شیعیان مانند روایت سنددار می باشد . و نیز در روایت آمده که یونس بن ظبیان می گوید : به امام صادق (ع) عرض کردم : آیا این دو مرد را از آن مرد باز نمی دارید؟ فرمود : کدام مرد و کدامین دو مرد؟ عرض کردم : آیا حجرین زایده و عامر بن جذاعة [یا : خزاعه ، یا : خداعة] را از مفضل بن عمر باز نمی دارید؟ فرمود : ای یونس ، از آن دو خواستم که از او دست بکشند ولی این کار را نکردند ، سپس آن دو را خواندم و از آنها تقاضا نموده و درخواست کردم ، ولی از وی دست برنداشتند ، خداوند آن دو را نیا مرزد ، به خدا سوگند ، مسلماً کثیر عزه در مودت و دوستی اش از آن دو در آنچه از مودت من به خود انتساب می دهند ، راستگوتر است آنجا که می گوید : لَقَدْ عَلِمْتُ بِالْغَيْبِ أَنَّ لَا أُجِبُهَا إِذَا أَعَانَا لَمْ يَكْرُمْ عَلَى كَرِيمِهَا از آنجا که من کسی را که نزد معشوقه ام بزرگوار است گرامی نداشتم ، به صورت نهانی دانست که من عاشق او نیستم و او را دوست نمی دارم . بلکه به خدا سوگند ، اگر مرا دوست می داشتند ، مسلماً هر کس را من دوست می دارم ، دوست می داشتند . آیا به کلام منقول از امام صادق (صلوات الله علیه) که با عقل نیز سازگار است ، گوش فرا نمی دهی که : هر کس معصیت خدا را بکند ، او را دوست نمی دارد . پس اگر معصیتکار دوستدار خداوند بزرگوار نباشد ، چگونه کسی که اموری را که موجب قرب او به خداوند سبب است ، سنگین می شمارد ، دوستدار او به شمار خواهد آمد ، و یا چگونه به بهره ها و فواید اقبال خداوند و توجه معرفت خواهد داشت ؟ و نیز به حدیث دیگر و سوگند پر فروغی که دربردارد بنگر ، آنجا که فرمود : بلکه ، به خدا سوگند ، اگر

مرا دوست می داشتند ، هرکس را که من دوست می دارم . دوست می داشتند و آنکھی مگر چیزی عقل را از اعتقاد داشتن به این مطلب باز می دارد؟ پس مبدا با عذرهای نادرست و باطل - که در نزد خداوندی که به اسرار آگاه است ، و آنگاه که با سِر باز و در حضور اولین و آخرین ، در پیشگاه او برای محاسبه می ایستی سودی به حال تو نمی بخشد - مغالطه کنی . چگونه ممکن است با وجود کراهت داشتن از نماز و یا سنگین شمردن آن به مقام والای خداوندی که تو را به سوی نماز فرا خوانده و تشویق نموده معرفت داشته باشی ؟ آیا نمی دانی که خداوند با زبان اعلام کنندگان و راویانی که تعداد آنها به تواتر [و به حدّ یقین] مُرْسَل و کار به آنجا رسیده که گویی تو آن سخنان را از زبانِ سرور پیامبران فرستاده شده یعنی رسول اکرم (ص) می شنوی . باز خداوند - جلّ جلاله - به این قناعت ننموده تا اینکه خود شفاهاً تو را به سوی نماز و محافظت بر آن فرا خوانده ، و با جلال و عظمت و حرمت و هیبت خویش بر تو روی آورده و توجه نموده و به تو فرموده است که : **حَافِظُوا عَلَى الصَّلَوَاتِ وَالصَّلَاةِ الْوُسْطَى ، وَ قُومُوا لِلَّهِ قَانِتِينَ** . (۱۹۰) - بر همه نماز و بویژه بر نماز میانه محافظت نمایید ، و با حالت خضوع برای خداوند بپا خیزید و او را عبادت کنید . حال که با وجود شناخت و معرفت به تمام آنچه که خداوند از سعادت دنیا و دین تو را به سوی آن فرا خوانده شادمان نمی گردی ، چگونه از مسلمانان و تسلیم شوندگان و تصدیق کنندگان خواهی بود؟

نکوهش عجله در خروج از نماز

اما درباره شتاب و عجله در خروج از حالت نماز ، ای کاش می دانستم که به سوی چه چیز می خواهی خارج شوی ؟ ای لغزشکار ، (۱۹۱) ای سیاه روی و سیاه نامه ، ای کسی که نَفَسِ خویش را به دست خود در مهالک می اندازی ، آیا می خواهی از سعادت مندی ات خارج شوی به سوی غفلت و شقاوت خارج گردی ؟ در روایتی آمده که امام صادق (ع) فرمود : هنگامی که بنده به نماز بایستد ، و نمازش را کوتاه بخواند ، خداوند - تبارک و تعالی - [به فرشتگان] می فرماید : آیا به بنده من نمی نگرید ، گویا خیال می کند که برآورده شدن حوایجش به دست غیر من است ، آیا نمی داند که برآورده شدن و خواسته هایش به دست من است ؟ و نیز روایت شده که مولایمان امام زین العابدین (ع) فرمود : اما حقوق نماز آن است که بدانی نماز وارد شدن به درگاه الهی است ، و اینکه در حال نماز در پیشگاه خدا ایستاده ای ؛ پس هرگاه این را دانستی شایسته است که مانند شخص ذلیل و کسی که هم میل و رغبت دارد و هم بیم و هراس ، و هم می ترسد و هم امیدوار است ، ایستاده ، و اظهار مَشْکَنَت و تَضَرُّع نموده ، و با آرامش و وقار [و یا : سر به زیر انداختن] و فروتنی اعضا و تواضع ، و مناجات نیکو با کسی که در برابر او ایستاده ای مقام او را تعظیم نموده ، و از او درخواست نمایی وجودت را که اشتباهات بدن احاطه نموده و گناهانت به هلاکت کشانیده ، [از آتش جهنم] آزاد کند . و هیچ دگرگونی و نیرویی نیست مگر به خداوند . همچنین در حدیث است که امام صادق (ع) فرمود : به خدا سوگند ، گاهی پنجاه سال بر انسان می گذرد در حالی که خداوند یک نماز او را نپذیرفته است ، چه چیز از این سخت تر؟ به خدا سوگند ، شما برخی از همسایگان و یارانتان را می شناسید که اگر برای شما نماز می خواندند ، به خاطر استخفاف و سبک شمردن وی ، آن را نمی پذیرفتید ، براستی که خداوند - عزّوجلّ - جز عمل نیکو را نمی پذیرد ، پس چگونه چیزی را که سبک و کوچک شمرد شده قبول می کند؟

نمره نماز با حضور قلب

پس هنگامی که بنده از این خطرهای ایمن ، و واقعاً بنده و تسلیم خداوند گردید و به او ایمان آورده ، و قلب و باطنش پاک و سالم گردید ، و توجه کرد که در پیشگاه خداوندی قرار دارد که سرافراز و بزرگ و چیره و توانا و جبار است ، و با مرحمتها و بزرگ منشی ها و نیکی هایش او را شرمنده نموده ، نزدیک است که حالش در نماز به همان صورتی گردد روایت شده امام باقر (ع)

فرمود: رسول خدا(ص) فرمود: هنگامی که بنده مؤمن برای انجام نماز بپا می خیزد، خداوند به سوی او نظر رحمت می کند (یا فرمود: خداوند به سوی او روی آورده و توجه می نماید) تا اینکه نماز را به پایان ببرد، و رحمت از بالای سرش تا کرانه آسمان بر او سایه می افکند، و فرشتگان از گرداگرد - [یا: بالای سر] او تا کرانه آسمان او را در برمی گیرند، و خداوند فرشته ای را او می گمارد که بر سرش ایستاده و بگوید: ای نماز گزار، اگر می دانستی که چه کسی به تو می نگرد و با چه کسی مناجات می کنی، هرگز روی خود را بر نمی گرداندی، و هیچگاه از جای تکان نمی خوردی.

حالات معصومین (علیهم السلام) در شروع نماز

اینک بعد از ذکر اموری که اراده نموده بودیم پیش از وارد شدن در نماز یادآور شویم، می گوئیم: بنده باید با حالت احساس بندگی و ذلت و خاکساری که جنایتکاران دارند، به خاطر جنایتشان همانند و مقتدایان خود و اهل نجات رو به قبله بایستند، چنانکه روایت آمده که: وقتی پیامبر اکرم (ص) به نماز می ایستاد، به خاطر ترس از خداوند متعال رنگ چهره اش دگرگون می شد، و از سینه مبارکش صدایی همانند صدای ظرفی که غذا در آن پخته می شود و به جوش می آید، شنیده می شد. و در روایت دیگر آمده که: وقتی پیامبر اکرم (ص) به نماز می ایستاد، همانند جامه ای که به زمین افتاده باشد می شدند. و نیز روایت شده که حضرت علی بن ابی طالب (ع) چنین بود که هنگام فرا رسیدن وقت نماز به خود می لرزید و رنگ به رنگ می شد. و وقتی به آن بزرگوار گفته می شد: چه شده شما را ای امیرالمؤمنین، می فرمود: وقت ادای آن امانت الهی فرا رسیده که خداوند آن را بر آسمانها و زمین و کوهها عرضه نمود و آنها از حمل آن سربیزی کرده و هراسیدند و تنها انسان آن را حمل نمود. نمی دانم آیا آنچه را که حمل نمودم نیکو آدا خواهم نمود، یا خیر...؟ یا حالت آنچنان باشد که در روایت دیگر آمده که امام صادق (ع) فرمود: پدر بزرگوارم پیوسته می فرمود: وقتی علی بن الحسین (علیهما السلام) به نماز می ایستاد، به شاخه درختی می مانست که هیچ قسمت از آن حرکت نکند، مگر اینکه باد آن را به حرکت درآورد. و نیز در حدیث آمده که: وقتی امام باقر و صادق (علیهما السلام) به نماز می ایستادند، رنگ چهره شان دگرگون، و گاه سرخ و گاه زرد می شد، و گویی با کسی که می بینند مناجات می نمایند.

[کیفیت] انجام نماز ظهر

باید بنده به همان صورتی که در رکعت اول از نافله های ظهر و پیش از آن ذکر نمودیم، در نماز وارد شود، و با بجا آوردن نماز به این نیت که: نماز واجب ظهر را به خاطر وجوبش و به منظور اینکه بدین وسیله خداوند - جلّ جلاله - را از آن جهت که زینده عبادت است، پرستش کنم بجا می آورم، در اخلاص نیت و پالودن باطن خویش بکوشد، و با انجام تکبیرهای هفتگانه و دعاها بین آنها نماز را شروع کند.

بهترین سوره هایی که در نماز واجب خوانده می شود

سوره إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ و سوره قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ از بهترین سوره هایی هستند که در نمازهای واجب که سوره معینی بعد از حمد برای آنها مشخص نشده - قرائت می شود. چنانکه محمد بن فرج امام کاظم (ع) نوشت و درباره بهترین سوره هایی که در نماز واجب قرائت می شود پرسید. و حضرت در پاسخ مرقوم فرمود: بهترین سوره هایی که در نمازهای واجب قرائت می شود، سوره إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ، و سوره قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ است. پس بنده دو رکعت اول فریضه ظهر را به صورت رکعت اول از نافله های ظهر که گذشت، بجا می آورد، و وقتی نشست و شهادتین را گفت و بر پیامبر اکرم و آل او - صَلَّی اللَّهُ عَلَيْهِ و عَلَیْهِم -

تشہد مستحبی نماز

www.noorfatemah.org

نحوه سلام گفتن در نماز فردی و جماعت

سپس به همان صورت که گفتیم سلام نماز را می گوید ، و اگر امام جماعت باشد و یا نماز را به فردی بخواند رو به قبله و با اشاره گوشه چشمانش به راست سلام می دهد ، و اگر مأموم باشد تنها با اشاره به راست سلام می دهد ، البته اگر کسی در طرف چپ او نیز نشسته باشد بر سمت چپ نیز اشاره نموده و سلام می دهد ، و اگر کسی نباشد ، سلام دادن از راست (۱۹۲) کفایت می کند . و اینکه گفتیم : اگر بر سمت چپ کسی باشد و نگفتیم : اگر بر سمت راستش کسی باشد . به خاطر این بود که در صورت وجود امام جماعت ، مأموم در پشت سر او نماز می گزارد ، و برای مأموم وقتی تنها باشد ، مستحب است که در سمت راست امام بایستد .

تعقیبات مشترک نمازهای واجب

گفتن سه تکبیر

۱ - بعد از سلام ، به همان صورت که پیش از این در سلام نافله های ظهر ذکر نمودیم ، سه بار تکبیر بجا می آورد .

عَلَّتْ گفتن سه تکبیر در تعقیب نماز

شیخ فقیه سعید ابومحمّد جعفر بن احمد قمی در کتاب اَدَبُ الْإِمَامِ وَالْمَأْمُومِ در باب عَلَّتْ سه بار تکبیر گفتن نماز گزار بعد از سلام نماز روایت نموده که مفضل بن عمر می گوید : به امام صادق (ع) عرض کردم : به چه عَلَّتْ نماز گزار بعد از سلام نماز ، سه بار تکبیر می گوید؟ حضرت فرمود : هنگامی که رسول خدا(ص) مکه را فتح نمود ، و نماز ظهر را با اصحاب خویش در نزد حجرُ الْأَسْوَدِ به جماعت خواند ، بعد از گفتن سلام نماز دو دستِ خویش را بلند نمود و سه بار تکبیر گفت و بعد فرمود : لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ ، اَعَزَّ وَعَدَهُ ، وَنَصَرَ عَبْدَهُ ، وَاعَزَّ جُنْدَهُ ، وَهَزَمَ [يَا : غَلَبَ] الْأَحْزَابَ وَحْدَهُ ، لَا شَرِيكَ لَهُ ، لَا قَبْلَهُ وَلَا بَعْدَهُ ، فَلَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ ، يُحْيِي وَيُمِيتُ ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ . - معبودی جز خداوند یگانه نیست ، که به وعده خود وفا ، و بنده اش را یاری نمود ، و لشکرش را سرافراز و پیروز گردانید ، و به تنهایی و بدون اینکه شریکی داشته باشد - نه پیش از آن و نه بعد از آن - تمام حزبها و گروهها را درهم شکست [یا : بر آنها غلبه کرد] ، پس فروانروایی فقط برای اوست ، و ستایش تنها او را سزد ، زنده می کند و می میراند ، و هم او بر هر چیز تواناست . سپس رو به اصحاب خویش نموده و فرمود : این تکبیر و این گفتار و دعا را در تعقیب هیچ نماز واجبی ترک نکنید ، زیرا هرکس بعد از سلام نماز چنین کند و این سخن و دعا را بخواند ، شکر و سپاس خدا را بر تقویت اسلام و لشکر اسلام که بر او واجب است ، ادا نموده است . و نیز به طریق دیگر از زراره روایت کرده که باقر(ع) فرمود : وقتی سلام نماز را گفتی ، همراه با گفتن سه بار تکبیر دستهای خود را بلند کن .

ثمره تعقیب با نشاط

اینک می گویم : شایسته است انسان همان گونه که برای طلب اموری که موجب سعادت اوست نشاط دارد ، تعقیب نماز را با نشاط به جا آورد ، چنانکه برای طلب سعادت مندیهای خویش نشاط دارد ، زیرا در روایت آمده که حضرت جعفر بن محمد صادق (ع) به نقل از پدر بزرگوار ، از پدران بزرگوارش فرمود رسول خدا(ص) فرمودند : هرکس در جایی که نماز می خواند ، در حالی که پاهایش را روی هم بگذارد و بنشیند و خدا را یاد کند ، خداوند فرشته ای را به او می گمارد که به او می گوید : شرافت افزون باد ، حسنات برای تو نوشته می شود ، و گناهانت پاک می گردد ، و درجاتی برای تو پایه گذاری می گردد ، تا اینکه تعقیب

نماز را به پایان برده و از آن منصرف شوی .

سجدہ شکر

۲- بعد از نماز واجب سجده شکر نماید ، چنانکه روایت شده که امام رضا(ع) فرمود : سجده کردن بعد از نماز واجب ، به جهت سپاسگزاری از خداوند متعال برای توفیق یافتن بنده به ادای نماز فریضه است ، و کمترین سخنی که در آن کفایت می کند این است که سه بار بگوید : شُکراً لِلّٰهِ - خدا را شکر و سپاس می گویم . [راوی می گوید :] عرض کردم : معنای این سخن شُکراً لِلّٰهِ چیست ؟ فرمود : یعنی این سجده من ، برای سپاسگزاری از خداست به خاطر اینکه مرا به خدمت و بندگی و ادای فرایض مؤفّق گردانید . و شُکر ، موجب افزونی است ، و اگر کوتاهی و نقصی در نماز باشد که با نمازهای نافله کامل نشده باشد ، با این سجده کامل می گردد .

روایتی پیرامون سجده و دعا بعد از سلام نماز اهل بیت

۳- منقول است که حسین بن زید بن علی بن حسین - که امام صادق (ع) بعد از شهادت پدرش او را تربیت نموده و فقیه گردانید و از دیگران بی نیاز نمود - گفت ما وقتی سلام نماز را گفتیم و خواستیم که دعا بکنیم، هرچه می خواهیم در حال سجده دعا می کنیم. و زیرا از اهل بیت (علیهم السلام) را دیدم که چنین می کردند، و من نیز چنین می کنم. اینک می گویم: من نیز این عمل را انجام می دهم، و افزون بر آن بعد از سلام نماز در حال سجده، از خدا می خواهم که تمام نقصهایی را که ممکن است در نماز باشد عفو فرماید و نمازم را به خداوند - جلّ جلاله - می سپارم؛ زیرا این مطلب سلام هر روز ماه رمضان در هنگام اخطار نقل شده است و دیگر اینکه: سجده، محلّ قرب و نزدیکی است، آنجا که خداوند متعال می فرماید: **وَاسْجُدْ وَاقْتَرِبْ**. (۱۹۳) - و سجده و کرنش نما، و نزدیکی جوی. (۱۹۴) ۴- و بگوید آنچه را که شایسته است در تعقیب هر نماز واجبی گفته شود، که: لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ إِلَهًا وَاحِدًا، وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ، [لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ إِلَهًا وَاحِدًا، وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ]، لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ لَا نَعْبُدُ إِلَّا إِيَّاهُ، مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ، وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ، لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ رَبُّنَا وَرَبُّ آبَائِنَا الْأَوَّلِينَ، لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ وَحْدَهُ، اءَنْجَزَ وَعْدَهُ، وَنَصَرَ عَبْدَهُ، وَهَزَمَ الْأَحْزَابَ وَحْدَهُ، فَلَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. - معبودی جز خداوند که معبود یگانه است وجود ندارد، و ما [همگی] تسلیم اویم، [معبودی جز خداوند - یگانه - نیست و ما - اعمال خود را - برای او خالص و نموده ایم، [معبودی جز خدا نیست، در حالی که عبادت خود را برای او پاکیزه نموده ایم جز او را نمی پرستیم، هرچند ناخوشایند مشرکان باشد. معبودی جز خدا نیست، هم او پروردگار ما و پروردگار پدران نخست ماست. معبودی جز خداوند یگانه یگانه نیست، به وعده خویش وفا نمود، و بنده اش را یاری فرموده، و به تنهایی احزاب و گروهها را نابود کرد، پس فرمانروایی و ستایش تنها از آن اوست، و او بر هر چیز تواناست. ۵- سپس می گوید: اءَسْتَغْفِرُ اللَّهَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ، وَاءْتُوبُ إِلَيْهِ. - طلب آمرزش می کنم از خداوندی که معبودی جز او نیست، و زنده و پاینده و برپا دارنده [خلق] است، و به سوی او توبه و بازگشت می نمایم. ۶- بعد می گوید: اءَللَّهُمَّ اهْدِنِي مِنْ عِنْدِكَ، وَاءْفِضْ عَلَيَّ مِنْ فَضْلِكَ، وَانْشُرْ عَلَيَّ مِنْ رَحْمَتِكَ، وَاءَنْزِلْ عَلَيَّ مِنْ بَرَكَاتِكَ، سُبْحَانَكَ، لَا إِلَهَ إِلَّا اَنْتَ، اِغْفِرْ لِي ذُنُوبِي كُلَّهَا جَمِيعًا، فَإِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ كُلَّهَا جَمِيعًا إِلَّا اَنْتَ. اءَللَّهُمَّ، اِنِّي اءَسْأَلُكَ مِنْ كُلِّ خَيْرٍ اءَحَاطَ بِهِ عِلْمُكَ، وَاءَعُوذُ بِكَ مِنْ كُلِّ شَرٍّ اءَحَاطَ بِهِ عِلْمُكَ، اءَللَّهُمَّ، اِنِّي اءَسْأَلُكَ عَافِيَتَكَ فِي اُمُورِي كُلِّهَا، وَاءَعُوذُ بِكَ مِنْ خِزْيِ الدُّنْيَا وَءَعَذَابِ الْآخِرَةِ، وَاءَعُوذُ بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ، [وَسَيِّدَانِكَ الْقَدِيمِ]، وَءَعِزَّتِكَ الَّتِي لَا تُرَامُ وَءَقْدَرَّتِكَ الَّتِي لَا يَمْتَنِعُ مِنْهَا شَيْءٌ، مِنْ شَرِّ الدُّنْيَا [وَالْآخِرَةِ] وَشَرِّ الْأَوْجَاعِ كُلِّهَا، لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ، تَوَكَّلْتُ عَلَى الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ، وَالحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ [صَاحِبَةً وَلَا] وَلَدًا، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذَّلِّ وَكَبْرُهُ تَكْبِيرًا.

- خداوندا، مرا از ناحیه خویش هدایت فرما، و از فضل و بخششت کاملاً بهره مندم ساز، و از رحمت بر من بگستران، و از خیرات فراوان و برکات بر من فرو فرست. پاک و منزهی تو، معبودی جز تو نیست، همه گناهان مرا بیامرز، زیرا همه گناهان را کسی جز تو نمی تواند بیامرزد، خدایا، برستی که من از تمام خیرات و خوییهایی که آگاهی تو آن را فرا گرفته خواستارم، و از تمام بدیهایی که آگاهی ات فرا گرفته به تو پناه می برم، خداوندا، همانا در تمام امورم عافیت تو را درخواست می نمایم، و به تو پناه می برم از رسوایی دنیا و عذاب آخرت، و پناه می برم - به روی [و اسماء و صفات] گرامی و [سلطنت و فرمانروایی دیرینه و بی آغاز]، و عزت و سربلندی ات که کسی نمی تواند آهنگ آن را بنماید، و به قدرت که هیچ چیز نمی تواند از آن سربلندی کند - از شر دنیا [و آخرت] و شر همه دردها. هیچ دگرگونی و نیرویی نیست جز به خداوند بلند مرتبه بزرگ، توکل کردم بر خداوند زنده ای که هرگز نمی میرد، و ستایش خدایی را که هیچ کس را [به زنی و] فرزندی نگرفته، و شریکی در سلطنت و فرمانروایی ندارد، و سرپرستی از روی خواری و ذلت برای او نیست، و او را به گونه ویژه ای بزرگتر بدان.

فضیلت تسبیح فاطمه زهراء (علیها السلام)

۷- سپس تسبیح حضرت زهرا (علیها السلام) را می گوید، که ما شرح آن را با پیش از این با دو روایت که هر کدام مایه چشم روشنی است، یادآور شدیم. از دیگر روایات درباره فضیلت تسبیح حضرت زهرا (علیها السلام) در تعقیب نمازهای واجب، این است که امام صادق (ع) فرمود: هر کس پیش از آنکه از نماز واجب پاهایش را روی هم بگذارد و آسوده بنشیند، تسبیح حضرت زهرا فاطمه (علیها السلام) را بگوید، آمرزیده می گردد. البته آن را با تکبیر آغاز می کند. و نیز روایت شده که امام صادق (ع) فرمود: هر کس پیش از اینکه پاهایش را باز کرده و آسوده بنشیند تسبیح فاطمه زهرا (علیها السلام) را در تعقیب نماز واجب بگوید، خداوند بهشت را برای او واجب می گرداند. ۸- از تعقیبات مهم جهت استجابت دعا، است در روایت آمده است: هر کس بعد از نماز واجب بگوید: یا مَنْ یَفْعَلُ مَا یَشَاءُ، وَلَا یَفْعَلُ مَا یَشَاءُ غَیْرُهُ - ای خداوندی که هر چه را بخواهی انجام می دهی، و غیر تو نمی تواند هر چه را خواست انجام دهد. سپس حاجت خویش را بخواهد، هر چه درخواست کند به او عطا می شود. (۱۹۵)

فضیلت تسبیحات اربعه در تعقیبات نماز

۹- از تعقیبات مهم در جهت افزونی سعادت و دفع چیزهایی که از آنان هراس دارد، این است که روایت شده که امام صادق (ع) فرمود: روزی رسول خدا (ص) به اصحابش فرمود: اگر جامه ها و ظروفی را که دارید جمع کنید و روی هم بگذارید، آیا به آسمان می رسد؟ عرض کردند: خیر، ای رسول خدا، فرمود: وقتی از خواندن نماز فراغت پیدا کردید، سی بار بگویید: سُبْحَانَ اللَّهِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ. - پاک و منزّه است خداوند، و حمد و سپاس مختص خداست، و معبودی جز خدا نیست، و خداوند بزرگتر است. زیرا این کلمات، ویرانی و غرق شدن و سوختن و افتادن در چاه، و خورده شدن به وسیله درندگان، و جان سپردن به صورت بد، و هر گونه نکبت و گرفتاری و مصیبتی را که بر بنده در آن روز فرو می آید، دفع می کنند، و آنها مُعَقَّبَات هستند. و در روایت دیگر آمده که پیامبر اکرم (ص) فرمود: آنها معقباتی هستند که هر کس آنها را بگوید: (یا فرمود: انجام دهد)، یعنی سی و سه بار سُبْحَانَ اللَّهِ، و سی و چهار اَلْحَمْدُ لِلَّهِ. بگوید، محروم و نومید نمی گردد. و نیز در حدیث است که حضرت صادق (ع) فرمود: هر کس در تعقیب هر نماز واجب پیش از آنکه پاهایش را روی هم بگذارد و آسوده بنشیند، چهل بار بگوید: سُبْحَانَ اللَّهِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ سپس از خداوند درخواست نماید، هر چه بخواهد به او عطا می شود.

دعای جهت محفوظ ماندن از خطرات

۱۰- از تعقیبات مهمّ جهت محفوظ ماندن خود و خانه و دارایی و فرزندانش . این است که امام صادق (ع) فرمود : هرکس این کلمات را بعد از نمازهای واجب بگوید ، خود و خانه و دارایی و فرزندانش محفوظ می مانند : **اَعْجِزْ نَفْسِي وَمَالِي وَوُلْدِي وَاهْلِي وَدَارِي وَكُلَّ مَا هُوَ مِنِّي ، بِاللّٰهِ الْوَاحِدِ الْاَحَدِ الصَّمَدِ الَّذِي لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا اَحَدٌ ، وَاهْجِزْ نَفْسِي وَمَالِي وَوُلْدِي وَاهْلِي وَدَارِي] وَكُلَّ مَا هُوَ مِنِّي ، بِرَبِّ الْفَلَقِ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ (تا آخر سوره) وَبِرَبِّ النَّاسِ (تا آخر سوره) - خود و دارایی و فرزند و خانواده و خانه و هرچه متعلّق به من است را در پناه خداوند یگانه بی همتا و بی نیاز [ی که همه بدو نیازمندند] که نه زاده و نه زاده شده و هیچ کس همتای او نیست در آوردم ، و خود و دارایی و فرزندانم [و خانواده و خانه] و هرچه متعلّق به من است را در پناه پروردگار مخلوقات درمی آورم از شرّ هرچه خداوند آفریده (تا آخر سوره قلّ اَعُوْذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ) و در پناه پروردگار مردم (تا آخر سوره قلّ اَعُوْذُ بِرَبِّ النَّاسِ) و ... و نیز آیه الكرسي را تا آخرش می خواند . همچنین منقول است که حضرت حسن بن علی (علیهما السلام) فرمود که رسول خدا (ص) فرمود : هرکس آیه الكرسي را در تعقیب نماز واجب بخواند ، تا نماز دیگر در ضمانت خداوند خواهد بود .**

قرائت سوره قلّ هُوَ اللّٰهُ اَعَدّ و دعای امیرالمؤمنین (ع)

۱۱- از دیگر تعقیبات مهمّ در تعقیب نماز برای کسانی که خواهان ایمنی از گناهان و پیامدهای بد آنها هستند ، این است که نقل شده امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (ع) فرمود : هرکس دوست دارد که از دنیا بیرون برود ، در حالتی که از گناهان خالص باشد چنانکه طلا- ، خالص و ناب می گردد و هیچ کدورتی در آن باقی نماند باشد . و هیچ کس از او مظلّمه ای نخواهد ، بعد از نمازهای پنجگانه توصیف پروردگار - تبارک و تعالی - یعنی سوره قلّ هُوَ اللّٰهُ اَعَدّ را بخواند و دستهایش را گشوده و بگوید : **اَللّٰهُمَّ ، اِنِّیْ اَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْمَكْنُونِ الْمَخْزُونِ الطَّاهِرِ الْمُطَهَّرِ [یا : اَلطُّهْرِ] الْمُبَارَكِ ، وَ[اَسْأَلُكَ] بِاسْمِكَ الْعَظِيمِ وَ سُلْطَانِكَ الْقَدِيمِ ، یا وَهَبِ الْعَطَا یا ، یا مُطْلِقِ الْأَسَارِ ، یا فَكَاکِ الرَّقَابِ مِنَ النَّارِ ، اَسْأَلُكَ اَنْ تُصَلِّیَ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ ، وَ اَنْ تُعِیْقَ رَقَبَتِی مِنَ النَّارِ ، وَ اَخْرِجْنِی مِنَ الدُّنْیَا سَالِمًا ، وَ اَدْخِلْنِی الْجَنَّةَ اَمْنًا ، وَ اجْعَلْ یَوْمَیْ اَعُوْلهُ فَلَاحًا ، وَ اَعُوْسَیْ طَهْ نَجَاحًا ، وَ اَخِرُهُ صَیْلَاحًا ، اِنَّكَ اَنْتَ عَلَامُ الْغُیُوبِ . - خداوند ، بدرستی که از تو به اسم پوشیده مخزون پاکیزه پاک خجسته ات درخواست می نمایم ، و به اسم بزرگ و فرمانروایی دیرینه و بی آغازت تقاضا می نمایم ، ای بخشنده عطایا ، ای رها کننده اسیران ، ای آزاد کننده بندگان از آتش جهنّم ، از تو مسألت دارم که بر محمد و آل محمد درود فرستی ، و مرا از آتش جهنّم آزاد نمایی ، و سالم و بی گزند از دنیا خارج ، و ایمن و آسوده در بهشت داخل فرما ، و آغاز این روزم را رستگاری ، و میانه اش را کامیابی ، و پایانش را اصلاح و درستی قرار ده ، براستی که تویی بسیار آگاه بر نهانها . سپس امیرالمؤمنین (ع) فرمود : این دعا از دعاهاست مستجابی است که رسول خدا (ص) به من آموخت ، و دستور داد که آن را به امام حسن و حسین (علیهما السلام) بیاموزم . ناگفته نماند که : روایت دیگری درباره این دعا به عنوان ذکر دعای مصون و محفوظی که رسول خدا (ص) به امیرالمؤمنین (ع) ، و امیرالمؤمنین به امام حسن و حسین (علیهما السلام) آموخت . آمده است امیرالمؤمنین (ع) فرمود : هرکس دوست دارد در حالتی از دنیا بیرون رود ، که چنانکه طلا- خالص و ناب گردد و هیچ چیز با آب مشوب و مخلوط نیست ، از گناهان خالص و رها گردد ، و هیچ کس از او مظلّمه ای نخواهد ، در تعقیب نمازهای پنجگانه ، دوازده بار توصیف پروردگار عزّوجلّ یعنی سوره قلّ هُوَ اللّٰهُ اَعَدّ را بخواند ، سپس دستهایش را گشوده و بگوید : ... (و دعایی را که یادآور شدیم ذکر شده است .) ۱۲- از دیگر تعقیبات مهمّ این است که روایت شده امام صادق (ع) فرمود : هرکس به خدا و روز آخرت ایمان دارد قرائت سوره قلّ هُوَ اللّٰهُ اَعَدّ را در تعقیب نماز واجب ترک ننماید ، زیرا هرکس آن را بخواند ، خداوند خیر دنیا و آخرت را برای او جمع نموده و خود وی و پدر و مادر و فرزندانش آن**

دو آمرزیده می شوند .

دعایی جهت آمرزش گناهان

۱۳ - از دیگر تعقیبات مهم برای آمرزیده شدن گناهان ، آن است در حدیث است محمد بن حنفیه می گوید : امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (ع) گرد خانه خدا طواف می نمود ، ناگهان دیدند مردی به پرده های کعبه آویخته و می گوید : یا مَنْ لَا يَشْغُلُهُ سَمْعٌ [عَنْ سَمْعٍ] ، یا مَنْ لَا يُغْلُظُهُ السَّيْئَاتُ ، یا مَنْ لَا يُبْرِئُهُ إِلَّا الْحَاحُ الْمَلِيحُ ، اَذْفَنِي بِرَدِّ عَفْوِكَ ، وَحَلَاوَةِ رَحْمَتِكَ . - ای خداوندی که شنیدن [دعایی تو را از شنیدن دیگر دعاها] به خود مشغول نمی کند ، ای کسی که درخواست کنندگان او را به اشتباه وانی دارند ، ای کسی که پافشاری اصرار کنندگان او را به ستوده نمی آورد ، خنکی عفو و گذشت و شیرینی رحمت را به من بچشان . امیرالمؤمنین (ع) فرمود : این دعای توسل ؟ و من خود شنیدم که آن مرد عرض کرد : بله ، تو نیز آن را در تعقیب نمازهای بخوان : به خدا سوگند ، هیچ مؤمنی آن را در تعقیب نماز نمی خواند ، مگر اینکه خداوند گناهان او را می آمرزد ، هر چند گناهانش به شماره ستارگان آسمان و قطره های باران و سنگریزه ها و خاکهای زمین باشد . امیرالمؤمنین (ع) فرمود : دانش این در نزد من است ، و خداوند وسعت دهنده و بزرگواری است . آن مرد که حضرت خضر(ع) بود گفت : به خدا سوگند ، راست گفتی ، ای امیرالمؤمنین ، ولیکن بالای هر صاحب دانشی ، دانایی است .

دعا برای طول عمر

۱۴ - از تعقیبات مهم برای جهت طول عمر آن است که از جمله تعقیبش بعد از هر نماز این باشد که در روایت آمده جمیل بن دراج می گوید مردی به خدمت امام صادق (ع) وارد شد و عرض کرد : ای آقای من ، سنم زیاد شده و بستگانم مرده اند و می ترسم که مرگ مرا دریابد ، و کسی ندارم که با او اُنس بگیرم و همنشین شوم . حضرت فرمود : از برادران مؤمن هستند کسانی که از لحاظ نسبی و سببی به تو نزدیکترند ، و اُنس تو به آنان از اُنس به بستگان بهتر است ، با وجود این بر تو باد که این دعا را بخوانی ، و در تعقیب هر نماز واجب بگو : اَللّهُمَّ ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، اَللّهُمَّ ، اِنَّ الصَّادِقَ (ع) قَالَ : اِنَّكَ قُلْتَ : مَا تَرَدَّدْتُ فِي شَيْءٍ اَنَا فاعِلُهُ كَتَرَدَّدِي فِي قَبْضِ رُوحِ عَبْدِي الْمُؤْمِنِ ، يَكْرَهُ الْمَوْتَ وَ[اَنَا] اَكْرَهُ مَسَائَتَهُ . اَللّهُمَّ ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَعَجِّلْ لَوْلِيِّكَ الْفَرَجَ وَالْعَافِيَةَ وَالنَّصِيرَ ، وَلَا تَسُوْنِي فِي نَفْسِي وَلَا فِي اَعْيَادٍ مِنْ اَعْيَادِي . - خداوندا ، بر محمد و آل محمد درود فرست ، خدایا ، براستی که حضرت صادق (ع) فرمود : که تو فرموده ای : من در هیچ کاری همانند تردّد و دو دلی ای که در گرفتن روح بنده مؤمن دارم ، دو دلی ندارم ، [زیرا] او از مرگ بدش می آید ، و من از بدی رساندن به او بدم می آید . خداوندا ، بر محمد و آل محمد درود فرست ، و در فرج و تندرستی و پیروزی و لیات تعجیل فرما ، و در رابطه خود و هیچ کدام از دوستانم به من بدی مرسا . اگر خواستی دوستانت را یکایک نام میبری . یا به صورت جداگانه ، و یا مجموعاً آن مرد می گوید : به خدا سوگند ، آن قدر زنده ماندم تا اینکه از زندگانی خسته و رنجور شدم . ابو محمد هارون بن موسی - رَحِمَهُ اللهُ - می گوید : محمد بن حسن بن شمون [یا : سمون] بصری پیوسته این دعا را می خواند ، تا اینکه صدویست و هشت سال همراه با آسایش زندگانی کرد ، تا اینکه از زندگانی خسته شد و این دعا را ترک کرد و از دنیا رفت . خداوند رحمتش کند .

دعا جهت حفظ

۱۵ - از تعقیبات مهم دعایی است که پیامبر اکرم (ص) به علی (ع) آموخت تا هر چیزی را که می شنود حفظ کند . از پیامبر اکرم (ص) روایت شده که به امیرالمؤمنین (ع) فرمود : هرگاه خواستی هر چه را که می شنوی و می خوانی حفظ کنی ، این دعا را در

تعقیب تمام نمازها بخوان ، و آن دعا به این صورت است سُيْحَان مَنْ لَا يَعْتَدِي عَلَى أَهْلِ مَمْلَكَتِهِ ، سُبْحَانَ مَنْ لَا يَأْخُذُ أَهْلَ الْأَرْضِ بِأَلْوَانِ الْعَذَابِ ، سُيْحَانَ الرَّؤُوفِ الرَّحِيمِ ، اَللّهُمَّ ، اجْعَلْ لِي فِي قَلْبِي نُورًا وَبَصِيرَةً وَفَهْمًا وَعِلْمًا ، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ . - پاک و منزّه است خداوندی که بر اهل مملکت خود ستم و تجاوز روا نمی دارد ، و پاک و منزّه است خدایی که اهل زمین را به انواع گوناگون عذاب ، نمی گیرد ، پاک و منزّه است خداوند رؤوف و مهربان ، ، خداوندا ، در قلب من نور و بینایی و فهم و آگاهی قرار ده ، براستی که تو بر هر چیز توانایی .

دعا جهت برآورده شدن حوائج

۱۶- از تعقیبات مهمّ جهت برآورده شدن حوائج ، آن است که وقتی از نماز فراغت پیدا کرد ، بخواند دعایی را که ادریس بن عبدالله می گوید : از امام صادق (ع) شنیدم می فرمود : وقتی از نماز فراغت پیدا کردی بگو : اَللّهُمَّ ، إِنِّي أَدْعِيكَ بِطَاعَتِكَ وَوَلَايَتِكَ وَوَلَايَةِ رَسُولِكَ وَوَلَايَةِ الْأَئِمَّةِ مِنْ أَوْلِيهِمْ وَ[يا : إلی] آخِرِهِمْ . و همه ائمه (علیهم السلام) را یکایک نام می بری ، سپس می گویی : اَللّهُمَّ ، أَدْعِيكَ بِطَاعَتِهِمْ وَوَلَايَتِهِمْ وَالرِّضَا بِمَا فَضَّلْتَهُمْ بِهِ غَيْرَ مُتَكَبِّرٍ [يا : مُنْكَرٍ] وَلَا مُسْتَكْبِرٍ عَلَى مَعْنَى مَا أُنْزِلَتْ فِي كِتَابِكَ عَلَى حُدُودِ مَا آتَانَا فِيهِ وَمَا لَمْ يَأْتِنَا ، مُؤْمِنٌ مُعْتَرِفٌ مُسْلِمٌ بِذَلِكَ ، رَاضٍ بِمَا رَضَيْتَ بِهِ ، يَا رَبِّ ، أُرِيدُ بِهِ [وَجْهَكَ الْكَرِيمَ وَالدَّارَ الْآخِرَةَ مَرْهُوبًا وَمَرْغُوبًا إِلَيْكَ فِيهِ ، فَأَعْجِبْنِي عَلَى ذَلِكَ وَءَمِّنْنِي إِذَا أَمَّنْتَنِي عَلَى ذَلِكَ ، وَابْعَثْنِي عَلَى ذَلِكَ . وَ إِنْ كَانَ مِنِّي تَقْصِيرٌ فِيمَا مَضَى ، فَإِنِّي أَسْتَغْفِرُكَ ، وَأَعْرُغُ بِإِلَيْكَ فِيمَا عِنْدَكَ ، وَأَسْأَلُكَ أَنْ تَعْصِمَنِي بِوَلَايَتِكَ عَنْ مَعْصِيَتِكَ ، وَ لَا تَكِلْنِي إِلَى نَفْسِي طَرْفَةَ عَيْنٍ أَبَدًا وَلَا أَقَلَّ مِنْ ذَلِكَ وَلَا أَكْثَرَ ، إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمْتَ ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ ، وَأَسْأَلُكَ بِحُرْمَةِ وَجْهِكَ الْكَرِيمِ وَبِحُرْمَةِ اسْمِكَ الْعَظِيمِ وَبِحُرْمَةِ رَسُولِ اللَّهِ (ص) وَبِحُرْمَةِ أَهْلِ بَيْتِ رَسُولِكَ (علیهم السلام) و آن بزرگواران را [یک به یک] نام می بری - اَنْ تُصَلِّيَ عَلَي مُحَمَّدٍ وَآلِهِ ، وَ اَنْ تَفْعَلَ بِي كَذَا وَ كَذَا . خدایا ، من به طاعت و ولایت و دوستی تو ولایت رسولت و ولایت امامان از اوّل تا به آخرشان ، از تو اطاعت نموده و می پرستمت . خداوندا ، من به واسطه طاعت و ولایت و دوستی آنان ، و خشنودی از آنچه که ایشان را به آن برتری دادی ، بدون اینکه تکبر نموده [یا : انکار نموده] و یا گردنکشی نمایم ، بر اساس آنچه که در کتابت فرو فرستادی ، و بر اساس احکام و حدودی که در آن به ما رسیده و یا نرسیده ، از تو اطاعت نموده و می پرستمت . و به آن ایمان آورده و معترف و تسلیم آن هستم ، و به هرچه که تو بدان خشنودی ، خرسندم ، پروردگارا ، مقصودم از این [روی و اسماء و صفات - گرامی ات و رضای تو و] دار آخرت می باشد ، در حالی که در این باره هم از تو هراسانم و هم به سوی تمایل و رغبت دارم . پس مرا بر همین [اعتقاد] زنده بدار ، و هنگامی که می میرانی بر همان بمیرانم ، و بر همان [در قیامت] مبعوثم بدار ، و اگر در گذشته تقصیر و کوتاهی از من سرزده [از آن] به سوی تو توبه می نمایم ، و نسبت به آنچه در نزد توست میل و رغبت دارم ، و از تو درخواست می کنم که مرا به سرپرستی خود از نافرمانی ات نگاه داری ، و هیچگاه به اندازه چشم برهم زدن مرا به خود وامگذار ، نه کمتر از این و نه بیشتر از آن ، زیرا نفس بسیار بدفرماست ، مگر اینکه تو رحم آری . ای مهربانترین مهربانان ، و از تو درخواست می نمایم به حرمت روی [و اسماء و صفات] گرامی ات ، و به احترام اسم بزرگت ، و به حرمت رسول خدا (ص) و به احترام اهل بیت رسولت (علیهم السلام) - و ایشان را نام می بری - اینکه بر محمد و آل او درود فرستی ، و به من چنین و چنان کنی . به جای این لفظ چنین و چنان کن حوائج خویش را ذکر می کنی که إِنْ شَاءَ اللَّهُ . برآورده می شود .

دعای امام صادق (ع) در تعقیب نمازها

۱۷- از تعقیبات مهمّ در تعقیب نمازها برای نیل به سعادت‌مندیهای افزونتر ، اقتدا به امام صادق (ع) در دعاهایی است که ذکر می

کنیم . در روایت آمده که امام صادق (ع) فرمود : روزی به خدمت پدر بزرگوارم وارد شدم که [در همان روز] هشت هزار دینار به فقرای اهل مدینه صدقه داده و خانواده ای را که به یازده برده می رسیدند آزاد فرمود بود ، و این کار مرا به شگفت آورد . حضرتش به من نگریست و فرمود : آیا می خواهی کاری انجام دهی که اگر آن را یکبار در تعقیب نمازهای واجب انجام دهی ، برتر از کاری که من انجام دادم باشد ، اگر چه من آن را در هر روز به اندازه عمرت حضرت نوح (ع) انجام دهم ، حضرت فرمود : عرض کردم آن چیست ؟ فرمود بعد از نماز می گویی : اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلَهَ اِلَّا اللَّهُ ، وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ ، يُحْيِي وَيُمِيتُ ، وَيُمِيتُ وَيُحْيِي ، بِيَدِهِ الْخَيْرُ ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ . سُبْحَانَ ذِي الْمُلْكِ وَالْمَلَكُوتِ ، سُبْحَانَ ذِي الْعِزَّةِ وَالْجَبَرُوتِ ، سُبْحَانَ ذِي الْكِبَرِيَاءِ وَالْعَظَمَةِ ، سُبْحَانَ الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ ، سُبْحَانَ رَبِّيَ الْاَعْلَى ، سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ ، سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ ، كُلُّ هَذَا قَلِيلٌ يَا رَبِّ ، وَعِدَدَ خَلْقِكَ وَمِلَأَ عَرْشِكَ وَرَضَى نَفْسِكَ وَمَبْلَغَ [يا : يَبْلُغُ] مَسِيَّتِكَ وَعِدَدَ مَا اَخَصَى كِتَابِكَ وَمِلَأَ مَا اَخَصَى كِتَابُكَ وَزَنَهُ مَا اَخَصَى كِتَابُكَ وَمِثْلَ مَا اَخَصَى كِتَابُكَ ، وَمِثْلَ ذَلِكَ اَضْعَافًا مُضَاعَفَةً [لَا تُحْصَى وَعَدَدَ خَلْقِكَ وَمِلَأَ خَلْقِكَ وَزَنَهُ خَلْقِكَ ، وَمِثْلَ ذَلِكَ اَضْعَافًا لَا تُحْصَى ، وَعَدَدَ بَرِيَّتِكَ وَمِثْلَ ذَلِكَ اَضْعَافًا مُضَاعَفَةً] ، وَمِثْلَ ذَلِكَ اَضْعَافًا لَا تُحْصَى وَعِدَدَ مَا تَعْلَمُ ، وَزَنَهُ مَا تَعْلَمُ وَمِلَأَ مَا تَعْلَمُ وَمِثْلَ ذَلِكَ اَضْعَافًا لَا تُحْصَى ، وَمِنْ التَّحْمِيدِ وَالتَّعْظِيمِ وَالتَّقْدِيسِ وَالتَّنْائِ وَالشُّكْرِ وَالْخَيْرِ وَالْمَدْحِ وَالصَّلَاةِ عَلَى النَّبِيِّ وَاهْلِ بَيْتِهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ - [مِثْلَ ذَلِكَ] وَاهْضَعَا ذِيكَ وَعِدَدَ مَا خَلَقْتَ وَذَرَأْتَ وَبَرَأْتَ وَعِدَدَ مَا اَنْتَ خَالِقُهُ مِنْ شَيْءٍ وَمِلَأَ ذِيكَ كُلَّهُ وَاهْضَعَا ذِيكَ كُلَّهُ اَضْعَافًا لَوْ خَلَقْتَهُمْ فَنَطَقُوا بِذَلِكَ مُنْذُ قَطُّ اِلَى الْاَبَدِ لَا انْقِطَاعَ لَهُ يَقُولُونَ كَذَلِكَ ، لَا يَشَاءُ مُوْنٌ وَلَا يَقْتُرُونَ اَسْرَعَ مِنْ لَحْظِ الْبَصِيرِ ، وَكَمَا يَتَّبَعِي لَكَ ، وَكَمَا اَنْتَ لَهُ اَهْلٌ ، وَاهْضَعَا مَا ذَكَرْتُ ، وَزَنَهُ مَا ذَكَرْتُ ، وَعِدَدَ مَا ذَكَرْتُ ، وَمِثْلَ جَمِيعِ ذَلِكَ ، كُلُّ هَذَا قَلِيلٌ يَا اِلَهِي ، تَبَارَكْتَ وَتَعَدَّدْتَ وَتَعَالَيْتَ عَلُوًّا كَبِيرًا ، يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْاِكْرَامِ ، اَسْأَلُكَ عَلَى اِثْرِ هَذَا الدُّعَاءِ بِأَسْمَائِكَ الْحُسْنَى وَاهْثَالَاتِكَ الْعُلْيَا وَكَلِمَاتِكَ التَّامَّاتِ ، اَنْ تُعَافِيَنِي فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ . - گواهی می دهم که معبودی جز خداوند یگانه وجود ندارد و شریکی برای او نیست ، و سلطنت و فرمانروایی تنها از آن توست ، و حمد و ستایش مختص اوست ، زنده می گرداند و می میراند ، و می میراند و زنده می گرداند ، خیر و خوبی تنها به دست [جمال] اوست ، و او بر هر چیز تواناست ، و هیچ دگرگونی و نیرویی نیست جز به خداوند بلند مرتبه بزرگ . پاک و منزّه است خداوند صاحب مُلْک و ملکوت ، پاک و منزّه است خداوند صاحب عزّت و جبروت ، و پاک و منزّه است خداوند صاحب کبریا و عظمت ، پاک و منزّه است خداوند زنده ای که هرگز نمی میرد . پاک و منزّه است پروردگار برترم . همراه با حمد و ستایش پروردگار بزرگم را به پاکی می خوانم ، همه اینها اندک است ، ای پروردگار من ، بلکه به شماره مخلوقات و پُریِ عرشت و به اندازه خشنودی ات و تا آنجا که مشیت و خواست می رسد و به شماره و پُری و وزن و مشابه آنچه که کتابت به شمار درآورده ، و چندین و چندین برابر آن ، [که به شمار نمی آید و به شماره و پُری و وزن مخلوقات ، و مثل و چندین برابر آن که به شمار در نمی آید ، و به شماره و مشابه و پُری ، و وزن خلافت و مثل و چندین برابر آن که به شمار در نمی آید ، و به شماره و وزن و پُری و مثل آنچه که خود می دانی [و چندین برابر آن که به شمار در نمی آید] تو را می ستایم ، و از ستایش و تعظیم و تقدیس و ثناء و سپاسگزاری و خیر و مدح و درود بر پیامبر اکرم و اهل بیتش - که درود خداوند بر او و ایشان باد - [مثل آن] و چندین برابر آن ، و به شماره آنچه آفریده و خلق فرموده و پدید آوردی ، و به شماره اشیا که می آفرینی ، و به اندازه پُری همه اینها و چندین و چندین برابر همه اگر بیافرینی و زبان بگشایند و از ازل تا زمانی که پایانی نداشته باشد ، در حالی که به اندازه کم تر از چشم بر هم زدن نه خسته شده و نه سستی کنند ، چنین بگویند ، و به همان صورتی که شایسته توست ، و تو زینده آن هستی ، و به اندازه چندین برابر و وزن و شماره آنچه یادآور شدم ، و همانند همه اینها تو را می ستایم ، ای معبود من ، همه اینها کم و اندک است ، تو بلند مرتبه و مقدّس و برتری ، به برتری بزرگ . ای صاحب بزرگی و بزرگواری ، در تعقیب این دعا ، به حقّ نامها [و کمالات] نیکوتر و صفات والاتر ، و کلمات کامل

از تو درخواست می‌کنم که در دنیا و آخرت به من عافیت و تندرستی عنایت فرمایی. ابویحیی می‌گوید: از امام باقر (ع) شنیدم که می‌فرمود: این دعا، مستجاب است.

دعا برای حضرت مهدی (ع)

۱۸ - از تعقیبات مهمّ نماز ظهر ، اقتدا به حضرت صادق (ع) در دعا برای حضرت مهدی (ع) است (هم او که حضرت محمّد ، رسول خدا (ص) در روایات صحیح بشارتش را به اُمّت خود داده ، و نوید داده که حضرتش در آخر زمان ظهور می نماید .) چنانکه عباد بن محمّد مدائنی می گوید : در مدینه به حضور امام صادق (ع) وارد شدم ، در حالی که از نماز واجب ظهر فراغت پیدا نموده و دستانش را به سوی آسمان بالا- برده و می فرمود : اَئِی سَامِعُ کُلِّ صَوْتٍ ، اَئِی جَامِعُ کُلِّ قَوْتٍ ، [یا : اَئِی جَامِعُ کُلِّ شَمْلٍ] ، اَئِی بَارِیْ ءَ کُلِّ نَفْسٍ بَعْدَ الْمَوْتِ ، اَئِی بَاعِثٌ ، اَئِی وَارِثٌ ، اَئِی سَيِّدُ السَّادَةِ ، اَئِی إِلَهَ الْأَلِهَةِ ، اَئِی جَبَّارُ الْجَبَابِرَةِ ، اَئِی مَلِکُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ ، اَئِی رَبُّ الْأَرْبَابِ ، اَئِی مَلِکُ الْمُلُوکِ ، اَئِی بَطَّاشٌ ، اَئِی ذِی الْبَطْشِ الشَّدِيدِ ، اَئِی فَعَالًا لِمَا یُرِیدُ ، اَئِی مُحَصِّصَی عَدَدِ الْأَنْفَاسِ وَ نَقْلِ الْأَقْدَامِ ، اَئِی مِنَ السَّرِّ عَنْدَهُ عَلَانِیَّةٌ ، اَئِی مُبْدِئٌ ، اَئِی مُعِیدٌ ، اَئِی مُعِدٌّ لِكُمْ بِحَقِّکُمْ عَلَى خَیْرِتِکُمْ مِنْ خَلْقِکُمْ وَ بِحَقِّهِمْ الَّذِی اءَوْجِبَتْ لَهُمْ [عَلَى نَفْسِکَ] ، اَنَّ تَصِلُنِی عَلَى مُحَمَّدٍ وَ اَهْلِ بَيْتِهِ ، وَ اَنَّنْ تُمَنَّ عَلَی السَّاعَةِ بِفِکَاکِ رَقِیَّتِی مِنَ النَّارِ ، وَ اَنَّنَجِزَ لِوَلِیِّکَ وَ ابْنِ نَبِیِّکَ الدَّاعِی إِلَیکَ بِإِذْنِکَ ، وَ اَمِّنِکَ فِی خَلْقِکَ ، وَ عَیْنِکَ فِی عِبَادِکَ ، وَ حُجَّتِکَ عَلَى خَلْقِکَ - عَلَيْهِ صَلَواتُکَ وَ بَرَکَاتُکَ - وَ عُدَّهُ ، اَءَللَّهُمَّ ، اَءِیْذُهُ بِنَصْرِکَ ، وَ انْصُرْ عَبْدَکَ ، وَ قُوٍّ [یا : وَ قُوْ] اَءَضْحَابَهُ ، وَ صَبِّرْهُمْ ، وَ افْتَحْ لَهُمْ مِنْ لَدُنْکَ سُلْطَانًا نَصِیراً ، وَ عَجِّلْ فَرْجَهُ ، وَ اَمِّکُنْهُ مِنْ اَءْعِیدَائِکَ وَ اَءْعِیدَاءِ رَسُولِکَ ، یا اَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ ، - ای شنونده هر صدا ، ای گرد آورنده هر امری که از دست رفته باشد [یا : ای گردآورنده امور پراکنده] آفریننده هر جان دار بعد از مرگ ، ای برانگیزاننده ، ای وارث ، ای سرور سروران ، ای معبود معبودها ، ای سرکش سرکشان ، ای فرمانروای دنیا و آخرت ، ای پروردگار پروردگاران ، ای پادشاه پادشاهان ، ای خدایی که سخت با سلطه و چیرگی می گیری ، ای خدایی که هر چه را بخواهی [بی درنگ] انجام می دهی ، ای شمارنده شماره نفّسها و گامهای برداشته شده ، ای خدایی که نهان در نزد تو آشکار است ، ای آغازگر ، ای برگرداننده ، به حقّی که بر برگزیدگان از خلقت داری و به حقّی که نسبت به ایشان [برخود] واجب فرموده ای ، از تو مسألت دارم که بر محمّد و اهل بیت او درود فرستی ، و در همین لحظه به آزادی ام از آتش جهنّم منّت نهی و به وعده ولیات و پسر پیامبرت که به اذن تو [بندگان را] به سویت می خواند ، و امین تو در میان خلق ، و حجّت و راهنمای تو بر خلق می باشد - که درودها و برکات بر او باد - وفا نمایی ، خداوندا ، به یاری خویش او را یاری فرما ، و آن بنده ات را یآوری کن ، و یارانش را نیرومند [یا : مؤقّق] فرما ، و آنان را شکلیا گردان و از جانب خویش تسلّط یاری گری برای ایشان عنایت فرما ، و در فرج او تعجیل فرما ، و او را بر دشمنانت و دشمنان رسالت چیره گردان ، ای مهربانترین مهربانان . عرض کردم : فدایت شوم ، آیا برای خودتان دعا نمودید؟ فرمود : برای نور آل محمّد و راهبر و ایشان و کسی که به فرمان خدا از دشمنانشان انتقام می گیرد دعا نمودم . عرض کردم : خداوند مرا فدای تو گرداند ، آن بزرگوار کی خروج خواهد نمود ، فرمود : هر گاه که خداوندی که خلق و امر به دست اوست بخواهد . عرض کردم : آیا او نشانه ای پیش از خروج خواهد داشت ؟ فرمود : بله ، نشانه های گوناگون ، عرض کردم : مانند چه ؟ فرمود : خروج پرچمی از مشرق زمین ، و پرچمی از مغرب زمین ، و فتنه و آشوبی که بر اهل زوراء (و بغداد) سایه می افکند ، و خروج مردی از فرزندان عمویم زید در یَمَن ، و به غارت و تاراج رفتن پوشش و پرده خانه خدا . خداوند هرچه بخواهد انجام می دهد .

دعای رسول خدا (ص) در تعقیب نماز ظهر

۱۹- از تعقیبات مهمّ نماز ظهر، دعایی است که روایت شده رسول خدا (ص) آن را بعد از نماز ظهر می خواندند، بنابر روایتی که

نقل شده حضرت ابوالحسن علی بن محمد عسگری (ع) به نقل از پدر بزرگوارش از پدرانش از امام صادق - صلوات الله علیه - از امیرالمؤمنین (ع)، از رسول خدا - صلوات الله علیهم اجمعین - فرمود که از جمله دعاهای آن بزرگوار در تعقیب نمازظهر این بود:

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْعَظِيمُ الْحَلِيمُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ رَبُّ الْعَرْشِ الْكَرِيمِ، اَعْلَمُ دُلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، اَللَّهُمَّ، اِنِّیْ اَسْأَلُكَ مُوجِبَاتِ رَحْمَتِكَ وَعَزَائِمَ مَغْفِرَتِكَ وَالْغَنِيمَةَ مِنْ كُلِّ خَيْرٍ، وَالسَّلَامَةَ مِنْ كُلِّ اِثْمٍ، اَللَّهُمَّ لَا تَدْعُ لِي ذَنْبًا اِلَّا غَفَرْتَهُ، وَلَا هَمًّا اِلَّا فَرَجْتَهُ، وَلَا سَقَمًا اِلَّا شَفَيْتَهُ، وَلَا عَيْبًا اِلَّا سَتَرْتَهُ، وَلَا لَرِزْقًا اِلَّا بَسَّطْتَهُ، وَلَا خَوْفًا اِلَّا اَمَنْتَهُ، وَلَا سُوءًا اِلَّا صَيَّرْتَهُ، وَلَا حَاجَةً هِيَ لَكَ رِضًا وَلِي صَلَاحٍ اِلَّا قَضَيْتَهَا، يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، آمِينَ، [یا] رَبِّ الْعَالَمِينَ - معبودی جز خداوند بزرگ بردبار نیست، معبودی جز خداوندی که پروردگار عرش بزرگوار است وجود ندارد، و ستایش خدایی را که پروردگار عالمیان است، خداوندا، از تو رحمتهای لازم، و آمرزشهای حتمی و مسلم، و بهره مند شدن از هر خیر و خوبی، و سلامتی از هر گناه را درخواست می نمایم. خداوندا، گناهی بر من مگذار مگر اینکه آن را آمرزیده باشی، و نه هم و غمی مگر اینکه برطرف نموده باشی، و نه بیماری و مرضی مگر اینکه بهبودی بخشیده باشی، و نه عیبی مگر اینکه پوشانده باشی، و نه روزی ای مگر اینکه وسعت داده باشی، و نه ترسی مگر اینکه از آن ایمن فرموده باشی، و نه بدی ای مگر اینکه برطرف نموده باشی، و نه حاجتی که خشنودی تو در آن و به صلاح من است، مگر اینکه برآورده نموده باشی، ای مهربانترین مهربانان، اجابت فرما، ای پروردگار عالمیان.

دعای امیرالمؤمنین (ع) در تعقیب نمازظهر

۲۰ - از دیگر تعقیبات مهم، اقتدا به مولایمان امیرالمؤمنین (ع) در دعاهای تعقیب نمازهای پنجگانه واجب است، از آن جمله دعای آن بزرگوار در تعقیب نمازظهر که به این صورت است: اَللَّهُمَّ، لَكَ الْحَمْدُ كُلُّهُ، [وَلَكَ الْمُلْكُ كُلُّهُ]، وَبِيَدِكَ الْخَيْرُ كُلُّهُ، وَإِلَيْكَ يَرْجِعُ الْأَمْرُ كُلُّهُ، عَلَانِيَتُهُ وَسِرُّهُ، وَأَنْتَ مُنْتَهَى الشَّأْنِ كُلُّهُ، اَللَّهُمَّ، لَكَ الْحَمْدُ عَلَى عَفْوِكَ بَعِيدِ قُدْرَتِكَ، وَ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى غُفْرَانِكَ بَعِيدِ غَضَبِكَ [یا: عَظَمَتِكَ]، اَللَّهُمَّ، لَكَ الْحَمْدُ رَفِيعِ الدَّرَجَاتِ، مُجِيبِ الدَّعَوَاتِ، مُنْزِلِ الْبَرَكَاتِ مِنْ فَوْقِ سَبْعِ سَمَاوَاتٍ، مُعْطِي السُّؤَالَاتِ [یا: السُّؤَالَاتِ]، مُبَدِّلِ السَّيِّئَاتِ، وَجَاعِلِ الْحَسَنَاتِ دَرَجَاتٍ، وَ الْمُخْرِجِ إِلَى النُّورِ مِنَ الظُّلُمَاتِ، لَكَ الْحَمْدُ غَافِرِ الذَّنْبِ، وَقَابِلِ التَّوْبِ، شَدِيدِ الْعِقَابِ، ذَا الطُّوْلِ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ، اَللَّهُمَّ، لَكَ الْحَمْدُ فِي اللَّيْلِ إِذَا يَغْشَى، وَلَكَ الْحَمْدُ فِي النَّهَارِ إِذَا تَجَلَّى، وَلَكَ الْحَمْدُ فِي الْآخِرَةِ وَالْأُولَى، اَللَّهُمَّ، لَكَ الْحَمْدُ فِي اللَّيْلِ إِذَا عَسَيْتَ، وَلَكَ الْحَمْدُ فِي الصُّبْحِ إِذَا تَنَفَّسَ، وَلَكَ الْحَمْدُ عِنْدَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَغُرُوبِهَا، وَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى نِعَمِكَ الَّتِي لَا تُحْصَى عَدَدًا، وَلَا تُنْقَضَى مَدَدًا سَرْمَدًا، اَللَّهُمَّ، لِمَكَ الْحَمْدُ فِيمَا مَضَى، وَلِمَكَ الْحَمْدُ فِي مَا بَقِيَ. اَللَّهُمَّ، أَنْتَ ثِقَتِي فِي كُلِّ أَمْرٍ، وَعُدَّتِي فِي كُلِّ حَاجَةٍ، وَصَاحِبِي فِي كُلِّ طَلِبَةٍ، وَأَنْتَ فِي كُلِّ وَحْشَةٍ، وَعِصِيَّتِي عِنْدَ كُلِّ هَلَكَةٍ. اَللَّهُمَّ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَوَسِّعْ لِي فِي رِزْقِي، وَبَارِكْ لِي فِيمَا آتَيْتَنِي، وَاقْضِ عَنِّي دَيْنِي، وَأَصْلِحْ لِي شَأْنِي، إِنَّكَ رَوْفٌ رَحِيمٌ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْحَلِيمُ الْكَرِيمُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ. اَللَّهُمَّ، اِنِّیْ اَسْأَلُكَ مُوجِبَاتِ رَحْمَتِكَ، وَعَزَائِمَ مَغْفِرَتِكَ، وَالْغَنِيمَةَ مِنْ كُلِّ خَيْرٍ [یا: بَرٍّ]، وَالسَّلَامَةَ مِنْ كُلِّ اِثْمٍ، وَالْفَوْزَ بِالْجَنَّةِ، وَالنَّجَاةَ مِنَ النَّارِ، اَللَّهُمَّ، لَا تَدْعُ لِي ذَنْبًا اِلَّا غَفَرْتَهُ، وَلَا هَمًّا اِلَّا فَرَجْتَهُ، وَلَا غَمًّا اِلَّا كَشَفْتَهُ، وَلَا سَقَمًا اِلَّا شَفَيْتَهُ، وَلَا دَيْنًا اِلَّا قَضَيْتَهُ، وَلَا خَوْفًا اِلَّا اَمَنْتَهُ، وَلَا حَاجَةً اِلَّا قَضَيْتَهَا بِمَنْكَ وَلُطْفِكَ، بِرَحْمَتِكَ، يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ - خداوندا، همه ستایش برای توست، [و فرمانروایی همگی برای توست]، و خوبی همگی به دست [جمال] توست، و تمام امر و آشکار و نهان امور به سوی تو رجوع می کند، و تویی منتهی و سرانجام همه امور. خدایا، ستایش برای توست به جهت عفو و گذشتت با وجود قدرتت، و ستایش برای تو به خاطر آمرزشت با وجود خشم و غضبت [یا: با وجود عظمتت]. خداوندا، ستایش می کنم تو را، ای بالا برنده درجات، اجابت کننده دعاها، فروفرستنده نیکیها از بالای آسمانهای هفتگانه، عطا کننده درخواستها و حوایج، [یا: پرستشها] و تبدیل کننده گناهان و بدیها به کارهای خوب و تبدیل کننده حسنات و کارهای نیک به

درجات و پایه های ایمانی، و بیرون برنده از تاریکیها به سوی نور، خدایا، ستایش برای توست ای آمرزنده گناه و قبول کننده توبه، سخت کیفر دهنده، صاحب عطا و بخشش، معبودی جز تو نیست، و بازگشت همه مخلوقات تنها به سوی توست، خداوندا، ستایش تو را در هنگامی که شب فرا می گیرد، و سپاس تو را هنگامی که روز آشکار می گردد، و حمد برای تو در آخرت دنیا. خداوندا، سپاس برای تو در وقتی که شب روی می آورد، و پشت می کند، و ستایش برای تو هنگامی که صبح گشوده می گردد، و سپاس برای تو هنگام طلوع و غروب آفتاب. و سپاس برای تو به جهت نعمتهایت که به شماره در نمی آید، و از لحاظ افزونی و جاودانگی پایان نمی پذیرد. خدایا، ستایش برای تو در گذشته، و ستایش برای تو در باقی مانده عمر. خداوندا، تویی مورد اعتماد من در هر امر، و توشه ام در هر حاجت، و دوست و همراهم در هر خواسته، و انیس و مونس در هر وحشت و تنهایی، و نگاهدارنده ام در هر هلاکت و نابودی. خدایا، بر محمد و آل محمد درود فرست، و روزی ام را وسعت ده، و هرچه را که به من عطا فرموده ای مبارک گردان، و قرضم را ادا کن، و حالم را اصلاح فرما، براستی که تو رؤوف و مهربانی. معبودی جز خداوند بردبار بزرگوار نیست، معبودی جز پروردگار عالمیان نیست، معبودی جز خداوندی که پروردگار عرش بزرگ است وجود ندارد. خداوند براستی که از تو رحمتهای لازم و مغفرتهای حتمی، و بهره مندی از هر خوبی [یا: نیکی]، و سلامتی از هر گناه، و کامیابی به بهشت، و رهایی از آتش جهنم را درخواست می نمایم. خداوندا، هیچ گناهی برای من مگذار مگر اینکه آن را آمرزیده باشی، و نه اندوهی مگر اینکه برطرف فرموده، و نه ناراحتی و غمی مگر اینکه زدوده باشی، و نه بیماری ای مگر اینکه بهبودی بخشیده، و نه وامی مگر اینکه ادا نموده، و نه خوف و هراسی مگر اینکه ایمنی بخشیده، و نه حاجتی مگر اینکه به منت و لطف خود برآورده باشی. به رحمت، ای مهربانترین مهربانان.

دعای حضرت فاطمه زهراء (علیها السلام) در تعقیب نماز ظهر

۲۱- از تعقیبات مهم نمازهای پنجگانه، دعاهایی است که حضرت زهرا، فاطمه، سرور زنان عالمین (علیها السلام) (علیها السلام) می خواندند. از آن جمله دعای حضرتش در تعقیب نماز ظهر، که به این صورت است: سُبْحَانَ ذِي الْعِزِّ الشَّامِخِ الْمُنِيفِ، سُبْحَانَ ذِي الْجَلَالِ الْبَازِخِ الْعَظِيمِ، سُبْحَانَ ذِي الْمُلْكِ الْفَاخِرِ الْقَدِيمِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي بِنِعْمَتِهِ بَلَغْتُ مَا بَلَغْتُ مِنَ الْعِلْمِ بِهِ وَالْعَمَلِ لَهُ، وَالرَّغْبَةِ إِلَيْهِ، وَالطَّاعَةِ لَأَمْرِهِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَجْعَلْنِي جَا حِدَةً [یا: جاحداً] لَشَيْءٍ مِنْ كِتَابِهِ، وَلَا مُتَحَيِّرَةً [یا: مُتَحَيِّرَةً] فِي شَيْءٍ مِنْ أَمْرِهِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانِي إِلَى دِينِهِ، وَلَمْ يَجْعَلْنِي أَعْبُدُ شَيْئاً غَيْرَهُ. اِئْتِيْ اِئْتِيْ لَكَ قَوْلَ التَّوَابِينَ وَعَمَلُهُمْ، وَنَجَاةَ الْمُجَاهِدِينَ وَثَوَابُهُمْ، وَتَصْدِيقَ الْمُؤْمِنِينَ وَتَوَكُّلُهُمْ، وَالزَّاحِيَةَ عِنْدَ الْمَوْتِ، وَالْأَمْنَ عِنْدَ الْحِسَابِ، وَاجْعَلِ الْمَوْتَ خَيْرَ غَائِبٍ أُنْتَظَرُهُ، وَخَيْرَ مُطَّلِعٍ يَطْلُعُ عَلَيَّ، وَارْزُقْنِي عِنْدَ حُضُورِ الْمَوْتِ وَعِنْدَ نَزْوِلِهِ وَفِي غَمَرَاتِهِ، وَحِينَ تَنْزِلُ النَّفْسُ مِنْ بَيْنِ السَّرَاقِ، وَحِينَ تَبْلُغُ الْخُلُقُومَ، وَفِي حَالِ خُرُوجِي مِنَ الدُّنْيَا، وَتِلْكَ السَّاعَةِ الَّتِي لَا أَمْلِكُ لِنَفْسِي فِيهَا ضَرّاً وَلَا نَفْعاً وَلَا شِدَّةً وَلَا رَخَاءً، رَوْحاً مِنْ رَحْمَتِكَ، وَحِطّاً مِنْ رِضْوَانِكَ، وَبُشْرَى مِنْ كَرَامَتِكَ، قَبْلَ أَنْ تَتَوَفَّى نَفْسِي، وَتَقْبِضَ رُوحِي، وَتُسَلِّطَ مَلَكَ الْمَوْتِ عَلَى إِخْرَاجِ نَفْسِي، بِبُشْرَى مِنْكَ يَا رَبِّ، لَيْسَتْ مِنْ أَعْدِدِ غَيْرِكَ، تُنَاجِي بِهَا صِدْرِي، وَتُسَرُّ بِهَا نَفْسِي، وَتَقْرَأُ بِهَا عَيْنِي، وَيَتَهَلَّلُ بِهَا وَجْهِي، وَيُسَفِّرُ بِهَا لَوْنِي، وَيَطْمَئِنُّ بِهَا قَلْبِي، وَيَتَبَاشَرُ بِهَا سَائِرُ جَسَدِي، يَعْطِنِي (۱۹۷) بِهَا مَنْ حَضَرَنِي مِنْ خَلْقِكَ، وَمَنْ سَجَعَ بِي مِنْ عِبَادِكَ، تُهَوِّنُ عَلَيَّ بِهَا سَكَرَاتِ الْمَوْتِ، وَتَفَرِّجُ عَنِّي بِهَا كُرْبَتَهُ، وَتُخَفِّفُ عَنِّي بِهَا شِدَّتَهُ، وَتُكَشِّفُ عَنِّي بِهَا سُقْمَهُ، وَتَذْهَبُ عَنِّي بِهَا هَمُّهُ وَخَسِرَتُهُ، وَتَعْصِمُنِي بِهَا مِنْ أَسْفِهِ وَفِتْنَتِهِ، وَ[تُجِيرُنِي] بِهَا مِنْ شَرِّهِ وَشَرِّ مَا يَحْضُرُ أَهْلَهُ، وَتَرْزُقُنِي بِهَا خَيْرَهُ وَخَيْرَ مَا يَحْضُرُ عِنْدَهُ، وَخَيْرَ مَا هُوَ كَائِنٌ بَعْدَهُ. ثُمَّ إِذَا تَوَفَّيْتُ نَفْسِي، وَقَبِضْتَ رُوحِي، فَاجْعَلْ رُوحِي فِي الْأَرْوَاحِ الرَّابِحَةِ، وَاجْعَلْ نَفْسِي فِي الْأَنْفُسِ الصَّالِحَةِ، وَاجْعَلْ جَسَدِي فِي الْأَجْسَادِ الْمُطَهَّرَةِ، وَاجْعَلْ عَمَلِي فِي الْأَعْمَالِ الْمُتَقَبَّلَةِ، ثُمَّ ارْزُقْنِي فِي خِطَّتِي مِنَ الْأَرْضِ حِطَّتِي [یا: حِصَّتِي]، وَمَوْضِعَ جُثَّتِي [یا: جَنَبِي] حَيْثُ يُرْفَتُ (۱۹۸) لَحْمِي، وَيُدْفَنَ عَظْمِي وَأَتْرَكَ وَحِيداً لَاحِلَةً لِي، قَدْ لَفَظْتَنِي الْبِلَادُ، وَتَخَلَّى [یا: يَجْلِي] مِنِّي

الْعِبَادُ، وَافْتَقَرْتُ إِلَى رَحْمَتِكَ، وَاخْتَجْتُ إِلَى صَالِحِ عَمَلِي، وَاعْلَمْتُ مَا مَهَّدْتُ لِنَفْسِي، وَقَدَّمْتُ لِأَخْرَجِي، وَعَمِلْتُ فِي أَيَّامِ حَيَاتِي، فَوْزاً مِنْ رَحْمَتِكَ، وَضِيَاءً مِنْ نُورِكَ، وَتَثْبِيتاً مِنْ كَرَامَتِكَ بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ، إِنَّكَ تُضِلُّ الظَّالِمِينَ، وَتَفْعَلُ مَا تَشَاءُ. ثُمَّ بَارِكْ لِي فِي الْبُعْثِ وَالْحِسَابِ إِذَا انْشَقَّتِ الْأَرْضُ عَنِّي، وَتَخَلَّى الْعِبَادُ مِنِّي، وَغَشِيَتْنِي الصَّيْحَةُ، وَأَفْرَعَتْنِي النَّفْخَةُ، وَنَشَرْتَنِي بَعْدَ الْمَوْتِ، وَبَعَثْتَنِي لِلْحِسَابِ، فَأَبْعَثْ مَعِيَ يَا رَبِّ، نُوراً مِنْ رَحْمَتِكَ، يَسْعَى بَيْنَ يَدَيَّ وَعَنْ يَمِينِي، تُؤَمِّنِي بِهِ، وَتَرْبِطُ بِهِ عَلَى قَلْبِي، وَتُظْهِرُ بِهِ عُذْرِي، وَتُبَيِّضُ بِهِ وَجْهِي، وَتَصِدِّقُ بِهَا حَدِيثِي، وَتُقَلِّحُ بِهِ حُجَّتِي، وَتُبَلِّغُنِي بِهَا الْعُرْوَةَ الْقُصْوَى [يا: الْوُثْقَى] مِنْ رَحْمَتِكَ، وَتُحِلَّنِي الدَّرَجَةَ الْعُلْيَا مِنْ جَنَّتِكَ، وَتَرْزُقُنِي بِهِ مُرَافَقَةَ مُحَمَّدٍ النَّبِيِّ عِندَكَ وَرَسُولِكَ (ص) فِي أَعْلَى الْجَنَّةِ دَرَجَةً، وَابْلُغْهَا فَضِيلَةً، وَابْرُزْهَا عَظِيمَةً، وَاعْزِزْهَا نَفْسَةً، مَعَ الَّذِينَ اعْتَمَدَتْ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصَّادِقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ، وَحَسَنَ أَوْلِيكَ رَافِقاً. اَللَّهُمَّ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَعَلَى جَمِيعِ الْأَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِينَ، وَعَلَى الْمَلَائِكَةِ أَجْمَعِينَ، وَعَلَى آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ، وَعَلَى أَعِزَّةِ الْهُدَى أَجْمَعِينَ، آمِينَ، رَبَّ الْعَالَمِينَ، اَللَّهُمَّ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ كَمَا هَدَيْتَنَا بِهِ، وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ كَمَا رَحِمْتَنَا بِهِ، وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ كَمَا عَزَّزْتَنَا بِهِ، وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ كَمَا فَضَّلْتَنَا بِهِ، وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ كَمَا شَرَّفْتَنَا بِهِ، وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ كَمَا بَصَّرْتَنَا بِهِ، وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ كَمَا أَنْقَذْتَنَا بِهِ مِنْ شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ. اَللَّهُمَّ، بَيِّضْ وَجْهَهُ، وَاعْلَعْ كَعْبَهُ، وَاعْلُجْ حُجَّتَهُ، وَاعْزِزْ نُورَهُ، وَثَقِّلْ مِيزَانَهُ، وَاعْظَمْ بُرْهَانَهُ، وَافْسَحْ لَهُ حَتَّى يُرْضَى، وَبَلِّغْهُ الدَّرَجَةَ وَالْوَسِيلَةَ مِنَ الْجَنَّةِ، وَابْعَثْهُ الْمَقَامَ الْمُحْمُودَ الَّذِي وَعَدْتَهُ، وَاجْعَلْهُ أَفْضَلَ النَّبِيِّينَ وَالْمُرْسَلِينَ عِنْدَكَ مَنْزِلَةً وَوَسِيلَةً، وَأَقْصِصْ بِنَا أَعْرَافَهُ، وَاسْقِنَا بِكَأْسِهِ، وَاعْزِزْنَا حَوْضَهُ، وَاحْشُرْنَا فِي زُمَرَتِهِ، وَتَوَفَّنَا عَلَى مِلَّتِهِ، وَاسْلُكْ بِنَا سَبِيلَهُ [يا: سُبُلَهُ]، وَاسْتَعْمِلْنَا بِسُنَّتِهِ، غَيْرَ خَرَايا وَلَا نَادِمِينَ، وَلَا شَاكِينَ وَلَا مُبَدِّلِينَ [يا: مُدَلِّلِينَ].

يا مَنْ بَابُهُ مَفْتُوحٌ لِإِدَاعِيهِ، وَحِجَابُهُ مَرْفُوعٌ لِإِرَاجِيهِ، يَا سَاتِرَ الْأَمْرِ الْقَاسِمِ وَمِدَاوِيَ الْقَلْبِ الْجَرِيحِ، لَا تَقْضِ حُنِّي فِي مَشْهَدِ الْقِيَامَةِ بِمُوبِقَاتِ الْأَثَامِ، وَلَا تُعْرِضْ بَوَاجِهَكَ الْكَرِيمَ عَنِّي مِنْ بَيْنِ الْأَنَامِ، يَا غَايَةَ الْمُضْطَرِّ الْفَقِيرِ، يَا جَابِرَ الْعَظْمِ الْكَاسِرِ، هَبْ لِي مُوبِقَاتِ الْجَرَائِرِ، وَاعْفُ عَنِّي فَاضِحَاتِ السَّرَائِرِ، وَاعْبِسْ قَلْبِي مِنْ وَرْرِ الْخَطَايَا، وَارْزُقْنِي حُسْنَ الْإِسْتِعْدَادِ لِتُرُوفِ الْمَنَايَا، يَا أَعْزَمَ الْأَكْرَمِينَ وَمُنْتَهَى أَعْيُنِ السَّائِلِينَ، أَنْتَ مَوْلَايَ، فَتَحْتَ لِي بَابَ الدُّعَاءِ وَالْإِنَابَةِ، فَلَا تُغْلِقْ عَنِّي بَابَ الْقَبُولِ وَالْإِجَابَةِ، وَنَجِّنِي بِرَحْمَتِكَ مِنَ النَّارِ، وَبَوِّئِي غُرَفَاتِ الْجَنَانِ، وَاجْعَلْنِي مُسْتَمْسِكَةً بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى، وَاخْتِمِ لِي بِالسَّعَادَةِ، وَاعْزِزْنِي بِالسَّلَامَةِ، يَا ذَا الْفَضْلِ وَالْكَمَالِ وَالْعِزَّةِ وَالْجَلَالِ، لَا تُشَمِّتْ بِي عَدُوّاً وَلَا حَاسِداً، وَلَا تُسَلِّطْ عَلَيَّ سُلْطَاناً عَنِيداً، وَلَا شَيْطَاناً مُرِيداً، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، وَلَا حَوْلَ وَلَا لَاقُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَسَلَّمَ تَسْلِيماً. - پاک و منزّه است خداوند صاحب عزّت [والا و بلند، پاک و منزّه است خداوند صاحب جلال و عظمت بلند و بزرگ،] پاک و منزّه است خداوند صاحب فرمانروایی بالنده و گرانمایه و دیرینه، حمد و سپاس خدایی را که منحصرأ به وسیله نعمت او، به شناخت او، و عمل برای او و میل و رغبت به سوی او و اطاعت او و دستورش نایل گشتم، ستایش خداوندی را که مرا منکر چیزی از کتابش نگردانید، و در هیچ امری سرگشته نفرمود، سپاس خداوندی را که مرا به دین خود رهنمون گشت، و به گونه ای قرار نداد که چیزی غیر او را بپرستم. خداوندا، از تو گفتار و عمل توبه کننده گان، و نجات و پاداش جهاد گران، و تصدیق و توکل مؤمنان، و آسودگی در هنگام مرگ، و ایمنی هنگام حساب و بازپرسی را خواستارم، مرگ را در نزد من بهترین چیز غایبی که انتظارش را می کشم، و بهترین چیزی که بر من مُشْرِف می گردد قرار ده، و در هنگام حضور مرگ و در نزد فرود آمدن آن، و در سختیها و ناگواریهای آن، و هنگامی که نفس از میان دو استخوان کنار گلویم فرو می آید، و هنگامی که نفسم به گلو می رسد، و در حال بیرون رفتن از دنیا، و در آن ساعت و لحظه ای که بر هیچ ضرر و سود و یا سختی و آسایش قادر نیستم، نسیمی از رحمت، و بهره ای از خشنودی ات، و مژده ای از کرامت را - پیش از آنکه جانم را کاملاً بگیری، و روحم را قبض فرمایی، و فرشته مرگ را بر بیرون آوردن جانم چیره گردانی - همراه با بشارتی از جانب خویش ای پروردگار من، روزی ام گردان، به گونه ای که آن مژده از جانب هیچ کس جز تو نباشد، و سینه ام را بدان خُشْک، و جانم را شادمان، و چشمم را روشن گردانی، و چهره ام برافروخته، و رنگم باز و روشن، و قلبم آرام و آسوده،

و سایر [و یا همه] اعضای بدنم خوشحال گردد [و یا: آنها به یکدیگر بشارت دهند.]، به گونه ای که هرکس از آفریدگانت که مرا می بیند و هر کدام از بندگانت که می شنود، به من رشک بُرد، و به گونه ای که بی هوشهای مرگ را به واسطه آن را بر من آسان، و ناراحتی سخت و گلوگیر هنگام مرگ را از من برطرف گردانده، و سختی آن را بر من تخفیف داده، و بیماری و درد آن را برطرف نموده، و غم و اندوه و حسرت آن را از بین برده، و از افسوس خوردن و امتحان و گرفتاری مرگ نگاه داشته، و به واسطه آن از شرّ مرگ و شرّ آنچه بر اهل مرگ پیش می آید، [در پناه خویش درآورده،] و خیر مرگ و خیر آنچه را که در هنگام مرگ و بعد از آن پیش می آید روزی ام گردانی. سپس وقتی که نفسم را کاملاً ستانیده و روحم را گرفتی، روحم را در میان ارواح برخورداری، و جانم را در میان جانهای شایسته، و جسمم را در میان پیکرهای پاکیزه، و عملم را در میان اعمال پذیرفته شده قرار ده، سپس در محدوده مشخص و سهم من از زمین، و جایگاه جسد [یا: پهلویم] - همانجا که گوشتم خورد و کوبیده ؟، و استخوانم به خاک سپرده شده، و تنها و در حالی که هیچ راه چاره ای ندارم رها می شوم، و شهرها [و آبادیها] مرا بیرون رانده، و بندگان از من کنار گرفته، و به رحمت نیازمندم، و محتاج عمل صالح خود می باشم، و با آنچه که برای خود آماده نموده و برای آخرت خویش پیش فرستاده و در روزگار زندگی ام عمل نموده ام ملاقات می کنم - رستگاری از رحمت، و روشنایی از نورت، و استواری از کرامت را با گفتار و اعتقاد استوار در زندگانی دنیا و در آخرت روزی ام فرما، براستی که تو ستمکاران را گمراه نموده و هر چه بخواهی انجام می دهی. سپس وقت برانگیختن و حساب کشی بر من مبارک گردان، آن هنگام که زمین برای من شکافته شده و بندگان از من کناره گرفته، و صدای آسمانی مرا فرا گرفته، و صدای دمیدن [در صور] هراسناکم نموده، و بعد از مرگ محشورم می فرمایی، و برای حساب کشی بر می انگیزی ای پروردگار من، پس نوری از رحمت را همراه من برانگیز، به گونه ای که در پیشاپیش و از سمت راستم پیش رفته و مرا به آن ایمنی بخشیده، و قوت قلبم عنایت فرموده، و عذر و دلیل را آشکار و محکم، و روی و تمام وجودم را بدان سپید گردانیده، و سخنم را تصدیق فرموده، و حجتّم را پیروز، و به دستاویز بلند [یا: استوار] از رحمت نایل گردانیده، و در درجه والای از بهشت جای داده، و رفاقت با حضرت محمد (ص) پیامبر، بنده و رسولت را در بالا-ترین درجه بهشت، و برترین و پر عطاترین، و سازگارترین جای بهشت از لحاظ گشایش و گستردگی، با کسانی که نعمت [ولایت] خویش را بر آنان ارزانی داشته ای، یعنی پیامبران و صدیقان و گواهان [اعمال] و شایستگان - و چه همراهان و رفیقان خوبی، - روزی ام گردان. خداوندا، بر حضرت محمد خاتم پیامبران و بر تمام پیامبران و فرستادگان و بر همه فرشتگان و بر خاندان پاک و پاکیزه او، و بر همه ائمه هدی درود فرست. اجابت فرما، ای پروردگار عالمیان، خدایا، بر حضرت محمد درود فرست همان گونه که ما را به وسیله او هدایت فرمودی، بر حضرت محمد درود فرست همان گونه که ما را به واسطه او مورد رحمت خویش قرار دادی، بر حضرت محمد درود فرست همان گونه که ما را به واسطه او سرفراز فرمودی، بر حضرت محمد درود فرست همان گونه که ما را به وسیله او شرافت دادی، بر حضرت محمد درود فرست همان گونه که ما را به وسیله او برتری دادی، بر حضرت محمد درود فرست همان گونه که ما را به وسیله او برترین پیامبران و فرستادگان از لحاظ منزلت و وسیله قرار ده، و ما را پیرو آثار [و راه و روش آن بزرگوار] قرار ده، و به پیمانه او ما را سیراب، و در حوضش وارد، و در گروه آن بزرگوار محشور گردان، و بر آیینش بمیران، و در راهش [یا: راههایش] رهسپار گردان، و به سنت و سیره اش بکارمان گیر، بدون اینکه رسوا و پشیمان و یا شک و تردید داشته و یا آن را تغییر دهیم. [یا: خوار گردیم.] ای کسی که در رحمتش به روی

دعا کنند گانش گشوده ، و حجاب و پرده در گاهش برای امیدوارانش برداشته شده و باز است ، ای پوشاننده امر زشت و درمان کننده قلب مجروح ، مرا در محلّ حضور [مردمان در روز] قیامت با گناهان هلاک کننده رسوا و مفتضح منما ، و میان مردمان روی [و اسماء و صفات] گرمی ات را از من برگردان ، ای منتهای آرزوی شخص درمانده و بیچاره و نیازمند ، و ای به هم آورنده استخوان شکسته ، گناهان هلاکت کننده مرا ببخش ، و از امور درونی و نهانی رسوا کننده ام در گذر ، و قلبم را از بار گناهان شستشو ده ، و آمادگی نیکو برای فرود آمدن مرگ را روزی ام گردان ، ای بزرگوارترین بزرگواران و منتهای آرزوی درخواست کنندگان ، تویی مولای من ، در دعا و توبه و بازگشت و به تمام وجود به سوی خود را برای من گشودی ، پس در قبول و اجابت را به روی من مبنده ، و به رحمت خویش از آتش جهنم نجات ده ، و در طبقات بالای بهشت جایم ده ، و از چنگ زندگان به دستاویز استوارت بگردان ، و نهایت امر مرا به نیکبختی ختم فرما ، و با تندرستی زنده ام بدار . ای صاحب فضل و کمال و عزّت و جلال ، هیچ دشمن و یا حسودی را نسبت به من دشمن شاد مگردان ، و هیچ فرمانروای خیره و سرکش و یا شیطان گردنکش را بر من چیره مگردان ، به رحمت ای مهربانترین مهربانان ، و هیچ دگرگونی و نیرویی نیست جز به خداوند بلند مرتبه بزرگ ، و درود و رحمت و سلامتی و امتیّت بر محمد و آل او باد

دعاهای امام صادق (ع) در تعقیب نمازهای واجب

۲۲- از دیگر تعقیبات مهمّ امتثال فرمایش مولایمان حضرت صادق جعفر بن محمد (علیهما السلام) در دعاهای وارده در تعقیب نمازهای واجب است ، به صورتی که ابوبصیر نقل می کند که امام صادق (ع) در تعقیب نمازهای واجب این دعاهای مبارک را می خواندند : اَللّهُمَّ ، اِنِّیْ اَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ بِرَأْسِهِ مِنَ النَّارِ ، فَاكْتُبْ لَنَا بِرَأْسِنَا ، وَ فِیْ جَهَنَّمَ فَلَا تَجْعَلْنَا ، وَ فِیْ عَذَابِكَ وَ هَوَانِكَ فَلَا تَبْتَلِنَا ، وَ مِنَ الضَّرِيعِ وَ الزَّقْوَمِ فَلَا تُطْعِمْنَا ، وَ مَعَ الشَّیْطَانِ فِی النَّارِ فَلَا تَجْعَلْنَا ، وَ عَلٰی وُجُوْهِنَا فَلَا تَكْبِنَا ، وَ مِنْ ثِیَابِ النَّارِ وَ سِرَابِیلِ الْقَطْرَانِ فَلَا تَلْبِسِنَا ، وَ مِنْ كُلِّ سُوءٍ لَا إِلَهَ إِلَّا اَنْتَ یَوْمَ الْقِیَامَةِ فَجَنِّبْنَا ، وَ بِرَحْمَتِكَ فَاَدْخِلْنَا ، وَ فِیْ عَلَیْنِ فَارْفَعْنَا ، وَ مِنْ كَءَاْسٍ مَّعِینٍ وَ سَلْسَبِیلٍ فَاسْبِقْنَا ، وَ مِنَ الْحَوْرِ الْعِینِ بِرَحْمَتِكَ فَزَوِّجْنَا ، وَ مِنَ الْوِلْدَانِ الْمُخْلَدِیْنَ كَءَاْنَهُمْ لَوْ لَوْ [مَكْنُونٌ] فَاءِ خِذْمُنَا ، وَ مِنْ ثَمَارِ الْجَنَّةِ وَ لُحُومِ الطَّیْرِ فَاءِ طَعْمُنَا ، وَ مِنْ ثِیَابِ الْحَرِیرِ وَ السُّنْدُسِ وَ الْاِسْتَبْرَقِ فَاكْسِنَا ، وَ لَیْلَةَ الْقَدْرِ وَ حَجَّ بَيْتِكَ الْحَرَامِ فَارْزُقْنَا ، وَ سِدِّدْنَا ، وَ قَرِّبْنَا اِلَيْكَ زُلْفٰی ، وَ صَالِحِ الدُّعَاءِ وَ الْمَسْأَلَةِ فَاسْتَجِبْ لَنَا ، یَا خَالِقُنَا ، اِسْمَعْ لَنَا ، وَ اَسْتَجِبْ [دَعْوَتَنَا] ، وَ اِذَا جَمَعْتَ الْاَوَّلِیْنَ وَ الْاٰخِرِیْنَ یَوْمَ الْقِیَامَةِ فَارْحَمْنَا ، یَارَبِّ ، عَزَّ جَارُكَ ، وَ جَلَّ ثَنَاؤُكَ ، وَ لَا إِلَهَ غِیْرُكَ . - خداوندا ، به حقّ محمد و آل محمد از تو برائت از آتش جهنم را درخواست می نمایم ، پس برای ما برائت از آتش جهنم را بنویس ، و در جهنم قرارمان مده ، و به عذاب و خواری ات گرفتار منما ، و ضریع و زقوم [دو خوراک اهل جهنم] را خوراک ما قرار مده ، و همراه با شیاطین در آتش یک جا جمع مگردان ، و به رو بر زمین مزن ، و از جامه های آتشین و پیراهنهایی را که از مس میذاب هستند به تن مان مفرما ، و از هر بدی - ای خدایی که معبودی جز تو نیست - در روز قیامت نجات بخش ، و به رحمت خود ما را در میان صالحان داخل فرما ، و در علّیین [و والا-ترین مقام بهشتی] بالایمان بر ، و از پیمانہ پر از آب دو چشمه معین و سَلْسَبِیل سیرابمان گردان ، و به رحمت از حورعین و زنان سیاه و درشت چشم به ازدواجمان در آور ، و از پسرانی جاودانه [که همواره در حالت خود باقی هستند و پیر نمی شوند] که گویی لَوْ لَوْ و مروایندند پیش خدمتتهمان گردان ، و از میوه های بهشت و گوشت پرندگان خوراکمان قرار ده ، و از جامه های ابریشمی سُندُس و پرنیان نازک و اِسْتَبْرَق و پرنیان ضخیم به تن مان کن ، و شب قدر و حجّ خانه ارجمندت را روزی مان فرما ، و مؤفّق و استوارمان بدار ، و مقرب درگاه خویش بگردان قرب و منزلت یافتن ویژه ای ، و دعا و درخواست شایسته مان را اجابت فرما ، ای آفریدگار ما ، از ما بشنو و [دعایمان را] اجابت فرما ، و هنگامی که اولین و آخرین را در روز قیامت گرد آوردی ، بر ما رحم آر ، ای پروردگار ما ، همسایه ات بلند و عزیز ، و ثنایت بزرگ است ، و معبودی غیر تو

نیست . ۲۳ - و از دیگر تعقیبات مهم ، اقتدا به حضرت صادق جعفر بن محمد (علیهما السلام) در دعاهایی است که آن بزرگوار در تعقیب هر نماز واجب می خواندند ، چنانکه خادم حضرت صادق ، جعفر بن محمد - صلوات الله علیهما - می گوید که آن بزرگوار (ع) در تعقیب هر نماز واجب دعاهایی را می خواندند . به حضرتش عرض کردم : ای پسر رسول خدا ، دعاهایی را که می خوانی به من بیاموز ، حضرت (ع) فرموده : وقتی نماز ظهر را خواندی سه بار در تعقیب نماز بگو : **بِاللّٰهِ اَعْتَصَمْتُ ، وَبِاللّٰهِ اَتَّقُ ، وَ عَلَیْهِ اَتَوَكَّلُ .** - تنها به خدا پناه برد ، و چنگ زدم ، و فقط به او اعتماد دارم ، و تنها بر او توکل نمودم . سپس بگو : **اَللّٰهُمَّ ، اِنْ عَظُمَتْ ذُنُوبِيْ فَاءَنْتَ اَعْظَمُ ، وَ اِنْ كَبُرَ تَفْرِیْطِيْ فَاءَنْتَ اَكْبَرُ ، وَ اِنْ دَامَ بُخْلِيْ فَاءَنْتَ اَعْجَدُ ، اَللّٰهُمَّ ، اغْفِرْ لِيْ عَظِيْمَ ذُنُوبِيْ بِعَظِيْمِ عَفْوِكَ ، وَ كَبِيْرَ تَفْرِیْطِيْ بِظَاهِرِ كَرَمِكَ ، وَ اَقْمَعْ بُخْلِيْ بِفَضْلِ جُودِكَ ، اَللّٰهُمَّ ، مَا بَنَا مِنْ نِعْمَةٍ فَمِنْكَ ، لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ ، اَسْتَغْفِرُكَ وَ اَسْتَغْفِرُكَ اِلَيْكَ .** - خداوندا ، اگر گناهانم بزرگ است ، تو بزرگتری ، و اگر کوتاهی و تقصیرم بزرگ است ، تو بزرگتری ، و اگر بخل و تنگ چشمی ام پیوسته است ، تو بخشنده تری ، خدایا ، گناهانم بزرگم را به عفو و گذشت عظیمت ، و کوتاهی بزرگ مرا به کرم آشکارت بیامرز ، و بخلم را با فرونی بخششت برکن . خدایا ، هر نعمتی که داریم از توست ، معبودی جز تو نیست ، از تو طلب آمرزش نموده و به سوی تو توبه می کنم .

دعای امام صادق (ع) در تعقیب نماز ظهر

۲۴ - از جمله تعقیبات مهم ، عمل به روایت معاویه بن عمار از حضرت صادق (ع) در تعقیب نمازهای واجب است . معاویه بن عمار دُهنی [ذَهَبِي] می گوید : این دعای آقای من ابی عبدالله ، جعفر بن محمد (ع) در تعقیب نمازش می باشد که بر من املاء نمود . اولین نمازها ، نماز ظهر است ، و به همین جهت نماز اولی و نخست نامیده شده ، زیرا نخستین نمازی است که خداوند متعال بر بندگانش واجب فرموده است ، و دعای آن به این صورت است : **يَا اَسْمَعَ السَّمْعَيْنِ ، وَ يَا اَبْصَرَ النَّظَرَيْنِ ، وَ يَا اَسْرَعَ الْحَاسِبَيْنِ ، وَ يَا اَجْوَدَ الْاَجْوَدَيْنِ ، وَ يَا اَكْرَمَ الْاَكْرَمَيْنِ ، صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ كَأَفْضَلٍ وَ اَعْزَلٍ وَ اَوْفَى وَ اَكْمَلٍ وَ اَحْسَنٍ وَ اَجْمَلٍ وَ اَكْبَرَ وَ اَظْهَرَ وَ اَزْكٰی وَ اَنْوَرَ وَ اَعْلٰی وَ اَبْهٰی وَ اَسْنٰی وَ اَعْمٰی وَ اَدْوَمَ [وَ اَعَزَّ وَ اَتَمَّ] وَ اَبْقٰی مَا صِلَيْتَ وَ بَارَكْتَ وَ مَنَنْتَ وَ سَلَّمْتَ وَ تَرَحَّمْتَ [وَ تَحَنَّنْتَ] عَلٰی اِبْرَاهِيْمَ وَ عَلٰی آلِ اِبْرَاهِيْمَ ، اِنَّكَ حَمِيْدٌ مَّجِيْدٌ [اَللّٰهُمَّ ، اَمْنٌ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا مَنَنْتَ عَلٰی مُوسٰی وَ هَارُوْنَ ، وَ سَلَّمْتَ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ] كَمَا سَلَّمْتَ عَلٰی نُوحٍ فِي الْعَالَمِيْنَ ، اَللّٰهُمَّ ، وَ اَوْرِدْ عَلَيْهِ مِنْ دُرِّيَّتِهِ وَ اَزْوَاجِهِ وَ اَهْلِ بَيْتِهِ وَ اَصْحَابِهِ وَ اَتْبَاعِهِ مِنْ تَقَرُّبِهِمْ [يَا : بِهِ] عَيْنُهُ ، وَ اجْعَلْنَا مِنْهُمْ وَ مِمَّنْ تَسْقِيهِ بِكَاءِ سِه ، وَ تُوْرِدُهُ حَوْضَهُ ، وَ اَحْشُرْنَا فِي زُمْرَتِهِ وَ تَحْتَ لَوَائِهِ ، وَ اَدْخِلْنَا فِي كُلِّ خَيْرٍ اَدْخَلْتَ فِيْهِ مُحَمَّدًا وَ آلَ مُحَمَّدٍ ، وَ اَخْرِجْنَا مِنْ كُلِّ سُوءٍ اَخْرَجْتَ مِنْهُ مُحَمَّدًا وَ آلَ مُحَمَّدٍ ، وَ لَا تَفَرِّقْ بَيْنَنَا وَ بَيْنَ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ طَرْفَةَ عَيْنٍ اَبَدًا وَ لَا اَقْلَ مِنْ ذٰلِكَ وَ لَا اَكْثَرَ ، اَللّٰهُمَّ ، صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ ، وَ اجْعَلْنِيْ مَعَهُمْ فِي كُلِّ عَافِيَةٍ وَ بَلَاءٍ ، وَ اجْعَلْنِيْ مَعَهُمْ فِي كُلِّ شِدَّةٍ وَ رَخَاءٍ ، [وَ اجْعَلْنِيْ مَعَهُمْ فِي كُلِّ اَمْنٍ وَ خَوْفٍ] ، وَ اجْعَلْنِيْ مَعَهُمْ فِي كُلِّ مَثْوًى وَ مُنْقَلَبٍ ، اَللّٰهُمَّ ، اَخِيْنِيْ مَحْيَاهُمْ ، وَ اَمْتِنِيْ مَمَاتِهِمْ ، وَ اجْعَلْنِيْ بِهِمْ عِنْدَكَ وَ جِيْهًا فِي الدُّنْيَا وَ الْاٰخِرَةِ وَ مِنَ الْمُقَرَّبِيْنَ ، اَللّٰهُمَّ ، صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ عَلٰی آلِ مُحَمَّدٍ ، وَ اَكْتَسِفْ عَنِّيْ بِهِمْ ، وَ نَفْسٍ عَنِّيْ بِهِمْ كُلَّ هَيْمٍ ، وَ فَرَجٍ بِهِمْ [يَا : بِهِ] عَنِّيْ كُلَّ غَمٍّ ، وَ اَكْفِنِيْ بِهِمْ كُلَّ خَوْفٍ ، وَ اصْرِفْ عَنِّيْ بِهِمْ مَقَادِيْرَ الْبَلَاءِ وَ سُوءَ الْقَضَاءِ وَ دَرَكَ الشَّقَاءِ وَ شِمَاتَةَ الْاَعْدَاءِ . اَللّٰهُمَّ ، اغْفِرْ لِيْ ذُنُوبِيْ ، وَ طَيِّبْ كَسْبِيْ ، وَ قَفِّعْنِيْ بِمَا رَزَقْتَنِيْ ، وَ بَارِكْ لِيْ فِيْهِ ، وَ لَا تَذْهَبْ بِنَفْسِيْ اِلٰی شَيْءٍ صِرْفَتُهُ عَنِّيْ . اَللّٰهُمَّ ، اِنِّيْ اَعُوْذُ بِكَ مِنْ دُنْيَا تَمْنَعُ خَيْرَ الْاٰخِرَةِ ، وَ عَاجِلٍ يَمْنَعُ خَيْرَ الْاٰلِ - جَلِ ، وَ حَيَاةٍ تَمْنَعُ خَيْرَ الْمَمَاتِ ، وَ اَمَلٍ يَمْنَعُ خَيْرَ الْعَمَلِ . اَللّٰهُمَّ ، اِنِّيْ اَسْأَلُكَ الصَّبْرَ عَلٰی طَاعَتِكَ ، وَ الصَّبْرَ عَلٰی مَعْصِيَّتِكَ ، وَ الْقِيَامَ بِحَقِّكَ ، وَ اَسْأَلُكَ حَقَائِقَ الْاِيْمَانِ ، وَ صِدْقَ الْيَقِيْنِ فِي الْمَوَاطِنِ كُلِّهَا ، وَ اَسْأَلُكَ الْعَفْوَ وَ الْعَافِيَةَ وَ الْمَعَاوَةَ فِي الدُّنْيَا وَ الْاٰخِرَةِ ، عَافِيَةَ الدُّنْيَا مِنَ الْبَلَاءِ ، وَ عَافِيَةَ الْاٰخِرَةِ مِنَ الشَّقَاءِ ، اَللّٰهُمَّ ، اِنِّيْ اَسْأَلُكَ الْعَافِيَةَ وَ تَمَامَ الْعَافِيَةِ وَ دَوَامَ الْعَافِيَةِ ، وَ الشُّكْرَ عَلٰی الْعَافِيَةِ ، وَ اَسْأَلُكَ الظَّفَرَ وَ السَّلَامَةَ وَ حُلُوْلَ دَارِ الْكِرَامَةِ . اَللّٰهُمَّ ، اجْعَلْ فِي صَلَاتِيْ وَ دُعَائِيْ رَهْبَةً مِنْكَ**

www.noorfatemah.org

دوام عافیت و شکر بر عافیت را از تو درخواست می نمایم ، و کامیابی و سلامتی و وارد شدن در دارد کرامت را می خواهم . خداوندا ، در نماز و دعایم هراس از خود ، و میل و رغبت به سوی ات و راحتی و آسودگی ای که بر منت نهی قرار ده ، خدایا ، به خاطر بدی آنچه که در نزد و وجود من است [یعنی اعمال و صفات بدم] از رحمت گسترده و نعمت گوارا ، و عافیت فرا گیر ، و عطای فراوان ، و بخششهای مواهب محروم مگردان ، و به عمل زشتم پاداش مده ، و روی [و اسماء و صفات] گرمی ات را از من برمگردان . خداوندا ، در حالی که تو را می خوانم محروم مگردان ، و در حالی که به تو امیدوارم دست خالی برمگردان ، و هیچگاه به اندازه چشم بر هم زدن نه به خود و نه به هیچ کس از مخلوقات واگذارم مکن ، تا مرا محروم گردانده و دیگری را بر من مقدم بدارد . خداوندا ، برستی که تو هرچه را بخواهی محو و یا اثبات می فرمایی ، و کتاب مادر تنها در نزد توست ، به [حق] آل یاسین که برگزیدگان خلق ، و ناب ترین مخلوقات می باشند از تو درخواست نموده و آن بزرگواران را پیشاپیش خواسته ها و میل و رغبت به تو مقدم می دارم ، خدایا ، اگر مرا در و کتاب مادر بدبخت و محروم و گرفتار به تنگی روزی نوشته ای ، بدبختی و محرومیت را از آن محو ، و در نزد خویش نیکبخت و پر روزی ثبت بفرما ، خدایا ، بی گمان من به هر خیری که به سوی من فرو فرستاده ای نیازمندم ، و از تو هراسانم ، و به تو پناه آورده ام ، و من حقیر و بیچاره و درمانده هستم ، همان گونه که امر فرموده ای می خوانمت ، پس چنانکه وعده فرمودی ، که تو هیچگاه خلف وعده نمی نمایی ، [دعای] مرا اجابت فرما . ای خدایی که فرمودی : مرا بخوانید ، تا [دعای] شما را اجابت نمایم . چه خوب اجابت کننده ای هستی تو ، ای سرور من ، و چه خوب پروردگاری و چه نیکو مولی و سرپرستی ، و چه بد بنده ای هستم من ، و این است ایستادن بنده پناه آورده به تو از آتش جهنم ، ای گشاینده ناراحتی ، و ای برطرف کننده غم و اندوه ، ای اجابت کننده دعای درماندگان ، ای رحمان و رحیم دنیا و آخرت ، مرا به چنان رحمتی مورد مهر و رحمت خویش قرار ده که به آن از [آرزو کردن و نیت] رحمت غیر خود بی نیازم گردانی ، و به رحمت مرا در میان بندگان شایسته ات داخل فرما ، ستایش خداوندی را که یک نماز از نمازهایی را که بر مؤمنین نوشته و واجب نموده از من برآورد ، [به رحمت ، ای مهربانترین مهربانها] .

دعای حضرت مهدی (ع) در تعقیب نمازهای واجب

۲۵- از جمله تعقیبات مهم . دعای است که به روایت صحیح از مولایمان حضرت مهدی (ع) در تعقیب نمازهای واجب وارد شده است . ابو نعیم محمد بن احمد انصاری می گوید : من و گروهی به تعداد سی نفر مرد - که فرد مخلص و شیعه جز محمد بن ابی القاسم در میان آنان نبود ، - در روز ششم ذی الحجه سال ۲۹۳ [هجری قمری] در مکه نزد مستجار بودیم ، که ناگهان جوانی که دو لنگ ناصح که در آن احرام بسته بود و بر تن داشت و نعلین او در دستش بود ، از طواف خانه خدا فراغت پیدا کرد و به سوی ما آمد ، وقتی او را دیدیم ، همگی به خاطر هیبت و ابتهت او بپا خاستیم و هیچ کس از ما بر زمین نشسته نماند ، او بر ما سلام نمود و در وسط نشست و ما در گرد او ، سپس به راست و چپ نگاه کرد و آنگاه فرمود : آیا می دانید که امام صادق (ع) در دعای الحاح چه می فرمود؟ عرض کردیم : چه چیزی می فرمود؟ فرمود که آن بزرگوار می فرمودند : اَإِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي بِهِ تَقُومُ السَّمَاءُ ، وَبِهِ تَقُومُ الْأَرْضُ ، وَبِهِ تَفَرَّقُ بَيْنَ الْحَقِّ وَالْبَاطِلِ ، وَبِهِ تَجْمَعُ بَيْنَ الْمُتَفَرِّقِ ، وَبِهِ تَفَرَّقُ بَيْنَ الْمُجْتَمِعِ ، وَبِهِ أَعْصِيَتْ عِدَدَ الرَّمَالِ وَزِنَةَ الْجِبَالِ وَكَيْلَ الْبَحَارِ ، اءَنْ تُصَلِّيَ عَلَي مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَاَنْ تَجْعَلَ لِي مِنْ أَمْرِ فَرَجًا . - خداوندا ، به [حق] آن سمت که به [وسیله] آن آسمان برپا ، و زمین پابرجاست ، و میان حق و باطل جدا می افکنی ، و میان [امور و یا اشخاص] جدا و پراکنده جمع می نمایی ، و بین جمع جدایی می افکنی ، و شماره سنگریزه ها و وزن کوهها و پیمانه دریاها را به آن حساب می نمایی ، از تو درخواست می نمایم که بر محمد و آل محمد درود فرستی ، و در امر من فرج و گشایشی قرار دهی . سپس برخاست و داخل طواف شد ، و ما نیز به واسطه قیام او بپا خواستیم ، تا اینکه رفت ، و ما او را از یاد بردیم . و تا فردای همان وقت به خود می

گفتیم: او چه کسی بود؟ تا اینکه باز فردا از طواف خارج شد، و به سوی ما آمد و مانند روز گذشته در برابر او قیام نمودیم، و در وسط مجلس ما جلوس فرمود، و نظر به راست و چپ انداخت و فرمود: آیا می دانید امیرالمؤمنین (ع) بعد از نماز واجب چه می فرمود؟ عرض کردیم: چه می فرمود؟ فرمودند: حضرتش همواره می فرمودند: إِلَيْكَ رُفِعَتِ الْأَصْوَاتُ، وَعَنَتِ الْوُجُوهُ، وَلَكَ خَضَعَتِ الرُّقَابُ، وَإِلَيْكَ التَّحَاكُمُ فِي الْأَعْمَالِ، يَا خَيْرَ مَنْ سُرِّيلَ وَخَيْرَ مَنْ أَعْطَى، يَا صَادِقُ يَا بَارُّ، يَا مَنْ لَا يُخْلِفُ الْمِعَادَ، يَا مَنْ أَمَرَ بِالدُّعَاءِ وَوَعَدَ بِالْإِجَابَةِ، يَا مَنْ قَالَ: أَدْعُونِي، أَسْتَجِبَ لَكُمْ، (۲۰۰) يَا مَنْ قَالَ: وَإِذَا سَأَلْتُكَ عِبَادِي عَنِّي، فَإِنِّي قَرِيبٌ أَعْجِبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ، فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي، وَلْيُؤْمِنُوا بِي، لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ. (۲۰۱) وَيَا مَنْ قَالَ: يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَى أَنْفُسِهِمْ، لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ، إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا، إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ. (۲۰۲)، لَبَّيْكَ وَسِعْدَيْكَ، هَا، أَنَا ذَا بَيْنَ يَدَيْكَ، أَلَمْ تُسْرِفْ، وَأَنتَ الْقَائِلُ: لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ، إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا. - صداها تنها به سوی تو بلند، و چهره ها تنها در برابر تو فروتن، و گردنها فقط برای تو خاضع هستند، و داوری در اعمال تنها به درگاه توست. ای بهترین کسی که از او درخواست می شود، و بهترین کسی که عطا می فرماید، ای راستگو، ای نیکوکار، ای کسی که خلف وعده نمی فرماید، ای کسی که دستور دعا کردن و وعده اجابت دادی، ای کسی که فرمودی: مرا بخوانید، تا دعای شما را اجابت نمایم. ای کسی که فرمودی: و هرگاه که بند گانم درباره من درخواست نمایند، [بگو] که همانا من نزدیکم و دعای دعا کنندگان را هرگاه که مرا بخوانند اجابت می نمایم، پس باید آنان [یعنی بندگان] دعوت مرا پذیرفته و به من ایمان آورند، امید آنکه که رهنمون گردند. و ای کسی که فرمودی: ای بندگان من که بر نفس خویش اسراف نمودید، از رحمت خدا نومید نشوید، که بی گمان خداوند همه گناهان را می آمرزد، براستی که اوست بسیار آمرزنده مهربان. آری و آری، هان، اینک من همان اسراف کننده [بر نفس خویش] هستم، و تو فرموده ای که: از رحمت خدا نومید نشوید، براستی که خداوند همه گناهان را می آمرزد. بعد از این دعا، به راست و چپ نظر انداخت و بعد فرمود: آیا می دانید که امیرالمؤمنین - علیه افضل السّلام - در سجده شکر چه می فرمود؟ عرض کردیم: چه چیزی می فرمود؟ فرمود: آن بزرگوار می فرمودند: يَا مَنْ لَا يَزِيدُهُ كَثْرَةُ الدُّعَاءِ إِلَّا سِعَةً وَعَطَاءً، يَا مَنْ لَا تَقْدُ خَزَائِنُهُ، يَا مَنْ لَهُ خَزَائِنُ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ، يَا مَنْ لَهُ خَزَائِنُ مَا دَقَّ وَجَلٌّ، لَا تَمْنَعُكَ إِسَاءَتِي مِنْ إِحْسَانِكَ أَعَنْ تَفْعَلُ بِي الذِّى أَعَنْتَ أَهْلَهُ، [فَأَعَنْتَ أَهْلَ الْجُودِ وَالْكَرَمِ وَالْعَفْوِ وَالتَّجَاوُزِ، يَارَبِّ، يَا أَلَلَّهُ، لَا تَفْعَلْ بِي الذِّى أَعَنْتَ أَهْلَهُ، فَإِنِّي أَهْلُ الْعُقُوبَةِ] وَقَدْ أَشَيْتُ حَقَّقْتُهَا، لَا حُجَّةَ لِي وَلَا عُذْرَ لِي عِنْدَكَ، أَيْبُوءُ لَكَ بِذُنُوبِي كُلِّهَا، وَأَعْتَرِفُ بِهَا كَيْ تَغْفُو عَنِّي، وَأَعَنْتَ أَعْلَمُ بِهَا مِنِّي، أَيْبُوءُ لَكَ بِكُلِّ ذَنْبٍ أَدْنَبْتُهُ وَكُلِّ خَطِيئَةٍ اخْتَلَمْتُهَا [يَا: أَعْطَأْتُهَا]، وَكُلِّ سَيِّئَةٍ عَمِلْتُهَا، رَبِّ، اغْفِرْ وَارْحَمْ، وَتَجَاوَزْ عَمَّا تَعْلَمُ، إِنَّكَ أَعَنْتَ الْأَعْرُ [الْأَجَلُ] الْأَكْرَمُ. - ای خدایی که بسیار دعا کردن جز بر گسترش [عنایت] و عطای او نمی افزاید، ای کسی که گنجینه هایش تمام نمی شود، ای کسی که گنجینه های آسمان و زمین از آن اوست، ای خدایی که گنجینه های تمام امور کوچک و بزرگ برای اوست؛ بدی من جلوی احسان و نیکی تو را نگیرد که آنچه را که شایسته آن هستی به من روا داری، [زیرا تو اهل بخشش و بزرگواری و عفو و گذشت هستی. ای پروردگار من، ای خدا، با من آنچه را که سزاوارم مکن، که من زینده عذاب هستم،] و اینک مستحق عقوبت توام، و حجت و دلیلی و عُذْر در نزد تو ندارم، به همه گناهانم در نزد تو اقرار و اعتراف می کنم تا از من درگذری. و تو نسبت به من از خودم آگاهتر هستی، در درگاه تو به هر گناهی که کردم و هر بدی که مرتکب شدم و هر بدی که انجام دادم اقرار می نمایم، پروردگارا، بیامرزد و رحم آر، و از تمام آنچه می دانی در گذر، که تو سرافرازترین [بزرگترین] و بزرگوارترین هستی. بعد بپا خاست و داخل طواف شد، و ما نیز به خاطر قیام او ایستادیم، فردا نیز در همان وقت باز گشت و باز ما به خاطر روی آمدن او به سوی ما مانند گذشته بپا خاستیم، و او در وسط مجلس نشست و به راست و چپ نظر افکند و فرمود: عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ (عليهما السلام) سرور عبادت کنندگان پیوسته در سجده اش در همین جا - و با دست به حِجْرِ اسماعیل زیر ناودان اشاره فرمود - می فرمودند: بَيِّدُكَ بِفِنَائِكَ، مَشِيكَ بِفِنَائِكَ، فَقِيرُكَ بِفِنَائِكَ، [سَأَلْتُكَ بِفِنَائِكَ]، يَسَاءُ لَكَ مَا لَا يَقْدِرُ عَلَيْهِ غَيْرُكَ. - بنده

کوچک تو در آستانه توست ، مسکین و بیچاره ات در درگاه توست ، نیازمند به تو در درگاه توست ، [سائل تو در آستانه توست] ، و از تو آنچه را که غیر تو بر آن قادر نیست ، درخواست می نماید . سپس به راست و چپ نظر انداخت و از میان ما به محمد بن قاسم نگریست و فرمود : ای محمد بن قاسم ، ان شاء الله تو بر عقیده خوبی هستی ، و محمد بن قاسم به این امر [یعنی تشیع و ولایت ائمه (علیهم السلام)] اعتقاد داشت . بعد بپا خاست و داخل طواف شد و هیچ کدام از ما نبود که دعایی را که ذکر کرده بود به یاد نداشته باشیم ، ولی همگی از یادمان رفت که این امر را به یاد یکدیگر آوردیم تا اینکه در آخر آن روز ابوعلی محمودی گفت : ای قوم ، آیا این شخص را می شناسید ، به خدا سوگند ، این صاحب زمان شماست ، گفتیم : ای اباعلی ، چگونه دانستی ؟ وی گفت که مدت هفت سال به درگاه پروردگار دعا می نموده و درخواست می کرده که صاحب الزمان را به او نشان دهد . و نیز گفت : عصر روز عرفه با دوستان گرد هم بودیم ، ناگهان درست همان مرد را دیدم که دعایی را که من نیز حفظ بودم ، می خواند ، از او پرسیدم : کیستی ؟ فرمود : از مردم . گفتم : از کدامین مردم ؟ فرمود : از عرب . عرض کردم : از کدام عرب ؟ فرمود : از برترین آنها . عرض کردم : آنان کیانند؟ فرمود : بنی هاشم . عرض کردم : از کدام بنی هاشم ؟ فرمود : از بلندمرتبه ترین و ناب ترین آنها ، عرض کردم : از چه کسی ؟ فرمود : از کسی که سرهای کافران را می شکافت ، و نیازمندان را اطعام می نمود ، و در حالی که مردم در خواب بودند شبها به نماز مشغول می شد . دانستم که علوی است و به همین خاطر او را دوست داشتم . سپس او را از پیش رویم گم کردم ، و ندانستم که چگونه رفت . از مردمی که گرداگرد او بودند پرسیدم : آیا این علوی را می شناسید؟ گفتند : بله ، هر سال با ما پیاده حج بجا می آورد . از روی تعجب ، به خود گفتم : سبحان الله ، به خدا سوگند ، که من اثر و رد پای شخصی را نمی بینم . تا اینکه غمگین و اندوهگین بر فراقش به سوی مُزْدَلِفَه روانه شدم ، و آن شب را خوابیدم ، ناگهان رسول خدا (ص) را دیدم . به من فرمود : ای احمد ، کسی را که می خواستی دیدی ؟ عرض کردم : ای آقای من ، چه کسی را؟ فرمود : کسی را که عصر و شام گذشته دیدی ، صاحب زمان تو بود . وقتی ما این جریان را از وی شنیدیم ، او را سرزنش کردیم که چرا ما را آگاه ننمودی ، وی گفت : این امر را زمانی که به ما بازگو کرد فراموش نموده بود . توضیح یک نکته از حدیث گذشته درباره این سخن در حدیث گذشته که : حضرت دو لنگ ناصح داشت از بعضی از اهل حجاز پرسیدیم . وی گفت : لباسهایی از یمن آورده می شود که بدان ناصح گفته می شود ، و آنها را گاهی سفید و گاهی رنگارنگ درست می کنند . و صاحب کتاب اءلصّحاح فی اللّغه گفته که ناصح بانون والف ، وصاد وحاء بدون نقطه یعنی خالص . (۲۰۳)

دعا برای جبران غفلتها و گناهان قلبی در نماز

۲۶- از دیگر تعقیبات مهم بعد از فراغت از نمازها ، جهت تلافی و جبران غفلتها و گناهان قلبی که در نماز حاصل می شود ، خواندن دعایی است که در کتاب احمد بن عبدالله بن خانبه آمده ، هم او که جدّ سعیدم ابوجعفر طوسی در کتاب الفهرست ذکر کرده که از اصحاب مورد اعتماد ماست ، و عمل به دعاهایی که کتابش متضمّن آن است ، روایت شده است (۲۰۴) . سعید بن عبدالله اشعری می گوید : احمد بن عبدالله بن خانبه کتابش را بر مولایمان ابی محمد حسن بن علی بن محمد عسکری (ع) عرضه کرد ، و حضرتش آن را قرائت نمود ، و فرمود : صحیح است و بدان عمل کنید . احمد بن خانبه در کتابی که بدان اشاره شد و در زمینه دعا و مناجات است ، گفته است : نماز گزار بعد از فراغت از نماز بگوید : اءللّهُمَّ ، لَمَكَ صِلَیْتُ ، وَ اِیَّاكَ دَعَوْتُ ، وَ فِی صَلَاتِی وَ دُعَائِی مَا عَلِمْتُ مِنَ النُّقْصَانِ وَ الْعَجَلَةِ وَ السَّهْوِ وَ الْغَفْلَةِ وَ الْكَسَلِ وَ الْفَتْرَةِ وَ النَّسْیَانِ وَ الْمُدَافَعَةِ وَ الرِّیَاءِ وَ السَّمْعَةِ وَ الرَّیْبِ وَ الْفِکْرِ [یا : اءلْفِکْرَةِ] وَ الشَّكِّ وَ الْمَشْغَلَةِ [وَ الشَّیْئَةِ] وَ اللَّحْظَةِ الْمُلْهِیَةِ عَنْ اِقَامَةِ فَرَائِضِکَ ، فَصَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ ، وَ اجْعَلْ مَکَانَ نُقْصَانِهَا تَمَامًا ، وَ عَجَلَتِی تَثِیْتًا وَ تَمَکْنًا ، وَ سَهْوِی تَبْقَظًا ، وَ غَفْلَتِی تَذْکُرًا ، وَ کَسَلِی نَشَاطًا ، وَ فُتُورِی قُوَّةً ، وَ نِسْیَانِی مُحَافَظَةً ، وَ مُدَافَعَتِی مُوَاطَبَةً ، وَ رِیَائِی اِخْلَاصًا ، وَ شِیْئَتِی تَسْکِینًا ، وَ فِکْرِی خُشُوعًا ، وَ شَکِّی یَقِینًا ، وَ تَشَاغُلِی فَرَاعًا ، وَ لِحَاضِی خُشُوعًا ، فِإِنِّی لَکَ

صَلَّيْتُ، وَإِيَّاكَ دَعَوْتُ، وَوَجَّهْتُكَ أَعْرَدْتُ، وَإِلَيْكَ تَوَجَّهْتُ، وَبِكَ آمَنْتُ، وَعَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ، وَ مَا عِنْدَكَ طَلَبْتُ، فَصَلَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَاجْعَلْ لِي فِي صِلَاتِي وَ دُعَائِي رَحْمَةً وَ بَرَكَهً تُكَفِّرُ بِهَا سَيِّئَاتِي، وَ تُضَاعِفُ بِهَا حَسَنَاتِي، وَ تَرْفَعُ بِهَا دَرَجَتِي، وَ تُكْرِمُ بِهَا مَقَامِي، وَ تُبَيِّضُ بِهَا وَجْهِي، وَ تَحْطُ بِهَا وَزْرِي، وَاجْعَلْ مَا عِنْدَكَ خَيْرًا لِي مِمَّا يَنْقَطِعُ عَنِّي. اءَلْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي قَضَى عَنِّي صَلَاتِي إِنَّ الصَّلَاةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَوْقُوتًا (۲۰۵) يَا اءَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، اءَلْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا، وَ مَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا اَنْ هَدَانَا اللَّهُ، اءَلْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي اءَكْرَمَ وَجْهِي عَنِ السُّجُودِ اِلَّا لَهُ، اءَللَّهُمَّ، كَمَا اءَكْرَمْتَ وَجْهِي عَنِ السُّجُودِ اِلَّا لَكَ، فَصَلَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ صِيْنُهُ عَنِ الْمَسَاءَلَةِ اِلَّا- مِنْكَ [يا: لَكَ]، اءَللَّهُمَّ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ تَقَبَّلْهَا مِنِّي يَا حَسَنَ قَبُولِكَ، وَلَا- تُؤَاخِذْنِي بِنُقْصَانِهَا. وَ مَا سَيَّهَى عَنْهُ قَلْبِي مِنْهَا فَتَمِّمُهُ لِي بِرَحْمَتِكَ يَا اءَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. اءَللَّهُمَّ، فَصَلَّ [يا: صَلِّ] عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، اُولَى الْأَمْرِ الَّذِينَ اءَمَرْتَ بِطَاعَتِهِمْ، وَ اُولَى الْأَرْحَامِ الَّذِينَ اءَمَرْتَ بِصِلَتِهِمْ، وَ ذَوِي الْقُرْبَى الَّذِينَ اءَمَرْتَ بِمَوَدَّتِهِمْ، وَ اَهْلِيلِ الذِّكْرِ الَّذِينَ اءَمَرْتَ بِمَسَاءَلَتِهِمْ، وَ الْأَمْوَالِ الَّذِينَ اءَمَرْتَ بِمُؤَالَاتِهِمْ وَ مَعْرِفَةِ حَقِّهِمْ، وَ اَهْلِي الْبَيْتِ الَّذِينَ اءَذْهَبَتْ عَنْهُمْ الرِّجْسَ، وَ طَهَّرَتْهُمْ تَطْهِيرًا، اءَللَّهُمَّ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَاجْعَلْ ثَوَابَ صِلَاتِي وَ ثَوَابَ مَنْطِقِي وَ ثَوَابَ مَجْلِسِي رِضَاكَ وَ الْجَنَّةَ، وَاجْعَلْ ذَلِكَ كُلَّهُ خَالِصًا مُخْلِصًا يُوَفِّقُ [يا: يُوَفِّقُ] مِنْكَ رَحْمَةً وَاجِبَةً، وَافْعَلْ فِي جَمِيعِ مَا سَأَلْتُكَ مِنْ خَيْرٍ، وَ زِدْنِي مِنْ فَضْلِكَ، إِنِّي إِلَيْكَ مِنَ الرَّاغِبِينَ، يَا اءَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، يَا ذَا الْمَنِّ الَّتِي لَا- يَنْقَطِعُ اءَيْدًا، يَا كَرِيمٌ يَا كَرِيمٌ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَاجْعَلْنِي مِمَّنْ آمَنَ بِكَ فَهَدَيْتَهُ، وَ تَوَكَّلَ عَلَيْكَ فَكَفَيْتَهُ، وَ سَأَلَ لَكَ فَأَعْطَيْتَهُ، وَ رَغِبَ إِلَيْكَ فَأَرْضَيْتَهُ، وَ اءَخْلَصَ لَكَ فَأَنْجَيْتَهُ، اءَللَّهُمَّ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ اءَخْلِلْنَا دَارَ الْمُقَامَةِ مِنْ فَضْلِكَ، لَا يَمَسُّنَا فِيهَا نَصَبٌ، وَلَا يَمَسُّنَا فِيهَا لُغُوبٌ. اءَللَّهُمَّ، إِنِّي اءَسْأَلُكَ مَسَاءَلَةَ الذَّلِيلِ الْفَقِيرِ [يا: الْفَقِيرِ الذَّلِيلِ]، اءَنْ تُصَلِّمَنِي عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ اءَنْ تُغْفِرَ لِي جَمِيعَ ذُنُوبِي، وَ تَقْبَلَنِي بِقَضَاءِ جَمِيعِ حَوَائِجِي إِلَيْكَ، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، اءَللَّهُمَّ، مَا قَصُرَتْ عَنْهُ مَسْأَلَتِي وَ عَجَزَتْ مِنْهُ قُوَّتِي وَ لَمْ تَبْلُغْهُ فِطْنَتِي مِنْ اءَمْرِ تَعْلَمُ فِيهِ صَلَاحَ اءَمْرِ دُنْيَايَ وَ آخِرَتِي، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَافْعَلْهُ بِي يَا لَا إِلَهَ اِلَّا اَنْتَ، بِحَقِّ لَا إِلَهَ اِلَّا اَنْتَ، بِرَحْمَتِكَ فِي عَافِيَةٍ، مَا شَاءَ اللَّهُ، وَلَا- حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا- بِاللَّهِ. - خداوندا، تنها برای تو نماز گزاردم، و فقط تو را خواندم، و در نماز و دعایم هر چه از کاستی و شتاب و سهو و غفلت و تنبلی و سستی و فراموشی و حواس پرتی و ریاء و سمعه و دو دلی و اندیشه و شک و مشغله [یا: عمل زشت و ناپسند] و سرگرمی و نگاه باز دارنده و سرگرم کننده از برپا داشتن فرایضت می دانی، پس بر محمد و آل محمد درود فرست و به جای نقص و کاستی آن تمام و کمال قرار ده، و عجله و شتابم را استواری به ثبات و، و سهوم را به هوشیاری، و غفلتم را به تذکر و به یاد بودن، و تنبلی ام را به نشاط و شادابی، و سستی ام را به نیرومندی، و فراموشی ام را به حفظ، و حواس پرتی ام را به مواظبت و نگاهداری، و و ریایم را به اخلاص، و سمعه ام را به پوشانیدن [اعمالم از مردم]، و دو دلی ام را به روشننگری، و اندیشه ام را به فروتنی، و شکم را به یقین، و مشغول بودنم را به آسودگی، و نگاه کردنم را به خشوع و خضوع مبدل گردان. زیرا من تنها برای تو نماز گزاردم، و فقط تو را خواندم، و روی [و اسماء و صفات و خشنودی] تو را اراده نمودم، و به سوی تو متوجه شدم، و به تو ایمان آورده و بر تو کل نمودم، و آنچه را که در نزد توست درخواست نمودم، پس بر محمد و آل محمد درود فرست و برای من در نماز و دعایم رحمت و برکتی قرار ده که بدیها و گناهانم را بدان پوشانده، و کارهای نیکم را دو چندان گردانده، و درجه و پایه ام را بالا برده، و مقام و منزلتم را گرامی، و رویم را سپید گردانیده، و بار گناهانم را بریزی. و آنچه را که در نزد توست برای من، از آنچه که پایان می پذیرد بهتر گردان. سپاس خداوندی را که نمازم را از سوی من ادا نمود براستی که نماز، نوشته و واجبی با وقت معین برای مؤمنان است. ای مهربانترین مهربانها، سپاس خدایی را که ما را به این رهنمون شد، و اگر خدا هدایت نمی فرمود، ما نمی توانستیم هدایت پذیر گردیم. ستایش خداوندی را که رویم را از سجده کردن برای غیر خود گرامی داشت. خداوندا، چنانکه رویم را از کرنش نمودن برای غیر خود گرامی داشته ای، پس بر محمد و آل محمد درود فرست و آن را از مسألت نمودن از غیر خود محفوظ بدار. خدایا، بر محمد و آل محمد درود فرست و نمازم را از من با

نیکوترین پذیرش بپذیر، و مرا به کمبود و کاستی آن مؤاخذه فرما، و آنچه که دلم از آن سهو نموده به رحمت کامل گردان. ای مهربانترین مهربانها. خداوندا، [پس] بر محمد و آل محمد درود فرست، همان فرمانروایانی که به پیروی از آنان دستور داده ای، و خویشاوندانی که امر به رسیدگی آنان فرموده ای، و نزدیکان [پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله] که به مودت و مهربانی ایشان فرمان داده ای، و اهل ذکری که دستور به پرسیدن از ایشان داده ای، و سروران و سرپرستانی که به موالات و دوستی و شناختن حقشان دستور داده ای، و اهل بیتی که پلیدی را از ایشان دور و به گونه ویژه ای پاکیزه شان نمودی. خداوندا، بر محمد و آل محمد درود فرست، و ثواب نمازم و ثواب گفتارم و ثواب نشستیم را خشنودی ات و بهشت قرار ده، و همه اینها را خالص و پاکیزه و بی آلا-یش گردان، به گونه ای که با رحمت و اجابتی از جانب تو سازگار گردد، و تمام خیراتی را که از تو درخواست نمودم درباره من انجام ده، و از فضل خویش افزون گردان، بی گمان من به سوی تو میل و رغبت دارم، ای مهربانترین مهربانها، ای صاحب بخششی که هرگز بخشش ات بریده نمی گردد، ای صاحب نیکی ای که هرگز نیکی ات گسسته نمی گردد، ای صاحب نعمتی که هیچگاه نعمت به شمار در نمی آید، ای بزرگوار، ای بزرگوار، ای بزرگوار، بر محمد و آل محمد درود فرست و مرا از کسانی که به تو ایمان آورده، و در نتیجه هدایشان نمودی، و بر تو توکل نموده و کفایتشان فرمودی، و از تو درخواست نموده و عطایشان فرمودی، و به تو گرایید و خشنودشان گردانیدی، و [اعمال] خود را برای تو خالص گردانید و نجاتشان دادی قرار ده، خداوندا، بر محمد و آل محمد درود فرست و به فضل خود ما را در خانه جاودانی ای جای ده که هیچ رنجوری و ستوهی به ما در آن نرسد. خدایا، از تو همانند درخواست شخص - ذلیل نیازمند [یا: نیازمند ذلیل] مسألت دارم که بر محمد و آل محمد درود فرستی، و تمام گناهانم را بیامرزی، و با برآورده نمودن همه خواسته هایم برگردانی، برآستی که تو بر هر چیز توانایی. خداوندا، هر چیزی که درخواستم از آن کوتاه، و نیرویم از آن ناتوان گشته، و هوشیاری و ذهنم به آن نرسیده، در تمام اموری که صلاح امر دنیا و آخرتم را در آن می دانی، پس بر محمد و آل محمد درود فرست - ای خداوندی که معبودی جز تو نیست، به حق اینکه معبودی جز تو نیست - به رحمت همراه با عافیت آن را برای من انجام ده، آنچه خدا خواست همان می شود، و هیچ دگرگونی و نیرویی نیست جز به خدا.

دعای گذشته به روایت دیگر

این دعا از اول تا جمله کانت علی المؤمنین کتاباً مؤقوتاً، یا ارحم الراحمین از مولایمان علی بن طالب (ع) نیز روایت شده، و این دو روایت باهم اختلاف دارند. در ادامه روایت امیرالمؤمنین (ع) آمده است: سپس بگو: یا االله المانع قدرته خلقه، والمالك بها سلطانه، والمسلط بها في يديه، كل مزجؤ دونك يخيب رجاء راجيه، و راجيك مسرور لا يخيب، اشاء لك بكل رضا لك من كل شيء انت فيه، و بكل شيء تحب ان تذكر به و بك يا الله، فليس يعد لك شيء، ان تصلي على محمد و آله، و ان تحوطني و اخواني و ولدي، و تحفظني بحفظك، و ان تقض لي حاجتي في كذا و كذا. - ای خداوندی که با قدرتت مخلوقات را منع نموده و به واسطه آن مالک سلطنت و فرمانروایی گشته، و در دو دست [جمال و جلال] خویش تسلط و چیرگی داری، هرکسی غیر تو که به او امید بسته می شود امید امیدوارانش را نومید می گرداند، ولی امیدوار به تو هرگز نومید و محروم نمی گردد. از تو به [حق] هر خشنودیی که از هر چیزی که در آن هستی داری، و به هر چیزی که دوست داری به آن یاد شوی، و به تو ای خدا که هیچ چیز با تو برابری نمی کند، درخواست می نمایم که بر محمد و آل محمد درود فرستی، و من و برادران و فرزندانم را نگاهداری نموده، و به حفظ خویش محافظت نمایی، و حاجتم را درباره فلان چیز و فلان چیز برآورده سازی. و هر خواسته ای داشتی ذکر می کنی، زیرا روایت شده که پیامبر اکرم (ص) فرمود: هر کس این دعا را، بخواند پیش از اینکه از جایش تکان خورده و جای دیگر برود، حاجتش برآورده می شود.

آخرین دعا در تعقیب نماز

۲۷ - از تعقیبات مهم خواندن دعایی که است که در پایان تعقیبات و دعاها بعد از نماز خوانده می شود . در روایت آمده که : لازم است این دعا در آخر دعاها خوانده شود : اَللّهُمَّ ، اِنِّی وَجَّهْتُ وَجْهَیْ اِلَیْکَ ، وَ اَقْبَلْتُ بِدُعَائِیْ عَلَیْکَ ، راجِئاً اِجَابَتَکَ ، طامِعاً فِی مَغْفِرَتِکَ ، طَالِباً مَا وَاَعِیْتُ بِهٖ عَلَی نَفْسِکَ ، مُسْتَنْجِزاً [یا : مُتَنَجِّزاً] وَ عَدَّکَ ، اِذْ تَقُولُ : اِذْ دُعُوْنِی ، اِشْتَجِبْ لَکُمْ (۲۰۶) ، فَصَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ اٰلِهٖ ، وَ اَقْبِلْ اِلَیَّیْ بِوَجْهِکَ ، وَ اغْفِرْ لِی ، وَ اَرْحَمْنِی ، وَ اَسْتَجِبْ دُعَائِیْ ، یا اِلٰهَ الْعٰلَمِیْنَ ، - خداوندا ، براستی که روی و تمام وجودم را به سوی تو نمودم ، و با دعا کردم بر تو روی آوردم ، در حالی که امید به اجابت ، و طمع در آمرزش داشت ، و آنچه را خودت بر خودت روا دانسته و وعده داده ای ، درخواست نموده ، و وفای به وعده ات را جویایم . زیرا خود فرمودی که : مرا بخوانید ، تا دعای شما را اجابت نمایم . پس بر محمد و آل محمد درود فرست ، و به روی [واسماء و صفات] ات بر من روی آور ، و بیامرزد و مورد رحمت خویش قرار ده ، و دعایم را مستجاب گردان . ای معبود عالمان .

سجده شکر ، و آداب ظاهری و معنوی آن

۲۸ - وقتی از خواندن این دعا فراغت پیدا کردی ، مانند کسی که آگاهانه سجده می کند ، و با خضوع و سجده کردن خواهان قُرب به خداوندگار و معبودش می باشد ، سجده شکر بجا آور ، و بسان بنده حقیر [و نیازمندی که خواهان داخل شدن به محضر قرب مولای عظیم و بزرگ خویش است خود را آماده و مُهِّیاً نما؛ و حدّ اقل حضور قلب داشته باش و خواطر خود را جمع کن ، و گرنه] اگر سجده را با حالت غفلت بجا آوری ، مانند کسی خواهی بود که به هلاکت گرفتار شده ، و یا خود را به خطر انداخته است ، بین سجده مولایمان امام کاظم (ع) را که برای تو روایت خواهیم نمود چگونه بوده و چه ذلّت و خاکساری و بندگی ای را دربرداشته است . و حضرتش الگویی است که بندگان را به سوی خداوند - جَلّ جلاله - خوانده و رهنمون می گردد ، و نگو که : من توان پیمودن این راه را ندارم . بلکه به خود بگو : وای بر تو ، چگونه می گویی که من نمی توانم ؟ و حال آنکه اگر در پیشگاه پادشاه بزرگی ایستاده بودی ، مانند بنده ذلیل و خاکسار می شدی ، پس همان گونه که برای بنده ای از بندگانِ مولایت خاکساری می نمایی ، تذلل و افتادگی ات برای خدا نیز چنین باشد ، که اگر تو او را نمی بینی ، او تو را می بیند . و اگر نمی توانستی ، مانند آن تذلل را در برابر بنده ای از بندگانِ سلطانِ عالمان انجام نمی دادی . و اگر آنان به تو می گفتند که هیچ ترسی از ناحیه ما نداشته باش و از سوی ما در امان هستی ، بر تذلل و خضوع و فروتنی تو در محضرشان افزوده می شد ، تا به این وسیله به سوی آنان و محبتشان تقرّب بجویی . پس حال که مقام و منزلت بنده ای از بندگان در نزد نفس تو بالاتر از حرمت سلطان دنیا و آخرت می باشد ، خویش را معذور بدان ، و حال که سجده و یژگان درگاه الهی دربردارنده خضوع و فروتنی ای است که ذکرش خواهد آمد ، پس شایسته است که تو نیز صاحب گناهان و جنایات هستی ، بیم و خشوع و فروتنی مضاعف داشته باشی .

سجده شکر امام کاظم (ع) بعد از نماز

۲۹ - در روایت آمده که حضرت ابی الحسن موسی بن جعفر (ع) به سوی بعضی از املاک او رفتیم تا اینکه حضرت به نماز ظهر ایستاد وقتی از نماز فراغت پیدا کرد ، به سجده رفت ، شنیدم که آن بزرگوار با صدای اندهناک و در حالی که اشکها در چشمش حلقه زده بود ، می فرمود : رَبِّ ، عَصِیْتُکَ بِلسانی ، وَ لَوْ شِئْتُ وَ عَزَّتْکَ لَأَخْرَسْتَنِی ، وَ عَصِیْتُکَ بِبَصِری ، وَ لَوْ شِئْتُ وَ عَزَّتْکَ لَأَكْمَهْتَنِی [یا : لَكَمْهْتَنِی] ، وَ عَصِیْتُکَ بِسَمْعِی ، وَ لَوْ شِئْتُ وَ عَزَّتْکَ لَأَصْمَمْتَنِی ، وَ عَصِیْتُکَ بِیَدِی ، وَ لَوْ شِئْتُ وَ عَزَّتْکَ لَكَنَعْتَنِی ، وَ عَصِیْتُکَ بِرِجْلِی ، وَ لَوْ شِئْتُ وَ عَزَّتْکَ لَحَبَسْتَنِی ، وَ عَصِیْتُکَ بِفَرْجِی ، وَ لَوْ شِئْتُ وَ عَزَّتْکَ لَعَقَمْتَنِی ، وَ عَصِیْتُکَ بِجَمِیعِ جَوَارِحِی

الَّتِي اَتَعَمَّتْ بِهَا عَلَيَّ، وَ لَيْسَ هَذَا جَزَاؤُكَ مِنِّي . - پروردگار، با زبانم از تو نافرمانی نمودم به عزّت سوگند اگر خواسته بودی مسلماً لالم نموده بودی، و با دیده ام معصیت تو را نمودم، به عزّت سوگند، اگر خواسته بودی بی گمان نایینام فرموده بودی، و با گوشم نافرمانی تو را نمودم، به سربلندی ات سوگند، اگر مشیتت تعلّق گرفته بود حتماً ناشنوایم نموده بودی، و با دستم معصیت تو را نمودم، به سرافرازی ات سوگند، اگر خواسته بودی مسلماً دست مرا شل و خشک فرموده بودی، و با پایم معصیت نمودم، به عزّت سوگند اگر خواسته بودی آن را قطع [و یا به بیماری جذام گرفتارم] نموده بودی، و با عورتم معصیت تو را نمودم، به عزّت سوگند اگر می خواستی مسلماً نازایم می فرمودی، و با تمام اعضاء و جوارحم که آنها را من ارزانی داشتی گناه تو را نمودم، و این پاداش مناسب تو نبود. راوی گوید: شمردم حضرت هزار بار اَعْلَفُوْا اَعْلَفُوْا فرمود، سپس طرف راست صورت خود را بر زمین گذاشت، و شنیدم که با صدای حزن آلود سه بار فرمود: بُؤْتُ إِلَيْكَ بِذَنْبِي، عَمِلْتُ سُوءًا، وَ ظَلَمْتُ نَفْسِي، فَاعْفُؤْنِي، فَإِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ غَيْرُكَ، يَا مَوْلَايَ، [یا مولای من] - به گناهم در نزد اعتراف نمودم، عمل زشت انجام دادم و به خود ستم نمودم، پس مرا بیامرز، که جز تو گناهان را نمی آمرزد، ای مولای من، [ای آقای من]. سپس طرف چپ صورت خود را به زمین گذاشت. شنیدم که سه بار فرمود: اِرْحَمْ مِنْ اَسَاءَ وَاَقْتَرَفَ، وَ اَسِيْرَكَانَ وَاَعْتَرَفَ. - رحم آر بر کسی که عمل بد انجام داده و مرتکب گناه شد، و فروتنی و خاکساری نموده و اعتراف کرد. سپس سر از سجده برداشت.

اعمال بعد از سجده شکر

۳۰ - وقتی سر از سجده برداشتی، آنچه را که در روایت آمده که: پیامبر اکرم (ص) همواره وقتی می خواست از جایی که نماز خوانده بود بر خیزد، دست راستش را بر پیشانی اش می کشید و می فرمود: لَكَ الْحَمْدُ، وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اَنْتَ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ، الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ، اِذْهَبْ عَنِّي الْعَمَّ وَالْحُزْنَ وَالْفِتَنَ، مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَ مَا بَطَنَ. - حمد و ستایش تنها تو راست، و معبودی جز تو که آگاه به نهان و آشکار، و رحمت گستر و مهربان [ویژه به مؤمنان] هستی، وجود ندارد، غم و اندوه و فتنه ها و گرفتاریها و امتحانات آشکار و نهان را از من برطرف فرما. و فرمود: هیچ یک از اَمّت من این را نمی گوید، مگر آنکه خداوند هر چه می خواهد به او عطا می فرماید. و نیز در حدیث دیگری آمده است که: وقتی خواستی این کلمات را بگویی، سه بار دست راست خویش را بر جای سجده ات بکش و در هر بار دستت را بر صورتت بکش، و در هر بار کلمات مذکور را بگو. ۳۱ - اگر درد و بیماری داشته باشی، آنچه را که از امام صادق (ع) روایت شده انجام بده، که حضرت (ع) فرمود: دعایی است که در تعقیب هر نمازی که می خواهی از آن خارج گردی، خوانده می شود. پس اگر درد و بیماری داشتی وقتی نمازت را تمام کردی، دستت را بر سجده گاهت از زمین بکش و این دعا را بخوان، و هفت بار دستت را بر جای درد بکش، و در آن حال بگو: یا مَنْ كَبَسَ الْأَرْضَ عَلَى الْمَاءِ، وَ سَيِّدَ الْهَوَاءِ بِالسَّمَاءِ، وَ اخْتَارَ لِنَفْسِهِ اَحْسَنَ الْأَسْمَاءِ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ اَفْعَلْ بِي كَذَا وَ كَذَا، [وَ اَرْزُقْنِي كَذَا وَ كَذَا]، وَ عَافِنِي مِنْ كَذَا وَ كَذَا. - ای خدایی که زمین را بر روی آب [و هوا] گسترانیده و آن را پوشاندی، و هوا را با آسمان بر بسته و مسدود نمودی، و نیکوترین نامها [و کمالات] را برای خویش برگزیدی، بر محمد و آل محمد درود فرست، و به من چنین و چنان کن، [و فلان چیز و فلان چیز را روزی ام گردان]، و از فلان چیز و فلان چیز عافیت بخش. ۳۲ - همچنین جدّ سعیدم ابوجعفر طوسی - رضوان الله علیه - فرمود: و مستحبّ است که نماز گزار در سجده شکر برای برادران مؤمن خود دعا نماید، و نیز بگوید: اِاللّهُمَّ، رَبَّ الْفَجْرِ وَاللَّيَالِي الْعُشْرِ وَالشَّفْعِ وَالْوَتْرِ، وَ اللَّيْلِ إِذَا يَسِرُّ، وَ رَبَّ كُلِّ شَيْءٍ، وَ إِلَهَ كُلِّ شَيْءٍ، وَ خَالِقَ كُلِّ شَيْءٍ، وَ مَلِيكَ كُلِّ شَيْءٍ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ اَفْعَلْ بِي وَ بِفُلَانٍ مَا اَنْتَ اَعْلَمُهُ، وَ لَا تَفْعَلْ بِنَا مَا نَحْنُ اَعْلَمُهُ، فَإِنَّكَ اَعْلَمُ التَّقْوَى وَ اَعْلَمُ الْمَغْفِرَةِ - خداوندا، ای پروردگار سپیده دم [روز دهم ذی الحجه] و شبهای دهگانه [نخست ذی الحجه] و آن [روز] زوج و فرد [یعنی روز ترویبه که زوج هشتم ذی الحجه است و روز عرفه که فرد و نهم ذی الحجه می بارد] و پروردگار آخر

شب و پروردگار هر چیز و معبود تمام اشیاء و آفریننده تمام موجودات و فرمانروای و هرچیز، بر محمد و آل محمد درود فرست، و به من و به فلاّنی هر چه را که خود زبینه آن هستی بکن، و آنچه را که ما سزاوار آنیم مکن، که تو اهل تقوی و نگاهداری و زبینه آمرزش می باشی. سپس سر از سجده بردار و بگو: اِلهَیْکُمْ، اَعْطِ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ السَّعَادَةَ فِی الرُّشْدِ وَإِیْمَانِ الْیُسْرِ وَفَضِیْلَةٍ فِی النِّعَمِ وَهَنَاتِهِ فِی الْعِلْمِ، حَتّٰی تُشْرِفَهُمْ عَلٰی کُلِّ شَرِیفٍ. اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ وَلِیِّ کُلِّ نِعْمَةٍ، وَصَاحِبِ کُلِّ حَسَنَةٍ، وَمُنْتَهٰی کُلِّ رَغْبَةٍ، لَمْ یُخْذَلْنِیْ عِنْدَ شَدِیدَةٍ، وَلَمْ یَفْضَحْنِیْ [سوء] بِسَرِیرَةٍ، (۲۰۷) فَلَسَیْدِی الْحَمْدُ کَثِیرًا. - خداوند، نیکبختی در رشد و هدایت، و راحتی ایمان، برتری در نعمتها، و گوارایی بدون سختی و رنج در دانش را به محمد و آل محمد عطا فرما، تا اینکه آنان را بر هر بزرگی برتری دهی. ستایش خدا را، [که] سرپرست هر نعمت، و صاحب هر نیکی، و منتهای هر میل و رغبت است، [هم او که] در هر سختی و ناگواری مرا بی یاور نگذاشت، و به واسطه باطن و درون [و صفات بد] مرا رسوا نفرمود، پس ستایش فراوان تنها برای آقا و سرورم می باشد. سپس بگو: اِلهَیْکُمْ، لَکَ الْحَمْدُ کَمَا خَلَقْتَنیْ وَلَمْ اَکُنْ شَیْئًا مُّذْکُورًا، رَبِّ، اَعِنِّیْ عَلٰی اَهْوَالِ الدُّنْیَا وَبَوَائِقِ الدَّهْرِ وَنُکَبَاتِ الزَّمَانِ وَکُرْبَاتِ الْاٰخِرَةِ وَمُصِیْبَاتِ اللَّیَالِیِ وَالْاَیَامِ، وَاکْفِنِیْ شَرَّ مَا یَعْمَلُ الظَّالِمُونَ فِی الْاَرْضِ، وَفِی سَیْرِیْ فَاضْحَبْنِیْ، وَفِی اَهْلِیْ فَاحْضَنْیْ، وَفِیْمَا رَزَقْتَنیْ فَبَارِکْ لِیْ، وَفِی نَفْسِیْ لَکَ فَذَلَّلْنِیْ، وَفِی اَعْیُنِ النَّاسِ فَعَظَّمْنِیْ، وَإِلَیْکَ فَجَبِّنِیْ، وَبِذُنُوبِیْ فَلَا تَفْضَحْنِیْ، وَبِعَمَلِیْ فَلَا تَبْتَلْنِیْ، وَبِسَرِیرَتِیْ فَلَا تُخْرِنِیْ، وَمِنْ شَرِّ الْجِنَّ وَالْاِنْسِ فَسَلِّمْنِیْ، وَلِمَحَاسِنِ الْاِخْلَاقِ فَوْفَقْنِیْ، وَمِنْ مَسَاوِی الْاِخْلَاقِ فَجَبِّنِیْ. اِلَیْ مَنْ تَکَلَّنِیْ یَا رَبَّ الْمُسْتَضْعَفِیْنَ، وَآءَنْتَ رَبِّیْ؟ اِلَیْ عَدُوِّ مَلِکَتُهُ اَءَمْرِی، اَءَمَّ اِلَیْ بَعِیدِ فِیْتَهْجَمْنِیْ [یا: فِیْتَهْجَمْنِیْ] فَإِنْ لَمْ تَکُنْ غَضَبَتْ عَلَیَّ یَا رَبَّ فَلَا- اِءِبَالِی، غَیْرَ اَءَنْ عَافِیَتِکَ اَءَوْسَعُ لِیْ وَءَاَحَبُّ اِلَیَّ. اَءَعِیْذُ بِوَجْهِکَ الْکَرِیْمِ الَّذِیْ اَشْرَقَتْ لَهُ السَّمَاوَاتُ وَالْاَرْضُ، وَکَشَفَتْ بِهِ الظُّلُمَةُ، وَصَلَحَ عَلَیْهِ اَءَمْرُ الْاَوَّلِیْنَ وَالْاٰخِرِیْنَ، مِنْ اَءَنْ یُحْلَ عَلَیَّ غَضَبُکَ، اَءَوْ یَنْزِلَ بِی سَخَطُکَ، لَکَ الْحَمْدُ حَتّٰی تَرْضٰی وَبَعْدَ الرِّضَا، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِکَ. - خداوند، سپاس تو را همان گونه که مرا آفریدی در حالی که هیچ چیز قابل ذکر نبودم. پروردگار، مرا بر هول و هراسهای دنیا و مصیبتهای روزگار و گرفتاریهای زمانه و ناراحتیهای گلوگیر آخرت و مصیبتهای شبانه روز یاری فرما، و از شر آنچه که ستمگران در زمین انجام می دهند کفایت فرما، و در سفرم همراه من، و در خانواده ام جانشین من باش، و آنچه را که به من روزی دادی پر خیر و برکت گردان، و مرا در نزد خویش ذلیل، و در چشم مردم بزرگ گردان. و در نزد خود مرا محبوب نما، و به واسطه گناهانم مفتضح، و به جهت کردارم گرفتارم، و به واسطه درون [و صفات بدم] رسوایم مفرما، و از شر جنّ و انس سلامتم بدار، و به اخلاق نیکو مؤقّم گردان، و از اخلاق ناپسند دورم بدار. ای پروردگار ناتوانان، مرا به چه کسی مرا واگذار می کنی، در حالی که تو پروردگار من هستی؟ (آیا) به دشمن [و شیطان] ای که مالک امرم گردانیده ای، یا به شخص دوری بر من هجوم آورد [یا: که با روی ناخوش با من برخورد کند]؟! پس ای پروردگار من، اگر تو بر من خشم نگیری، با کی ندارم، جز اینکه عافیت تو برای من وسیعتر و دوست داشتنی تر است. پناه می برم به روی [و اسماء و صفات] بزرگوارت که آسمانها و زمین بدان روشن گردیده، و تاریکی به واسطه آن برطرف شده، و امر اولین و آخرین بدان شایسته و درست گشته، از اینکه مشمول غضبت گردم، یا خشم بر من فرود آید. ستایش مخصوص توست تا اینکه خشنود گردی، و [تا حَتّٰی] بعد از خشنودی ات. و هیچ دگرگونی و نیرویی نیست جز به تو.

فضیلت نماز واقعی از دیدگاه روایت

اینک فضیلت نماز کسانی را که به تدبیر خداوند - جلّ جلاله - راضی و خرسند هستند، و به شرطها و پیمانهای خود با خداوند - جلّ جلاله - وفا می کنند، ذکر می کنیم: در روایت آمده که ابن عباس گفت: رسول خدا(ص) فرمود: خداوند متعال فرشته ای دارد که سخائیل [یا: سنحائیل] نامیده می شود، که وقت هر نماز برائت های نماز گزاران را از پروردگار عالیمان - جلّ جلاله - می گیرد. پس وقتی مؤمنین صبح بپا خاسته و وضو گرفته و نماز صبح را خواندند، برائتی از خداوند - عزّوجلّ - برای آنان می

ستاند که در آن نوشته شده است: منم خداوند باقی و پایدار، بندگان و کنیزان من، شما را در حرز و حراست خود قرار داده و در حفظ و تحت کف و حمایت گردانیدم. به عزتم سوگند، هرگز شما را بی یاور نخواهم گذاشت، و تا ظهر گناهانتان آمرزیده است. و هنگامی که ظهر شد و مؤمنین بپا خاسته و وضو گرفته و نماز خواندند، برائت دوم را از خدا - عزوجل - برای آنان می گیرد، که در آن نوشته شده: منم خداوند قادر و توانا، ای بندگان و کنیزان من، گناهان شما را به کارهای نیک مبدل گردانیده، و بدیهایتان را آمرزیدم، و به واسطه خشنودی ام، شما را در خانه جلال و عظمت داخل گردانیدم. و هنگامی که عصر شد و بپا خاستند و وضو گرفتند و نماز خواندند، برائت سوم را از خداوند - عزوجل - برای آنان می گیرد که در آن نوشته شده: منم خداوند جلیل و بزرگوار، که یادم بزرگ و پاک، و سلطنت و پادشاهی ام عظیم است. بندگان و کنیزان من، بدنهای شما را بر آتش حرام گردانیده و شما را در جایگاه ابرار و نیکان جای دادم، و به رحمت خویش شرّ اشرار را از شما دور نمودم. و هنگامی که وقت نماز مغرب شد، و مؤمنین بپا خاسته و وضو گرفته و نماز خواندند، برائت چهارم را از خداوند - عزوجل - برای آنان می گیرد که در آن نوشته شده: منم خداوند جبار بزرگ متعال، بندگان و کنیزان من، فرشتگانم از نزد شما با خرسندی و خشنودی به بالا آمدند، و بر من سزاوار است که شما را خشنود و خرسند گردانم و هرچه را که آرزو دارید در روز قیامت به شما عطا کنم. و هنگامی که وقت نماز عشا رسید و آنان بپا خاسته و وضو گرفته و نماز خواندند، برائت پنجم را از خداوند - عزوجل - برای آنان می گیرد که در آن نوشته شده: منم خدایی که معبودی جز من نیست و پروردگاری جز من وجود ندارد. بندگان و کنیزان من، در خانه هایتان طهارت نموده، و به خانه های من و مساجد رفتید، و مستغرق در ذکر و یاد من شده، و حق مرا شناختید، و نمازهایی که بر شما واجب کرده بودم ادا نمودید، تو را گواه می گیرم ای سنحائیل و ای سایر [و یا: همه] فرشتگانم، براستی که من از آنان خرسند و خشنود گردیدم. حضرت فرمود: آنگاه سنحائیل هر شب بعد از نماز عشا سه بار ندا می کند: ای فرشتگان خدا، براستی که خداوند - تبارک و تعالی - نماز گزاران مؤحد را آمرزید. پس هیچ فرشته ای در آسمانهای هفتگانه نمی ماند مگر اینکه برای نماز گزاران طلب آمرزش و استغفار می نماید و برای آنان به مداومت بر نماز گزاردن دعا می کند. پس هر بنده (زن و یا مرد) که نماز شب روزی اش شده، و با اخلاص برای خدا بپا خاسته و وضوی کامل گرفته و با نیت صادق و قلب سلیم و بدن فروتن و چشم اشکبار برای خداوند - عزوجل - نماز بخواند، خداوند تبارک در پشت او نه صف از فرشتگان را قرار می دهد، که در هر صف عده ای که شماره اش را جز خداوند - تبارک و تعالی - نمی تواند بشمارد قرار می گیرند، یک طرف صف در مشرق و دیگری در مغرب قرار دارد. حضرت فرمود: پس وقتی وی از نماز فراغت پیدا کرد، به عدد آنان برای او درجه و پایه ایمانی نوشته می شود. راوی حدیث منصور می گوید: وقتی ربیع بن بدر این حدیث را نقل می کرد، می گفت: کجایی تو ای کسی که از این کرم و بزرگوار غفلت داری؟ و کجایی از این برخاستن و عبادت در شب، و از این پاداش فراوان و بزرگ، و از این کرامت و بخشش؟ توضیح نکاتی چند درباره حدیث گذشته مبدا گمان کنی به کسی که با حالت غفلت از خداوند - جلّ جلاله - و همراه با خوار و کوچک شمردن حرمت خداوند - جلّ جلاله - نماز می خواند نیز این گونه عطا و بخشش می شود، زیرا همان گونه که پیش از این توجّه دادیم نماز این دسته، از بدیها و گناهان محسوب می شود و بنده در هنگام فراغت از این گونه نمازها نیازمند به درخواست عفو و گذشت از درگاه الهی است. آیا نمی بینی که در همین حدیث چگونه خداوند درباره نماز گزارانی که آن نویدها و آن جُود و بخشش وعده داده شده می فرماید: براستی که فرشتگانم از نزد شما با خشنودی و رضایت بالا آمدند. و تو خود می دانی که نفس تو به تدبیر خداوند نسبت به خود و عیال و آرزوها و حالات خشنود نیست. و همچنین در آن قسمت حدیث که می فرماید: مستغرق در ذکر و یاد من شده و حقم را شناخته و نمازهایی را که بر شما واجب کرده بودم ادا نمودید. و تو می دانی که در بیشتر اوقات مستغرق در یاد دنیا هستی، و نسبت به حق خداوند - جلّ جلاله - معرفت نداری، و حداقل آن را مانند بجا آوردن حقّ برخی از بندگان خدا که در نزد عزیز و ارجمند است، انجام نمی دهی. و نیز آنجا که

پیرامون نماز نافله شب می فرماید که: با قلب سلیم و بدن خاشع و فروتن و چشم اشکبار نماز می گزارند. و توجه داری که اگر حال تو اینچنین نباشد، تمام نمازت ضایع و نابود، و یا جنایت و گناهی است از ناحیه تو

فصل بیستم: آداب و اسرار و تعقیبات نافله های نماز عصر

اهمیت دعاهای وارده در تعقیب نافله های عصر

دعاهایی که برای نافله های نماز عصر ذکر می کنیم، دعاهایی است که مورد نظر پروردگار است، و هر کس آنها را بخواند در مقام استجابت قرار می گیرد، لذا باید در اواخر آنها ذکر حوایج مهم را مغتنم شمرد.

کیفیت انجام نوافل عصر

وقتی بنده از تعقیب نماز ظهر به همان صورت که شرح دادیم فراغت پیدا کرد، برای انجام نافله های نماز عصر بیا می خیرد، و هر دو رکعت آن را به این نیت آغاز می کند که: دو رکعت نماز مستحبی بجا می آورم، تا بدین وسیله خداوند - جلّ جلاله - را از آن جهت که زبینه پرستش است عبادت نمایم و تکبیره الاحرام و اَعُوْذُ بِاللّٰهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ می گوید و بعد سوره حمد و بعد از آن هر سوره قرآن را که خواست می خواند، و اگر در هر رکعت همراه با حمد، سوره قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ، و اِنَّا اَنْزَلْنَاهُ، و آیه الكرسي را بخواند، پیش از این یعنی هنگام ذکر نافله های نماز ظهر - فضیلت آن را یادآور شده و راه عمل به آن را تسهیل نمودیم - بهتر خواهد بود. وقتی بنده سلام دو رکعت اول از نوافل عصر را گفت و تسبیح حضرت زهرا (علیها السلام) را به همان کیفیت که گفتیم بجا آورد، بگوید: اَللّٰهُمَّ، اِنَّهُ لَا اِلَهَ اِلَّا اَنْتَ الْحَيُّ الْقَيُّوْمُ الْعَلِيمُ الْعَظِيمُ الْكَرِيمُ الْخَالِقُ الرَّازِقُ الْمُحْيِي الْمُمِيتُ الْبَدِيءُ الْبَدِيعُ، لَكَ الْحَمْدُ وَ لَكَ الْكَرِيمُ، وَ لَكَ الْمُنُّ وَ لَكَ الْجُودُ وَالْاَمْرُ وَ خَدَّكَ لَا شَرِيكَ لَكَ، يَا وَاحِدُ، يَا اَحَدُ، يَا صَمَدُ، يَا مَنْ لَمْ يَلِدْ وَ لَمْ يُولَدْ وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا اَحَدٌ، وَ لَمْ يَتَّخِذْ صَاحِبَةً وَ لَا وَلَدًا، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ افْعَلْ بِي كَذَا وَ كَذَا. - خداوندا، همانا معبودی جز تو که زنده و پاینده [و بر پا دارنده مخلوقات] و آگاه و بزرگ و بردبار و بزرگوار و آفریننده و روزی دهنده و زنده کننده و میراننده و آغاز کننده و نو آفرین هستی، وجود ندارد. حمد و سپاس از آن توست، و بزرگواری تو راست، و منت و بخشش برای توست، و جود و امر [و دستور، و یا: عالم امر] تنها برای توست و شریکی برای تو نیست. ای یگانه، ای بی همتا، ای بی نیاز، ای کسی که نه زاده ای و نه زاده شده ای و هیچ کس همتای تو نیست، و هیچ کس را نه به زنی و نه به فرزندی گرفته ای، بر محمد و آل محمد درود فرست و به من چنین و چنان کن. سپس بگوید: یا عُذَّتِي فِي كُرْبَتِي، یا صَاحِبِي فِي شِدَّتِي، یا مُؤْنَسِي فِي وَحْشَتِي [یا: وَ خَدَّتِي]، وَ يَا وَلِيَّ نِعْمَتِي، وَ يَا اِلَهِي وَ اِلَهَ اَبَائِي الْاَوَّلِينَ، اِبْرَاهِيمَ وَ اِسْمَاعِيلَ وَ اِسْحَاقَ وَ يَعْقُوبَ وَ الْاَسْبَاطَ، وَ رَبِّ مُوسَى وَ عِيسَى وَ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ - عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ - صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ افْعَلْ بِي كَذَا وَ كَذَا. - ای توشه و ذخیره من در هنگام ناراحتی سخت، ای همراه من در هنگام سختی، ای انیس و مونس من در حال تنهایی، ای سرپرست نعمت من، و ای معبود من و معبود پدران نخست حضرت ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و اسباط، و پروردگار حضرت موسی و عیسی و محمد و آل او - علیه و علیهم السّلام - بر محمد و آل محمد درود فرست، و به من چنین و چنان کن. و هر خواسته ای که داشت، ذکر می کند.

دعای بعد از سلام دو رکعت دوم

در روایتی محمد بن مسلم می گوید: به آن حضرت (۲۰۸) عرض کردم: دعایی به من بیاموز. فرمود: چرا از دعای إلحاح غفلت

داری؟ عرض کردم: دعای الحاح کدام است؟ فرمود: اَللّٰهُمَّ، رَبَّ السَّمَوَاتِ السَّعِیَّ، وَ رَبَّ الْأَرْضِیْنَ السَّعِیَّ وَ مَا فِیْهِنَّ [وَمَا بَیْنَهُنَّ]، وَ رَبَّ الْعَرْشِ الْعَظِیْمِ، [وَ رَبَّ جَبْرِئِلَ وَ مِکَائِیْلَ وَ إِسْرَافِیْلَ، وَ رَبَّ السَّعِیِّ الْمَثَانِی وَ الْقُرْآنِ الْعَظِیْمِ]، وَ رَبَّ مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِیِّیْنَ، صَلَّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ اَعْشَاءُ لُکَ بِاسْمِکَ الْاَعْظَمِ الَّذِیْ بِهٖ تَقُوْمُ السَّمَاۗءُ وَ بِهٖ تَقُوْمُ الْاَرْضُ [یا: تَقُوْمُ بِهٖ السَّمَاۗءُ وَ الْاَرْضُ]، [وَ بِهٖ تُحِی الْمَوْتِی وَ تُمِیْتُ الْاَحْیَاءَ]، [وَ تَرْزُقُ الْاَحْیَاءَ] وَ تَفَرِّقُ بَیْنَ الْجَمِیْعِ، وَ تَجْمَعُ بَیْنَ الْمُتَفَرِّقِ، وَ بِهٖ اَخْصِیْتُ عِدَدَ الْاَجَالِ وَ وَزْنَ الْجِبَالِ وَ کَیْلَ الْبَحَارِ اَعْشَاءُ لُکَ یَا مَنْ هُوَ کَذَلِکَ، اَعَنْ تُصَلِّی عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ اَعَنْ تَفْعَلْ بِی کَذَا وَ کَذَا. - خداوندا، ای پروردگار آسمانهای هفتگانه، و ای پروردگار زمینهای هفتگانه و هرچه در آنها [و در میان آنها] است، و پروردگار عرش بزرگ [و پروردگار جبرئیل و میکائیل و اسرافیل و پروردگار هفت آیه پی در پی - یعنی سوره حمد - و قرآن بزرگ]، و پروردگار حضرت محمد خاتم پیامبران، بر محمد و آل او درود فرست، به حق اسم اعظم تو که آسمان و زمین بدان برپاست. [و مردگان را به آن زنده می گردانی، و زندگان را می میرانی]، [و زندگان را بدان روزی می دهی] و میان جمع جدایی افکنده، و میان [امور و اشخاص] جدا و پراکنده گرد می آوری، و شماره سرآمد عمر و اجل ها و وزن کوهها و پیمانه دریاها را به شماره درمی آوری، از تو درخواست می نمایم، ای خداوندی که چنین هستی، که بر محمد و آل محمد درود فرستی، و به من چنین و چنان فرمایی. و حاجت را بخواه [و در آن الحاح و اصرار نما، که این دعای نجات و کامیابی است. ناگفته نماند که: این دعا در روایت دیگر با الفاظ دیگر و به صورت دیگر روایت شده است.

دعای بعد از سلام دو رکعت سوّم

این دعا را جدّم ابو جعفر طوسی ذکر نموده، البتّه با این تفاوت که متن دعای حضرت یوسف (ع) را - ذکر نکرده. آنچه که وی - رحمه الله علیه - ذکر فرموده درست به این صورت است: اَللّٰهُمَّ، اِنِّیْ اَدْعُوْکَ بِمَا دَعَاکَ بِهٖ عَبْدُکَ، [یُوْسُفُ] اِذْ ذَهَبَ مُغَاضِبًا، فَظَنَّ اَنْ لَّنْ نَّقْدِرَ [یا: نَقْدِرَ] عَلَیْهِ، فَنَادٰی فِی الظُّلُمٰتِ: اَعَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ، سُبْحٰنَکَ، اِنِّیْ کُنْتُ مِنَ الظَّالِمِیْنَ، فَاسْتَجَبْتَ لَهُ وَ نَجَّیْتَهُ مِنَ الْعَمِّ [وَ کَذَلِکَ تُنَجِّی - یا: تُنَجِّی - الْمُؤْمِنِیْنَ]، فَاِنَّهٗ دَعَاکَ وَ هُوَ عَبْدُکَ، وَ اَعَا اَدْعُوْکَ وَ اَعَا عَبْدُکَ، وَ سَاءَ لُکَ وَ هُوَ عَبْدُکَ، وَ اَعَا اَعْشَاءُ لُکَ وَ اَعَا عَبْدُکَ، اَعَنْ تُصَلِّی عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ اَعَنْ تَسْتَجِیْبَ لِی کَمَا اسْتَجَبْتَ لَهُ، وَ اَدْعُوْکَ بِمَا دَعَاکَ بِهٖ عَبْدُکَ اَیُّوْبُ، اِذْ مَسَّهُ الضُّرُّ، فَدَعَاکَ: اِنِّیْ مَسَّنِی الضُّرُّ، وَ اَنْتَ اَرْحَمُ الرَّاحِمِیْنَ، فَاسْتَجَبْتَ لَهُ وَ کَشَفْتَ مَا بِهٖ مِنْ ضُرٍّ، وَ اَنْتَ اَهْلُهُ وَ مِثْلُهُمْ مَعَهُمْ، فَاِنَّهٗ دَعَاکَ وَ هُوَ عَبْدُکَ، وَ اَعَا اَدْعُوْکَ وَ اَعَا عَبْدُکَ، وَ سَاءَ لُکَ وَ هُوَ عَبْدُکَ، وَ اَعَا اَعْشَاءُ لُکَ وَ اَعَا عَبْدُکَ، اَعَنْ تُصَلِّی عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ [وَ اَعَنْ تَفَرِّجْ عَنِّی کَمَا فَرَجْتَ عَنْهٗ]، وَ اَعَنْ تَسْتَجِیْبَ لِی کَمَا اسْتَجَبْتَ لَهُ، وَ اَدْعُوْکَ بِمَا دَعَاکَ بِهٖ یُوْسُفُ، اِذْ فَرَّقْتَ بَیْنَهُ وَ بَیْنَ اَهْلِهِ، وَ اِذْ هُوَ فِی السَّجَنِ، فَاِنَّهٗ دَعَاکَ وَ هُوَ عَبْدُکَ، وَ اَعَا اَدْعُوْکَ وَ اَعَا عَبْدُکَ، وَ سَاءَ لُکَ وَ هُوَ عَبْدُکَ، وَ اَعَا اَعْشَاءُ لُکَ وَ اَعَا عَبْدُکَ، اَعَنْ تُصَلِّی عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ اَعَنْ تَفَرِّجْ عَنِّی کَمَا فَرَجْتَ عَنْهٗ، وَ اَعَنْ تَسْتَجِیْبَ لِی کَمَا اسْتَجَبْتَ لَهُ، وَ صِلْ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، [وَ اَفْعِلْ بِی کَذَا وَ کَذَا]. - خداوندا، تو را به آنچه که بنده ات [حضرت یونس] خواند مسألت دارم، هنگامی که با حالت خشمناک [از عدم هدایت قوم خویش] رهسپار گردید، و گمان کرد که تو بر او تنگ نمی گیری، پس در تاریکیها ندا کرد که: معبودی جز تو نیست، پاک و منزّهی تو، براستی که من از ستمکاران هستم پس [دعای] او را اجابت فرموده و از غم و اندوه رهایی دادی، [و اینچنین مؤمنان را نجات می دهی]، زیرا او تو را خواند و بنده تو بود، و من تو را می خوانم و بنده توام، از تو درخواست نمود و بنده تو بود، و من بنده توام و از تو درخواست می نمایم که بر محمد و آل محمد درود فرستی، و چنانکه برای او اجابت نمودی برای من نیز اجابت فرمایی، و تو را به همان دعایی که بنده ات حضرت ایوب خواند می خوانم، آن هنگام که رنجوری به او رسید، پس دعا کرد: همانا من به رنجوری مبتلا شدم و تو مهربانترین مهربانها می باشی و تو دعای او را اجابت فرموده و رنجوری او را برطرف نموده و خانواده او و همانند آنها را همراه آنان

به او عطا فرمودی، زیرا او تو را خواند و بنده تو بود، و من تو را می خوانم و بنده توام، و از تو درخواست نمود در حالی که بنده تو بود، و من بنده توام و از تو درخواست می کنم که بر محمد و آل محمد درود فرستی و چنانکه ناراحتی و مشکل او را گشودی مشکل مرا نیز بگشای، چنانکه برای او اجابت فرمودی برای من نیز اجابت فرمایی، و تو را به همان دعایی که حضرت یوسف به آن خواند می خوانم، آن هنگام که میان او و خانواده اش جدایی انداختی و نیز در حالی که در زندان بود، زیرا او تو را خواند و بنده تو بود، و من نیز بنده توام و تو را می خوانم، و او بنده تو بود و از تو مسألت نموده و من نیز بنده توام و از تو درخواست می نمایم، که بر محمد و آل محمد درود فرستی و چنانکه برای او اجابت فرمودی برای من نیز اجابت فرمایی، و بر محمد و آل محمد درود فرست، و به من چنین و چنان کن. و حاجت را ذکر می کنی. (۲۰۹)

دعاهای مختلف حضرت یوسف (ع)

اینک می گویم: شاید علت عدم ذکر دعای حضرت یوسف (ع) در این دعا آن بوده که آن بزرگوار دعاهای بسیاری در زندان نموده، چنانکه در روایتی آمده که از حضرت صادق (ع) درباره دعای حضرت یوسف (ع) پرسیده شد. فرمود: دعایش بسیار بود، لیکن وقتی زندان برای او سخت شد، به درگاه الهی سجده نمود و عرض کرد: اَللّهُمَّ، اِنْ كَانَتْ الذُّنُوبُ قَدْ اَخْلَقَتْ وَجْهِي عِنْدَكَ، فَلَنْ تَرْفَعَ لِي اِلَيْكَ صَوْتًا، فَاَنَا اَتَوَجَّهُ اِلَيْكَ بِوَجْهِ الشَّيْخِ يَعْقُوبَ. - خداوندا، اگر گناهانم مرا در نزد تو بی آبرو نموده، و مانع آن شده که صدای من به درگاه تو بالا رود، پس من به واسطه آبروی پیرمرد بزرگوار، حضرت یعقوب به سوی تو متوجه می شوم. سپس امام صادق (ع) گریست و فرمود: درود و رحمت خداوند بر حضرت یعقوب و یوسف (علیهما السلام). ولی من می گویم: اَللّهُمَّ، بِاللّهِ وَبِرَسُولِهِ (ص) - خداوندا، به واسطه قرار دادن تو و رسولت به تو متوجه می شوم. ناگفته نماند که دیگر - دعای حضرت یوسف (ع) در حدیث دیگر افزون بر این روایت شده. ابن خارجه می گوید: از دگرگونی وضعیتم (۲۱۰) به محضر امام صادق (ع) گله نمودم. فرمود: چرا از دعای حضرت یوسف (ع) غفلت داری؟ عرض کردم: دعای ایشان چه بود؟ فرمود: او پیوسته می فرمود: سَكَنَ جِسْمِي مِنَ الْبُلُو، وَ سَبَقَنِي لِسَانِي بِالْخَطِيئَةِ، فَإِنْ يَكُنْ وَجْهِي خَلَقَ عِنْدَكَ، وَ حَجَبَتِ الذُّنُوبُ صَوْتِي عَنْكَ، فَإِنِّي اَتَوَجَّهُ اِلَيْكَ بِوَجْهِ الشَّيْخِ يَعْقُوبَ. - جسمم به واسطه بلا و گرفتاری از کار باز ایستاده، و زبانم به گناه پیشی گرفته، پس اگر در نزد تو بی آبرو شده ام، و گناهان مانع رسیدن صدایم به تو شده، پس به واسطه آبروی پیرمرد بزرگوار حضرت یعقوب به تو متوجه می شوم. وی می گوید عرض کردم: حضرت یوسف (ع) می گفت: بِوَجْهِ الشَّيْخِ يَعْقُوبَ من چه بگویم؟ فرمود: می گویی: بِوَجْهِ مُحَمَّدٍ، صَلَّی اللّهُ عَلَیْهِ وَ عَلَیْ اَهْلِ بَيْتِهِ. - به آبروی حضرت محمد - که درود خداوند بر او و بر اهل بیت او باد - به تو متوجه می شوم. گفتنی است که دعای حضرت یوسف (ع) در زندان با الفاظ دیگر نیز نقل شده است. اما عبارت سَكَنَ جِسْمِي مِنَ الْبُلُو شاید در اصل شَكَا جِسْمِي مِنَ الْبُلُو: (جسمم از بلا و گرفتاری به درد آمده و به درگاه تو گله مند است.) بوده، لیکن من لفظ را به همان صورت که یافتم نقل کردم. همچنین از بهترین دعاهای حضرت یوسف (ع) در چاه، دعای است که امام صادق (ع) فرمود: هنگامی که برادران حضرت یوسف - صلوات الله علیه - وی را در چاه انداختند، جبرئیل بر او نازل شد و گفت: ای پسر، چه کسی تو را در این چاه انداخت؟ فرمود: برادران پدری ام به من حسد ورزیدند. گفت: آیا می خواهی از این چاه بیرون آیی؟ فرمود: این امر به دست معبود و خداوند ابراهیم و اسحاق و یعقوب است. جبرئیل گفت: خداوند به تو می فرماید که بگویی: اَللّهُمَّ، اِنِّي اَسْأَلُكَ بِاَنَّ لَكَ الْحَمْدَ، لَا اِلَهَ اِلَّا اَنْتَ [الْمَنَّانُ] يَدْبِغُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ، يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ، اِنَّ تَصِلَنِي اِلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ اَنْ تَجْعَلَ لِي مِنْ اَمْرِي فَرْجًا وَ مَخْرَجًا، وَ تَرْزُقَنِي مِنْ حَيْثُ اَخْتَسَبُ وَ مِنْ حَيْثُ لَا- اَخْتَسَبُ. خداوندا، همانا از تو درخواست می نمایم - به [حق] اینکه ستایش مختص توست، [و] معبودی جز تو که [بسیار بخشنده ای و] نوآفرین آسمانها و زمین هستی وجود ندارد، ای صاحب بزرگی و بزرگواری - که بر محمد و آل محمد

درود فرستی ، و در امر من گشایش و راه بیرون آمدنی قرار دهی ، و چه از آنجا که گمان دارم و چه از آنجا که گمان ندارم ، روزی ام دهی .

علت اختلاف دعاهاى حضرت یوسف (ع)

اینک می گویم : حضرت یوسف (ع) به امور گوناگونی امتحان شد ، شاید در هر بلا و گرفتاری ، دعا یا دعاهاى داشته ، و چه بسا که آن بزرگوار دو دعای نخست را که پیشتر ذکر نمودیم در زندان عزیز مصر ، و دعای سوّم را هنگام محبوس شدن در چاهی بوده که برادرانش وی را بدان انداخته بودند ، خوانده است . [

دعای بعد از سلام دو رکعت چهارم

قابل توجه است که : این دعا ، دعای جلیل و عظیمی است ، و ما آن را به چندین سند روایت کرده ایم ، دو طریق آن را در اینجا ذکر می کنیم ، زیرا در الفاظ دعا که به سندهای مختلف نقل شده ، افزونی و کاستی وجود دارد . اما طریق اول اینک علی بن نصر نامه ای به حضرت (۲۱۱) نوشت و از او درخواست نمود که در ذیل آن دعایی مرقوم فرموده و به وی بیاموزد ، که در اثر خواندن آن از گناهان محفوظ بماند و نیز جامع بین حوائج دنیا و آخرت باشد . حضرت به خطّ خویش مرقوم فرمود : یا مَنْ اَعْظَمَ الْجَمِيلَ وَ سَتَرَ الْقَبِيحَ وَ لَمْ يَهَيِّجْكَ السُّتْرَ عَنِّي ، یا كَرِيمَ الْعَفْوِ ، یا حَسَنَ التَّجَاوُزِ ، یا وَاسِعَ الْمَغْفِرَةِ ، یا بَاسِطَ الْيَدَيْنِ بِالرَّحْمَةِ ، یا صَاحِبَ كُلِّ نَجْوَى ، وَ یا مُنْتَهَى كُلِّ شَكْوَى ، یا كَرِيمَ الصَّفْحِ ، یا عَظِيمَ الْمَنِّ ، یا مُبْتَدِئَ كُلِّ نِعْمَةٍ قَبْلَ اسْتِحْقَاقِهَا ، یا رَبَّاهُ یا سَيِّدَاهُ یا مَوْلَاهُ یا غَايَتَاهُ ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ اَهْلِ بَيْتِهِ ، اءَسْأَلُكَ اَنْ لَا تُجْعَلَنِي فِي النَّارِ . - ای خدایی که [اعمال و صفات] زیبا را آشکار نموده و زشت را می پوشانی و پرده دری نمی کنی ، ای کسی که بزرگوارانه در می گذری ، ای نیکوگذشت ، ای صاحب آموزش گسترده ، ای کسی که دو دست را به رحمت گشاده ای ، ای صاحب و همدم هر مناجات و سخن درگوشی ، و ای فقهای هر شکایت ، ای بزرگوارانه گذشت کننده ، ای صاحب بخش بزرگ ، ای کسی که پیش از آنکه انسان استحقاق نعمتی را داشته باشد ابتدائاً شروع به عطا کردن آن می کنی ، ای پروردگار من ، ای آقای من ، ای مولای من ، ای نهایت [آرزوی] من ، بر محمد و اهل بیتش درود فرست از تو درخواست می نمایم که مرا در آتش [جهنم] قرار ندهی . سپس هرچه که به ذهنت آمد درخواست می کنی . (۲۱۲)

دعای گذشته به روایت دیگر جَدَم ابی جعفر طوسی - رحمه الله - دعای بعد از سلام دو رکعت چهارم از نافله های عصر را درست به این لفظ آورده که است : دعای بعد از سلام دو رکعت چهارم : یا مَنْ اَعْظَمَ الْجَمِيلَ وَ سَتَرَ الْقَبِيحَ ، یا مَنْ لَمْ يُوْخِذْ بِالْجَرِيرَةِ وَ لَمْ يَهَيِّجْكَ السُّتْرَ ، یا عَظِيمَ الْعَفْوِ ، یا حَسَنَ التَّجَاوُزِ ، یا بَاسِطَ الْيَدَيْنِ بِالرَّحْمَةِ ، یا صَاحِبَ كُلِّ حَاجَةٍ [یا : نَجْوَى] ، یا وَاسِعَ الْمَغْفِرَةِ ، یا مُفَرِّجَ كُلِّ كَرْبَةٍ ، یا مُقِيلَ الْعَثَرَاتِ ، یا كَرِيمَ الصَّفْحِ ، یا عَظِيمَ الْمَنِّ ، یا مُبْتَدِئًا بِالنَّعَمِ قَبْلَ اسْتِحْقَاقِهَا ، یا رَبَّاهُ ، یا سَيِّدَاهُ ، یا غَايَةَ رَغْبَتَاهُ ، اءَسْأَلُكَ بِكَ وَ بِمُحَمَّدٍ وَ بَعْلِي وَ فَاطِمَةَ وَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ وَ عَلِيٍّ وَ مُحَمَّدٍ وَ عَلِيٍّ وَ جَعْفَرٍ وَ مُوسَى وَ جَعْفَرٍ وَ عَلِيٍّ وَ مُوسَى وَ مُحَمَّدٍ وَ عَلِيٍّ وَ مُحَمَّدٍ وَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ وَ عَلِيٍّ وَ الْقَائِمِ الْمَهْدِيِّ ، اَلَا اِنَّهُ الْهَادِيَةُ (عليهم السلام) ، اَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ ، وَاَسْأَلُكَ يا اِلهُ ، اَلَّا تُشَوِّهَ خَلْقِي بِالنَّارِ ، وَ اَنْ تَفْعَلَ بِي مَا اَنْتَ اَهْلُهُ . - ای خدایی که [اعمال و صفات] زیبا و نیک را آشکار نموده و زشت را می پوشانی ، ای خدایی که به گناه نمی گیری و مؤاخذه نمی کنی و پرده نمی دری ، ای صاحب عفو بزرگ ، ای صاحب گذشت زیبا ، ای کسی که دو دست [جمال و جلال] خویش را به رحمت گشاده ای ، ای صاحب و همدم هر خواسته [یا : هر سخن درگوشی] ، ای صاحب آموزش گسترده ، ای برطرف کننده هر ناراحتی سخت و گلوگیر ، ای درگذرنده از لغزشها ، ای بزرگوارانه گذشت کننده ، ای صاحب بخشش بزرگ ، ای کسی که پیش از آنکه انسان استحقاق نعمتها را داشته باشد شروع به عطا کردن آنها و می فرمایی ، ای پروردگار من ، ای آقای من ، ای منتهای رغبت من ، به

[حق] خود و حضرت محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین و علی بن حسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد، و موسی بن جعفر، و علی بن موسی، و محمد بن علی، و علی بن محمد، و حسن بن علی، و حضرت قائم مهدی (علیهم السلام) که امامان هدایتگر می باشند درخواست می نمایم که بر محمد و آل محمد درود فرستی، و از تو مسألت داریم ای خدا که روی و وجودم را با آتش جهنم زشت نگردانی، و آنچه را که خود زینده آن هستی به من بکنی. و هر خواسته ای داشتی ذکر می کنی. (۲۱۳)

دعای دیگر در تعقیب دو رکعت چهارم از نافله های عصر همچنین بگو: اَللّهُ اَللّهُ رَبِّیْ حَقًّا حَقًّا، اَللّهُمَّ، اَنْتَ لِكُلِّ عَظِیْمَةٍ وَ اَنْتَ لِهَذِهِ اُمُورٍ، فَصَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ اكْفِنِهَا، یَا حَسَنَ الْبَلَاءِ عِنْدِی، یَا قَدِیْمَ الْعَفْوِ عَلٰی، [یا مَنْ لَاغْنِیْ لَشَیْءٍ عَنْهُ،] یَا مَنْ لَا یُذِیْدُ لِكُلِّ شَیْءٍ مِنْهُ، یَا مَنْ رَزَقُ كُلِّ شَیْءٍ عَلَیْهِ، یَا مَنْ مَصِیْرُ كُلِّ شَیْءٍ اِلَیْهِ، صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، [وَ تَوَلَّنِی] وَ لَا تَوَلَّنِیْ اَعْدَاؤِی مِنْ شَرِّ رَاغِبِیْنِ اِلَیَّكَ، وَ كَمَا خَلَقْتَنِی فَلَا تُضَیِّعْنِی. اَللّهُمَّ، اِنِّیْ اَدْعُوْكَ لَهْمَّ لَا یُفَرِّجُهُ غَیْرُكَ، وَ لِرَحْمَةٍ [یا: لَفَرَجَةٍ] لَا تُنَالُ اِلَّا بِكَ، [وَ لِكَرْبٍ لَا یَكْشِفُهُ سِوَاكَ، وَ لِمَغْفِرَةٍ لَا تُبَلِّغُ اِلَّا بِكَ] وَ لِحَاجَةٍ لَا یَقْضِیْهَا اِلَّا اَنْتَ، اَللّهُمَّ، فَكَمَا كَانَ مِنْ شَاءِنِكَ [اِلٰهَامِی الدُّعَاءَ، فَلِیْكَ مِنْ شَاءِنِكَ] اِلَّا جَایَةٌ فِیْمَا دَعَوْتُكَ لَهُ، وَ النَّجَاةُ فِیْمَا فَرَعْتُ اِلَیْكَ مِنْهُ، اَللّهُمَّ، اِنْ لَا اَعُوْذُ اِلَّا بِكَ [وَ اِنْ لَمْ اَعُوْذُ اِلَّا بِكَ] اَهْلًا اَنْ اَبْلُغَ رَحْمَتِكَ، فَاِنْ رَحْمَتِكَ اَهْلٌ اَنْ تَبْلُغَنِی، لَا نَهَا وَ سَعَتْ كُلُّ شَیْءٍ وَ اَنَا شَیْءٌ، فَلْتَسِعْ عَنِّی رَحْمَتُكَ، یَا اِلٰهَی، یَا كَرِیْمُ. اَللّهُمَّ، اِنِّیْ اَسْأَلُكَ بِوَجْهِكَ الْكَرِیْمِ اَنْ تُصَلِّیْ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ اَنْ تُعْطِیْنِیْ فَكَأَنَّكَ رَقِیْتِیْ مِنْ النَّارِ، وَ تَوَجَّهْتَ اِلَی الْجَنَّةِ بِرَحْمَتِكَ، وَ تَرَوَّجْتِیْ مِنْ الْحُورِ الْعِیْنِ بِفَضْلِكَ، وَ تُعِیْدُنِیْ [یا: تُبْعِدُنِیْ] مِنَ النَّارِ بِطَوْلِكَ، وَ تُجِیْرُنِیْ مِنْ غَضَبِكَ وَ سَخَطِكَ عَلَیَّ، وَ تُرْضِیْنِیْ بِمَا قَسَمْتَ لِی، وَ تُبَارِكْ لِی فِیْمَا اَعْطَیْتَنِی، وَ تَجْعَلْنِیْ لَا نِعْمَكَ مِنَ الشَّاكِرِیْنَ. اَللّهُمَّ، صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ اَمْنٌ عَلَیْ بِذَلِكَ، وَ اَرْزُقْنِیْ حُبَّكَ وَ حُبَّ كُلِّ مَنْ اَحَبَّكَ وَ حُبَّ كُلِّ عَمَلٍ یُقَرِّبُنِیْ اِلَیْ حُبِّكَ، وَ مَنْ عَلَیَّ بِالتَّوَكُّلِ عَلَیْكَ، وَ التَّفْوِیْضِ اِلَیْكَ، وَ الرِّضَا بِقَضَائِكَ، وَ التَّسْلِیْمِ لَا مَرَكَ [یا: اَلرِّضَا بِفَضْلِكَ وَ التَّعْظِیْمِ لَا مَرَكَ]، حَتّٰی لَا اَعْجَبُ تَعْجِیْلَ مَا اَعْخَرْتَ، وَ لَا تَأْخِیْرَ [یا: تَأْخِیْلَ] مَا عَجَّلْتَ، یَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِیْنَ، وَ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ افْعَلْ بِیْ كَذَا وَ كَذَا. - خدا خدا حقیقتاً و واقعاً پروردگار من است. خداوندا، تویی [یاور من] برای هر امر بزرگ، و تویی [یاور من] برای این امور، پس بر محمد و آل او درود فرست، و درباره آنها مرا کفایت فرما، این خدایی که بلای تو در نزد من زیاست، ای صاحب عفو و گذشت دیرینه و بی آغاز از من، [ای خدایی که هیچ چیز بی نیاز از توست، [ای خدایی که همه اشیاء ناچار از توست، ای خدایی که روزی همه موجودات بر توست، ای خدایی که بازگشت همه چیز به سوی توست، بر محمد و آل محمد درود فرست [و خود سرپرست من باش]، و سرپرستی مرا به آخردی از مخلوقات بد خود واگذار مفرما، و چنانکه مرا آفریدی ضایع مگردان. خداوندا، تو را برای هم و غم و اندوهی می خوانمت که غیر تو نمی تواند. آن را برطرف کند، و برای رحمتی [یا: گشایشی] که جز به وسیله تو نمی توان به آن رسید، [و برای ناراحتی سخت و گلوگیری که جز تو نمی تواند آن را برطرف نماید، و برای آمرزشی که جز به تو نمی توان بدان رسید]، و برای حاجتی که جز تو نمی تواند آن را برآورده نماید. خدایا، پس چنانکه از شاءن تو [این بود که دعا را به من الهام فرمودی، پس این نیز از شاءن تو باشد که] دعاهایی که به خاطر آن تو را خواندم، اجابت فرمایی، و از آنچه که از آن به سوی تو گریختم، نجاتم دهی. خدایا، اگر شایستگی آن را ندارم که به رحمت برسم، مسلماً رحمت شایستگی آن را دارد که مرا فراگیرد، زیرا رحمت تو هر چیز را فرا گرفته، و من نیز یک چیز هستم، پس رحمت مرا فرا گیرد، ای معبود من، ای بزرگوار. خداوندا، به روی [و اسماء و صفات] بزرگوارت از تو درخواست می نمایم که بر محمد و آل محمد درود فرستی و مرا از آتش جهنم آزاد سازی، و به رحمت خویش بهشت را بر من واجب گردانده، و به فضل خویش از حور عین و زنان سیاه و درشت چشم به ازدواج من درآورده، و به بخشش خود از آتش جهنم پناه داده [یا: مرا از آن دور گردانی]، و مرا از خشم و غضب خود در پناه خویش درآوری، و به آنچه به من قسمت و مقدر فرمودی خرسند، و آنچه را که به من عطا فرموده ای پرخیر و برکت، و از سپاسگزاران در برابر نعمتهایت بگردانی. خداوندا، بر محمد و آل محمد درود فرست، و همه اینها را بر من مَتَّ نَهْ، و دوستی خود و دوستی

هرکسی را که تو را دوست دارد، و دوستی هر عملی که مرا به دوستی ات نزدیک می گرداند، روزی ام گردان، و توکل به خود و واگذار نمودن امور به تو و خشنودی در برابر قضاء و اراده حتمی ات و تسلیم [یا: خشنودی به فضل و داده ات، و تعظیم] در برابر امرت را بر من ارزانی دار، تا اینکه تعجیل آنچه را که مؤخر داشته ای و یا به تاءخیر انداختن آنچه را که مقدم داشته ای دوست نداشته باشم. ای مهربانترین مهربانها، و بر محمد و آل او درود فرست و به من چنین و چنان کن. و هر امری را که دوست داری ذکر می کنی.

فصل بیست و یکم: آداب و اسرار نماز عصر و تعقیبات آن

کیفیت انجام نماز عصر

وقتی نماز گزار فرصت ممکن را مغتنم شمرد و نافله های نماز عصر را انجام داد، لازم است با نیت خالص برای گفتن اذان بپا خیزد، و شمرده شمرده اذان بگوید، و دعای بعد از اذان، و نیز اقامه و دعای بعد از اقامه را به همان صورتی که پیشتر ذکر کردیم بجا آورد، و با گفتن تکبیرهای هفتگانه و دعاهای ما بین آنها که گذشت شروع کند به وارد شدن در نماز واجب عصر، و آن را به این نیت شروع کند که: نماز واجب عصر را بجا می آورم تا بدین وسیله خداوند - جلّ جلاله - را از آن جهت که زبینه پرستش است، عبادت کنم. و بعد تکبیره الاحرام را گفته و نماز عصر را مانند فریضه ظهر بجا آورد، و وقتی نماز عصر را به پایان برد و با گفتن سلام - به همان صورتی که ذکر نمودیم - از آن خارج شد، تسبیح حضرت زهرا (علیها السلام) را می گوید، و بعد از آن به تعقیبات مهمّی که در تعقیب نمازهای پنجگانه واجب ذکر نمودیم، تعقیب نموده، و یا دعا می کند.

تعقیبات مخصوص نماز عصر

استغفار و آداب باطنی استغفار و حضور قلب در آن

۱ - از جمله تعقیبات و دعاهای مخصوص نماز واجب عصر هفتاد بار از خداوند - جلّ جلاله - طلب آمرزش و استغفار نمودن است. و باید در حال استغفار حالت ظاهری و صورت و قلب و باطن بنده بسان گناهکارانی باشد که از محضر خداوند بزرگی که به تمام اسرا آگاه است، طلب آمرزش و مغفرت می کنند، زیرا اگر در حالی که قلبش به غفلت، و عقلش به نسیان و فراموشی مبتلاست، و یا با حالت کسالت و سستی از خداوند - جلّ جلاله - طلب آمرزش نماید، این گونه استغفار خود از جمله گناهان است، و چنین استغفار کننده ای همانند کسی خواهد بود که خدا را استهزاء می کند و از زود گرفتار شدن به عقوبت ایمن نخواهد بود. زیرا در روایت آمده که روزی مولایمان امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (ع) در میان گروهی از مهاجرین و انصار نشسته بودند. مردی از آن میان گفت: اَسْتَغْفِرُ اللَّهَ - از خدا طلب آمرزش می کنم. حضرت علی (ع) با حالت خشمگین به او روی نموده، و فرمود: وای بر تو، آیا می دانی استغفار چیست؟ استغفار اسمی است که بر شش معنی واقع می شود: نخست: پشیمانی از گذشته. دوم: عزم و تصمیم جدی بر بازگشت نکردن به گناه گذشته. و سوم: به هر واجبی که ضایع نموده و بجا نیآورده ای توجه نموده و آن را انجام دهی. چهارم اینکه: هرچه میان تو و مردم است به مردم برگردانی، تا اینکه خداوند را در حالتی که از گناهان پاکیزه هستی و پیامد گناهی بر تو نیست، ملاقات نمایی. پنجم اینکه: به گوشتی که به واسطه حرام خواری بر بدنت روییده توجه نموده و آن را با غم و اندوه از بین ببری [یا: بگذاری] تا اینکه گوشت دیگر به جای آن بروید. ششم اینکه: تلخی طاعت را به جسم خود بچشانی، چنانکه شیرینی معصیت را به آن چشانده ای، آنگاه در این هنگام می گویی: اَسْأَلُكَ تَغْفِرُ اللَّهَ. فضیلت استغفار بعد از نماز عصر از جمله روایاتی که پیرامون هفتاد مرتبه استغفار گفتن بعد از نماز عصر نقل شده، این است که

امام صادق (ع) فرمود: هرکس در تعقیب نماز عصر هفتاد بار از خداوند طلب آمرزش نماید، خداوند گناهان پنجاه [یا: پنج] سال او را می آمرزد، و اگر این اندازه گناه نداشت پدر و مادرش را می آمرزد، و اگر آنها نداشتند بستگان او را می آمرزد، و اگر نداشتند همسایگانش را می آمرزد. و در روایت دیگر آمده است که امام صادق (ع) فرمود: هرکس بعد از نماز عصر هفتاد بار از خداوند متعال طلب آمرزش نماید، خداوند هفتصد گناه او را می آمرزد. سپس فرمود: و کدامیک از شما در شبانه روز هفتصد گناه مرتکب می شوید؟! همچنین در روایت دیگر آمده است که امام صادق (ع) فرمود: هرکس بعد از نماز عصر هفتاد بار از خداوند آمرزش خواهی نماید، خداوند هفتصد گناه او را می آمرزد

فضیلت و آداب قرائت سوره اِنَّا اَنْزَلْنَاهُ در تعقیب نماز عصر

۲- از تعقیبات مهم نماز عصر، ده بار قرائت نمودن سوره اِنَّا اَنْزَلْنَاهُ فی لَیْلَةِ الْقَدْرِ است؛ پس وقتی خواستی آنها را بخوانی، لازم است که حالت مانند کسی باشد که در پیشگاه پادشاه زمینها و آسمانها قرار گرفته، و کلام او - جلّ جلاله - را در محضرش با هیبت و احترام و تعظیم او قرائت می نماید، و نیت می کند که: عبادت او - جلّ جلاله - را می نمایم از آن جهت که زبینه پرستش است، نه برای ثواب و پاداش در خانه جاودانی [یعنی دار آخرت]. از جمله روایاتی که پیرامون قرائت آن نقل شده، این است که حضرت ابی جعفر محمد بن علی بن موسی بن جعفر (علیهم السلام) فرمود: هرکس بعد از نماز عصر، ده بار سوره اِنَّا اَنْزَلْنَاهُ فی لَیْلَةِ الْقَدْرِ را قرائت کند، مانند اعمال همه خلائق برای او محسوب خواهد شد.

دعا برای حضرت مهدی (ع)

۳- از دیگر تعقیبات مهم بعد از نماز عصر، اقتدا به مولایمان موسی بن جعفر امام کاظم (ع) در دعا برای مولایمان حضرت مهدی (ع) است. هم او که چنانکه پیش از این ذکر کردیم، پیامبر اکرم (ص) بشارت او را به اُمتش داده است. درودها و رحمتها و سلام و برکتهای خداوند بر جدش حضرت محمد باد، و خداوند اینها را به خدمت آن بزرگوار برساند! چنانکه یحیی بن فضل نوفلی می گوید: در بغداد، بعد از فراغت حضرت ابی الحسن موسی بن جعفر (ع) از نماز عصر به خدمت آن بزرگوار وارد شدم، و دیدم که دستهای خویش را به سوی آسمان بلند نموده، و شنیدم که می فرمود: اَءَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اَءَنْتَ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ، وَ اَءَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اَءَنْتَ إِلَيْكَ زِيَادَةُ الْأَشْيَاءِ وَ نَقْصَانُهَا، وَ اَءَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اَءَنْتَ خَلَقْتَ الْخَلْقَ بَغَيْرِ مَعُونَةٍ مِنْ غَيْرِكَ وَ لَا حَاجَةَ إِلَيْهِمْ، اَءَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اَءَنْتَ مِنْكَ الْمَشِيئَةُ [یا: الْمَشِيئَةُ] وَإِلَيْكَ الْبَدَاءُ، اَءَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اَءَنْتَ قَبْلَ الْقَبْلِ وَ خَالِقَ الْقَبْلِ، اَءَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اَءَنْتَ بَعْدَ الْبُعْدِ وَ خَالِقَ الْبُعْدِ، وَ اَءَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اَءَنْتَ تَمْحُو مَا تَشَاءُ وَ تُثَبِّتُ وَ عِنْدَكَ أُمُّ الْكِتَابِ، اَءَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اَءَنْتَ غَايَةُ كُلِّ شَيْءٍ وَ وَارِثُهُ، اَءَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اَءَنْتَ لَا يَعْزُبُ عَنْكَ الدَّقِيقُ وَ لَا الْجَلِيلُ، اَءَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اَءَنْتَ لَا يَخْفَى عَلَيْكَ اللَّغَاثُ، وَ لَا تَنْشَابُهُ عَلَيْكَ الْأَصْوَاتُ، كُلُّ يَوْمٍ اَءَنْتَ فِي شَاءِنِ، لَا يَشْغُلُكَ شَاءٌ عَنْ شَاءِنِ، عَالِمُ الْغَيْبِ وَ أَخْفَى دِيَانُ الدِّينِ، مُدَبِّرُ الْأُمُورِ، بَاعِثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ، مُحْيِي الْعِظَامِ وَ هِيَ رَمِيمٌ، اِءْشَاءُ لِمَكَ بِأَسْمِكَ الْمَكُونُ الْمُحْزُونِ الْحَيُّ الْقَيُّومُ الَّذِي لَا يَخِيبُ مَنْ سَأَلَكَ بِهِ، اَءَنْ تَصِلَنِي عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ اَءَنْ تَعْجَلَ فَرَجَ الْمُتَّقِمِ لَكَ مِنْ اِءْغَدَاتِكَ، وَ اِءْجِزْهُ مَا وَعَدْتَهُ، يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ. - تویی خداوندی که معبودی جز تو نیست، که آغاز و پایان و آشکار و نهان می باشی، و تویی خداوندی که معبودی جز تو نیست که افزونی و کاستی اشیاء به توست، و تویی خداوندی که معبودی جز تو نیست، که مخلوقات را بدون یاری و نیاز به غیر آفریدی، و تویی خداوندی که معبودی جز تو نیست که مشیت و خواست از تو و آغاز هر چیز به سوی توست، و تویی خداوندی که معبودی جز تو نیست، که پیش از پیش و آفریننده قبل هستی، تویی خداوندی که معبودی جز تو نیست که بعد از بعد و آفریننده بعد هستی، و تویی خداوندی که معبودی جز تو نیست و هرچه را بخواهی محو و یا اثبات می فرمایی، و کتاب مادر

در نزد توست ، تویی خداوندی که معبودی جز تو نیست که نهایت و وارث هر چیز هستی ، و تویی خداوندی که معبودی جز تو نیست که هیچ چیز نه کوچک و نه بزرگ بر تو پوشیده نمی ماند ، تویی خداوندی که معبودی جز تو نیست که زبانهای گوناگون بر تو مخفی نمی ماند ، و صداهای مختلف تو متشابه نمی گردد ، و هر روز در شائن و کاری هستی ، و هیچ کاری تو را از کار دیگر مشغول نمی سازد ، آگاه به غیب و امور مخفی تر از آن ، و بسیار پاداش دهنده [روز] جزا ، و تدبیر کننده امور ، برانگیزاننده تمام کسانی که در قبرها هستند ، زنده کننده استخوانهای پوسیده می باشی . از تو به اسم مکنون پوشیده و در گنجینه ات که زنده و پابرجا [و برپا دارنده همه مخلوقات] است و هر کس تو را به آن بخواند محروم نمی گردد ، درخواست می کنم که بر محمّد و آل محمّد درود فرستی ، و در فرج انتقام گیرنده از دشمنانت تعجیل فرموده ، و به وعده او وفا نمایی . ای صاحب بزرگی و بزرگواری . وی می گوید عرض کردم : برای چه کسی دعا فرمودید؟ فرمود : برای مهدی آل محمّد (ص) . و افزود : پدرم فدای کسی که شکمش فراخ ، و ابروانش ، ابروانش پیوسته ، ساقهای پایش باریک ، فاصله ما بین دو شانه اش دور ، و رنگ چهره اش گندمین و میان سیاه و سفید است ، و با وجود رنگ گندمی ، زردی به واسطه بیداری شب پیوسته بر او نمایان است . پدرم فدای کسی که شبها در حالی که در سجده و رکوع است ستارگان را می پاید ، پدرم فدای کسی که در راه خشنودی خدا ، سرزنش هیچ سرزنش کننده ای در او اثر نمی گذارد ، هم او که روشنی بخش تاریکی است . پدرم فدای کسی که به امر خدا قیام می نماید . [راوی می گوید :] عرض کردم : خروج آن بزرگوار کی خواهد بود؟ فرمود : هنگامی که لشکرها را در آنبار برکناره رود فرات و صراة و دجله ، و نیز ویران شدن پل کوفه ، و سوختن برخی از خانه های کوفه را مشاهده نمودی ، هر گاه اینها را دیدی ، مسلماً خداوند آنچه را که می خواهد انجام خواهد داد ، هیچگاه امر خداوند مغلوب نمی گردد چیره گشته و حکم و فرمان او به تأخیر نمی افتد .

دعا جهت زدودن گناهان

۴ - از تعقیبات مهمّ نماز عصر برای کسانی که می خواهند نامه عملشان را که متضمّن گناهان است از بین ببرند ، این است که در روایت آمده که امام صادق (ع) به نقل پدر بزرگوارش از رسول خدا (ص) فرمود که : هر کس بعد از نماز عصر هر روز ده بار بگوید : اَسْتَغْفِرُ اللَّهَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ [الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ] ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ ، وَ اَسْأَلُهُ اَنْ يَتُوبَ عَلَيَّ تَوْبَةً عَبِيدَ ذَلِيلٍ خَاضِعٍ فَقِيرٍ بِأَنْسٍ مُشْكِنٍ مُسْتَجِيرٍ لَا يَمْلِكُ لِنَفْسِهِ نَفْعًا وَلَا ضَرًّا وَلَا مَوْتًا وَلَا حَيَاةً وَلَا نُشُورًا . - از خداوندی که معبودی جز او نیست و زنده و پابرجا و [برپا دارنده همه مخلوقات و رحمت گستر و مهربان ،] و صاحب عظمت و بزرگواری است طلب آمرزش می نمایم ، و از او درخواست می نمایم که همانند پذیرش توبه بنده خاضع فقیر درمانده بیچاره ذلیل و فروتن و پناه آورده ای که هیچ سود و زیان و مرگ و زندگانی و محشور و زنده شدن [در روز قیامت] را برای خود قادر نیست ، توبه ام را بپذیرد . خداوند متعال فرمان می دهد که نامه عمل او را هر چه باشد پاره نمایند . آداب باطنی دعای گذشته پیش از این تو را از صفت استغفار کنندگان آگاه ساختیم ، و حدیث مولایمان امیرالمؤمنین علی - صلوات الله علیه و سلامه - را برای تو روایت نمودیم ، اینکه به این حدیث که از پیامبر اکرم (ص) نقل شده نگاه کن و با تمام توان مراعات ادب نموده و در گفتن این سخن که می گویی : همانند بنده ذلیل و خاکسار توبه می نمایم صادق باش ، و ذلّت و خواری بر حاجت و بر زبان حال تو آشکار گردد ، و هنگام گفتن این سخن که مانند بنده خاضع و فروتن توبه می کنم ، خضوع و فروتنی بر چهره گفتار و کردارت نمایان باشد ، و هنگام گفتن مانند بنده فقیر و نادار توبه می کنم صورت درخواست و مسألت بسان ، بنده فقیر و نادار در برابر مولای بی نیاز و بزرگ باشد ، و وقتی می گویی مانند بنده بسیار نیازمند توبه می کنم باید حالت همانند افراد بسیار حاجتمند باشد که چیزی را از بزرگترین بزرگان خواهانند ، و هنگام گفتن این سخن که : همانند بنده مسکین و بیچاره توبه می کنم باید نشانه بیچارگی و نیاز و

ذلت و خواری همراه با صدق و انابه بر قلب و چهره و اعضا و جوارحت نمودار باشد، و وقتی می گویی: مانند بنده پناه آورنده توبه می کنم باید مانند کسی که بیم و هراس بزرگ بر او احاطه نموده و در اثر آن به سوی مولای خویش می گریزد، و بسان کسی که نه قدرت بر سود و زیان خویش دارد، و نه توان دفع چیزی را از خود، و در تمام حالات با دل و تن و گفتار و کردار، به سوی خداوند - جلّ جلاله - گریخته و پناهنده شوی. پس ای بنده اگر در این سخنان صادق باشی، خداوند - جلّ جلاله - اهلیت آن را دارد که دو فرشته گمارده شده بر تو را فرمان دهد که نامه عملت را که متضمن گناهان و جنایات است از بین برند، بنابراین گمان مکن که اگر این سخنان و استغفارها را با حال غفلت و به دروغ بگویی، از جنایات و گناهان بسیار سالم مانده و رها خواهی شد.

دعای امیرالمؤمنین (ع) بعد از نماز عصر

۵- از دیگر تعقیبات مهم، اقتدا به مولایمان امیرالمؤمنین (ع) در خواندن دعاهای ایشان در تعقیب نمازهای پنجگانه است، از آن جمله دعای حضرتش در تعقیب نماز عصر، که به این صورت است: سُبْحَانَ اللَّهِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ، سُبْحَانَ اللَّهِ بِالْعُدُوِّ وَالْأَصَالِ، سُبْحَانَ اللَّهِ بِالْعَشِيِّ وَالْإِبْكَارِ، فَسُبْحَانَ اللَّهِ حِينَ تُمْسُونَ وَحِينَ تُصْبِحُونَ، [وَلَهُ الْحَمْدُ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ عَشِيًّا (۲۱۴) حِينَ تُمْسُونَ، سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ، وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، سُبْحَانَ ذِي الْمُلْكِ وَالْمَلَكُوتِ، سُبْحَانَ ذِي الْعِزَّةِ وَالْجَبُّوتِ، سُبْحَانَ الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ، سُبْحَانَ اللَّهِ الْقَائِمِ الدَّائِمِ، سُبْحَانَ الْحَيِّ الْقَيُّومِ، سُبْحَانَ الْعَلِيِّ الْأَعْلَى، سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى، سُبُّوحٌ قُدُّوسٌ رَبُّ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ. اَعْلَاهُمْ، إِنَّ ذَنْبِي اَعْمَسِي مُشِيْتَجِيراً بِعَفْوِكَ، وَخَوْفِي اَعْمَسِي مُشِيْتَجِيراً بِاَعْمَانِكَ، وَفَقْرِي اَعْمَسِي مُشِيْتَجِيراً بِغِنَاكَ، وَذُلِّي اَعْمَسِي مُشْتَجِيراً بِعِزِّكَ، اَعْلَاهُمْ، صِلْ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَافْغِرْ لِي، وَارْحَمْنِي، إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ، اَعْلَاهُمْ، تَمْ نُورُكَ فَهَدَيْتَ فَلَكَ الْحَمْدُ، وَعَظُمَ عَفْوُكَ فَعَفَوْتَ فَلَكَ الْحَمْدُ، [وَبَسَّطْتَ يَدَكَ فَاَعْطَيْتَ فَلَكَ الْحَمْدُ]، وَجْهِيكَ رَبَّنَا اَعْزَمُ الْوُجُوهِ، وَجَاهُكَ اَعْظَمُ الْجَاهِ، وَعَظِيَّتُكَ اَفْضَلُ الْعَطَاءِ، تُطَاعُ رَبَّنَا فَتَشْكُرُ، وَتُعْصَى فَتَغْفِرُ، وَتُجِيبُ الْمُضْطَرَّ، وَتَكْشِفُ الضُّرَّ، وَتُنْجِي مِنَ الْكَرْبِ، وَتُعْنِي الْفَقِيرَ، وَتَشْفِي السَّقِيمَ، [وَلَا يُجَازِي] اَلَا تَنْكَ اَعْدُ، وَاءَنْتَ اَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ. - پاک و منزّه است خداوند، ستایش خدای را، و معبودی جز خداوند نیست، و خدا بزرگتر است، و هیچ دگرگونی و نیرویی نیست جز به خداوند بلند مرتبه بزرگ، پاک و منزّه است خداوند در صبح و عصرها، پاک و منزّه است خداوند در شامگاه و پگاه، پس پاک و منزّه است خدا هنگامی که شب و هنگامی که صبح می کنید، [و ستایش خدا را در آسمانها و زمین وقت شبانگاهان و هنگامی که ظهر می کنید، پاک و منزّه است] پروردگارت، پروردگار [صاحب صفت] عزّت و سرافرازی از آنچه او را بدان توصیف می کنند، و درود بر پیامبران فرستاده شده، و سپاس برای خداوندی که پروردگار عالمیان است، پاک و منزّه است خداوندی که صاحب مُلک و ملکوت است، پاک و منزّه است خداوندی که صاحب عزّت و سلطه و سرکشی است، پاک و منزّه است خداوند زنده ای که هرگز نمی میرد، پاک و منزّه است خداوند پا بر جای دایمی، پاک و منزّه است خداوندی که زنده پا بر جا و بر پا دارنده همه مخلوقات می باشد، پاک و منزّه است خداوند بلند مرتبه برتر، پاک و منزّه و برتر است خداوند، [و] بسیار منزّه و پاکیزه از هر عیب و نقص است پروردگار فرشتگان و رُوح. خداوندا، براستی که گناهم با پناهنده شدن به عفو تو شب نموده، و خوف و هراسم با پناهنده شدن به ایمنی تو شب نموده، فقر و نیازمندی ام با پناهنده شدن به بی نیازی ات شب نموده، و خواری و ذلّت با پناهنده شدن به عزّت و سرافرازی ات شب نموده، خداوندا، بر محمّد و آل محمّد درود فرست و مرا بیامرز، و به من رحم آر، براستی که تو ستوده و بزرگ و والایی، خداوندا، نور تو تمام و کامل است لذا هدایت فرمودی پس ستایش مخصوص توست، و بردباری ات بزرگ است لذا عفو فرمودی پس ستایش مختصّ توست، [و دست - رحمت را گشاده ای لذا عطا فرمودی پس ستایش مخصوص توست،] و ای

پروردگار ما، روی [و اسماء و صفات] تو گرامی ترین رویها، و جاه و منزلت تو بزرگترین منزلتها، و عطای تو برترین عطاست، ای پروردگار ما، اطاعتت می کنند و سپاس می گزاری، و معصیت می کنند و می آمرزی، و بیچاره و درمانده را اجابت می فرمایی، و رنجوری و گرفتاری را برطرف و از ناراحتی سخت و گلوگیر نجات می بخشی، و فقیر و نیازمند را بی نیاز می گردانی، و بیمار را بهبودی بخشیده، و هیچ کس نمی تواند پاداش [نعمتهای تو را بدهد.] و تو مهربانترین مهربانها می باشی.

دعای حضرت زهراء (علیها السلام) در تعقیب نماز عصر

۶- از جمله تعقیبات مهم نماز عصر، خواندن دعای حضرت زهرا، فاطمه، سرور زنان (علیها السلام) است که حضرتش آن را در ضمن دعاها برای نمازهای پنجگانه می خواند، به این صورت که: سُبْحَانَ مَنْ يَعْلَمُ جَوَارِحَ الْقُلُوبِ، سُبْحَانَ مَنْ يُخْصِي عَدَدَ الذُّنُوبِ، سُبْحَانَ مَنْ لَا تَخْفَى [یا: لَا يَخْفَى] عَلَيْهِ خَافِيَةٌ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ. وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَجْعَلْنِي كَافِرًا لِأَنْعَمِهِ، وَلَا جَاحِدًا لِفَضْلِهِ، فَالْخَيْرُ مِنْهُ وَهُوَ أَهْلُهُ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى حُجَّتِهِ الْبَالِغَةِ عَلَى جَمِيعٍ مَنْ خَلَقَ مِنْ عِطَاءٍ وَمِنْ عَصَاهُ، فَإِنْ رَحِمَ فَمِنْ مَنْهُ، وَإِنْ عَاقَبَ فَبِمَا قَدَّمْتُ أَعْيِدِيهِمْ، وَمَا اللَّهُ بِظَلَامٍ [یا: يُرِيدُ ظُلْمًا] لِلْعَبِيدِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الْعَلِيِّ الْمَكَانِ، أَرْفَعَ الثُّنْيَانِ، أَعْلَشَدِيدِ الْأَرْكَانِ [یا: الْأَمْكَانِ]، أَعْزِزِ السُّلْطَانَ، أَعْظِيمِ الشَّأْنَ، أَعْلُوَاضِ الْبُرْهَانِ، أَعْلَزِ حِمِ الرَّحْمَانِ، أَعْلَمُنِعِ الْمَنَانِ، أَعْلَمِدِلِّهِ الَّذِي اخْتَجَبَ عَنْ كُلِّ مَخْلُوقٍ يَرَاهُ بِحَقِيقَتِهِ الرَّبُّوبِيَّةِ وَقُدْرَةِ الْوَحِيدَانِيَّةِ، فَلَمْ تُدْرِكْهُ الْأَبْصَارُ، وَلَمْ تُحِطْ بِهِ الْأَخْبَارُ، وَلَمْ يَقْسَهُ مِقْدَارُ، وَلَمْ يَتَوَهَّمْهُ اعْتِبَارُ، لِأَنَّهُ الْمَلِكُ الْجَبَّارُ. أَعْلَلَّهُمْ، قَدْ تَرَى مَكَانِي، وَتَسْمَعُ كَلَامِي، وَتَطْلُعُ عَلَى أَمْرِي، وَتَعْلَمُ مَا فِي نَفْسِي، وَلَيْسَ يَخْفَى عَلَيْكَ شَيْءٌ مِنْ أَمْرِي، وَقَدْ سَعَيْتُ إِلَيْكَ فِي طَلِبَتِي، وَطَلَبْتُ إِلَيْكَ فِي حَاجَتِي، وَتَضَرَّعْتُ إِلَيْكَ فِي مَسْأَلَتِي، وَسَاءَلْتُكَ لِفَقْرٍ وَحَاجَةٍ وَذِلَّةٍ وَضِيقَةٍ وَبُؤْسٍ وَمَشِئَةٍ، وَأَنْتَ الرَّبُّ الْجَوَادُ بِالْمَغْفِرَةِ، تَجِدُ مَنْ تُعَذِّبُ غَيْرِي، وَلَا أَعْجُدُ مَنْ يَغْفِرُ لِي غَيْرَكَ، وَأَنْتَ غَيُّ عَنْ عَذَابِي، وَأَنَا فَقِيرٌ إِلَى رَحْمَتِكَ، فَأَسْأَلُكَ بِفَقْرِي إِلَيْكَ وَغِنَاكَ [یا: غِنَاكَ] عَنِّي، وَبِقُدْرَتِكَ عَلَيَّ، وَقَلَّةِ امْتِنَاعِي مِنْكَ، أَعَنْ تَجْعَلَ دُعَائِي هَذَا دُعَاءَ وَاقِفٍ مِنْكَ إِجَابَةً، وَمَجْلِسِي هَذَا مَجْلِسًا وَاقِفٍ مِنْكَ رَحْمَةً، وَطَلِبَتِي هَذِهِ طَلِبَةً وَاقِفَةً نَجَاحًا، وَمَا خَفْتُ عُسْرَتَهُ مِنَ الْأُمُورِ فَيَسِّرْهُ، وَمَا خَفْتُ عَجْزَهُ مِنَ الْأَشْيَاءِ فَوَسِّعْهُ، وَمَنْ أَرَادَنِي بِسُوءٍ مِنَ الْخَلَائِقِ كُلِّهِمْ فَأَغْلِبْهُ، آمِينَ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، وَهُوَ عَلَى مَا خَشِيتُ شِدَّتَهُ، وَاكْشِفْ عَنِّي مَا خَشِيتُ كُرْبَتَهُ، وَيَسِّرْ لِي مَا خَشِيتُ عُسْرَتَهُ، آمِينَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ. أَعْلَلَّهُمْ، أَنْزِعِ الْعُجْبَ وَالرِّيَاءَ وَالْكَبْرَ وَالْبَغْيَ وَالْحَسَدَ وَالضُّغْفَ وَالشُّكَّ وَالْوَهْنَ وَالضَّرَّ وَالْأَشِقَامَ [یا: الْإِنْتِقَامَ] وَالْجَذْلَانَ وَالْمَكْرَ وَالْخَدِيعَةَ وَالْبَلِيَّةَ وَالْفُسَادَ مِنْ سَيِّمِي وَبَصِيرِي وَجَمِيعِ جَوَارِحِي، وَخُذْ بِنَا صِيَّتِي إِلَى مَا تُحِبُّ وَتَرْضَى، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. أَعْلَلَّهُمْ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاعْفُ ذَنْبِي، وَاسْتُرْ عَوْرَتِي، وَآمِنْ رَوْعَتِي، وَاجْبُرْ مُصِيبَتِي، وَأَعْنِ فَقْرِي، وَيَسِّرْ حَاجَتِي، وَأَعْقِلْنِي عَثْرَتِي، وَاجْمَعْ شَمْلِي، وَاكْفِنِي مَا أَهَمَّنِي، وَمَا غَابَ عَنِّي وَمَا حَضَرَنِي وَمَا أَعْتَوَفُهُ مِنْكَ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. أَعْلَلَّهُمْ، فَوَضْتُ أَمْرِي إِلَيْكَ، وَأَعْلَجَاءَتْ ظَهْرِي إِلَيْكَ، وَأَسَلَمْتُ نَفْسِي إِلَيْكَ بِمَا جَنَيْتُ عَلَيْهَا، فَرَقًا مِنْكَ وَخَوْفًا وَطَمَعًا، وَأَنْتَ الْكَرِيمُ الَّذِي لَا يَقْطَعُ الرَّجَاءَ، وَلَا يُخَيِّبُ الدُّعَاءَ، فَأَسْأَلُكَ بِحَقِّ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِكَ، وَمُوسَى كَلِيمِكَ، وَعِيسَى رُوحِكَ، وَمُحَمَّدٍ صَفِيِّكَ وَنَبِيِّكَ (ص) أَنْ لَا تُصْرِفَ وَجْهَكَ الْكَرِيمَ عَنِّي، حَتَّى تَقْبَلَ تَوْبَتِي، [وَتَرْحَمَ عَثْرَتِي]، وَتَغْفِرَ لِي خَطِيئَتِي، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، وَلَا يَا أَحْكَمَ الْحَاكِمِينَ. أَعْلَلَّهُمْ، اجْعَلْ نَاذِرِي عَلَى مَنْ ظَلَمَنِي، وَأَنْصِرْنِي عَلَى مَنْ عَادَانِي، أَعْلَلَّهُمْ، لَا تَجْعَلَ مُصِيبَتِي فِي دِينِي، وَلَا تَجْعَلَ الدُّنْيَا أَكْبَرَ هَمِّي، وَلَا مَبْلَغَ عِلْمِي، أَعْلَلَّهُمْ، أَصْلِحْ لِي دِينِي الَّذِي هُوَ عِصْمَةُ أَمْرِي، وَأَصْلِحْ لِي دُنْيَايَ الَّتِي فِيهَا مَعَاشِي، وَأَصْلِحْ لِي آخِرَتِي الَّتِي إِلَيْهَا مَعَادِي، وَاجْعَلْ الْحَيَاةَ زِيَادَةً لِي فِي كُلِّ خَيْرٍ، وَاجْعَلْ الْمَوْتَ رَاحَةً [لِي] مِنْ كُلِّ شَرٍّ، أَعْلَلَّهُمْ، إِنَّكَ عَفُوٌّ تُحِبُّ الْعَفْوَ، فَاعْفُ عَنِّي، أَعْلَلَّهُمْ، أَخِيْنِي مَا عَلِمْتَ الْحَيَاةَ خَيْرًا لِي، وَتَوَفَّنِي إِذَا كَانَتِ الْوَفَاةُ خَيْرًا لِي، وَأَسْأَلُكَ خَشِيَّتَكَ فِي الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ، وَالْعَيْدِلَ فِي الرِّضَا وَالْغَضَبِ، وَأَسْأَلُكَ الْقَصْدَ فِي الْفَقْرِ وَالْغِنَى، وَأَسْأَلُكَ نَعِيمًا لَا يَبِيدُ، وَقُرَّةَ عَيْنٍ لَا تَنْقُطُ، وَأَسْأَلُكَ الرِّضَا بَعْدَ الْقَضَاءِ، وَأَسْأَلُكَ لِمَدَّةِ النَّظَرِ إِلَى وَجْهِكَ. أَعْلَلَّهُمْ، إِنِّي أَسْأَلُكَ لِإِشْرَادِ أَمْرِي وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ

www.noorfatemah.org

، و این نشستم را با رحمت و موافق و قرین ، و درخواستم را با کامیابی و برآوردن آن سازگار و قرین گردانی ، و اموری را که سختی آن پنهان است بر من آسان فرما ، و اشیایی را که ناتوانی اش مخفی است بر من وسیع گردان ، و هر کس از میان همه خلائق اراده بدی به من کند ، پس خود بر او غلبه فرما ، اجابت فرما ، ای مهربانترین مهربانها ، و اموری را که از سختی آن می ترسم بر من راحت گردان ، و از هر امری که از ناراحتی آن بیم دارم برطرف فرما ، و از هر چه که از مشکل بودن آن می هراسم بر من آسان فرما . اجابت فرما ای پروردگار عالمیان ، خداوندا ، به خود بالیدن و ریاء و کبر و ستم و حسد و ناتوانی و شک و سستی و ضرر و بیماریها [یا : انتقام] و شکست و مکر و فریب و گول زدن و گرفتاری و تباهی را ، از گوش و چشم و همه اعضاء و جوارح برکن ، و [موی] [پیشانی] [و تمام وجود] مرا به سوی آنچه که دوست می داری و موجب خشنودی توست بگیر [و بکش] ای مهربانترین مهربانها . خداوندا ، بر محمد و آل محمد درود فرست ، و گناهانم را بیامرز ، و عییم را ببوشان ، و ترسم را ایمنی بخش ، و گرفتاری ام را برهم آور ، و ناداری ام را بی نیاز ، و حاجتم را آسان برآورده ساز ، و از لغزشم درگذر ، و پراکندگی و پریشانی ام را گردآور ، و هر چه را که مایه غم و اندوه و موجب اهتمام من است چه اموری که بر من پوشیده است و یا [در ذهنم] حاضر است ، و هر چه را که از آن هراس دارم ، کفایت فرما ، ای مهربانترین مهربانها . خدایا ، امورم را به تو واگذار نمودم ، و پشتم را به پناه تو درآوردم ، و به واسطه جنایات و گناهانی که بر نفس خویش نمودم ، از روی ترس و هراس از تو و طمع و آز [به تو] آن را به تو تسلیم نمودم ، و تویی خداوند بزرگواری که امید هیچ کس را قطع نمی فرمایی ، و دعای هیچ کس را نومید و محروم نمی نمایی ، پس به حق خلیت حضرت ابراهیم ، و کلمیت حضرت موسی ، و رُوح حضرت عیسی ، و برگزیده و پیامبرت حضرت محمد (ص) درخواست می نمایم که روی [و اسماء و صفات] ، بزرگواری را از من برنگردانی ، تا اینکه توبه ام را پذیرفته [و بر اشک چشمم رحم آری] ، و گناهانم را بیامرزی ، ای مهربانترین مهربانها ، و ای فرمانروایتین فرمانروایان . خداوندا ، انتقام مرا از کسانی که به من ستم روا داشته اند بگیر ، و مرا بر کسانی که با من سر ستیز دارند پیروز گردان ، خدایا ، مصیبت مرا در دینم قرار مده ، و دنیا را بزرگترین هم و غم و [نهایت] اندازه دانشم قرار مده ، خداوندا ، دینم را که مایه نگاهداری امور من است ، و دنیایم را که معاش و روزگزاران من در آن است ، و آخرتم را که بازگشتم به سوی آن است اصلاح فرما ، و زندگانی [دنیا] را برای من [مایه] [افزونی] از هر خیر و خوبی قرار ده ، و مرگ را آسودگی از هر شرّ و بدی بگردان . خداوندا ، براستی که تو بسیار گذشت کننده هستی ، و عفو و گذشت را دوست می داری ، پس از من درگذر ، خدایا ، تا زمانی که زندگانی را برای من خیر می دانی زنده ام بدار ، و هنگامی که مردن به خیر من است ، جان مرا بستان ، و هراس از خود را در نهان و آشکار ، و عدل و داد در حال خشم و خرسندی را از تو خواستارم ، و میانه روی در حال فقر و غنی را از تو مسألت دارم ، و از تو درخواست می نمایم نعمت [معنوی] ای را که هرگز از بین نمی رود ، و نور چشمی را که هرگز تمام نمی شود ، و خشنودی بعد از قضا و اراده حتمی ات را از تو مسألت دارم ، و لذّت نظر به روی [و اسماء و صفات] ات را از تو می خواهم . خداوندا ، براستی که برای ارشاد امرم از تو طلب هدایت می نمایم ، و به تو پناه می برم از شرّ نفسم ، خدایا ، عمل بد انجام دادم ، و به خود ستم نمودم ، پس مرا بیامرز ، که گناهان را جز تو نمی آمرزد ، خداوندا ، همانا از تو زود رسانیدن عافیت ، و شکیبایی بر بلایت ، و خروج از دنیا به سوی رحمت را درخواست می کنم ، خداوندا ، براستی تو و ملائکه و حاملان عرش و تمام کسانی را که در آسمانها و در زمین هستند گواه می گیرم که مسلماً تویی خداوندی که معبودی جز تو نیست و یگانه هستی و شریکی برای تو وجود ندارد ، و اینکه حضرت محمد (ص) بنده و فرستاده توست ، و از تو درخواست می نمایم به اینکه سپاس برای توست ، و معبودی جز تو که نو آفرین آسمانها و زمین هستی وجود ندارد ، ای کسی که پیش از آنکه چیزی باشد بوده ای ، و پدید آورنده همه چیز هستی ، و بعد از آنکه هیچ چیز نخواهد بود نیز خواهی بود ، خداوندا ، به سوی رحمت چشم به بالا- نموده ام ، و به سوی بخشش دستم را گشاده ام ، پس مرا که از تو درخواست می نمایم محروم گردان ، و مرا که از تو طلب آمرزش می نمایم عذابم مفرما ، خداوندا ، پس مرا بیامرز ، که به من آگاهی ، و عذابم

مفرما که بر من قادر و توانایی . به مهر و رحمت ، ای مهربانترین مهربانها . خداوندا ، ای صاحب رحمت واسعه و درود [و رحمت ویژه] سودمند بلند پایه [و پاکیزه] ، درود [و رحمت ویژه] خود را بر گرامی ترین مخلوقات و محبوبترین آنها در نزد خود و آبرومندترین آنها در پیشگاهت ، یعنی حضرت محمد (ص) بنده و فرستاده ات که به برترین دستاویزها مخصوص گردانیده ای ، بفرست ، [همانند] برترین و گرامی ترین و بلند پایه ترین و بزرگترین و کاملترین درودی را که بر [هر] مبلغ از ناحیه خود و امانت دار وحی ات فرستاده ای ، خداوندا ، چنانکه کوری [و گمراهی] را به او بر بسته ، و [راه] هدایت را به واسطه او گشودی ، پس راههای روشن او را ، راه و روش ما ، و حجت های دلیل قطعی او را وسیله و دستاویز ما قرار ده ، تا برای راه سپردن و وارد شدن بر درگاهت به آن بزرگوار اقتدا نمایم . خداوندا ، ستایش برای تو به اندازه پُری آسمانهای هفتگانه و پُری طبقات آنها ، و به اندازه پُری زمینهای هفتگانه و پُری میان آسمانها و زمینها ، و به اندازه پُری عرش پروردگار بزرگوارمان ، و به اندازه سنجش پروردگار بسیار آمرزنده مان ، و به شماره کلمات پروردگار قهار و چیره مان ، و به اندازه پری بهشت و پری آتش جهنم و به شماره خاک و آب ، و به عدد آنچه که دیده می شود و یا دیده نمی شود . خدایا ، و درودها و برکتها و بخشش و آمرزش و رحمت و خشنودی و فضل و سلامتی و یاد و نور و برتری و نعمت و برگزیدگی ات را بر محمد و آل محمد قرار ده ، چنانکه حضرت ابراهیم و آل ابراهیم را مورد درود و برکت و رحمت خویش قرار دادی . براستی که تو ستوده و بلند پایه هستی . خداوندا ، بزرگترین وسیله و گرامی ترین پاداشت را در جهان بازپسین و قیامت به حضرت محمد (ص) ارزانی دار ، تا اینکه او را در روز قیامت بر همگان برتری بخشی ، ای معبود و خداوند هدایت ، خدایا ، بر محمد و بر آل محمد و بر تمام فرشتگان [و پیامبران] و فرستادگان درود فرست . سلام بر جبرئیل و میکائیل و اسرافیل و حاملان عرش و فرشتگان مقرب و [فرشتگان] بزرگوار نویسنده [اعمال بندگان] و سروران ملائکه و مقربین آنها ، و سلام بر تمام فرشتگان . و سلام بر پدرمان حضرت آدم (ع) و بر مادرمان حوا ، و سلام بر تمام پیامبران و صدیقان و بر گواهان [اعمال] و [بر] صالحان ، و سلام بر تمام پیامبران فرستاده شده ، و ستایش برای خداوندی که پروردگار عالمیان است . و هیچ دگرگونی و نیرویی جز به خداوند بلند پایه بزرگ نیست ، و خداوند مرا بس است ، و چه وکیل و کارگزار خوبی ، و درود و سلامتی و امتی [مطلق] بسیار خداوند بر حضرت محمد و آل او باد . ۷- و از جمله تعقیبات مهم ، دعاهایی است که پیش از این از امام صادق (ع) در تعقیب تمام نمازهای واجب ذکر کردیم .

دعای امام صادق (ع) در تعقیب نماز عصر

۸- از دیگر جمله تعقیبات مهم ، باز دعای امام صادق (ع) بعد از نماز عصر است ، به این صورت که : اَءَلْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ، وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ ، وَ عَلَى آلِهِ الطَّاهِرِينَ ، اَءَلَلَّهُمْ ، صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ فِي اللَّيْلِ إِذَا يَغْشَى ، وَ صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ فِي النَّهَارِ إِذَا تَجَلَّى ، وَ صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ فِي الْآخِرَةِ وَالْأُولَى ، وَ صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ مَا لَاحَ الْجَدِيدَانِ وَ مَا اطَّرَدَ الْخَافِقَانِ ، وَ مَا حَادَا الْحَادِيَانِ ، وَ مَا عَسَيْتَ لَيْلٍ ، وَ مَا اَذَلَّهُمْ ظِلَامٌ ، وَ مَا تَنَفَّسَ صُبْحٌ ، وَ مَا اَعْزَّاءَ فَجْرٌ ، اَءَلَلَّهُمْ ، اَجْعَلْ مُحَمَّدًا خَطِيبَ وَفِدَ الْمُؤْمِنِينَ إِلَيْكَ ، وَ الْمَكْسُورَ حُلَمَ الْأَمَانِ إِذَا وَقَفَ بَيْنَ يَدَيْكَ ، وَ النَّاطِقَ إِذَا خَرَسَتِ الْأَلْسُنُ بِالنَّاءِ عَلَيْكَ ، اَءَلَلَّهُمْ ، اَعْلَ مَنْزِلَتَهُ ، وَ اَرْفَعْ دَرَجَتَهُ ، وَ اَعْظِمْ حُجَّتَهُ ، وَ تَقَبَّلْ شَفَاعَتَهُ ، وَ ابْعَثْهُ الْمَقَامَ الْمُحْمُودَ الَّذِي وَعَدْتَهُ ، وَ اَعْفِرْ مَا اَخَذْتَ الْمُخِذُّونَ مِنْ اِئْمَتِهِ بَعْدَهُ ، اَءَلَلَّهُمْ ، بَلِّغْ رُوحَ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ مَنَى التَّحِيَّةِ وَالسَّلَامِ ، وَ اَوْرِدْ عَلَى مِنْهُمْ تَحِيَّةً كَثِيرَةً وَ سِلَافاً ، يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ وَ الْإِفْضَالِ وَ الْإِنْعَامِ . اَءَلَلَّهُمْ ، اِنِّى اَعُوذُ بِكَ مِنْ مُضَةِ لَاتِ الْفَتَنِ ، مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَ مَا بَطَنَ ، وَ الْإِثْمِ وَ الْبُغْيِ بَغَيْرِ الْحَقِّ ، وَ اَعَنْ اَشْرَكَ بِكَ مَا لَمْ تُنْزِلْ بِهِ سُلْطَاناً ، اَعُوْ اَقُولُ عَلَيْكَ مَا لَمْ اَعْلَمْ ، اَءَلَلَّهُمْ ، اِنِّى اَسْأَلُكَ مُوجِبَاتِ رَحْمَتِكَ وَ عَزَائِمَ مَغْفِرَتِكَ ، وَ الْغَنِيْمَةَ مِنْ كُلِّ بَرٍّ ، وَ السَّلَامَةَ مِنْ كُلِّ إِثْمٍ ، وَ اَسْأَلُكَ الْفَوْزَ بِالْجَنَّةِ ، وَ النَّجَاةَ مِنَ النَّارِ . اَءَلَلَّهُمْ ، صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ ، وَ اَجْعَلْ لِي فِي صِلَاتِنِى وَ دُعَائِنِى بَرَكَهً تُطَهِّرُ بِهَا قَلْبِي ، وَ تُؤْمِنُ بِهَا رَوْعَتِي ، وَ تَكْشِفُ بِهَا كَرْبِي ، وَ تَغْفِرُ بِهَا ذَنْبِي ، وَ تُصْلِحُ بِهَا اَمْرِي ، وَ تُغْنِي بِهَا فَقْرِي ، وَ تَذْهَبُ بِهَا ضُرِّي ، وَ تُفَرِّجُ بِهَا هَمِّي ، وَ

تَسْأَلِي بِهَا غَمِّي، وَتَشْفِي بِهَا سِقَمِي، وَتُؤْمِنُ بِهَا خَوْفِي، وَتَجْلُو بِهَا حُزْنِي، وَتَقْضِي بِهَا دَيْنِي، وَتَجْمَعُ بِهَا شَمْلِي، وَتُبَيِّضُ بِهَا وَجْهِي، وَاجْعَلْ مَا عِنْدَكَ خَيْرًا لِي. اَللّهُمَّ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَلَا تَدْعُ لِي ذَنْبًا إِلَّا غَفَرْتَهُ، وَلَا كَرْبًا إِلَّا كَشَفْتَهُ، وَلَا خَوْفًا إِلَّا آمَنْتَهُ، وَلَا سِقَمًا إِلَّا شَفَيْتَهُ، وَلَا هَمًّا إِلَّا فَرَجْتَهُ، وَلَا غَمًّا إِلَّا اذْهَبْتَهُ، وَلَا حُزْنَ إِلَّا سَلَيْتَهُ، وَلَا ذِينَ إِلَّا قَضَيْتَهُ، وَلَا عَدُوًّا إِلَّا كَفَيْتَهُ، وَلَا حَاجَةً إِلَّا قَضَيْتَهَا، وَلَا دَعْوَةً إِلَّا اَعْجَبْتَهَا، وَلَا مَسْأَلَةً إِلَّا اَعْطَيْتَهَا، وَلَا اِمْسَاءً إِلَّا اَدَيْتَهَا، وَلَا فِتْنَةً إِلَّا صَرَفْتَهَا، اَللّهُمَّ، اضْرِبْ عَنِّي الْعَاهَاتِ وَالْاَفَاتِ وَالْبَلِيَّاتِ مَا اَطِيقُ وَمَا لَا اَطِيقُ صِرْفَةً اِلَّا بِكَ. اَللّهُمَّ، اِمْسِ ظُلْمِي مُسْتَجِيرًا بِعَفْوِكَ، وَاءَمْسِثْ ذُنُوبِي مُسْتَجِيرَةً بِمَغْفِرَتِكَ، وَاءَمْسِ خَوْفِي مُسْتَجِيرًا بِاَمَانِكَ، وَاءَمْسِ فَقْرِي مُسْتَجِيرًا بِغِنَاكَ، وَاءَمْسِ ذُلِّي مُسْتَجِيرًا بِعِزِّكَ، وَاءَمْسِ ضَعْفِي مُسْتَجِيرًا بِقُوَّتِكَ، وَاءَمْسِ وَجْهِي الْبَالِي الْفَانِي مُسْتَجِيرًا بِوَجْهِكَ الدَّائِمِ الْبَاقِي. يَا كَاتِبُنَا (۲۱۶) قَبْلَ كُلِّ شَيْءٍ، وَيَا مُكُونُ كُلِّ شَيْءٍ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاضْرِبْ عَنِّي وَعَنْ اَهْلِي وَمَالِي وَوَلَدِي وَاهْلٍ حُرَاتِي وَإِخْوَانِي فِيكَ، شَرَّ كُلِّ ذِي شَرٍّ، وَشَرَّ كُلِّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ، وَشَيْطَانٍ مَرِيدٍ، وَسُلْطَانٍ جَائِرٍ [يا: جابر] وَعِيدٍ قَاهِرٍ، وَحَاسِدٍ مُعَانِدٍ، وَبَاغٍ مُرَاصِدٍ، وَمِنْ شَرِّ السَّامَةِ وَالْهَامَةِ وَمَا دَبَّ فِي اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ، وَمِنْ شَرِّ فُسَّاقِ الْعَرَبِ وَالْعَجَمِ وَفَسَقَةِ الْجَنِّ وَالْإِنْسِ، وَاءَعُوذُ بِدِرْعِكَ الْحَصِينَةِ الَّتِي لَا تُرَامُ، وَاءَسْأَلُكَ اَنْ لَا تُمَيِّنَنِي غَمًّا وَلَا هَمًّا وَلَا مُتَرَدِّيًا وَلَا رَذْمًا وَلَا غَرْقًا وَلَا حَرْقًا وَلَا عَطْشًا وَلَا صَبْرًا [يا: ضَيْرًا] وَلَا قُودًا وَلَا اَكِيلَ السَّبْعِ، وَاءَمْنِي عَلَى فِرَاشِي فِي عَافِيَةٍ، اَوْ فِي الصَّفِّ الَّذِي نَعَتْ اَهْلُهُ فِي كِتَابِكَ فَقُلْتُ: كَءَاءَهُمْ بُنْيَانُ مَرْصُوصٍ (۲۱۷)، مُقْبِلِينَ غَيْرِ مُدْبِرِينَ، عَلَى طَاعَتِكَ وَطَاعَةِ رَسُولِكَ (ص)، قَائِمًا بِحَقِّكَ غَيْرَ جَائِدٍ لِأَلَايِكَ، وَلَا مُعَانِدٍ لِأَوْلِيَايِكَ، وَلَا مُوَالِيًا لِأَعْدَائِكَ، يَا كَرِيم. اَللّهُمَّ، اجْعَلْ دُعَائِي فِي الْمَرْفُوعِ الْمُسْتَجَابِ، وَاجْعَلْنِي عِنْدَكَ وَجِيهًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ، اَللَّذِينَ لَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ، وَاعْفِرْ لِي وَلِوَالِدَتِي وَمَا وَلَدْتُ وَمَا تَوَالَدْتُ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ، يَا خَيْرَ الْغَافِرِينَ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي قَضَى عَنِّي صِلَاةً كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مُؤَقَّتًا. - ستایش خدایی را که پروردگار عالمیان است، و درود خداوند بر حضرت محمد خاتم پیامبران و بر خاندان پاک او، خداوندا، بر حضرت محمد درود فرست در شب هنگامی که می پوشاند، و بر او درود فرست در روز هنگامی که روشن می نماید، و بر او درود فرست در آخرت و دنیا، و بر او درود فرست تا زمانی که شب و روز آشکار می گردند، و مشرق و مغرب در پی هم می آیند، و دو ستاره مشخص طلوع می کنند، و شب روی می آورد و می رود، و شدیداً تاریک می گردد، و صبح آشکار گشته و سپیده دم روشن می گردد. خداوندا، حضرت محمد (ص) را سخنور مؤمنانی که بر تو وارد می شوند قرار داده، و هنگامی که در پیشگاهت می ایستد، جامه های نفیس ایمنی را بر تنش بپوشان، و هنگامی که زبانها لال می شوند زبان او را به مدح و ثنای بر خویش بگشای، خداوندا، مقام و منزلت او را بلند، و پایه اش را رفیع، و دلیلش را آشکار گردان، و شفاعتش را بپذیر، و او را به مقام محمود و جایگاه ستوده ای که وعده اش داده ای برانگیز، و آنچه را بدعت گزاران و نو آوران از اُمتش بعد از او بدعت گذاری نموده اند، بیامرز [و محو فرما]. خدایا، از سوی من به روح محمد و آل محمد درود و سلام برسان، و از آنان بر من درود و سلام بسیار وارد گردان، ای صاحب عظمت و بزرگواری و بخشش و انعام، خدایا، به تو پناه می برم از فتنه های گمراه کننده، آشکار و نهان آنها، و از گناه و تجاوز به ناحق و اینکه آنچه را که دلیلی برای آن نازل نفرموده ای شریک تو قرار دهم، یا درباره تو سخنی را که از آن آگاهی ندارم بگویم، خداوندا، از تو رحمت های لازم و آمرزش های حتمی، و غنیمت بر گرفتن از هر کار نیک، و سلامتی از هر گناه را درخواست می نمایم. و راه یافتن به بهشت و رهایی از آتش جهنم را از تو می خواهم خدایا، بر محمد و آل محمد درود فرست، و در نماز و دعایم برکتی قرار ده که به وسیله آن دلم را پاکیزه گردانیده، و هراسم را ایمنی بخشیده، و ناراحتی سخت و گلوگیرم را برطرف، و گناهم را آمرزیده، و امورم را اصلاح، و فقر و ناداری ام را مبدل به بی نیازی، و رنجوری و گرفتاری ام را مرتفع، و ناراحتی ام را برطرف نموده، و اندوهم را تسلی داده، و بیماری ام را بهبودی بخشیده، و ترسم را ایمنی داده، و حزن و اندوهم را برطرف، و بدهی ام را ادا نموده، و پراکندگی و پریشانی ام را جمع، و رویم را سپید گرداند، و آنچه را که در نزد توست برایم خیر قرار ده،

خدایا، بر محمد و آل محمد درود فرست و هیچ گناهی برای من مگذار مگر اینکه آن را آمرزیده باشی، و هیچ ناراحتی سخت مگر اینکه برطرف نموده باشی، و هیچ خوف و هراسی مگر اینکه ایمنی بخشیده، و هیچ بیماری مگر اینکه بهبود ساخته باشی، و هیچ ناراحتی مگر اینکه برطرف نموده باشی، و هیچ غمی مگر اینکه مرتفع ساخته باشی، و هیچ اندوهی مگر اینکه تسلی داده باشی، و هیچ بدهکاری مگر اینکه ادا نموده باشی، و هیچ دشمنی مگر اینکه مرا از آن کفایت نموده باشی، و هیچ حاجتی مگر اینکه برآورده باشی، و هیچ دعایی مگر اینکه اجابت نموده باشی، و هیچ خواسته ای مگر اینکه عطا فرموده باشی، و هیچ امانتی مگر اینکه ادا فرموده باشی، و هیچ امتحان و گرفتاری مگر اینکه جلو آن را گرفته باشی، خداوندا، تمام آسیبها و آفات و گرفتاریها، چه آنچه را که توان مرتفع ساختن آن را دارم و چه ندارم، از من بازدار. خداوندا، ظلم من با پناهنده شدن به عفو تو، و گناهانم با پناهنده شدن به آمرزش، و خوف و هراسم با پناهنده شدن به امن و امان تو، و ناداری ام با پناهنده شدن به بی نیازی ات، و خواری ام با پناهنده شدن به سرافرازی ات، و ناتوانی ام با پناهنده شدن به نیروی تو، و روی [و وجود] پوسنده و فانی شونده ام با پناهنده شدن به روی [و اسماء و صفات] جاودان و پاینده تو شب نموده، ای خداوندی که پیش از هر چیز بوده ای، و ای پدید آورنده هر چیز، بر محمد و آل محمد درود فرست و از من و از خانواده و مال و دارایی و فرزندانم و تمام خویشان و بستگانی که به واسطه ایشان ناراحت می شوم و از برادرانم در راه تو، شرّ هر شرّ رسان، و شرّ هر سرکش خیره سر و شیطان گردنکش، و پادشاه و فرمانروای ظالم [یا: سرکش]، و دشمن چیره، و حسود ستیزه جو، و ستمکاری که در کمین است، و از شرّ هر حیوان زهرآلود و غیر ستمی و تمام آنچه که در شب و روز می جنبد. و از شرّ گناهکاران عرب و عجم و گناهکاران و فاسقان جنّ و انس بدور دار، و به زره آهنین محفوظ تو که هیچ کس و چیز نمی تواند آهنگ آن را بکند پناه می برم، و از تو درخواست می نمایم که مرا با حالت غمناک و اندوهگین و یا در حالتی که از جایی پرت شده و بیافتم، و یا دیواری خراب شود و بر روی من بریزد، و یا غرق شوم، و یا بسوزم، و یا در حالت تشنگی و یا در حالتی که به زور نگاهم دارند و بکشند، [و یا: در حالتی که به من آسیب برسانند و کشته شوم] و یا مرگم به خاطر قصاص و یا خوراک درندگان گردم، مَمیران. و در رختخوابم در حالت عافیت یا در صفی که اهل آن را در کتاب خود ستوده و فرموده ای: به گونه ای که گویی ساختمان صُربین هستند بمیران، در حالتی که روی [به دشمن] باشیم نه در حال پشت کردن و فرار و گریز از آنها، و نیز در حالتی که در طاعت تو و پیروی رسولت (ص) بوده، و به حقّ تو قیام نموده [و آن را بجا آوریم] بدون اینکه نه نعمتهایت را انکار نمایم، و نه با دوستان دشمنی داشته باشیم، و نه با دشمنان دوستی کنیم. ای بزرگوار. خداوندا، دعای مرا در میان دعاها بالا برده شده و مستجاب قرار ده، و مرا در نزد خود در دنیا و آخرت آبرومند و از مقربان در گاهت بگردان، آنان که نه بیمی بر آنان است و نه اندوهگین می شوند، و من و پدر و مادر و تمام فرزندان آنها و مرا و تمام کسانی را که از مردان و زنان مؤمن تولّد یافته اند، بیامرز، ای بهترین آمرزندگان، و ستایش برای خداوندی که نماز دیگری را که نوشته معین و وقت دار برای مؤمنین است، از ناحیه من برآورده ساخت. ۹- از دیگر تعقیبات مهمّ دعای مولایمان حضرت مهدی (ع) است که را پیش از این تعقیب تمام نمازها ذکر و روایت کردیم. ۱۰- از جمله تعقیبات مهمّ، دعای احمد بن عبدالله بن خانبه است که پیشتر در تعقیب نماز ظهر یادآور شدیم، و آن بعد از همه نمازها برای جبران گناهان و جنایات خوانده می شود.

کیفیت سجده شکر در تعقیب نماز عصر

۱۱- وقتی بنده از تمام این امور به صورتی که ذکر نمودیم، یا به هر اندازه که برای او مقدور بود، و خداوند جلّ جلاله توفیق آن را به او عنایت فرمود و از آن خشنود می گردد - فراغت پیدا نمود، لازم است که سجده شکر را به کیفیتی که در تعقیب نماز ظهر بر آن آگاهی دادیم، همراه با ذلّت و خاکساری بندگی برای عظمت الهی بجا آورد. بعد سجده بجا آور و بگو آنچه را که روایت

شده مولايمان على بن الحسين - صلوات الله عليه - همواره در سجده صد بار می فرمود: **اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ شُكْرًا** . - از روی شکر و سپاسگزاری ستایش خدا را می نمایم . و پس از هر ده بار گفتن آن ، می فرمود: **شُكْرًا لِلْمُحِبِّ** - سپاس می گزارم خداوندی را که اجابت می نماید . سپس می فرمود: **يَا ذَا الْمَنِّ الدَّائِمِ الَّذِي لَا يَنْقَطِعُ اَبَدًا ، وَلَا يُخْصِيهِ غَيْرُهُ ، وَ يَا ذَا الْمَعْرِفِ الَّذِي لَا يَنْفَدُ اَبَدًا ، يَا كَرِيمُ ، يَا كَرِيمُ ، يَا كَرِيمُ** . - ای خداوندی که صاحب بخشش جاودانی ای که هیچگاه پایان نپذیرفته ، و غیر تو نمی تواند آن را به شماره درآورد ، و ای صاحب نیکی ای که هیچگاه تمام نمی شود ، ای بزرگوار ، ای بزرگوار ، ای بزرگوار . بعد دعا و تضرع نموده و حاجت خویش را ذکر می نمود ، آنگاه می فرمود: **لَكَ الْحَمْدُ اِنْ اَعْطَيْتَكَ ، وَلَكَ الْحُجَّةُ اِنْ عَصَيْتَكَ ، لَا صُنْعَ لِي وَلَا لِغَيْرِي فِي اِحْسَانٍ مِنْكَ اِلَّا فِي حَالٍ [يا : حَالِي] الْحَسَنَةِ ، يَا كَرِيمُ ، يَا كَرِيمُ ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ اَهْلِ بَيْتِهِ ، وَ صَلِّ بِجَمِيعِ مَا سَاءَلْتُكَ وَ اَسْأَلُكَ مَنْ فِي مَشَارِقِ الْاَرْضِ وَ مَغَارِبِهَا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ ، وَ اَبْدَاءِ بِهِمْ وَ ثَنِّ بِي بِرَحْمَتِكَ** . - اگر اطاعت تو را نمودم سپاس برای توست ، و اگر معصیت تو را نمودم حجت و برای توست ، در احسان و نیکوکاری از ناحیه تو به من در هنگام انجام حسنه و کار نیک [و یا حال نیکم] نه من و نه دیگر هیچ نقشی نداریم ، ای بزرگوار ، ای بزرگوار ، بر محمد و اهل بیت او درود فرست . و به رحمت ، تمام آنچه را که درخواست نموده و می نمایم ، به تمام مردان و زنان مؤمنی که در قسمتهای مشرق و مغرب زمین قرار دارند ، برسان ، و نخست به آنان عنایت فرما ، و در مرحله دوم به من بده . آنگاه سمت راست صورت خویش را بر زمین گذارده و می فرمود: **اَللّٰهُمَّ ، لَا تَسْلُبْنِي مَا اَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيَّ مِنْ وَلايَتِكَ وَ وَلايَةِ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ ، عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ** . - خداوندا ، آنچه را که از ولایت و دوستی خود و ولایت محمد و آل محمد - که درود بر او و ایشان باد - بر من ارزانی داشته ای ، باز مگیر . بعد سمت چپ صورت خویش را بر زمین می نهاد و مثل آن را می فرمود . (پایان روایت) ۱۲ - سپس هر حاجتی را که دوست داشتی درخواست می نمایی ، و اگر خواستی در حال سجده می گویی: **اَللّٰهُمَّ ، لَكَ قَصَدْتُ ، وَ اِلَيْكَ اَعْتَمَدْتُ وَ اَعَرَدْتُ ، وَ بِكَ وَثِقْتُ ، وَ عَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ ، وَ اَنْتَ عَالِمٌ بِمَا اَعَرَدْتُ** . - خدایا ، تنها قصد و آهنگ تو را نمودم ، و به تو تکیه کردم و تو را اراده نمودم ، و فقط به تو اعتماد نموده و بر تو توکل کردم ، و تو نسبت به آنچه که اراده نموده ام آگاه هستی . زیرا در روایت آمده که هر کس آن را بگوید ، سر از سجده بر نمی دارد ، مگر اینکه حاجت و خواسته اش برآورده می گردد . ان شاء الله تعالی .

اعمال بعد از سجده شکر و اتمام نماز

۱۳ - وقتی سر از سجده برداشتی ، سه بار دست را بر جای سجده ات بکش ، و در هر بار آنچه را که پیش از این بعد از سجده نماز ظهر ذکر نمودیم بگو ، و دست بر صورتت بکش . ۱۴ - اگر درد و یا بیماری داشته باشی ، هفت بار دست بر جای سجده ات بکش و در هر بار آنچه را که یادآور شدیم بگو ، و دستت را بر جایی که بیمار است بکش ، ان شاء الله برطرف می شود . ۱۵ - بعد از خواندن نماز در مسجد با حضور قلب و طهارت باطن ، اعم از مسجدهای خاص ، یا جایگاه مخصوص نماز گزاردن در خانه یا مسجد حضور در پیشگاه خداوند - جلّ جلاله - هنگام جدا شدن به این نیت جدا شو: برای امتثال امر خداوند - جلّ جلاله - در انجام اعمال شایسته ای که او - جلّ جلاله - امر فرموده ، از پیشگاه او برمی خیزم ، در حالی که مقصودم از این بندگی خالصانه او - جلّ جلاله - اوست از آن جهت که او در هر حال زبینه پرستش است . ۱۶ - همچنین بگو آنچه را که روایت شده که امام صادق (ع) فرمود رسول خدا (ص) فرمودند: وقتی نمازتان را خواندید و از مسجد بیرون آمدید ، بگویید: **اَللّٰهُمَّ ، دَعَوْتَنِيْ فَمَاجَبْتُ دَعْوَتَكَ ، وَ صَيَلْتُ مَكْتُوبَتِكَ ، وَ اَنْشَرْتُ فِيْ اَرْضِكَ كَمَا اَمَرْتَنِيْ ، فَاَسْأَلُكَ مِنْ فَضْلِكَ ، الْعَمَلُ بِطَاعَتِكَ وَ اجْتِنَابُ مَعْصِيَتِكَ وَ الْكَفَافَ مِنَ الرِّزْقِ بِرَحْمَتِكَ** . - خداوندا ، مرا خواندی و دعوت را اجابت نمودم ، و نماز واجب را خواندم ، و چنانکه امر فرمودی [بعد از خواندن آن] بر روی زمین [دنبال کار خود] رفتم ، پس از فضل تو ، و به واسطه رحمت ، عمل کردن به طاعت و عبادت ، و اجتناب کردن از معصیت ، و از روزی به اندازه ای که مرا از مردم بی نیاز کند ، درخواست می نمایم . اینک می

گویم: بنابراین، شایسته است که بنده بعد از خواندن نماز عصر و اظهار خاکساری و ذلت برای خدا و یاد او، هنگام جدا شدن از آن توجه داشته باشد که هرگز از خاکساری بندگی خداوند و از اطلاع و آگاهی و اشراف احاطه علوم ربّانی او جدا نمی گردد، و نیز توجه داشته باشد که بعد از این در هیچ حرکت و سکونی که با خداوند معامله می کند آزاد و رها گذاشته نشده، بلکه از او خواسته اند که در تمام تصرفات و کارهایش عابد خداوند - جلّ جلاله - باشد. در برخی از حکایتهای اهل مراقبه آمده که بعضی از آنان همراه با دوستی که مدت زمانی با او مصاحبت اختیار نموده بود با عده ای در کشتی ای که در آن گندم بود نشسته بودند، و گندم مال هیچیک از این دو نفر نبود، یکی از روی غفلت از گندم برداشت و یک دانه از آن را خورد، دوستش به او نگاه کرد و گفت: این چه کاری است؟ وی گفت: از نفس خویش غافل شدم. رفیقش به او گفت: إِمَّا تَقُولُونَ كَذِبًا، أَوَ فَاقْعِدُوا مَا كُلُّ مَنْ رَامَ السَّمَاءَ يَصْعَدُ عَنْ تَعَبٍ أَوْ رَدَّ سَاقٍ أَوَّلًا وَ مَسَحَتْ غُرَّةَ سَبَاقٍ [یا: سَيَافٍ] يَدُ لَوْ شَرَفُ الْإِنْسَانُ وَ هُوَ وَادِعٌ لَقَطْعِ الصَّمْصَمِ وَ هُوَ مُعْمِدٌ - یا چنین [جوانمردانه] برخیزید و گرنه بنشینید، چنین نیست که هرکس آهنگ آسمان را کرد بتواند بالا-برود. به این صورت که ابتدا رنج و سختی را تحمل و پافشاری و استقامت کنید، که تنها در این صورت است که شخص پیشرو در مسابقه [یا: شمشیر زن یکتا] به جایزه نفیس دست می یابد. اگر انسان با وجود رها کردن و ترک طلب، شرافت و برتری می یافت، مسلماً شمشیر تیزی که در غلاف است، نیز می بُرید.

فصل بیست و دوم: محاسبه و اصلاح نامه عمل و ادعیه هنگام غروب آفتاب

لزوم محاسبه و توبه از گناهان

در روایت آمده که حضرت ابی الحسن ماضی امام کاظم - صلوات الله علیه - فرمود: هرکس در هر روز، خود را محاسبه ننماید، از ما نیست، پس اگر کار نیکی انجام داده باشد از خداوند طلب می کند که آن را افزایش دهد، و اگر کار بدی کرده باشد، از خداوند طلب آمرزش نموده و توبه می کند. و نیز در حدیث است که حسن بن علی (علیهما السلام) فرمود رسول خدا (ص) فرمودند: بنده، مؤمن نمی شود، تا اینکه سخت تر از حساب کشی ای که شریک از شریک خود، و مولی از برده اش می کشد، از نفس خود حساب بکشد... بر این پایه، می گویم: اگر در هر روز هنگام نزدیک غروب آفتاب در حالی باشی که از هر چه که مقتضی استحقاق عقوبت یا سرزنش یا نکوهش است سالم و ایمن باشی، بنده نیکبختی هستی. هر چند این مقام برای غیر معصوم بعید است، زیرا مولایمان امیرالمؤمنین - صلوات الله علیه و سلامه - وقتی در نهج البلاغه دنیا را توصیف می فرماید، و ذکر می کند که پیامبر اکرم - صلوات الله علیه و سلامه - آن را دشمن می داشت، و حقیر و کوچک می شمرد، و همچنین خداوند - جلّ جلاله - آن را برای اولیا و ویژگان و دوستانش دشمن و بد می داند، آن بزرگوار (ع) می فرماید: اگر جز این خصلت در ما نبود که هر چه را که خداوند دشمن می دارد دوست می داریم، و هر چه را که خداوند کوچک و بی ارزش می داند بزرگش می شماریم، بی گمان همین برای دشمنی و ستیز با خداوند و بیرون آمدن از تحت فرمانش کافی بود. (۲۱۸) اینک چگونه است حال ما که چیزهای دیگری را بر این مصائب و گرفتاریها افزوده ایم، به گونه ای که توکلیمان بر حول و قوه و نیرو خود و بر اموال و آرزوهای دست نیافتنی از آرامشمان به خداوند - جلّ جلاله - که مالک همه بخششهاست، قوی تر است، و نیز اطمینان قلبی مان به نویدهای بندگان از اطمینانمان به نوید خداوندی که پادشاه آخرت است قوی تر، و بیم و هراسمان از وعده کیفر مردمان از وعده عذاب خداوندی که پادشاه شبها و روزهاست بر ما سخت تر است، و مقصودمان از دوستی یکدیگر شیرین تر و قوی تر از دوستی مان با خداوند یا دوستی خداوند - جلّ جلاله - با ما است، و نزدیکی به یکدیگر برای ما مهم تر از نزدیکی جستن به درگاه خداوند - جلّ جلاله - یا قرب او به ما است، و روی آوردن و توجه مان به یکدیگر از اقبال و توجه بر خداوند -

جَلّ جلاله - یا طلب توجّه او بر ما کاملتر است ، و مدح همدیگر در نفوسمان مؤثرتر از مدح و ستایش او - جَلّ جلاله - یا طلب مدح و ثنای او ما را می باشد ، و نکوهش همدیگر در نزدمان سخت تر از سرزنش خداوند - جَلّ جلاله - ما را ، یا نکوهش برخی از دشمنان او - جَلّ جلاله - او را می باشد ، زیرا ما گاهی با برخی از کافرانی که خدا را نکوهش می کنند مصاحبت می کنیم ، و اُنسمان به مصاحبت با کسی که در حقّ ما اعمال نیکی را انجام می دهد بیشتر از مصاحبت با کسی است که در حقّ خداوند - جَلّ جلاله - چنین می کند ، و اُنسمان به یکدیگر از اُنس به جلال و حضور خدا بر ما کاملتر است . و نیکوکاری مان به یکدیگر در دلمان از احسان خداوندی که از اندک شکر نعمت او ناتوانیم بزرگتر است ، و درخواست حوایج دیگران از ما و انجام دادن آنها برای بندگان برای ما آسانتر از بجا آوردن واجبات یا مستحبات یا پیروی از خواسته خداست . و به دیگر بیماریهای عقلی که مضمون این کتاب مجال آن را ندارد ، قبلا هستیم ، در حالی که کتاب خداوند - جَلّ جلاله - نسبت به پیروان این آیین مبین اسلام چنین مطالبی را نمی پسندد ، و می فرماید : **وَلَا يَتَّخِذْ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ** . (۲۱۹) - [بگو : ای اهل کتاب . . .] و اینکه ما یکدیگر را به عنوان پروردگارِ غیر خدا نگیریم . همچنین در روایت آمده که مولایمان علی (ع) فرمود : اما بعد ، براستی که خداوند - تبارک و تعالی - حضرت محمّد (ص) را به حق برانگیخت ، تا بندگان را از پرستش بندگان به پرستش خویش ، و از وفای به پیمانهای بندگان به عمل به پیمانهای خود ، و از اطاعت بندگان به طاعت و عبادت خود ، و از ولایت [یعنی دوستی و یا سرپرستی] بندگان به ولایت خویش بیرون آورد . و نیز در بعضی از احادیث دیدم که : خداوند - جَلّ جلاله - به بعضی از پیامبران و خواصّ در گاهش از ظلم و ستم بندگان نسبت به مقام مقدّسش گله و شکوه می نماید . براستی اگر گله و شکوه از بیان و گفتار خداوند صادر نشده باشد ، زبان حال او چگونه شکایت ننماید؟ در حالی که ما به اعمال زشتی که شرح دادیم متّصف هستیم . و نادانی بندگان و بردگان به آنجا رسیده که خداوند - جَلّ جلاله - به تنهایی آنان را آفرید ، و هیچ کس در آفرینش و تقدیر امور آنان شریک او نبود ، آنگاه هم او - جَلّ جلاله - به منظور آگاهانیدن آنان نسبت به یگانگی اش - جَلّ جلاله - در پدید آوردن و تدبیرشان فرمود : **نَحْنُ خَلَقْنَاكُمْ ، فَلَوْلَا تُصَدِّقُونَ ، اءَفَرَأَيْتُمْ مَا تُمْنُونَ ، اءَفَأَنْتُمْ تَخْلُقُونَهُ اَمْ نَحْنُ الْخَالِقُونَ**؟! (۲۲۰) - ما شما را آفریدیم ، پس چرا باور ندارید؟ پس آیا ندیدید که شما منی بودید ، آیا شما آن را [به صورت انسان] خلق می کنید ، یا اینکه آفریده ماییم؟! و نیز او - جَلّ جلاله - فرمود : **ما اءَشْهَدْتُهُمْ خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْاَرْضِ ، وَلَا خَلَقَ اَنْفُسَهُمْ** . (۲۲۱) - آنان را بر آفرینش آسمانها و زمین و یا بر آفرینش خودشان آگاه نگردانیدم . و پیش از آفرینش آنان ، زمینها را برای آنان آماده ، و آسمان را سقف محفوظ قرار داد ، و ستونی برای آن قرار نداد ، و کوهها را به عنوان میخهای محافظ زمین قرار داد ، و جویها را در آن روان ساخت ، و درختان را برای آنان نشاند ، و شب و روز برایشان در پی هم آورد ، و مسکن و خانه و دیگر چیزهایی را که در طول زندگی شان بدان نیازمند هستند کاملاً برای آنان مهیا نمود . **وَإِنْ تَعُدُّوا نِعْمَتَ اللَّهِ لَا تَحْصُوهَا ، إِنَّ الْإِنْسَانَ لَظَلُومٌ كَفَّارٌ** . (۲۲۲) - و اگر بخواهید نعمت خدا را به شماره درآورید ، نمی توانید ، براستی که انسان بسیار ستمکار و ناسپاس است . سپس آنان را با نرمی و آرامش و اکرام تربیت نمود ، و بعد از بلوغ به نیکویی و احترام با ایشان معامله نمود و او - جَلّ جلاله - فرمود : **وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ ، وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبُرِّ وَالْبَحْرِ** . (۲۲۳) - و براستی که پسران [و فرزندان] آدم (ع) را گرامی داشتیم ، و آنها را در خشکی و دریا حمل نمودیم . و هنگامی که سوء عبودیت نمودند ، با گذشت و چشم پوشی با آنان معامله نمود . ولی آنان نه حقّ آفرینش خدا را شناختند ، و نه به حقوق پرورش او اعتراف نمودند ، و نه حقوق مصاحبت نیکوی او را مراعات کردند ، و نه از ستر و پوشش و بردباری او حیا کردند ، و نه حقّ پادشاهی و سروری او را به خاطر مقام بزرگش بجا آوردند ، و نه به خاطر اقبال و توجّه او ، و یا به جهت بخشش و نویدها ، و یا به جهت تهدید و وعده عذابش برای انجام حقّ بندگی اش بپا خاسته اند . و کار به آنجا رسید که مانند آزادگان در خویش تصرّف می نمائید ، لذا بر چهره ها و حرکتها و سکنااتشان اثر حضور در محضر مولایشان را - که همواره آنان را می بیند - مشاهده نمی نمایی تا خاکساری بندگی و شکست و انکسار بر آنان نمایان باشد . و این از سخت

ترین خطر هاست . سپس تا وقت معین دار دنیا را به آنان عاریه و امانت داد ، و با دستور دادن و فرستادن پیامبر و کتاب آسمانی آنان را آگاهانید که آن را از ایشان خواهد گرفت و به دیگران خواهد داد ، ولی آنان مانند مالکان در آن تصرف نمودند . و هنگامی که پیکش ، یعنی فرشته مرگ به دستور او به سوی آنان می آمد ، مانند ستیزه جویان و ناخوشایندان از آن بیرون می آیند . و اموالی را به آنان عاریه و امانت داد ، تا در راه خشنودی اش از آن بهره برگیرند ، ولی آنان مانند کسی که دست دیگری بالای دستش نیست و هیچ مولایی هم او را نمی بیند تصرف می کنند ، و آن را علیه او به ملک خویش درمی آورند ، تا اینکه سوء ادبشان در پیشگاه خداوند به آنجا رسیده که وقتی کتابی برای آنان فرستاد ، و حضرت محمد (ص) را به عنوان پیامبر برانگیخت ، و آن بزرگوار از آنان اموالی - کم و یا زیاد - را خواست تا آن را در آبادانی آخرتشان صرف کنند ، از صرف کردن آن اموال بدشان آمد ، به گونه ای که گویی آن را به دیگری می دهند ، و گویا که آنان مالک آن هستند و خداوند - جلّ جلاله - از آنان به عاریه چیزی می طلبد . و این از جمله هلاکتهای عظیم و بزرگ است . و نیز سوء بندگی ، آنان را به آنجا رسانید که خود را شریک مالک زندگانی و مرگشان قرار دادند ، و با اراده ها و ناخوشایندیهایشان ، با خواسته های و ناخوشایندیهای او - جلّ جلاله - ستیزه جویی نموده ، و سرانجام سوء بندگی شان به آنجا رسید که مولایشان را از مقام الهیت برکنار شمرده ، و از تدبیر و کارسازی او جز آنچه که با هوا و هوسشان [یا : خشنودی شان] موافق باشد ، ناخشنود شدند ، به گونه ای که گویا می خواهند تدبیر دنیا و آخرت به سود آنان و به دستشان باشد . نتیجه اینکه : هرکس این راه را بیپیماید ، یا حالش اندکی کمتر از آن و مشابه آن باشد ، رویش در نزد کسی که بر اسرار او آگاهی دارد سیاه ، و نامه عملش در نزد خدا و فرشتگان نگاهبان بر او در شبانه روز ، سیاه خواهد بود . در روایتی آمده که مولایمان علی (ع) فرمود : هیچ ایمان همراه با یقین شبیه تر به شک و تردید ، برای انسان ندیدم که هر روز افرادی را در قبرها به ودیعه می گذارد و تشیع می کند ، ولی باز به سوی فریب دنیا بازمی گردد ، و از میال میل نفسانی و گناهان خود دست برنمی دارد . بنابراین ، اگر فرزند بیچاره آدم هیچ گناهی نداشت که واریسی شود ، و هیچ حسابی نداشت که به واسطه آن مورد بازخواست قرار گیرد ، جز مرگ - که امور گرد آمده او را پراکنده ، و جمع او را جدا می سازد ، و فرزندانش را یتیم می نماید - بی گمان شایسته بود که با تحمل سخت ترین رنج و دشواری و آزرده گی از آن بیم داشته و بپرهیزد . و حال آنکه ما چنان از مرگ غفلت داریم که گویی هرگز بر ما فرود نخواهد آمد ، و مانند مردمانی که به ماندگاری در دنیا یقین دارند ، به دنیا و شهوات آن آسوده ایم ، و همانند عده ای که نه امید به حساب دارند و نه بیم از عذاب ، از معاصی و گناهان غفلت داریم . و این حال ماست که حضرت با این اشاره و عبارت روشن ، بر اساس ضرب المثل عربی که إِيَّاكَ أَعْنِي ، وَاسْمِعِي يَا جَارَةُ : (مقصودم تو هستی ، ولی تو بشنو ای زن همسایه .) بدان اشاره نموده است . از آنجا که حضرت ائمه (علیهم السلام) از فرجام حال ما آگاهی دارند ، و جریان و امور بندگان به ایشان واگذار شده است ، لذا به هرچه که خداوند - جلّ جلاله - و رسولش آنان را مطلع ساخته ، اشاره کرده اند تا آغاز نامه عمل بندگان و خاتمه عمل آنان خیر باشد ، و اعمال ما بین آن دو آمرزیده گردد : ۱ - از آن جمله در حدیث است که امام باقر (ع) به نقل از پدر بزرگوارش امام زین العابدین (ع) فرمود : فرشته ای بر بنده گمارده شده که نامه عمل او را می نویسد ، پس اوّل و آخر آن را با عمل نیک پُر کنی ، تا اعمال میان آن دو برای شما آمرزیده شود . ۲ - به خطّ همچنین در روایتی آمده که امام صادق (ع) به نقل از پدر بزرگوارش فرمود : هیچ روز بر فرزند آدم نمی گذارد مگر اینکه آن روز می گوید : ای فرزند آدم ، من روز نو و جدید هستم ، و بر ضرر تو شهادت خواهم داد ، پس در من عمل خیر انجام ده ، تا در روز قیامت به نفع تو شهادت دهم ، براستی که هرگز و هیچگاه مرا نخواهی دید . ۳ - در روایت آمده که حضرت جعفر بن محمّد به نقل از پدر بزرگوارش (علیهما السلام) فرمود : براستی که وقتی شب فرا می رسد ، با صدایی بلند که همه خلایق جز جنّ و انس می شنوند ، ندا می کند که : ای فرزند آدم ، براستی که من آفریده ای نو هستم ، و بر تمام اموری که در من واقع می شود شهادت خواهم داد ، پس از من بهره برگیر ، که اگر آفتاب طلوع کند ، دیگر هیچگاه به دنیا بازگشت نمی کنم ، و هیچ کس نمی

تواند در من کار نیکی انجام داده و یا از کار بد و گناهی توبه نماید؛ و هنگامی که شب سپری می شود و پشت می کند، روز نیز به این همین صورت سخن می گوید. لذا می گویم: وقتی اواخر روز این بنده پرلغزش فرا رسید، و او سوء بندگی و اصرار بر گناهان که ذکر نمودیم داشت، لازم است که با قلب خویش به سوی درِ رحمت پروردگارش روی آورده، و جنایاتی را که در طول روز در باطن و ظاهر انجام داده به یاد بیاورد، و مانند بنده ذلیل در پیشگاه خداوند مالک و توانا و قاهر از آن توبه نماید. در مرحله بعد، اگر آنچه را که در روز انجام داده به یادش نیامد، این نشانه کم اعتنایی او نسبت به خداوندی است که بر اسرار آگاهی و اشراف دارد، به هر حال در این صورت اجمالاً از تمام گناهان باطنی و ظاهری و اولین و آخرین آنها توبه می نماید. در مرحله سوم، اگر نَفْسِش با اخلاص باطن و صدق نیت را بر توبه از گناهان، با ظاهرش موافق ندید، باید بیم آن را داشته باشد که خداوند از او قصاص نموده و به واسطه نابودی و تباهی و ویرانی دنیا نابود شود، و با این حالت در پیشگاه خداوند - جَلّ جلاله - بایستد، و از او درخواست عفو نماید، زیرا گاهی مولی با اینکه بنده اش ناخشنود است، او را عفو می نماید. و بالاخره نه اگر باطنش صدق نیت داشت و نه حالت توبه جنایتکاران با وجود اصرار بر گناه و نیز بسان گناهکاران سرکش و نافرمان اراده کامل در اخلاص طلب عفو با حالت ذلت و خاکساری نداشت، باید مانند کسی که خود را تسلیم مولایش نموده و گردنش را دراز کرده، خویشتن را نسبت به جنایتی که نموده در جایگاه قصاص قرار دهد، و با حالت کسی که در برابر خداوند گار اعظم بزرگوار تسلیم و ذلیل است با رعایت آداب اهل مناجات با خداوند که ما پیش از توصیف نمودیم، (۲۲۴) او را بخواند. ناگفته نماند که: اگر همنشین با اهل غفلت بودی، مبادا که به جای اشتغال به مولایت که مالک سعادت‌مندی تو در دنیا و دین است، به آنان مشغول گردی.

کیفیت محاسبه و مناجات با پروردگار

باید هنگام حساب کشیدن از خود، عقل و دلت نسبت به خداوند - جَلّ جلاله - که از غیب و نهان آگاه است، و برای دو فرشته نگاهبان [اعمال] حضور و توجه داشته باشد، و همانند حساب کشیدن مولی از برده اش و یا صاحب کالای از کارگری که برای او کار می کند و یا بسان حساب کشیدن شریک از شریک خود که بر تمام اموری که برای او رُخ داده اطلاع دارد، از خود محاسبه نما، و آگاه و متذکر باش که انکار کردن و خود را به غفلت زدن برای تو سودمند نیست، بلکه مقتضای آن خشم و غضب خداوندی است که برای او محاسبه می کنی، و کاملاً از اعمال تو آگاه است. سپس با عقل خویش متذکر باش که اعضا و جوارحت، در مقام شکایت از تو به واسطه بکار گرفتن آنها در غیر آنچه برای آن آفریده شده اند، شکایت‌هایی به درگاه خداوند متعال دارند، و همچنین از تو نسبت به تمام کسانی که به ادای حق آنها مکلف بودی و انجام ندادی شکایت و گله گذاری می کنند. پس حال که اعضا و جوارح با تو از درِ عَدَل درآمدند، تو نیز همراه با آنها به این صورت از خود و آنها به درگاه خداوند متعال گله گذاری کن و عرضه بدار و همه را از باب فَضْل بر خدا عرضه کن، پس بگو: خداوند، من جهت محاسبه در محضر تو آماده شده ام، ولی نه قدرتی برای حضور در پیشگاهت برای حساب کشی تو دارم، و نه جراتی بر آشکار شدن اعمال بدم، لذا من به یاد حضرت تو هستم، به جهت امثال امر و تعظیم قدرت بر این کار اقدام نمودم، و نخست چیزی که می گویم این است که: من عملی ندارم که مورد پسند درگاه تو باشد؛ زیرا می بینم که نشاط نَفْس من برای خواسته های فراوان خود و کسانی که در نزد من ارجمند هستند، از نشاطم برای طاعت و عبادت بیشتر است، و می بینم که بیشتر خواسته هایی که بدان نشاط پیدا می کنم همه و یا بیشتر سودش برای دیگری است، و من با سرگرم شدن به آنها مقداری از عمر خویش را تلف نموده و به بیهوده صرف نمودم، در حالی که قدرت آن را داشتم که در آن مدّت برای تو عمل و به سود خود عمل کنم؛ بنابراین، در معامله با تو بدّ تدبیری داشتم، و هیچ عمل مورد پسند در برابر جلال و عظمت و نعمت برای من باقی نمانده است. ای آقای من، همچنین تاب

تَحْمَلْ عِقَابَ وَ تَوْبِيخَ وَ عَدَمِ احسان یا خوار نمودن را ندارم و دستم از آن تَهی است ، و تو خود فرموده ای که وَ إِن كَانَ ذُو عُسرَةٍ ، فَنَظِرَةٌ إِلَى مَيْسَرَةٍ . (۲۲۵) - و اگر بدهکار تنگدست باشد ، تا زمان توانگری او انتظار بکشید . و این تنگدستی مرا امید توانگری نیست ، و بزرگواری و بردباری و عفو تو زیننده پذیرش عُذرِ پوزش خواهان است . چگونه در زندان خشم یا عذاب تو محبوس باشم ، در حالی که خود طلبکار و شاهد تنگدستی ام می باشی؟! و با عقلم که به نور خویش بر من ارزانی داشته ای ، دریافته ام که وقتی بنده از مولای خود به سوی او بگریزد ، یا در پیشگاهش تسلیم شود ، یا از خشم او به عفو و گذشتش پناه ببرد ، یا به خاطر غضب آقایش ، بر خود خشمگین گردد ، و با واسطه قرار دادن کسانی که در نزد او ارجمند هستند به او توسل جوید ، یا از دری وارد شود که آقایش کسانی را که از آن در به محضرش وارد می شوند مورد مرحمت خویش قرار می دهد ، مسلماً شایسته کامیابی و دست یافتن به رحمت یا عفو یا خشنودی مولایش می گردد . و من نیز به خاطر مهالکی که بر من احاطه نموده ، همه این راهها را به سوی حلم و بردباری ات پیموده ام ، و از دری داخل شده ام که قوم حضرت ادریس و قوم حضرت یونس (علیهما السلام) از آن وارد شدند و آنان را مورد مرحمت خویش قرار داده ، و به واسطه خشم پیامبرت بر آنها ، بر عذاب آنان اصرار ننمودی . و از دری وارد شده ام که ابلیس با علم به اصرار ورزی پیوسته اش بر نافرمانی ات از تو مهلت خواست ، و تو خواسته اش را اجابت نمودی . و بر دری ایستاده ام که هدایت و عنایت خویش را از آن بر ساحران و افسونگران فرعون آغاز نمودی ، تا اینکه از دوستان تو گردیدند با وجود اینکه از دشمنان تو بودند ، و بر همان در ایستاده ام که هدایت و عنایت را بر امتهای پیامبران پیشین که پیوسته بر پرستش بُتها روی آورده و مستحق نابودی بودند ، آغاز فرمودی ، پس از روی خشم و غضب پیامبر را به سوی آنان گسیل داشتی که ایشان را راهنمایی کرد ، تا اینکه عده بسیاری از آنان از اولیاء و عزیزان در گاهت گردید . و بر درِ رحمت رسولت حضرت محمد (ص) ایستاده ام ، و به وسیله رحمت او یاری می جویم و امیدوارم که گناهانم بیشتر از اُمت حضرت موسی (ع) نباشد ، آنان که گوساله پرست بودند ، و گفتند : اِذْهَبْ اِنَّكَ وَ رَبُّكَ فَقَاتِلَا (۲۲۶) - تو همراه پروردگارت بروید و با او بجنگید . و گفتند : اءَرِنَا اللّٰهَ جَهْرَةً . (۲۲۷) - خدا را آشکارا به ما نشان بده . ولی با وجود این همه گناه ، حضرت موسی (ع) از آنان شفاعت نمود ، به حدی که در تورات دیدم که وی به تو جَلَّ جلالُک - عرض کرد : اگر شفاعت مرا درباره آنان نمی پذیری ، نام مرا از رسالت و پیامبری محو فرما . و تو ای خدا ، - شفاعت او را پذیرفتی و با اینکه مرده بودند زندشان گردانیدی ، و آنان را بسانی کسانی که معصیت تو را می نمایند توصیف نمودی ، پس ما به واسطه تو به رسولت حضرت محمد (ص) متوجه می شویم تا شفاعت ما را به تو بپذیرد و شفاعتش را درباره ما ردّ نفرمایی . و با این همه واسطه ، به اندازه جنایات و گناهانم ، و به اندازه ای که به خاطر نافرمانی ها و گناهانم حرمت را دریدم (هر چند نیست به آن جاهل بودم) ، و حرمت رسولت و شریعت و حرمت ویژگان در گاهت و حرمت قرآنت را شکستم و به مقام بزرگ اهانت نموده و کوچک شمرم ، به سوی تو توبه می کنم . پس اگر توبه ام را بپذیری که چه خوب ، و گرنه پس از من در گذر ، که گاهی مولی با اینکه از برده اش ناخشنود است او را عفو می کند ، یا حداقل بر من خشم مگیر ، زیرا کسی که بر عذاب و عقوبت کردن قادر نباشد یا وقتی که جانی از او سرپیچی کند ، خشمگین می گردد ، و تو قادری و من تسلیم تو ، ای آقای من . تو آگاهی که شیطان ، دشمن من و توست ، و اگر با تسلط دادن او بر من ، مرا مؤاخذه نمایی ، او به من و به جناب تو شماتت می نماید . و اگر از عذاب کردن من ناگزیری ، تقاضا دارم که عذاب من تنها از سوی تو باشد ، نه به دست دشمن تو و من . و از آنجا که نسبت به من نیکی می کنی و گناهانم را می پوشانی ، دریافتم که نفس من نسبتی با تو دارد و بر درگاه تو درآویخته است ، و دیده و شنیده ام که پادشاهان از کسانی که به آنان وابسته شده و نسبتی داشته باشند ، درمی گذرند ، و عقل گواهی می دهد که عفو و گذشت از صفتهای کمال است ، و تو به داشتن صفتهای کمال زینده تری ، پس اگر واسطه ها و درخواستهای من در نزد تو کوچک و بی اهمیت است ، پس در دفتری که در آن - آرزو شوندگان نسبت به آرزو کنندگان ، و درخواست شوندگان نسبت به درخواست کنندگان ، و نیکوکاران نسبت به بدکاران ، و

نیرومندان نسبت به ناتوانان ، و توانگران نسبت به نیازمندان ، و سرافرازان نسبت به افتادگان ، و فرزندگان نسبت به نابخردان ، و پادشاهان نسبت به زیردستان ، و آقایان نسبت به بردگان و اطرافیانشان ، و بزرگان نسبت به فرومایگان ، و میهمان داران نسبت به میهمانان ، و پناه آورده شدگان نسبت به کسانی که در همسایگی آنان درآمده و به آنان پناه آورده اند - سفارش شده ، و به طور کلی در سفارش هر اهل کمال نسبت به اهل نقصان از من یاد کن . ای آقای من ، این سفارشها و مرحمتها مرا نیز فرا می گیرد ، به رشته های این اخلاق بزرگمنشانه چنگ می زنی ، زیرا تو - جَلَّ جَلَالُكَ - بالاترین صفات کمال را دارا هستی ، و من در اعمال و حالاتم به صفات نقصان متّصف هستم . و نیز می بینم که بندگان را به عفو و گذشت سفارش ، و بر آن پادشاهها و عطایای فراوان عطا نمودی ، و کسانی را که خشم خود را فرو برده و از مردم گذشت می کنند ستوده ای ، و تو نسبت به عفو و گذشت زبینه تری . و این بنده ات کلماتی را می گوید که هر کس آنها را بگوید ، مشمول مرحمتها و استجابتهای تو را ، خواهد شد . می گویم : رَبَّنَا ، ظَلَمْنَا أَنْفُسَنَا ، وَ إِن لَّمْ تَغْفِرْ لَنَا وَ تَرْحَمْنَا ، لَنَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ (۲۲۸) - پروردگارا ، ما به خود ستم نمودیم ، و اگر ما را نیامرزی و بر ما رحم نیآوری ، مسلماً از زیانکاران خواهیم شد . لَا إِلَهَ إِلَّا أَءَنْتَ ، سُبْحَانَكَ ، إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ . (۲۲۹) - معبودی جز تو نیست ، پاک و منزّهی ، براستی که من از ستمکاران بودم . رَبِّ ، إِنِّي مَسْنِي الضُّرِّ ، وَ أَءَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ . (۲۳۰) - پروردگارا ، بی گمان رنجوری بر من رسیده ، و تو مهربانترین مهربانها می باشی . رَبَّنَا ، إِنَّا سَمِعْنَا مُنَادِيًا يُنَادِي لِلْإِيمَانِ ، أَءَنْ آمَنُوا بِرَبِّكُمْ ، فَآمَنَّا ، رَبَّنَا ، فَاعْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا ، وَ كَفِّرْ عَنَّا سَيِّئَاتِنَا ، وَ تَوَفَّنَا مَعَ الْأَبِرَارِ ، رَبَّنَا ، وَ آتِنَا مَا وَعَدْتَنَا عَلَى رُسُلِكَ ، وَ لَا تُخْزِنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ ، إِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ . (۲۳۱) - پروردگارا ، شنیدیم که ندا برآورنده ای برای ایمان آوردن صدا می کند که : به پروردگارتان ایمان بیاورید ، و ما ایمان آوردیم . پروردگارا ، پس گناهانمان را ببامرز ، و بدیهایمان را ببوشان ، و ما را با ابرار و نیکان بمیران ، پروردگارا ، و آنچه را که به فرستادگانت وعده دادی به ما نیز ارزانی دار ، و در روز قیامت رسوایمان مگردان ، براستی که تو هرگز خلف وعده نمی نمایی . و آخرین سخنی که می گویم این است : ای آقای من ، هیچ چیز از آنچه را که با تو گفتگو نمودم ، و یا به واسطه آن به درگاه تو چنگ زدم ، نمی دانستم . تو بودی که مرا با بردباری و بزرگواری و رحمت آشنا فرمودی ، تا اینکه زبانم برای توسّل به مهر و راءفت گشوده شد ، پس تمام آنچه را که سزاوار کسی است - که نیکوکاری چیزی از او نمی کاهد ، و محروم گردانیدن دیگران چیزی بر او نمی افزاید هم او که به بندگان جنایتکارش راههای درخواست نمودن از خود را می آموزد ، و آنان را آگاه می کند که چگونه بخواهند که درهای رحمتش را بگشاید ، و نسبت به آنان به اندازه ای بردبار است که آنان با او گفتگو نموده و تسلیم او می شوند - نسبت به من شایسته ترین امور به صفتهای کمال و شیوه های زیبایی را روا دار . که تو مهربانترین مهربانها و بزرگواریترین بزرگواریترین ها و دلسوزترین مالکان می باشی . خداوندا ، براستی که من تو را خواندم و به تو امید بستم ، اگر بر من روی آورده و توجّه نموده ای بر من رحم فرما ، و دعایم را مستجاب نما ، و امیدواری ام را به خاطر مشرّف گردانیدن من به اقبال و توجّه خود تصدیق فرما . و اگر هنگام گفتگوی من با مقام بزرگ خود ، از من روی گردانده ای ، پس به خاطر نابودی و هلاکت من به واسطه اعراض خود از من ، با رحمت واسعه و بخششی که داری ، بر من رحم آر ، که در تضرّع و زاری در پیشگاهت ، با واسطه قرار دادن کسانی که در نزد تو ارجمند هستند به تو متوجّه شده ام ، پس اگر ایشان به من توجّه دارند ، به خاطر آن بزرگواری بر من رحم کن ، و اگر به خاطر توازن من روی گردان شده اند ، پس به خاطر حرمت وفای آنان به خود در روی گردانیدن از من ، مرا مورد رحمت خویش قرار ده ، و در زیر سایه رحمت خویش و عنایت آنان داخل گردان .

اعمال وقت طلوع و غروب آفتاب

برخیز و دعا کن

۱- روایت شده امام صادق (ع) فرمود: پس هنگامی که رنگ آفتاب دگرگون شد، خداوند - عزوجل - را یاد کن، و اگر با گروهی همنشین باشی که تو را سرگرم و از یاد خدا مشغول کنند، برخیز و دعا کن.

اَءَمْسَى ظُلْمِي مُسْتَجِيراً بِعَفْوِكَ

۲- همچنین از جمله اعمال وقت دگرگون شدن آفتاب به واسطه غروب آن، این است که آنچه را از امام باقر (ع) روایت شده انجام دهی و بگویی که فرمود: رسول خدا (ص) هماره وقتی آفتاب بر سر قله کوه سُرخ می شد، چشمانش پر از اشک می گردید و می فرمود: [اَءَمْسَى ظُلْمِي مُسْتَجِيراً بِعَفْوِكَ، وَ اَءَمْسَتْ ذُنُوبِي مُسْتَجِيراً بِمَغْفِرَتِكَ، وَ اَءَمْسَى خَوْفِي مُسْتَجِيراً بِاِعْمَانِكَ، وَ اَءَمْسَى ذُلِّي مُسْتَجِيراً بِعِزِّكَ، وَ اَءَمْسَى فَقْرِي مُسْتَجِيراً بِغِنَاكَ، وَ اَءَمْسَى وَجْهِي الْبَالِي الْفَانِي] [مُسْتَجِيراً بِوَجْهِكَ الْبَاقِي الْكَرِيم]. اَءَلَلَّهْم، اَءَلْبَسْنِي عَافِيَتَكَ، [وَ عَشْنِي بِرَحْمَتِكَ]، وَ جَلَّلْنِي كَرَامَتِكَ، وَ عَشْنِي رَحْمَتَكَ [يَا: بِرَحْمَتِكَ]، وَ قَنِي شَرَّ خَلْقِكَ مِنَ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ، يَا اَءَلَلَهُ، يَا رَحْمَانُ، يَا رَحِيمُ. - [ظلم و ستم من با پناهنده شدن به عفو تو، و گناهانم با پناهنده شدن به آمرزشت، و] خوف و هراسم با پناهنده شدن به امتیت تو، و خواری ام با پناهنده شدن [به عزت و سرافرازی ات و فقر و ناداری ام با پناهنده شدن به بی نیازی ات، و روی و وجود پوسنده و نابود شونده ام با پناهنده شدن به روی و اسماء و صفات] پاینده و گرمی ات شب نموده، خداوندا، عافیت را به من ببوشان، و به رحمت مرا فراگیر، و کرامت را به تنم کن، و رحمت را بر من ببوشان، و از شر مخلوقات جنیان و انسانها نگاه دار، ای خدا، ای رحمت گستر، ای مهربان.

تسبیح و تهلیل

۳- و نیز هنگام غروب آفتاب و بعد از طلوع فجر، تسبیح و تهلیل بگو، چنانکه در روایت آمده که امام صادق (ع) فرمود: حضرت علی (ع) وقتی صبح می کرد، می فرمود، خوش آمدید ای دو فرشته نگاهبان بزرگوار، ان شاء الله بر شما املا می کنم آنچه را که شما دوست می دارید، بنویسید، بعد تا طلوع آفتاب مشغول تسبیح و تهلیل می شد و بعد از عصر تا غروب آفتاب نیز چنین می کرد.

يَا مَنْ خَتَمَ النَّبُوَّةَ بِمُحَمَّدٍ (ص)

۴- بگو آنچه را که روایت شده امام صادق (ع) فرمود: هر کس هنگام غروب آفتاب در هر روز بگوید: يَا مَنْ خَتَمَ النَّبُوَّةَ بِمُحَمَّدٍ (ص)، اِخْتِمَ لِي فِي يَوْمِي هَذَا بِخَيْرٍ، وَ شَهْرِي بِخَيْرٍ، وَ سَيِّئَتِي بِخَيْرٍ، وَ عُمْرِي بِخَيْرٍ. - ای خدایی که پیامبری را به حضرت محمد صلی الله علیه و آله خاتمه دادی، این روز و ماه و سال و عمرم را به خیر و خوبی خاتمه ده. و در آن شب یا در جمعه همان هفته، یا در آن ماه، یا در آن سال بمیرد، وارد بهشت می گردد.

صد بار تکبیر خداوند

۵- همچنین پیش از غروب، صد بار تکبیر خداوند - جل جلاله - را بگو، زیرا در روایت آمده که حضرت علی بن الحسین (علیهما السلام) فرمود: صد بار اَءَلَلَهُ اَءَكْبَر گفتن پیش از غروب آفتاب، برتر از آزاد نمودن صد برده است. و نیز در حدیث است که امام باقر (ع) فرمود: هر کس پیش از طلوع و غروب آفتاب، صد بار اَءَلَلَهُ اَءَكْبَر بگوید، مانند پاداش کسی که صد برده آزاده کرده برای او نوشته می شود.

اِئَلَلْهُمَّ ، مُقَلَّبَ الْقُلُوبِ وَالْأَبْصَارِ

۶- بگویند آنچه را که نقل شده امام صادق (ع) فرمود: چه خوب است که هنگام صبح و شام، سه بار بگویید: اِئَلَلْهُمَّ ، مُقَلَّبَ الْقُلُوبِ وَالْأَبْصَارِ ، بَثَّ قَلْبِي عَلَى دِينِكَ ، وَلَا تُزِعْ قَلْبِي بَعِيدَ إِذْ هَدَيْتَنِي ، وَهَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً ، إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ ، وَأَعْزِزْنِي مِنَ النَّارِ بِرَحْمَتِكَ ، اِئَلَلْهُمَّ ، امْدُدْ لِي فِي عُمْرِي ، وَأَوْسِعْ عَلَيَّ فِي رِزْقِي ، وَانْشُرْ عَلَيَّ رَحْمَتَكَ ، وَإِنْ كُنْتُ عِنْدَكَ فِي أُمِّ الْكِتَابِ شَقِيًّا ، فَاجْعَلْنِي سَعِيدًا ، فَإِنَّكَ تَمْحُو مَا تَشَاءُ وَتُثَبِّتُ ، وَعِنْدَكَ أُمُّ الْكِتَابِ . - خداوندا، ای گرداننده و زیر و رو کننده دلها و دیدگان، قلبم را بر دینت استوار گردان، و دلم را بعد از آنکه هدایت فرمودی منحرف مفرما، و رحمتی از جانب خویش به من ارزانی دار، براستی که تو بسیار بخشنده ای، و مرا به رحمت خویش از آتش جهنم در پناه خویش درآور. خداوندا، عمر مرا طولانی گردان، و روزی ام را وسعت ده، و رحمت را بر من بگستران، و اگر در نزد تو در و کتاب مادر بدبخت هستم، پس مرا سعادتمند قرار ده، که تو هرچه را بخواهی محو و یا ثابت می گردانی، و کتاب مادر تنها در نزد توست.

سَنَتِ وَاجِب

۷- بگو آنچه را که روایت امام صادق (ع) فرمود: دعا کردن پیش از طلوع و غروب آفتاب، سنت واجب است، یعنی سپیده دم و غروب آفتاب که ده بار می گویند [یا: می گویی]: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ ، يُحْيِي وَيُمِيتُ ، [وَأَمِيتُ وَيُحْيِي] ، وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ ، بِيَدِهِ الْخَيْرُ ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ . معبودی جز خداوند وجود ندارد، که یگانه است و شریکی برای او نیست، فرمانروایی تنها مختص اوست، و ستایش برای اوست، زنده می کند و می میراند [و می میراند و زنده می گرداند]، و او خود زنده ای است که نمی میرد، خیر و خوبی تنها به دست [جمال] اوست، و بر هر چیز قادر و تواناست.

اِعْوُذُ بِاللَّهِ السَّمِيعِ الْعَلِيمِ

۸- و نیز ده بار می گویند: [یا: می گویی]: اِعْوُذُ بِاللَّهِ السَّمِيعِ الْعَلِيمِ مِنَ هَمَزَاتِ الشَّيَاطِينِ ، وَاعْوُذُ بِاللَّهِ اءَنْ يَخْضَعُونَ ، إِنَّ اللَّهَ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ . - به خداوند شنوای دانا پناه می برم از وسوسه ها و خطورات شیطانها، و به خدا پناه می برم از اینکه [در دل] من حضور پیدا کنند، براستی که خداوند تنها شنوایی داناست.

اِعَاطَتْ عَلَى نَفْسِي

۹- و بگو آنچه را که نقل شده امام صادق (ع) فرمود: هنگام صبح و شام، دست خویش را بر سر بگذار و بر صورت خود بکش و بعد همه محاسن خود را به دست بگیر و بگو: اِعَاطَتْ عَلَى نَفْسِي وَآهْلِي وَمَالِي وَوَلَدِي مِنْ غَائِبٍ وَشَاهِدٍ ، بِاللَّهِ الَّذِي [يَا: بِالَّذِي] لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ الْحَيُّ الْقَيُّومُ ، لَا تَأْخُذُهُ سِنَّةٌ وَلَا نَوْمٌ ، لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ . [مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ ، يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ ، وَلَا يُحِيطُونَ بِشَيْءٍ مِنْ عِلْمِهِ إِلَّا بِمَا شَاءَ ، وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ ، وَلَا يَئُودُهُ حِفْظُهُمَا ، وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ] . - محیط و حافظ خود و خانواده و دارایی و فرزندانم چه غایب باشند و چه حضور داشته باشند، قرار دادم خداوندی را که که معبودی جز او نیست، آگاه به نهان و آشکار رحمت گستر، مهربان، زنده، برپا [و برپا دارنده همه مخلوقات] می باشد، نه چرت و نه خواب او را می گیرد، تمام آنچه در آسمانها و زمین است برای اوست، کیست که در نزد او جز به اذن او وساطت نماید؟، [امور] پیشاپیش و پشت سر آنان را می داند، و آنها به هیچ اندازه از علم او احاطه ندارد، مگر به اندازه ای که او بخواهد، کرسی [علم] او آسمانها و زمین را فرا گرفته، و نگاه داشتن آنها برای او سنگین و

سخت نیست ، و او بلند پایه و بزرگ است . [که اگر آن را هنگام صبح بگویی ، خداوند تا شب خود و اهل و مال و فرزندان را نگاه می دارد ، و اگر شب بگویی تا صبح محفوظ می مانی .

اَللّٰهُمَّ ، اِنِّیْ اَشْهَدُكَ

۱۰ - بگو آنچه را که روایت شده امام صادق (ع) فرمود : حضرت نوح (ع) از آن جهت بنده بسیار سپاسگزار نامیده شد ، که پیوسته در هر صبح و شام می فرمود : اَللّٰهُمَّ ، اِنِّیْ اَشْهَدُكَ اَنْتَ مَا اَمْسَى وَاَصْبَحَ بِيْ مِنْ عَافِيَةٍ وَاِیَّا : اَعُوْا نِعْمَةً ، فِیْ دِیْنٍ اَعُوْا دُنْیَا ، فَمِنْكَ وَخَدَّكَ لَا شَرِيْكَ لَكَ ، لَكَ الْحَمْدُ وَالشُّكْرُ عَلٰی كُلِّ حَالٍ . - خدایا ، همانا تو را گواه می گیرم که هیچ عافیت و [یا : یا] نعمتی درباره دین یا دنیا به من شب و صبح ننموده [و در شب و روز شامل من نشده] مگر اینکه تنها از ناحیه توست و شریکی برای تو وجود ندارد ، ستایش و سپاسگزاری در هر حالتی مخصوص توست . جَدَّ نیکبختم ابوجعفر طوسی - رضوان الله علیه - در این روایت بعد از لَكَ الْحَمْدُ ، و لَكَ الشُّكْرُ افزوده است : حَتّٰی تَرْضٰی وَبَعْدَ الرِّضَا . : (تا اینکه خشنود گردی ، و تا حتّٰی بعد از خرسندی ات .)

سُبْحَانَ اللّٰهِ وَبِحَمْدِهِ ، [وَاَسْبَحَانَ اللّٰهُ الْعَظِيْمَ

۱۱ - همچنین در روایت آمده که رسول خدا(ص) فرمود : هر کس هنگام شام و صبح یک بار بگوید : سُبْحَانَ اللّٰهِ وَبِحَمْدِهِ ، [وَاَسْبَحَانَ اللّٰهُ الْعَظِيْمَ] - همراه با ستایش خداوند ، او را به پاکی می خوانم ، [و] پاک و منزّه است خداوند بزرگ . خداوند ، فرشته ای را که جاروبی از نقره دارد به بهشت گسیل می دارد ، تا از خاکِ بهشت که مُشک بسیار خوشبوست ، برای او جارو کند ، سپس درختی برای او بنشانند ، آنگاه دیواری بر گِرد آن می بکشد ، بعد درّی بر آن بگذارد ، سپس آن را قفل کند و بر آن در بنویسد : این بوستانِ فلانی پسر فلانی است . و نیز در روایت آمده که امام صادق (ع) فرمود : هر کس بدون شگفت (۲۳۲) بگوید : سُبْحَانَ اللّٰهِ وَبِحَمْدِهِ ، سُبْحَانَ اللّٰهُ الْعَظِيْمَ . خداوند ، هزار گناه او را محو نموده ، و هزار حسنه و کار نیک برای او ثبت ، و شفاعت هزار نفر برای او می نویسد ، و هزار درجه پایه ایمانی او را بالای می برد ، و از آن کلمه پرنده سفیدی می آفریند که پرواز می کند و تا روز قیامت می گوید : سُبْحَانَ اللّٰهِ وَبِحَمْدِهِ ، سُبْحَانَ اللّٰهُ الْعَظِيْمَ . و ثواب آن برای گوینده آن نوشته می شود .

دعای عشرات

۱۲ - جَدَم ابی جعفر طوسی - رضوان الله علیه - در ضمن دعاهاى وقت غروب ، دعای عشرات را نیز نقل نموده ، و آن با چندین مورد که آن را ذکر کرده ایم تفاوت دارد . فرموده است : مستحبّ است که هنگام صبح و شام دعای عشرات خوانده شود ، و بهترین وقت خواندن آن بعد از عصر روز جمعه است . و آن دعا به این صورت است : بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ ، سُبْحَانَ اللّٰهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللّٰهُ وَاللّٰهُ اَكْبَرُ ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيْمِ ، سُبْحَانَ اللّٰهِ اَنَاءَ اللَّيْلِ وَاَطْرَافِ النَّهَارِ ، سُبْحَانَ اللّٰهِ بِالْغَدُوِّ وَاَلْاَصَالِ ، سُبْحَانَ اللّٰهِ بِالْعَشِيِّ وَاَلْاَبْكَارِ ، سُبْحَانَ اللّٰهِ حِيْنَ تُمْسُوْنَ وَحِيْنَ تُصْبِحُوْنَ ، وَلَهُ الْحَمْدُ فِی السَّمَاوَاتِ وَاَلْاَرْضِ وَعَشِيًّا وَحِيْنَ تَظْهَرُوْنَ ، يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَيُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ ، وَيُحْيِی الْاَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا ، وَكَذٰلِكَ تُخْرَجُوْنَ ، سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُوْنَ ، وَسَلَامٌ عَلٰی الْمُرْسَلِيْنَ ، وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِيْنَ . سُبْحَانَ ذِی الْمُلْكِ وَالْمَلَكُوتِ ، سُبْحَانَ ذِی الْعِزَّةِ وَالْجَبَرُوتِ ، سُبْحَانَ ذِی الْكِبْرِيَاۤءِ وَالْعَظَمَةِ ، اَلْمَلِكِ الْحَقِّ الْمُتَمَيِّنِ الْقُدُّوسِ ، سُبْحَانَ اللّٰهِ الْمَلِكِ الْحَقِّ الَّذِی لَا يَمُوتُ ، سُبْحَانَ اللّٰهِ الْمَلِكِ الْحَقِّ الْقُدُّوسِ ، سُبْحَانَ الْقَائِمِ الدَّائِمِ ، سُبْحَانَ رَبِّيْ الْعَظِيْمِ ، سُبْحَانَ رَبِّيْ الْاَعْلٰی ، سُبْحَانَ الْحَيِّ الْقَيُّوْمِ ، سُبْحَانَ الْعَلِيِّ الْاَعْلٰی ، سُبْحَانَهُ وَتَعَالٰی ، سُبُّوْحٌ قُدُّوْسٌ رُبُّنَا وَرَبُّ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوْحِ ، سُبْحَانَ الدَّائِمِ غَيْرِ الْغَافِلِ ، سُبْحَانَ الْعَالِمِ بِغَيْرِ

تعلیم، سُبْحَانَ خَالِقِ مَا يُرَى وَمَا لَا يُرَى، سُبْحَانَ الَّذِي يُدْرِكُ الْبُصَارَ وَلَا تُدْرِكُهُ الْبُصَارُ، وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ. اَللّهُمَّ، اِنِّیْ اَضْمَحْتُ مِنْكَ فِی نِعْمَتِهِ وَخَيْرٍ وَبَرَکَهِ وَعَافِیَةِ، فَصَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَتَمِّمْ عَلَی نِعْمَتِكَ وَخَيْرِكَ وَبَرَکَاتِكَ وَعَافِیَتِكَ بِجَاوِزِ النَّارِ، وَارْزُقْنِیْ شُکْرَكَ وَعَافِیَتَكَ وَفَضْلَكَ وَكَرَامَتَكَ اَبَدًا مَا اَبْقَیْتَنِی. اَللّهُمَّ، بُنِیْتُ اهْتِدَیْتُ، وَبَفَضْلِكَ اِسْتَعْنِیْتُ، وَبِنِعْمَتِكَ اَصْبَحْتُ وَاَمْسِیْتُ. اَللّهُمَّ، اِنِّیْ اَشْهَدُكَ وَكَفَى بِكَ شَهِدًا، وَاشْهَدُ مَا لَیْسَ بِكَ وَاشْهَدُ مَا لَیْسَ بِكَ وَرُسُلَكَ وَحَمَلَ عَرْشَكَ وَسُكَّانَ سَمَاوَاتِكَ وَاعْرَضَكَ وَجَمِیعَ خَلْقِكَ، بِاَنَّكَ اَنْتَ اللّٰهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ وَحْدَكَ لَا شَرِیكَ لَكَ، وَاعَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ وَرَسُوْلَكَ، وَاعَنَّكَ عَلَی كُلِّ شَیْءٍ قَدِیْرٌ، تُحِیُّ وَتُمِیْتُ [وَتُمِیْتُ] وَتُحِیُّ، وَاعَشْهَدُ اَنَّ الْجَنَّةَ حَقٌّ، وَاعَنَّ النَّارَ حَقٌّ، وَالنُّشُوْرَ حَقٌّ، وَالسَّاعِیَةَ اَتِیَّةٌ لَا رَیْبَ فِیْهَا، وَاعَنَّ اللّٰهُ یَبْعَثُ مَنْ فِی الْقُبُوْرِ، وَاعَشْهَدُ اَنَّ عَلِیَّ بْنَ اَبِی طَالِبٍ اَمِیرَ الْمُؤْمِنِیْنَ حَقًّا حَقًّا، وَاعَنَّ الْاِیْمَةَ مِنْ وُلْدِهِ هُمْ الْاِیْمَةُ الْهُدَاةُ الْمُهْدِیُّوْنَ غَیْرَ الضَّالِّیْنَ وَلَا الْمُضِلِّیْنَ، وَاعَنَّهُمْ اَوْلِیَاؤُكَ الْمُضِیْطَفُوْنَ، وَحِزْبُكَ الْغَالِبُوْنَ، وَصِیْفُوْتُكَ وَخَیْرِتُكَ مِنْ خَلْقِكَ، وَنُجَبَاؤُكَ الَّذِیْنَ اَنْتَ جَبَّتْهُمْ لِدِیْنِكَ، وَاخْتَصَصْتَ لَهُمْ مِنْ خَلْقِكَ، وَاصِیْفَیَّتُهُمْ عَلَی عِبَادِكَ، وَجَعَلْتَهُمْ حُجَّةً عَلَی الْعَالَمِیْنَ، صِلَاوَاتُكَ عَلَیْهِمْ اَجْمَعِیْنَ، وَالسَّلَامُ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَکَاتُهُ. اَللّهُمَّ، اَكْتُبْ لِیْ هَذِهِ الشَّهَادَةَ عِنْدَكَ حَتّٰی تُلْقِیْنِیْهَا وَاعَنَّ عَنِّی رَاضٍ، اِنَّكَ عَلَی مَا تَشَاءُ قَدِیْرٌ اَللّهُمَّ، لَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا یَصِیْعُدُ اَوَّلُهُ وَلَا یَنْقُذُ آخِرُهُ، اَللّهُمَّ، لَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا تَضَعُ لَكَ السَّمَاءُ كَنَفِیْهَا، وَتَسْبِیْحُ لَكَ الْاَرْضُ وَمَنْ عَلَیْهَا، اَللّهُمَّ، لَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا سِرْمَدًا اَبَدًا لَا انْقِطَاعَ وَلَا نَفَادَ، وَلَكَ یَنْبَغِیْ وَاِلَیْكَ یَنْتَهِیْ، فِیْ وَاعَنَّی وَلَمَدِیْ وَمَعِی وَقَبْلِی وَبَعْدِی وَاعَمَامِی وَفَوْقِی وَتَحْتِی، وَاِذَا مِتُّ وَبَقِیْتُ فَرْدًا وَحِیدًا، وَلَكَ الْحَمْدُ اِذَا نُشِیْرْتُ وَبُعِثْتُ یَا مَوْلَایَ، اَللّهُمَّ، وَلَكَ الْحَمْدُ وَالشُّكْرُ بِجَمِیعِ مَحَامِدِكَ كُلِّهَا عَلَی جَمِیعِ نِعْمَاتِكَ كُلِّهَا، حَتّٰی یَنْتَهِیْ الْحَمْدُ اِلَیْ مَا تُحِبُّ رَبَّنَا وَتَرْضَاهُ. اَللّهُمَّ، لَكَ الْحَمْدُ عَلَی كُلِّ اَكْلَةٍ وَشَرِبَةٍ وَبَطْشَةٍ وَقَبْضَةٍ وَبَسِطَةٍ وَفِی كُلِّ مَوْضِعٍ شَعْرَةٍ. اَللّهُمَّ، لَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا خَالِدًا مَعَ خُلُودِكَ، وَلَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا لَا مُنْتَهٰی لَهُ دُونَ عِلْمِكَ، وَلَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا لَا اَمَدَ لَهُ دُونَ مَسِیَّتِكَ، وَلَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا لَا اَخَرَ لِقَائِهِ اِلَّا رِضَاكَ، وَلَكَ الْحَمْدُ عَلَی حِلْمِكَ بَعْدَ عِلْمِكَ، وَلَكَ الْحَمْدُ عَلَی عَفْوِكَ بَعْدَ قُدْرَتِكَ، وَلَكَ الْحَمْدُ بَاعِثَ الْحَمْدِ، وَلَكَ الْحَمْدُ وَاِرْثَ الْحَمْدِ، وَلَكَ الْحَمْدُ بَدِيعَ الْحَمْدِ، وَلَكَ الْحَمْدُ مُنْتَهٰی الْحَمْدِ، وَلَكَ الْحَمْدُ مُبْتَدِعَ الْحَمْدِ، وَلَكَ الْحَمْدُ مُشْتَرِیَ الْحَمْدِ، وَلَكَ الْحَمْدُ وَلِیَ الْحَمْدِ، وَلَكَ الْحَمْدُ قَدِیْمَ الْحَمْدِ، وَلَكَ الْحَمْدُ صَادِقَ الْوَعْدِ، وَفِی الْحَمْدِ، عَزِیْرُ الْجُنْدِ، قَائِمُ الْمَجْدِ، وَلَكَ الْحَمْدُ رَفِیعُ الدَّرَجَاتِ، مُجِیْبُ الدَّعَوَاتِ، وَمُنْزِلُ الْاٰیَاتِ مِنْ فَوْقِ سَبْعِ سَمَاوَاتٍ، عَظِیْمُ الْبَرَكَاتِ، مُخْرِجُ الثُّوْرِ مِنَ الظُّلُمَاتِ، وَمُخْرِجُ مَنْ فِی الظُّلُمَاتِ اِلَی الثُّوْرِ، مُبَدِّلُ السَّیِّئَاتِ حَسَنَاتٍ، وَجَاعِلُ الْحَسَنَاتِ دَرَجَاتٍ. اَللّهُمَّ، لَكَ الْحَمْدُ غَافِرُ الذَّنْبِ وَقَابِلُ التَّوْبِ، شَدِیدُ الْعِقَابِ، ذِی الطُّوْلِ، لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ، اِلَیْكَ الْمَصِیْرُ، اَللّهُمَّ، لَكَ الْحَمْدُ فِی اللَّیْلِ اِذَا یَغْشٰی، وَلَمَكَ الْحَمْدُ فِی النَّهَارِ اِذَا تَجَلٰی، وَلَكَ الْحَمْدُ فِی الْاٰخِرَةِ وَالْاَوَّلٰی، وَلَكَ الْحَمْدُ عِدَدَ كُلِّ نَجْمٍ وَمَلَكٍ فِی السَّمَاءِ، وَلَكَ الْحَمْدُ عِدَدَ الثَّرٰی وَالْحِصٰی وَالتَّوٰی، وَلَكَ الْحَمْدُ عِدَدَ مَا فِی جَوْفِ الْاَرْضِ، وَلَكَ الْحَمْدُ عِدَدَ اَوْزَانِ مِیَاهِ الْبَحَارِ، وَلَكَ الْحَمْدُ عِدَدَ اَوْرَاقِ الْاَشْجَارِ، وَلَكَ الْحَمْدُ عِدَدَ مَا عَلٰی وَجْهِ الْاَرْضِ، وَلَكَ الْحَمْدُ عِدَدَ مَا اَحْصٰی كِتَابُكَ، وَلَكَ الْحَمْدُ عِدَدَ مَا اَحَاطَ بِهِ عِلْمُكَ، وَلَكَ الْحَمْدُ عِدَدَ الْاَنْسِ وَالْجِنِّ وَالْهَوَامِّ وَالطَّیْرِ وَالْبَهَائِمِ وَالسَّبَاعِ، حَمْدًا كَثِیْرًا طَیْبًا مُبَارَكًا فِیْهِ، كَمَا تُحِبُّ رَبَّنَا وَتَرْضٰی، وَكَمَا یَنْبَغِیْ لِكَرَمِ وَجْهِكَ وَعِزِّ جَلَالِكَ. - به نام خداوند رحمت گستر مهربان، پاك و منزّه است خداوند، و ستایش مخصوص اوست، و معبودی جز خدا نیست، و خداوند بزرگتر است، و هیچ تحوّل و قدرتی نیست مگر به وسیله خداوند بلند مرتبه بزرگ، پاك و منزّه است خداوند در تمام لحظات شب و اطراف [و آغاز و پایان و دیگر اوقات] روز، پاك و منزّه است خداوند در هنگام صبح و لحظات عصر، پاك و منزّه است خداوند در شام و صبح، پاك و منزّه است خداوند هنگامی که شب و یا صبح می کنید، و ستایش مخصوص اوست، در آسمانها و زمین و شامگاهان و هنگامی که ظهر می کنید، زنده را از مرده، و مرده را از زنده بیرون آورده، و زمین را بعد از مرگش زنده می گرداند، و شما نیز اینچنین از قبر بیرون آورده می شوید. پاك و منزّه است پروردگار، پروردگار صفت عزّت و سرفرازی از آنچه که او را بدان توصیف می نماید، و سلام بر پیامبران فرستاده شده، و

ستایش خداوندی را که پروردگار عالمیان است، پاک و منزّه است خداوندی که صاحب [عالم] مُلک و ملکوت است، پاک و منزّه است خداوندی که دارای [صفت] سرافرازی و سرکشی و جباریت است، پاک و منزّه است خداوندی که صاحب [صفت] کبریا و بزرگمنشی و عظمت است، پادشاه و فرمانروای حقّ و چیره و مسلّط، و پاکیزه از تمام آلائشها، پاک و منزّه است خداوند، پادشاه زنده ای که هرگز نمی میرد، پاک و منزّه است خداوند، پادشاه زنده پاکیزه از تمام کاستیها، پاک و منزّه است خداوند پا برجای جاودانی، پاک و منزّه است خداوند جاودان پا برجا، پاک و منزّه است پروردگار بزرگم، پاک و منزّه است پروردگاری که بلند مرتبه ترین است، پاک و منزّه است خداوندی که زنده پا برجا و برپا دارنده تمام مخلوقات است، پاک و منزّه است خداوندی که بلند مرتبه و بلند مرتبه ترین است. او پاک و منزّه و بلند مرتبه است. بسیار منزّه و بسیار پاکیزه از هر گونه نقص و کاستی است پروردگار ما و پروردگار فرشتگان و رُوح، پاک و منزّه است خداوند جاودانی که هرگز غفلت نمی ورزد، پاک و منزّه است خداوند آگاه بدون اینکه کسی به او را آموخته باشد، پاک و منزّه است آفریننده آنچه که دیده می شود و دیده نمی شود، پاک و منزّه است خداوندی که دیدگان را درک می نماید، و دیدگان نمی توانند او را درک کنند، و تنها اوست که باریک بین و کاردان است. خداوندا، صبح نمودم در حالی که از ناحیه تو در نعمت و خیر و برکت و عافیت قرار دارم، پس بر محمّد و آل او درود فرست، و نعمت و خیر و برکات و عافیت را همراه با نجات از آتش جهنّم، بر من کامل گردان، و شکر و عافیت و فضل و کرامت را همواره تا زمانی که پاینده و زنده ام داشته ای، روزی فرما، خداوندا، تنها به نور تو هدایت پذیر گشتم، و به فضل تو بی نیاز گشتم، و به نعمت تو صبح و شام نمودم. خداوندا، براستی که تو را شاهد می گیریم، و تو برای شهادت کفایت می کنی، و نیز فرشتگان و پیامبران و فرستادگان و حاملات عرش و ساکنان آسمانها و زمین و تمام مخلوقات را گواه می گیرم که بی گمان تویی خداوندی که معبودی جز تو نیست، یگانه ای و شریکی برای تو وجود ندارد، و اینکه حضرت محمّد(ص) بنده و فرستاده توست، و تو بر هر چیز توانایی، زنده می کنی و می میرانی، [و می میرانی] و زنده می کنی. و گواهی می دهم که بهشت و آتش جهنّم و زنده و برانگیخته شدن در قیامت حقّ است، و قیامت خواهد آمد و شکی در آن نیست، و اینکه خداوند تمام کسانی را که در قبر هستند برمی انگیزاند، و گواهی می دهم که علی بن ابی طالب حقّاً و حقّاً امیرمؤمنان است، و امامانی که از نسل و فرزندان اویند، امامان و هدایتگران و هدایت یافتگانی هستند که نه گمراهند و نه دیگران را گمراه می کنند، و اینکه آن بزرگواران دوستان برگزیده، و حزب غالب، و منتخب و برگزیده تو از میان مخلوقات، و برگزیدگانی هستند که ایشان را برای [تبیین و اقامه] دینت برگزیده، و از میان مخلوقات مختّص گردانیده، و بر بندگانت برگزیده، و حجت بر عالمیان قرار داده ای، که دروهای تو بر همه آنان باد، و سلام و رحمت و برکات بر ایشان. خداوندا، این شهادت را در نزد خود برای من بنویس، تا اینکه [هنگام مرگ] در حالی که از من خشنودی، آن را به من تلقین و تفهیم نمایی، براستی که تو بر هر چیز توانایی. خداوندا، ستایش مخصوص توست، ستایشی که اوّل آن بالا رفته و آخرش پایان نپذیرد، خداوندا، ستایش مخصوص توست، ستایشی که آسمان دو سوی خود را برای تو پایین آورده و فروتنی نماید، و زمین و ساکنان آن به پاکی یادت کنند. خداوندا، ستایش مخصوص توست، ستایشی بی آغاز و جاودانی که هیچ گاه گسسته نگردد و پایان نپذیرد و سزاوار تو بوده و به تو منتهی گردد، [ستایش] که در وجود من باشد و بر من سایه افکند و در نزد و همراه و پیش و بعد از من و در پیشاپیش و بالای سر و زیرم را فراگیرد، و هنگام مردن و تک و تنها ماندنم با من باشد، و ستایش مخصوص توست در هنگامی که از قبر برانگیخته و زنده می شود ای مولای من، خداوندا، ستایش و سپاسگزاری مخصوص توست، به تمام و همگی ستایشها بر تمام نعمتهایت، تا اینکه حمد و سپاس به آنچه که تو - ای پروردگار ما، - دوست می داری و خرسندی منتهی گردد. خداوندا، ستایش مخصوص توست، ستایشی که با جاودانگی تو جاودانه باشد، و ستایش مخصوص توست ستایشی که پایانی جز علم و آگاهی تو نداشته باشد، و ستایش مخصوص توست ستایشی که سرآمدی جز مشیت تو برای آن نباشد، و ستایش مخصوص توست ستایشی که گوینده اش

فرجامی جز خشنودی تو را نداشته باشد، و تنها تو را ستایش می کنم به خاطر بردباری ات با وجود آگاهی ات، و تنها تو را می ستایم به خاطر عفوت با وجود قدرتت، و فقط تو را ستایش می نمایم ای برانگیزاننده [و پدید آورنده] ستایش، و تو را سپاس ای وارث ستایش، و تو را سپاس ای نو آفرین ستایش، و تو را سپاس ای منتهای ستایش، و تو را سپاس ای نو آفرین ستایش، و تو را سپاس ای خریدار ستایش، و تو را سپاس ای سرپرست ستایش، و تو را سپاس می گویم ای کسی که از دیرباز ستوده ای، و تو را می ستایم ای کسی که وعده ات راست است، و به ستایشت وفا می نمایم [یا: ستایش را کامل می گردانی]، لشکرت نیرومند و سرافراز، و بلند پایگی ات پابرجاست. و تو را می ستایم ای بالا برنده درجات ایمانی، اجابت کننده دعاها، و فرو فرستنده نشانه های روشن از بالای آسمانهای هفتگانه، تو که برکات بزرگ است، و نوره را از میان تاریکیها بیرون آورده، و کسانی را که در تاریکی ها هستند به سوی روشنایی بیرون می کشی، و بدیها را به کارهای نیک مُبدَل نموده، و نیکی ها را درجه های ایمانی قرار می دهی. خداوندا، ستایش مخصوص توست ای آمرزنده گناه و پذیرنده توبه، و ای کسی که دارای کیفر سخت هستی و در عین حال دارای بخششی، معبودی جز تو نیست، و باز گشت همگان تنها به سوی توست. خداوندا، تنها تو را می ستایم هنگامی که شب می پوشاند، و فقط تو را می ستایم هنگامی که روز روشن می گردد، و ستایش مخصوص توست در آخرت و اُولی [یعنی دنیا]، و تنها تو را می ستایم به شماره تمام ستارگان و فرشتگانی که آسمان هستند، و ستایش تو را به اندازه تمام خاکها و سنگریزه ها و هسته ها، و ستایش تو را به شماره آنچه در درون زمین است، و ستایش تو را به اندازه وزن آبهای تمام دریاها، و ستایش مخصوص توست به شماره برگهای تمام درختان، و ستایش مخصوص توست به شماره موجوداتی که بر روی زمین قرار دارند، و ستایشی تو را به شماره آنچه که کتاب [و دانش] تو به شماره درآورده، و تنها تو را می ستایم به شماره آنچه که علم تو بر آن احاطه نموده، و تنها تو را می ستایم به شماره تمام انسانها و جنیان و حشرات و پرندگان و حیوانات و درندگان، ستایشی فراوان و پاکیزه و مبارک، به همان صورتی که - ای پروردگار ما، - دوست می داری و خرسندی، و به همان صورت که بزرگی روی [و اسماء و صفات] و سربلندی عظمت تو را سزاوار است. سپس ده بار می گویی: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ، وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ. - معبودی جز خدا نیست، که یگانه است و شریکی برای او وجود ندارد، پادشاهی و فرمانروایی ستایش تنها از آن اوست، و تنها اوست باریک بین و کاردان. و ده بار می گویی: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ، يُحْيِي وَيُمِيتُ، وَيُمِيتُ وَيُحْيِي، وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ، بِيَدِهِ الْخَيْرُ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. - معبودی جز خداوند نیست، که یگانه است و شریکی برای او وجود ندارد، فرمانروایی و سلطنت و ستایش تنها از آن اوست، زنده می کند و می میراند، و می میراند و زنده می گرداند، و او خود زنده ای است که هرگز نمی میرد، خیر و خوبی تنها به دست [جمال] اوست، و هم او بر هر چیز تواناست. و ده بار می گویی: اَسْتَغْفِرُ اللَّهَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ، وَءَتُوبُ إِلَيْهِ. - آمرزش می طلبم از خداوندی که معبودی جز او نیست، هم او که زنده و پابرجا [و برپا دارنده همه مخلوقات] است، و به سوی او توبه و بازگشت می کنم. و ده بار می گویی: يَا أَلَلَّهُ، يَا أَلَلَّهُ. (ای خدا، ای خدا.) و ده بار می گویی: يَا رَحْمَنُ، يَا رَحْمَنُ. (ای رحمت گستر، ای رحمت گستر.) و ده بار می گویی: يَا رَحِيمُ، يَا رَحِيمُ. (ای مهربان، ای مهربان.) و ده بار می گویی: يَا بَدِيعَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ. (ای نو آفرین آسمانها و زمین.) و ده بار می گویی: يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ. (ای صاحب صفت بزرگی و بزرگواری.) و ده بار می گویی: يَا حَنَّانُ مَنَّانُ. (ای بسیار مهربان، ای بسیار بخشنده.) و ده بار می گویی: يَا حَيُّ يَا قَيُّومُ. (ای زنده، ای پابرجا و برپا دارنده همه مخلوقات.) و ده بار می گویی: يَا حَيُّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ. (ای زنده، ای که معبودی جز تو نیست.) و ده بار می گویی: يَا أَلَلَّهُ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ. (ای خدایی که، معبودی جز تو نیست.) و ده بار می گویی: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ. (به نام خداوند رحمت گستر مهربان.) و ده بار می گویی: اَللَّهُمَّ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ. (خداوندا، بر محمد و آل محمد درود فرست.) و ده بار می گویی: آمین، آمین. (اجابت فرما، اجابت فرما.) و ده بار می گویی: اَللَّهُمَّ، يَا أَلَلَّهُ، اِفْعَلْ بِي مَا أَعْنَتْ

اَهْلُهُ . : (خداوندا ، ای خدا ، آنچه را که تو خود اهل آن هستی با من بکن .) و ده بار سوره قُلْ هُوَ اللَّهُ اَعَزُّ . را می خوانی . و بعد از اینها می گویی : اِلهُكُمْ ، اَصْنَعْ بِي مَا اَنْتَ اَهْلُهُ ، وَلَا تَصْنَعْ بِي مَا اَنَا اَهْلُهُ ، فَإِنَّكَ اَهْلُ التَّقْوَى وَ اَهْلُ الْمَغْفِرَةِ ، وَ اَنَا اَهْلُ الذُّنُوبِ وَالْخَطَايَا ، فَارْحَمْنِي يَا مُوَلَايَ ، وَ اَنْتَ اَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ . - خداوندا ، هر چه تو خود اهل و زبیده آن هستی با من بکن ، و آنچه را که من اهل آن هستم با من بکن ، زیرا براستی که تو اهل تقوی و نگاهداری [از گناهان] و شایسته آمرزشی ، و من اهل گناهان و اشتباهات هستم ، پس ای مولای من ، تو که مهربانترین مهربانان هستی ، بر من رحم آر . و ده بار می گویی : لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ ، تَوَكَّلْتُ عَلَى الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا ، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ ، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذَّلِّ ، وَ كَبْرُهُ تَكْبِيرًا . - هیچ تحوّل و قدرتی نیست مگر به [وسیله] خداوند ، توکل بر زنده ای که هرگز نمی میرد ، و ستایش مخصوص خداوندی که هیچ کس را به فرزندگی نگرفته ، و هیچ شریکی در سلطنت و فرمانروایی ندارد ، و هیچ سرپرستی از روی خواری و ذلت برای او نیست ، و او را بزرگتر بدان بزرگتر دانستن ویژه ای . (پایان دعای عشرات) (۲۳۳)

دعای امیرالمؤمنین (ع) در نیلۃ المیت

۱۳ - و همچنین بگو آنچه را که مولایمان امیرالمؤمنین (ع) هنگام خوابیدن در رختخواب رسول خدا (ص) به منظور حفاظت ایشان از کید دشمنان با خون دل و تمام وجودش فرمود ، که آن از دعاهاى مهمّ وقت صبح و شام است . در روایت آمده که وقتی امام جعفر بن محمد صادق (ع) وارد عراق شدند (آن هنگام که منصور او را خواسته بود) ، مردم به سوی او گرد آمده و عرض کردند : ای مولای ما ، تربت مولایمان امام حسین (ع) که مایه شفابخش از هر درد و بیماری است ، آیا موجب ایمنی از هر ترس و بیم نیز هست ؟ حضرت فرمود : بله ، هرگاه یکی از شما خواست که ایمن از هر خوف و ترس باشد ، باید تسبیحی از تربت او را برگرفته و سه بار دعای لَيْلَةُ الْمَيِّتِ حضرت علی (ع) در رختخواب رسول اکرم (ص) را بخواند ، و آن دعا به صورت است : اَمْسَيْتُ - اِلهُكُمْ ، مُعْتَصِئًا بِذِمَامِكَ الْمُنِيعِ الَّذِي لَا يُطَاوُلُ وَلَا يُحَاوُلُ ، مِنْ شَرِّ كُلِّ غَاشِمٍ وَ طَارِقٍ مِنْ سَائِرِ مَنْ خَلَقْتَ وَ مَا خَلَقْتَ مِنْ خَلْقِكَ الصَّامِتِ وَ النَّاطِقِ ، مِنْ كُلِّ مَخُوفٍ ، يَلْبَسُ سَابِغَةَ [حَصِينَةٍ] ، وَلَا اِلهَ اَهْلُ بَيْتِ نَبِيِّكَ (عليهم السلام) مُحْتَجِبًا مِنْ كُلِّ قَاصِدٍ لِي اِلَى اَذِيَّتِي ، بِجِدَارِ حَصِينِ الْاِخْلَاصِ فِي الْاِعْتِرَافِ بِحَقِّهِمْ وَ التَّمَسُّكِ بِحَبْلِهِمْ ، مُوقِنًا اَنَّ الْحَقَّ لَهُمْ وَ مَعَهُمْ وَ فِيهِمْ وَ اِيَّاهُمْ ، اُولَى مَنْ وَاَلَوْا ، وَ اَعْجَابُ مَنْ جَانَبُوا ؛ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ ، وَ اَعِزَّنِي اِلهُكُمْ ، بِهِمْ مِنْ شَرِّ كُلِّ مَا اَتَّقِيهِ يَا عَظِيمُ ، حَبَزْتُ الْاَعَادِيَ عَنِّي بِيَدِيعِ السَّمَوَاتِ وَ الْاَرْضِ . (۲۳۴) اِنَّا جَعَلْنَا مِنْ بَيْنِ اَيْدِيهِمْ سَدًّا ، وَ مِنْ خَلْفِهِمْ سَدًّا ، فَاعْشَيْنَاهُمْ ، فَهُمْ لَا يَبْصُرُونَ . - خداوندا ، شب نمودم در حالی که به حرمت استوار و والای تو که مغلوب و یا حیل دگرگون نمی گردد ، [ویا : کسی و یا چیزی نمی تواند آن را قصد کند ،] چنگ زده و پناه بردم ، از شرّ هر ستمگر و غاصب و هر رخداد و مصیبت از ناحیه تمام کسان و چیزهایی که آفریدی ، چه لب بسته و خاموش باشند [یعنی جمادات] و چه گویا باشند ، از هر امر ترسناکی ، با پوشیدن لباس کامل [استوار] ولایت و دوستی اهل بیت پیامبرت (عليهم السلام) در حالی که از هر کس که قصد آزار مرا بکند در پناه دیوار استوار مخلصانه اعتراف کردن به حقّ آنان و چنگ زدن به ریسمانشان خود را پوشانده و حفظ می نمایم ، و یقین دارم که مسلماً حقّ برای آنان و با آنان و در ایشان [و به واسطه آنهاست ، هر کس را که ایشان دوست دارند دوست دارم ، و از هر کس کناره گرفتند ، کناره می گیرم ، پس بر محمد و آل محمد درود فرست ، و ای خدا ، مرا به واسطه ایشان] از گزند تمام اموری که از آن پرهیز دارم ، در پناه خویش در آور ، ای بزرگ ، تمام دشمنانم را به وسیله خداوندی که نوآفرین آسمانها و زمین است ، از خود دور نمودم ، براستی که ما از پیشاپیش و از پشت سر آنان سدّی قرار دادیم ، و در نتیجه روی آنان را پوشانیدم ، لذا ایشان نمی بینند . سپس تسبیح را بوسیده و بر چشمانش قرار داده و بگوید : اِلهُكُمْ ، اِنِّیْ اَسْأَلُكَ بِحَقِّ هَذِهِ التَّزْبِيَةِ وَ بِحَقِّ صَاحِبِهَا وَ بِحَقِّ جَدِّهِ وَ [بِحَقِّ] اَبِيهِ وَ بِحَقِّ اُمِّهِ وَ [بِحَقِّ] اَخِيهِ وَ بِحَقِّ وَلَدِهِ الطَّاهِرِينَ ، اِجْعَلْهَا شِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ ، وَ اَمَانًا مِنْ كُلِّ خَوْفٍ ، وَ حِفْظًا مِنْ كُلِّ سُوءٍ . -

خداوندا، به حقّ این تربت و به حقّ صاحب آن و به حقّ جدّ و [به حقّ] پدر و به حقّ مادر و [به حقّ] برادر، و به حقّ فرزندان پاکیزه اش، از تو درخواست می نمایم که آن را مایه بهبودی از هر درد و بیماری، و ایمنی از هر بیم، و محافظت از هر بدی قرار دهی. سپس آن را در گریبان [یا: در جبین و دو طرف پیشانی] خود بگذارد. و اگر این کار را هنگام صبح انجام دهد تا هنگام شام پیوسته در امان خواهد بود، و اگر آن را شبانگاه انجام دهد تا صبح پیوسته در امان خدا خواهد بود.

اَللّٰهُمَّ ، اِنِّىْ اَسْأَلُكَ

۱۴ - نیز بخوانی دعایی را که جَدَم ابوجعفر مُحَمَّد بن حسن طوسی آن را برای قرائت در وقت غروب ذکر کرده ، که : اَللّهُمَّ ، اِنِّیْ اَسْأَلُكَ اَنْ تُصَلِّیَ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ ، وَ اَسْأَلُكَ خَیْرَ لَیْلَتِی هِذِهِ وَ خَیْرَ مَا فِیْهَا ، وَ اَعُوْذُ بِكَ مِنْ شَرِّ لَیْلَتِی هِذِهِ وَ شَرِّ مَا فِیْهَا . اَللّهُمَّ ، اِنِّیْ اَعُوْذُ بِكَ اَنْ تُکْتُبَ عَلَیْ خَطِیئَتِیْ اَوْ اِثْمًا . اَللّهُمَّ ، صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ ، وَ اَکْفِنِیْ خَطِیئَتِهَا وَ اِثْمَهَا ، وَ اَعْظِنِیْ یُثْمَهَا وَ بَرَکَتِهَا وَ عَوْنَهَا وَ نُورَهَا . اَللّهُمَّ ، نَفْسِی خَلَقْتَهَا وَ بَیَّدَکَ حَیَاتُهَا وَ مَوْتُهَا ، اَللّهُمَّ ، فَاِنْ اَمْسَیَ کَتَمْتُهَا ، فَاِلَی رِضْوَانِکَ وَ الْجَنَّةِ ، وَ اِنْ اَرْسَلْتَهَا فَصِلْ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اَغْفِرْ لَهَا وَ اَرْحَمْهَا . (۲۳۵) - خداوندا ، براستی که از تو درخواست می نمایم که بر مُحَمَّد و آل مُحَمَّد درود فرستی ، و از تو مسألت دارم خیر این شب و خیر آنچه را که در آن هست ، و به تو پناه می برم از شرّ این شب و شرّ آنچه که در آن است ، خداوندا ، براستی که به تو پناه می برم که خطا یا گناهی را بر من بنویسی . خداوندا ، بر مُحَمَّد و آل مُحَمَّد درود فرست ، و مرا از خطا و گناه کردن در آن [یعنی شب یا روز] کفایت فرما ، و میمنت و برکت و یاری و نور آن را به من عطا فرما ، خداوندا ، این نَفْس من است که تو آن را آفریده ای ، و زندگانی و مرگ آن به دست توست . خداوندا ، پس اگر آن را [در این دنیا] نگاه داشتی ، پس به سوی خشنودی و بهشت [روانه ساز] ، و اگر آن را [به سوی عالم آخرت] روانه ساختی ، پس بر مُحَمَّد و آل مُحَمَّد درود فرست و آن را پیامرز و مورد رحمت خویش قرارده .

رَبِّيَ اللَّهُ

١٥ - وَ نِزَ بَكَوْ : رَبِّيَ اللَّهُ ، حَسْبِيَ اللَّهُ ، عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ ، وَ هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ ، لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ ، مَا شَاءَ اللَّهُ كَانَ ، أَشْهَدُ وَ
أَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ، وَ أَنَّ اللَّهَ قَدْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا ، وَ آخِصِي كُلَّ شَيْءٍ عِدْدًا ، اٰللّٰهُمَّ ، إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ
شَرِّ نَفْسِي ، وَ مِنْ شَرِّ كُلِّ دَابَّةٍ رَّبِّي أَخَذَ بِنَاصِيَتِهَا ، إِنَّ رَبِّي عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ، اٰللّٰهُمَّ ، اءْمَسِي خَوْفِي مُسْتَجِيرًا بِاَمَانِكَ ، فَصَلِّ عَلَى
مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ آمَنِي ، فَإِنَّكَ لَا تُخَذِلُ مَنِ آمَنْتَهُ ، اٰللّٰهُمَّ ، اءْمَسِي جَهْلِي مُسْتَجِيرًا بِحِلْمِكَ ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ عَيِّدْ عَلَيَّ
بِحِلْمِكَ وَ فَضْلِكَ . إِلَهِي ، اءْمَسِي فَقْرِي مُسْتَجِيرًا بِغِنَاكَ ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ ارْزُقْنِي مِنْ فَضْلِكَ الْوَاسِعِ الْهَنِيِّ الْمَرِيِّ . إِلَهِي
، اءْمَسِي ذَنْبِي مُسْتَجِيرًا بِمَغْفِرَتِكَ ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ اغْفِرْ لِي مَغْفِرَةً عَزْمًا جَزْمًا لَا تُعَادِرُ ذَنْبًا وَلَا اءْزُتِكَبْ بَعْدَهَا مُحَرَّمًا . إِلَهِي ،
اءْمَسِي ذُلِّي مُسْتَجِيرًا بِعِزِّكَ ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ ، وَقَوِّ فِي رِضَاكِ ضَعْفِي . إِلَهِي ، اءْمَسِي وَجْهِي الْبَالِي الْفَانِي مُسْتَجِيرًا بِوَجْهِكَ
الدَّائِمِ الْبَاقِي الَّذِي لَا يَنبُلِي وَ لَا يَفْنَى ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ اجْزِنِي مِنَ عَذَابِ النَّارِ وَ مِنْ شَرِّ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ . اٰللّٰهُمَّ ، صَلِّ عَلَى
مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ افْتَحْ لِي بَابَ الْأَمْرِ الَّذِي فِيهِ الْيُسْرُ وَالْعَافِيَةُ وَ النِّجَاحُ وَ الرِّزْقُ الْكَثِيرُ الطَّيِّبُ الْحَلَالُ الْوَاسِعُ . اٰللّٰهُمَّ ، بَصِّرْنِي سُبُلَهُ ، وَ هَبْنِي
إِلَى مَخْرَجِهِ وَ مَنْ قَدَّرْتَ لَهُ مِنْ خَلْقِكَ عَلَيَّ مَقْدَرَةً بِسُوءٍ ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ اخْذُهُ عَنِّي مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ مِنْ خَلْفِهِ وَ عَنْ يَمِينِهِ وَ
عَنْ شِمَالِهِ وَ مِنْ فَوْقِهِ وَ مِنْ تَحْتِهِ ، وَ اءَلْجِمْ لِلسَّائِئِ ، وَ قَصِّرْ يَدَهُ ، وَ اءْخُرْجْ (٢٣٦) صَدْرَهُ ، وَ اَمْنَعُهُ اءَن يَصِلَ إِلَيَّ اءَوْ إِلَى اءَحَدٍ مِنْ اءَهْلِي
وَ مَنْ يَعْنِينِي اءُمْرُهُ اءَوْ شَيْءٍ مِمَّا خَوَّلْتَنِي وَ رَزَقْتَنِي وَ اءَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيَّ مِنْ قَلِيلٍ اءَوْ كَثِيرٍ بِسُوءٍ ، يَا مَنْ هُوَ اءَقْرَبُ إِلَيَّ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ ، يَا
مَنْ يُحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَ قَلْبِهِ ، يَا مَنْ هُوَ بِالْمُنْظَرِ الْأَعْلَى ، يَا مَنْ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ . يَا لَا إِلَهَ إِلَّا اءَأَنْتَ ، بِحَقِّ لَا إِلَهَ إِلَّا
ءَأَنْتَ ، إرْضَ عَنِّي ، يَا لَا إِلَهَ إِلَّا اءَأَنْتَ ، بِحَقِّ لَا إِلَهَ إِلَّا اءَأَنْتَ ، ثُبَّ عَلَيَّ . يَا لَا إِلَهَ

إِلَّا- اءَنْتَ ، بِحَقِّ لَا إِلَهَ إِلَّا اءَنْتَ ، اءَعْتَقْنِي مِنَ النَّارِ ، يَا لَا إِلَهَ إِلَّا اءَنْتَ ، بِحَقِّ لَا إِلَهَ إِلَّا اءَنْتَ ، تَفَضَّلْ عَلَيَّ بِقَضَاءِ حَوَائِجِي فِي دُنْيَايَ وَ آخِرَتِي ، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ . (۲۳۷) - پروردگار من خداست ، او مرا کافی است ، تنها بر او توکل نمودم ، و اوست پروردگار عرش عظیم الهی ، هیچ تحول و قدرتی نیست مگر به خداوند ، هر چه خدا خواست همان می شود ، گواهی می دهم و آگاهی دارم که براستی خداوند بر هر چیز تواناست ، و مسلماً علم خداوند به هر چیز احاطه نموده است ، و شماره هر چیزی را احصاء نموده است . خداوندا ، براستی به تو پناه می برم از شرّ نفسم ، و از شرّ هر جنبه ای که پروردگارم [موی] پیشانی او را برگرفته [و زمام اختیار او به دست خداست] ، بی گمان پروردگارم بر راه راست استوار است . خداوندا ، خوف و هراس من با پناهنده شدن به ایمنی بخشی تو شب نموده ، پس بر محمّد و آل او درود فرست و مرا ایمنی بخش ، زیرا هر کس را که تو امان دهی خوار و محروم نمی گردانی ، خداوندا ، نادانی من با پناهنده شدن به بردباری تو شب نموده ، پس بر محمّد و آل او درود فرست و با بردباری و تفضّل را بر من روی آر ، معبود من ، ناداری من با پناهنده شدن به غنای تو شب نموده ، پس بر محمّد و آل او درود فرست ، و از فضل روزی گسترده و لذیذ و گوارایت برخوردارم نما ، ای معبود من ، گناهم با پناهنده شدن به آموزش تو شب نموده ، پس بر محمّد و آل او درود فرست و مرا بیامرز ، آمرزشی حتمی و قطعی که هیچ گناهی را باقی نگذاری ، و بعد از آن هیچ حرامی را مرتکب نشوم . معبود من ، خواری و ذلّت من با پناهنده شدن به سرافرازی تو شب نموده ، پس بر محمّد و آل او درود فرست ، و در خشنودی خویش ناتوانی مرا نیرومند گردان . معبود من ، روی [و تمام وجود] پوسنده و نابود شونده ام با پناهنده شدن به روی [و اسماء و صفات] جاودانی و پاینده ات که هیچگاه از بین نمی رود و نابود نمی گردد شب نموده ، پس بر محمّد و آل او درود فرست ، و مرا از عذاب آتش جهنّم و از شرّ دنیا و آخرت در پناه خویش درآور . خداوندا ، بر محمّد و آل او درود فرست ، و دری را که در آن توانگری و تندرستی و کامیانی و روزی بسیار پاکیزه حلال و وسیع در آن است به روی من بگشای ، خداوندا ، مرا نسبت به راههای آن بینا گردان ، و راه بیرون آمدن از آن را برای من مهیا کن . و هر کدام از آفریدگانت را که قدرت دادی که به من بدی رساند ، پس بر محمّد و آل او درود فرست ، و او را در رابطه با من از پیشاپیش و از پشت ، و از سمت راست و از سمت چپ ، و از بالا و زیرش بگیر ، و زبانش را لگام بند ، و دستش را کوتاه نما ، و سینه و دلش را تنگ فرما ، و او را جلوگیری کن که به من یا به کسی از بستگانم و کسانی که امورشان مورد اهتمام من است ، و یا چیزی که تو به من عطا فرموده و روزی داده و بر من ارزانی داشته ای ، (چه اندک باشد و چه بسیار) بدی رساند ، ای کسی که نسبت به من از رشته رگ [گردن] نزدیکتر هستی ، ای کسی که میان انسان و دل او حایل می گردی [و از خود او به وی نزدیکتری] ، ای کسی که در تماشاگاه بالاتر قرار داری ، ای کسی که هیچ چیز مشابه تو نیست ، و تنها تو شنوا و آگاه می باشی . ای کسی که معبودی جز تو نیست ، به حقّ اینکه معبودی جز تو نیست ، از من خرسند باش ، ای کسی معبودی که جز تو نیست ، به حقّ اینکه معبودی جز تو نیست ، بر من رحم آر ، ای کسی که معبودی جز تو نیست ، به حقّ اینکه معبودی جز تو نیست ، توبه مرا بپذیر ، ای کسی که معبودی جز تو نیست ، به حقّ اینکه معبودی جز تو نیست ، مرا از آتش جهنّم آزاد فرما ، ای کسی که معبودی جز تو نیست ، به حقّ اینکه معبودی جز تو نیست ، تفضّل فرما و حوایج دنیوی و اخروی ام را برآورده ساز ، براستی که تو بر هر چیز توانایی .

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ عَدَدَ مَا خَلَقَ

۱۶ - همچنین بگو : اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ عَدَدَ مَا خَلَقَ ، وَ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ مِثْلَ مَا خَلَقَ ، وَ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ مِلْءَ مَا خَلَقَ ، وَ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ مِدَادَ كَلِمَاتِهِ ، وَ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ زَنَةَ عَرْشِهِ ، وَ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رِضَى نَفْسِهِ ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْحَلِيمُ الْكَرِيمُ ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ . سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِينَ وَ مَا بَيْنَهُمَا وَ رَبِّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ ، اَللّهُمَّ ، اِنِّیْ اَعُوْذُ بِكَ مِنْ دَرَكِ الشَّقَاءِ ، وَ اَعُوْذُ بِكَ مِنْ شَمَاتَةِ الْاَعْيَادِ ، وَ اَعُوْذُ بِكَ مِنَ الْفَقْرِ وَالْوَقْرِ ، وَ اَعُوْذُ بِكَ مِنْ سُوءِ الْمَنْظَرِ فِي الْاَهْلِ وَالْمَالِ وَالْوَلَدِ . - ستایش برای خداوند به شماره تمام آفریدگانش ، و ستایش برای

خدا مثل آنچه که آفریده است، و ستایش برای خدا به اندازه پُری آنچه که خلق فرموده، و ستایش برای خداوند به اندازه کشش کلمات [و موجودات] اش، و ستایش برای خداوند به اندازه وزن عرش الهی، و ستایش برای خداوند به اندازه خشنودی وجود او، معبودی جز خداوند بردبار بزرگوار نیست، معبودی جز خداوند بلند مرتبه بزرگ نیست، پاک و منزّه است خداوندی که پروردگار آسمانها و زمینها و تمام آنچه که در آن دو هستند، و پروردگار عرش عظیم می باشد. خداوند، براستی که من به تو پناه می برم از گرفتار شدن به بدبختی [یا رنج]، و به تو پناه می برم از شماتت دشمنان، و به تو پناه می برم از ناداری و هر بار سنگین، و به تو پناه می برم از بد منظری در رابطه با بستگان و دارایی فرزندانم. سپس ده بار بر پیامبر اکرم (ص) صلوات بفرست.

بِسْمِ اللَّهِ، بِاللَّهِ، وَ مِنْ اللَّهِ

۱۷ - و نیز بخوان دعایی را که روایت شده امام زین العابدین (ع) فرمود: اگر این کلمات را بگویم، دیگر باکی ندارم، هر چند تمام انس و جنّ علیه من گرد هم آیند، و آنها به این صورت است: بِسْمِ اللَّهِ، بِاللَّهِ، وَ مِنْ اللَّهِ، وَ إِلَى اللَّهِ، وَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، اَءَلَلَهُمْ، إِلَيْكَ اءَسْلَمْتُ نَفْسِي، وَ إِلَيْكَ وَجَّهْتُ وَجْهِي، وَ إِلَيْكَ فَوَّضْتُ اَمْرِي، فَاحْفَظْنِي بِحِفْظِ الْإِيمَانِ مِنْ بَيْنِ يَدَيَّ وَ مِنْ خَلْفِي وَ عَنْ يَمِينِي وَ عَنْ شِمَالِي وَ مِنْ فَوْقِي وَ مِنْ تَحْتِي، وَ اَدْفَعْ عَنِّي بِحَوْلِكَ وَ قُوَّتِكَ، فَإِنَّهُ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ. - به نام خدا، به [وسیله] خدا، و از خدا، و به سوی خدا، و در راه خدا، خداوند، خود را تنها به تو سپردم، و روی [و تمام وجود]م را تنها به سوی تو نمودم، و امورم را فقط به تو واگذار نمودم، پس با حفظ ایمان مرا از پیشاپیش و از پشت و از راست و چپ و از بالا و زیر نگاه دار، و به حول و قدرت خویش [شیطان و تمام دشمنان] را از من دور بدار، زیرا مسلماً هیچ تحوّل و قدرتی نیست مگر به خداوند بلند پایه بزرگ.

اَلْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا

۱۸ - و نیز بخوان دعایی را که روایت شده که حضرت ابالحسن امام کاظم (ع) می فرمود: هنگام شام و غروب آفتاب و پشت کردن روز شب کردی بگو: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، اَلْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ، اَلْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي يَصِفُ وَلَا يُوصَفُ، وَ يَعْلَمُ وَلَا يُعْلَمُ، يَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَ مَا تُخْفِي الصُّدُورَ. وَ اَعُوذُ بِوَجْهِ اللَّهِ الْكَرِيمِ وَ بِاسْمِ اللَّهِ الْعَظِيمِ مِنْ شَرِّ مَا ذَرَأَ وَ بَرَأَ، وَ مِنْ شَرِّ مَا تَحْتِ الثَّرَى، وَ مِنْ شَرِّ مَا ظَهَرَ وَ بَطَنَ، وَ مِنْ شَرِّ مَا كَانَ فِي اللَّيْلِ وَ النَّهَارِ، وَ مِنْ شَرِّ اَبِي مَرَّةٍ وَ مَا وَلَدَ، وَ مِنْ شَرِّ الرَّسَاسِ، وَ مِنْ شَرِّ مَا وَصَفْتُ وَ مَا لَمْ اَصِفْ. اَلْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ. - به نام خداوند رحمت گستر مهربان، ستایش خداوندی را که هیچ کس را به فرزندی نگرفته، و هیچ شریکی در فرمانروایی و سلطنت ندارد، ستایش خداوندی را که توصیف می کند ولی توصیف نمی شود، و می داند و کسی نمی تواند چیزی را به او بیاموزد، از خیانت چشمها و آنچه که دلها آن را می پوشاند آگاه است، و پناه می برم به روی [و اسماء و صفات] بزرگوار خداوند، و به نام بزرگ خداوند، از شرّ تمام آنچه که آفریده و خلق نمود، و از شرّ آنچه که در زیر خاک است، و از شرّ آنچه که آشکار و یا پنهان است، و از شرّ آنچه در شب و روز است، و از شرّ ابی مرّه و فرزندان او، و از شرّ رسیس و از شرّ آنچه که توصیف نمودم و یا توصیف ننمودم، ستایش برای خداوندی که پروردگار عالمیان است. و فرمود: آنها [یعنی ابی مرّه و رسیس و ..] از درندگان و از شیطانهای رانده شده و از ذریه وی هستند. توضیح برخی از عبارات دعای گذشته صاحب صحاح آورده که: ابن قُتَره - با کسر قاف و تاء دو نقطه بر روی آن - مار خبیث است (۲۳۸)؛ بنابراین، ممکن است که مقصود از این دعا، پناه بردن از شرّ آن باشد؛ و نیز امکان دارد که مقصود ابلیس و ذریه آن باشد و حضرت آن را به مار خبیثی که ذکر شد، تشبیه فرموده باشد؛ در بعضی از نسخه ها نیز ابی مرّه آمده که آن به صواب نزدیک تر است؛ زیرا این دعا پناه بردن به خدا از شیطان و ذریه اوست، و دیگر اینکه هیچگاه ابوقتره استعمال نمی

شود بلکه می گویند: ابوتره، چنانکه شیخ طوسی در مصباح کبیر (۲۳۹) در دعا و حرز روز چهارشنبه به این صورت ذکر نموده است. اما درباره اینکه فرمود و مِنْ شَرِّ الرَّسَيسِ، صاحب صحاح (۲۴۰) آورده که: رُسُّ الْمَيِّتِ یعنی میت در قبر گذاشته شد، و رَسٌّ و قَدْ رَسَّ شَيْءٌ بَيْنَهُمْ نیز به معنای آشتی دادن مردم، و همچنین به معنای افساد و دو به هم زنی آمده و از اَضْدَاد است، و شاید مقصود از آن پناه بردن از فساد و تباهی و از مرگ و امور مربوط به آن باشد.

مجموعه دعا‌های سر (۲۴۱)

۱۹ - از جمله دعا‌های سر این است: ای محمد، هر کس از گزند موجودات خزنده زمینی مانند درنده و حشرات [یا: مارهای سمی و خطرناک افعی] بترسد، در مکانی که بیم وجود آن می رود بگوید: یا ذاریء ما فی الارض منها، لِعَلِّمَكَ بما یَکُونُ مِمَّا ذَرَأْتَ، لَكَ السُّلْطَانُ عَلَى كُلِّ مَنْ دُونَكَ، اِنِّیْ اَعُوْذُ بِعِزَّتِكَ وَقُدْرَتِكَ عَلَى كُلِّ شَیْءٍ مِنَ الضَّرِّ فی بَدَنِیْ مِنْ سَبْعِ اَعْوِ هَامَۃٍ اَوْ عَارِضٍ مِنْ سَائِرِ الدَّوَابِّ، یا خَالِقِهَا بِفِطْرَتِهِ، اِرْزَاۤءُهَا عَنِّیْ، وَاَحْجِزْهَا وَلا تَسْلُطْ عَلَیَّ، وَعَافِنِیْ مِنْ شَرِّهَا وَبَآءِ سِیْئِهَا، یا اَیُّهَا اللهُ، یا ذَا الْعِلْمِ الْعَظِیْمِ، حُطَّنِیْ بِحِفْظِکَ مِنْ مَخَافِیْ، یا رَحِیْمُ. - ای خداوندی که تمام آنچه را که از آنها [یعنی درندگان و حشرات خطرناک و مارها] آفرید، به خاطر علم و آگاهی ات به آنچه که از سوی آفریدگانت انجام می پذیرد، که تنها تو بر تمام موجودات غیر خود سلطنت و فرمانروایی داری، براستی که من پناه می برم به عزت و قدرتی که تو بر هر چیز داری، از آسیب در بدنم، از هر درنده یا حشرات خطرناک و سمی و مار یا هر عارضه ای از سایر جنبنندگان، ای خدایی که با نوآفرینی خویش آنها را آفریدی، آنها را از من دور کن و جلوگیری فرما و بر من مسلط مگردان، و از شر و عذاب آن عافیت بخش. ای خدا، ای کسی که صاحب آگاهی عظیم هستی، به حفظ و نگاهداری خویش مرا از تمام آنچه که بیم و هراس دارم، حفظ فرما، ای مهربان. ای محمد، هر کس از اُمت تو خواهان آن باشد که من از او نگاهداری نموده و یاری کنم، هنگام صبح و شام و وقت خوابیدن بگوید: اَمَنْتُ بِرَبِّیْ، وَ هُوَ اللهُ الَّذِیْ لَا اِلهَ اِلَّا هُوَ اِلَهٌ كُلُّ شَیْءٍ، وَ مُنْتَهٰی كُلِّ عِلْمٍ وَ وَاِرْتِهٖ، وَ رَبُّ كُلِّ شَیْءٍ. رَبِّ، اَشْهَدُ اللهَ عَلٰی نَفْسِیْ بِالْعُبُوْدِیَّهِ وَالذُّلِّ وَالصَّغَارِ، وَ اَعْتَرَفُ بِحُسْنِ صِنَاعِیْكَ اللهُ اِلٰهَیْ، وَ اَعْبُوْءُ عَلٰی نَفْسِیْ بِقَلْبِ الشُّکْرِ لَهٗ، وَ اَسْأَلُ اللهَ فِیْ یَوْمِیْ هَذَا وَ لَیْلَتِیْ هَذِهِ، بِحَقِّ مَا یَرَاهُ لَهٗ حَقًّا عَلٰی مَا یَرَاهُ بِهٖ مِنْیْ لَهٗ رِضٰی، اِیْمَانًا وَ اِخْلَاصًا وَ رِزْقًا وَ اِسْعًا وَ اِیْقَانًا بِلا شَکٍّ وَ لَا اِزْتِیَابٍ. حَسْبِیْ اِلَهٰی مِنْ كُلِّ مَنْ دُوْنَهٗ، وَ اللهُ وَ کِیْلِیْ عَلٰی كُلِّ مَنْ سِوَاهٖ. اَمَنْتُ بِسِرِّ عِلْمِ اللهِ وَ عَلَانِیَّتِهِ، وَ اَعُوْذُ بِمَا فِیْ عِلْمِ اللهِ کُلِّهِ مِنْ کُلِّ سُوءٍ. شَیْحَانِ الْعَالَمِ بِمَا خَلَقَ، اِلَّا لِلطِّیْفِ فِیْهِ، اَلْمُخَصِّیْ لَهٗ، اَلْقَادِرُ عَلَیْهِ، مَا شَاءَ اللهُ، لَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ، اَسْتَغْفِرُ اللهَ، وَ اِلَیْهِ الْمَصِیْرُ. - ایمان آوردم به پروردگارم، و او همان خدایی است که معبودی جز او نیست و معبود هر چیز و منتهای هر دانش و وارث آن و پروردگار هر چیز است، پروردگارا، تو را گواه می گیرم که نفسم بنده و ذلیل و کوچک توست، و به کارهای نیک و عطایایی که خداوند نسبت به من ارزانی داشته اعتراف می نمایم، و نیز بر کمی شکر و سپاسگزاری ام در برابر آن اعتراف می نمایم، و در این روز و در این شب، به حق تمام آنچه که حقّی برای او قایل است نسبت به تمام آنچه که به واسطه آن از من برای او خشنودی و خرسندی می طلبد، از خداوند، ایمان و اخلاص و روزی وسیع و یقین بدون شک و دودلی را خواهانم. معبود من از تمام آنچه که مادون او هستند برای من کافی است، و خداوند وکیل و کارگذار من است بر تمام ماسوای خود. ایمان آوردم به سرّ و آشکار علم الهی، و پناه می برم به تمام آنچه که در علم خداست از تمام بدیها. پاک و منزّه است خداوندی که نسبت به آنچه که آفریده آگاه، و لطیف، و شمارنده و قادر است. آنچه خدا خواست [همان می شود]، هیچ قدرتی نیست مگر به خدا، از خداوند آمرزش می طلبم، و بازگشت همه تنها به سوی اوست. زیرا هرگاه این کلمات را بگویند، او را در میان مخلوقات صاحب جاه و منزلت گردانیده، و دل‌های آنان را نسبت به وی مهربان می گردانم، و دین او را محفوظ می دارم. ای محمد، هر کس از اُمت تو بخواهد که هیچ کس تسلط بر او نداشته باشد، و من او را از شرور و بدیها کفایت نمایم، بگوید: یا قَاضِیَا عَلٰی الْمُلْکِ لِمَا دُوْنَهٗ، وَ مَانِعَا مِنْ دُوْنِهِ نَزَلَ کُلُّ

شَيْءٍ مِنْ مُلْكِهِ ، وَ يَا مُعْنَى أَهْلِ التَّقْوَى بِإِمَاطَتِهِ الْأَذَى فِي جَمِيعِ الْأُمُورِ عَنْهُمْ ، لَا تَجْعَلْ وَلَا يَتَى فِي الدِّينِ وَالْدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ إِلَى أَحَدٍ سِوَاكَ ، وَاشْفَعْ بِنَوَاصِي أَهْلِ الْخَيْرِ كُلِّهِمْ إِلَيَّ ، حَتَّى آتَانَا مِنْ خَيْرِهِمْ خَيْرُهُ ، وَ كُنْ لِي عَلَيْهِمْ فِي ذَلِكَ مُعِينًا ، وَ خُذْ لِي بِنَوَاصِي أَهْلِ الشَّرِّ كُلِّهِمْ ، حَتَّى أَعْفَى مِنْ شَرِّهِمْ كُلِّهِمْ ، وَ كُنْ لِي مِنْهُمْ فِي ذَلِكَ حَافِظًا ، وَ عَنِّي مُدَافِعًا مُعِينًا ، حَتَّى أَكُونَ آمِنًا بِأَمَانِكَ . -

ای خداوندی که نسبت به مادون خود فرمان می رانی ، و جز خویش را از نیل به فرمانروایی و سلطنت جلوگیری می نمایی ، و ای کسی که بادور کردن آسیب و اذیت از اهل تقوی در تمام امور ، ایشان را بی نیاز می گردانی ، سرپرستی مرا در امور دینی و دنیوی و اخروی به هیچ کس غیر خودت قرار مده ، و [موی] [پیشانی] [و زمام امور] همه اهل خیر را به سوی من بگیر و بکش ، تا اینکه به خیر آنان نایل گردم ، و مرا نسبت به آنان در این باره یاری فرما ، و [موی] [پیشانی] [و زمام امور] تمام اهل شر در رابطه من بگیر ، تا اینکه از همه شرور آنان در عافیت باشم ، و در این باره خود نگاهدار من باش ، و از من دفاع نموده و یاری فرما ، تا اینکه به امان تو ایمن و آسوده گردم . زیرا هرکس این کلمات را بگوید ، کید و مکر مکاران و فریبکاران به او آسیبی نمی رساند ، و مسلماً من خود به او ایمنی می بخشم . ای محمد ، به کسانی که خواهان قرب و نزدیکی جستن به من هستند ، بگو : یقیناً بدانید که این کلام ، برترین چیزی است که شما بعد از انجام واجبات می توانید به وسیله آن به سوی من نزدیکی بجوید ، به این صورت که بگویند : اَللّٰهُمَّ ، اِنَّهُ لَمْ يُمْسِ اَحَدٌ مِنْ خَلْقِكَ اَعْلَمُ اَنَّهُ مُقَصِّرٌ فِي مَعْرِفَتِكَ وَ طَاعَتِكَ مِثْلَ تَقْصِيرِي ، اَنْتَ اِلَيْهِ اَعْخَسُ صُنْعًا ، وَ لَا لَهُ اَدْوَمُ كَرَامَةً ، وَ لَا عَلَيْهِ اَعْيُنٌ فَضْلًا ، وَ لَا بِهِ اَشَدُّ تَرْفُقًا ، وَ لَا عَلَيْهِ اَشَدُّ حَيْطَةً ، وَ لَا عَلَيْهِ اَشَدُّ تَعْطُفًا مِنْكَ عَلَيَّ ، وَ اِنْ كَانَ جَمِيعُ الْمَخْلُوقِينَ يُعَدُّونَ مِثْلَ تَعْدِيدِي ؛ فَاشْهَدْ يَا كَافِيَ الشَّهَادَةِ ، اَنْنِي اَشْهَدُكَ بِبَيَّتِهِ صِدْقٍ بَاءَنَّ لَكَ الْفَضْلَ وَالطُّوْلَ فِي اِنْعَامِكَ عَلَيَّ وَ قَلْبِهِ شُكْرِي لَكَ عَلَيْهَا ، يَا فَاعِلَ كُلِّ مَا اَرَادَهُ ، طَوْفَنِي اَمَانًا مِنْ حُلُولِ سَخَطِكَ فِيهَا لِقَلْبِهِ الشُّكْرُ ، وَ اَوْجِبْ لِي زِيَادَةً مِنْ اِتِّمَامِ النِّعْمَةِ بِسِعَةِ الرَّحْمَةِ ، اَنْظِرْنِي خَيْرَكَ ، لَا- تُقَايِسْنِي بِسُوءِ سَرِيرَتِي ، وَ اَمْتَحِنْ قَلْبِي لِرِضَاكَ ، وَ اجْعَلْ مَا تَقَرَّبْتُ بِهِ اِلَيْكَ فِي دِينِكَ خَالِصًا ، وَ لَا تَجْعَلْهُ لِلزُّومِ شُبْهَةً وَ لَا فَخْرٍ وَ لَا رِيَاءٍ يَا كَرِيمُ . - خداوندا ، براستی که هیچ کدام از مخلوقات را نمی شناسم که بسان کوتاهی من در شناخت و طاعتت شب نموده باشد و تو نسبت به او نیکویی نموده و پیوسته بر او کرامت فرموده ، و بروشنی تفضل فرموده ، و به شدت مورد رفق و مدارای خویش قرار داده ، و سخت از او محافظت نموده ، و بر او به شدت عطوفت و مهربانی نموده باشی ، هر چند همه مخلوقات مثل برشمردن من ، نعمتهایت را به شمار درآورند [و بدان اعتراف نمایند] ، پس ای کسی که گواهی تو کافی است ، خود گواه باش که براستی من با نیت صادقانه تو را گواه می گیرم که بی گمان تو نسبت به من تفضل نموده و انعامت را بخشیدی ، و من کم شکر آن را نمودم ، ای خدایی که هر چه را بخواهی انجام می دهی ، ایمنی از مشمول ناخشنودی و غضب تو قرار گرفتن به واسطه کمی سپاسگزاری ام را بر گردنم بیآویز ، و به واسطه رحمت و وسعت مرا مستوجب افزونی ای از نعمت کاملت بگردان ، و مهلت استفاده از خیرات را به من بده . و به واسطه بدی باطنم ، مرا مورد مقایسه و سنجش [و محروم کردن از نعمت] رفتار منما ، و دلم را برای پذیرش خشنودی ات بگشای ، و اعمالی را که بر اساس دین تو برای نیل به قربت انجام دادم خالص گردان ، و آن را ملازم شبهه و فخر و ریاء مگردان . ای بزرگوار . زیرا هرگاه این کلمات را بگوید ، تمام اهل آسمانها او را دوست داشته و وی را شکور و بسیار سپاسگزار می نامند . ای محمد ، هرکس از امت تو بخواهد که هیچ مانعی میان من و او نباشد ، و هرچه را که خواست - خواه بزرگ باشد یا کوچک ، در نهان باشد و یا در آشکارا ، به من حاجت داشته باشد یا به غیر من - اجابت نمایم ، بگوید : آنچه را که ما پیش از این در اواخر تعقیب جزء اول این کتاب ذکر نمودیم ، و در آنجا برای عمل به آن ترغیب و تشویق نمودیم - که در اینجا از ذکر آن خودداری می کنیم - به این صورت که بگوید : يَا اَللّٰهُ الْمَانِعُ قُدْرَتُهُ خَلْقَهُ ، وَ الْمَالِكُ بِهَا سُلْطَانَهُ ، وَ الْمُتَسَلِّطُ بِمَا فِي يَدَيْهِ ، كُلُّ مَوْجُودٍ دُونَكَ يُحْيِي رَجَاءَ رَاحِيهِ ، وَ رَاجِيكَ مَسْرُورٌ لَا يَخْشِي ، اِشَاءَ لَكَ بِكُلِّ رِضَى لَكَ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ اَنْتَ فِيهِ ، وَ كُلِّ شَيْءٍ تُحِبُّ اَنْ تُدَكَّرَ بِهِ ، وَ بِكَ يَا اَللّٰهُ ، فَلَيْسَ يَغْدُلُكَ شَيْءٌ ، اَنْ تَحُوْطَنِي وَ الْوَالِدَيَّ وَ وُلْدِي وَ مَالِي ، وَ تَحْفَظَنِي بِحِفْظِكَ ، وَ اَنْ تَقْضِيَ حَاجَتِي فِي كَذَا وَ كَذَا . - ای خداوندی که قدرتت مخلوقات را مانع گردیده

است، و سلطنت آنها را در ملک خویش درآورده، و به آنچه که در حضور توست، مسلط هستی، هر موجودی غیر از تو امید و ارانش را نومید می گرداند، ولی کسی که به تو امید دارد، نومید و محروم نمی گردد، از به تمام خشنودیهای که از تمام اشیاء داشته ای، و تمام اموری را که دوست می داری به آن یاد شوی، و به تو ای خدا که هیچ چیز همتای تو نیست، خواهانم که مرا و پدر و مادر و فرزندان و اموالم را به حفظ خویش محافظت و نگاهداری نمایی، و حاجتم را درباره ... و برآورده فرمایی. زیرا هر کس این را بگوید، پیش از آنکه از انتقال که در آن دعا خوانده، حاجت او را برآورده می نمایم.

اَللّٰهُمَّ، مَا قَصَرْتُ عَنْهُ مَسْئَلَتِي

۲۰- و نیز بگوید: اَللّٰهُمَّ، مَا قَصَرْتُ عَنْهُ مَسْئَلَتِي، وَ عَجَزْتُ عَنْهُ قُوَّتِي، وَ لَمْ تَبْلُغْهُ فِطْنَتِي، تَعَلَّمْ فِيهِ صِلَاحَ امْرِ آخِرَتِي وَ دُنْيَايَ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ اَفْعَلْهُ بِيْ بِلَا- اِلَهَ اِلَّا- اَنْتَ، بِحَقِّ لَا- اِلَهَ اِلَّا اَنْتَ، بِرَحْمَتِكَ فِي عَافِيَةٍ. سُبْحَانَ اللهِ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُوْنَ، وَ سَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِيْنَ، وَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِيْنَ. - خدایا، هر چه را که درخواست من از آن کوتاه و نیرویم ناتوان گردیده، و هوش و ذهنم به آن نمی رسد، و تو می دانی که صلاح امر آخرت و دنیای من در آن است، پس بر محمد و آل محمد درود فرست، و آن را به واسطه رحمت خویش همراه با عافیت برای من بکن، به [واسطه] اینکه معبودی جز تو نیست، به حقّ اینکه معبودی جز تو نیست، پاک و منزّه است خداوندی که پروردگار [صفت] عزّت و سربلندی است از آنچه که او را بدان توصیف می نمایند، و سلام بر پیامبران فرستاده شده، و ستایش برای خداوندی که پروردگار عالمیان است.

پایان بردن روز با استغفار

۲۱- اینکه می گویم: شایسته است که محاسبه روز را به هر اندازه از استغفار که توان آن را داری به پایان ببری، زیرا روایت شده که امام صادق (ع) فرمود: رسول خدا(ص) فرمود: خوشا به حال کسی که در نامه عمل او در روز قیامت در زیر هر گناه، اَسْتَغْفِرُ الله دیده شود.

حالت توجّه و توسّل در پایان روز

۲۲- و نیز ناگفته نماند که: اگر در هنگام محاسبه دو فرشته نگاهبان، باطنت صادق و نیت خالص باشد که در سفری که از ابتدای هستی و پیمودن راه به سوی روز موعودت داری، میهمان خدا، یا میهمان پیامبر اکرم (ص)، یا میهمان یکی از ائمه (علیهم السلام) هستی، و نیز در حکم ضیافت بر سر سفره های آن رحمت و مهربانی صادق باشی، پس بر آن دو فرشته سلام می گویی، سلامی همراه با تصدیق و تسلیم، یا بسان سلام رفیق بر رفیق خود، و هنگام محاسبه با زبان ادب و مراقبه می گویی: من میهمان خداوند - جلّ جلاله -، یا میهمان رسول خدا (ص)، یا میهمان افرادی از خواصّ و اولیای خدا هستم که در ضیافت خداوند، و میهمان در حکم میهماندار است، و نسبت من به کسی که در حکم ضیافت و میهمانی اویم واگذار شده است؛ پس شما دو فرشته، نامه عمل مرا از دست کسی که من در پناه و تحت حمایت و بر سر سفره اش هستم، بگیرید. و نیز توجّه داری که شایسته است میهماندار، از رسوایی و خواری و تمام آسیبهایی که به میهمان می رسد جلوگیری کند، زیرا میهمان به رسمان او چنگ زده، آیا نشنیده ای که حضرت لوط (ع) فرمود: وَلَا تُخْزَوْنِ فِي ضَيْفِي (۲۴۲) - و در رابطه با میهمانم، مرا رسوا ننمایید. پس امید است که خداوند - جلّ جلاله - به خاطر بزرگداشت کسی که تو در ضیافت اوئی، بر نامه عمل تو قلم عفو کشیده و آن را از رحمتش پُر کند؛ یا اینکه میهماندار شفاعت تو را بنماید و خداوند - جلّ جلاله - به واسطه شفاعت او تو را مورد عفو و گذشت خویش قرار دهد.

خدا حافظی از دو فرشته روز

۲۳ - سپس چنانکه در آغاز روز بر آن دو فرشته نگاهبان اعمال سلام دادی ، آن دو وداع و خدا حافظی کرده و آنها را به خداوند - جلّ جلاله - می سپاری ، و با مصاحبت نیکو در ظاهر و باطن از آنها جدا می شوی ، به خاطر اینکه خداوند - جلّ جلاله - حفظ احترام فرستادگان و نگاهبانانش را واجب فرموده است . و همه اینها را به نیت خدمت و بندگی خداوند - جلّ جلاله - و اینکه از جمله عبادتهای اوست انجام می دهی . ۲۴ - اعمال مربوط به هنگام داخل شدن در مسجد تا هنگام وارد شدن در نماز ، در فصل چهاردهم گذشت ، پس هرگاه خواستی نماز مغرب ، یا مغرب و عشا را در مسجد بخوانی ، به آنچه گذشت عمل کن .

فصل بیست و سوم : کیفیت ملاقات با دو فرشته نگاهبان بر اعمال و نحوه انجام نماز مغرب

اهمیت استقبال از دو فرشته نگاهبان اعمال

ای بنده ، اگر مسلمان بوده و به قرآن باور داشته باشی ، یقیناً در دل خویش ، اعتقاد و تصدیق فرمایش خداوند - جلّ جلاله - را می یابی ، آنجا که می فرماید : **إِنَّ عَلَيْكُمْ لَحَافِظِينَ ، كَرَامًا كَاتِبِينَ (۲۴۳)** - براستی که بر شما نگاهبانانی گمارده شده ، که بزرگوارانی هستند که [اعمال شما را] می نویسند . و همان گونه که اگر بدانی از سوی بعضی از پادشاهان دنیا - که از بندگان پادشاه عالمیان هستند - پیکری به سوی تو خواهد آمد ، خود را برای ورود آن آماده می کنی ، برای فرا رسیدن آن دو فرشته نیز خود را آماده می کنی ، و ورود و حضور آن دو ، اهمیتی در دلت پیدا می کنند که به وسیله آن می توان بر تصدیق تو به سرور فرستادگان خدا (ص) رهنمون شد ، زیرا برخی از بندگان عارف خداوند - جلّ جلاله - هستند که با اسباب و وسایلی که به عبارت و بیان نمی توان آن را دریافت ، از وقت حضور و بازگشت آن دو فرشته در شام و صبح آگاه می گردند ، بلکه اگر خداوند - جلّ جلاله - بخواهد می تواند تو را نیز از آن آگاه گرداند تا اینکه بروشنی آن را بدانی ، زیرا او - جلّ جلاله - به کسانی که پیرامون تقسیم رحمتها بر او خرده می گیرند ، می فرماید : **أَهُمْ يَقْسِمُونَ رَحْمَةَ رَبِّكَ؟ نَحْنُ قَسَمْنَا بَيْنَهُمْ مَعِيشَتَهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا ، وَرَفَعْنَا بَعْضَهُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ . (۲۴۴)** - آیان آنان رحمت پروردگارت را تقسیم می کنند ، ماییم که روزی و گذران زندگی آنان را در زندگانی دنیا تقسیم نموده ، و درجات و پایه های برخی را بالاتر از بعضی دیگر قرار دادیم . ولی اگر در آغاز شب و یا روز ، اهمیتی در قلب خویش برای آن دو فرشته نگاهبان نیافتی ، نسبت به درمان دین و عقل خود دست توّل به خداوند - جلّ جلاله - بزن ، که در این صورت مسلماً از لحاظ دین و یقین و قلب و باطن مریض هستی . و مبادا بگویی : من با فلانی و فلانی را بوده و شبانه روز با آنها مصاحبت نموده ام ، ولی ندیده ام که آنان نسبت به این دو فرشته اهتمام و توجه داشته و ارزشی برای آنها قایل باشند؛ زیرا اگر به کتاب و رسول خدا باور داشته باشی ، به اهل غفلت التفات نکرده ، و به آنان اقتدا نمی کنی ، و تنها به آنچه که عقلاً و نقلاً ثابت است عمل می کنی ؛ زیرا بیشتر مردم در این زمانه در غفلت هولناکی هستند که خداوند - جلّ جلاله - به آنان لطف فرموده و با عنایاتی که او - جلّ جلاله - شایسته آن است غفلت آنان را جبران نموده است . پیش از این ، تو را بر حقیقت آنچه که هنگام وداع این دو فرشته در وقت غروب آفتاب گفته می شود ، آگاهانیدیم ، و آن را با استفاده عقل و نقل روشن ساختیم ، و آن حجت خداوند علام الغیوب است بر هرکسی که به او رسیده باشد .

کیفیت ملاقات و سلام به دو فرشته نگاهبان بر اعمال

اینک می گویم : پس هرگاه سرخی آفتاب از اُفق مشرق - البتّه با نبود موانع مشاهده آن - برطرف شد ، یا در هنگام وجود موانعی

نحوه سپردن اعمال قضا شده به فرشتگان

دعای وقت شنیدن اذان صبح و مغرب

دعای بعد از فراغت از اذان

www.noorfatemah.org

یا مَنْ لَيْسَ لَهُ وَزِيرٌ يُعْشَى ، یا مَنْ لَيْسَ لَهُ بَوَّابٌ يُنَادِي ، یا مَنْ لَا يَزِدَادُ عَلَى كَثْرَةِ الشُّؤْلِ إِلَّا كَرَمًا وَجُودًا ، یا مَنْ لَا يَزِدَادُ عَلَى عِظَمِ الْجُزْمِ إِلَّا رَحْمَةً وَ عَفْوَاً ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ ، وَافْعَلْ بِي مَا أَعْنَتْ أَهْلُهُ ، فَإِنَّكَ أَهْلُ التَّقْوَى وَ أَهْلُ الْمَغْفِرَةِ ، وَ أَأَنْتَ أَهْلُ الْجُودِ وَ الْخَيْرِ وَ الْكَرَمِ . - ای خداوندی که پروردگاری همراه تو وجود ندارد تا خواننده شود ، ای خدایی که آفریننده ای برتر و بالایی تو نیست که از او نرسیده شود ، ای خداوندی که معبودی غیر تو که انسان از او بیم و هراس داشته و پرهیز نماید ، وجود ندارد و ای خدایی که وزیری نداری که تو را پنهان نگاه دارد ، ای خدایی که دربانی نداری تا آن [به جای تو] خوانده شود ، ای کسی که بسیار درخواست نمودن جز بر بزرگواری و بخشش تو نمی افزاید ، ای خدایی که بزرگی جرم و گناه جز بر رحمت و گذشت تو افزون نمی کند ، بر محمد و آل محمد درود فرست ، و آنچه را که خود سزاوار آن هستی با من بکن ، که تو اهل تقوی و نگاهداری و اهل آرمزش هستی ، و تو زینده بخشش و خیر و بزرگواری می باشی . توضیح دو نکته پیرامون حدیث گذشته الف - آنچه که روایت این دعا متضمن آن است که مولایمان امام صادق (ع) بعد از اذان مغرب جلوس فرمودند ، معلوم است که آن بزرگوار در تمام اوقات حقیقتاً به اسرار الهی - جلّ جلاله - آشناتر هستند ، ولی روایاتی نقل شده که مضمون آن این است که : [بهتر است که بین اذان و اقامه نماز مغرب نشینند ، و ظاهر عمل گروهی از اهل توفیق نیز بر آن استوار است ، ولی شاید نشستن بین اذان و اقامه مغرب گاهی از اوقات ، و یا برای گروهی مخصوص افضل باشد . ب - اینکه حضرت - صلوات الله علیه - فرمود : این دعای مولایمان امیرالمؤمنین (ع) بود در شبی که در رختخواب رسول خدا (ص) خوابیدند منافاتی با دعای [لَيْلَةُ] الْمَمِيَّتِ که پیش از این (۲۴۵) ذکر و نقل نمودیم ندارد ، بلکه امکان دارد که مولایمان امیرالمؤمنین (ع) به حسب حدیث منقول ، به هر دو صورت دعا نموده باشند .

کیفیت اقامه و نماز مغرب

وقتی بنده از اعمال بعد از اذان - که در اذان ظهر گذشت - و از دعایی هم اکنون یادآور شدیم فراغت پیدا کرد ، باید برای گفتن اقامه بپا خیزد ، و آن را با توضیحی که گذشت بگوید ، و بعد از آن به کیفیتی که گفتیم و روایت نمودیم ، دعا کند . اینک می گویم : اگر عادت به سهو در نماز مغرب داشته باشد ، باید در رکعت اول و دوم از آن ، سوره هایی را که قرائت کند که عمر بن یزید می گوید به محضر امام صادق (ع) از سهو کردن در نماز مغرب شکایت نمودم . حضرت فرمود : آن را با قرائت سوره قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ ، وَ قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ بجا آور ، و من چنین کردم ، و آن موضوع رفع شد . سپس با تکبیرهای هفتگانه و دعاهای آن به همان صورتی که پیش از این ذکر نمودیم توجه نموده ، و نیت کند که : نماز واجب مغرب را به صورت ادا و به جهت وجوبش و برای اینکه بدین وسیله عبادت خداوند - جلّ جلاله - بنمایم ، از آن جهت که او زینده پرستش است ، بجا می آورم . و تکبیره الاحرام را - که از جمله تکبیرات هفتگانه است - بگوید ، و سه رکعت را به صورت نماز ظهر و بر همان ترتیبی که شرح دادیم بجا آورد ، جز اینکه حمد و سوره را در دو رکعت اول و دوم در اینجا بلند و به صورت جهری قرائت می کند ، و در رکعت سوم سوره حمد را با حالت اخفات و آهسته می خواند (۲۴۶) و هنگامی که دو سجده رکعت سوم انجام داد بر نمی خیزد ، بلکه به همان صورت که در تشهد باید نشست می نشیند ، و به همان صورتی که در تشهد دوم نماز ظهر ذکر نمودیم تشهد بجا می آورد ، و سلام می گوید .

تعقیبات مخصوص نماز مغرب

۱ - سپس به همان صورتی که در روایت آمده سجده شکر بجا می آورد . علی بن جهم می گوید : حضرت ابوالحسن موسی (ع) را دیدم که بعد از خواندن سه رکعت نماز مغرب ، سجده نمود . عرض کردم : فدایت گردم ، دیدم که شما بعد از خواندن سه

رکعت نماز مغرب سجده نمودید، فرمود: مرا دیدی؟ عرض کردم: بله. فرمود: پس آن را ترک مکن، زیرا دعا در آن حالت مستجاب می گردد. ۲- وقتی سلام نماز مغرب را گفت، دستهایش را همراه با گفتن تکبیرهای سه گانه بالا می برد، و دعاها و تسبیح حضرت زهرا (علیها السلام) و تعقیبات مهمی را که بعد از نمازهای واجب بجا آورده می شود و ما مشروحاً آن را ذکر نمودیم، می گوید. ۳- سپس دو فرشته نگاهبان را مورد خطاب قرار داده و می گوید آنچه را که در روایت آمده که امام صادق (ع) فرمود: در هر شب و صبح در تعقیب نماز واجب مغرب و نماز صبح ده بار بگو: اَسْتَغِيْذُ بِاللّٰهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيْمِ. - از شیطان رانده شده، به خدا پناه می برم. سپس بگو: اَءَكْتَبَا رَحِمَكُمَا اللّٰهُ: بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ، اَسْتَغِيْثُ وَاَسْتَعِيْذُ بِاللّٰهِ مُؤَمِّنًا، عَلٰى دِيْنِ مُحَمَّدٍ (ص) وَاَسْتَغِيْثُ وَاَسْتَغِيْثُ (ع) وَاَسْتَغِيْثُ. وَاَسْتَغِيْثُ دِيْنِ فَاطِمَةَ (علیها السلام) وَاَسْتَغِيْثُ، وَاَسْتَغِيْثُ دِيْنِ الْاَوْصِيَاءِ (علیها السلام) وَاَسْتَغِيْثُ، اَمْنُتُ بِسِرِّهِمْ وَاَعْلَانِيَّتِهِمْ، وَاَسْتَغِيْثُ وَاَسْتَغِيْثُ، اَسْتَغِيْذُ بِاللّٰهِ فِيْ لَيْلَتِيْ هَذِهِ وَاَسْتَغِيْذُ بِمِمَّا اسْتَعَاذَ مِنْهُ مُحَمَّدٌ وَاَسْتَغِيْذُ بِفَاطِمَةَ وَاَلِ الْاَوْصِيَاءِ (صَلٰى اللّٰهُ عَلَيْهِمْ)، وَاَسْتَغِيْذُ اِلٰى اللّٰهِ فِيمَا رَغَبُوْا فِيْهِ، وَاَسْتَغِيْذُ اِلٰى اللّٰهِ. - بنویسید که خداوند شما را رحمت کند، به نام خداوند رحمت گستر مهربان، شب و صبح نمودم در حالی که بر اساس دین و آیین حضرت محمد (ص)، و بر اساس آیین و شیوه حضرت علی (ع)، و طبق آیین و روش حضرت فاطمه (علیها السلام) و بر آیین و راه و روش اوصیاء (علیهم السلام)، به خدا ایمان آوردم. ایمان آوردم به باطن و ظاهر و نهان و آشکار ایشان، و در این شب و این روزم از تمام آنچه که حضرت محمد و علی و فاطمه و اوصیاء (صلی اللہ علیهم) از آن پناه بردند، به خدا پناه می برم، و نسبت به آنچه بدان میل و رغبت داشتند، به خدا میل و رغبت دارم، و هیچ دگرگونی و نیرویی نیست جز به [وسیله] خدا. ۴- سپس می گویی آنچه را روایت شده که امام صادق (ع) فرمود: هر کس بعد از نماز صبح و بعد از نماز مغرب، پیش از آنکه پاهایش را جمع کند، یا با کسی سخن بگوید، یک بار بگوید: اِنَّ اللّٰهَ وَاَمَلًا يُّكَلِّمُهُ يَصْلُوْنَ عَلٰى النَّبِيِّ، يَا اَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا، صَلُّوْا عَلَيِّهِ وَسَلِّمُوْا تَسْلِيْمًا، اِنَّ اللّٰهَ صَلَّ عَلٰى مُحَمَّدٍ النَّبِيِّ وَاَسْتَغِيْثُ وَاَسْتَغِيْثُ، اَسْتَغِيْذُ بِاللّٰهِ بِبَيْتِهِ. - برستی که خداوند و فرشتگانش بر پیامبر اکرم درود و رحمت می فرستند، ای کسانی که ایمان آورده اید، بر او درود فرستاده و کاملاً تسلیم او شوید. خداوند، بر حضرت محمد پیامبر اکرم و بر فرزندان او و بر اهل بیتش درود فرست. خداوند متعال صد حاجت او را بر آورده می سازد، که هفتاد حاجت آن اُخروی (۲۴۷) و سی حاجت آن حاجت دنیوی است. ۵- و نیز می گوید آنچه که روایت شده حضرت ابی الحسن امام رضا (ع) فرمود که امیرالمؤمنین (ع) فرمودند: هر کس بعد از نماز مغرب در حالی که پاهایش را جمع کرده، و پیش از سخن گفتن، و بعد از نماز صبح پیش از سخن گفتن، هفت بار بگوید: بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللّٰهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيْمِ. - به نام خداوند رحمت گستر مهربان، و هیچ دگرگونی و نیرویی نیست جز به [وسیله] خداوند بلند مرتبه و بزرگ. خداوند متعال هفتاد نوع از انواع بلا و گرفتاری را از او دور می سازد، که کمترین آنها جذام و پستی و شرّ سلطان و فرمانروا و شیطان است. ۶- و نیز در روایت آمده که امام صادق (ع) فرمود رسول خدا (ص) فرمودند: هر کس نماز صبح را بخواند و پیش از خم کردن زانوهای و راحت نشستن ده بار بگوید: لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيْكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَ لَهُ الْحَمْدُ، يُحْيِيْ وَيُمِيْتُ، وَيُمِيْتُ وَيُحْيِيْ، وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوْتُ، بِيْدِهِ الْخَيْرُ، وَهُوَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ. - معبودی جز خداوند وجود ندارد، که یگانه است و شریکی برای او نیست، و فرمانروایی از آن اوست، و ستایش مختصّ اوست، زنده می گرداند و می میراند، و می میراند و زنده می کند، و او خود زنده ای است که نمی میرد، و خیر و خوبی تنها به دست [جمال] اوست، و او بر هر چیز تواناست. و هنگام غروب آفتاب [و یا: بعد از نماز مغرب] مانند آن را بگوید، هیچ بنده ای به عملی برتر از عمل او با خداوند - عزوجل - ملاقات نمی نماید، مگر کسی که عملی مانند او را بجا آورده باشد. ۷- و همچنین بعد از نماز مغرب و نماز صبح می گوید: سُبْحَانَكَ، لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ، اِغْفِرْ لِيْ ذُنُوْبِيْ كُلَّهَا جَمِيْعًا، فَاِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوْبَ كُلَّهَا اِلَّا اَنْتَ - پاک و منزهی تو، معبودی جز تو نیست، تمام گناهانم را بیامرزد، زیرا جز تو کسی همه گناهان را نمی آمرزد. زیرا در ضمن روایتی به نقل از امام باقر (ع) از پیامبر اکرم (ص) (بدین مضمون) آمده است که: وقتی بنده این را گفت،

خداوند - جلّ جلاله - به فرشتگان نویسنده اعمال می فرماید: در برابر این شناختی که بنده ام دارد که همه گناهان را جز من کسی نمی تواند بیاورد، مغفرت و آمرزش برای او بنویسد. ۸ - می گوید آنچه را که محمد بن جعفری به نقل از پدرش نقل کرده که: چشمم خیلی درد می کرد، در محضر امام صادق (ع) از آن شکایت نمودم، فرمود: آیا دعایی برای دنیا و آخرت و برای درمان درد چشمت به تو نیاموزم؟ عرض کردم: بله، فرمود: در تعقیب نماز صبح و مغرب بگو: اِئِللَهُمَّ، اِنِّیْ اَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ (عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ)، اِنَّ تُصَلِّیْ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ اَسْأَلُكَ اَنْ تَجْعَلَ النُّورَ فِیْ بَصِیرِی، وَ الْبَصِیرَةَ فِیْ دِیْنِی، وَ الْیَقِیْنَ فِیْ قَلْبِی، وَ الْاِخْلَاصَ فِیْ عَمَلِی، وَ السَّلَامَةَ فِیْ نَفْسِی، وَ السَّعَةَ فِیْ رِزْقِی، وَ الشُّكْرَ لَكَ اَبَدًا مَا اَبْقَیْتَنِی. - خداوند، به حق محمد و آل محمد (علیه و علیهم السّلام) از تو درخواست می نمایم که بر محمد و آل محمد درود فرستی، و از تو مسألت دارم که در دیده ام نور، و در دینم بصیرت و روشن دلی، و در قلبم یقین، و در عملم اخلاص، و در نفسم سلامتی، و در روزی ام وسعت قرار دهی، و سپاسگزاری به درگاهت را تا زمانی که مرا زنده و پاینده داشته ای همواره [ارزانی ام داری].

فاصله بین نماز مغرب و عشا، وقت مخصوص مناجات با خدا

اینک می گویم: پیش از خواندن نافله های نماز مغرب، تعقیب نماز مغرب را طول نده، زیرا برترین وقت بر انجام نافله های نماز مغرب تا پیش از زوال سُرخِ آفتاب از افقگاه غروب آفتاب می باشد، و گروهی از عارفان در بین نماز مغرب و عشا با غیر خدا - جلّ جلاله - سخن نمی گفتند، زیرا آن وقت، وقت مختصّ به مناجات با خداوند علام الغیوب و وقت کامیابی و برآورده شدن حوایج است، بلکه اگر نمازگزار بیم آن را داشته باشد که به خاطر مشغول شدن به خواندن این دعاها، سُرخِ آفتاب پیش از خواندن نافله مغرب از افق مغرب از بین برود، دعاها را به بعد از نماز مغرب به تأخیر می اندازد، که بنابر برخی از روایات تأخیر آن فضیلت دارد و مستحبّ است. حداقل اگر ترک سخن گفتن با غیر خدا - جلّ جلاله - تا خواندن نماز واجب عشا برای او بیشتر نبود، بکوشد که با غیر خداوند - جلّ جلاله - سخن نگوید تا اینکه چهار رکعت نافله مغرب را بخواند، در روایت آمده که امام صادق (ع) فرمود: هر کس نماز مغرب را بخواند و بعد تعقیب آن را بجا آورد و سخن نگوید تا اینکه دو رکعت نماز بخواند، آن دو در علّین برای او نوشته می شوند، و اگر چهار رکعت بخواند، یک حجّ و عمره نیکو برای او نوشته می شود.

فصل بیست و چهارم: آداب اسرار و ادعیه و نافله های مغرب و ادامه تعقیبات نماز مغرب

مقدمه

وقتی بنده از آنچه ذکر نمودیم فراغت پیدا نمود، باید برای بجا آوردن نماز نافله مغرب بپا خیزد، که چهار رکعت است، هر دو رکعت با یک سلام و دعاهایی بعد از آن.

سوره های مخصوص نافله های مغرب

درباره سوره هایی که در چهار رکعت نمازهای نافله مغرب قرائت می شود، در روایت آمده که حاتم بن فرج می گوید: از حضرت ابالحسن موسی بن جعفر (علیهما السلام) درباره سوره هایی که در چهار رکعت [نافله های نماز مغرب] خوانده می شود، پرسیدم، حضرت (ع) به خطّ خویش مرقوم فرمود: در رکعت اوّل سوره قُلْ هُوَ اللَّهُ اَحَدٌ و در رکعت دوّم سوره اِنَّا اَنْزَلْنَاهُ؛ و در رکعت سوم، آیاتی از اوّل سوره بقره و وسط همان سوره، یعنی آیات وَ اِلَیْهِمْ رُجْعُكُمْ و اِلَیْهِمْ رُجْعُكُمْ (۲۴۸) و سپس پانزده بار سوره قُلْ هُوَ اللَّهُ

ءَحَدٌ، را قرائت می نماید، و در رکعت چهارم، آیه الكرسي و آخر سوره بقره (۲۴۹) و سپس پانزده بار قُلْ هُوَ اللَّهُ ءَحَدٌ را می خواند. و در روایت دیگری نیز درباره سوره هایی که در دو رکعت نخست نوافل مغرب قرائت می شود، آمده است: در رکعت اول از نافله های مغرب، سوره حمد و سه بار قُلْ هُوَ اللَّهُ ءَحَدٌ، و در رکعت دوم سوره حمد و اِنَّا ءَنْزَلْنَاهُ خوانده می شود. چنانکه درباره دو رکعت سوم و چهارم، روایت شده که: حضرت ابی الحسن امام کاظم و امام باقر (علیهما السلام) همواره در دو رکعت سوم و چهارم نافله های مغرب، در رکعت سوم سوره حمد و اول سوره حدید، تا عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ (۲۵۰) و در رکعت چهارم سوره حمد و آخر سوره حشر (۲۵۱) را قرائت می فرمودند.

دعای مخصوص آخرین سجده نافله های مغرب

درباره دعایی را که در آخرین سجده نافله های مغرب خوانده می شود و فضیلت آن، در روایت آمده که امام صادق (ع) فرمود: هر کس در آخرین سجده از نافله بعد از [نماز] مغرب شب جمعه (و اگر در هر شب آن را انجام دهد، افضل و بهتر خواهد بود) هفت بار بگوید: اِلهَ اللّٰهُمَّ، اِنِّیْ اَسْأَلُكَ بِوَجْهِكَ الْكَرِیْمِ وَ بِاَسْمِیْكَ الْعَظِیْمِ [وَمَلِکِکَ الْقَدِیْمِ، اَنْ تُصَلِّیَ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَ اَنْ تُعْفِرَ ذَنْبِیَ الْعَظِیْمِ]، اِنَّهُ لَا یُعْفِرُ الْعَظِیْمَ اِلَّا الْعَظِیْمُ - خداوندا، همانا به روی [و اسماء و صفات] بزرگوارت و به اسم بزرگ [و فرمانروایی دیرینه و بی آغازت از تو مسئلت دارم که بر محمد و آل او درود فرستی، و گناه بزرگ مرا بیامرزی]، که گناه بزرگ را جز بزرگ نمی آمرزد. نماز را تمام می کند، در حالی که خداوند او را مورد مغفرت خویش قرار داده است. و در روایت دیگری آمده که: آن با شصت حج از دورترین شهرها برابر است.

کیفیت دو رکعت نخست نافله های نماز مغرب

این دو رکعت را به این نیت شروع می کنی: نماز نافله مغرب را به گونه استجابی و به منظور اینکه بدین وسیله عبادت خداوند - جلّ جلاله - را بکنم از آن جهت که زبینه پرستش است، بجا می آورم، سپس هفت تکبیر افتتاح را همراه با دعاهای آن به صورتی که در رکعت اول از نافله های نماز ظهر شرح دادیم بجا می آوری، و به همان کیفیتی که ذکر کردیم توجه می کنی، و بعد از توجه سوره حمد و بعد از حمد یکی از سوره هایی را که روایت کردیم برگزیده و قرائت می نمایی. و وقتی از رکعت اول نماز نافله مغرب بپا خاستی، سوره حمد و هر کدام از سوره هایی که در دو رکعت دوم برگزیده و قرائت می کنی، سپس رکعت دوم را به همان کیفیت که در رکعت اول نافله های نماز ظهر بیان نموده و توضیح دادیم، کامل نموده و سلام نماز را می گویی. و وقتی سلام نماز را گفتی به همان صورتی که پیش از این ذکر کردیم سه بار تکبیر می گویی، و انجام تسبیح حضرت زهراء (علیها السلام) نیز به کیفیت گذشته مستحب است. آنگاه بعد از این دو رکعت، این دعا را می خوانی: اِلهَ اللّٰهُمَّ، اِنَّکَ تَرٰی وَلَا تُرٰی، وَ اَنْتَ بِالْمَنْظَرِ الْاَعْلٰی، وَ اِلَیْکَ الرَّجْعِی وَالْمُنْتَهٰی، وَ اِنَّ لَکَ الْمَمَاتَ وَ الْمَحْیٰی، وَ اِنَّ لَکَ الْاٰخِرَةَ وَ الْاَوَّلٰی، اِلهَ اللّٰهُمَّ، اِنَّا نَعُوْذُ بِکَ مِنْ اَنْ نَذِلَّ وَ نَخْزٰی، وَ اَنْ نَاْتٰی مَا عَنْتَهُ تَنْهٰی، اِلهَ اللّٰهُمَّ، اِنِّیْ اَسْأَلُکَ اَنْ تُصَلِّیَ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ اَسْأَلُکَ الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِکَ، وَ اَسْأَلُکَ بِقُدْرَتِکَ، وَ اَسْأَلُکَ مِنَ الْخَوْرِ الْعِیْنِ وَ بَعِزَّتِکَ، وَ اَجْعَلْ اَوْسَعَ رِزْقِیْ عِنْدَ کَبِیْرٍ سَتٰنِیْ، وَ اَعْخَسَنَ عَمَلِیْ عِنْدَ اقْتِرَابِ اَجَلِیْ، وَ اَعْطِلْ فِی طَاعَتِکَ وَ مَا یُقَرِّبُ مِنْکَ وَ یُحْطِیْ عِنْدَکَ وَ یُزِلُّ لَدَیْکَ عُمْرِیْ، وَ اَعْخَسَنَ فِیْ جَمِیْعِ اَعْخَوَالِیْ وَ اَعْمُوْرِیْ مَعُوْنَتِیْ، وَلَا تَکُنْ لِیْ اِلهَ اَحَدٍ مِنْ خَلْقِکَ، وَ تَفْضَلْ [یا: اَفْضَلْ] عَلٰی بَقْضَاءِ جَمِیْعِ حَوَائِجِیْ لِلْاٰخِرَةِ وَ الْاَوَّلٰی، اَبْدَءًا بِالْاَلَدٰی وَ وُلْدٰی وَ جَمِیْعِ اِخْوَانِی الْمُؤْمِنِیْنَ فِیْ جَمِیْعِ مَا سَأَلْتُکَ لِنَفْسِیْ، وَ ثَنِّ بِیْ بِرَحْمَتِکَ، یا اَرْحَمَ الرَّاحِمِیْنَ. - خداوندا، بی گمان تو می بینی و دیده نمی شود، و در چشم انداز بالاتر قرار داری، و باز گشت و سرانجام [همگان] فقط به سوی توست، و مسلماً مرگ و زندگانی برای توست، و آخرت و دنیا از آن توست، خدایا، به تو پناه می بریم از اینکه خوار و رسوا گشته و آنچه

را که از آن نهی فرموده ای مرتکب شویم ، خداوندا ، براستی از تو مسألت می کنم که بر محمد و آل محمد درود فرستی ، و به رحمت بهشت را از تو خواهانم ، و به قدرتت از آتش جهنم به تو پناه می آورم ، و به عزتت از حور عین و زنان سیاه و درشت چشم بهشتی از تو درخواست می نمایم ، و وسیع ترین روزی ام را در هنگام فرونی عمرم ، و نیکوترین عملم را در هنگام نزدیکی سرآمد عمرم قرار ده ، و عمرم را در طاعتت و آنچه که مرا به تو نزدیک گردانیده و در نزدت بهره مند ، و در پیشگاهت برخوردار از منزلت می گرداند ، طولانی گردان ، و در همه حالات و امورم مرا نیکو یاری فرما ، و به هیچ یک از مخلوقات وامگذار ، و تفضل فرموده و همه حوائج در دنیا و آخرت را برآورد ساز ، و در تمام آنچه از تو برای خود درخواست نمودم نخست به والدین و فرزندان و تمام برادران مؤمنم آغاز کن ، [و به ایشان عطا فرما] و در مرحله دوم به من [عطا فرما] . به رحمت ، ای مهربانترین مهربانها .

کیفیت انجام دو رکعت دیگر نافله های مغرب

سپس برای خواندن دو رکعت آخر از نافله های مغرب بپا می خیزی . و نیت این دو مانند نیت دو رکعت نخست می باشد . آنها را با تکبیره الاحرام آغاز نموده ، و سوره حمد و یک سوره از دو روایتی که ذکرش گذشت ، برگزیده و بعد از حمد قرائت می کنی ، و به همان صورتی که در دو رکعت اول نافله های ظهر ذکر نمودیم رکوع و سجده بجا می آوری . سپس برای خواندن رکعت دوم نافله مغرب برخاسته ، و سوره حمد ، و یک سوره از دو روایت را برگزیده و قرائت می کنی ، و مثل قنوت نافله های ظهر قنوت می کنی ، رکوع ، و سجده نخست و بعد سجده دوم و دعای مخصوص آن (یعنی : اَللّهُمَّ ، اِنِّیْ اَسْأَلُكَ بِوَجْهِكَ الْكَرِیْمِ هَفْت بار تا آخر) بر آن می افزایی ، می نشینی و تشهد را به صورت کامل گفته ، و سلام نماز و تکبیرهای سه گانه را می گویی ، و تسبیح حضرت زهرا (علیها السلام) را به صورتی که گذشت انجام می دهی . آنگاه بعد از این دو رکعت ، این دعا را خوانده و می گویی : اَللّهُمَّ ، بِیَدِیْكَ مَقَادِیْرُ اللَّیْلِ وَالنَّهَارِ ، وَبِیَدِیْكَ مَقَادِیْرُ الشَّمْسِ وَالْقَمَرِ ، وَبِیَدِیْكَ مَقَادِیْرُ الْغِنَى وَالْفَقْرِ ، وَبِیَدِیْكَ مَقَادِیْرُ الْحِذْلَانِ وَالنُّصْرِ ، وَبِیَدِیْكَ مَقَادِیْرُ الْمَوْتِ وَالْحَیَاةِ ، وَبِیَدِیْكَ مَقَادِیْرُ الصَّحَّةِ وَالسَّقَمِ ، وَبِیَدِیْكَ مَقَادِیْرُ الْخَیْرِ وَالشَّرِّ ، [وَبِیَدِیْكَ مَقَادِیْرُ الْجَنَّةِ وَالنَّارِ] ، وَبِیَدِیْكَ مَقَادِیْرُ الدُّنْیَا وَالْآخِرَةِ ، اَللّهُمَّ ، صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ ، وَبَارِكْ لِیْ فِیْ دِیْنِیْ وَدُنْیَایَ وَآخِرَتِیْ ، وَبَارِكْ لِیْ فِیْ اَهْلِیْ وَمَالِیْ وَوُلْدِیْ وَإِخْوَانِیْ وَجَمِیْعِ مَاخُوْلَتِنِیْ وَرَزَقْتِنِیْ وَاءْتَمَعْتْ بِهٖ عَلَیَّ وَمَنْ اَعْبَدْتُ بَیْنِیْ وَبَیْنَهُ مَعْرِفَةً مِّنَ الْمُؤْمِنِیْنَ ، وَاجْعَلْ مِیْلَهُ اِلَیَّ وَمَحَبَّتَهُ لِیْ ، وَاجْعَلْ مُنْقَلَبَنَا اِلَیْ خَیْرِ دَائِمٍ وَنَعِیْمٍ لَا یَزُولُ ، اَللّهُمَّ ، صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ ، [وَاَقْصِرْ اَعْمَلِیْ عَنْ غَايَةِ اَعْجَلِیْ ، وَاشْغَلْ قَلْبِیْ بِالْآخِرَةِ عَنِ الدُّنْیَا ، وَاءْتَعْنِیْ عَلَیْ مَا وَطَّغْتَ عَلَیَّ مِنْ طَاعَتِكَ ، وَكَلَّفْتَنِیْهِ مِنْ رِعَايَةِ حَقِّكَ ، وَفَضَاعِفُهُ لِیْ ، وَاجْعَلْنِیْ مِمَّنْ یُسَارِعُ فِی الْخَیْرَاتِ ، وَیَدْعُوْكَ رَغْبًا وَرَهْبًا ، وَاجْعَلْنِیْ لَكَ مِنَ الْخَاشِعِیْنَ . اَللّهُمَّ ، صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ [یا : وَآلِهِ] وَفُكِّ رَقَبَتِیْ مِنَ النَّارِ ، وَاءْوِسْ عَلَیَّ مِنْ رِزْقِكَ الْحَلَالِ ، وَادْرَأْ عَنِّیْ شَرَّ فَسَادِ الْجَنِّ وَالْاِنْسِ ، وَشَرَّ فَسَادِ الْعَرَبِ وَالْعَجَمِ ، وَشَرَّ كُلِّ ذِیْ شَرٍّ . اَللّهُمَّ ، وَاءَیْمَا اَعْبَدُ مِنْ خَلْقِكَ اِعْرَادَنِیْ اَوْ اَعْبَدًا مِنْ اَهْلِیْ وَوُلْدِیْ وَإِخْوَانِیْ وَاهْلِ حُرَانَتِیْ بِسُوءٍ ، فَإِنِّیْ اَعْدَرَأُكَ فِی نَحْرِهِ (۲۵۲) وَاءْعُوْذُ بِكَ مِنْ شَرِّهِ ، وَاءَسْتَعِیْنُ بِكَ عَلَیْهِ ، فَصَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ [یا : آله] ، وَخُذْ [ه] عَنِّیْ مِنْ بَیْنِ یَدَیْهِ وَ مِنْ خَلْفِهِ وَ عَنْ شِمَالِهِ وَ مِنْ فَوْقِهِ [وَمِنْ تَحْتِهِ] ، وَامْنَعْنِیْ مِنْ اَنْ یَصِلَ اِلَیَّ مِنْهُ سُوءٌ اَبَدًا ، بِسْمِ اللّٰهِ ، وَبِاللّٰهِ ، تَوَكَّلْتُ عَلَی اللّٰهِ ، اِنَّهُ مَنْ یَتَوَكَّلْ عَلَی اللّٰهِ فَهُوَ حَسْبُهُ ، اِنَّ اللّٰهَ بِاِلْعَاقِ اَعْمَرِهِ ، قَدْ جَعَلَ اللّٰهُ لِكُلِّ شَیْءٍ قَدْرًا . اَللّهُمَّ ، صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ ، وَاجْعَلْنِیْ وَاهْلِیْ وَوُلْدِیْ وَإِخْوَانِیْ فِی كَنَفِكَ وَحِفْظِكَ وَحِرْزِكَ وَحِیَاطَتِكَ وَجِوَارِكَ وَاءْمِنَتِكَ [وَاءْمَانَتِكَ] وَ عِبَادَتِكَ وَمَنْعَتِكَ ، عَزَّ جَارُكَ ، وَحَلَّ ثَنَائُوكَ ، وَامْتَنِعْ عَائِدَتِكَ ، وَلَا اِلَهَ اِلَّا اَنْتَ ، فَصَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ ، وَاجْعَلْنِیْ وَإِیَّاهُمْ فِی حِفْظِكَ وَمُیْدَفَعَتِكَ وَوَدَائِعِكَ الَّتِیْ لَا تُضِیْعُ مِنْ كُلِّ سُوءٍ وَشَرِّ الشَّیْطَانِ وَالسُّلْطَانِ ، اِنَّكَ اَشَدُّ بَاءَسًا وَاشَدُّ تَنْكِيْلًا ، اَللّهُمَّ ، اِنْ

كُنْتُ مُتَزَلًّا بِأَسَاءٍ مِنْ بَاءِ سِكَ، وَنِعْمَةٍ مِنْ نِقْمَتِكَ يَا تَا، وَهُمْ نَائِمُونَ أَوْ ضَحَى وَهُمْ يَلْعَبُونَ، فَصَلَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاجْعَلْنِي وَ
 آهْلِي وَوُلْدِي وَإِخْوَانِي فِي دِينِي فِي مَنْعِكَ وَكَفِّكَ وَدِرْعِكَ الْحَصِينَةِ. اِئْتِيْ اِشَاءَ لُكَ بُنُورِ وَجْهِكَ الْمَشْرِقِ الْحَيِّ الْقَيُّومِ
 الْبَاقِي الْكَرِيمِ، وَاشَاءَ لُكَ بُنُورِ وَجْهِكَ الْقُدُّوسِ الَّذِي اِشْرَقَتْ لَهُ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُونَ، وَصَلِّحْ عَلَيْهِ أَمْرَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ، اَعَنْ
 تُصَلِّمَنِي عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاعَنْ تُصَلِّحْ شَأْنِي كُلَّهُ، وَتُعْطِنِي مِنَ الْخَيْرِ كُلِّهِ، وَتَصْرِفَ عَنِّي الشَّرَّ كُلَّهُ، وَتَقْضِيَ لِي حَوَائِجِي كُلَّهَا،
 وَتَسْتَجِيبَ لِي دُعَائِي، وَتَمَنَّ [يا: مَنْ] عَلَيَّ بِالْجَنَّةِ تَطَوُّلاً مِنْكَ، وَتُجِيرَنِي مِنَ النَّارِ، وَتَرْوِّجَنِي مِنَ الْحُورِ الْعِينِ، وَابْدِءَ بِوَالِدَتِي
 وَإِخْوَانِي الْمُؤْمِنِينَ وَأَخَوَاتِي الْمُؤْمِنَاتِ فِي جَمِيعِ مَا سَأَلْتُكَ لِنَفْسِي، وَثَنِّ بِي بِرَحْمَتِكَ، يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. - خداوندا، اندازها
 و مقادیر شب و روز و آفتاب و مهتاب، و بی نیازی و ناداری، و شکست و پیروزی، و مرگ و زندگانی، و بهبودی و بیماری، و
 خیر و شرّ، [و بهشت و آتش جهنّم] و دنیا و آخرت تنها به دست توست. خداوندا، بر محمد و آل او درود فرست، و دین و دنیا و
 آخرت را برای من پر خیر و برکت گردان، و در اهل و مال و دارایی و فرزندان و برادرانم و همه آنچه را که به من عنایت و روزی
 نموده و ارزانی داشته ای و هر کس از مؤمنان که میان من و او آشنایی ایجاد کرده ای، مبارک گردان. و نسبت به من متمایل، و
 دوستدارم قرار ده، و بازگشت ما را به سوی خیر جاودانی و نعمت [معنوی] ای که از بین نمی رود، قرار ده، خداوندا، بر محمد و
 آل او درود فرست، [و] آرزویم را کوتاه [تر] از فرجام سرآمد عمرم بگردان، و دلم را با مشغول شدن به آخرت از دنیا بازدار، و
 مرا بر آنچه از طاعتت موظّف، و بر رعایت حقوق مکلف نموده ای، یاری فرما، و آغازها و پایان های خیر و خوبی را از تو
 مسألت دارم، و به تو پناه می برم از شرّ، و انواع مخفی و آشکار آن، خداوندا، بر محمد و آل او درود فرست، و عمل مرا بپذیر
 ، و آن را مضاعف و دو چندان گردان، و از کسانی قرار ده که در خیرات و خوبیها پیشی گرفته، و با حالت رغبت و هراس تو را
 می خوانند، و از فروتنان در گاهت قرار ده. خداوندا، بر محمد و آل او درود فرست و از آتش جهنّم رهایم فرما، و روزی حلال
 را بر من وسعت ده، و شرّ فاسقان جنّ و انس، و شرّ گناهکاران عَزَبَ و عَجَم، و آسیب هر آسیب رسان را از من دور فرما.
 خداوندا، و هر کس از مخلوقات که بخواهد که به من، یا هر کدام از خانواده و فرزندان و برادرانم و خویشان و بستگانم که به
 خاطر آنان ناراحت می شوم، بدی برساند، من به واسطه تو بر سینه او [دست ردّ زده و] دورش می نمایم، و از شرّ آن به تو پناه
 می برم، و به تو بر او یاری می جویم، پس بر محمد و آل او درود فرست، و او را از پیش روی و پشت سر و سمت راست و چپ
 و بالا [و زیرش] بگیر، و نگذار که هیچگاه از ناحیه او بدی و آسیبی به من برسد. به نام خدا، و به [وسیله] خدا، بر خدا توکل
 نمودم، براستی که هر کس بر خداوند توکل نماید، خدا او را کفایت می کند، بی گمان خداوند کار خود به آخر می رساند، و
 خداوند برای هر چیز اندازه مشخصی قرار داده است. خداوندا، بر محمد و آل او درود فرست، و من و خانواده و فرزندان و
 برادرانم را در تحت حمایت و حفظ و نگاهداری و محافظت و همسایگی و امن [و امان] و پناهندگی و باز دارندگی خویش قرار
 ده، همسایه تو سر بلند، و ثنایت بزرگ، و پناهنده به تو دور از دسترس [همگان] است، و معبودی جز تو نیست. پس بر محمد و
 آل او درود فرست و من و آنان را از هر بدی، و شرّ شیطان و پادشاه و فرمانروا، و در تحت حفظ و حمایت و دفاع و آن دیعه ها و
 سپرده های که هرگز ضایع نمی شود و از بین نمی رود، قرار ده، که تو سخت نیرومندتر و بازدارنده تر و سخت ترین سزا
 دهندگان می باشی. خداوندا، اگر خواستی سختی و گرفتاری از سختیها و گرفتاریهای و نعمتی از نعمتهای را شبانگهان و در
 حالی که آنان [یعنی مردم] در خوابند، یا در روز در حالی که در حال سرگرمی و بازی هستند، فرو فرستی، پس بر محمد و آل او
 درود فرست، و من و خانواده و فرزندان و برادران دینی ام را در تحت بازدارندگی و حمایت و سپر محفوظ و استوار خویش قرار
 دهی. خدایا، به نور روی [و اسماء و صفات] ات که روشن و زنده و قیوم [و بر پا و برپا دارنده مخلوقات] و پاینده و بزرگوار است
 ، از تو درخواست می نمایم، و به نور روی [و اسماء و صفات] بسیار پاکیزه از هر عیب و کاستی ات که آسمانها و زمین بدان
 روشن، و امر اولین و آخرین بر آن شایسته گشته و اصلاح می یابد، از تو مسئلت دارم که بر محمد و آل او درود فرستی، و تمام

حالات و امورم را اصلاح فرمایی، و همه خیر و خوبی را به من عطا فرمایی، و از همه بدیها باز داشته، و تمام خواسته هایم را برآورده ساخته، و دعایم را اجابت فرمایی و از روی بخشش از ناحیه خود، بهشت را بر من ارزانی بداری [یا: بدار]، و مرا از آتش جهنم در پناه خویش درآوری، و از حور عین و زنان سیاه و درشت چشم بهشتی به ازدواجم درآوری، و در تمام آنچه از تو برای خود درخواست نمودم به پدر و مادر و برادران و خواهران مؤمنم آغاز فرما، و بعد به من عطا فرما، به رحمت ای مهربانترین مهربانها.

ادامه تعقیبات مخصوص نماز مغرب (۲۵۳)

دعای امیرالمؤمنین (ع) در تعقیب نماز مغرب

۱ - از تعقیبات مختص به نماز مغرب، دعایی است که از مولایمان امیرمؤمنان (ع) در تعقیب نمازهای پنجگانه واجب نقل شده، که از آن جمله دعای بعد از نماز مغرب است به این صورت: اَللّٰهُمَّ، تَقَبَّلْ مِنِّيْ مَا كَانَ صَالِحًا، وَاَصْلِحْ مِنِّيْ مَا كَانَ فَاسِدًا، اَللّٰهُمَّ، لَا تُسَلِّطْنِيْ عَلٰی فَسَادٍ مَا اَصْلَحْتَ مِنِّيْ، وَاَصْلِحْ لِيْ مَا اَفْسَدْتَهُ مِنْ نَفْسِيْ، اَللّٰهُمَّ، اِنِّيْ اَسْتَغْفِرُكَ مِنْ كُلِّ ذَنْبٍ قَوِيَ عَلَيْهِ بِيَدِنِيْ بِعَافِيَّتِكَ، وَ نَالَتهُ يَدِيْ بِفَضْلِ نِعْمَتِكَ، وَ بَسَطْتُ اِلَيْهِ يَدِيْ بِسِعَةِ رِزْقِكَ، وَ اَحْتَجَبْتُ فِيهِ عَنِ النَّاسِ بِسِتْرِكَ، وَ اَتَكَلَّمْتُ فِيهِ عَلٰی كَرِيْمٍ عَفُوْكَ. اَللّٰهُمَّ، اِنِّيْ اَسْتَغْفِرُكَ مِنْ كُلِّ ذَنْبٍ ثُبْتُ اِلَيْكَ مِنْهُ، وَ نَدِمْتُ عَلٰی قَطْعِهِ، وَ اَسِيَتْ حَيِّثُ مِنْكَ وَاَنَا عَلَيْهِ، وَ رَهْبْتُكَ وَاَنَا فِيهِ، ثُمَّ رَاجَعْتُهُ وَ عُدْتُ اِلَيْهِ. اَللّٰهُمَّ، اِنِّيْ اَسْتَغْفِرُكَ مِنْ كُلِّ ذَنْبٍ عَمِلْتُهُ [يا: عَلِمْتُهُ] اَوْ جَهِلْتُهُ، ذَكَرْتُهُ اَوْ نَسِيْتُهُ، اَوْ خَطَاةً اَوْ اَوْ تَعَمَّدْتُهُ هُوَ مِمَّا لَا اَشْكُ اَنَّ نَفْسِيْ مُرْتَهَنَةٌ بِهِ، وَ اِنْ كُنْتُ نَسِيْتُهُ وَ غَفَلْتُ عَنْهُ. اَللّٰهُمَّ، اِنِّيْ اَسْتَغْفِرُكَ مِنْ كُلِّ ذَنْبٍ جَنَيْتُهُ عَلٰی [يا: عَلٰی نَفْسِيْ] بِيَدِيْ، وَ اَثَرْتُ فِيهِ شَهْوَتِيْ، اَوْ سَعَيْتُ فِيهِ لَغَيْرِيْ، اَوْ اَسِيْتُ غَوِيْتُ فِيهِ مِنْ تَابِعِنِيْ، اَوْ كَاذَبْتُ [يا: دَاوَرْتُ] فِيهِ مِنْ مَنَعَنِيْ، اَوْ قَهَرْتُهُ بِجَهْلِيْ، اَوْ لَطَفْتُ [يا: نَطَقْتُ] فِيهِ بِحِيلَةٍ غَيْرِيْ، اَوْ اَسْتَرَلْتَنِيْ اِلَيْهِ مِثْلِيْ وَ هَوَايْ، اَللّٰهُمَّ، اَسْتَغْفِرُكَ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ اَرَدْتُ بِهِ وَجْهَكَ، فَخَالَطَنِيْ فِيهِ مَا لَيْسَ لَكَ، وَ شَارَكَنِيْ فِيهِ مَا لَمْ يَخْلُصْ لَكَ، وَ اَسْتَغْفِرُكَ مِمَّا عَقَدْتُهُ عَلٰی نَفْسِيْ ثُمَّ خَالَفَهُ هَوَايْ، اَللّٰهُمَّ، صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ اَلِ مُحَمَّدٍ، وَ اَعِزَّنِيْ مِنَ النَّارِ، وَ حِذْ عَلٰی بِفَضْلِكَ، اَللّٰهُمَّ، اِنِّيْ اَسْأَلُكَ بِوَجْهِكَ الْكَرِيْمِ الْبَاقِي الدَّائِمِ الَّذِيْ اَشْرَقَتْ بُنُوْرُهُ السَّمَاوَاتُ وَ الْاَرْضُ، وَ كَشَفَتْ بِهِ ظُلُمَاتِ الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ، وَ دَبَّرَتْ بِهِ اُمُورَ الْجِنِّ وَ الْاِنْسِ، اَنْ تُصَلِّيَ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ [عَلٰی] اَلِ مُحَمَّدٍ، وَ اَنْ تُصَلِّحَ شَأْنِيْ بِرَحْمَتِكَ، يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ. - خداوندا، عمل صالح مرا از من بپذیر، و اعمالم فاسدم را اصلاح فرما، خدایا، مرا بر تباه نمودن آنچه که اصلاح فرمودی مسلط مگردان، و هر چه را که فاسد نمودم اصلاح فرما، خداوندا، بی گمان از هر گناهی که بدنم به واسطه تندرستی دادن تو قدرت بر آن پیدا نموده، و به فضل نعمت بدان دسترسی پیدا کردم، و به وسعت روزی ات دستم را به سوی آن دراز و به پوشش تو آن را از مردم پنهان نمودم، و در [حال انجام] آن بر عفو و گذشت بزرگوارانه ات تکیه نمودم، طلب آمرزش می نمایم. خداوندا، از هر گناهی که از آن توبه نمودم و بر انجام آن پشیمان شدم، و در حال انجام آن از تو شرم نموده و بیم داشتم، سپس رجوع نموده، و به سوی آن باز گشتم، آمرزش خواهی می کنم. خدایا، از هر گناه که جاهلانه و [یا: آگاهانه] و یا با نادانی، با متذکر بودن و یا در حال فراموشی، و به خطا و یا عمدتاً انجام دادم و شک ندارم که وجود من در گرو آن است، هرچند آن را فراموش نموده، و از آن غفلت ورزم، از تو طلب آمرزش می نمایم. خداوندا، از هر گناهی با دست خود بر خویش جنایت نمودم، و شهوت و میل نفسانی ام را مقدم داشتم، یا برای دیگری کوشیدم، یا پیروان خویش را گمراه نمودم، یا بر کسی که مانع من بود بزرگمنشی [یا: پشت] نموده و ستیزه کردم، یا با نادانی ام بر او چیره گشتم، یا با چاره جویی و حيله کس دیگر آن را به نرمی و آرامی مرتکب شدم [یا: بدان زبان گشودم]، یا میل و خواست و هوا و هوسم مرا به سوی آن لغزانیده و کشانید، از تو آمرزش می طلبم، و خداوندا، از هر عملی که تنها روی

دعای حضرت فاطمه زهراء (علیها السلام) در تعقیب نماز مغرب

www.noorfatemah.org

مَنَّا وَلَا تَكُنْ إِلَى نَفْسِي مَخْذُولًا، يَا حَنَّانُ، رَبِّ، اَرْحَمِ عِنْدَ فِرَاقِ الْاَحِبَّةِ صَرَغَتِي، وَ عِنْدَ سُكُونِ الْقَبْرِ وَخَدَتِي، وَ فِي مَفَازَةِ الْقِيَامَةِ غُرْبَتِي، وَ بَيْنَ يَدَيْكَ مَوْقُوفًا لِلْحِسَابِ فَاقْتِي، رَبِّ، اَسْئَلُكَ مِنْ النَّارِ فَمَاءَ جَزْنِي [يا: وَ اَعْزِنِي]، رَبِّ، اَعْوِذُ بِكَ مِنَ النَّارِ فَمَاءَ عَذْنِي، [رَبِّ] اَعْزِنِي اِلَيْكَ مِنَ النَّارِ فَمَاءَ بَعْدْنِي، رَبِّ، اَسْئَلُكَ مِنْكَ مَكْرُوبًا فَارْحَمْنِي، رَبِّ، اَسْئَلُكَ بِكَ لِمَا جِئْتُكَ فَاعْفُ عَنِّي، قَدْ اَبْرَزَنِي الدُّعَاءَ لِلْحَاجَةِ اِلَيْكَ، فَلَا تُؤَيِّسْنِي يَا كَرِيمُ، [يا: ذَا الْاَلَاءِ وَالْاِحْسَانِ وَ التَّجَاوُزِ، يَا سَيِّدِي، يَا بَرُّ، يَا رَحِيمُ، اِسْتَجِبْ بَيْنَ الْمُتَضَرِّعِينَ اِلَيْكَ دَعْوَتِي، وَ اَرْحَمِ بَيْنَ الْمُتَضَرِّعِينَ بِالْعَوِيلِ عِزَّتِي، وَ اجْعَلْ فِي لِقَائِكَ يَوْمَ الْخُرُوجِ مِنَ الدُّنْيَا رَاحَتِي، وَ اسْتُرْ بَيْنَ الْاُمُوتِ يَا عَظِيمِ الرَّجَاءِ عَوْرَتِي، وَ اعْطِفْ عَلَيَّ عِنْدَ التَّحَوُّلِ وَحِيدًا اِلَى حُفْرَتِي، اِنَّكَ اَمَلِي وَ مَوْضِعُ طَلِبَتِي، وَ الْعَارِفُ بِمَا اُرِيدُ فِي تَوْجِيهِ مَسْأَلَتِي، فَاقْضِ يَا قَاضِيَ الْحَاجَاتِ [حَاجَتِي]، فَاِلَيْكَ الْمُشْتَكِي، وَ اَنْتَ الْمُسْتَعَانُ وَ الْمُزْتَجِي، اَعْزِنِي اِلَيْكَ هَارِبًا مِنَ الدُّنُوبِ فَاقْبَلْنِي، وَ اَنْتَ جِيءُ مِنْ عَذَابِكَ اِلَى مَغْفِرَتِكَ فَمَاءَ دِرْكُنِي، وَ اَنْتَ اُذْ بِعَفْوِكَ مِنْ بَطْشِكَ فَاَمْنَعْنِي، وَ اَسْئَلُكَ بِرَحْمَتِكَ مِنْ عِقَابِكَ فَجَنِّبْنِي، وَ اَسْأَلُكَ الْقُرْبَةَ مِنْكَ بِالْاِسْلَامِ فَقَرِّبْنِي، وَ مِنَ الْفَرَجِ الْاَكْبَرِ فَاَمْنِي، وَ فِي ظِلِّ عَرْشِكَ فَظَلِّلْنِي، وَ كِفْلَيْنِ مِنْ رَحْمَتِكَ فَهَبْ لِي، وَ مِنَ الدُّنْيَا سَالِمًا فَجَنِّبْنِي، وَ مِنَ الظُّلُمَاتِ اِلَى النُّورِ فَمَاءَ خُرْجَتِي، وَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَبَيْضِ وَجْهِ، وَ حِسَابًا يَسِيرًا فَحَاسِبْنِي، وَ بِسَرِّ اَنْرِي فَلَا تَفْضَحْنِي، وَ عَلَيَّ بَلَاءُ بِكَ فَصَبِّرْنِي، وَ كَمَا صَرَفْتَ عَنْ يُوسُفَ السُّوءَ وَ الْفَحْشَاءَ فَاصْرِفْهُ عَنِّي، وَ مَا لَا طَاقَةَ لِي بِهِ فَلَا تُحْمِلْنِي، وَ اِلَى دَارِ السَّلَامِ فَاهْدِنِي، وَ بِالْقُرْآنِ فَانْفَعْنِي، وَ بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فَثَبِّتْنِي، وَ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ فَاحْفَظْنِي، وَ بِحَوْلِكَ وَ قُوَّتِكَ وَ جَبْرُوتِكَ فَاعْصِمْنِي، وَ بِحِلْمِكَ وَ سِعَةِ رَحْمَتِكَ مِنْ جَهَنَّمَ فَجَنِّبْنِي، وَ جَنَّتِكَ الْفُرْدُوسَ فَمَاءَ سِيكُنِي، وَ النَّظَرَ اِلَى وَجْهِكَ فَارْزُقْنِي، وَ بَنِيكَ مُحَمَّدٌ (ص) فَاعْلُحْنِي، وَ مِنَ الشَّيَاطِينِ وَ اَعْوَالِيَّاهُمْ وَ مِنْ شَرِّ كُلِّ ذِي شَرٍّ فَاقْنِي، اَعْلَلَّهُمْ، وَ اَعِيدْ اَتَى وَ مَنْ كَادَنِي بِسُوءٍ اِنْ اَتَوْا بَرًّا فَجَبَّنْ شَجِيْعُهُمْ، فَضْ جُمُوعُهُمْ [يا: جَمْعُهُمْ]، كُلٌّ [يا: كُلُّ] سِلَاحُهُمْ، عَزِّقْ دَوَابَّهُمْ، سَلِّطْ عَلَيْهِمُ الْعَوَاصِفَ وَ الْقَوَاصِفَ اَعْيِدْ اَتَى حَتَّى تَصْلِيَهُمُ النَّارَ، اَنْزِلْهُمْ مِنْ صِيَاصِيهِمْ، اَعْمِكُنَا مِنْ نَوَاصِيهِمْ، آمِينَ، رَبُّ الْعَالَمِينَ. اَعْلَلَّهُمْ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ عَلَى آلِ مُحَمَّدٍ صِلَاةً يَشْهَدُ الْاَوَّلُونَ مَعَ الْاٰبِرَارِ وَ سَيِّدِ الْمُتَّقِينَ وَ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَ قَائِدِ الْخَيْرِ وَ مُفْتَاكِ الرَّحْمَةِ. اَعْلَلَّهُمْ، رَبُّ الْبَيْتِ الْحَرَامِ وَ الشَّهْرِ الْحَرَامِ وَ رَبُّ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ وَ رَبُّ الرُّكْنِ وَ الْمَقَامِ وَ رَبُّ الْحَلِّ وَ الْحَرَامِ [يا: الْاَحْرَامِ]، بَلِّغْ [يا: اَبْلِغْ] رُوحَ مُحَمَّدٍ مِنَّا التَّحِيَّةَ وَ السَّلَامَ. سَلَامٌ [يا: اَعْلَسَلَامٌ] عَلَيْكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ، سَلَامٌ عَلَيْكَ يَا اَمِيْنَ اللَّهِ، سَلَامٌ عَلَيْكَ يَا مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ، اَعْلَسَلَامٌ عَلَيْكَ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ، فَهُوَ كَمَا وَصَفْتُهُ بِالْمُؤْمِنِينَ رَوْوُفٌ رَحِيمٌ، اَعْلَلَّهُمْ، اَعْطِهِ اَعْظَمَ مَا سَاءَ لَكَ، وَ اَعْظَمَ مَا سُئِلْتُ لَهُ، وَ اَعْظَمَ مَا هُوَ مُسْئَلٌ لَهُ اِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، آمِينَ، رَبُّ الْعَالَمِينَ. - سِپَاسِ خُدَايِي رَا كِه گُوِيْنْدِگَانِ نَمِي تَوَانَنْدِ بِه مَدَحِ وَ ثَنَائِي اَوْ رَا بِه شِمَارِه دَر آوَرَنْد [يا: بَدَانِ نَايِلِ گَرْدَنْد]، وَ سَتَايِشِ خُدَاوَنْدِي رَا كِه شِمَارِه كَنْنَدِگَانِ نَمِي تَوَانَنْدِ نَعْمَتَهَايِ اَوْ رَا بِه شِمَارِه دَر آوَرَنْد، وَ حَمْدِ وَ سِپَاسِ خُدَاوَنْدِي رَا كِه كُوشَشِ كَنْنَدِگَانِ دَر عِبَادَتِ نَمِي تَوَانَنْدِ حَقِّ اَوْ رَا اَدَا نِمَايَنْد، وَ مَعْبُودِي جِزِ خُدَاوَنْدِي كِه اَوَّلِ وَ اٰخِرِ اسْتِ وَ جُودِ نَدَارْد، وَ مَعْبُودِي جِزِ خُدَاوَنْدِي كِه اَشْكَارِ وَ نِهَانِ اسْت، وَ جُودِ نَدَارْد، وَ مَعْبُودِي جِزِ خُدَاوَنْدِي كِه مِيرَاَنْدِه وَ زَنْدِه كَنْنَدِه اسْت وَ جُودِ نَدَارْد، وَ خُدَاوَنْدِ بَزْرگْتَرِ وَ صَاحِبِ بَخْشِشِ اسْت، وَ خُدَاوَنْدِ بَزْرگْتَرِ وَ صَاحِبِ پَايَنْدِگِي وَ جَاوَادَانْگِي اسْت، وَ سَتَايِشِ خُدَاوَنْدِي كِه دَانِشْمَنْدَانِ بِه دَانِشِ اَوْ نَمِي رَسَنْد، وَ جَاهِلَانِ نَمِي تَوَانَنْدِ اَزِ بَرْدْبَارِي اَوْ بَكَاهَنْد، وَ سَتَايِشْگَرَانِ نَمِي تَوَانَنْدِ بِه مَدَحِ وَ ثَنَائِي اَوْ بَرَسَنْد، وَ تَوْصِيْفِ كَنْنَدِگَانِ نَمِي تَوَانَنْدِ اَوْ رَا [اَنْجَنَاكِه هَسْت] تَوْصِيْفِ نِمَايَنْد، وَ مَخْلُوقَاتِ نَمِي تَوَانَنْدِ نَعْتِ وَ صِفْتِ اَوْ رَا نِيكُو اَدَا نِمَايَنْد. وَ سِپَاسِ خُدَايِي رَا كِه صَاحِبِ مُلْكِ وَ مَلَكُوتِ وَ عَظْمَتِ وَ تَسَلُّطِ [و سَرَاْفِرَازِي] بَزْرگْمَنْشِي وَ جَلَالِ وَ بَهَاءِ وَ حُسْنِ وَ هِيئِ وَ بَزْرگِي وَ جَمَالِ وَ سَرَاْفِرَازِي وَ قَدْرَتِ وَ تَغْيِيرِ دِهَنْدِگِي وَ نِيروِ وَ مَنّتِ وَ چِرْگِي وَ فَضْلِ وَ بَخْشِشِ وَ عَدْلِ وَ دَادِ وَ حَقِّ [و اَفْرِيَنْدِگِي] وَ بَزْرگِي وَ رَفْعَتِ وَ بَلَنْدِ پَايْگِي وَ فَضِيلَتِ وَ فِرْزَانْگِي وَ بِي نِيَازي وَ وَسْعَتِ وَ بَسْطِ وَ قَبْضِ، وَ بَرْدْبَارِي وَ عِلْمِ وَ حُجَّتِ رَسَا وَ نَعْمَتِ فِرَاگِيرِ وَ ثَنَائِي نِيكُوِي زِيَا وَ نَعْمَتَهَايِ گِرَامِي، وَ مَالِكِ [يا: پَادِشَاه] دُنْيَا وَ اٰخِرَتِ وَ بَهْشْتِ وَ آتَشِ جَهَنَّمَ وَ هَرْ چِه دَر اَنِهَاسْت، مِي بَاشْد. بَلَنْدِ مَرْتَبِه وَ پَاكِ وَ مَنزّه بَادِ خُدَاوَنْدِ. سِپَاسِ خُدَايِي رَا كِه بِه اَسْرَارِ نِهَانِي آگَاه، وَ بَرِ گَنَاهَانِي كِه دِلْهَا اَنِ رَا پَنِهَانِ مِي دَارَنْد [يا: مَرْتَكَبِ اَنِ مِي شَوَنْد] مَطَّلَعِ اسْت، وَ لَذا هِيْجِ رَاهِ گَرِيْزِ وَ مَحَلِّ فِرَاوَرِي اَزِ اَوْ نِيَسْت، سَتَايِشِ خُدَايِي رَا كِه دَر

سلطنت خود متکبر، و در مقام و منزلتش سرافراز، و در فرمانروایی اش سرکش، و در گرفتن و مؤاخذه اش نیرومند، و بر فوق عرش خود بلند پایه، و بر مخلوقاتش اطلاع و اشراف دارد، و آگاهی اش به هر چه که بخواهد می رسد، سپاس خداوندی را که به کلمات او آسمانهای استوار برپا گشته، و زمینهای هموار و آماده، ثابت و پابرجا هستند، و کوههای ثابت و میخ گون ایستاده، و بادهای آبستن کننده وزیدن گرفته، و ابرها در جوّ و هوای آسمان سیر نموده، و دریاها بر حدود و مرزهای خود ایستاده، و دلها از ترس و هراس او لرزان، و صاحبان و پرورش دهندگان در برابر ربوبیت و تدبیر او سرشکسته و ذلیل هستند، بلند مرتبه و منزّهی ای به شمار در آورنده قطره های باران و برگهای درختان، و زنده کننده پیکرهای مردگان برای حشر و زنده شدن، پاک و منزّهی تو، ای صاحب بزرگی و بزرگواری. با غریب و بیگانه فقیری که با حالت پناهنده شدن و یاری جویی از تو، به درگاه تو روی آورد چه می کنی؟ با کسی که خود را به آستانه و درگاهت انداخته، و خواهان خشنودی تو بوده، و در پیشگاهت زانو زده و از آنچه بر تو پوشیده نیست، به تو گله و شکایت نماید، چه می کنی؟ پس ای پروردگار من، مباد که بهره من از دعایم، محرومیت، و نصیبم از آنچه از بخشش تو امیدوارم، شکست و خذلان باشد. ای خداوندی که پیوسته بوده ای و همچنان هستی و خواهی بود، چنانکه هر نفسی آنچه را که کسب نموده و عمل می کند، به تو برپاست، ای کسی که دنیا را به گونه ای قرار دادی که از بین رفته و ماههایش متحوّل گشته، و سالهایش گردش می کند، و تنها تویی که ماندگار و جاودانی هستی و زمانها تو را پوشیده و کهنه، و روزگاران دگرگون نمی سازد. ای خداوندی که هر روزی در نزد تو نو، و هر روزی ای در نزد تو (برای ناتوان و قوی و نیرومند) آماده است، روزیها را میان آفریدگانت قسمت فرموده و بین گُرد و گنجشک یکسان قرار داده ای. خداوندا، آن هنگام که جا بر مردم تنگ می شود از تنگی جا به تو پناه می بریم، خدایا، هنگامی که روز قیامت بر مجرمان و گناهکاران طولانی می گردد، پس [درازی] آن روز را بر ما مانند فاصله دو نماز، کوتاه گردان، خداوندا، هنگامی که آفتاب نزدیک جمجمه ها می گشته و فاصله میان آن و جمجمه ها به اندازه یک میل [و فاصله دیدن چشم] می گردد، و در سوزش آفتاب به اندازه سوزش ده سال افزون می گردد، از تو درخواست می کنیم که با ابر بر ما سایه افکنده، و در حالی که مردم در آنجا در رفت و آمد هستند، منبرها و صندلی هایی برای ما قرار دهی که بر آن بنشینیم. اجابت فرما، ای پروردگار عالمیان، خداوندا، به حقّ این ستایشها از تو مسئلت دارم که مرا بیآمرزی، و از من درگذری، و لباس عافیت را به تنم بپوشانی، و سلامتی در دینم را روزی ام کنی، زیرا من در حالی که به اجابت تو اعتماد دارم از تو درخواست می نمایم، و در حالی که به شنیدن دعایم آگاهم به درگاه تو دعا می کنم، پس دعایم را بشنو، و امیدم را قطع، و مدح و ثنایم را ردّ مکن، و دعایم را نومید و بی پاسخ مگذار، که من به خشنودی تو محتاج و به آمرزش نیازمندم. از تو درخواست می کنم در حالی که از رحمت نومید نیستم، و تو را می خوانم در حالی که از سخط و ناخوشایندی ات نمی هراسم [و امید خشنودی ات را دارم]، پروردگارا، پس برای من اجابت فرما، و عفو و گذشت را به من منت نه، و در حالی که تسلیم تو هستم جانم را بستان، و به صالحان ملحق فرما، پروردگارا، فضلت را از من باز مدار، ای بسیار بخشنده، و با حالت شکستگی و خذلان مرا به خود وامگذار، ای بسیار مهربان، پروردگارا، هنگام جدایی دوستان بر به زمین افتادیم، و هنگام آرام و خاموش بودن قبر بر تنهایی ام، و در صحرای قیامت بر غُربتم، و در پیشگاهت در حالتی که برای حساب کشی می ایستم بر نیاز و حاجتم به تو رحم آر. پروردگارا، به تو پناه می آورم از آتش جهنّم [پس] پناهم ده، پروردگارا، و به تو پناه می برم از آتش پس مرا در پناه خود درآور، [پروردگارا]، و از شرّ آتش به تو یاری می جویم پس از آن دورم بدار، پروردگارا با حالت ناراحتی سخت از تو طلب مهربانی می نمایم، پس بر من رحم آر، پروردگارا، به واسطه عمل جاهلانۀ ام از تو طلب آمرزش می نمایم، پس مرا ببخشای. دعا کردن به واسطه نیازم به تو مرا از منزل بیرون کشیده، پس مرا نومید مگردان. ای بزرگوار ای صاحب نعمتها و نیکوکاری و گذشت، ای آقای من، ای نیکوکار، ای مهربان، در میان زاری کنندگان به درگاهت دعایم را مستجاب گردان، و در میان سخت گریه کنندگان با فریاد و صدای بلند بر اشک چشمم رحم آر،

و هنگام بیرون آمدن از دنیا آسودگی ام را در ملاقات با خود قرار ده ، و میان مردگان - ای کسی که امید بزرگ به او بسته می شود ، - عورت [و : عیب] مرا بپوش ، و هنگامی که به تنهایی در گودال قبرم قرار می گیرم ، بر من مهربان باش ، که تویی آرزو و جایگاه خواسته و مقصودم ، به آنچه که در متوجه ساختن خواسته ام به تو اراده نموده ام آگاهی داری ، پس [آن را] برآورده ساز ، ای برآورنده خواسته ها [خواسته ام را] برآورده ساز ، پس تنها به تو گله نموده و تنها از تو یاری می جویم و به تو امیدوارم ، از گناهانم به سوی تو می گریزم پس مرا بپذیر ، و از دست عدالت در پناه آموزش تو در آمده ام ، پس مرا دریاب ، و از دست گرفتن با صولت تو به عفو و گذشت پناه می برم پس مرا بازدار ، و از دست [عقابت به رحمت احساس آسودگی و راحتی می نمایم پس مرا رهایی ده ، و با تسلیم [تو شدن یا : اسلام آوردن] نزدیکی به تو را خواهانم پس مرا به خود نزدیک گردان ، و از هراس و هنگامه بزرگ [روز قیامت] ایمنم گردان ، و در سایه عرش خود قرار ده ، و دو بهره کامل از رحمت را به من ارزانی دار ، و با سلامتی از دنیا نجاتم بخش ، و از تاریکیها به سوی روشنایی بیرون آور ، و در روز قیامت رویم را سپیده گردان ، و آسان حساب کشی بفرما ، و به واسطه درونم [و اعمال و صفات پنهانم] رسوایم مفرما ، و بر گرفتاری ات شکبیا گردان ، و چنانکه بدی و ناپسندی را از حضرت یوسف [ع] دور داشتی ، آن را از من نیز دور دار ، و هر چه را که توان آن را ندارم بر دوشم مَنه ، و به سوی خانه سلامتی و ایمنی [یعنی بهشت] هدایت فرما ، از قرآن بهره مند گردان ، و با گفتار [و اعتقاد] استوار ، ثابت و استوارم گردان ، و مرا از [گزند] شیطان رانده شده محافظت فرما ، و به دگرگونی و قدرت و عظمت مصون و محفوظم بدار ، و به بردباری و آگاهی و وسعت رحمت از جهنم نجاتم بخش ، و در بهشت فردوس ساکنم گردان ، و نگریستن به روی [و اسماء و صفات] ات را روزی ام گردان ، به پیامبرت حضرت محمد (ص) ملحق فرما ، و از شیطانها و دوستان آنان و از شر هر آسیب رسان کفایت فرما ، خداوندا ، و دشمنانم و هر کس را که خواست بدی به من برساند ، اگر از راه خشکی آمدند ، دلاورشان را ترسو ، گروههایشان [یا : گروهشان] را پراکنده ، جنگ افزارشان را کُند ، و پای چهار پایانشان را قطع ، همواره بادهای تند و شکننده را بر آنان مسلط گردان ، تا اینکه آنان را داخل آتش جهنم بفرمایی ، آنان را از دژهایشان فرود آور ، ما را از [گرفتن موی] [پیشانی شان متمکن گردان . اجابت فرما . ای پروردگار عالمیان . خداوندا ، بر محمد و بر آل محمد درود فرست ، درود و رحمتی که پیشینیان همراه با ابرار و نیکان و سرور اهل تقوی و خاتم پیامبران ، و راهبر خیر و کلید رحمت الهی آن را مشاهده نمایند . خداوندا ، ای پروردگار خانه محترم ، و ماه محترم ، و پروردگار مشعر محترم ، و پروردگار کن [خانه کعبه] و مقام [حضرت ابراهیم ع] ، و پروردگار حلّ [زمینهای غیر از حرم و خانه کعبه] و حرم ، درود و سلام ما را به روح حضرت محمد [ص] برسان . سلام بر تو ای رسول خدا ، سلام بر تو ای امانت دار خدا ، سلام بر تو ای محمد بن عبدالله [ص] ، سلام و رحمت و برکات خداوند بر تو باد ، زیرا چنانکه خود او را توصیف فرمودی ، نسبت به مؤمنان رؤوف و مهربان است ، خداوندا ، برترین درخواستهایی را که خود او از تو درخواست نموده و برترین تقاضاهایی را که دیگران برای او تقاضا نموده و تا روز قیامت درخواست می کنند ، به او عطا فرما . اجابت فرما ، ای پروردگار عالمیان .

دعای امام صادق (ع) در تعقیب نماز مغرب

۳- و نیز از جمله تعقیبات نماز مغرب ، دعای مخصوص به نماز مغرب از روایت معاویه بن عمار از امام صادق (ع) در تعقیب نمازهای پنجگانه واجب است ، به این صورت : اَللّهُمَّ ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ الْبَشِيرِ الْذَّيْرِ ، اَللَّسْرَاجِ الْمُنِيرِ ، اَللّطَّهْرِ الطَّاهِرِ ، اَلْخَيْرِ الْفَاضِلِ ، خَاتَمِ اَنْبِيَاءِكَ ، وَ سَيِّدِ اَصْصَفِيَّاتِكَ ، وَ خَالِصِ اَخْلَاقِكَ ، ذِي الْوَجْهِ الْجَمِيلِ ، وَ الشَّرَفِ الْاَصِيلِ ، وَ الْمَنْبَرِ [یا : اَلْمُنْبَرِ] النَّبِيلِ ، وَ الْمَقَامِ الْمَحْمُودِ ، وَ الْمَنْهَلِ الْمَشْهُودِ ، وَ الْحَوْضِ الْمَوْرُودِ ، اَللّهُمَّ ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ كَمَا بَلَغَ رِسَالَتَكَ ، وَ جَاهَدَ فِي سَبِيلِكَ ، وَ نَصَحْ لِأُمَّتِهِ ، وَ عَبْدَكَ حَتَّى اَتَاهُ الْيَقِينُ ، وَ صَلِّ عَلَى آلِهِ الطَّاهِرِينَ الْاَخْيَارِ الْاَتْقِيَاءِ الْاَبْرَارِ ، اَللَّذِينَ اَنْجَبْتَهُمْ لِدِينِكَ ، وَ اضْطَفَيْتَهُمْ

مِنْ خَلْقِكَ، وَاثْمَنَتْهُمْ عَلَى وَحْيِكَ، وَجَعَلْتَهُمْ خُزَانَ عِلْمِكَ، وَتَرَجِمْتَهُ كَلِمَاتِكَ، وَاعْلَامَ نُورِكَ، وَحَفَظْتَ سِرَّكَ، وَاعْذَهَبْتَ عَنْهُمْ الرِّجْسَ، وَطَهَرْتَ تَهْمَ تَطْهِيرًا. اَللّٰهُمَّ، اَنْفَعْنَا بِحُبِّهِمْ، وَاعْشُرْنَا فِي زُمْرَتِهِمْ، وَتَحْتَ لَوَائِهِمْ، وَلَا تُفَرِّقْ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُمْ، وَاجْعَلْنِي بِهِمْ عِنْدَكَ وَجِيهًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ، اَلَّذِينَ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ، وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ. اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي اعْذَهَبَ [يا: ذَهَبَ] بِالنَّهَارِ بِقُدْرَتِهِ، وَحَيَّاهُ بِاللَّيْلِ بِرَحْمَتِهِ خَلْقًا جَدِيدًا، وَجَعَلَهُ لِبَاسًا وَسَكَنًا، وَجَعَلَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ آيَتَيْنِ [يا: دَائِيَّتَيْنِ] لِنُعْلَمَ بِهِمَا عِدَدُ السَّنِينَ وَالْحِسَابِ، اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ عَلَى اِقْبَالِ اللَّيْلِ وَازْدِيَادِ النَّهَارِ، اَللّٰهُمَّ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ، وَاعْصِلْ لِي دِينِي الَّذِي هُوَ عِصْمَةٌ أَمْرِي، وَاعْصِلْ لِي دُنْيَايَ الَّتِي فِيهَا مَعِيشَتِي، وَاعْصِلْ لِي آخِرَتِي الَّتِي إِلَيْهَا مُنْقَلَبِي، وَاجْعَلِ الْحَيَاةَ زِيَادَةً لِي فِي كُلِّ خَيْرٍ، وَاجْعَلِ الْمَوْتَ رَاحَةً لِي مِنْ كُلِّ سُوءٍ، وَاكْفِنِي أَمْرَ دُنْيَايَ وَآخِرَتِي بِمَا كَفَيْتَ بِهِ أَوْلِيَاءَكَ وَخَيْرَتَكَ مِنْ عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ، وَاصْرِفْ عَنِّي شَرَّهُمَا، وَوَقِّفْنِي لِمَا يُرْضِيكَ عَنِّي، يَا كَرِيمُ، اَمْسِئْتُ، وَالْمُلْكُ لِلّٰهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ وَمَا فِي اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ، اَللّٰهُمَّ، إِنِّي وَهَذَا اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ خَلْقَانِ مِنْ خَلْقِكَ، فَأَعْصِمْنِي فِيهِمَا بِقُوَّتِكَ، وَلَا تُرِيهِمَا [يا: لَا تُرِيهِمَا] جُزَاءً مِنِّي عَلَى مَعَاصِيكَ، وَلَا زُكُوبًا مِنِّي لِمَحَارِمِكَ، وَاجْعَلْ [عَمَلِي فِيهِمَا مَقْبُولًا، وَسَعْيِي مَشْكُورًا، وَيَسِّرْ لِي مَا أَخَافُ عُشْرَهُ، وَسَهِّلْ لِي مَا صَعُبَ] عَلَيَّ أَمْرُهُ، وَأَقْصِ لِي فِيهِ بِالْحُسْنَى. وَآمَنِي مَكْرَكَ، وَلَا تَهْتِكْ عَنِّي سِرَّكَ، وَلَا تُسَيِّرْ ذِكْرَكَ، وَلَا تُحِلْ بَيْنِي وَبَيْنَ حَوْلِكَ وَقُوَّتِكَ، وَلَا تَكِلْنِي إِلَى نَفْسِي طَرْفَةً عَيْنٍ أَبَدًا، وَلَا إِلَى إِخِيْدٍ مِنْ خَلْقِكَ، يَا كَرِيمُ. اَللّٰهُمَّ، افْتَحْ مَسَامِعَ قَلْبِي لِتَذِكْرِكَ حَتَّى وَحْيِكَ، وَاعْتَبِرْ كِتَابَكَ، وَاعْصِدْ رُسُلَكَ، وَاعْزُومَنْ بُوْعْدِكَ، [وَأَخَافُ وَعِيدَكَ]، وَاعْزُومَنْ بِعَهْدِكَ، وَاعْتَبِرْ أَمْرَكَ، وَاجْتَنِبْ نَهْيَكَ، اَللّٰهُمَّ، صِلْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَلَا تُصْرِفْ عَنِّي وَجْهَكَ، وَلَا تَمْنَعْنِي فَضْلَكَ، وَلَا تُخْرِمْ عَفْوَكَ، وَاجْعَلْنِي أَوْلَى أَوْلِيَاءِكَ، وَاعْصِدْ أَعْدَاءَ أَعْدَائِكَ، وَارْزُقْنِي الرَّهْبَةَ مِنْكَ، وَالرَّغْبَةَ إِلَيْكَ، وَالْخُشُوعَ وَالْوَقَارَ وَالتَّسْلِيمَ لِأَمْرِكَ وَالتَّصَدِيقَ بِكِتَابِكَ وَاتِّبَاعَ سُنَّتِهِ نَبِيِّكَ (ص). اَللّٰهُمَّ، إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ نَفْسٍ لَا تَقْنَعُ، وَبَطْنٍ لَا يَسْبُغُ [يا: لَا تَسْبُغُ]، وَعَيْنٍ لَا تَدْمَعُ، وَقَلْبٍ لَا يَخْشَعُ، وَصَلَاةٍ لَا تَرْفَعُ [وَعَمَلٍ لَا يَنْفَعُ]، وَدُعَاءٍ لَا يُسْمَعُ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ سُوءِ الْقَضَاءِ وَدَرْكِ الشَّقَاءِ وَجَهْدِ الْبَلَاءِ وَشِمَاتَةِ الْأَعْدَاءِ، وَمِنْ عَمَلٍ لَا يُرْضَى، وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ الْكُفْرِ وَالْفَقْرِ وَالْقَهْرِ وَالْعِزْرِ وَمِنْ ضِيقِ الصَّدْرِ وَمِنْ شَتَاتِ الْأَمْرِ وَمِنْ الدَّاءِ الْعُضَالِ وَغَلَبَةِ الرِّجَالِ وَخَيْبَةِ الْمُنْقَلَبِ وَسُوءِ النَّظَرِ فِي النَّفْسِ وَالذِّينِ وَالْأَهْلِ وَالْمَالِ وَالْوَلَدِ وَعِنْدَ مُعَاتِيَةِ الْمَوْتِ، وَأَعُوذُ بِاللّٰهِ مِنْ إِنْسَانٍ سُوءٍ وَجَارٍ سُوءٍ وَفَرَسٍ سُوءٍ وَيَوْمٍ سُوءٍ وَسَاعَةٍ سُوءٍ وَمِنْ شَرِّ مَا يَلْتَجِ فِي الْأَرْضِ وَمَا يُخْرِجُ مِنْهَا، وَمِنْ شَرِّ مَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَمَا يَعْرُجُ فِيهَا، وَمِنْ شَرِّ طَوَارِقِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ إِلَّا- طَارِقًا (٢٥٦) يَطْرُقُ بِخَيْرٍ، وَمِنْ شَرِّ كُلِّ دَابَّةٍ أَعْنَتْ أَخِيْدًا بِنَاصِيَّتِهَا، إِنَّ رَبِّي عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ، فَسَيَكْفِيكَهُمُ اللَّهُ، وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ، اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي قَضَى عَنِّي صِلَاةً كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَوْقُوتًا. - خداوندا، بر حضرت محمد مزده و بیم دهنده، چراغ روشن، پاک و پاکیزه، خیر افزون، خاتم پیامبران و سرور برگزیدگان، و ناب دوستان، صاحب چهره زیبا و شرافت ریشه دار و منبر [یا: روشنگر] بزرگوار، و جایگاه ستوده، و سرچشمه نمایان، و حوضی که [پیروان واقعی اش] بر آن وارد می شوند، درود فرست، خدایا، بر حضرت محمد درود فرست چنانکه رسالت خویش را تبلیغ، و در راه تو جهاد و کوشش، و نسبت به اُمت خویش خیر خواهی نمود، و تا هنگام فرا رسیدن یقین [یعنی مرگ] تو را پرستید، و بر خاندان او که پاکیزگان و نیکان و تقوا پیشگان و ابرار و خوبان هستند، هم آنان که ایشان را برای دین خود انتخاب، و از میان مخلوقات برگزیدی، و امین بر وحی خویش قرار داده، و گنجینه داران علم و ترجمه کنندگان و شارحان کلمات، و پرچمها و نشانه های نور خویش و نگاهبانان اسرار قرار دادی، و پلیدی را از ایشان بر طرف نموده، و به گونه ویژه ای پاکیزه نمودی، درود فرست. خدایا، ما را به واسطه دوست داشتن آنان سود بخش، و در میان گروه ایشان و زیر پرچمشان محشور گردان، و بین ما و ایشان جدایی میاندا، و به واسطه ایشان در نزد خود در دنیا و آخرت آبرومند و از مقربان [درگاهت] که نه بیمی برایشان است، و نه انده گین می شوند، قرار ده. سپاس خدایی را که روز را به قدرت خویش برد، و شب را با رحمتش به عنوان آفریده نو آورد، و آن را پوشاننده [عیب و نقص] و مایه آرامش قرار داده، و شب و روز را به عنوان دو نشانه [یا: گردش کننده به صورت مُستمر]

قرار داد، تا شماره سالها و حساب به وسیله آن دو معلوم گردد، سپاس خداوند را به خاطر روی آوردن شب و پشت کردن و سپری شدن روز، خداوندا، بر محمّد و [بر] آل محمّد درود فرست، و دینم را که مایه عصمت و نگاهدارنده امورم، و دنیايم را که گذران زندگانی من در آن است، و آخرتم را که بازگشتم به سوی آن است اصلاح فرما، و زندگانی را برای من مایه فرونی در هر خیر، و مرگ را آسودگی از بدی قرار ده، و امور دنیا و آخرتم را به آنچه دوستان و برگزیدگان از بندگان صالح خویش را کفایت فرمودی، کفایت فرما، و شرّ آن دو [یعنی دنیا و آخرت یا: شب و روز] را از من بازدار، و مرا به آنچه که تو را از من خشنود سازد مؤفّق گردان، ای کریم، شب کردم در حالی که فرمانروایی و آنچه در شب و روز است. برای خداوند یگانه قهار و بسیار چیره می باشد، خداوندا، من و این شب و روز دو آفریده از آفریده های تو می باشیم، پس به قدرت خویش مرا در آن دو [از گناه] نگاه دار، و جرات و دلیری بر [انجام] گناهات و ارتکاب محرمات را از من به آن دو نشان نده، و [عملم را در آن دو] مقبول و کوششم را مورد سپاس خویش قرار ده، و هرچه که از مشکلی و سختی آن هراس دارم بر من آسان گردان، و آنچه امر آن بر من [مشکل است راحت بفرما]، و با [عمل] نیکوتر آن را به پایان بر، از مکر خویش ایمن ساز، و پرده ام را ندر، و یادت را فراموشم منما، و میان من و حول و قوّه ات چیزی را حایل مگردان، و هیچگاه به اندازه چشم بر هم زدنی به خود و به هیچ کدام از مخلوقات واگذار مکن. ای بزرگوار. خداوندا، گوشهای دلم را برای [دریافت] یادت بگشای تا وحی ات را دریافته، و از کتابت پیروی، و پیامبرانت را تصدیق نمایم، و به وعده ات ایمان آورده [و از وعده عذابت بیم داشته]، و به پیمانت وفا نموده، و از دستورت پیروی کنم، و از آنچه نهی نموده ای پرهیز نمایم. خداوندا، بر محمّد و آل محمّد درود فرست و روی ات را از من برمگردان، و فضلت را از من باز مدار، و مرا از عفو محروم منما، و چنانم قرار ده که دوستان را دوست، و دشمنان را دشمن بدارم، و بیم و هراس از خود و میل و رغبت به سویت و خشوع و وقار و تسلیم در برابر امرت و تصدیق به کتابت و پیروی از سنت و روش پیامبرت (ص) را روزی ام گردان. خداوندا، به تو پناه می برم از نفسی که [به چیزی] بسنده نمی کند، و از شکمی که سیر نمی گردد، و از چشمی که اشک نمی ریزد، و دلی که فروتن و خاشع نمی گردد، و نمازی که بالا برده نمی شود [و پذیرفته نمی گردد]، [و عملی که سودمند نیست] و دعایی که شنوده نمی شود، [و مورد اجابت قرار نمی گیرد]، و به تو پناه می برم از قضاء [و اراده حتمی] بد، و پیوستن [ویا: پیآمد] بدبختی، و بلای طاق فراسا و بسیار سخت، و شماتت و شادمانی دشمنان، و از عملی که مورد پسند تو نباشد. و به تو پناهنده می برم از کفر و فقر و چیرگی و فریب خوردن و از دلتنگی و از پراکندگی امور و از درد و بیماری سخت و غالب، و غلبه مردان [و دشمنان] و بد عاقبتی و بد منظری درباره خود و دین و خانواده و مال و دارایی و فرزند و هنگام مشاهده مرگ. و به خدا پناه می برم از انسان بد، و همسایه بد، و دوست و همراه بد، و روز بد و ساعت و لحظه بد، و از شرّ هر چه در زمین وارد و از آن خارج می گردد، و از شرّ آنچه از آسمان فرود آمده و به سوی آن بالا می رود، و از شرّ پیشامدها و گرفتاریهای شب و روز، مگر پیشامدی که همراه با خیر و خوبی وارد شود، و از شرّ هر جنبه ای که تو [موی] پیشانی آن را گرفته ای، برآستی که پروردگارم بر راه است استوار است. پس خداوند خود تو را از [شرّ] آنها کفایت خواهد نمود و اوست شنوا و آگاه، سپاس خدایی را که نماز [دیگری] را که به عنوان نوشته [و واجب] معین و وقت دار بر مؤمنان نوشته و واجب فرموده، از ناحیه من برآورده ساخت.

وقت انجام سجده شکر

۴- هنگامی که از تعقیب نماز فراغت پیدا کردی، اگر خواستی هم اکنون دو سجده شکر را به کیفیتی که ذکر خواهیم نمود، بجا آور، و اگر خواستی آن را به بعد از فراغت از تمام اعمال و نمازها و دعاها بین نماز مغرب و عشاء تاخیر بیانداز، به گونه ای که سجده شکر آخرین عمل تو در بین نماز مغرب و عشاء باشد، پس اگر خواستی دو سجده شکر را به این صورت انجام بده:

کیفیت انجام دو سجده شکر

ابوعبیده می گوید: شنیدم که امام باقر(ع) در حال سجده (۲۵۷) می فرمود: اِشَاءُ لَكَ بِحَقِّ حَبِيبِكَ مُحَمَّدٍ (ص) إِلَّا بَدَلْتُ سَيِّئَاتِي حَسَنَاتٍ، وَحَاسَبْتَنِي حِسَاباً يَسِيراً. - به حق حبیت حضرت محمد (ص) از تو درخواست می نمایم که بدیهایم را [به کارهای نیک] مبدل فرموده، و از من حساب کشی آسان نمایی. سپس در سجده دوم فرمود: اِئِلَّاهُمْ، بِحَقِّ حَبِيبِكَ مُحَمَّدٍ (ص) إِلَّا كَفَيْتَنِي مَوْوَنَةَ الدُّنْيَا وَكُلَّ هَوْلٍ دُونَ الْجَنَّةِ. - خداوندا، به حق محبوبت حضرت محمد(ص) [از تو درخواست می نمایم] که سختی دنیا، و تمام هول و هراسها را تا رسیدن به بهشت از من کفایت فرمایی. سپس در سجده سوم فرمود: اِشَاءُ لَكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ حَبِيبِكَ (ص) لَمَّا غَفَرْتَ لِي الْكَثِيرَ مِنَ الذُّنُوبِ وَالْقَلِيلَ، وَقَبِلْتَ مِنْ عَمَلِي الْيَسِيرَ. - به حق حبیت حضرت محمد(ص) از تو تقاضا دارم که گناهان فراوان و اندک مرا آمرزیده، و عمل اندکم را از من بپذیری. سپس در سجده چهارم فرمود: اِئِلَّاهُمْ، بِحَقِّ حَبِيبِكَ مُحَمَّدٍ (ص)، لَمَّا اَدْخَلْتَنِي الْجَنَّةَ، وَجَعَلْتَنِي مِنْ سَيِّكَانِهَا، وَلَمَّا نَجَّيْتَنِي مِنْ سَيِّفَاتِ النَّارِ بِرَحْمَتِكَ. - خداوندا، به حق محبوبت حضرت محمد صلی الله علیه و آله [از تو درخواست می نمایم] که مرا داخل بهشت نموده، و از ساکنان آن قرار داده، و به رحمت خویش، از زبانه های فراگیرنده آتش [جهنم] نجاتم بخشی. (پایان روایت مذکور) اشکال و جواب اگر به ذهن کسی خطور کند که در این روایت نیامده که این دو سجده شکر برای نماز مغرب است. در جواب گفته می شود: از اینکه اصحاب و راویان ما آن را در دو سجده شکر بعد از نماز مغرب آورده و آن دو را برای مغرب تعیین کرده اند، معلوم می شود که آن از طریق روایت دیگری به آنها رسیده است. ۵- پیش از این در تعقیب سجده نماز ظهر آنچه را که هنگام بلند کردن سر از سجده گفته و بدان عمل می شود، ذکر نمودیم، بنابراین به هر مقدار از آن که در مورد عموم سجده شکر نمازهای واجب می باشد، عمل شود.

فصل بیست و پنجم: نمازهای مستحبی بین نافله های نماز مغرب و عشا

فضیلت نماز مستحبی بین نماز مغرب و عشا

در روایت آمده که امام صادق (ع) به نقل از پدر بزرگوارش (علیهما السلام) فرمود که رسول خدا (ص) فرمودند: در ساعت غفلت نماز بخوانید، اگر چه دو رکعت باشد، زیرا این دو رکعت انسان را در دار کرامت الهی وارد می کنند. همچنین در روایت دیگر در فضیلت آن آمده است که: امام صادق (ع) به روایت از پدر بزرگوارش (علیهما السلام) فرمود که رسول خدا(ص) فرمودند: در ساعت غفلت نماز نافله بخوانید، هر چند دو رکعت مختصر باشد، زیرا این دو رکعت انسان را در دار کرامت الهی وارد می کنند. عرض شد: ای رسول خدا، ساعت غفلت کجا است؟ فرمود: بین مغرب و عشا.

نمازهای مستحبی بین نماز مغرب و عشا

اینک نمازهایی را که بین نماز مغرب و عشا خوانده می شود، با استفاده از روایات برگزیده و ذکر می کنیم ۱- در روایت آمده که امام صادق (ع) فرمود: هرکس بین نماز مغرب و عشا دو رکعت نماز بخواند، به این صورت که در رکعت اول سوره حمد و فرمایش خداوند متعال را بخواند که می فرماید: وَذَالنُّونِ إِذْ ذَهَبَ مُغَاضِبًا، فَظَنَّ أَن لَّنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ، فَنَادَى فِي الظُّلُمَاتِ: أَيْنَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنتَ، سُبْحَانَكَ، إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ، فَاسْتَجَبْنَا لَهُ، وَنَجَّيْنَاهُ مِنَ الْغَمِّ، وَكَذَلِكَ نُنْجِي الْمُؤْمِنِينَ. (۲۵۸) - و ذوالنون [یعنی حضرت یونس (ع)] را [به یاد آور] آن هنگام که خشمگین [از عمل قوم خویش] رهسپار شد، و گمان نمود که ما نمی توانیم بر او تنگ بگیریم، پس در میان تاریکیها ندا داد که: معبودی جز تو نیست، پاک و منزهی، براستی که من از ستمکاران بودم، پس [دعای] او را اجابت نموده، و او را از غم و اندوه نجات بخشیدیم، و اینچنین مؤمنان را رهایی می بخشیم. و در رکعت دوم،

سوره حمد و فرمایش خداوند متعال را بخواند که می فرماید: وَ عِنْدَهُ مَفَاتِيحُ الْغَيْبِ لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا هُوَ، وَ يَعْلَمُ مَا فِي الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ وَ مَا تَسْقُطُ مِنْ وَرَقَةٍ إِلَّا يَعْلَمُهَا، وَلَا حَبَّةٌ فِي ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ وَلَا رَطْبٌ وَلَا يَابِسٌ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ. (۲۵۹) - و کلیدهای غیب در نزد اوست و جز او از آن آگاه نیست، و تمام آنچه را که در خشکی و دریاست می داند، و [تا حتی] هیچ برگی [از درخت] نمی افتد مگر اینکه به آن آگاه است، و هیچ دانه ای در تاریکیهای زمین و هیچ تر و یا خشکی نیست مگر اینکه در کتاب مُبیین [الهی] وجود دارد. و وقتی از قرائت آن فراغت پیدا کرد، دستهای خود برای قنوت را بالا برده و بگوید: اَعْلَلَهُمْ، اِنِّي اَسْأَلُكَ بِمَفَاتِيحِ الْغَيْبِ الَّتِي لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا اَنْتَ، اَعَنْ تَصِيْلِي عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ [یا: آلِ مُحَمَّدٍ]، وَ اَعَنْ تَفْعِيْلَ بِي كَذَا وَ كَذَا - خداوند، به [حق] کلیدهای غیب که جز تو آن را نمی داند، از تو خواهانم که بر مُحَمَّد و آلِ مُحَمَّد درود فرستی، و به من چنین و چنان کنی. (۲۶۰) و بعد بگوید: اَعْلَلَهُمْ، اَعَنْتَ وَلِيَّ نِعْمَتِي، وَ الْقَادِرُ عَلَى طَلِبَتِي، تَعْلَمُ حَاجَتِي، فَأَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ - عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمُ السَّلَام - لَمَّا قَضَيْتَهَا لِي. - خدایا، تویی سرپرست نعمت، و توانا بر [برآوردن] خواسته ام، حاجتم را می دانی، پس به حق مُحَمَّد و آلِ مُحَمَّد - که سلام بر او و ایشان باد - از تو خواهانم که آنها را برای من برآورده سازی. و حاجت خویش را از خداوند - جلّ جلاله - بخواهد، خداوند هر چه را که خواسته به او عطا می فرماید، زیرا پیامبر اکرم (ص) فرمود: دو رکعت غُفْلَه را ترک نکنید، و آن دو ما بین نماز مغرب و عشا خوانده می شوند. ۲ - از امام صادق از پدر بزرگوارش از جدّ بزرگوارش از پدر بزرگوارش نقل شده که امیر المؤمنین (علیهم السلام) فرمود: هنگام وفات رسول خدا (ص) به او عرض کردیم: ای رسول خدا، سفارشی به ما بفرما. فرمود: شما را سفارش می کنم به خواندن دو رکعت نماز بین مغرب و عشا، به این صورت که در رکعت اوّل سوره حمد و ده بار سوره إِذَا زُلْزِلَتْ الْأَرْضُ زِلْزَالَهَا، و در رکعت دوّم سوره حمد و پانزده بار سوره قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ را قرائت می کنی. زیرا هر کس این را در هر ماه انجام دهد، از تقوی پیشگان خواهد بود، و اگر در هر سال انجام دهد از نیکوکاران خواهد بود، و اگر در هر جمعه و هفته ای یک بار انجام دهد از نمازگزاران خواهد بود، و اگر در هر شب انجام دهد، در بهشت جای مرا تنگ خواهد نمود (۲۶۱)، و ثواب آن را جز خداوندی که پروردگار عالمیان است، نمی تواند به شماره درآورد. ۳ - روایت شده که بعضی از موالی ما و ائمه (علیهم السلام) درباره گفتار خداوند متعال که می فرماید: إِنَّ نَاشِئَةَ اللَّيْلِ هِيَ أَعَشَدُّ وَطْأً وَ أَقْوَمٌ قِيلاً. (۲۶۲) - و براستی که پدیده [و نماز] شب از لحاظ موافقت [زبان با دل] سخت تر، و از لحاظ گفتار استوارتر است. فرمود: [مقصود از آیه شریفه] همان دو رکعت بعد از مغرب است، که در رکعت اوّل سوره فَاتِحَةُ الْكِتَابِ و ده آیه از اوّل سوره بقره و آیه سَخَرَهُ (۲۶۳) و آیه إِلَهُكُمْ إِلَهُ وَاحِدٌ تا آخر یعنی تا: لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ (۲۶۴) و پانزده بار سوره قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ؛ و در رکعت دوّم سوره فَاتِحَةُ الْكِتَابِ و آیه الْكَرْسِيِّ (۲۶۵) و آخر سوره بقره از لِّلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ تا آخر سوره (۲۶۶)، و پانزده بار سوره قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ را قرائت می کنی. و بعد از خواندن آن دو رکعت، هر دعایی که خواستی می کنی. حضرت فرمود: هر کس این را انجام دهد و بر آن مواظبت نماید، خداوند در برابر هر نماز برای او ششصد هزار حجّ می نویسد. این نماز به طریق دیگر نیز روایت شده که مطلبی افزون بر این دارد به این صورت که در آن آمده است: بعد از گفتن سلام نماز بگو: اَعْلَلَهُمْ، مُقَلِّبِ الْقُلُوبِ وَالْأَبْصَارِ، ثَبَّتْ قَلْبِي عَلَى دِينِكَ وَ دِينَ نَبِيِّكَ [وَ وَلِيِّكَ]، وَلَا تُزِعْ قَلْبِي بَعِيدًا إِذْ هَيْدَيْتَنِي، وَ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً، إِنَّكَ اَنْتَ الْوَهَّابُ، وَ اَعْزِزْنِي مِنَ النَّارِ بِرَحْمَتِكَ، اَعْلَلَهُمْ، اَمْدُدْ [لِي] فِي عُمْرِي، وَ اَنْشُرْ عَلَيَّ رَحْمَتَكَ، وَ اَنْزِلْ عَلَيَّ مِنْ بَرَكَاتِكَ، وَ اِنْ كُنْتُ عِنْدَكَ فِي أُمِّ الْكِتَابِ شَقِيًّا، فَاجْعَلْنِي سَعِيدًا؛ فَإِنَّكَ تَمُحُو مَا تَشَاءُ وَ تَثْبِتُ، وَ عِنْدَكَ أُمُّ الْكِتَابِ. - خداوند، ای گرداننده و زیر و رو کننده دلها و دیدگان، قلبم را بر دینت و دین پیامبرت [و ولی] استوار گردان، و دلم را بعد از آنکه هدایت فرمودی، منحرف مفرما، و رحمتی از جانب خویش به من ارزانی دار، براستی که تو بسیار بخشنده ای، و مرا به رحمت خویش از آتش جهنّم در پناه خویش درآور. خداوند، عمر مرا طولانی گردان، و رحمت را بر من بگستران، و برکات را بر من فرودآور، و اگر در نزد تو در کتاب مادر [علم] تو] بدبخت هستم، پس مرا سعادتمند قرار ده، که تو هر چه را بخواهی محو و یا ثابت می گردانی، و

کتاب مادر تنها در نزد توست . و ده بار بگو : اَعِشَ تَجِیْرُ بِاللّٰهِ مِنَ النَّارِ . (به خدا پناه می برم از آتش جهنم .) و ده بار بگو : اَعِشَ اَللّٰهُ الْجَنَّةَ . (از خدا بهشت را خواهانم .) و ده بار بگو : اَعِشَ اَللّٰهُ الْحُورَ الْعِیْنَ . (از خدا حورعین و زنان سیاه و درشت چشم بهشتی را خواهانم .) ۴ - روایت شده که امام صادق (ع) فرمود : هر کس بعد از نماز مغرب چهار رکعت نماز بخواند ، و در هر رکعت از آن پانزده بار قُلْ هُوَ اللّٰهُ اَعِزِّدْ قرائت کند ، وقتی نماز را تمام می کند ، بین او و خداوند متعال گناهی نمی ماند که خدا آن را نبخشیده باشد . ۵ - روایت شده که امام رضا (ع) فرمود : هر کس نماز مغرب را بخواند و بعد از آن چهار رکعت نماز بخواند ، و سخن نگوید تا اینکه ده رکعت دیگر نماز بخواند ، به این صورت که در هر رکعت سوره فاتحه الْكِتَابِ و قُلْ هُوَ اللّٰهُ اَعِزِّدْ را قرائت کند ، برای او برابر با [یا : به منزله] آزاد کردن ده برده خواهد بود . ۶ - منقول است که امام صادق (ع) فرمود رسول خدا (ص) فرمودند : نماز نافله بخوانید ، اگر چه دو رکعت مختصر باشد ، زیرا آن دو انسان را در دار کرامت الهی وارد می کنند . عرض شد : ای رسول خدا ، مقصود از این دو رکعت مختصر چیست ؟ فرمود : دو رکعتی که در آن تنها حمد را قرائت می کنی . عرض شد : ای رسول خدا ، کی بخوانم ؟ فرمود : بین نماز مغرب و عشا . ما به خاطر ترس از تنگی وقت و عدم درک اوّل وقت نماز عشا تنها به برخی از نمازها و دعاهای بین نماز مغرب و عشا که روایت شده ، بسنده نمودیم ، البتّه آنچه ذکر کردیم برای کسی که آنها را با ادب و اخلاص در عبادات انجام دهد ، کفایت می کند .

آخرین تعقیب نماز مغرب

از امور مهمّ ختم کردن آخر تعقیب نماز مغرب است به دعایی که ذکر آن در آخر دعاهای نماز ظهر گذشت ، یعنی همان دعای ابن خانبه که برای جبران و اصلاح غفلتها و جنایتها و گناهان قلبی است که در نماز از انسان صادر می شود .

فصل بیست و ششم : آداب و اسرار و تعقیبات مخصوص نماز عشا

بهترین وقت نماز عشا

با فضیلت ترین و بهترین وقت نماز واجب عشاء درست بعد از برطرف شدن سرخی شامگاه از افق مغرب می باشد ، پس اگر تا اوّل زوال آن به نمازهای نافله یا تعقیب نماز مغرب مشغول بودی عده ای از اهل عمل از نیکان [یا : اهل عمل به احادیث ماء ثوره] به روایاتی که راویان مورد اعتماد درباره دعاها و نمازهایی که بین نماز مغرب و عشا نقل کرده اند اعتماد دارند [و اعتنایی به گذشتن اوّل وقت فضیلت نماز عشا نمی کنند] ، زیرا به خاطر وجود روایات روشن که امر به انجام آن نمازها و دعاها می کنند ، ناگزیر وقت انجام آنها [و تاءخیر نماز عشا] نیز باید مورد اجازه باشد . کیفیت انجام نماز عشاء هنگامی که بنده از فراغت از تمام اعمالی که خداوند - جلّ جلاله - او را موفّق نمود ، بر اساس راهنمایی خداوند ، باید برای گفتن اذان نماز عشا پیا خیزد ، و به کیفیتی که گذشت اذان گفته ، و اعمالی را که بعد از اذان نقل نمودیم انجام دهد ، سپس در گفتن اقامه نیز بر اساس آنچه که شرح دادیم عمل نموده ، و بعد نماز واجب عشا را - با گفتن تکبیرهای هفتگانه و دعاهای بین آنها و توجّه آغاز می نماید به این نیت که : نماز واجب عشا را به گونه واجب ، و برای اینکه بدین وسیله خداوند - جلّ جلاله - را از آن جهت که زیننده پرستش است عبادت نمایم ، بجا می آورم . و با گفتن تکبیرة الاحرام داخل نماز می شود ، و چهار رکعت نماز به صورت نماز ظهر با رعایت امور مهمّی که در آنجا یاد آور شدیم بجا آورد ، البتّه در اینجا حمد و سوره دو رکعت نخست را بلند و به صورت جهری قرائت می نماید ، و سوره حمد دو رکعت آخر (۲۶۷) را آهسته و به صورت اخفاتی قرائت می نماید ، و تشهد و سلام نماز و تسبیح حضرت زهرا (علیها السلام) را به همان صورت که پیش از این گفتیم ، بجا می آورد ، و تعقیبات نمازهای واجب عمل می کند ، که ما

تعقیبات پسندیده ای را در تعقیب نماز ظهر ذکر نموده و روایت کردیم .

تعقیبات مختص به نماز عشا

دعای امیرالمؤمنین (ع) در تعقیب نماز عشا

۱ - از تعقیبات مهم بعد از نماز عشا ، دعای مختص به این نماز فریضه از دعاهاى مولایمان علی بن ابی طالب (ع) در تعقیب نمازهای پنجگانه واجب است ، به این صورت : اَءَلَلّهُمَّ ، صِلْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَاحْرُسْنِي بِعَيْدِكَ الَّتِي لَا تَنَامُ ، وَاكْتَفِنِي بِرُكْنِكَ الَّذِي لَا يُيْرَامُ ، وَاعْفِرْ لِي بِقُدْرَتِكَ عَلَيَّ ، يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ ، اَءَلَلّهُمَّ ، إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ طَوَارِقِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَمِنْ جَوْرِ كُلِّ جَائِرٍ ، وَحَسَدِ كُلِّ حَاسِدٍ ، وَبَغْيِ كُلِّ بَاغٍ ، اَءَلَلّهُمَّ ، احْفَظْنِي فِي نَفْسِي وَآهْلِي وَمَالِي وَجَمِيعِ مَا خَوَّلْتَنِي مِنْ نِعَمِكَ ، اَءَلَلّهُمَّ ، تَوَلَّنِي فِيمَا عِنْدَكَ مِمَّا غَبْتُ [يا : رَغَبْتُ] عَنْهُ ، وَلَا تَكِلْنِي إِلَى نَفْسِي فِيمَا حَضَرْتَهُ ، يَا مَنْ لَا تُضَرُّهُ الذُّنُوبُ ، وَلَا تَنْقُصُهُ الْمَغْفِرَةُ ، اِعْفِرْ لِي مَا لَا يَضُرُّكَ ، وَاعْظِنِي مَا لَا يَنْفُصُكَ ، إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ ، اَءَلَلّهُمَّ ، إِنِّي أَسْأَلُكَ فَرَجًا قَرِيبًا ، وَصَبْرًا جَمِيلًا ، وَرِزْقًا وَاسِعًا ، وَالْعَفْوَ وَالْعَافِيَةَ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ . اَءَلَلّهُمَّ ، صِلْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ . وَاعْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ ، اَءَلْأَحْيَاءِ مِنْهُمْ وَالْأَمْوَاتِ . اَءَلَلّهُمَّ ، اجْعَلْنِي مِمَّنْ يُكْثِرُ ذِكْرُكَ ، وَيَتَابِعُ شُكْرُكَ ، وَيُزِمُّ عِبَادَتَكَ ، وَيُؤَدِّي أَمَانَتَكَ ، اَءَلَلّهُمَّ ، طَهِّرْ لِسَانِي مِنَ الْكُذْبِ ، وَقَلْبِي مِنَ النِّفَاقِ ، وَعَمَلِي مِنَ الرِّيَاءِ ، وَبَصِيرِي مِنَ الْخِيَانَةِ ، إِنَّكَ تَعْلَمُ خَائِنَتَهُ الْأَعْيُنِ وَمَا تُخْفِي الصُّدُورُ ، اَءَلَلّهُمَّ ، رَبِّ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ وَمَا أَعْظَلَتْ ، وَرَبِّ الْأَرْضِينَ السَّبْعِ وَمَا أَعْقَلَتْ ، وَرَبِّ الرِّيَاحِ وَمَا ذَرَّتْ ، وَرَبِّ كُلِّ شَيْءٍ ، وَإِلَهَ كُلِّ شَيْءٍ ، وَأَوَّلُ كُلِّ شَيْءٍ وَآخِرُ كُلِّ شَيْءٍ ، وَرَبِّ جِبْرِئِيلَ وَمِيكَائِيلَ وَإِسْرَافِيلَ وَإِلَهَ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ ، اَءَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَأَنْ تَتَوَلَّانِي بِرَحْمَتِكَ ، وَتُشَمِّلَنِي بِعَافِيَتِكَ ، وَتُشْرِعَنِي بِمَغْفِرَتِكَ ، وَلَا تُسَلِّطْ عَلَيَّ أَحَدًا مِنْ خَلْقِكَ . اَءَلَلّهُمَّ ، إِلَيْكَ قَرَّبْتَنِي ، وَعَلَى حُسْنِ الْخَلْقِ فَقَوَّمتَنِي ، وَمِنْ شَرِّ شَيَاطِينِ الْجَنِّ وَالْإِنْسِ فَسَلَّمْتَنِي ، وَفِي آتَاءِ اللَّيْلِ وَ[أَطْرَافِ] النَّهَارِ فَاحْرُسْنِي ، وَفِي آهْلِي وَمَالِي وَوُلْدِي وَإِخْوَانِي وَجَمِيعِ مَا أَعْظَمْتَ بِهِ عَلَيَّ فَاحْفَظْنِي ، وَاعْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِسَائِرِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ ، يَا رَبِّ [وَلِيَّ] الْبَاقِيَاتِ الصَّالِحَاتِ ، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ، يَا نِعَمَ الْمَوْلَى وَنِعَمَ النَّصِيرِ ، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ ، [يا : رَحِيمٌ] ، اَءَلْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ، وَصَلَوَاتُهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ النَّبِيِّ وَآلِهِ وَعِزَّتِهِ الطَّاهِرِينَ . - خداوندا ، بر محمد و آل محمد درود فرست ، و به وسیله چشم [و ذات] که هرگز به خواب نمی رود ، از من پاسداری نما ، و به حمایت که هرگز کسی نمی تواند قصد آن را بکند ، مورد حمایت خویش قرار ده ، و به قدرتت بر من از من در گذر . ای صاحب بزرگی و بزرگواری ، خداوندا ، از پیشامدهای بزرگ شب و روز و از جور و ستم هر ستمگر ، و رشک و حسادت هر رشک برنده ، و تجاوز هر تجاوزگر به تو پناه می برم . خدایا ، مرا درباره خود و خانواده و مال و تمام آنچه از نعمتهایت بر من ارزانی داشته ای محافظت بفرما ، خدایا ، پیرامون آنچه که در نزد توست و من اطلاعی از آن [یا : گرایشی به آن] ندارم خود سرپرست و متولی من باش ، و در آنچه از آن اطلاع دارم مرا به خودم وامگذار ، ای خدایی که گناهان آسیبی به تو نمی رساند ، و آمرزش از تو نمی کاهد ، آنچه را که ضرری به تو ندارد بیامرزش ، و آنچه را که از تو چیزی نمی کاهد به من عطا فرما . براستی که تویی بسیار بخشنده هستی . خداوندا ، گشایش زودرس و شکیبایی زیبا و روزی فراوان و عفو و گذشت و عافیت در دنیا و آخرت را از تو مسألت دارم . خدایا ، بر محمد و آل محمد درود فرست و من و پدر و مادر و مردان و زنان مؤمن ، زندگان و مردگانش را بیامرزش . خدایا ، مرا از کسانی قرار ده که بسیار به یاد تو بوده و پیوسته شکر گراز ، و همواره ملازم عبادت بوده ، و امانت تو را ادا می نماید ، خداوندا ، زبانم را از دروغ ، و دلم از نفاق و دو رویی ، و عملم را از ریا ، و دیده ام را از خیانت پاکیزه گردان ، زیرا تو به خیانت چشمها و آنچه که دلها آن را مخفی می دارند آگاهی ، خداوندا ، ای پروردگار آسمانهای هفتگانه و آنچه آنها بر آن سایه افکنده ، و

پروردگار زمینهای هفتگانه و تمام آنچه که آنها آن را حمل می کنند، و پروردگار بادها و آنچه که آنها آن را پراکنده می کنند، و پروردگار و معبود همه اشیاء و اول و آخر هر چیز، و پروردگار جبرئیل و میکائیل و اسرافیل، و معبود حضرت ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب (علیهم السلام)، از تو می خواهم که بر محمد و آل محمد درود فرستی، و به رحمت خویش مرا سرپرستی نموده، و عافیت را شامل حالم گردانیده، و به آرزوست نیکبخت گردانیده، و هیچ کس از مخلوقات را بر من چیره نگردانی. خداوندا، پس مرا مقرب درگاه خود، و بر اخلاق نیک استوارم گردان، و از شر و گزند شیطانهای جَنّی و انسی سلامت بدار، و در اوقات و لحظات شب و [اول و آخر و لحظات] روز پاسم بدار، و مرا درباره خود و خانواده و مال و دارایی و فرزندان و برادران و همه آنچه بر من ارزانی داشتی محافظت بفرما، و من و پدر و مادر و همه مردان و زنان مؤمن را بیمارز، ای سرپرستی کننده [یا: ای پروردگار] اعمال پایدار صالح، براستی که تو بر هر چیز توانایی، ای بهترین سرپرست و بهترین یاری گر، به رحمت ای مهربانترین مهربانها [ای مهربان] سپاس خداوندی را که پروردگار عالمیان است، و دروهای او بر سرورمان حضرت محمد و پیامبر اکرم، و آل و عترت پاک او باد.

دعای حضرت زهرا (علیها السلام) در تعقیب نماز عشا

۲ - نیز از تعقیبات مهم بعد از نماز عشا، دعای مخصوص به این فریضه از ادعیه مولایمان فاطمه (علیها السلام) در تعقیب نمازهای پنجگانه واجب می باشد، به این صورت: سُبْحَانَ مَنْ تَوَاضَعَ كُلُّ شَيْءٍ لِعَظَمَتِهِ، سُبْحَانَ مَنْ ذَلَّ كُلُّ شَيْءٍ لِعِزَّتِهِ، سُبْحَانَ مَنْ خَضَعَ كُلُّ شَيْءٍ لَأَمْرِهِ وَ مَلِكِهِ، سُبْحَانَ مَنْ انْقَادَتْ لَهُ الْأُمُورُ بِأَمْرٍ مَتَّهَا، اَلْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا يَنْسَى مَنْ ذَكَرَهُ، اَلْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا يَحْيَبُ مَنْ دَعَاهُ، اَلْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي مَنْ تَوَكَّلَ عَلَيْهِ كَفَاهُ، اَلْحَمْدُ لِلَّهِ سَامِكِ السَّمَاءِ، وَ سَاطِحِ الْأَرْضِ، وَ حَاصِرِ الْبَحَارِ، وَ نَاصِدِ الْجِبَالِ، وَ بَارِي الْخِيَوَانِ، وَ خَالِقِ الشَّجَرِ، وَ فَاتِحِ يَنَابِيعِ الْأَرْضِ، وَ مُدَبِّرِ الْأُمُورِ، وَ مُسَيِّرِ السَّحَابِ، وَ مُجْرِي الرِّيحِ وَ الْمَاءِ وَ النَّارِ مِنْ أَغْوَارِ الْأَرْضِ مُتَصَاعِدَاتٍ فِي الْهَوَاءِ، وَ مُهْبِطِ الْحَرِّ وَ الْبُرْدِ، اَلَّذِي بِنِعْمَتِهِ تَتِمُّ الصَّالِحَاتُ، وَ بِشُكْرِهِ نَسْتَوْجِبُ [یا: تَسْتَوْجِبُ] الزِّيَادَاتِ، وَ بِأَمْرِهِ قَامَتِ السَّمَاءَاتُ، وَ بِعِزَّتِهِ اسْتَقَرَّتِ الرَّاسِيَّاتُ، وَ سَبَّحَتِ الْوُحُوشُ فِي الْفَلَوَاتِ، وَ الطَّيْرُ فِي الْوُكُنَاتِ، اَلْحَمْدُ لِلَّهِ رَفِيعِ الدَّرَجَاتِ، مُنْزِلِ الْأَيَّاتِ، وَاسِعِ الْبَرَكَاتِ، سَاتِرِ الْعُورَاتِ، قَابِلِ الْحَسَنَاتِ، مُقِيلِ الْعَثَرَاتِ، مُنْفَسِ الْكُرْبَاتِ، مُنْزِلِ الْبَرَكَاتِ، مُجِيبِ الدَّعَوَاتِ، [وَ قَاضِي الْحَاجَاتِ]، مُخَيِّبِ الْأَفْوَاتِ، إِلَهٍ مَنْ فِي الْأَرْضِ وَ السَّمَاوَاتِ. اَلْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى كُلِّ حَمْدٍ وَ ذِكْرٍ وَ شُكْرٍ وَ صَبْرٍ وَ صَلَاةٍ وَ زَكَاةٍ وَ قِيَامٍ وَ عِبَادَةٍ وَ سَعَادَةٍ وَ بَرَكَهٍ وَ زِيَادَةٍ وَ رَحْمَةٍ وَ نِعْمَةٍ وَ كَرَامَةٍ وَ فَرِيضَةٍ وَ سَرَاءٍ وَ ضَرَاءٍ، وَ شِدَّةٍ وَ رَخَاءٍ، وَ مُصِيبَةٍ وَ بَلَاءٍ، وَ عُسْرٍ وَ يُسْرٍ، وَ غِنَاءٍ وَ فَقْرٍ، وَ عَلَى كُلِّ حَالٍ، وَ فِي كُلِّ أَوَانٍ وَ زَمَانٍ، وَ كُلِّ مَثْوًى وَ مُنْقَلَبٍ وَ مَقَامٍ. اَللَّهُمَّ، إِنِّي عَائِدُ بِكَ فَأَعِذْنِي، وَ مُسْتَجِيرُ بِكَ فَأَجِزْنِي، وَ مُسْتَعِينُ بِكَ فَأَعِزَّنِي، وَ مُسْتَعِثُّ بِكَ فَأَعِزَّنِي، وَ دَاعِيكَ فَأَجِزْنِي، وَ مُسْتَغْفِرُكَ فَأَغْفِرْ لِي، وَ مُسْتَنْصِرُكَ فَأَنْصِرْ نِي، وَ مُسْتَهْدِيكَ فَأَهْدِنِي، وَ مُسْتَكْفِيكَ فَأَكْفِنِي، وَ مُلْتَجِ إِلَيْكَ فَأَوْنِي، وَ مُتَمَسِّكُ بِحَبْلِكَ فَأَعِصِّ نِي، وَ مُتَوَكِّلُ عَلَيْكَ فَاسْكِنْنِي، وَ اجْعَلْنِي فِي عِبَادِكَ [یا: عِبَادِكَ] وَ جَوَارِكَ وَ حَزْرِكَ [یا: حَزْرِكَ] وَ كَهْفِكَ [یا: كَهْفِكَ] وَ حِيَاطَتِكَ (۲۶۸) وَ حِرَاسَتِكَ وَ كَلَا-ئَتِكَ وَ حُزْمَتِكَ [یا: حُرْمَتِكَ] وَ أَهْمِكَ وَ تَحْتَ ظِلِّكَ وَ تَحْتَ جَنَاحِكَ، وَ اجْعَلْ عَلَيَّ [جَنَّةً] وَاقِيَةً مِنْكَ، وَ اجْعَلْ حِفْظَكَ وَ حِيَاطَتَكَ وَ حِرَاسَتَكَ وَ كَلَائَتَكَ مِنْ وَرَائِي وَ أَمَامِي وَ عَنْ يَمِينِي وَ عَنْ شِمَالِي وَ مِنْ فَوْقِي وَ مِنْ تَحْتِي وَ حَوَالِي، حَتَّى لَا يَصِلَ إِلَيَّ أَحَدٌ مِنَ الْمَخْلُوقِينَ إِلَى مَكْرُوهِي وَ آذَائِي، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْمَنَّانُ، يَدْعُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ، ذُو الْجَلَالِ وَ الْإِكْرَامِ، اَللَّهُمَّ، اكْفِنِي حَسَدَ الْحَاسِدِينَ وَ بَغْيَ الْبَاغِينَ وَ كَيْدَ الْكَائِدِينَ وَ مَكْرَ الْمَاكِرِينَ وَ حِيلَةَ الْمُخْتَالِينَ وَ غِيْلَةَ الْمُغْتَالِينَ وَ غِيَّةَ الْمُغْتَابِينَ وَ ظُلْمَ الظَّالِمِينَ وَ حُزْنَ الْجَائِرِينَ وَ أَعْدَاءَ الْمُعْتَدِينَ وَ سَهْطَ الْمُسْخَطِينَ [یا: الْمُتَسَخِّطِينَ] وَ تَسَهُّبَ الْمُسَهَّبِينَ [یا: وَ سَهْطَ الْمُسَحِّتِينَ] (۲۶۹)، وَ صَوْلَةَ الصَّائِلِينَ وَ اقْتِسَارَ الْمُقْتَسِرِينَ وَ غَشَمَ الْغَاشِمِينَ وَ خَبْطَ الْخَابِطِينَ وَ سَعَايَةَ السَّاعِينَ وَ نَمَامَةَ النَّامِينَ، وَ سَحَرَ السَّحَرَةِ وَ الْمَرَدَةَ وَ الشَّيَاطِينَ، وَ جَوَرَ السَّلَاطِينَ وَ مَكْرُوهَ الْعَالَمِينَ. اَللَّهُمَّ، إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْمَخْزُونِ الطَّيِّبِ الطَّاهِرِ الَّذِي قَامَتْ

بِهِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ، وَءَشْرَقَتْ لَهُ الظُّلُمُ، وَسَبَّحَتْ لَهُ الْمَلَائِكَةُ، وَوَجَلَتْ مِنْهُ الْقُلُوبُ، وَخَضَعَتْ لَهُ الرُّقَابُ، وَءَخْبَيْتْ بِهِ الْمَوْتَى، أَعَنْ تَغْفِرْ لِي كُلَّ ذَنْبٍ ءَدْبْتُهُ فِي ظُلْمِ اللَّيْلِ وَضَوْءِ النَّهَارِ، عَمْدًا ءَوْ خَطَاءً، سِرًّا ءَوْ عَلَانِيَةً، وَءَعَنْ تَهَبْ لِي يَقِينًا وَهَدْيًا وَنُورًا وَعِلْمًا وَفَهْمًا، حَتَّى ءَقِيمَ كِتَابَكَ، وَأَجِلَّ خَلَائِكَ، وَأُحَرِّمَ حَرَامَكَ، وَأُؤَدِّيَ فَرَائِضَكَ، وَءَقِيمَ سُنَّةَ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ (ص). ءَللَّهُمَّ، ءَلْحِقْنِي بِصَالِحِ مَنْ مَضَى، وَاجْعَلْنِي مِنْ صَالِحِ مَنْ بَقِيَ، وَاخْتِمْ لِي عَمَلِي بِءَءْخَسَنِهِ، إِنَّكَ غَفُورٌ رَحِيمٌ، ءَللَّهُمَّ، إِذَا فَنَى عُمْرِي، وَتَصَرَّمَتْ ءَيَّامُ حَيَاتِي، وَكَانَ لَا بُدَّ لِي مِنْ لِقَائِكَ، فَءَءْءَاءُ لَكَ يَا لَطِيفُ، أَعَنْ تُوجِبْ لِي مِنَ الْجَنَّةِ مَنَزِلًا يَغُطُّنِي بِهِ الْاَوَّلُونَ وَالْءَاخِرُونَ. ءَللَّهُمَّ، أَقْبَلْ مَدْحَتِي وَالتَّهَافِي، وَارْحَمْ ضَرَعَاتِي وَهَتَافِي، وَإِقْرَارِي عَلَى نَفْسِي، وَءَعْتِرَافِي، فَقَدْ ءَسْمَعْتُكَ صَوْتِي فِي الدَّاعِينَ، وَخُشُوعِي فِي الضَّارِعِينَ، وَمَدْحَتِي فِي الْقَائِلِينَ، وَتَشْيِيحِي فِي الْمَادِحِينَ، وَءَأَنْتَ مُجِيبُ الْمُضْطَرِّينَ، وَمُنِيبُ الْمُسْتَغِيثِينَ، وَغِيَاثُ الْمَلْهُوفِينَ، وَحِزْزُ الْهَارِبِينَ، وَصَرِيحُ الْمُؤْمِنِينَ، وَمُقِيلُ الْمُذْنِبِينَ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى الْبَشِيرِ النَّذِيرِ، وَالسَّرَاحِ الْمُنِيرِ، وَ عَلَى جَمِيعِ الْمَلَائِكَةِ وَالنَّبِيِّينَ. ءَللَّهُمَّ، دَاجِي الْمَدْحُوءَاتِ، وَبَارِي الْمُسْجُوءَاتِ، وَجَبَّالُ الْقُلُوبِ عَلَى فِطْرَتِهَا شَقِيَّهَا وَسَعِيدِهَا، إِجْعَلْ شَرَءَاتِي صَلَوَاتِكَ وَنَوَامِي بَرَءَاتِكَ وَرَءَءُفَةً [يا: رَوَافَهُ] تَحِيَّاتِكَ، عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَءَمِينِكَ عَلَى وَحْيِكَ، الْقَائِمِ بِحُجَّتِكَ، وَالدَّءَابِّ عَنْ حَرَمِكَ، وَالصَّيَادِعِ بِءَمْرِكَ، وَالْمُشْيِدِ [يا: ءَلْمُشْيِدِ] بِءَايَاتِكَ، وَالْمُؤَفِّي لِنَذْرِكَ، ءَللَّهُمَّ، فَءَءْءِ بِكُلِّ فَضِيلَةٍ مِنْ فَضَائِلِهِ، وَنَفِيَةٍ [يا: مَنَفِيَةٍ] مِنْ مَنَاقِبِهِ، وَحَالٍ مِنْ ءَءْوَالِهِ، وَمَنَزِلَةٍ مِنْ مَنَازِلِهِ، رَءَأَيْتَ مُحَمَّدًا لَكَ فِيهَا نَاصِرًا، وَ عَلَى [كُلِّ] مَكْرُوهٍ بِلَا-ئِكَ صَابِرًا، وَلِمَنْ عَادَاكَ مُعَادِيًا، وَلِمَنْ ءَلَاكَ مُوَالِيًا، وَعَمَّا كَرِهْتَ نَءِيًا، وَإِلَى مَا ءَخْبَيْتَ دَءِيًا، فَضَائِلَ مِنْ جَزَائِكَ، وَحَصَائِصَ مِنْ عَطَائِكَ وَخَبَائِكَ تُسْنِي بِهَا ءَمْرُهُ، وَتُغْلِي بِهَا دَرَجَتَهُ مَعَ الْقَوْمِ بِقِسْطِكَ، وَالدَّءَاتِينَ عَنْ حَرَمِكَ، حَتَّى لَا يَبْقَى سَنَاءٌ وَلَا بَهَءٌ وَلَا رَحْمَةٌ وَلَا كَرَامَةٌ إِلَّا خَصِيَصَتْ مُحَمَّدًا بِذَلِكَ، وَءَاتَيْتُهُ مِنْهُ الذُّرَى، وَبَلَّغْتُهُ الْمَقَامَاتِ الْعُلَى، آمِينَ، رَبَّ الْعَالَمِينَ. ءَللَّهُمَّ، إِنِّي ءَسْتَدْعُوكَ دِينِي وَنَفْسِي وَجَمِيعَ نِعَمَتِكَ عَلَيَّ، وَاجْعَلْنِي فِي كَنَفِكَ وَحِفْظِكَ وَعِزِّكَ وَمَنْعِكَ، عَزَّ جَارُكَ، وَجَلَّ ثَنَاؤُكَ، وَتَقَدَّسَتْ ءَسْمَءَاؤُكَ، وَلَا إِلَهَ غَيْرُكَ، حَسْبِي ءَأَنْتَ فِي السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ، وَالشَّدَّةِ وَالرَّخَاءِ، وَنِعْمَ الْوَكِيلُ، رَبَّنَا، عَلَيْكَ تَوَكَّلْنَا، وَإِلَيْكَ ءَعْتَبْنَا، وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ، رَبَّنَا، لَا تَجْعَلْنَا فِتْنَةً لِلَّذِينَ كَفَرُوا، وَءَغْفِرْ لَنَا رَبَّنَا، إِنَّكَ ءَأَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ، رَبَّنَا أَصْرِفْ عَنَّا عَذَابَ جَهَنَّمَ، إِنَّ عَذَابَهَا كَانَ غَرَامًا، إِنَّهَا سَءَأَتْ مُسْتَقَرًّا وَمُقَامًا، رَبَّنَا، أَفْتَحْ بَيْنَنَا وَبَيْنَ قَوْمِنَا بِالْحَقِّ، وَءَأَنْتَ خَيْرُ الْفَاتِحِينَ، رَبَّنَا، إِنَّا ءَمْنَا، فَءَغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا، وَكَفِّرْ عَنَّا سَيِّئَاتِنَا، وَتَوَفَّنَا مَعَ ءَبْرَارٍ، رَبَّنَا، وَءَاتِنَا مَا وَعَدْتَنَا عَلَى رُسُلِكَ، وَلَا تُخْزِنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ، إِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ، رَبَّنَا، لَا تُؤْءِخِّدْنَا إِنْ نَسِينَا ءَوْ ءَخْطَءَانَا، رَبَّنَا، وَلَا تَحْمِلْ عَلَيْنَا [إِضْرًا]، كَمَا حَمَلْتَهُ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِنَا، وَلَا تُحْمِلْنَا مَا لَا طَءَقَةَ لَنَا بِهِ، وَءَءْفُ عَنَّا، وَءَغْفِرْ لَنَا، وَارْحَمْنَا، ءَأَنْتَ مَوْلَانَا، فَءَانْصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ، رَبَّنَا، ءَاتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً، وَفِي ءَلْءَاخِرَةِ حَسَنَةً، وَ قِنَا بِرَحْمَتِكَ عَذَابَ النَّارِ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ النَّبِيِّ ءَلِهِ الطَّاهِرِينَ وَسَلَّمْ تَسْلِيمًا. - پاك و منزّه است خداوندی كه هر چیز در برابر عظمت او فروتن هستند، پاك و منزّه است خداوندی كه همه اشیاء در برابر سرافرازی او خاكسارند، پاك و منزّه است خداوندی كه همه چیز برای امر و فرمانروایی او خضوع دارند، پاك و منزّه است خداوندی كه تمام امور با گذاشتن زمام و مهار و تمام اختیار خویش در دست او، تسلیم او هستند، ستایش خداوندی را كه هر كس را كه به یاد او باشد فراموش نمی كند، سپاس خدایی را كه هر كس او را بخواند محروم نمی گرداند، سپاس خدایی كه هر كس بر او توكل نماید كفایت می فرماید، سپاس خداوندی را كه نگاهدارنده آسمان و گستراننده زمین و بازدارنده و فراگیرنده دریاها و چیننده كوهها و پدید آورنده حیوانات و آفریننده درختان و گشاینده چشمه های زمین و تدبیر كننده امور و راننده ابرها و روان كننده باد و آب و آتش از قعر و ژرفای زمین به صورت متصاعد در هوا، و فرود آورنده گرما و سرماست، خداوندی كه به نعمت او اعمال شایسته، كامل گشته، و به شكر او مستحقّ افزونیها می گردیم [یا: انسان مستحقّ آن می گردد]، و به امر او آسمانها برپا، و به سربلندی او [كوههای] استوار استقرار داشته، و حیوانات وحشی در بیابانها، و پرندگان در لانه هایشان [در كوهها و دیوارها] تسبیح او را می گویند. ستایش خدایی را كه بالا برنده درجات، نازل كننده نشانه های روشن، گسترش دهنده بركات، پوشاننده عیبا، قبول كننده كارهای نيك

، درگذرنده لغزشها، برطرف کننده ناراحتیهای سخت و گلوگیر، فرو فرستنده برکات، اجابت کننده دعاها، [و برآورنده حوایج] ، زنده کننده مردگان می باشد، و معبود تمام کسانی است که در زمین و آسمانها هستند. سپاس برای خداوند به خاطر هر حمد و ذکر و شکر و شکیبایی و نماز و زکات و قیام [شب زنده داری] و عبادت و سعادت مندی و برکت و افزونی و رحمت و نعمت و کرامت و هر امر واجب و در حال خوشحالی و رنجوری، و سختی و فراخی، و مصیبت و بلا، و مشکل و راحتی، و بی نیازی و نیازمندی و بر هر حال و در هر لحظه و زمان و در هر حال اقامت و رفتن و ایستادن. خداوندا، من به تو پناهنده می شوم پس مرا پناه ده، و در حمایت تو درمی آیم پس مرا در تحت حمایت درآور، و به تو یاری می جویم پس یاری ام فرما، و به تو یآوری می خواهم پس یآوری ام کن، و تو را می خوانم پس پاسخم ده، و از تو آموزش خواهی می نمایم پس بیامرزم، و از تو یاری و کامیابی می جویم پس پیروزم گردان، و از تو طلب هدایت می کنم پس هدایتم فرما، و از تو طلب کفایت می نمایم پس کفایتم فرما، و به تو پناه می آورم پس پناهم ده و در آغوشم بگیر، و به ریسمان تو چنگ می زنم پس محفوظم بدار، و بر تو کدل می نمایم پس کفایتم فرما، و مرا در میان بندگان [یا: در پناهندگی] و همسایگی و حفظ [یا: حوزه و پیرامون] و در پناه [یا: حمایت] و نگاهداری و پاسداری و محافظت و حرمت و ائیت و زیر سایه [رحمت] ات و زیر پر [حمایت] قرار ده، و بر من [سپری] محافظت کننده از جانب خویش قرار ده، و حفظ و حمایت و حراست و مراعات نمودن را از پشت و پیش رو و از راست و از چپ و از بالای سر و از زیر و اطرافم قرار ده، تا هیچ یک از مخلوقات نتواند بدی و اذیت و گزند به من برساند. معبودی جز تو که بسیار بخشنده، نو آفرین آسمانها و زمین، صاحب بزرگی و بزرگواری هستی، وجود ندارد. خداوندا، مرا از حسادت و رشک حسودان و تجاوز تجاوز کنندگان و افسون افسونگران و مکر مکر کنندگان و حيله حيله گران و فریب فریب دهندگان [و یا به فریب و کشتن ترور کنندگان]، و غیبت غیبت کنندگان و ستم ستمگران، و جور جائران، و تجاوز تجاوز کنندگان، و خشم خشم گیرندگان، و تکبر و ناز به خود بالندگان، [یا: نابود کردن از بین برندگان]، و تاختن و زبردستی تازندگان، و وادار کردن وادار کنندگان، و ظلم و ستم ظالمان و غاصبان، و زدن و آزار رسانیدن زندگان، و سعایت و بدگویی سعایت کنندگان و سخن چینی و دو بهم زنی سخن چینی و جادوی جادوگران و سرکشان و شیطانها، و جور و ستم پادشاهان و بدی و گزند عالیشان کفایت بفرما. خداوندا، به آن اسم محزون و پوشیده پاک پاکیزه ای که آسمانها و زمین به آن برپاست، و تاریکیها به آن روشن است، و فرشتگان برای آن تسبیح می گویند، و دلها از آن لرزان و هراسانند، و گردنها در برابر آن خاضع و فروتن هستند، و مردگان را به آن زنده می گردانی، از تو می خواهم که هر گناهی را که در تاریکیهای شب و روشنایی روز، عمدتاً یا از روی خطا، و پنهانی و یا آشکارا انجام داده ام بیامری، و یقین و هدایت و نور و آگاهی و فهم و دریافتی به من ارزانی داری تا اینکه کتابت را بپا داشته، و حلالیت را حلال، و حرمت را حرام بدانم، [و یا: به حلالیت عمل کنم، و از حرمت پرهیزم] و فرایض و واجبات را ادا، و سنت و روش پیامبرت حضرت محمد (ص) را برپا دارم. خدایا، مرا به گذشتگان از صالحین محلق فرما، و از صالحین باقیمانده قرار ده، و عملم را به نیکوترین اعمال ختم بفرما، براستی که تو بسیار آمرزنده مهربان هستی، خداوندا، هنگامی که عمرم به پایان رسیده، و روزهای زندگانی ام سپری می گردد، و چاره ای از ملاقات با تو ندارم، از تو درخواست می نمایم که ای لطیف، منزلت و جایگاهی از بهشت را به من عطا بفرمایی که اولین و آخرین به واسطه آن بر من رشک برند، خداوندا، مدح و ثنا و از اندوه شعله ور شدنم را بپذیر، و بر خاکساری و زاری و فریاد و اقرار و اعتراض علیه خویش رحم آر، که صدایم را در میان دعا کنندگان، و فروتنی ام را در میان زاری کنندگان، و مدح و ثنایم را در میان گویندگان، و تسبیحم را در میان ستایشگران به تو شنویدم. و تو اجابت کننده [دعای] درماندگان و بیچارگان، و یاری کننده کمک جویان، و یآوری کننده غمگینان و ستمدیدگان، و پناهگاه گریختگان، و فریادرس مؤمنان، و درگذرنده از لغزش گناهکاران می باشی. و درود خداوند بر مژده و بیم دهنده و چراغ نورانی [حضرت رسول اکرم (ص)] و بر همه فرشتگان و پیامبران. خداوندا، ای گستراننده زمینها، و پدید آورنده آسمانها، و کسی که

همه دلها (بدبخت و نیکبخت) را بر فطرت [توحید] خویش سرشته ای، برترین درودها و بالنده ترین برکات و با راءفت ترین درودهای را بر بنده و رسول و امین بر وحی، با پردازنده حجت و دلیلت، و کسی که از حرم [و احکام] تو دفاع نمود و امر تو را فیصله داد، و آیات را بنیان نهاد و بالا-برد [یا: اقامه و پابرجا نمود]، و به عهد و پیمان وفا نمود. خداوندا، پس در برابر هر فضیلت از فضائل و فرایستگی هایش، و هر روش و اخلاق ستوده از روشهای ستوده اش، و هر حال از حالاتش و هر منزلت از منزلتهایش که تو حضرت محمد[ص] را در آن یاریگر خویش، و صابر در برابر گرفتاری ات، و ستیزه جو با دشمنان، و دوست با دوستان، و کناره گیر از هر چه که ناخوشایند توست، و خواننده به سوی آنچه که دوست داری دیدی، برتریهایی از پاداشت، و عطایا و بخششهای ویژه ات به او عطا فرما، به گونه ای که به واسطه آن مقام او را والا گردانیده، و درجه و پایه ایش را با کسانی که برای [اجرای] قسط و داد [تو] پیا می خیزند و از حرم [و احکامات] دفاع می کنند بالا بر، تا اینکه هیچ بلندپایگی و فروغ و رحمت و کرامت نباشد مگر اینکه حضرت محمد[ص] را بدان ویژه گردانیده، و اوج آن را به او عطا فرموده، و او را به مقامات والا رسانیده باشی. اجابت فرما. ای پروردگار عالمیان. خداوندا، براستی که من دین و خود و تمام نعمتهایی را که بر من ارزانی داشته ای به تو می سپارم، و مرا در کنف و حمایت و حفظ و سرفرازی و بازدارندگی خویش قرار ده، که همسایه تو سربلند، و مدح و ثنایت بزرگ، و نامها [و کمالات] ات پاکیزه است، و معبودی جز تو وجود ندارد، در حال خوشی و رنجوری، و سختی و فراخی زندگی مرا برایم کافی هستی و چه وکیل و کارگذار خوبی، پروردگارا، تنها بر تو توکل نمودیم، و به سوی تو [با تمام وجود] رجوع نمودیم، و بازگشت [همه موجودات] به سوی توست. پروردگارا، ما را گرفتار [و مورد آزمایش] کسانی که کفر ورزیدند قرار مده، و بیآمرزمان، پروردگارا، براستی که تویی سربلند و فرزانه. پروردگارا عذاب جهنم را از ما دور دار، که عذاب آن [همانند طلبکار] پیوسته ملازم انسان است، براستی که جهنم بد جای ماندن و ایستادن است، پروردگارا، بین ما و قوم مان به حق داوری فرما، و تو بهترین داوران می باشی، پروردگارا، [براستی که] ما ایمان آوردیم، پس گناهانمان را بیآمرز، و بدیهایمان را بیوش، و با ابرار و نیکان بمیران، پروردگارا، آنچه را که درباره ما به فرستادگانت وعده دادی به ما عطا فرما و ما را در روز قیامت رسوا مگردان، براستی تو هرگز خلف وعده نمی فرمایی، پروردگارا، اگر فراموش نمودیم یا خطا و اشتباه نمودیم بر ما مگیر [و عذاب مفرما]، پروردگارا، و بر ما مَیْمَه [هر امری را که بازدارنده - از خیرات - و سختی است، چنانکه بر دوش کسانی که پیش از ما بودند نهادی، و بر دوشمان منه] آنچه را که توان و طاقت آن را نداریم، و از ما در گذر، و بیآمرز، و رحم آر، تویی مولی و سرپرست ما، پس ما را بر گروه کافران یاری بخش و پیروز گردان، پروردگارا، هم در دنیا و هم در آخرت به ما نیکی عطا فرما، و به رحمت خویش از عذاب آتش [جهنم] نگاه دار. و درود و سلامتی و ایمنی ویژه خداوند بر سرورمان حضرت محمد، پیامبر اکرم و خاندان پاکیزه او باد.

دعای امام صادق (ع) در تعقیب نماز عشاء

۳ - همچنین از تعقیبات مهم بعد از نماز عشاء، دعای مختص به این فریضه از دعاها ی مولایمان امام صادق (ع) است که معاویه بن عمار در تعقیب نمازها روایت نموده، و آن دعا به این صورت است: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، اَءَلَلَهُمْ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ صَلَوةً تَبْلُغُنَا بِهَا رِضْوَانَكَ وَالْجَنَّةَ، وَتُنَجِّنَا بِهَا مِنْ سَخَطِكَ وَالتَّارِ، اَءَلَلَهُمْ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَءَاوِنِي الْحَقَّ حَقًّا حَتَّى اءَتَّبِعُهُ، وَءَاوِنِي الْبَاطِلَ بَاطِلًا حَتَّى اءُجَنِّبُهُ، وَلَا تَجْعَلْهُمَا عَلَيَّ مُتَشَابِهَيْنِ، فَمَآ تَبَعَ هَوَاى بَغَيْرِ هِدَاى مِنْكَ، فَاجْعَلْ هَوَاى تَبَعَ لِرِضَاكَ وَطَاعَتِكَ، وَخُذْ لِنَفْسِكَ رِضَاها مِنْ نَفْسِي، وَءَاهِدْنِي لِمَا اخْتَلَفَ فِيهِ مِنَ الْحَقِّ يَازْنِكَ، إِنَّكَ تَهْدِي مَنْ تَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ، اَءَلَلَهُمْ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَءَاهِدْنِي فِيمَنْ هَدَيْتَ، وَءَاوِنِي فِيمَنْ عَافَيْتَ، وَتَوَلَّنِي فِيمَنْ تَوَلَّيْتَ، وَبَارِكْ لِي فِيمَا اءَعْطَيْتَ، وَقِنِي شَرَّ مَا قَضَيْتَ، إِنَّكَ تَقْضِي وَلَا يُقْضَى عَلَيْكَ، وَتُجِيرُ وَلَا يُجَارُ عَلَيْكَ. تَمَّ نَوْرُكَ اَءَلَلَهُمْ فَهَدَيْتَ فَلَكَ الْحَمْدُ

وَعَظَمَ حِلْمُكَ فَعَفَوْتَ فَلَكَ الْحَمْدُ، وَبَسَّطْتَ يَدَكَ فَأَعْظَيْتَ فَلَكَ الْحَمْدُ، تُطَاعُ رَبَّنَا فَتُشْكِرُ، وَتُعْصَى رَبَّنَا فَتُسْتُرُ وَتَغْفِرُ، أَعَنْتَ كَمَا أَعْنَيْتَ عَلَى نَفْسِكَ بِالْكَرَمِ وَالْجُودِ، لَيْتِيكَ وَسِعْدَيْكَ، تَبَارَكْتَ وَتَعَالَيْتَ، لَا مَلْجَأَ وَلَا مَنْجَى مِنْكَ إِلَّا إِلَيْكَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ اِئْلَهُمَّ وَبِحَمْدِكَ، عَمِلْتُ سُوءًا، وَظَلَمْتُ نَفْسِي [فَارْحَمْنِي، وَأَعَنْتَ اِرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ اِئْلَهُمَّ وَبِحَمْدِكَ، عَمِلْتُ سُوءًا وَظَلَمْتُ نَفْسِي قُتِبَ عَلَيَّ يَا فَاعْزِلِي يَا خَيْرَ الْغَاثِينَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ اِئْلَهُمَّ وَبِحَمْدِكَ، عَمِلْتُ سُوءًا وَظَلَمْتُ نَفْسِي قُتِبَ عَلَيَّ يَا فَاعْزِلِي] إِنَّكَ أَعَنْتَ التَّوَابَ الرَّحِيمَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ وَسُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ، سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ، وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ. اِئْلَهُمَّ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَبَيِّنِي يَا: تُبَيِّنِي [مِنْكَ فِي عَافِيَةٍ، وَصَبِّحْنِي (۲۷۰) مِنْكَ فِي عَافِيَةٍ، وَاسْتُرْنِي مِنْكَ بِالْعَافِيَةِ، وَارْزُقْنِي تَمَامَ الْعَافِيَةِ، وَدَوَامَ الْعَافِيَةِ، وَالشُّكْرَ عَلَى الْعَافِيَةِ. اِئْلَهُمَّ، إِنِّي أَسْتَوْدِعُكَ نَفْسِي وَدِينِي وَآهْلِي وَمَالِي وَوُلْدِي وَأَهْلَ خُرَاتِي وَكُلَّ نِعْمَةٍ أَعْظَمْتَ [بِهَا] عَلَيَّ، فَصِلْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاجْعَلْنِي فِي كَنَفِكَ وَأَمْنِكَ وَكَلَامِكَ وَحِفْظِكَ وَحِاطَتِكَ وَكِفَايَتِكَ وَسِرِّكَ وَدِمَّتِكَ وَجَوَارِكَ وَوَدَائِعِكَ، يَا مَنْ لَا تَضِيعُ وَدَائِعُهُ، وَلَا يُخَيِّبُ سَأَلُهُ، وَلَا يَنْفَدُ مَا عِنْدَهُ، اِئْلَهُمَّ، إِنِّي اءْذَرَأَيْتُكَ فِي تُحُورِ اءْءَدَائِي وَكُلِّ مَنْ كَادَنِي وَبَغَى عَلَيَّ. اِئْلَهُمَّ، مَنْ اءْءَرَادَنَا فَاءْءَرِدُهُ، وَمَنْ كَادَنَا فَكِدُهُ، وَمَنْ نَصَبَ لَنَا فَخْذَهُ يَا رَبِّ اءْءْخِذْ عَزِيزٍ مُقْتَدِرٍ. اِئْلَهُمَّ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاصْرِفْ عَنِّي مِنْ [جَمِيعِ] الْبَلِيَّاتِ وَالْأَفَاتِ وَالْعَاهَاتِ وَالنَّقَمِ وَلُزُومِ السَّقَمِ وَزَوَالِ النِّعَمِ وَعَوَاقِبِ التَّلَفِ، مَا طَغَى بِهِ الْمَاءُ لَغْضَبِكَ، وَمَا عَثَّ بِهِ الرِّيحُ عَنْ اءْءَمْرِكَ، وَمَا اءْءَلَمَّ وَمَا لَا اءْءَعْلَمَ، وَمَا اءْءَخَافُ وَمَا لَا اءْءَخَافُ، وَمَا اءْءْخِذُ وَمَا لَا اءْءْخِذُ، وَمَا اءْءَنْتَ بِهِ اءْءَعْلَمَ، اِئْلَهُمَّ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَفَرِّجْ عَنِّي، وَنَفِّسْ عَمِّي، وَسَلِّ خُرْنِي، وَاكْفِنِي مَا ضَاقَ بِهِ صِدْرِي، وَاعْلِ بِهْ صَبْرِي، وَقُلْتُ فِيهِ حِيلَتِي، وَضَعُفْتُ عَنْهُ قُوَّتِي، وَعَجَزْتُ عَنْهُ طَاقَتِي، وَرَدَدْتَنِي فِيهِ الصَّرُورَةَ عِنْدَ انْقِطَاعِ الْأَمَالِ وَخَبِيئَةِ الرَّجَاءِ مِنَ الْمَخْلُوقِينَ إِلَيْكَ، فَصِلْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاكْفِنِيهِ يَا كَافِيًا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ، وَلَا يَكْفِنِي مِنْهُ شَيْءٌ، اِكْفِنِي كُلَّ شَيْءٍ حَتَّى لَا يَبْقَى شَيْءٌ، يَا كَرِيمُ. اِئْلَهُمَّ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَارْزُقْنِي حَجَّ بَيْتِكَ الْحَرَامِ وَزِيَارَةَ قَبْرِ نَبِيِّكَ (ص) مَعَ التَّوْبَةِ وَالنَّدَمِ. اِئْلَهُمَّ، إِنِّي أَسْتَوْدِعُكَ نَفْسِي وَدِينِي وَآهْلِي وَمَالِي وَوُلْدِي وَإِخْوَانِي، وَاءْءَسْتَكْفِيكَ مَا اءْءَهَمَّنِي وَمَا لَمْ يُهَمِّنِي [يَا: مَا لَا يُهَمِّنِي]، اءْءَسَاءَ لِمَكَ بِخَيْرِيَّتِكَ مِنْ خَلْقِكَ، اءْءَلَّذِي لَا يُؤْمِنُ بِهِ سِوَاكَ، يَا كَرِيمُ، اءْءَلْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي قَضَى عَنِّي صِلَاةً كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَوْفُوتًا. - به نام خداوند رحمت گستر مهربان، خداوندا، بر محمد و آل او چنان درودی فرست که ما را به واسطه آن به خشنودی و بهشت نایل گردانده، و از ناخوشایندی ات و آتش [جهنم] رهایی دهی. خداوند بر محمد و آل محمد درود فرست و حق را به من حق نشان ده تا از آن پیروی نمایم، و باطل را باطل بنمایان تا از آن اجتناب کنم، و آن دو را بر من مُشْتَبِه مگردان تا بدون هدایت از جانب تو از هوای خویش تبعیت نمایم. پس هوا و هوسم را پیرو رضا و طاعت خود بگردان، و برای نفس خود از نفس من خشنودی ایش را بگیر، و به اذن خود مرا در آنچه که در آن اختلاف [نظر] وجود دارد به حق، هدایت فرما، برآستی که تو هر کس را بخواهی به راه راست هدایت می فرمایی. خداوندا، بر محمد و آل محمد درود فرست، و مرا در میان کسانی که هدایت فرمودی هدایت فرما، و در میان کسانی که عافیت دادی عافیت بخش، و در میان آنان که سرپرستی نمودی سرپرستی نما، و در آنچه عطا فرمودی مبارک گردان، و از شر آنچه قضا و اراده حتمی فرمودی نگاه دار، که تو قضا و اراده حتمی می فرمایی و کسی علیه تو قضا نمی تواند بکند، و همه را در پناه خویش در می آوری، و کسی نمی تواند [چیزی را] علیه تو در پناه خویش در آورد. خدایا، نورت کامل گشته و لذا هدایت نمودی پس سپاس تو را، و حلم و بردباری ات بزرگ گردید و لذا گذشت فرمودی پس سپاس تو را، و دست [رحمت] ات را گشودی، و لذا عطا فرمودی پس سپاس تو را، ای پروردگار ما، اطاعت می کنند و سپاسگزاری می کنی، و ای پروردگار ما، نافرمانی ات می کنند و می پوشانی و آمرزی، تو همچنانی که خویش را به کرم و بخشش ستوده ای، آری و آری. بلندمرتبه و پاک و منزّهی، هیچ پناهگاه و راه نجاتی از تو جز به سوی تو وجود ندارد. معبودی جز تو نیست، خداوندا، همراه با ستایش تو را به پاکی [منزه بودن از هر عیب و نقص] می خوانم، عمل بد انجام داده و

به خویش ستم نمودم پس [بر من رحم آر، و تو مهربانترین مهربانها می باشی، معبودی جز تو نیست، خداوندا، همراه با ستایش تو را به پاکی یاد می کنم، عمل بد انجام دادم و به خود ستم نمودم] پس مرا بیآمرزای بهترین آمرزندگان، معبودی جز تو نیست همراه با ستایش تو را به پاکی یاد می کنم، عمل بد انجام داده و به خود ستم نمودم، پس توبه مرا بپذیر [یا: مرا بیامرز]، که تو بسیار توبه پذیر و مهربان هستی، معبودی جز تو نیست، پاک و منزهی تو، براستی که من از ستمکاران بودم، پاک و منزّه است پروردگارت، پروردگار صفت سرافرازی از آنچه که او را بدان توصیف می نمایند، و سلام و درود بر پیامبران فرستاده شده، و ستایش خداوندی را که پروردگار عالمیان است. خداوندا، بر محمد و آل محمد درود فرست و بر من همراه با عافیت از جانب خود شب و صبح نما، و با عافیتی از جانب خود بر من بپوشان، و تمام و کمال و دوام عافیت و شکر بر عافیت را روزی ام گردان، خداوندا، خود و دین و خانواده و دارایی و فرزندان و خویشان و بستگانی که به واسطه آنان ناراحت می گردم و هر نعمتی را که بر من ارزانی داشته ای به تو می سپارم، پس بر محمد و آل او درود فرست و مرا در تحت حمایت و امتیّت و نگاهداری و حفظ و مراعات و کفایت و پوشش و ضمانت و همسایگی و حمایت و سپرده های خود قرار ده، ای خدایی که سپرده های تو گم و نابود نمی شود، و هر کس از تو درخواست نماید نومید نمی گردد، و هر چه در نزد توست پایان نمی پذیرد، خداوندا، بر محمد و آل محمد درود فرست، به [وسیله] تو بر سینه های دشمنانم و تمام کسانی که می خواهند مرا فریب داده [و یا به من آسیبی برسانند] و ستم کنند، دست ردّ می زنم، خداوندا، هر کس اراده [آسیب رساندن] به ما را داشته باشد تو خود او را اراده نمودن [و به او آسیب رسان]، و هر کس بخواهد مرا فریب دهد [و یا بدی برساند]، تو خود او را بر فریب [و یا بدی برسان] و هر کس دشمن ما باشد ای پروردگار من، او را همانند گرفتن شخص سربلند و نیرومند بگیر. خداوندا، بر محمد و آل محمد درود فرست، و [تمام] گرفتاریها و آفات و آسیبها و کيفرها و بیماری های پیوسته، و از دست رفتن نعمتها و عاقبتهای امور که تلف و نابودی منجر می گردد، آنچه که آب به خاطر غضب و خشم بر آن طغیان نموده، و یا به واسطه امرت باد بر آن تند وزیده، و آنچه را که می دانم یا آگاهی ندارم، و از آن بیم دارم و یا بیم ندارم، و پرهیز می نمایم و یا پرهیز نمی نمایم، و تمام آنچه را تو به آن آگاهی برطرف فرما. خداوندا، بر محمد و آل محمد درود فرست، و همّ و اندوهم را برطرف و غم را زایل، و حزن و اندوهم را تسلی داده، و آنچه را که دلم به واسطه آن تنگ گشته و صبر و شکیبایی ام به آخر رسیده، و بیچاره شده ام، و نیرویم ناتوان گردیده، و طاقتم عاجز گشته، و ضرورت و ناچاری هنگام بریدن آرزوها و نومید شدن امید از خلق، مرا به سوی تو باز گردانیده، پس بر محمد و آل محمد درود فرست و مرا از آنها کفایت فرما، ای کسی که از هر چیز کفایت می نمایی، و هیچ چیز نمی تواند از تو کفایت کند، تمام چیزها را کفایت فرما تا اینکه هیچ چیز نماند، ای بزرگوار. خداوندا، بر محمد و آل محمد درود فرست، و حجّ خانه محترم خود و زیارت قبر پیامبرت (ص) را همراه با توبه و پشیمانی روزی ام گردان. خداوندا، خود و دین و خانواده و دارایی و فرزندان و برادرانم را به تو می سپارم، و از تو نسبت به هر چیز که مورد اهتمام من است و مرا به غم و اندوه و می دارد و یا نمی دارد طلب کفایت می نمایم. به [حقّ] برگزیده ات از مخلوقات [رسول اکرم (ص)] که هیچ کس غیر تو نمی تواند بر او منتّ گذارد، درخواست می نمایم. ای بزرگوار، سپاس خداوندی را که نماز [دیگری] را که بر مؤمنین نوشته و واجب معین و وقت دار بود، از ناحیه من برآورده ساخت.

کیفیت انجام سجده شکر بعد از نماز عشا

۴ - بعد به حسب امکان و عنایت خداوند - جلّ جلاله - اگر خواستی، می توانی هم اینک سجده شکر را بجا آوری، و یا بعد از نماز و نیت و نافله نماز عشا. به هر حال در حال سجده بگو: اَءَللّهُمَّ، اَءَنْتَ اَءَنْتَ، اِنْقَطَعَ الرَّجَاءُ اِلَّا مِنْكَ وَ مِنْكَ مِنْكَ، یا اَءَحَدَ مَنْ لا اَءَحَدَ لَهُ، یا اَءَحَدَ مَنْ لا اَءَحَدَ لَهُ [لَهُ]، یا اَءَحَدَ مَنْ لا اَءَحَدَ لَهُ غَیْرُكَ، (۲۷۱) یا مَنْ لا یَزِیدُهُ کَثْرَةُ الدُّعَاءِ [یا: العَطَاءِ] اِلَّا کَرَمًا وَ جُودًا

یا مَنْ لَا یَزِیدُهُ کَثْرَةُ الدُّعَاءِ إِلَّا کَرَمًا وَجُودًا ، [یا مَنْ لَا یَزِیدُهُ کَثْرَةُ الدُّعَاءِ إِلَّا کَرَمًا وَجُودًا] ، صَلَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآهْلِ بَيْتِهِ ، صَلَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآهْلِ بَيْتِهِ ، [صَلَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآهْلِ بَيْتِهِ] ، خدایاندا ، تنها تو تو ، امیدم جز از تو ، از تو ، از تو بریده شده ، ای بی همتا ، ای بی همتایی که همتایی برای تو نیست ، ای بی همتایی که همتایی برای تو نیست ، ای بی همتایی که همتایی غیر تو برای تو نیست ؟ ای خدایی که بسیاری دعا جز بر بزرگواری و جود [یا : عطای] تو نمی افزاید ، ای کسی که بسیاری دعا جز بر بزرگواری و بخشش تو نمی افزاید ، [ای کسی که بسیار دعا کردن جز به کرم و بخشش تو نمی افزاید] ، بر محمد و اهل بیت او درود فرست ، بر محمد و اهل بیت او درود فرست ، [بر محمد و اهل بیت او درود فرست] . و حاجت خویش را بخواه ، بعد طرف راست صورت خود را بر زمین نهاده و مانند گفتار گذشته را بگو ، بعد طرف چپ صورت خویش را بر زمین نهاده و مانند آن را بگو ، سپس باز پیشانی ات را بر زمین گذارده و سجده بجا آور و مانند آن را بگو .

درخواست وسعت روزی

۵ - و نیز از دعاهای بعد از نماز عشا برای درخواست وسعت روزی ، دعایی است که عیید بن زرارۀ نقل می کند و می گوید : در محضر امام صادق (ع) بودم که مردی از شیعیان و پیروانش از ناداری و تنگی روزی و اینکه در طلب روزی ، شهرها را می گردد ولی جز بر فقر و ناداری او افزوده نمی گردد ، شکایت و گله نمود . حضرت به او فرمود : هنگامی که نماز عشا را بجا آوردی ، به آرامی و تاءنی بگو : اَللّهُمَّ ، اِنَّهُ لَيْسَ لِي عِلْمٌ بِمَوْضِعِ رِزْقِي ، وَ اِنَّمَا اَسْأَلُكَ بِخَطَرَاتِ [تَخَطُّرُ] عَلَيَّ قَلْبِي ، فَاَسْأَلُكَ فِي طَلْبِهِ الْبُلْدَانَ ، فَاَنَا فِيهَا اَنَا طَالِبٌ [یا : اَسْأَلُكَ] كَالْحَيْرَانِ ، لَا اَدْرِي اَفْهِيَ سَهْلٍ هُوَ اَمْ فِي جَبَلٍ ، اَمْ فِي اَرْضٍ اَمْ فِي سَمَاءٍ ، اَمْ فِي بَرٍّ اَمْ فِي بَحْرٍ ، وَ عَلَيَّ يَدِي مَنْ ، وَ مِنْ قَبْلِ مَنْ ، وَ قَدْ عَلِمْتُ اَنَّ عِلْمَهُ (۲۷۲) عِنْدَكَ ، وَ اَسْأَلُكَ بِبَيْدِكَ ، وَ اَسْأَلُكَ بِتُسْبِيهِ بِرَحْمَتِكَ ، اَللّهُمَّ ، فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ ، وَ اجْعَلْ يَارَبِّ ، رِزْقَكَ لِي وَاسِعًا ، وَ مَطْلَبَهُ سَهْلًا ، وَ مَاءَ خَذَةِ قَرِيبًا ، وَ لَا تُعْنِي بِطَلَبِ مَالٍ تُقَدِّرْ لِي فِيهِ رِزْقًا ، فَإِنَّكَ غَنِيٌّ عَنْ عِذَابِي ، وَ اَنَا فَقِيرٌ إِلَى رَحْمَتِكَ ، فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ ، وَ جِدْ عَلَيَّ عَبْدِكَ بِفَضْلِكَ ، إِنَّكَ ذُو فَضْلٍ عَظِيمٍ . - خدایاندا ، براستی که من آگاهی به محلّ روزی ام ندارم ، و تنها به واسطه خاطره هایی که بر دلم [خطور می کنند] آن را جستجو می نمایم ، و در طلب آن در شهرها و آبادیها می گردم ، پس من در آنچه در طلب آن هستم همانند سرگشته و حیران هستم . نمی دانم آیا آن در دشت است یا در کوه یا ، در زمین یا در آسمان ، یا در خشکی یا در دریا ، و بر دستان چه کسی است و از نزد کیست ؟ ولی بی گمان می دانم که علم آن در نزد توست ، و اسبابش به دست توست ، و تویی که به لطف خویش آن را تقسیم می فرمایی ، و به رحمت خود جفت و جور می نمایی ، خدایاندا ، پس بر محمد و آل او درود فرست ، و ای پروردگار من ، روزی ات را بر من گسترده و جستجوی آن را آسان ، و جایگاه گرفتنش را نزدیک گردان ، و مرا به طلب آنچه که در آن برای من روزی مقدر نفرموده ای به رنج و مشقت نیانداز ، زیرا تو از عذاب کردن من بی نیازی ، و من به رحمت نیازمندم ، پس بر محمد و آل او درود فرست ، و به فضل خویش بر بنده ات بخشش فرما ، که تو صاحب فضل بزرگ می باشی . عیید بن زرارۀ می گوید : اندک زمانی بر آن مرد نگذشت که فقر و ناداری اش برطرف شد ، و توانگر گردید و حالش نیکو شد .

هفت بار سوره اِنَّا اَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ

۶ - و از جمله اموری که بر اساس روایات بعد از نماز عشا برای ایمنی گفته می شود ، این است که در روایت آمده حضرت ابی جعفر محمد بن علی بن موسی بن جعفر ، امام جواد (علیه السلام) می فرمود : هرکس بعد [یا : قبل] از نماز عشاء هفت بار سوره اِنَّا اَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ را بخواند ، تا صبح در ضمانت خداوند متعال خواهد بود .

دعای ابن خانبه

۷- و از امور مهمّ این است که در آخر تعقیب نماز عشاء، دعای ابن خانبه را بخواند، که ما آن را بعد از تعقیب نماز ظهر برای جبران و اصلاح غفلتها و جنایات و گناهان قلبی که در نماز واقع می شود، یادآور شدیم.

فصل بیست و هفتم: کیفیت خواندن نماز فرج بعد از نماز عشا

در روایتی آمده که عبدالرحمن بن کثیر می گوید: به امام صادق (ع) از ناراحتی و اندوه سختی که بدان گرفتار شده بودم، گله و شکایت نمودم. حضرت فرمود: ای عبدالرحمن، وقتی نماز عشا را خواندی، دو رکعت نماز بجا آور، سپس طرف راست صورتت را بر زمین بگذار و بگو: یا مُیْذِلَ كُلِّ جَبَّارٍ، وَ مُعِزَّ كُلِّ ذَلِيلٍ، قَدْ وَحَقَّكَ، بَلَغَ بِي مَجْهُودِي. - ای خوار کننده هر سرکش، و سرافراز کننده هر خوار و ذلیل، به حق تو سوگند، که حقیقتاً تاب و توانم به آخر رسیده است. وی می گوید: بیش از سه شب آن را نگفته بودم که غم و اندوهم برطرف شد و فرج و گشایش برایم حاصل شد.

فصل بیست و هشتم: نمازهای دیگر بعد از نماز عشا

نماز جهت درخواست روزی

از آن جمله دو رکعت نماز برای طلب روزی است، که در روایت آمده امام صادق (ع) فرمود: دو رکعت نماز بعد از نماز عشا را ترک نکنید، که موجب جلب روزی است. به این صورت که در رکعت اول سوره حمد و آیه الكرسي و سوره قل یا ائیها الکافرون، و در رکعت دوم سوره حمد و سیزده بار سوره قل هو الله اعزید را قرائت می کنی، و وقتی سلام نماز را گفتی، دستهایت را به سوی آسمان بلند کرده و می گویی: اِئِلَّهِمْ، اِنِّیْ اَسْأَلُكَ یا مَنْ لَا تَرَاهُ الْعُیُونُ وَلَا تُخَالِطُهُ الظُّنُونُ، وَلَا تَصِفُهُ [یا: لَا یَصِفُهُ] الْوَاوِصَةُ قُؤُونَ، یا مَنْ لَا تُغَیِّرُهُ الدُّهُورُ، وَلَا تَبْلِیْهِ الْأَزْمِنَةُ، وَلَا تَحْلِیْهِ الْأُمُورُ، یا مَنْ لَا یَذُوقُ الْمَوْتَ، وَلَا یَخَافُ الْفُوتَ، یا مَنْ لَا تَضُرُّهُ الذُّنُوبُ، وَلَا تَنْقُصُهُ الْمُعْغِرَةُ، صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَهَبْ لِي مَا لَا یَنْقُصُكَ، وَاعْفِرْ لِي مَا لَا یَضُرُّكَ، وَافْعَلْ بِي كَذَا وَكَذَا. - خداوندا، براستی که من از تو درخواست می نمایم، ای کسی که چشمها او را نمی بینند، و گمانها بر آن وارد نمی گردد، و توصیف کنندگان نمی توانند او را توصیف کنند، ای کسی که روزگارا او را دگرگون، و زمانها کهنه و پوسیده، و امور او به تحلیل نمی برند، ای کسی که مرگ را نمی چشی و از دست رفتن و فوّت چیزی بیم نداری، ای کسی که گناهان ضرری به او نمی رساند و آمرزش چیزی را از او نمی کاهد، بر محمد و آل او درود فرست، و آنچه را که از تو نمی کاهد بر من ببخش، و آنچه را که به تو آسیبی نمی رساند بر من بیآمرز، و به من چنین و چنان کن. و به جای این کلمات یعنی کذا و کذا حاجتت را ذکر می کنی. حضرت (ع) فرمود: هرکس این نماز را بخواند، خداوند خانه ای در بهشت برای او بنا می نهد.

نماز دیگر بعد از نماز عشا (۲۷۳)

از دیگر نمازهای بعد از عشا، نمازی است که در روایت آمده پیامبر اکرم - صلوات الله علیه و آله - فرمود: هرکس چهار رکعت نماز بعد از نماز عشا بخواند، به این صورت که در دو رکعت اول سوره قل یا ائیها الکافرون و قل هو الله اعزید، و در دو رکعت دوم سوره تبارک الذی بیدیه الملک و اءلم تنزیل سجده را قرائت کند، مانند این است که چهار رکعت نماز در شب قدر بجا آورده باشد.

فصل بیست و نهم: آداب و تعقیبات نماز و تیره و نافله عشا

سوره هایی که در نماز و تیره قرائت می شود

۱ - اسماعیل بن عبدالمخالق بن عبدربه می گوید امام صادق (ع) فرمود: پدر بزرگوارم همواره بعد از نماز عشا، دو رکعت نماز در حالت نشسته می خواند، و صد آیه در آن دو رکعت قرائت می نمود، و پیوسته می فرمود: هرکس این دو رکعت را بخواند، و صد آیه در آن تلاوت کند، از غافلان نوشته نمی شود. وی می گوید: امام باقر(ع) در آن دو رکعت، سوره واقعه و اخلاص را قرائت می فرمودند. در روایت دیگر پیرامون سوره هایی که در نماز و تیره قرائت می شود آمده است که حضرت ابی جعفر محمد بن علی امام باقر(علیهما السلام) فرمود: هرکس سوره مُلَمَّک را شب بخواند، به قرائت بسیار و پاکیزه عمل نموده، و از غافلان نخواهد بود، و من نیز بعد از نماز عشا آن دو را در حالت نشسته [در نافله عشا] می خوانم.

کیفیت نماز و تیره

کسی که می خواهد نماز و تیره و نافله نماز عشا بخواند، چهار زانو می نشیند و ابتدا به کیفیتی که در رکعت اول نافله های ظهر یادآور شدیم، هفت تکبیر افتتاح و دعاها را بین آنها را بجا آورده و توجه نموده، و سوره حمد را قرائت می کند، و بعد از حمد، یکی از دو سوره هایی را از بر اساس روایت یادآور شدیم برمیگزیند، و می خواند، و بعد تکبیر رکوع را گفته، و در حالت چهار زانو رکوع نموده، و بعد دو سجده را بجا می آورد، و وقتی از دو سجده فارغ شد باز چهار زانو می نشیند و سوره حمد و اخلاص را قرائت می نماید و دستش را بلند کرده و تکبیر گفته و با گزینش و خواندن برخی از دعا، قنوت بجامی آورد، سپس تکبیر گفته و رکوع و دو سجده را به صورتی که پیش از این بدان اشاره شد انجام می دهد، و بعد از دو سجده به همان صورت نشستن تشهد در نماز ظهر می نشیند، و به همان ترتیب تشهد بجا آورده، و سلام نماز و سه تکبیر مستحب بعد از نماز، و تسبیح حضرت زهرا(علیها السلام) را می گوید.

تعقیب نماز و تیره

بعد از آن دعایی را که جدّ سعادت مند ابو جعفر طوسی - رضوان الله علیه - ذکر نموده، می خواند. و آن دعا به این صورت است:

اَءَمْسَيْنَا وَ اَءَمْسَى الْحَمْدُ وَالْعَظَمَةُ وَالْكِبْرِيَاءُ وَالْجَبْرُوتُ وَالْحِلْمُ وَالْعِلْمُ وَالْجَلَالُ وَالْبَهَاءُ وَالتَّقْدِيسُ وَالتَّعْظِيمُ وَالتَّسْبِيحُ وَالتَّكْبِيرُ وَالتَّهْلِيلُ وَالتَّمْجِيدُ [وَالتَّحْمِيدُ] وَالسَّمَاحُ وَالْجُودُ وَالْكَرَمُ وَالْمَجْدُ وَالْمَنُّ وَالْحَمْدُ وَالْفَضْلُ وَالسَّعْيَةُ، وَالْحَوْلُ وَالْقُوَّةُ، وَالْفَتْقُ وَالرُّتْقُ، وَاللَّيْلُ وَالنَّهَارُ، وَالظُّلُمَاتُ وَالنُّورُ، وَالْأَخِرَةُ وَالْأُولَى، وَالْخَلْقُ جَمِيعاً وَالْأَمْرُ كُلُّهُ، وَمَا سَمَّيْتُ وَلَمْ أَسْمَمْ، وَمَا عَلِمْتُ وَمَا لَمْ أَعْلَمْ، وَمَا كَانَ وَمَا هُوَ كَأَنَّ، لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ. اَعْلَمُ لِلَّهِ الَّذِي ذَهَبَ بِالنَّهَارِ وَجَاءَ بِاللَّيْلِ وَنَحْنُ فِي نِعْمَةٍ وَعَافِيَةٍ وَفَضْلٍ عَظِيمٍ، اَعْلَمُ لِلَّهِ الَّذِي لَهُ مَا سَكَنَ فِي اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ، وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ، اَعْلَمُ لِلَّهِ الَّذِي يُوَلِّجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ، وَ يُوَلِّجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ، وَ يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ، وَ يُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ، وَ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ، وَهُوَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ. اَعْلَاهُ، بِكَ نُمْسِي، وَ بِكَ نُصْبِحُ، وَ بِكَ نَحْيِي، وَ بِكَ نَمُوتُ، وَ اِلَيْكَ الْمَصِيرُ، اَعْلَاهُ، اِنِّي اَعُوذُ بِكَ اَنْ اَذِلَّ اَوْ اُذَلَّ، اَوْ اَعْزَلَ اَوْ اُضَلَّ، اَوْ اَعْظَمَ اَوْ اُضَلَّ، اَوْ اَعْجَلَ اَوْ يُعْجَلَ عَلَيَّ، يَا مُصَرِّفَ الْقُلُوبِ وَالْاَبْصَارِ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ [يا: آله]، وَ تَبَّتْ قَلْبِي عَلَى طَاعَتِكَ وَطَاعَةِ رَسُولِكَ - عَلَيْهِ وَآلِهِ السَّلَامُ، اَعْلَاهُ، لَا تُزِعْ قُلُوبَنَا بَعِيدٍ اِذْ هَدَيْتَنَا، وَهَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً، اِنَّكَ اَنْتَ الْوَهَّابُ. اَعْلَاهُ، اِنَّ لَكَ عِدْوَ اَلِيَاءِ لُونِي خَبَالاً، حَرِيصاً عَلَى عَنِي [يا: عَنِي]، بَصِيراً بِعُيُوبِي، يَرَانِي هُوَ وَ قَبِيلُهُ مِنْ حَيْثُ لَا اَرَاهُمْ. اَعْلَاهُ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، [وَ اَعِزَّنِي مِنْهُ اَنْفُسَنَا وَ اَهَالِينَا وَ اَوْلَادَنَا وَ اِخْوَانَنَا وَ مَا اَغْلَقْتَ عَلَيْهِ اَبْوَابَنَا وَ اَعَاطْتَ عَلَيْهِ دُورَنَا. اَعْلَاهُ،

صَلَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَحَرَّمْنَا عَلَيْهِ كَمَا حَرَّمْتَ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ، وَبَاعَدْنَا بَيْنَهُ كَمَا بَاعَدْتَ بَيْنَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَبَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَابْعَدَ مِنْ ذَلِكَ. اَللَّهُمَّ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاعْزِدْنِي مِنْهُ وَمِنْ هَمَزِهِ وَلَمَزِهِ وَفَتْنَتِهِ وَدَوَاهِيهِ وَغَوَائِلِهِ وَسَحَرِهِ وَنَفْتِهِ [يا: وَنَفْتَتِهِ، يا: فِتْنَتِهِ]. اَللَّهُمَّ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاعْزِدْنِي مِنْهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، وَفِي الْمَحْيَا وَالْمَمَاتِ. بِاللَّهِ اَدْفَعْ مَا اُطِيقُ وَمَا لَا اُطِيقُ، وَمِنْ اللَّهِ الْقُوَّةُ وَالتَّوْفِيقُ، يَا مَنْ تَسِيرُ الْعَسِيرُ عَلَيْهِ سَهْلٌ يَسِيرٌ، [صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَيَسِّرْ لِي مَا اَخَافُ عُسْرَهُ، فَإِنَّ تَسِيرَ الْعَسِيرِ عَلَيْكَ يَسِيرٌ]. اَللَّهُمَّ، يَا رَبَّ الْأَرْبَابِ، وَيَا مُعْتِقَ الرِّقَابِ، اَعَنْتَ اللَّهَ الَّذِي لَا يَزُولُ وَلَا يَبِيدُ، وَلَا تُغَيِّرْكَ الدُّهُورُ وَالْأَزْمَانُ، يَدَّتْ قُدْرَتُكَ يَا إِلَهِي، وَلَمْ تُبَدِّ هَيْئَتُهُ [يا: هَيْئَتُهُ، يا: هَيْئَتِكَ] فَشَبَّهوكَ يَا سَيِّدِي، وَاتَّخَذُوا بَعْضَ آيَاتِكَ [يا: اَسْمَاءَاتِكَ، يا: اَسْمَاءَاتِكَ] اَعْرَابًا، ثُمَّ لَمْ يَعْرِفُوكَ يَا إِلَهِي، وَاعْنَا يَا إِلَهِي، بَرَى إِلَيْكَ فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ مِنَ الَّذِينَ بِالشُّبُهَاتِ طَلَبُوكَ، وَبَرَى إِلَيْكَ مِنَ الَّذِينَ شَبَّهوكَ وَجْهَلُوكَ يَا إِلَهِي، اَعْنَا بَرَى مِنَ الَّذِينَ بِصَفَاتِ عِبَادِكَ وَصِفُوكَ، بَلْ اَعْنَا بَرَى مِنَ الَّذِينَ جَحَدُوكَ وَلَمْ يَعْبُدُوكَ، وَاعْنَا بَرَى مِنَ الَّذِينَ فِي اَفْعَالِهِمْ جَوْرُوكَ، يَا إِلَهِي، اَعْنَا بَرَى مِنَ الَّذِينَ بِقَبَائِحِ اَفْعَالِهِمْ نَحَلُوكَ، وَاعْنَا بَرَى مِنَ الَّذِينَ فِيْمَا نَزَّهُوا عَنْهُ آبَائُهُمْ وَأُمَّهَاتُهُمْ مَا نَزَّهُوكَ، وَاعْبُرَاءُ إِلَيْكَ مِنَ الَّذِينَ فِي مُخَالَفَةِ نَبِيِّكَ وَآلِهِ (عليهم السلام) خَالَفُوكَ، اَعْنَا بَرَى مِنَ الَّذِينَ فِي مُحَارَبَةِ اَوْلِيَاءِكَ حَارَبُوكَ، وَاعْنَا بَرَى إِلَيْكَ مِنَ الَّذِينَ فِي مُعَانَدَةِ آلِ نَبِيِّكَ (عليهم السلام) عَانَدُوكَ. اَللَّهُمَّ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاجْعَلْنِي مِنَ الَّذِينَ [عَرَفُوكَ فَوَحَّدُوكَ، وَاجْعَلْنِي مِنَ الَّذِينَ] لَمْ يَجُورُوكَ وَعَنْ ذَلِكَ نَزَّهُوكَ، وَاجْعَلْنِي مِنَ الَّذِينَ فِي طَاعِيَةِ اَوْلِيَاءِكَ وَاعْصِيَاءِكَ اَطَاعُوكَ، وَاجْعَلْنِي مِنَ الَّذِينَ فِي خُلُوتِهِمْ وَفِي آتَاءِ اللَّيْلِ وَاطْرَافِ النَّهَارِ رَاقِبُوكَ وَعَبْدُوكَ، يَا مُحَمَّدُ يَا عَلِيُّ، بِكُمَا بِكُمَا. اَللَّهُمَّ، إِنِّي اَسْأَلُكَ فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ بِاسْمِكَ الَّذِي إِذَا وُضِعَ عَلَى مَغَالِقِ اَبْوَابِ السَّمَاءِ لِلْإِنْفِتَاحِ انْفَتَحَتْ. [و] اَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي إِذَا وُضِعَ عَلَى مَضَاقِيقِ الْأَرْضِ لِلْإِنْفِرَاجِ انْفَرَجَتْ، [و] اَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي إِذَا وُضِعَ عَلَى الْبَاءَسَاءِ لِلتَّيْسِيرِ [يا: لِلتَّيْسِيرِ] تَيْسَّرَتْ، وَاعْنَا بَرَى مِنَ الَّذِينَ إِذَا وُضِعَ عَلَى الْقُبُورِ لِلنُّشُورِ انْشَرَّتْ، اَعْنَا تَصِلُنِي عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاعْنَا تَمِيزُنِي عَلَى بَعْثِي رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ. اَللَّهُمَّ، إِنِّي لَمَنْ اَعْمَلِ الْحَسَنَةَ حَتَّى اَعْظَمْتَنِيهَا، وَلَمْ اَعْمَلِ السَّيِّئَةَ [يا: الْحَسَنَةَ] حَتَّى اَعْلَمْتَنِيهَا [يا: اَعْلَمْتَنِيهَا]، اَللَّهُمَّ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَعُدْ عَلَيَّ عِلْمَكَ بِعَطَائِكَ، وَدَاوْ دَائِي بِدَوَائِكَ، فَإِنَّ دَائِي ذُنُوبِي الْقَبِيحَةَ، وَدَوَائِكَ عَفْوُكَ وَحَلَاوَةُ رَحْمَتِكَ، اَللَّهُمَّ، إِنِّي اَعُوذُ بِكَ اَعْنُ تَقْصَحْنِي بَيْنَ الْجُمُوعِ بِسِرِّيرَتِي، وَاعْنَا اَلْقَاكَ بِخَزْيِ عَمَلِي، وَالدَّامِيَةَ بِخَطِيئَتِي، وَاعْنَا بَرَى مِنَ الَّذِينَ إِذَا تَظَهَّرَ سَيِّئَاتِي عَلَى حَسَنَاتِي، وَاعْنَا اَعْطَى كِتَابِي بِشِمَالِي، فَيَسُوذُ بِهَا وَجْهِي. وَيَعْسِرُ بِذَلِكَ حِسَابِي [يا: حَسَنَاتِي]، وَتَزِلْ [يا: فَتَرِلْ] بِذَلِكَ قَدَمِي، وَيَكُونُ فِي مَوَاقِفِ الْأَشْرَارِ مَوْقِفِي، وَاعْنَا اَعْصِرْ فِي الْأَشْقِيَاءِ الْمُعَذِّبِينَ، حَيْثُ لَا حَمِيمَ يُطَاعُ، وَلَا رَحِمَةً مِنْكَ تُدَارِكُنِي فَأَهْوَى فِي مَهَاوِي الْغَاوِينَ. اَللَّهُمَّ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاعْزِدْنِي مِنْ ذَلِكَ كُلِّهِ. اَللَّهُمَّ، بِعِزَّتِكَ الْقَاهِرَةِ وَسُلْطَانِكَ الْعَظِيمِ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَبَدِّلْ لِي الدُّنْيَا الْفَانِيَةَ بِالذَّارِ الْآخِرَةِ الْبَاقِيَةِ، لَقْنِي رَوْحَهَا وَرِيحَانَهَا وَسَلَامَهَا، وَاسْقِنِي مِنْ بَارِدِهَا، وَاعْظِنِي فِي ظِلَالِهَا، وَزَوِّجْنِي مِنْ حُورِهَا، وَاعْجَلْنِي عَلَى اَسْرَتِهَا، وَاعْزِدْنِي وَلَدَانَهَا، وَاعْظِفْ عَلَيَّ غِلْمَانَهَا، وَاسْقِنِي مِنْ شَرَابِهَا، وَاعْزِدْنِي اَنْهَارَهَا، وَاهْدِلِي ثِمَارَهَا، وَابْنُونِي [يا: وَاقُونِي] (٢٧٤) فِي كَرَامَتِهَا مُخَلَّدًا، لَاخَوْفَ [عَلَيَّ] يَرُوعُنِي، وَلَا لَانْصَبُ يَمَسْنِي، وَلَا حُزْنَ يَغْتَرِنِي [يا: يَغْتَرِنِي]، وَلَا هَمَّ يُشْغِلُنِي، فَقَدْ رَضِيتُ ثَوَابَهَا، وَآمَنْتُ عِقَابَهَا، وَاطْمَأَنَّتُ فِي مَنَازِلِهَا، قَدْ جَعَلْتَهَا لِي مَلْجَأً، وَ لِلنَّبِيِّ [يا: النَّبِيِّ] (ص) رَفِيقًا، وَلِلْمُؤْمِنِينَ [يا: الْمُؤْمِنِينَ] اَعْصَابًا، وَلِلصَّالِحِينَ [يا: الصَّالِحِينَ] اِخْوَانًا، فِي غُرْفٍ فَوْقَ غُرْفٍ حَيْثُ الشَّرَفُ كُلُّ الشَّرَفِ. اَللَّهُمَّ، وَاعْزِدْنِي بِكَ مَعَاذَةً مِنْ خَافِكَ، وَاعْلِجْ إِلَيْكَ مَلْجَأً مَنْ هَرَبَ إِلَيْكَ مِنَ النَّارِ الَّتِي لِلْكَافِرِينَ اَعْعَدْتَهَا، وَ لِلْخَاطِئِينَ اَعْوَدْتَهَا، وَلِلْغَاوِينَ اَبْرَزْتَهَا، وَذَاتِ لَهَبٍ وَسَعِيرٍ وَشَهِيقٍ وَزَفِيرٍ وَشَرَرٍ كَأَنَّهُ جِمَالَاتٌ صُفْرٌ، وَاعْزِدْنِي بِكَ اَللَّهُمَّ، اَعْنَا تَصِلُنِي بِهَا وَجْهِي، اَعْوِ تَطْعَمَهَا لَحْمِي، اَعْوِ تُوَقِّدْهَا بَدَنِي، وَاعْزِدْنِي يَا إِلَهِي، مِنْ لَهْبِهَا، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاجْعَلْ رَحْمَتَكَ لِي حِزْزًا مِنْ عَذَابِهَا، حَتَّى تَصِيرَنِي بِهَا فِي عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ، اَلَّذِينَ لَا يَسْمَعُونَ حَسِيسَهَا، وَهُمْ فِيْمَا اشْتَهَتْ اَنْفُسُهُمْ خَالِدُونَ. اَللَّهُمَّ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَافْعَلْ بِي مَا سَأَلْتُكَ مِنْ اَمْرِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ مَعَ الْقُوزِ بِالْجَنَّةِ، وَامْنُنْ عَلَيَّ فِي وَقْتِي هَذَا، وَفِي سَاعَتِي هَذِهِ، وَفِي

كُلِّ اَمْرٍ شَفَعْتُ اِلَيْكَ فِيهِ وَ مَا لَمْ اَشْفَعْ اِلَيْكَ فِيهِ مِمَّا لِي فِيهِ النِّجَاءُ مِنَ النَّارِ ، وَ الصَّلَاحُ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ ، وَ اَعْنِي عَلَي كُلِّ مَا سَاءَ لَتَيْكَ ، اِنَّ تَمُنَّ بِهِ عَلَيَّ . اَللّهُمَّ ، وَ اِنْ قُضِيَ دُعَائِي عَنْ حَاجَتِي ، اَوْ كَلَّ عَنْ طَلِبِهَا لِسَانِي ، فَلَا تُقْصِرْ بِي مِنْ جُودِكَ وَ لَا مِنْ كَرَمِكَ . يَا سَيِّدِي ، فَاءَنْتَ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ ، اَللّهُمَّ ، فَصَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ ، وَ اكْفِنِي مَا اَهَمَّنِي وَ مَا لَمْ يُهَمَّنِي ، وَ مَا حَضَرَنِي وَ مَا غَابَ عَنِّي ، وَ مَا اَنْتَ اَعْلَمُ بِهِ مِنِّي ، اَللّهُمَّ ، وَ هَذَا عَطَاؤُكَ وَ مَنُّكَ ، وَ هَذَا تَغْلِيْمُكَ وَ تَاذِيْبُكَ ، وَ هَذَا تَوْفِيقُكَ ، وَ هَذِهِ رَغْبَتِي اِلَيْكَ مِنْ حَاجَتِي ، فَيَحَقِّقْ اَللّهُمَّ ، عَلَي مَنْ سَاءَ لَكَ ، وَ يَحَقِّقْ ذِي الْحَقِّ عَلَيْكَ مِمَّنْ سَاءَ لَكَ ، وَ يَقْدِرْ تَكَ عَلَي مَا تَشَاءُ ، وَ يَحَقِّقْ لَا اِلَهَ اِلَّا اَنْتَ ، يَا حَيُّ ، يَا قَيُّوْمُ ، يَا مُحْيِي الْمَوْتِ ، يَا لَا اِلَهَ اِلَّا اَنْتَ الْقَائِمُ عَلَي كُلِّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ ، اِشَاءَ لَكَ اِنْ تَصَلَّى عَلَي مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ ، وَ اَنْ تُغْنِيَنِي مِنَ النَّارِ ، وَ تَكَلِّمَ اَنِي مِنَ الْعَارِ ، وَ تُدْخِلَنِي الْجَنَّةَ مَعَ الْاَبْرَارِ ، فَإِنَّكَ تُجِيرُ وَلَا يُجَارُ عَلَيْكَ . اَللّهُمَّ ، صَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ ، وَ اَعِزَّنِي مِنْ سَيِّطَوَاتِكَ ، وَ اَعِزَّنِي مِنْ سُوءِ عَقُوبَتِكَ ، اَللّهُمَّ ، سَاقِنِي اِلَيْكَ دُنُوبِي ، وَ اَنْتَ تَرْحَمُ مَنْ يَتُوبُ ، فَصَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ ، وَ اغْفِرْ لِي جُزْمِي ، وَ ارْحَمْ عِيْبَتِي ، وَ اَعْجِبْ دَعْوَتِي ، وَ اَقْبَلْ عَثْرَتِي ، وَ اَمُنْ عَلَي بِالْجَنَّةِ ، وَ اَعْزِمْنِي مِنَ النَّارِ ، وَ زَوِّجْنِي مِنَ الْحَيَّوْرِ الْعَيْنِ ، وَ اَعْطِنِي مِنْ فَضْلِكَ ، فَإِنِّي بِكَ اِلَيْكَ اَتَوَسَّلُ ، فَصَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ ، وَ اَقْبِلْنِي مَوْفُورَ الْعَمَلِ بِغُفْرَانِ الزَّلَالِ بِقُدْرَتِكَ ، وَ لَا تَهَيِّ فَاءَهُوْنَ عَلَي خَلْقِكَ ، وَ صَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ النَّبِيِّ وَ آلِهِ الطَّاهِرِينَ ، وَ سَلِّمْ تَسْلِيْمًا . - شب كردیم در حالی که حمد و عظمت و کبریا و تسلط و بردباری و دانش و جلال و حُسن و زیبایی و تقدیس و تعظیم و تسبیح و تکبیر و تهلیل و تمجید [و تحمید] و سخاوت و جود و بزرگواری و بزرگی و بخشش و حمد و فضل و گستردگی و حول و قوه و قدرت و شکافتن و به هم آوردن و بستن ، و شب و روز ، و تاریکیها و روشنایی ، و دنیا و آخرت ، و همه مخلوقات و تمام [عالم] امر و آنچه که نام بردم و آنچه نام نبردم ، و آنچه که می دانم و آنچه که نمی دانم ، و آنچه که بوده و آنچه که هست ، برای خداوند ، پروردگار عالمیان شب نمودند . سپاس خدایی را که روز را برد و شب را آورد ، در حالی که ما در نعمت و عافیت و فضل بزرگ او قرار داریم ، ستایش خداوندی را که تمام آنچه در شب و روز آرام گرفته برای اوست و او شنوای آگاه است . سپاس خدایی را که شب را در روز ، و روز را در شب وارد نموده ، و زنده را از مرده ، و مرده را از زنده بیرون آورد ، و هر کس را که بخواهد بدون حساب و شماره ، روزی می دهد ، و هم او به آنچه در دلهاست آگاه است . خداوند ، به تو شب نمودیم ، و به تو صبح نمودیم ، و به تو زنده ایم و به تو می میریم ، و بازگشت [همه موجودات] به سوی توست . خداوند ، به تو پناه می برم از اینکه خوار گردم یا دیگری را خوار نمایم ، یا گمراه گردم و یا دیگری را گمراه نمایم ، یا ستم کنم یا مورد ستم دیگری قرار گیرم ، یا عمل جاهلانه انجام دهم و یا دیگری مرا نسبت به من عمل نابخردانه انجام دهد [و یا دیگری مرا به جهل و نادانی نسبت دهد .] ای گرداننده و زیر و رو کننده دلها و دیدگان ، بر محمد و آل او درود فرست ، و قلبم را بر طاعت و اطاعت از رسولت - که سلام بر او و خاندان او باد ، - استوار گردان ، خداوند ، بعد از هدایت دلها یمان آنها را منحرف مفرما ، و رحمتی از جانب خویش به ما ارزانی دار ، براستی که تو بسیار بخشنده ای . خداوند ، تو دشمنی داری که از هیچ تباهی و هلاکت و کاستی من کوتاه نمی آید ، و شدیداً متمایل به گمراه کردن [یا : چشم زخم زدن به] من است ، عیبهایم را می داند ، و او و گروه او از آنجا که من نمی بینم ، مرا می بینند . خداوند ، بر محمد و آل او درود فرست [و خودمان و خانواده ها و بستگان و فرزندان و برادرانمان و تمام آنچه که درهای خانه های مان را به روی آن بسته ایم و خانه هایمان آنها را فراگرفته از شر او پناه ده . خدا ، بر محمد و آل او درود فرست] و چنانکه بهشت را بر او حرام فرموده ای ، ما را بر او حرام فرما ، و میان ما و او دوری افکن ، چنانکه بین مشرق و مغرب و بین آسمان و زمین دوری افکنده ای و دورتر از اینها . خداوند ، بر محمد و آل او درود فرست و مرا از وسوسه و عیبجویی و آشوب گری و گرفتاریهایش و تباهیها و جادو دمیانش [یا : فتنه و آشوب او] در پناه خویش درآور ، خدا ، بر محمد و آل او درود فرست و مرا از او در دنیا و آخرت ، و در مردن و زندگانی در پناه خویش درآور . تنها به خدا دفع می کنم آنچه را که توان آن را دارم و یا ندارم ، و قدرت و توفیق تنها از ناحیه خداست ، ای خدایی که آسان نمودن مشکل بر تو آسان است ، [بر محمد و آل او

درود فرست ، و آنچه را که از مشکل بودن آن می هراسم بر من آسان گردان ، زیرا آسان نمودن امور مشکل بر تو راحت است . [خداوندا ، ای پروردگار پروردگاران ، و ای آزاد کننده بردگان ، تویی خداوندی که همواره بوده ای و نابود نمی گردی ، و روزگار و زمانها تو را دگرگون نمی سازد ، قدرت آشکار گشته ، ای معبود من ، و چگونگی [یا چگونگی ات] برای آنان آشکار نگشته ، لذا تو را ای سرور من ، [به مخلوقات] تشبیه نموده اند ، و برخی از نشانه های روشن ات [یا : اسماء و کمالات ، و یا پیامبرانت] را به پروردگاری و خدایی گرفته اند ، آنگاه ای معبود من ، تو را نشناخته اند ، و ای معبود من ، من در این شب از کسانی که تو را با شبهات جستجو می کنند بی زاری می جویم ، و از کسانی که تو را [به مخلوقات] تشبیه نموده و نسبت به تو جاهل هستند ، بی زاری می جویم ای معبود من ، من از کسانی که تو را به صفات بندگانت توصیف نموده اند بی زاری می جویم ، بلکه از کسانی که منکر تو شده و تو را نپرستیده اند ، بی زاری می جویم ، و از کسانی که نسبت جور و ستم در افعالت به تو می دهند ، بی زاری می جویم ، و از کسانی که پدران و مادرانشان را از اموری منزّه می دانند ، که تو را از آنها منزّه نمی دانند ، بیزاری می جویم ، و از کسانی که با مخالفت کردن با پیامبر و آل او (علیهم السلام) ، با تو مخالفت نمودند ، بیزاری می جویم ، من از کسانی که با دشمنی کردن و جنگیدن با دوستان ، با تو جنگیدند بیزاری می جویم ، و از کسانی که با دشمنی خاندان پیامبر (علیهم السلام) با تو ستیز و دشمنی نمودند بی زاری می جویم . خداوندا ، بر محمد و آل او درود فرست و مرا از کسانی قرار ده که [تو را شناخته و به یگانگی خوانده اند ، و از کسانی قرار ده] که نسبت جور و ستم به تو روا نداشتند ، و از همه اینها تو را پاک و منزّه داشتند ، و از کسانی قرار ده که با اطاعت از دوستان و برگزیدگانت از تو اطاعت نمودند ، و از کسانی قرار ده که در خلوتها و در اوقات و لحظات شب و آغاز و پایان [و تمام لحظات] روز مراقب تو بوده و تو را عبادت کردند ، ای محمد ، ای علی ، به شما دو بزرگوار ، به شما دو بزرگوار [توسّل می جویم] . خداوندا ، در این شب ، به آن اسم تو که هرگاه برای گشوده شدن کلیدهای بسته درهای آسمان بر آنها گذاشته شود ، بازمی گردد ، مسألت دارم ، [و] به آن اسم تو که هرگاه بر شکافته شدن تنگیهای زمین بر آنها گذاشته شود ، شکافته می شود ، و به آن اسم تو که هرگاه بر آسان گردیدن مشکل و سختی بر آن نهاده شود ، آسان می گردد ، و به آن اسم تو که هرگاه برای بیرون آمدن و زنده شدن مردگان بر قبرها نهاده شود ، قبرها شکافته شده و مردگان برانگیخته می گردند ، مسئلت دارم که بر محمد و آل محمد درود فرستی و با آزاد کردن من از آتش جهنّم در این شب بر من منّت نهی ، خدایا ، من عمل نیکی انجام ندادم مگر اینکه تو آن را به من عطا فرمودی ، و عمل بدی انجام [یا : نیکی] ندادم مگر اینکه تو آن را به من آموختی ، خداوندا ، پس بر محمد و آل محمد درود فرست و علم و آگاهی ات را به خاطر عطا و بخشش به من ارزانی دار ، و دردم را درمان فرما ، که درد من گناهان زشت ، و دوی آن عفو و گذشت و شیرینی رحمت توست . خداوندا ، به تو پناه می برم از اینکه مرا در میان گروهها [ی مردم در روز قیامت] به واسطه [آشکار ساختن] باطنم رسوایم سازی ، و با رسوایی عمل و پشیمانی به واسطه گناهم با تو ملاقات نمایم ، و به تو پناه می برم از اینکه بدیهایم را بر کارهای نیکم غالب کنی ، و نامه عملم به دست چپم داده شود ، و در نتیجه رویم سیاه گردیده و به واسطه آن حساب کشی از من [یا : کارهای نیکم] سخت گردد ، و به جهت آن گامم بلغزد ، و جایگاهم در میان جایگاه اشرار و یدان باشد ، و در میان بدبختانی که عذاب می شوند قرار گیرم ، آنجا که نه دوستی است که اطاعت شود [و کسی درباره رهایی من به سخن او گوش کند] ، و نه رحمتی از جانب تو که مرا دریابد ، تا اینکه مبادا در درّه های گمراهان سقوط کنم . خداوندا ، بر محمد و آل او درود فرست ، و مرا از همه اینها پناه ده . خداوندا ، به عزّت چیره و فرمانروای بزرگ بر محمد و آل او درود فرست ، و دنیای فانی را برای من به خانه آخرت پایدار مبدّل فرما ، و با نسیم [و یا : رحمت] و بوی خوش و سلامتی آن از من استقبال فرما ، و از آب خنک آن سیرابمان نما ، و در سایه های آن قرار ده ، و و حور و زنان سیاه و درشت چشم بهشتی را به ازدواجمان درآور ، و بر تختهایش بنشمانمان ، و بچه های بهشتی را خدمتکاران قرار ده ، و نوجوانان آن را بر دور ما بگردان ، و از نوشیدن و شراب آن سیرابمان فرما ، و در جویهای بهشتی داخل ، و [شاخه های

[میوه های بهشتی را برای ما آویزان [و از آن بهره مند] بگردان ، و در کرامت بهشتی به صورت جاودانی محفوظ بدار [یا : نیرومند گردان] ، به گونه ای که هیچ بیمی مرا هراسناک ننموده ، و هیچ رنج و سختی به من نرسد ، و هیچ اندوهی برآیم پیش نیاید ، و هیچ هم و غمی مشغولم نسازد ، در حالی که به ثواب بهشت خشنود ، و از عذاب آن ایمن ، و در منزلهایش آرام بگیرم ، در حالی که آن را پناهگاه من ، و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را رفیق و همدم ، و مؤمنان را یاران ، و شایستگان را برادرانم قرار داده ای ، در طبقات بالای خانه های بهشتی ، در جایگاه شرافت و برتری کامل قرار گیرم . خداوندا ، و همانند کسی که از تو بیم دارد به تو پناه می برم ، و بسان کسی که از آتشی که برای کافران آماده نموده ، و برای گناهکاران شعله ور ساخته ، و برای گمراهان آشکار فرموده ای ، آتشی که دارای زبانه و شعله و صدای بلند و آتشپاره هایی بسان شترهای زرد رنگ دارد ، به سوی تو می گریزم . و به تو پناه می برم ای خدا ، از اینکه روی مرا به [آتش] آن بسوزانی ، یا گوشتم را به آن بخورانی ، یا بدنم را به آن شعله ور سازی ، و به تو پناه می برم ای معبود من ، از سوزش آن ، پس بر محمّد و آل او درود فرست ، و رحمت خود را پناهگاه و محافظ من از عذاب آن قرار ده ، تا اینکه به واسطه آن مرا در میان بندگان شایسته که حتّی صدای حرکت آن را نمی شنوند ، و جاودانه در دلبخواه خویش هستند ، قرار دهی . خداوند ، بر محمّد و آل او درود فرست ، و آنچه را که از تو درباره امر دنیا و آخرت درخواست نمودم همراه با راه یابی به بهشت برای من انجام ده . و در این همین وقت و همین ساعت و لحظه ، و در تمام اموری که تو را واسطه قرار دادم ، و یا واسطه قرار ندادم ، و مایه نجات من از آتش و به صلاح من در دنیا و آخرت است ، بر من مَنّت نه ، و مرا بر تمام آنچه که درخواست نمودم مَنّت نهاده و یاری بخش . خداوندا ، و اگر دعایم از حاجتم کوتاه یا زبانم از درخواست آن درمانده است ، بخشش و بزرگواری ات را بر من کوتاه مفرما ، ای آقای من ، زیرا تو دارای فضل بزرگ هستی ، خداوندا ، بر محمّد و آل او درود فرست ، و تمام اموری را که مرا به غم و غصّه واداشته و یا نداشته [و مورد اهتمام من است و یا نیست] و در ذهن من حاضر است و یا حاضر نیست ، و آنچه که تو به آن از من آگاهتری ، کفایت فرما خداوندا ، و این دعا نیز عطای تو و از ناحیه توست ، و این به آموختن و تاءدیب توست ، و این به توفیق توست ، و این حاجت و اظهار میل و رغبت من به سوی توست ، پس به حقّ خود خداوندا ، بر تمام کسانی که از تو درخواست نمودند ، و به حقّ هر صاحب حقّی بر تو از کسانی که از تو درخواست نمودند ، و به قدرتت بر هر چه بخواهی ، و به حقّ اینکه معبودی جز تو نیست ، ای زنده ، ای قیوم [و برپا دارنده همه مخلوقات] ای زنده کننده مردگان ، ای کسی که معبودی جز تو نیست ، و هر چه را که نفّسها انجام می دهند به تو برپاست ، از تو درخواست می نمایم که بر محمّد و آل محمّد درود فرستی ، و مرا از آتش جهنّم آزاد فرموده ، و از ننگ نگاه داشته ، و با ابرار و نیکان داخل بهشت بگردانی . زیرا تو پناه می دهی و کسی نمی تواند دیگری را علیه تو به پناه خود درآورد . خداوندا ، بر محمّد و آل محمّد درود فرست ، و مرا از تاختن ها و باخشم و چیرگی گرفتنهایت و از عاقبت بد آن در پناه خویش درآور . خداوندا ، گناهانم مرا به سوی تو رانده ، و تو به هر کس که توبه نماید رحم می آوری ، پس بر محمّد و آل او درود فرست و جرم مرا بیامرز ، و بر اشک چشمم رحم آر ، و دعایم را اجابت فرما ، و لغزشم را نادیده بگیر ، و بهشت بر من ارزانی دار ، و از آتش جهنّم در پناه خویش درآور ، و حورعین و زنان سیاه و درشت چشم بهشتی را به ازدواج من درآور ، و از فضل خویش به من ارزانی دار ، زیرا من به واسطه قرار دادن تو به سوی تو متوسّل شده ام ، پس بر محمّد و آل او درود فرست ، و مرا همراه با عمل فراوان ، به واسطه آمرزیدن لغزشهایم به قدرتت برگردان ، و مرا خوار مکن ، تا مبادا در نزد مردم خوار گردم ، و بر حضرت محمّد پیامبر اکرم و خاندان پاکیزه او درود و رحمت و سلامتی و امتیّت ویژه بفرست .

فصل سی ام : نمونه ای از حالات معصومین (علیهم السلام) در شب و آداب پیش از خواب

پرهیز از گناه در شب

ای کسی که ادعا می‌کند مسلمان هستی، و کتاب خدا و رسول او را تصدیق نموده، و باور داری که ملائکه ای بر تو گمارده شده که هرچه را که انجام می‌دهی و می‌گویی می‌نویسند، و خداوند - جلّ جلاله - از پشت سر آنان، بر تمام آنچه که بر فرشتگان نگاهبان اعمال آشکار و پنهان است مراقب بوده و آگاهی و اشرف دارد، و تاریکی شب نمی‌تواند چیزی را از او - سبحانه - بپوشاند، و نیز باور داری که خداوند همنشین بندگان خویش است، و هر عملی را که انجام می‌دهند می‌بیند، اگر همان گونه که ادعا می‌کند به این امور اعتقاد داری، مبادا تاریکی شب را غنیمت شمرده و مهیای رهسپار شدن در راههای هلاکت بار سوء ادب گردی، [یا: همچنان در راههای هلاکت بار سوء ادب رهسپار شوی]. زیرا اگر در خودداری کردن از عمل، میان عمل شب و روز فرق بگذاری، بدان که مسلماً بنی آدم و مردم را می‌پرستی، یا احترام آنها در نزد تو بیشتر از خداوندی که مالک و جبار و قهار و آگاه از اسرار است، می‌باشد. لذا وقتی شب تو را از دید آنان می‌پوشاند، مولایی که همواره تو را می‌بیند، در نزدت کوچک و بی‌ارزش می‌گردد. اگر چنین هستی، و خود را عاقل می‌دانی، چگونه خود را مسلمان می‌شماری؟ و به حکم کدام عقل و دل امید سلامتی در روز حساب را می‌داری؟ آیا نشنیده ای که خداوندی - جلّ جلاله - به صراحتی که تاءویل بردار نیست، تصریح می‌نماید که - با وجود خیانتی که داری، و [اعمال] خویش را مردم پنهان می‌داری، ولی از آن مقام بزرگ و والا پنهان نمی‌کنی - مثل تو را دوست نمی‌دارد، آنجا که می‌فرماید: وَلَا تُجَادِلْ عَنِ الَّذِينَ يَخْتَانُونَ أَنْفُسَهُمْ، إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ مَنْ كَانَ خَوَّانًا أَثِيمًا، يَسْتَخْفُونَ مِنَ النَّاسِ، وَلَا يَسْتَخْفُونَ مِنَ اللَّهِ، وَهُوَ مَعَهُمْ إِذْ يُبَيِّنُونَ مَا لَا يَرْضَى مِنَ الْقَوْلِ، وَكَانَ اللَّهُ بِمَا يَعْمَلُونَ مُحِيطًا. ها، اَنْتُمْ هَؤُلَاءِ جَادَلْتُمْ عَنْهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا، فَمَنْ يُجَادِلِ اللَّهَ عَنْهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ؟ (۲۷۵) - و در دفاع از کسانی که در اندیشه خیانت به خویش هستند، مجادله مکن، [زیرا] براستی که خداوند هرکس را که بسیار خیانت کننده و گناهکار باشد دوست نمی‌دارد، آنان [اعمال] خود را از مردم پنهان می‌دارند، ولی از خدا پنهان نمی‌کنند، در حالی که او همراه با آنهاست، هنگامی که شب را با گفتاری که خداوند از آن ناخشنود است، به سر می‌آورند، و خداوند به اعمالی که انجام می‌دهید احاطه دارد، هان، شما در زندگانی دنیا در دفاع از آنان مجادله می‌کنید، پس در روز قیامت چه کسی در دفاع از آنها با خدا مجادله خواهد نمود؟ ای بنده بیچاره، مگر ممکن است خداوند - جلّ جلاله - تو را دوست نداشته باشد و تو مسلمان باشی؟ پس در بهبودی بیماریهای دل و دین خود تاءمیل نما، که درد و بیماری ات بزرگ و پنهان است، و نیز ببانداش که چرا هدایت پذیر نگشته و به کسانی که می‌گویی به انوارشان رهنمونم، و از راه و روش آنان پیروی می‌نمایم اقتدا نمی‌نمایی، و نیز نظر کن بین حالات و اوصاف آنان در شب - که تو آن را با غنیمت شمردن غفلتها و در راهی شدن در طلب شهوتهای خویش، مانند چهارپایی که لزوم تکلیف از آنها برداشته شده، ضایع می‌کنی - چگونه بوده است؟

شب بیداری پیامبر اکرم (ص) و گروهی از مؤمنان

۱ - از آن طبرسی در کتاب تفسیر خود در تفسیر فرمایش خداوند متعال که می‌فرماید: قُمِ اللَّيْلَ إِلَّا قَلِيلًا نَضِيفَهُ (۲۷۶) - شب را [برای انجام عبادت] برخیز، جز اندکی از آن را، نصف آن... روایت نموده که: پیامبر اکرم (ص) و گروهی از مؤمنان، از ترس اینکه مبادا اندازه بین نصف و یک سوم و دو سوم شب را (۲۷۷) رعایت نکنند، تا صبح به عبادت مشغول می‌شدند تا اینکه خداوند بر آنان تخفیف داد. و فاصله بین این تکلیف و تخفیف آن ده سال بود. (۲۷۸) حدیث فوق را ابو محمد جعفر بن احمد بن علی قمی نیز در کتاب اَلْمُنْبِيُّ عَنْ زُهْدِ النَّبِيِّ (ص) به طور مشروح ذکر نموده است.

نمونه ای از شب بیداری و حالات امیرالمؤمنین (ع)

۲ - روایت شده که: مولایمان علی بن ابی طالب (ع) پیوسته تمام شب را نماز می‌خواند، و ساعت به ساعت بیرون می‌آمد و به

آسمان می نگریست و قرآن تلاوت می نمود. نوف می گوید: شبی حضرت بعد از گذشت پاسی از شب (۲۷۹) از کنار من گذشت و فرمود: ای نوف، آیا خوابیده ای یا بیداری؟ عرض کردم: بیدار هستم، و مراقب شما هستم. سپس حضرت (ع) فرمود: ای نوف، خوشا به حال کسانی که نسبت به دنیا زاهد و بی میل، و به آخرت رغبت دارند. آنان که وقتی تاریکی شب ایشان را فرا می گیرد، زمین را به عنوان فرش و زیرانداز، و خاک آن را به عنوان رختخواب، و آب آن را به عنوان عطر، و قرآن را به عنوان روپوش، و دین (۲۸۰) را به عنوان زیرپوش خویش برگزیده، و دنیا را بر اساس شیوه حضرت مسیح عیسی بن مریم - صلی الله علیه - رها کرده اند. ۳- همچنین در روایت آمده که حبه عرنی می گوید: وقتی من و نوف در محوطه مسجد [یا: کاخ حکومتی] خوابیده بودیم، که ناگهان در اواخر شب امیرالمؤمنین (ع) را دیدیم که مانند شخص واله و سرگشته دست خویش را بر دیوار گذاشته و این آیه را تا آخر تلاوت می فرمود که: إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ (۲۸۱). - براستی که در آفرینش آسمانها و زمین... وی می گوید: حضرت این آیات (۲۸۲) را می خواند و بسان شخص عقل پریده می گذشت. تا اینکه فرمود: ای حبه، آیا خوابیده ای یا بیداری، عرض کردم: بیدارم. شما که چنین می کنید، پس ما چگونه باید باشیم؟ چشمانش پر از اشک شد و گریست. و سپس فرمود: ای حبه، خداوند را مقامی است، و ما را در پیشگاه او جایگاهی است، که هیچ کدام از اعمال ما بر او پوشیده نیست. ای حبه، خداوند نسبت به تو و من از رشته رگ گردان نزدیکتر است. ای حبه، هیچ چیز نمی تواند من و تو را از دید خداوند پنهان دارد. سپس فرمود: ای نوف، آیا خوابیده ای؟ نوف که خوابیده بود از خواب بیدار شد و عرض کرد: نه خیر، یا امیرالمؤمنین، بیدار نیستم، امشب بسیار گریستم. حضرت فرمود: ای نوف، اگر در این شب از خوف خداوند - عزوجل - بسیار گریستی، فردای قیامت در پیشگاه خداوند - عزوجل - چشمانت روشن خواهد شد. ای نوف، هیچ قطره ای از چشم انسان به خاطر ترس از عظمت خدا به زمین نمی ریزد، مگر اینکه دریاها آتش جهنم را خاموش می سازد. ای نوف، هیچ کس مقام و منزلتش بزرگتر و والاتر از کسی که از ترس از عظمت خدا بگریزد، و در راه خشنودی خدا دوست و یا دشمن ندارد، وجود ندارد. ای نوف، هرکس در راه خرسندی خدا دوست ندارد، هیچ کس را بر محبت او مقدم نخواهد داشت، و هرکس در راه خشنودی خدا دشمن ندارد، خیری به دشمنان خویش نمی رساند. اینجاست که به حقایق ایمان کاملاً نایل خواهید شد. سپس حضرت آن دو را پند و اندرز داد و موعظه نمود و در اواخر گفتارش فرمود: پس از خداوند بیم داشته و بپرهیزید، که من شما را بیم دادم. سپس در حال عبور می فرمود: خداوند ای کاش می دانستم که در حال غفلتهایم آیا از من روی گردانی، یا به من می نگری؟ و ای کاش می دانستم که در خواب طولانی و شکر و سپاس اندکم در برابر نعمتهایت، حالم چگونه است؟ حبه می گوید: به خدا سوگند، حضرت پیوسته بر این حال بود، تا اینکه سپیده دم طلوع کرد. ۴- از دیگر صفات مولایمان علی (ع) در شب مطالبی است که نوف برای معاویه بن ابی سفیان ذکر نمود که: در هیچ شبی برای حضرتش رختخواب پهن نشد، و هرگز در شدت گرما و روزهای بسیار گرم غذا میل ننمود [؛ زیرا روزه بودند]. و نیز نوف گفت: گواهی می دهم، که براستی آن بزرگوار را در حالی که شب پرده های تاریکی خود را افکنده بود، و ستارگان غروب کرده بودند، دیدم که ایستاده و محاسن شریف خویش را با دست گرفته و همانند مار گزیده [ویا شخصی که سخت مجروح باشد] به خود می پیچید و بسان شخص اندوهناک [و مصیبت زده] گریه می نماید. این حدیث، مشهور و معروف است، و می ترسیم که تو ای بنده، به خاطر تطویل، از اموری که موجب قرب تو نسبت به خداوندی که مالک برانگیخته نمودن مردگان است، خسته و ملول گردی. لذا از ذکر آنها خودداری می کنیم.

اشکال و جواب، و حالات شیعیان واقعی در شب

مبادا سخن کسی را قبول کنی که می گوید: این، تکلیف ابرار و بزرگان است، و ما در بندگی و کوشش در عبادات به پیروی از

ایشان مکلف نیستیم. اگر ترس آن را نداشتیم که به واسطه نقل کلام خداوند - عزوجل - و ویژگان درگاهش، به ستوه بیایی و رنجیده شوی، و در نتیجه به جهت کراهت داشتن از اموری که تو را به محبت الهی نزدیک می گرداند، به هلاکت مبتلا گردی، مسلماً صفات پاکیزه شیعیان و پیروان واقعی آن بزرگواران را به طور مفصّل برای تو بیان نموده، و آیات بسیار را ذکر روایات فراوانی را نقل می کردم، ولی اینک تنها یک حدیث را می آورم، که برای هر کس که دلش حافظ حقایق باشد کافی است: ابی المقدام می گوید: امام باقر (ع) به من فرمود: ای ابا المقدام، شیعیان و پیروان علی (ع) تنها کسانی هستند که رنگ پریده [و یا: لاغر]، و بدنهایشان آب رفته و خشکیده، و لبانشان [از بسیار ذکر گفتن] خشکیده، شکمهایشان تو رفته، رنگهایشان پریده و چهره هایشان زرد باشد. و هنگامی که تاریکی شب آنان را فرا می گیرد، زمین را به عنوان رختخواب برگزیده، و با پیشانی هایشان به زمین روی آورده و سجده می کنند. سجده هایشان زیاد و طولانی، و اشکهایشان فراوان، و دعایشان بسیار، و گریستنشان بسیار است، مردم شادمانند و ایشان نگران.

نمونه ای از حالات امام حسن (ع)

۵ - در حدیث است که مولایمان امام صادق (ع) فرمود: پدر بزرگوارم به نقل از پدرش (علیهما السلام) فرمود: حسن بن علی (علیهما السلام) عابدترین و زاهدترین و برترین مردم در زمان خویش بود، و وقتی حجّ بجا می آورد، پیاده حجّ می نمود، و چه بسا پا برهنه می رفت، و هنگامی که از مرگ یاد می نمود (۲۸۳) می گریست، و هرگاه از قبر یاد می نمود گریه می نمود، و هنگامی که از برانگیخته و زنده شدن مردگان در قیامت یاد می کرد می گریست، و وقتی گذشتن از [پل] صراط را یاد می نمود گریه می کرد، و هرگاه عرضه شدن بر خداوند را به یاد می آورد با صدای بلند فریاد برآورده و به واسطه آن بی هوش می گردید، و هرگاه به نماز می ایستاد در پیشگاه پروردگارش - عزوجل - فرایض (۲۸۴) آن بزرگوار می لرزید، و وقتی از بهشت و آتش جهنّم یاد می کرد، بسان شخص مار گزیده [و یا: شخصی که سخت مجروح باشد] به خود می پیچید، و از خداوند بهشت را درخواست نموده و از آتش جهنّم به خدا پناه می برد، و هماره پس از قرائت آیه ای از کتاب خدا که در آن یا اَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا، بود، می فرمود: لَبَّيْكَ اَیُّهَا اللَّهُمَّ، لَبَّيْكَ: (آری، خداوندا، آری.)، و در هیچ حالی دیده نشد مگر اینکه به یاد خداوند سبحان مشغول بود، و صادق ترین مردم از لحاظ و گویش، و شیوا و رساترین آنان از لحاظ گفتار بود. (روایت طولانی است)

کثرت عبادت امام حسین و امام زین العابدین (علیهما السلام)

۶ - باز مطلبی ذکر شده که به علی بن الحسین (ع) عرض شد: چقدر فرزندانِ پدرت کم است؟ حضرت فرمود: جای شگفت است که چگونه فرزند دار شده، زیرا آن بزرگوار در هر شبانه روز هزار رکعت نماز می خواند، پس کی برای نزدیکی با همسر فراغت پیدا می کرد؟ حدیث هزار رکعت نماز خواندن، درباره خود امام زین العابدین (ع) نیز روایت شده است.

حالت امام صادق (ع) در حال لبّیک گفتن

۷ - منقول است که مالک بن انس فقیه مدینه گفت: به خدمت جعفر بن محمد (ع) وارد می شدم، و آن بزرگوار برای من بالش پیش می آورد و از من تعظیم می نمود و می فرمود: ای مالک، براستی که من تو را دوست می دارم، و من از این شادمان می شدم و حمد و ستایش خدا را بجا می آوردم. وی می گوید: حضرت (ع) همواره از یکی از سه خصلت خالی نبود: یا روزه بود، و یا در حال قیام برای خواندن نماز و عبادت، و یا در حال ذکر خدا، و آن بزرگوار از عبادت کنندگان و زاهدان بزرگ، و از عظمت خداوند - عزوجل - خوف داشت، و با همنشینان خود بسیار سخن می گفت و خوش مجلس و پُرفائده بود. هرگاه می

گفت: رسول الله (ص) فرمود گاه رنگش سبز و گاه زرد می شد، و چنان چهره حضرت متغیر می شد که هر کس او را می شناخت، گویی در آن حال او را نمی شناسد. یک سال همراه با او حج بجا آوردم، هنگامی که شترش در جایگاه بستن احرام ایستاد، هربار که می خواست لَبَّيْكَ اَللّهُمَّ، لَبَّيْكَ: (آری، خداوند، آری). بگوید، صدایش در گلوش قطع می شد، و نزدیک بود که از شترش به زمین بیافتد، به او عرض کردم: ای فرزند رسول خدا، از گفتن آن ناگزیری فرمود: ای پسر ابی عامر، چگونه جسارت کنم و لَبَّيْكَ اَللّهُمَّ، لَبَّيْكَ بگویم، در حالی که می ترسم خداوند عزوجل بفرماید: لَا لَبَّيْكَ وَلَا سَعْدَيْكَ. [ناگفته نماند: که ما در کتاب تَقْرِيبُ السَّالِكِ إِلَى خِدْمَةِ الْمَالِكِ نیز گوشه ای از صفات مقتدایان معصومین (علیهم السلام) بر این شیوه از کوشش بسیار و زیبا در عبادت خداوند بوده اند، چه آنان که ذکر نمودم، و چه کسانی را که ذکر ننمودم، یاد کرده ام.

کمترین عمل در شب

اینک می گویم: اگر توفیق پیمودن این راه با بهره گیری از مرکب شب برای تو میسر شد، همان گونه باش که مولایمان علی بن ابی طالب (ع) بیان فرموده، و معرفت به مولایی که در پیشگاهش قرار داری، اقتضا می کند. که آن بزرگوار (ع) فرمود: اگر از انجام کار خیر ناتوان گشتی، از انجام دادن کار شرّ عاجز باش. امتحان نفس اکنون می گویم: نَفْس خویش را که می خواهد بخوابد و به همین خاطر از خدمت و بندگی مالک و سلطان خویش کاهلی و تنبلی می نماید، امتحان کن و بین که آیا ادعایش درست است، و یا به باطل و دروغ ادعا می کند، به این صورت که بین اگر یکی از دوستان یا بعضی از خادمان پادشاهان دارِ فریب دنیا به سوی تو بیاید، یا حاجت کوچکی از حوایج خُرد و بی ارزش دنیوی را که تو آن را از دنیا می خواهی، - دنیایی که لذّتش فانی و پیامدها و گناهانش می ماند - برای تو پیش می آمد، آیا تنبلی و خوابیدن را بکلی ترک نمی گفתי؟ پس حال که این را از نَفْس خویش شناختی، بر حال آن گریه کن، زیرا یا قلب تو مریض است، یا در عقاید دینی ات ضعیف هستی، پس به درگاه خداوند - جَلّ جلاله - توبه نما، و از او درخواست کن که از تو در گذشته، و سعادت‌مندی دینی و دنیوی ات را کامل گرداند، که آن دو تنها در مراقبه و پاییدن مقام جلیل الهی حاصل می شود.

علت خواب ماندن از نماز شب

حال می گویم: اگر خواب ماندی و مانند شخص در مانده خواب بر تو غلبه کرده، در این صورت اگر خواب ماندن به خاطر گناهی نباشد که خداوندی که به نهانها آگاه است، به واسطه آن تو را از خلوت و مناجاتی که هر دوستی با محبوبش دارد رانده باشد، معذور خواهی بود. زیرا در حدیث آمده که: خداوند - جَلّ جلاله - به واسطه عقوبت گناهان، بنده را از خدمت و بندگی خویش به خواب می زند. در این باره نظر کن به روایتی که از مولایمان امام صادق (ع) نقل شده: که مردی به حضرتش عرض کرد: سفارشی به من بفرما. حضرت فرمود: تو را به تقوای خداوند سفارش می نمایم، و اینکه هرگاه به رختخواب می روی، تمام اعمال خیر یا شرّی را که در روز انجام داده ای و نیز هرچیز پاکیزه و پلیدی را که در شکم خویش داخل کرده ای به یاد آور.

توجهات معنوی و توبه در هنگام خوابیدن

توجه داشته باش که وقتی خواستی بخوابی - چه خواب بر تو غلبه باشد، و یا در حالت اختیار بوده و میل تمایل به خوابیدن داشته باشی - بدان که خواب عبارت است از مرگ و نبود بیداری، و وفات و از کار افتادن اعضا و جوارح از زندگانی استقامت و ایستادگی در انجام امور مربوط به خود. خداوند - جَلّ جلاله - در این باره می فرماید: وَهُوَ الَّذِي يَتَوَفَّاكُم بِاللَّيْلِ، وَيَعْلَمُ مَا جَرَحْتُم بِالنَّهَارِ، ثُمَّ يَبْعَثُكُمْ فِيهِ. (۲۸۵) - و اوست خداوندی که شب [و هنگام خواب، جان شما را] کاملاً می گیرد، و به تمام

گناهانی که در روز انجام می دهید، آگاه است، سپس شما را در روز برمی انگیزاند. بر این پایه، خداوند - جلّ جلاله - خواب را وفات، و بیداری را برانگیختن و زندگانی قرار داده. و آگاه هستی که شخص خوابیده مانند شخص کور و کر و لال و زمین گیر و و گرفتار به بیماری رماتیسم می گردد، و عقل و تمام بهره های اعضا و جوارحش را که به وسیله آن با مولای علام الغیوب خویش معامله می نمود، از دستش می رود، و گویی وقتی که می خوابد اختیار افراد تحت تکفل و اموال و حوایج و امور ضروری او از دست او خارج می شود، و نمی داند که بر آنها چه خواهد گذشت، و نیرویی برای نگهداری نفس خویش و حفظ امور مهمی که بدان اشاره نمودیم باقی نمی ماند. و اگر آنها را به وسیله قفل و پاسبان هم مصون سازد، وقتی خوابید ممکن است در هر حال خلاف آنچه را که اراده نموده، واقع شود. بنابراین، هنگامی که می خوابی، گویی که به مصیبه های هولناکی مبتلا، و در گرفتاریهای فراموش کننده واقع شده ای، و جز خداوند - جلّ جلاله و تقدّس کماله - نمی تواند با بیدار نمودن و عافیت بخشیدن به اعضا و جوارح و کمال زندگانی و برگرداندن نیروی گوش و چشم و زبان و عقل و تمام [یا: سایر] مقاصد را که به واسطه خوابیدن، پراکنده و پریشان گشته، امور پراکنده تو را جمع سازد. از این رو، به پیشگاه خدا توبه نما، توبه ای که از هر کوتاهی که پیش از خوابیدن داشتی، خالص و پاکیزه باشد. و اگر به خاطر قَلت معرفت به مولایت که تو را می بیند، نفس و عقل و قلبت در توبه حقیقی با تو موافقت نمودند، از رحمت و بخشش خدا طلب عفو و گذشت بنما، که او - جلّ جلاله - که خداوند گار بردبار و مهربان و شفیق است، بر اساس نیکیها و بخششهایی که به بندگان خود دارد، زبینه آن است که بر تو نیز تفضّل نماید. و اگر بسان شیوه جنایتکاران و گناهکاران در نزد بزرگترین مالکان که سیطره و چیره گی دارد، طلب عفو و گذشت ننمودی، پس حداقل مانند تسلیم شدن و سرسپردگی شخص بیچاره و نیازمند و ذلیل خود را تسلیم خدا نموده، و دین و نفس و مال و افراد تحت تکفل و آرزوهای خویش و هر چیزی را که بدان نیازمندی، در تحت نگاهداری آن خداوند مهربان و بردبار و بزرگواری که در پیشگاهش بسیار گستاخی و سوء ادب نموده ای، در آورده و تسلیم اوساز. و در باطن توجّه داشته باش که تمام آنچه را که خداوند به تو بخشیده و تو در نزد او به ودیعه گذاری، در حقیقت ملک اوست، و تو در نزد او به عاریت و ودیعه گذارده ای؛ بنابراین حتّی در ذهن و خاطر و یا در دل خویش با مالکیت او مخالفت منما، تا مبادا خود را شریک خداوند شمرده، و به هلاکت مبتلا گشته و خشنودی او از دست برود. بی گمان اگر این سفارش مرا بپذیری و توبه یا طلب عفو نموده، و یا چنانکه گفتیم خود را تسلیم خداوند نمایی، و به شرحی که ذکر کردیم، همه چیز خود را در نزد او به ودیعه گذاری، خداوند حافظ و نگاهبان تو بوده، و از تو حمایت نموده و پناه خواهد داد، و هیچ فساد و تباهی در هیچ امری در کم و زیاد و کوچک و بزرگ، بر تو وارد نخواهد شد. در بعضی از اخبار دیدم که مردی می گوید: عقبی نیابی را دیدم که بر پشت لاک پشته سوار شده و لاک پشت آن را از یک سوی رود نیل به سوی دیگر که من در آنجا بودم، می گذارند، وقتی آن را به کنار آب رسانید، عقب بر زمین فرود آمد، و من دنبال آن روانه شدم، و با خود گفتم که این عقب جریانی دارد، تا اینکه به پایین تنه درختی رسید و از آن بالا رفت و بر روی شاخه ای رفت که ماری بر روی آن آویزان بود و جوانی در زیر آن خوابیده بود، عقب دُم مار را گزید، به گونه ای که مار مرده به زمین افتاد. این امر در نظر من بسیار بزرگ آمد، به سوی آن جوان آمدم و بیدارش نمودم و گفتم: به این مار که خداوند تو را از آن سالم نگاه داشت نگاه کن، و این ابیات را برای او خواندم: یا نائماً وَالْجَلِيلُ يَحْرُسُهُ مِمَّا [يَلَاقِي] فِي حَنْدِسِ الظَّلَمِ كَيْفَ تَنَامُ الْعُيُونُ عَنْ مَلِكِكَ تَأْتِيكَ مِنْهُ فَوَآتِدُ النَّعْمَ؟ - ای به خواب رفته ای که خداوند بزرگ، تو را از اموری که در تاریکیهای بسیار شدید برای تو پیش می آید، پاس می دارد. چگونه چشمهایت از توجّه به پادشاهی که بهره های نعمتها از سوی او به تو می آید، به خواب می رود؟ و نیز در کتاب اَلْاِحْمَر تاء لَيف احمد بن حسن اهوازی آمده که: از بعضی از غلامان [و پسران نوجوان خدمتکار] برخی از که کسرایان شنیدم که گفت: هرگز کسری نخوایید مگر اینکه پیش از خوابیدن برای خداوند - عزّوجلّ - سجده نمود، و از او خواست که بعد از مرگش او را زنده بدارد. و مقصودش از مرگ، خوابیدن، و از زندگانی،

بیداری بود. اینک می گویم: اگر پادشاهی که به جای اشتغال به خداوند به غیر او مشغول شده و به او - جلّ جلاله - معرفت و آگاهی نداشت مانند تو معرفت و شناخت داشت، مسلماً بهتر از تو با خداوند معامله می نمود، پس عذر تو در غفلت از مالک دنیا و آخرت چیست؟ ناگفته نماند که اگر فرضاً بعد از عمل به آنچه که پیشتر ذکر نمودیم، در حال خواب ضرری متوجه تو شد، و برخی از چیزهایی را که تحت تصرف توست از دست رفت، شاید این برای آن باشد که خداوند - جلّ جلاله - می خواهد با این کار نشانه های خود را در برگرداندن آن به تو نشان دهد، چنانکه نسبت به کسانی که بر مالک روز جزا توکل نموده اند، چنین شده و خداوند آیات خود را نشان داده، نقل شده است که: عرب بیابان نشینی به در مسجد الحرام آمد و شتر خود را رها نمود گفت: خداوندا، این شتر و بار آن را در حفظ و نگاهداری تو درآورده، و در نزد تو به ودیعه می گذارم. و وارد مسجد الحرام شد، و طواف نمود و بیرون آمد و شتر را پیدا نکرد، و ایستاد و گفت: پروردگارا، چیزی از مال من دزدیده نشده، بلکه مال تو دزدیده شده است، زیرا اگر اعتماد نداشتم که تو شتر و بارش را حفظ می کنی، آن را رها نمی کردم. و امثال این سخنان را تکرار می کرد. و مردم از سخن گفتن او با خداوند - عزّوجلّ - تعجب می کردند، تا اینکه ناگهان مردی - که با یک دست افسار شتر را گرفته و دست دیگرش بریده بود - پیش آمد، و به عرب بیابان نشین گفت: شتر را بگیر، که من از آن خیر ندیدم. گفت: جریان تو چگونه بود؟ گفت: با آن به پشت کوه رفتم و پنهان شدم، ولی ناگهان سواری که نمی دانم از کجا رسید، فرود آمد و مرا پریشان نمود و از جایم بلند کرد و دستم را قطع نمود و دستور داد که شتر را بازگردانم. من نیز به یاد ندارم که هیچگاه چیزی را به خداوند - جلّ جلاله - سپرده باشم و آن چیز گم شده باشد. و اگر هم به خاطر ارتکاب گناهی گم شده، هنگامی که از رحمت حضرتش اعاده سپرده ام را خواسته ام، آن را به من بازگردانده و محجوب و محروم نساخته [یا: شرمسارم ننموده]، و بر طبق گناهی که باعث گم شدن آن از پناهگاه نگاهداری اش شده، با من معامله ننموده است. در سال ۶۲۷ هجری قمری راهی حجّ شدم، و تمام آنچه را که همراهم بود به حفظ و پاسداریِ مراحم الهی سپردم، ولی تازیانه ای که از چوب بادام تلّخ همراهم بود و به کجاوه بسته شده بود هنگام سیر شبانه به زمین افتاد، هنگامی که روز روشن شد و فرود آمدم دیدم که تازیانه گم شده است، به دوست همراهم - که مردی علوی بود و علی بن زکّی رحمه الله نام داشت - گفتم: تازیانه من گم شده، در جستجوی آن باش. وی از گفته من تعجب کرد و گفت: تازیانه ای را که دیشب در راهپیمایی سریع حاجیان افتاده جستجو کنم؟ گفتم: بله، زیرا من هرچه را که همراهم بود به خداوند - جلّ جلاله - سپرده ام، و او - جلّ جلاله - از آنها نگاهداری می کند. وی گفته مرا نپذیرفت و آفتابه ای برداشت و رفت تا به دور از دید حاجیان به دستشویی برود، ولی در حالی که تازیانه در دستش بود آمد. گفتم: چگونه آن را پیدا کردی؟ گفت: دیدم که بر روی کوزه مردی آویزان است، گفتم این تازیانه از آن فلانی است و دیشب در راهپیمایی شبانه افتاده است. گفت: بله، ما آن را شب یافتیم و برداشتیم، بگیر و برای او ببر. و اگر امثال این امور را که برایم اتفاق افتاده ذکر کنم، خسته و ملول می گردی.

آداب و اعمال پیش از خواب

الف - آداب وقت در قرار گرفتن در رختخواب

۱ - وقتی به صورتی که گفتیم عمل نموده و به کیفیتی که توضیح دادیم همه وسایلی و امور مربوط به خویش را نزد خدا به ویعه گذاشتی، مانند وضوی نماز، طهارت نموده و سپس برخیز به سوی رختخواب یا هر جا که می خواهی بخوابی. ۲ - هنگام قرار گرفتن در رختخواب بگو آنچه را که نقل شده امام صادق (ع) فرمود: هنگامی که در رختخوابت جای گرفتی می گویی: **اَعُوْذُ بِعِزَّةِ اللَّهِ، وَ اَعُوْذُ بِقُدْرَةِ اللَّهِ، وَ اَعُوْذُ بِكَمَالِ اللَّهِ، وَ اَعُوْذُ بِسُلْطَانِ اللَّهِ، وَ اَعُوْذُ بِحَبْرُوتِ اللَّهِ، وَ اَعُوْذُ بِمَلَكُوتِ اللَّهِ، وَ اَعُوْذُ**

بِدْفَعِ اللَّهِ ، وَاعُوذُ بِجَمْعِ اللَّهِ ، وَاعُوذُ بِمُلْكِ اللَّهِ ، وَاعُوذُ بِرَحْمَةِ اللَّهِ ، وَاعُوذُ بِرَسُولِ اللَّهِ (ص) - مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ وَذَرَأَ وَبَرَأَ ، وَمِنْ شَرِّ الْهَامَةِ (۲۸۶) وَالسَّامَةِ ، وَمِنْ شَرِّ فَسَقَةِ الْجَنِّ وَالْإِنْسِ ، وَمِنْ شَرِّ فَسَقَةِ الْعَرَبِ وَالْعَجَمِ ، وَمِنْ شَرِّ كُلِّ دَابَّةٍ فِي اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ ، اءَنْتَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا ، إِنَّ رَبِّي عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ . - پناه می برم به عزّت و سربلندی خداوند ، و پناه می برم به قدرت الهی ، و پناه می برم به کمال خدا ، و پناه می برم به تسلّط و چیرگی خداوند ، و پناه می برم به سرکشی و عظمت خداوند ، و پناه می برم به فرمانروایی و چیرگی بزرگ الهی ، پناه می برم به دفع و جلوگیری خدا ، و پناه می برم به جمع و گردآوردن خدا ، و پناه می برم به سلطنت [ویا : مالکیت] خداوند ، و پناه می برم به رحمت خدا ، و پناه می برم به رسول خدا(ص) - از شرّ تمام آنچه خداوند خلق فرموده و پدید آورده و به وجود آورده ، و از گرند حشرات غیر سمّی و سمّی و از آسیب گناهکاران جنّ و انس ، و از شرّ گناهکاران عَرَب و عَجَم ، و از شرّ هر جنبنده در شب و روز که [موی] پیشانی [و تمام اختیار] آن به دست دوست ، براستی که پروردگار من بر راه راست استوار است . و در ادامه دعا هر کس را که خواستی به پناه خداوند در آور . ۳ - در روایت آمده که رسول خدا(ص) پیوسته در جنگ و یا مسافرت هنگام فرا رسیدن شب می فرمود : يَا اَرْضُ ، رَبِّي وَرَبُّكَ اللَّهُ ، اَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ شَرِّكَ وَشَرِّ مَا فِيكَ ، وَشَرِّ مَا خُلِقَ فِيكَ ، وَشَرِّ مَا دَبَّ عَلَيْكَ ، اَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ شَرِّ كُلِّ اَسَيْدٍ وَاَسُوْدٍ ، وَحَيَّةٍ وَعَقْرَبٍ ، وَمِنْ سَاكِنِ الْبَلَدِ ، وَمِنْ شَرِّ وَالِدٍ وَاَوْلَدٍ - ای زمین ، پروردگار من و تو خداست . به خدا پناه می برم از شرّ تو و شرّ هرچه در توست ، و شرّ هرچه در تو خلق شده ، و شرّ هر چه بر روی تو می جنبد ، به خدا پناه می برم از شرّ هر شیر و مار بزرگ و مار و عقرب و از ساکنان آبادیها و از شرّ انسانهایی که زاده و زاییده شده اند . ۴ - همچنین از جمله اعمال بنده در هنگام قرار گرفتن در رختخواب باید این باشد که در روایت آمده که امام صادق (ع) فرمود : هر کس هنگامی که در رختخواب قرار می گیرد یازده بار قُلْ هُوَ اللَّهُ اَعَدَّ بَخَوَانِد ، گناهش آمرزیده شده ، و شفاعت او درباره همایشگانش پذیرفته می شود ، و اگر صد بار قرائت کند ، گناهان پنجاه سال آینده او آمرزیده می گردد . ۵ - و نیز هنگامی که در رختخواب رفتی بگو آنچه را که در روایت آمده که امام صادق (ع) فرمود : هر کس هنگام جای گرفتن در رختخوابش بگوید : اِئْتِي اَشْهَدُكَ اَنَّكَ افْتَرَضْتَ عَلَيَّ طَاعَتَهُ عَلَيَّ بِنِ ابِي طَالِبٍ وَ الْاِيْمَةُ مِنْ وُلْدِهِ . - خداوندا ، تو را گواه می گیرم که طاعت و پیروی از حضرت علی بن ابی طالب و امامان و فرزندان او [علیهم السلام] را بر من واجب فرمودی . و همه ائمه [علیهم السلام] تا امام عصر خویش را یکایک نام ببرد ، و بعد در همان شب جان بسپارد ، وارد بهشت می گردد .

ب - اعمال و آداب بعد از دراز کشیدن در رختخواب

۱ - وقتی در هنگام نشستن در رختخواب و جایگاه خوابیدن خود اموری را که یادآور شدیم ، گفتی ، توجّه داشته باش که تو بنده مملوک ناچیزی هستی که می خواهی بخوابی و پاهایت را دراز کنی ، و در حرکات و سکناات خویش در پیشگاه خداوندی که مالک عظیم و بزرگ است احساس راحتی کنی ، پس در گفتار و کردار مؤدّب باش . زیرا به هرچه بیشتر مؤدّب باشی و اظهار خاکساری نمایی مولایت اهلیت آن را دارد ، و مقام تو کوچکتر و پست تر از آن است ، و نیز با حالت تسلیم و واگذاری و توکل [به خداوند و با هر حالت دیگر که در این مقام شایسته است ، بر سمت راست بدن خویش دراز بکش . ۲ - بگو آنچه را که در روایت آمده امام صادق (ع) فرمود : هرگاه در رختخواب خویش قرار گرفتی ، بر سمت راست بدن خویش دراز بکش و بگو : بِسْمِ اللَّهِ ، وَ بِاللَّهِ ، وَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ، وَ عَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ (ص) . اِئْتِي اَسْلَمْتُ نَفْسِي اِلَيْكَ ، وَ وَجَّهْتُ وَجْهِي اِلَيْكَ ، وَ فَوَضْتُ اَمْرِي اِلَيْكَ ، وَ اَلْجِئْتُ ظَهْرِي اِلَيْكَ ، رَغْبَةً وَ رَهْبَةً اِلَيْكَ ، لَا مَلْجَأَ وَلَا مَنَاجَا مِنْكَ اِلَّا اِلَيْكَ ، [وَ اَسْلَمْتُ نَفْسِي اِلَيْكَ] . اِئْتِي اَسْلَمْتُ بِكُلِّ كِتَابٍ اَنْزَلْتَهُ وَ بِكُلِّ رَسُولٍ اَرْسَلْتَهُ . - به نام خدا ، و به [وسیله] خدا ، و در راه خدا ، و بر آیین رسول خدا(ص) . خداوندا ، همانا من خویشتن را تسلیم تو نمودم ، و روی [و تمام وجود]م را به سوی تو متوجّه ساختم ، و امورم را به تو واگذار ،

www.noorfatemah.org

زنده می گرداند، و هم او بر هر چیز تواناست. مانند روزی که از مادرش زاده شده، از گناهان بیرون می آید. توجهات و حالات و اعمال مؤلف (۲۸۹) در هنگام خوابیدن اینک می گویم: اگر خواستی، مانند برخی از بندگان خدا که می شناسم باش، که با اجازه خداوند و رعایت ادب با او می خوابد، و با توجه به خدا روبه سوی قبله قرار می گیرد، و مانند زنان فرزند مرده که دست بر گونه می گذارند، دستش را زیر سرش می گذارد، به خاطر اینکه بسیاری از اموری را که که او را به خدا نزدیک می کند، از دست داده و در عزای آنها نشسته است. و نیتش از این خوابیدن آن است که بدین وسیله در حال بیداری بر طاعت و عبادت خداوند جلّ جلاله و بر بندگی و خاکساری برای خدا که در حال بیداری از او خواسته شده، نیرو بگیرد، و گویی که کوه گناهان قلبی اش بر بالای سر او برده شده تا از دست خشم خدا بر سر او بیافتد، چنانکه برای بنی اسرائیل رخ داد، آنجا که خداوند - جلّ جلاله - می فرماید: **وَإِذْ تَقْنَا الْجَبَلَ فَوْقَهُمْ، كَأَنَّهُ ظُلَّةٌ**. (۲۹۰) - و [به یاد آر] آن هنگام را که کوه را برکنده و مانند ابر هولناکی بر بالای سرشان نگاه داشتیم. و چنانکه بنی اسرائیل از بیم فرو افتادن کوه بر زندگانی فانی و ناپایداریشان خاکساری نموده و تسلیم شدند، صاحب کوه گناهان نیز بیم آن را دارد که کوه گناهان بر سرش فرو بیافتد و تمام زندگانی و سعادت مندی حیات فانی و باقی اش را نابود سازد. و آن بنده هنگامی که دست راست خویش را بر زیر سرش گذاشت اعمال زیر را به ترتیب انجام می دهد: ۱ - قرائت سوره حمد سه مرتبه. ۲ - قرائت سوره قلّ **هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ يَزِدُّهُ بَار**. ۳ - قرائت سوره **إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ** یازده مرتبه. ۴ - قرائت سوره **اَلْهَيْكُمُ التَّكْوِيْنُ** یک بار. ۵ - قرائت سوره قلّ یا **اَيُّهَا الْكَافِرُوْنَ** سه بار. ۶ - قرائت سوره قلّ **اَعُوْذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ** سه بار. ۷ - قرائت سوره قلّ **اَعُوْذُ بِرَبِّ النَّاسِ** سه بار. ۸ - خواندن آیه **اَلْكَرْسَى** یک مرتبه. ۹ - خواندن آیه **شَهِدَ اللَّهُ اَنَّه لَا اِلَهَ اِلَّا هُوَ** تا آخر. (۲۹۱) ۱۰ - قرائت آیه **لَوْ اَنْزَلْنَاهُ [هَذَا الْقُرْآنَ]**... تا آخر سوره حشر. ۱۱ - قرائت آیه **اِنَّ اللَّهَ يُمْسِكُ السَّمَوَاتِ وَالْاَرْضَ اَنْ تَزُولَا، وَلَئِنْ زَالَتَا اِنْ اَمْسَكَهُمَا مِنْ اَحَدٍ مِنْ بَعْدِهِ، اِنَّه كَانَ خَلِيْمًا غَفُوْرًا** (۲۹۲) ۱۲ - قرائت آیات **سَخَرَهُ**. (۲۹۳) ۱۳ - قرائت آیه **اَمِنْ الرَّسُوْلُ** تا آخر سوره بقره. ۱۴ - قرائت اواخر سوره کهف یعنی آیه: **قُلْ اِنَّمَا اَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ [يُوحى اِلَى]** تا آخر سوره. ۱۵ - سپس می گوید: **اَللّٰهُمَّ، لَا تُؤْمِنِيْ مَكْرَكَ، وَلَا تُنْسِنِيْ ذِكْرَكَ، وَلَا تَوَلَّ عَنِّيْ وَجْهَكَ، وَلَا تَهْتِكْ عَنِّيْ سِتْرَكَ، وَلَا تُؤْخِذْنِيْ عَلٰى تَمَرْدِيْ، وَلَا تَجْعَلْنِيْ مِنَ الْغَافِلِيْنَ، وَ اَعِظْنِيْ مِنْ رَفْدَتِيْ، وَ سَهِّلِ الْقِيَامَ فِيْ هَذِهِ اللَّيْلَةِ فِيْ اَحَبِّ الْاَوْقَاتِ اِلَيْكَ، وَ اَرْزُقْنِيْ فِيْهَا ذِكْرَكَ وَ الصَّلَاةَ وَ الدُّعَاءَ وَ الشُّكْرَ [يا: الشُّكْرُ وَ الدُّعَاءُ] حَتّٰى اِشَاءَ لَكَ فَتُعْطِيْنِيْ، وَ اَدْعُوْكَ فَتَسْتَجِيْبَ لِيْ، وَ اَسْـَٔتَغْفِرَكَ فَتَغْفِرَ لِيْ، اِنَّكَ اَنْتَ الْغَفُوْرُ الرَّحِيْمُ**. - خداوندا، مرا از مکر و فریبت ایمن مگردان، و یادت را از یادم مبر، و روی [و اسماء و صفات] ات را از من برمگردان، و پرده [ستاریت] را درباره [گناهان] من مذر، و به واسطه سرکشی ام مگیر، و از غافلان قرار مده، و از خواب [غفتم] بیدار فرما، و برخاستن [برای عبادت] در این شب را در محبوبترین اوقات در نزد خود برای من آسان فرما، و در آن یادت و نماز و دعا و سپاسگزاری [یا: سپاسگزاری و دعا] را روزی ام گردان، تا اینکه از تو درخواست نمایم و عطایم فرمایی، و بخوانمت تا اجابت نمایی، و طلب آمرزش کنم تا بیامرزی، برآستی که تویی بسیار آمرزنده مهربان. ۱۶ - بعد برای ترس از محتلم شدن می گوید: **اَللّٰهُمَّ، اِنِّىْ اَعُوْذُ بِكَ مِنَ الْاِخْتِلَامِ، وَ مِنَ [شَرِّ الْاَحْلَامِ]**، **وَ اَنْ يَلْعَبَ بِي الشَّيْطَانُ فِي الْيَقْظَةِ وَ الْمَنَامِ**. - خداوندا، به تو پناه می برم از محتلم شدن [و دیدن خواب شیطانی] و [از رؤیاهای بد]، و اینکه شیطان در بیداری و خواب با من بازی کند. ۱۷ - سپس برای همین منظور آیه قلّ **مَنْ يَكْلُوْكُمْ بِاللَّيْلِ وَ النَّهَارِ مِنَ الرَّحْمَنِ** (۲۹۴) را تا آخر قرائت می کند. ۱۸ - و بعد آخر سوره بنی اسرائیل یعنی آیات ذیل را تلاوت می کند: **قُلْ: اَدْعُوْا لِلّٰهِ، اَوْ اَدْعُوا الرَّحْمَنَ، اَيَّآ مَا تَدْعُوْا فَلَهُ الْاَسْمَاءُ الْحُسْنٰى، وَ لَا تَجْهَرُ بِصَوْتِكَ، وَ لَا تُخَافُتْ بِهَا، وَ ابْتَغْ بَيْنَ ذَلِكَ سَبِيْلًا، وَ قُلْ: الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِى لَمْ يَتَّخِذْ صَاحِبَةً وَ لَا وَلَدًا، وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيْكٌ فِي الْمُلْكِ، وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِىٌّ مِنَ الدُّلّٰى، وَ كَبْرُهُ تَكْبِيْرًا**. (۲۹۵) - بگو: خدا را بخوانید یا رحمان را بخوانید، هر کدام را بخوانید، نامها [و کمالات] نیکوتر تنها برای اوست، و نمازت را نه بلند بخوان و نه آهسته، و راهی میان این دو را بجوی، و بگو: ستایش خداوندی را که هیچ کس را به زنی و فرزندی نگرفت، و هیچ شریکی در سلطنت و فرمانروایی ندارد، و هیچ سرپرستی از

روی ذلت و خواری برای او نیست ، و او را به گونه ویژه ای بزرگتر بدان . ۱۹ - سپس تسبیح حضرت زهرا (علیها السلام) را می گوید ، و این آخرین چیزی است که وی هنگام خوابیدن می گوید .

فضیلت و آثار و فوائد اعمال وقت خواب

فضیلت و آثار و فوائد اعمال وقت خواب

در فضیلت هر کدام از اینها که آن بنده خدا بدان عمل نموده و بر اساس هدایت خداوند - جلّ جلاله - مرتّب نموده روایت نیز وارد شده ، و برای هرچه قرائت نموده فواید و آثار عظیمی است که با ذکر و به شماردر آوردن آنها کتاب مبسوط می شود . [لذا به ذکر برخی از آن روایات بسنده می کنیم]:

فضیلت تسبیح حضرت زهرا (علیها السلام)

۱ - درباره عملی که آن بنده در پایان اعمال در هنگام خوابیدن انجام می دهد ، یعنی تسبیح حضرت زهرا ، فاطمه - علیها ائّافضلّ السلام - روایت شده که امام صادق (ع) فرمود : وقتی به رختخواب می روید ، یک فرشته بزرگوار و یک شیطان ناپاک و سرکش و شروری باشتاب به سویتان می آیند ، فرشته می گوید : روز خویش را با عمل خیر ختم کن ، و شب خود را با عمل خوب آغاز نما ، و شیطان می گوید : روز خود را با گناه ختم کن ، و شب خود را با گناه آغاز کن . و افزود : اگر شخص از فرشته بزرگوار اطاعت کند و روز خود را با یاد خدا به پایان برد و وقتی وارد جایی که می خواهد بخوابد شد ، شب خود را با یاد خدا آغاز نماید و سی و چهار بار تکبیر و سی و سه بار تسبیح و سی و سه بار حمد بگوید ، فرشته ، شیطان را از او دور می راند ، و شیطان دور می شود ، و تا هنگام بیدار شدن از خواب آن فرشته از او نگاهداری می کند . و وقتی بیدار شد ، شیطان با شتاب به پیش آمده و مشابه سخنی را که پیش از به خواب رفتن به وی گفت می گوید ، و فرشته نیز مانند همان سخنی که پیش از خوابیدن به وی گفت می گوید ، اگر بنده به همان صورتی که نخست خدا را یاد کرد ، خداوند - عزّوجلّ - را یاد کند ، فرشته ، شیطان را از او دور می راند ، و شیطان بدور می رود ، و خداوند - عزّوجلّ - در برابر این عمل ، عبادت یک شب را برای او می نویسد . همچنین در از حضرت علی بن محمّد بن علی بن موسی الرضا ، امام هادی (علیهم السلام) درباره آنچه که اهل بیت (علیهم السلام) هنگام خوابیدن انجام می دهند . آمده ما اهل بیت در هنگام خوابیدن ده کار را پیوسته انجام می دهیم : طهارت ، و گذاشتن دست راست زیر سر ، و سی و سه بار تسبیح خدا ، و سی و سه بار حمد ، و سی و چهار بار تکبیر گفتن ، و رو به سوی قبله می خوانیم ، و فاتحه الکتاب ، و آیه الكرسی ، و آیه شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ تا آخرش را قرائت می کنیم . و هر کس این کارها را انجام دهد ، حظّ و بهره آن شب را برگرفته است . حدیث فوق به همین صورت به دست ما آمده که راوی ابتدا ده خصلت را ذکر نموده ، ولی در تفصیل نه خصلت را برشمرده است . گویا یا در اجمال و یا تفصیل سهو نموده است . و ظاهراً اشتباه در تفصیل است ، زیرا اعمال ائمه (علیهم السلام) در وقت خوابیدن همان گونه که روایت نمودیم ، بیشتر از نه خصلت است ، و شاید سهو کرده و قرائت سوره قلّ هُوَ اللَّهُ اَعَزّ و اِنَّا اَعَزُّنَا را ذکر نموده است . اینک فضیلت برخی از اموری که پیش از این به صورت مختصر ذکر نمودیم ، به تفصیل یادآور می شویم

فضیلت قرائت سوره اِنَّا اَعَزُّنَا

فضیلت یازده صد بار قرائت کردن سوره قلّ هُوَ اللَّهُ اَعَزّ به صورتی که روایت نمودیم گذشت ، امّا درباره فضیلت یازده بار

خواندن سوره إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ أَبُو بصیر می گوید : از امام صادق (ع) شنیدم که می فرمود : هر کس هنگام خوابیدن یازده بار سوره إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ را قرائت کند ، خداوند یازده فرشته را بر او می گمارد تا او را از تمام شیطانهای راند شده تا صبح حفظ کنند .

فضیلت قرائت سوره اَلْهُكُمُ التَّكَاثُرُ

در روایت آمده که امام صادق (ع) فرمود رسول خدا (ص) فرمودند : هر کس هنگام خوابیدن سوره اَلْهُكُمُ التَّكَاثُرُ را بخواند ، از شر عذاب قبر محفوظ می ماند .

فضیلت قرائت آیه إِنَّ اللَّهَ يُمَسِّكُ...

روایت شده که حضرت ابی الحسن رضا به نقل از پدر بزرگوارش (علیهما السلام) فرمود : هر کس هنگام خوابیدن آیه إِنَّ اللَّهَ يُمَسِّكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ أَنْ تَزُولَا ، وَلَئِنْ زَالَتْما إِنَّ أَرْسَالَ كُهُمَا مِنْ أَجْدٍ مِنْ بَعْدِهِ ، إِنَّهُ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا . (۲۹۶) : (براستی که خداوند آسمانها و زمین را از اینکه از بین بروند نگاه می دارد ، و اگر از بین بروند هیچ کس جز او نمی تواند آن دو را نگاه دارد ، براستی که او بردبار و بسیار آمرزنده است .) را قرائت کند ، هرگز سقف خانه بر روی او فرو نمی ریزد .

فضیلت قرائت آیه الكرسي و معوذتین

ولید بن صبیح می گوید شهاب بن عبدربه به من گفت : سلام مرا به امام صادق (ع) برسان ، و به حضرتش عرض کن که در خواب مبتلا به ترس و هراس می شوم . وی می گوید : گفتار او را به حضرت عرض کردم . فرمود : به او بگو وقتی وارد رختخواب شد ، حتماً معوذتین و آیه الكرسي را بخوان . و آیه الكرسي افضل است . و نیز در روایت دیگر درباره کسی که در خواب گرفتار ترس می شود ، آمده است که امام صادق (ع) فرمود : هر کس که مبتلا به ترس [در خواب] باشد ، هنگام خوابیدن ده بار بگوید : لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ ، يُحْيِي وَيُمِيتُ ، وَيُحْيِي وَيُمِيتُ ، وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ - معبودی جز خداوند نیست که یگانه است و شریکی ندارد ، زنده می کند و می میراند ، و می میراند و زنده می گرداند ، و او زنده ای است که نمی میرد . و تسبیح حضرت زهرا (علیها السلام) را بگوید ، خوف و هراسش برطرف می شود .

فضیلت قرائت آخر سوره بنی اسرائیل و كهف

در روایت آمده که پیامبر اکرم (ص) فرمود : [قرائت آیات ذیل] برای اُمت من ، سبب ایمنی از دزدیده شدن است : قُلْ : اذْعُوا اللَّهَ ، اءَوْ اذْعُوا الرَّحْمَنَ ، اءَيَّامًا تَدْعُوا فَلَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى ، وَلَا تَجْهَرُ بِصَلَاتِكَ ، وَلَا تُخَافُ بِهَا ، وَابْتَغِ بَيْنَ ذَلِكَ سَبِيلًا ، وَقُلْ : اءَلْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ صَاحِبَةً وَلَا وَلَدًا وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ ، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذُّلِّ ، وَكَبْرُهُ تَكْبِيرًا . (۲۹۷) - بگو : خدا را بخوانید یا رحمان را بخوانید ، هر کدام را بخوانید ، نامها [و کمالات] نیکوتر تنها برای اوست ، و نماز را نه بلند بخوان و نه آهسته ، و راهی میان این دو را بجوی ، و بگو : ستایش خداوندی را که هیچ کس را به زنی و فرزندی نگرفت ، و هیچ شریکی در سلطنت و فرمانروایی ندارد ، و هیچ سرپرستی از روی ذلت و خواری برای او نیست ، و او را به گونه ویژه ای بزرگتر بدان . و هر کس هنگام خوابیدن این آیه را بخواند : قُلْ : اِنَّمَا اَنَا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ يُوحَى إِلَيَّ اَنْمَّا إِلَهُكُمْ إِلَهٌ وَاحِدٌ ، فَمَنْ كَانَ يَرْجُو لِقَاءَ رَبِّهِ ، فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا ، وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ اَعَدًا . (۲۹۸) - بگو : من تنها بشری همانند شما هستم ، [ولی] به من وحی می شود که بی گمان معبودتان معبود یگانه است ، پس هر کس به ملاقات با پروردگارش امید دارد ، باید عمل شایسته انجام دهد ، و هیچ کس را در عبادت پروردگارش شریک نکند . نوری برای او بالا رفته و تا مسجد الحرام گسترده می شود ، در حالی که در باطن آن نور

فرشتگانی هستند که تا صبح برای او استغفار می کنند .

توس از ایمنی از احتلام

در روایت آمده که امام صادق (ع) به نقل از پدر بزرگوارش (ع) از حضرت علی - صلوات الله علیه - فرمود : هر کس از محتلم شدن بیم داشته باشد بگوید : اِئْتِيْ اَعُوْذُ بِكَ مِنَ الْاِحْتِلَامِ ، وَ مِنْ شَرِّ الْاَحْلَامِ ، وَ اَنْ يَلْعَبَ بِي الشَّيْطَانُ فِي الْيَقْظَةِ وَالْمَنَامِ . (۲۹۹) - خداوندا ، همانا به تو پناه می برم از جنب شدن در خواب ، و از شر خوابها ، و اینکه شیطان در بیدار و خواب مرا به بازی بگیرد .

ایمنی از دزد

روایت شده که امیرالمؤمنین (ع) فرمود : سوگند به خدایی که حضرت محمد (ص) را به حق برانگیخت و اهل بیت (علیهم السلام) او را گرامی داشت ، هر چیز که در جستجوی آن هستید - مانند : محفوظ ماندن و سوختن و غرق شدن و در گلو ماندن چیزی و به سرقت رفتن یا تلف شدن چهار پا از صاحبش ، یا گم شدن چیزی مانند گریختن برده [یا : گم شدن چیزی از دم دست و کنار انسان] - در کتاب خداوند متعال وجود دارد . پس هر کس بخواهد که از آن آگاه شود ، درباره آن از من پرسد ، مردی برخاست و عرض کرد : ای امیرالمؤمنین ، مرا از به سرقت رفتن خبر ده ، پی در پی شبانه اشیایی از من به سرقت می رود . حضرت فرمود : وقتی در رختخواب جای گرفتی ، بخوان : قُلْ : اَدْعُوا اللَّهَ ، اَوِ ادْعُوا الرَّحْمَنَ [اَيُّمَا تَدْعُوا فَلَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى ، وَلَا تَجْهَرُ بِصَلَاتِكَ ، وَلَا تُخَافُتْ بِهَا ، وَابْتَغِ بَيْنَ ذَلِكَ سَبِيلًا ، وَقُلْ : الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ صَاحِبَةً وَلَا وَلَدًا ، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ ، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذَّلِّ ، وَكَبْرُهُ تَكْبِيرًا . (۳۰۰) - بگو : خدا را بخوانید یا رحمان را بخوانید ، هر کدام را بخوانید ، نامها [و کمالات] نیکوتر تنها برای اوست ، و نمازت را نه بلند بخوان و نه آهسته ، و راهی میان این دو را بجوی ، و بگو : ستایش خداوندی را که هیچ کس را به زنی و فرزندی نگرفت ، و هیچ شریکی در سلطنت و فرمانروایی ندارد ، و هیچ سرپرستی از روی ذلت و خواری برای او نیست ، و او را به گونه ویژه ای بزرگتر بدان .

در امان ماندن از کشته شدن [یا : سرقت]

روایت شده که پیامبر اکرم (ص) فرمود : قرائت : قُلْ اَدْعُوا اللَّهَ ، اَوِ ادْعُوا الرَّحْمَنَ برای اَمّت من ، مایه ایمنی از شمشیر و کشته شدن [یا : به سرقت رفتن] است . و آیه شریفه را قرائت فرمود .

اعمال دیگر پیش از خواب

اعمالی جهت دفع بی خوابی

۱ - وقتی انسان خواست بخوابد ولی به خاطر ابتلا به بیماری و عدم تندرستی نتوانست بخوابد ، روایت شده که امام صادق (ع) فرمود : وقتی مبتلا به بی خوابی شدی ، بگو : سُبْحَانَ اللَّهِ ذِي الشَّأْنِ ، دَائِمِ السُّلْطَانِ ، عَظِيمِ الْبُرْهَانِ ، كُلَّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَأْنٍ . - پاک و منزّه است خداوند ارجمند [و یا : صاحب شائن] ، فرمانروای جاودانی ، صاحب دلیل و برهان بزرگ ، که هر روز و پیوسته به کاری مشغول است . ۲ - در روایت دیگر درباره رفع بی خوابی و زود به خواب رفتن آمده که : موسی بن اسماعیل بن موسی بن جعفر می گوید : پدرم به نقل از پدرش از علی - علیهم السلام - جمعین - به ما نقل کرد که : حضرت فاطمه (علیها السلام) از بی

خوابی به رسول خدا(ص) گله نمود. حضرت فرمود: دختر عزیزم، بگو: یا مُشْعَبُ الْبُطُونِ الْجَائِعَةِ، وَا كَاسِي الْجُسُومِ الْعَارِيَةِ، وَا يَا مُسَيِّكَنَّ الْعُرُوقِ الضَّارِيَةِ، وَا يَا مُنَوِّمَ الْعُيُونِ السَّاهِرَةِ، سَيَكُنْ عُرُوقِي الضَّارِيَةِ، وَا أَذُنُ لِعَيْنِي نَوْمًا عَاجِلًا. - ای سیر کننده شکمهای گرسنه، و ای پوشاننده تن های برهنه، و ای آرام کننده رگهای زنده، و ای به خواب برنده چشمهایی که به خواب نمی رود، رگهای زنده [بدن] مرا را آرام فرما، و زود به چشم اجازه خوابیدن بده. و حضرت فاطمه (علیها السلام) آن را گفت و بی خوابی را که از آن رنج می برد برطرف شد. ۳- در روایت دیگر پیرامون دفع بی خوابی و زود به خواب رفتن آمده که خالد بن ولید به بی خوابی مبتلا شد. رسول اکرم (ص) به او فرمود: آیا کلماتی به تو نیاموزم که وقتی گفתי به خواب بروی، عرض کرد: بله. فرمود بگو: اَءَلَلَّهُمَّ، رَبَّ السَّمَوَاتِ وَمَا أَعْلَلْتُ، وَرَبَّ الْأَرْضِينَ وَمَا أَعْلَلْتُ، وَرَبَّ الشَّيَاطِينِ وَمَا أَعْلَلْتُ، كُنْ حِزْزِي مِنْ خَلْقِكَ جَمِيعًا، اِنَّ يَفْزُطَ عَلَيَّ اَعْدَاؤُهُمْ اَوْ اَنْ يَطْغَى. عَزَّ جَارُكَ، وَلَا إِلَهَ غَيْرُكَ. - خداوندا، ای پروردگار آسمانها و هرچه که آنها بر آن سایه افکنداند، و پروردگار زمینها و هرچه آنها آن را حمل می کنند، و پروردگار شیطانها و آنچه که آنها گمراهش می کنند، تو خود پناهگاه و چشم آویز من باش از اینکه احدی از مخلوقات مرا بر کاری که [توان آن ندارم] وادار و یا بر من سرکشی نماید. همسایه تو سربلند است، و معبودی جز تو وجود ندارد. دعایی جهت در امان ماندن از گزند حیوانات سمی ۴- درباره آنچه که هنگام خوابیدن برای درخواست روزی و ایمنی از گزند حیوانات سمی گفته می شود، در روایت است که حضرت علی بن حسین (علیهما السلام) فرمود: هر کس وقت وارد شدن در رختخواب بگوید: اَءَلَلَّهُمَّ، اَءَنْتَ الْأَوَّلُ فَلَا شَيْءَ قَبْلَكَ، وَ اَءَنْتَ الظَّاهِرُ فَلَا شَيْءَ فَوْقَكَ، وَ اَءَنْتَ الْبَاطِنُ فَلَا شَيْءَ دُونَكَ، وَ اَءَنْتَ الْآخِرُ فَلَا شَيْءَ بَعْدَكَ، اَءَلَلَّهُمَّ، رَبَّ السَّمَوَاتِ السَّبْعِ وَ رَبَّ الْأَرْضِينَ السَّبْعِ وَ رَبَّ النَّوَارِ وَالْأَنْجِيلِ وَالزَّبُورِ وَالْفُرْقَانِ [یا: الْقُرْآنِ] الْحَكِيمِ، اَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ كُلِّ دَابَّةٍ اَءَنْتَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا، اِنَّكَ عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ. - خداوندا، تویی اولی که هیچ چیز پیش از تو نیست، و تویی آشکاری که هیچ چیز برتر و بالای تو نیست، و تویی باطنی که هیچ چیز پایین تر از تو [در اشیاء نفوذ نکرده] نیست، و تویی آخری که هیچ چیز بعد از تو نیست، خداوندا، ای پروردگار آسمانها و زمینهای هفتگانه، و پروردگار تورات و انجیل و زبور و فرقان [یا: قرآن] استوار، به تو پناه می برم از شر هر جنبه ای که [موی] پیشانی [و تمام اختیارش را] گرفته ای، براستی که تو بر راه راست استوار هستی. خداوند، فقر و ناداری را از او دور نموده، و از گزند و آسیب رساندن هر جانوری به او جلوگیری می نماید.

ذکر عملی جهت خواب دیدن رسول خدا(ص)

۵- وقتی خواستی رسول خدا(ص) را در خواب ببینی، [به این صورت عمل کن] که روایت شده امام صادق (ع) فرمود! هر کس خواست سرورمان رسول خدا(ص) را در خواب ببیند، نماز عشا را بخواند و غسل پاکیزه ای بنماید، و چهار رکعت با چهارصد بار آیه الكرسی (۳۰۱) بخواند، و بعد از نماز هزار بار بر محمد و آل محمد (علیه و علیهم السلام) صلوات بفرستد، و با جامه پاکیزه ای که در آن - نه با حرام و نه با حلال - آمیزش نموده باشد، شب را بسر برد، و دست راست خویش را زیر سمت راست صورت خود گذاشته و صد بار تسبیح شَبَّحَانَ اللَّهَ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ. (پاک و منزّه می دانم خدا، و ستایش مخصوص اوست، و معبودی جز خدا نیست، و خداوند بزرگتر است، و هیچ دگرگونی و نیرویی نیست جز به خدا.) و صد بار ماشَاءَ اللَّهُ: (هر چه خدا خواست همان می شود.) بگوید، مسلماً پیامبر اکرم (ص) را در خواب می بیند.

ذکر عملی جهت ابلاغ سلام به خدمت رسول اکرم (ص)

۶- هرگاه خواستی که عرض سلام تو به خدمت پیامبر اکرم (ص) برسد، به گونه ای که گویی به حضرتش سلام داده باشی، عملی را که از پیامبر اکرم (ص) روایت شده انجام بده، که فرمود: هر کس بعد از رفتن به رختخوابش سوره تَبَارَكَ الَّذِي بِيَدِهِ

الْمُلْكُ را بخواند و بعد چهار بار بگوید: اَءَلِّلَّهُمْ، رَبِّ الْجَلِّ وَالْخَرَامِ وَالْبَلَدِ الْحَرَامِ، بَلِّغْ رُوحَ مُحَمَّدٍ عَنِّي تَحِيَّهً وَسَلاماً. (خداوندا ، ای پروردگار [سرزمین] جَلِّ (۳۰۲) و حَرَم و شهر حرام ، از سوی من به روح حضرت محمد (ص) درود و سلام برسان .) خداوند دو فرشته را بر او می گمارد تا به خدمت حضرت محمد (ص) رسیده و به خدمتش عرض کنند: ای محمد ، فلانی پسر فلانی سلام و رحمت و برکات الهی را بر تو فرستاد .

دعای جهت خواب دیدن امیرالمؤمنین (ع)

۷- و وقتی خواستی مولا-یت امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب - صلوات الله علیه - را در خواب ببینی ، هنگام خوابیدن [یا : هنگام دراز کشیدن ، یا دراز کشیدن در رختخواب] بگو: اَءَلِّلَّهُمْ، اِنِّیْ اَءْشَاءُ لُحْكَ یَا مَنْ لَهُ لُطْفٌ خَفِیٌّ، وَاَءْیَادِیْهِ بِاسِطَةٍ لَا تَنْقُضِی، اَءْشَاءُ لُحْكَ بِلُطْفِكَ الْخَفِیِّ الَّذِیْ مَا لُطْفَتْ بِهِ لِعَبْدٍ اِلَّا کُفِی، اَءَنْ تُرِیْنِیْ مَوْلَایْ اَءَمِیرَ الْمُؤْمِنِیْنَ عَلِیَّ بْنَ اَبِی طَالِبٍ فِی مَنَامِی. - خدایا ، از تو درخواست می نمایم ، ای کسی که لطفش خفی ، و نعمتها و عنایتهاش گسترده و پایان ناپذیر است ، به لطف خفی ای که به هیچ بنده ای لطف نفرمودی مگر اینکه او کفایت شد ، از تو مسئلت دارم که مولا-یم امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب را در خوابم به من نشان دهی .

ذکر عملی جهت به خواب دیدن اموات فامیل

۸- هر کس بخواهد میت فامیل خود را در خواب ببیند ، در روایتی از بعضی از ائمه (علیهم السلام) نقل شده که فرمود: وقتی خواستی میت فامیل خود را در خواب ببینی ، با طهارت به خواب رفته و بر سمت راست بدن خود دراز بکشی ، و پس از گفتن تسبیح حضرت فاطمه (علیها السلام) ، بگو: اَءَلِّلَّهُمْ، اَءَنْتَ الْحَقُّ [یا: الْحَدُّ] الَّذِیْ لَا یُوصَفُ، وَالْاِیْمَانُ یُعْرِفُ مِنْهُ، مِنْكَ بَدَتْ الْاَشْیَاءُ وَ اِلَیْكَ تَعُوْدُ، فَمَا اَقْبَلَ مِنْهَا کُنْتُ مُلْجَاةً وَ مُنْجَاةً، وَ مَا اَعْدَبَرُ مِنْهَا لَمْ یَكُنْ لَهُ مُلْجَاةٌ وَلَا مُنْجَاةٌ مِنْكَ اِلَّا اِلَیْكَ، فَاَءْشَاءُ لُحْكَ بِلَا اِلَهَ اِلَّا اَءَنْتَ، وَ اَءْشَاءُ لُحْكَ [ب] بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ، بِحَقِّ مُحَمَّدٍ (ص) سَیِّدِ النَّبِیِّیْنَ، وَ بِحَقِّ خَیْرِ الْوَصِیَّیْنَ، وَ بِحَقِّ فَاطِمَةَ سَیِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِیْنَ، وَ بِحَقِّ الْحَسَنِ وَ الْحُسَیْنِ اللَّذَیْنِ [یا: اَءَلَّذِیْ] جَعَلَتْهُمَا سَیِّدَیْ شَبَابِ اَهْلِ الْجَنَّةِ، عَلَیْهِمْ اَءْجَمَعِیْنَ السَّلَامُ، اَءَنْ تُصَلِّیْ عَلَیْ مُحَمَّدٍ وَ اَهْلِ بَیْتِهِ، وَ اَءَنْ تُرِیْنِیْ فِی الْحَالِ الَّذِیْ هُوَ فِیْهَا. - خداوندا ، تو حدّ زنده ای [یا: در حدّی] هستی که نمی توان توصیف نمود ، و ایمان از ناحیه تو شناخته می شود ، تمامی اشیاء از تو به ظهور رسیده و به سوی تو بازمی گردد ، لذا هر کدام از آنها که [به تو] روی آورد ، تو پناهگاه و محلّ نجاتش هستی ، و هر کدام که پشت کند هیچ پناهگاه و محلّ نجاتی از تو جز به سوی تو نخواهد داشت ، پس به [حقّ] اینکه معبودی جز تو نیست از تو درخواست می نمایم ، و به [حقّ] بسم الله الرحمن الرحیم ، به حقّ حضرت محمد (ص) سرور پیامبران ، و به حقّ حضرت علی بهترین اوصیاء ، و به حقّ حضرت فاطمه ، سرور زنان عالم ، و به حقّ امام حسن و حسین که آن دو بزرگوار را آقای جوانان اهل بهشت - که سلام بر همه آنان باد - گردانیدی ، مسئلت دارم که بر محمد و اهل بیت او درود فرستی ، و او را در همان حالتی که در آن است ، به من بنمایانی . ان شاء الله حتماً او را می بینی .

اعمالی جهت بیدار شدن برای دعا و استغفار و نماز شب و امور دیگر

درباره بیدار شدن برای هر امری ، و یا برای خصوص دعا و استغفار و روایاتی وارد شده است ، از آن جمله ۹- برای بیدار شدن برای هر امری منقول است که امام باقر (ع) فرمود: هر بنده ای تصمیم بگیرد که هر ساعت و لحظه ای که خداوند بهتر از آن آگاه است بیدار شود ، خداوند دو فرشته به او می گمارد تا او را در آن ساعت و لحظه حرکت دهند . ۱۰- باز برای بیدار شدن برای هر امری ، عامر بن عبدالله بن جذاعه [یا خداعه] می گوید: (۳۰۳) هر بنده ای هنگامی که در رختخواب می رود ، آخر سوره کهف

را بخواند ، در همان ساعت و لحظه ای که می خواهد بیدار می شود . ۱۱ - در روایتی پیرامون بیدار شدن برای خصوص دعا و استغفار ، نقل شده که حضرت ابی الحسن اول امام کاظم (ع) فرمود : هر کس خواست شب بیدار شود . هنگام خوابیدن بگوید : اَللّهُمَّ ، لَا تُنَسِّنِي ذِكْرَكَ ، وَلَا تُؤَمِّنِي مَكْرَكَ ، وَلَا تَجْعَلْنِي مِنَ الْغَافِلِينَ ، وَاعْبُئْنِي لِاحِبِّ السَّاعَاتِ إِلَيْكَ ، اءَدْعُوكَ فِيهَا فَتَسْتَجِيبَ لِي ، وَاعْزَأْ لَكَ فَتُعْطِنِي ، وَاعْزَأْ لَكَ فَتُعْفِرَكَ وَتُعْفِرَ لِي [یا : فَتُعْفِرْ لِي] ، إِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا اءَنْتَ ، يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ ، - خداوندا ، یادت را از فراموشم منما ، و از مکر و فریبت ایمن نگردان ، و از غافلان قرار مده ، و در محبوبترین ساعتها و لحظات در نزد خود بیدارم بفرما ، [تا اینکه] تو را در آن بخوانم تا برایم اجابت نمایی ، و درخواست نمایم تا عطا فرمایی ، و از تو طلب آمرزش نمایم [تا] بیامرزی ، که گناهان را جز تو نمی آمرزد . ای مهربانترین مهربانها . حضرت فرمود : خداوند متعال دو فرشته را بر او می گمارد تا او را بیدار نمایند ، اگر بیدار شد [که شد] ، و گرنه خداوند به آنان دستور می دهد که برای او استغفار نمایند . و اگر در آن شب مُرد ، در حال شهادت جان می سپارد ، و اگر بیدار شد ، هر چه که در آن وقت [یا : در آن جا] از خداوند متعال بخواهد به او عطا می فرماید . ۱۲ - و در پیرامون بیدار شدن برای شب بیداری و عبادت در شب ، آمده که حضرت جعفر بن محمد به نقل پدران بزرگوارش (علیهم السلام) از امیرالمؤمنین (ع) فرمود که رسول خدا(ص) فرمودند : هر کس خواست هر مقدار از شب را بیدار شود ، وقتی در جایی که می خواهد بخوابد دراز کشید ، بگوید : اَللّهُمَّ ، لَا تُؤَمِّنِي مَكْرَكَ ، وَلَا تُنَسِّنِي ذِكْرَكَ ، وَلَا تَجْعَلْنِي مِنَ الْغَافِلِينَ . اَعْقُومُ اِنْ شَاءَ اللّهُ سَاعِيَةً كَذَا وَكَذَا . . خداوند ، فرشته ای را بر او می گمارد که او را در همان لحظه بیدار نماید . ۱۳ - و از جمله روایات مربوط به بیداری برای نماز ، اینکه صفوان بن یحیی می گوید : شنیدیم که حضرت ابوالحسن موسی بن جعفر (علیهما السلام) می فرمود : هر کس خواست شب برای نماز برخیزد و خواب نرود ، هنگام رفتن به رختخوابش بگوید : اَللّهُمَّ ، لَا تُؤَمِّنِي مَكْرَكَ ، وَلَا تُنَسِّنِي ذِكْرَكَ ، وَلَا تَوَلَّ عَنِّي وَجْهَكَ ، وَلَا تَهْتِكْ عَنِّي سِتْرَكَ ، وَلَا تَأْخُذْنِي عَلَى تَمَرْدِي ، وَلَا تَجْعَلْنِي مِنَ الْغَافِلِينَ ، وَاعْبُئْنِي مِنْ رَفْدَتِي ، وَسَهِّلْ لِي الْقِيَامَ فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ فِي اَحَبِّ الْاَوْقَاتِ إِلَيْكَ ، وَارْزُقْنِي فِيهَا الصَّلَاةَ وَالشُّكْرَ وَالِدُعَاءَ ، حَتَّى اَعْزَأْ لَكَ فَتُعْطِنِي ، وَاعْزَأْ لَكَ فَتُعْفِرَكَ فَتُعْفِرَ لِي ، اِنَّكَ اَنْتَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ . - خداوندا ، مرا از مکر و فریبت ایمن مگردان ، و یادت را فراموشم مکن ، و روی از من مگردان ، و پرده [ستاریت] را مَدَر ، و به خاطر سرکشی ام مرا مگیر ، و از غافلان قرار مده ، و از خواب بیدارم کن ، و بیدار شدن در این شب را در بهترین اوقات در نزد تو برای من آسان گردان ، و در آن وقت نماز و شکر و دعا را روزی ام فرما ، تا اینکه از تو درخواست نمایم و به عطا کنی ، و تو را بخوانم و اجابت نمایی ، و از تو طلب آمرزش کنم و مرا بیامرزی ، براستی که تویی بسیار آمرزنده و مهربان .

اعمال هنگام پهلوی به پهلوی شدن در رختخواب

اینک آنچه را که بنده بعد از خوابیدن و هنگام پهلوی به پهلوی شدن در رختخواب و پیش از نشستن باید بگوید ، ذکر می کنیم : ۱ - ابوبصیر می گوید : امام باقر (ع) پیرامون فرمایش خداوند - تبارک و تعالی - که فرمود : كَانُوا قَلِيلًا مِنَ اللَّيْلِ مَا يَهْجَعُونَ . (۳۰۴) : (آنان همواره بخش اندکی از شب را نمی خوابیدند .) فرمود : این گروه می خوابیدند ، ولیکن هرگاه که پهلوی به پهلوی می شدند ، می گفتند : اَلْحَمْدُ لِلّهِ ، وَاللّهُ اَعْزَبُ . (ستایش خدا را ، و خداوند بزرگتر است .) ۲ - در روایت دیگر پیرامون آنچه که هنگام پهلوی به پهلوی شدن بر رختخواب گفته می شود ، آمده است که احمد بن عبد ربّه خانبه کرخی در کتاب مملیات خود آورده - هم او که به گفته خود کتابش را بر حضرت ابی الحسن علی بن محمد بن عسگری ، امام هادی (علیهما السلام) عرضه کرد ، و حضرت آن را مشاهده نمود و فرمود : صحیح است و بدان عمل کنید . البته در روایتی که پیشتر نقل کردیم ، راوی عرضه کتاب احمد بن خانبه بر مولایمان امام هادی (ع) ، کس دیگری غیر از احمد بن خانبه بوده است - در حال ، احمد بن خانبه در کتابی که بدان اشاره کردیم آورده که : وقتی از خواب بیدار شدی و بر رختخواب پهلوی به پهلوی کردی ، بگو : لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْحَيُّ الْقَيُّومُ ، وَهُوَ عَلَى